PDF.tarikhema.org

این نسخه جهت توزیع رایگان تهیه شده است.

گاتهای زرتشت

مقابله ۱۰ ترجمه فارسی سروده‌های اشوزرتشت

آبتین ساسانفر، خسرو خزاعی (پردیس)، فیروز آذرگشسب، رستم شهزادی، ابراهیم پورداود، عباس شوشتری، علی اکبر جعفری، جلیل دوستخواه، حسین وحیدی، هاشم رضی

همراه با پارسی نگاشتِ واژه‌های اوستایی

به اهتمام : آرشا

... در گاتاها فقط یک خداوند و آفریدگار وجود دارد و زرتشت پیام‌آور یک توحید خالص است. معدودی از پژوهشگران تحت تأثیر اوستای متأخر به یک نوع ثنویت تکیه کرده‌اند که ...

ص ۲۱۱ زرتشت مزدیسنا و حکومت (مهندس جلالدین آشتیانی)

... با نیک‌نگری در این رهنمای «گاتاها و تنها گاتاها» و زبان و زمان و فرهنگ دوران در خواهیم یافت که: زرتشت نه خود را پیمبر فرمان و دستورآور از سوی خدا خواند، و نه مزدا خدای فرمانده و دستور دهنده است. از پُل صراط و شکنجه و آزار کفار و دشمنان دین، آتش دوزخ و... در گاتاها کوچکترین نشانی نیست[۱]، مزدا که گاهی دوست و رهنما، گاهی پدر راستی و همراه اشا و وهومن... و در همه جا دانش فراگیر و بنیان آفرینش است، که هستی نیز خود بر دانایی و شگفتی و اعجاز بنا شده و برای یک آدم پرسشگر، در برگیرنده‌ی همه‌ی پاسخهاست...

صفحه ۱۱ تحقیقی در دین یهود (مهندس جلالدین آشتیانی)

با توجه به تجزیه و تحلیل بالا و قبول همزمان بودن گاتاها و وداها، تاریخ ظهور زرتشت را می‌توان بین ۱۷۰۰ – ۱۴۰۰ ق. م. مشخص کرد و اگر روزی قدمت وداهای اولیه، بیش از آنچه تاکنون پذیرفته شده، اثبات گردد زمان تأثیر زرتشت را نیز به همان نسبت باید به عقب برد.

ص ۱۷۰ زرتشت مزدیسنا و حکومت (مهندس جلالدین آشتیانی)

دانلود کتاب اوستای کهن دکتر ساسانفر
http://w-z-c.com/gataha.html

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

با ادای احترام به روان‌شاد فرانک دوانلو پیش قدم
در ارائه سبک مقابله در متون گاتاها.

آرشا

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

لیست آثار مهندس جلال‌الدین آشتیانی

دفتر (جزوه) ماتریالیسم		۱۳۲۷
مدیریت نه حکومت	اسفند	۱۳۵۸
زرتشت مزیستا و حکومت	شهریور	۱۳۶۰
تحقیقی در دین یهود	مهر	۱۳۶۲
تحقیقی در دین مسیح		۱۳۶۴
عرفان بخش اول ـ شامانیسم		۱۳۶۷
عرفان بخش دوم ـ مذاهب اسراری	پائیز	۱۳۶۸
عرفان بخش سوم ـ وداها (مذاهب هندی)		۱۳۷۰
عرفان بخش چهارم ـ ودانتا (مذاهب هندی)	زمستان	۱۳۷۰
پیشگفتار چاپ نهم زرتشت مزیستا و حکومت	تیر	۱۳۷۳
عرفان بخش پنجم ـ بودیسم و جینیسم		۱۳۷۶
خلاصه خبر آسوشیتدپرس ۱۹۸۹ (دین مسیح)	اردیبهشت	۱۳۷۹
پیشگفتار تحقیقی در دین یهود (اشپیگل)	بهمن	۱۳۸۱
مقاله کشف راز آرامگاه گمشده عیسی مسیح در پیشگفتار کتاب دین مسیح		۱۳۸۹

(کتاب مرتبط)

گاتهای زرتشت: مقابله ۱۰ ترجمهٔ فارسی	به اهتمام : آرشا	۱۳۹۸

هدایت به صفحه حاوی لینک‌های دانلود هر یک از این آثار

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فهرست

لیست آثار مهندس جلال‌الدین آشتیانی ۹

اهنودگاتا (۳۴ - ۲۸) ۱

هات بیست و هشتم ۱
هات بیست و نهم ۲۳
هات سی‌ام ۴۵
هات سی و یکم ۶۷
هات سی و دوم ۱۱۱
هات سی و سوم ۱۴۳
هات سی و چهارم ۱۷۱

اشتودگاتا (۴۶ - ۴۳) ۲۰۱

هات چهل و سوم ۲۰۱
هات چهل و چهارم ۲۳۳
هات چهل و پنجم ۲۷۳
هات چهل و ششم ۲۹۵

سپنتمدگاتا (۵۰ - ۴۷) ۳۳۳

هات چهل و هفتم ۳۳۳
هات چهل و هشتم ۳۴۵
هات چهل و نهم ۳۶۹
هات پنجاهم ۳۹۳

وهوخشترگاتا (۵۱) ۴۱۵

هات پنجاه و یکم ۴۱۵

وهیشتوایش‌گاتا (۵۳) ۴۵۹

هات پنجاه و سوم ۴۵۹

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اهنودگاتا (۳۴ – ۲۸)

هات بیست و هشتم

هات ۲۸ ، بند ۱

اَهیا یاسا نِمَنگها اوستانَ زَستو رَفِذ رَهیا
مَئی‌نُیئوش مَزدا پَئو اورویم سپِن‌تَهیا اَشا ویس پِنگ شییِ‌اُتَنا
وَنگهِئوش خرتَوم مَنَنگهُو یا خشنِویشا گِئوش‌چا اوروانِم

با نیایش و دستهای برافراشته، ای مزدا، نخست یاری و پشتیبانی سپِنتامئینیو (گوهر پاک) را درخواست می‌کنم که همه کارها و کردارم هماهنگ با اشا (راستی) باشد. بدان وسیله خرد وُهومَن و روانِ جهان را خشنود می‌کنی. (ساسانفر)

با دستهای بر افراشته، ای مزدا، بتو نیایش میکنم، و با فروتنی از تو درخواست خوشبختی دارم. باشد که همه کردارهای من، با خرد و اندیشه نیک، و هماهنگ با آئین راستی انجام گیرد، تا تو را خشنود و روان زمین بارور را خوشبخت سازم. (پردیس)

پیش از هر چیز ای دانای بزرگ نیکی افزای مینوی، با دست‌های برافراشته ترا نماز برده و خوشبختی کامل را خواستارم. پروردگارا بشود که در پرتو راستی و درستی و برخورداری از خرد و دانش و ضمیر پاک، روان آفرینش را خشنود سازم. (آذرگشسب)

او را اکنون می‌ستایم و نماز می‌برم. با دست‌ها برداشته برای سعادت کامل به روان پاک ای مزدا در نخستین، بواسطه اعمالیکه الهام شده از اشا هستند (من دعا می‌کنم) برای همه (دانش) و (دعا می‌کنم) برای خرد وهومنی تا (به این طریق) بتوانم نیز روان مادر گیتی را (از خود) خوشنود سازم. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا! ای سپند مینو! اینک در آغاز با دست‌های برآورده، ترا نماز می‌گزارم و خواستار بهروزی و رامشم. [بشود که] با کردارهایِ «اَشَه» و با همهٔ خِرد و «منش نیک»، «گوشورَن» را خشنود کنم. (دوستخواه)

خواستارم در نماز با دست‌های بلند شده، نخست، ای مزدا رامش از برای همهٔ آفرینش سپند مینو، ای اردیبهشت (و) اینکه خرد بهمن را خوشنود توانم ساخت و گوشورون را. (پورداود)

ای اهورامزدا، ای خداوند جان و خرد سرم در نمازت خم است و دست‌هایم افراشته. از تو می‌خواهم با کارهای راست و درست و پاک خود که از روی خرد و با دانش نیک انجام می‌گیرند، جهان را آباد و جهانیان را شاد سازم. (جعفری)

با دست‌های برافراشته به سوی تو ای مزدا با فروتنی تمام پیش از همه چیز خواستارم که بهره‌ای از خرد مقدس خود را به من عطا فرمایی تا به همراهی درستی کردار و ضمیر پاک بتوانم خوشبختی روان آفرینش (همه جهان) را فراهم سازم. (شهزادی)

اینک به هنگام نیایش، ای اهورامزدا دست‌هایم را به سوی تو بلند کرده و درخواست می‌کنم تا جهانِ نیک آفریده شده در کام خوشی و شادی غرقه باشد. ای اهورامزدایِ بزرگ و توانا خواستارم تا بتوانم با آموزش‌هایم، در این جهان آسایش و کامیاری برقرار سازم. (رضی)

اینک، ای مزدای مینوی پاک نیکی افزا، در آغاز، با دست‌های برافراشته و خواهان خوشبختی به تو نماز می‌آورم. باشد که با همهٔ کردارهای پاک و راست، که با خرد و اندیشهٔ نیک انجام گیرد، روان آفرینش را خشنود سازم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

https://drive.google.com/file/d/1Ueemm0RiFmI26GDFzA_7IG3j8MF5AB9e/view

هات ۲۸ ، بند ۲

یِ واو مَزدا اَهورا پَئیری جَسایی وُهو مَنَنگها

مَئیبیو داوُیی اَهواو اَست وَتَس چا هیت چا مَنَنگهُو

آیپ‌تا اَشات هَچا یائیش رَپَنتُو دَئی‌دیت خُواترِ

بشود ای اهورا مزدا که با یاری وهْومن (اندیشه نیک) به تو نزدیک شوم. به من کامیابی‌ها و پاداش‌هایی را که از راه اَشا (راستی و حقیقت) به دست می‌آید در دو جهان مادی و مینوی ارزانی شود، که از آنها برای پشتیبانان تو خرمی و سربلندی پدید آید. (ساسانفر)

پس، ای مزدااهورا، با اندیشه نیک به سوی تو می‌آیم. تا در پرتو راستی، خوشبختی هر دو جهان، مادی و مینوی را به من بشناسانی، تا بتوانم آنرا به همراهان خود بشناسانم. (پردیس)

ای هستی‌بخش دانای بزرگ هر آینه با اندیشه‌ای پاک و دلی روشن بتو نزدیک شده و بدیدارت نایل خواهم شد. پروردگارا پاداشی که تنها در پرتو راستی بدست می‌آید و مؤمنین را خوشبخت می‌سازد در هر دو جهان مادی و معنوی بما ارزانی دار. (آذرگشسب)

من به راستی ای مزدا اهورا: بشما بواسطه وهومن نزدیک خواهم شد. که به من در هر دو جهان بخشیده شود سعادت چه تنی (در این زندگی) و چه روانی (در زیست آینده) بواسطه اشا و تا که تو رهنمائی کنی گرویدگان (آموزش ترا) به جهان روشنائی. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! با «منش نیک» به تو روی می‌آورم. پاداش هر دو جهان آستومند و مینُوی را که از «اَشَه» [است] و دین آگاهان را گشایش و رامش می‌بخشد، به من ارزانی دار. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

من که بشما روی می‌آورم، ای مزدا اهورا، بامنش نیک، بمن ارزانی دارید آن آبادی دو جهان خاکی و مینوی را بدستیاری اردیبهشت که بیاران گشایش دهد. (پورداود)

ای خداوند دانا، با اندیشهٔ نیک نزد تو می‌آیم. مرا و یارانم را از راه راستی و درستی نیکی و نعمت هر دو هستی، تنی و روانی، ارزانی دار، تا به آسایش و آرامش برسیم. (جعفری)

ای اهورامزدا بشود که با اندیشهٔ نیک به تو نزدیک شوم و با پیروی از هنجار هستی به ارزش نیروهای تن و روان خود پی برم تا بتوانم راستی‌جویان را به سوی روشنی و خرمی و زندگانی نیک هر دو جهان رهبری کنم. (شهزادی)

ای اهورامزدا، با دلی پاک و اندیشه‌یی نیک به تو روی می‌آورم. ای مزدایِ نیکی افزای، خواستارم که به من ببخشایی کامیابی در این جهان مادی را و توفیقِ وصول به آن جهان مینوی را، و این که بتوانم گروه مردمان را آن چنان آیین بیاموزانم که هر دو جهان را چنین دریابند. (رضی)

ای مزدا اهورا، با اندیشهٔ نیک به تو روی می‌آورم، در پرتو راستی، مرا از پاداش زندگی مادی و مینویی، که گروندگان را به خوشبختی می‌رساند، برخوردار کن. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۸ ، بند ۳

یِ واو اَشا اوفیانی		مَنَس چا وُهو اَ پَ اُاوروِیم
مَزدام چا اَهورِم یهَ اِ ای بُیو		خشَترم چا اَغزَ ئُون وَم نِم
وَرَدَایتی اَرمَئی تیش آمُوئی		رَفِزرائی زَوِنگ جَسَتا

که شما را ای اشا، ای وُهومن سرود می‌گویم چنانکه پیش از این سروده نشده است. اهورامزدا، خشَترا و اَرمَئینی را که نیروی کاستی ناپذیر را می‌گستراند نیز سرودِ ستایش می‌گویم به درخواست ما (من و پیروانم) برای یاری و پشتیبانی به سویم آیید. (ساسانفر)

ای راستی، و ای اندیشه نیک، من برای شما سروده هایی میسرایم که پیش از این کسی نسروده، و در این راستا، آنها را به اهورامزدا و به کسانی که نیروی خود چیرگی را در جهان درونی خویش فرمانروا کرده، و به گام آرامش پا نهاده‌اند ارمغان میکنم. پس بسویم آئید، و راز یک زندگی شاد خوشبخت را به من بیاموزید. (پردیس)

ای هستی‌بخش دانا، ای اَشا و ای وُهومن (مظاهر راستی و پاکی و اندیشهٔ نیک و مهرورزی بمردم) سرودهائی می‌سرایم که کسی پیش از این نسروده است. آرزو دارم بوسیلهٔ اَشا، وُهومن و خَشَتْرای فناناپذیر (مظهر قُدرت و ارادهٔ خداوند) حس ایمان و فداکاری در قلبمان افزایش یابد. پروردگارا درخواست ما را بپذیر و بسویمان روی آور بما خوشبختی ارزانی دار. (آذرگشسب)

من به تو ای اشا (سرود) می‌سرایم. به وهومن چنانکه پیش از این (کسی نسرائیده) و به مزدا اهورا به (مهربانی) شما و خشترم که (نمیرنده) جاوید است و نیز ارمایتی را در خود بیافزایم. بیائید اینجا (اکنون) و بما سعادت کامل بخشید. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا اهوره! تو و «اشه» و «منش نیک» را سرودی نو آیین می‌گویم تا «شهریاریِ مینُویِ» پایدار و «آرمیتی» در من افزون گیرد. هر آنگاه که ترا به یاری خوانم، به سوی من آی و مرا بهروزی و رامش‌بخش. (دوستخواه)

من که شما را، ای اردیبهشت، سرود گویم بروش نو و بهمن و مزدا اهورا و کسانی را که سپندارمذ از برایشان کشور نکاستنی ببالاند: بیاری من رسید هر آنگاه (که شما را بیاری) همی خوانم. (پورداود)

ای راستی و ای منش نیک من برای شما، ای صفات خدای دانا سرود گویانم، سرودهایی که تاکنون کس نسروده، سرودهایی که در شهریاری خلل ناپذیر خدا آرامش می‌بخشند. به نیایشم گوش کنید، به یاریم بشتابید. (جعفری)

ای اهورامزدا ـ من این سرودهای ستایش خود را آن سان که پیش از این کسی نسروده است، نیازت می‌کنم ـ ای روان راستی و ای نیک‌اندیش واقعی ـ از تو درخواست می‌کنم تا در جهان نیروی فناناپذیر معنوی‌ات پرتو افکند. اینک که تو را با ستایش خود فرا می‌خوانم، به سویم شتاب و مرا از خوشبختی و کامیابی راستین برخوردار ساز. (شهزادی)

منم آن کس که سرود گویانم اهورامزدا را، اهورا را با سرودهایی آن چنان می‌ستایم که بدین سان تاکنون کس نشنوده و نسروده. اینک گروهی این سرودها را به جان شنوده‌اند و اهورایِ بی‌زوال و یکتا را ستایشگراند. باشد ای نیروهای خیر و نیکی که تا بهترین مراحل آموزش، راهبری‌شان کنم. (رضی)

ای راستی، و ای اندیشهٔ نیک، و ای مزدا اهورا، من برای شما می‌سرایم، با سرودی که پیش از این کس نسروده است، تا توانایی مینویی و پارسایی، در ما فزونی گیرد. خواهش ما را بپذیرید، و به ما شادمانی و خوشبختی بخشید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۸ ، بند ۴

یِ اوروانِم مِن گَئیرِ		و هو دَدِ هَترا مَنَنگها
اَشیش چا شیهَ ئو تَنَ نانم		ویدوش مَزداو اَهورَ هیا
یَوَت ایسائی تَواچا اَوَت		خسائی اَ اِشِ اَشهَیا

من که روانم را با کمک وُهومن دربست و سراسر به سرود (آموزش‌های گاتاهائی) می‌سپارم و از پاداش اهورامزدا برای کردار نیک آگاهم. تا زمانیکه نیرو و توانایی دارم در آرزوی رسیدن به راستی و حقیقت این سرودها را در دیده دارم و دنبال می‌کنم. (ساسانفر)

من که روانم را با اندیشه نیک هم آهنگ کرده‌ام، میدانم که هر کاری در راه اهورامزدا انجام گیرد پاداش خواهد داشت. پس تا زمانی که نیرو و توان دارم به دیگران می‌آموزم که در راه راستی بکوشند. (پردیس)

در پرتو اندیشهٔ پاک روانم را بسوی فردوس رهبری خواهم کرد و با آگاهی از پاداشی که خدای هستی‌بخش دانا برای کارهای نیک مقرر فرموده است کوشش خواهم کرد تا آنجا که مرا تاب و توان است مردم را بیاموزم که براستی گرایند و درستی پیشه سازند. (آذرگشسب)

به راستی در بهشت برین روانم یا روانیکه به وهومن پیوسته رهنمائی خواهم کرد و از آنجائیکه از سعادتی که (از بجا آوردن) کارهای نیک (بنام) اهورمزد می‌یابیم آگاه شده تا زمانیکه اراده و توانائی دارم به (مردم) خواهم آموخت که برای (کار اشائی) بکوشند. (شوشتری)

من روانم را با «منش نیک» به فراترین سرای خواهم برد؛ چه از پاداشی که «مزدا اهوره» برای کردارها بر نهاده است، آگاهم. تا بدان هنگام که توش و توان دارم. [مردمان را] می‌آموزم که خواستار «اشه» باشند. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

من بیاد سپرده‌ام که روان را با همراهی منش نیک نگهبانی کنم، چه از پاداش مزدا اهورا از برای کردار آگاهم تا هر چند که توان و توش دارم خواهم آموخت که دین راستین (اشا) جویند. (پورداود)

بیگمان، من روانم را با اندیشهٔ نیک همساز می‌کنم، و می‌دانم که هر کاری که برای خدای دانا انجام گیرد، چه پاداشی دارد. تا تاب و توانایی دارم آیین راستی را به همه خواهم آموخت. (جعفری)

هنگامی که با منش پاک تو را با سرودهای ستایش فرا می‌خوانم، آگاه هستم که مرا برای رهبری روان مردم جهان گماشته‌ای و از پاداشی که تو ای مزدا اهورا برای کردار نیک می‌بخشی خبر دارم و آماده‌ام تا زمانی که مرا تاب و توان است، به مردم بیاموزم که به سوی راستی راه پویند. (شهزادی)

من بر آنم تا نخست در روانِ مردمان، راستی و نیکی را برانگیزانم و منِشی نیکو برای‌شان برسازم. تا پایدارم و خواهم توانست در این راه پیش خواهم رفت، چون نیک آگاهم که این راه اهورایی چه پایان خوشی در پی دارد. (رضی)

من روانم را با اندیشهٔ نیک، به سرای برین جای خواهم داد. و با آگاهی از پاداشی که اهورامزدا برای کارها برنهاده است، تا تاب و توان دارم، به مردمان می‌آموزم که در راه راستی بکوشند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۸ ، بند ۵

اَشا کت تُوا دَرِسانی　　　مَنَس چا وُهو وَادِم نُو

گاتوم چا اهورایی سِویشتائی　سراُشم مزدایی

اَنا مانترا مَزیشتِم　　　وائوروئی مَئیدی خرَفسترا هیزوا

ای اشا کی به وسیله تو سروش را خواهم دید و وُهومن را درمی‌یابم تا به سوی اهورامزدا، آن بزرگترین و نیرومندترین، راه جویم و با این پیام مینوی، گمراهان را با زبان خویش به بالاترین مرز درست اندیشی هدایت کنم. (ساسانفر)

ای راستی،کی تو را خواهم دید؟ من که اندیشه نیک را دریافته‌ام، کی میتوانم راهی را که سوی اهورای پیشبرنده میرود پیدا کنم و به سروش راه نمای مزدا گوش فرا دهم؟ با چنین نیروی روشنی بخش است که ما، دروغ را در دروغکاران خواهیم شکست و آنها را وادار به گزینش بخش پر فروغ زندگی خواهیم نمود. (پردیس)

ای اَشا، مظهر راستی و پاکی، کِی بزیارت تو نایل خواهم شد؟ ای وُهومن مظهر اندیشهٔ نیک، آیا با دانش الهی و خرد واقعی تُرا خواهم شناخت؟ آیا با فرمانبرداری از ندای وجدان و فرمان اهورائی بسوی هستی‌بخش دانا و توانا راه خواهم یافت؟ بشود که در پرتو کلام مقدس و با نیروی بیان گمراهان را به برترین راه که همانا راه راستی و یکتا پرستی است رهبری کنم. (آذرگشسب)

ای اشا کی تو را خواهم دید (بافت) و نیز به دانش پی برده وهومن (را بیابم) و نیز (چه زمان خواهم یافت) راه اهورمزد توانا و سروش را (یا بوسیله سروش) و با داشتن این منتره یعنی سخن مقدس به برترین (راه) ما بتوانیم به زبان (سخن) مردم نادان وگمراه را (به راه راست) برگردانیم. (شوشتری)

ای اشه! کی ترا خواهم دید و «منش نیک» را به فرزانگی در خواهم یافت؟ کی به [سرایِ] «اهوره»ی تواناتر از همگان، راه خواهم برد و نیوشای

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

[سخن] «مزدا» خواهم شد؟ بدین «مَنثَره»یِ مهمتر، با زبان خویش، گمراهان را به برترین راه، رهنمونی خواهم کرد. (دوستخواه)

ای راستی، کی چون دانائی ترا خواهم دید و منش نیک را؟ و تواناترین بارگاه اهورا (و) پیروان مزدا را؟ از این مهین‌تر گفتار بگروانم زیانکاران با زبان‌مان. (پورداود)

کی راستی و منش نیک را خواهم دید؟ کی راه خدای بخشاینده را خواهم یافت؟ کی آوای درونی مزدایی را خواهم شنید؟ من با پیام مهین بر زبان، گمراهان را به راه خواهم آورد. (جعفری)

ای راستی کی به تو خواهم رسید؟ کی مانند دانایی از بخشش منش پاک خشنود خواهم شد؟ چه وقت به فرمانبرداری از ندای دل و وجدان به سوی تو راه خواهم یافت؟ کی خواهم توانست با زبان خویش و با بیان روشن آیین مقدس تو را به جهانیان بفهمانم؟ چه وقت توان آن را خواهم داشت که جنگجویان و بدخواهان و راهزنان و گمراهان را به سوی راهی که از همه بهتر و برتر است رهبری کنم؟ (شهزادی)

کی آن زمان فرا خواهد رسید که چیرگی و فرمانروایی راستی را بنگرم؟ کی خواهد شد تا فروغ آسمانیِ اهورایی را بر این زمین سراسر بِگستَرانم، کی خواهد آمد تا ناگروندگان را نیز به این گفتارهای نیک بگروانم. (رضی)

ای راستی، کی ترا خواهم دید؟ ای اندیشهٔ نیک، کی با دانایی ترا در خواهم یافت؟ و ای اهورای توانا، کی به تو راه خواهم برد؟ و کی آوای درونی مزدایی را خواهم شنید؟ باشد که با مهین پیام اندیشه انگیز بر زبان، به گمراهان راه بنمایم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۸ ، بند ۶

وُهو گَئیدی مَنَنگها دائیدی اَشا داو دَرِگایو

اِرِش وائیش تو اوخزائیش مَزدا

زَرَتوشترائی اَئوجُونگه وَت رَفِنو

اَهمَ ئی بیاچا اهورا یا دَئی بیش وَتو دَوَ اِشاو تَئوروَیاما

با وُهومن به سویم آی و در پرتو اشا دهشی ارزانی بدار که زمانی دراز پایدار بماند. اکنون ای مزدا به یاری سخنان ارزشمند (وگفتار رَسا) به زرتشت و یارانش نیرو بده تا بر آزارها و ستیزگی دشمن چیره شویم. (ساسانفر)

ای اندیشه نیک، بسوی من آی، و زندگی درازی را که مُهر راستی به آن خورده به من ارمغان کن. ای مزدااهورا، با سخنان پرفروغ خود، بمن [زرتشت] و همراهانم، پشیبانی پر توانت را نمایان کن، تا بتوانم به دشمنی دشمنان خود پیروز گردم. (پردیس)

پروردگارا چنانکه در گفتار آسمانی نوید داده شده است در پرتو اندیشهٔ پاک و راستی بسوی ما آی و ما را از بخشایش دیر زیوی برخوردار ساز، ای هستی‌بخش دانا به زرتشت و همه دوستان او نیروی معنوی و شادمانی بخش تا بر کینه دشمنان خود چیره گردند. (آذرگشسب)

با وهومن بسوی ما بیا و بخشش جاوید را بما بده، ای مزدا! براستی بنا بر سخنان راست تو به زرتشت شادی زیست باطن را عطا فرما و نیز به ما ای اهورا! تا (بتوانیم) بر نفرت دشمنان چیره گردیم. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! با «منش نیک» و «اشه» [به سوی ما] آی و به گفتار راستِ خویش، «زرتشت» را و همهٔ ما را دهش زندگی دیرپای ارزانی دار. ما را نیرو [یِ مینوی] و شادمانی بخش تا بر ستیزه و آزار دشمنان چیره شویم. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بیا بامنش نیک بده بخشایش پایدار راستی از گفتار درست خویش بزرتشت ای مزدا، و بما پناه نیرومند (بخش) ای اهورا تا که ما بستیزهٔ دشمن چیره شویم. (پورداود)

مزدا، منش نیک را در من بیفروز و از آیین راستی عمر درازی را ارزانی دار. خدایا، با سخنان راستین خود من، زرتشت و یارانم را یاری کن و نیرو بخش تا آزار بدخواهان را از میان برداریم. (جعفری)

ای مزدا به سوی من آی و مرا از بخشش منش پاک و راستی برخوردار سازـ از تو می‌خواهم که به من زندگی دراز و نیروی سرشاری از مادی و معنوی ارزانی داری تا بتوانم بر کینهٔ بدخواهان و دشمنی دشمنانِ راه تو پیروز گردم. (شهزادی)

پرتوی از آن نیرومندی استوار را همراه با پاک منشی و گفتار روشن و دلنشین، ای اهورامزدا به ما ببخشای، زرتشت را آن چنان برانگیز تا بتواند ستیزه جویان و بر همزنانِ راستی را شکست دهد. (رضی)

ای راستی و ای اندیشهٔ نیک، به سوی من آیید، و بخشش دیر زیوی را به من ارزانی دارید. و تو ای مزدا اهورا، با سخنان راستین خود، به زرتشت نیروی مینویی و شادمانی، و به همه ما توانایی ده، تا بر آزار و ستیزِ دشمنان خود چیره گردیم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۸ ، بند ۷

دائیدی اَشا تانم اَشیم   وَنگهِئوش آیپ تا مَنَنگهو
دائیدی تو آرمئیتِ   ویشتا سپائی ایشمِ مَئی بیا چا
داوس تو مَزدا خَشَ یا چا   یا وِ مانترا سرِویم راداو

ای اشا سهم و بخش ما را از پاداشی که برای نیک اندیشی است ارزانی بدار. ای آرمُئیتی به ویشتاسپ و من (زرتشت) توانایی ببخش. ای مزدا اکنون کام ما را برآور و بخواه که پیام مینوی را بشنویم و دریابیم. (ساسانفر)

ای راستی، پاداشی را که ارمغان اندیشه نیک است بما ارزانی دار، و تو ای آرامش، آرزوهای گشتاسب و همچنین مرا بر آورده ساز. و سرانجام ای مزدا، به همگی ما توانائی بخش تا بتوانیم پیام تو را با پیروزی در جهان گسترش دهیم. (پردیس)

ای اَشا آن بخشایشی که ثمره اندیشهٔ پاک است بما ارزانی دار، ای آرمئی‌تی آرزوهای گشتاسب و پیروان ما را برآورده ساز. ای خداوند خرد بما بندگان فداکار نیرو بخش تا فرمان مقدس ترا بجهانیان بفهمانیم. (آذرگشسب)

ای اشا! سعادتی که وهومن به پاداش می‌دهد عطا فرما، و ای ارمایتی! آرزوی (خواهش) وشتاسپ و نیز مردم (پیروان) مرا برآور. ای مزدا! به خداوندی خود بده (هوش) بما تا ما بندگان گرویده فرمان ترا اجرا کنیم (به ورزیم). (شوشتری)

ای اشه! آن بخششی را که پاداش «منش نیک» است، به ما ارزانی دار. ای آرمیتی؛ آرزوی «گشتاسپ» و پیروان مرا برآور. ای مزدا! ستایشگران خویش را نیروبخش تا «مَنثَره»یِ ترا [به مردمان] بیاموزند. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بده، ای اردیبهشت، آن پاداش (و) آبادی منش نیک، تو ای سپندارمذ بده بگشتاسب خواهش (خویش) و بمن آن ده، ای مزدا و پادشاه که پیغمبر شما سرود ستایش روا کند. (پورداود)

ای اش، ای راستی، آن نیکی و نعمت را ارزانی دار که نیک منشی‌اش می‌نامند. آرمئیتی، ای آرمش درونی، آرزوی گشتاسب و یارانم را برآر. آری، ای مزدا، آن نیرو و توانایی را ببخش که پیام ترا با کامیابی تمام به همه برسانیم. (جعفری)

ای اشا بهترین راستی را به من آشکار ساز ـ ای آرمئی‌تی خواهش و آرزوی مرا نسبت به گشتاسپ شاه برآورده ساز. ای مزداـ ای سرور من، چنان کن که پیامبر تو بتواند پیروانی برای خود فراهم سازد تا به یاری آنان فرمان مقدست را در جهان بگستراند. (شهزادی)

ای اَردیبهشت، توفیق بهزیستی را در پناه نیک اندیشی در این سرزمین پراکنده ساز. ای آرمئی‌تی خواست‌هایِ گشتاسپ و مرا روا کن تا بتوانیم آن سرودهای مقدس را بسراییم. (رضی)

ای راستی، بخششی را که پاداش اندیشهٔ نیک است، به ما ارزانی دار. و تو ای پارسایی، آرزوهای گشتاسب و پیروان او را برآورده ساز. و تو ای مزدا، به ما توانایی بخش، تا پیام ترا به همگان برسانیم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۸ ، بند ۸

وَهیشتِم تُوا وَهیشتا یم اَشا وَهیشتا هَزَئوشِم
اَهورم یاسا واَئونوش نَرُئی فَرشَ ئُوشترائی مئی بیا چا
یَ اِای بیس چا ایت راوَنگ هَنگ هوئی
ویسپایی یَ وِ وَنگهِئوش مَنَنگهُو

بهشت «بهترین آفریده« اهورا را به‌وسیله تو برترین، که با بهترین راستی همراه و هماهنگ هستی. از روی مهر برای فَرُشوشتَر دلیر، برای خودم و یارانم درخواست می‌کنم. و به همگان بخشایش نیک اندیشی را برای همیشه ، در سراسر زندگی ارزانی بدار. (ساسانفر)

با دلدادگی ای اهورا، به سوی تو نیایش میکنم. تو که بهترین و بهتر از همه و با بهترین راستی هماهنگ هستی، از تو میخواهم که به فراشوستر ارجمند، به من و به همه رهروان راه تو بهترین اندیشه نیک را جاودانه ارمغان کنی. (پردیس)

ای هستی‌بخش، ای برتر از همه و با بهترین راستی هم اراده، از تو قلباً آرزو دارم که به فرشوشتر نامدار و یارانم و همچنین بکسانی که از بخشش جاودانی و نیک اندیشی برخوردارند بهشت ارزانی داری. (آذرگشسب)

ای برترین از تو بهترین بخشش (مقام) که یگانه هست با برترین اشا (از تو میخواهم) و از اهورا به آرزو التجا میکنم برای جوانمرد (قهرمان) فرشاوشتره و نیز برای مردم من و برای همه آنانکه خواهی بخشید سعادت وهومنی در همه زمان (جاوید). (شوشتری)

ای اهوره‌یِ با بهترین اَشَه همکام! ای بهتر از همه! آرزومندانه خواستارم که «فَرَشوشتَرِ» دلیر و دیگر یارانم را و آنان را که بی‌گمان بدیشان «منش نیک» جاودانه خواهی بخشید، زندگی بهتر ارزانی داری. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بهتری خواستارم از تو ای بهتر، توای اهورای با بهتر راستی همکام، خواهانم از برای فرشوشتر دلیر و از برایم و از برای کسی که تو آن را به بخشائی منش نیک، هماره جاودان. (پورداود)

ای که بهترین هستی و با بهترین راستی هماهنگ هستی، با دلی پر از مهر و محبت بخشش‌های نیک منشی و درست اندیشی را برای فرشوشتر و دیگر یاران خود برای همیشه می‌خواهم. (جعفری)

ای اهورا ـ ای بهتر از همه و ای اشا، ای کسی که پیوسته با بهترین راستی هم اراده‌ای، آرزوهای مرا و همهٔ یارانم از جمله نامور فرشوشتر و کسانی را که اراده کنی برآورده ساز تا همه از بخشش نیک اندیشی در این جهان و بهشت جاودان در جهان دیگر برخوردار شویم. (شهزادی)

ای اهورایِ بزرگ، ای بهترین راستی و ای سزاوار ستایش، از برای خود و فْرشوشتر و از برای همهٔ آنانی که سزاواراند، درخواست بخشایشِ نیک منشی می‌کنم. (رضی)

ای اهورا، ای تو بهترین و بهتر از همه، و با بهترین راستیها هماهنگ، به دل از تو می‌خواهم، به فرشوستر دلیر و دیگر یارانم، اندیشهٔ نیک را برای همیشه ببخشایی. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۸ ، بند ۹

اَنائیش واو نُوئیت اَهورا　　مَزدا اَشِم چا یا نائیش زَرَنَ اِما
مَنَس چا هیت وَهیشتِم　　یوئی وِ یوئی تِما دَسِم ستوتانم
یوژِم زِویش تیاوِهنگ هُو　　ایشُو خشَترِم چا سَوَنگ هانم

شما را ای اَهورا مزدا، ای اشا و ای وُهومن باشد که با این دهش‌ها (و بخشش‌ها که بر ما روا داشته‌اید) هرگز آزرده نسازیم. ما که در پیشکش بهترین ستایش‌ها به شما کوشا هستیم. شما که دارای برترین نیروی فرمانروایی و قدرت مینوی هستید. (ساسانفر)

ای اهورا، باشد که هیچگاه با بهره برداری نادرست، از پاداشهائی که بما ارزانی کرده ای تو را دل شکسته نکنیم، و راستی و اندیشه نیک را نیازاریم. ما در نیایش به تو، همگی دست به دست هم داده‌ایم، چون تورا بالاترین سرور برای ستایش میدانیم. (پردیس)

ای اهورامزدا، همواره کوشش می‌کنم سرودهای ستایش خود را صمیمانه نیازت کنم و هیچگاه اَشا و وَهومن (مظاهر پاکی و نیک منشی) را بخشم نیاورم زیرا اَشا، وَهومن و خشترای توانا را سزاوار ستایش می‌دانم. (آذرگشسب)

هرگز ای اهورامزدا شما را به این نیایش‌ها برانگیخته نخواهیم کرد و نه اشا و نه وهومن را (که بهترین است) اما که مشتاقانه می‌کوشیم که سرود ستایش را بشما تقدیم کنیم زیرا شما سزاوارترین هستید که ستوده شوید در نماز با خشترای نیرومند. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! با این بخشش، هرگز ترا و «اشه» و «منش نیک» را نمی‌آزارم و خشمگین نمی‌کنم. می‌کوشم تاترا ستایش نیاز آورم؛ زیرا شما و «شهریاریِ مینُویِ» نیرومند، سزاوار ستایش و در خور نیایشید. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از برای این نیکی، ای اهورامزدا و ای اردیبهشت و ای بهتر منش، نباید که شما را آزرده کنیم، (باید) بکوشیم که شما را ستایش پیش آوریم شمائید که آرزو زودتر برآوردید و (آن آرزوی) بکشور سود (= بهشت). (پورداود)

ای خدای دانا، کاری که برابر با آیین راستی و منش نیک نباشد، هرگز از ما سر نزند و ما را از تو دور نسازد. ما ستایندگان تو هستیم و تو، بیش از هر چیز، سزاوار ستایش هستی زیرا، توانایی و شهریاری سودبخش از آن تست. (جعفری)

ای اهورامزدا ـ مبادا هرگز کار ناشایستی از من سر زند که مورد خشم تو قرار گیرم. ای راستی و ای سرچشمهٔ پاک منشی پیوسته می‌کوشم تو را بستایم ـ ای کسی که آرزوهای ما را برمیاآوری ـ تو را از ته دل درود می‌گویم، چه می‌دانم نمازی که از روی ایمان و اعتقاد کامل انجام گیرد به درگاهت پذیرفته خواهد شد ـ ای کسی که امید بهشت ما به سوی توست. (شهزادی)

ای اهورایِ بزرگ، و ای همهٔ نیروهایِ خیر و نیک، از برای این بخشش‌هایِ ایزدی، بایستی با زبانی رسا نیایش‌هایمان را تقدیم کنیم، باشد تا در انجام کامروا باشیم. (رضی)

ای مزدا اهورا، ای راستی، و ای اندیشه نیک، با بخششی که به من دارید، هرگز شما را نمی‌آزارم، و می‌کوشم که ستایش خود را به شما نیاز کنم، که شما و توانایی مینویی، سزاوار و در خور ستایشید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۸ ، بند ۱۰

اَت ینگ اَشا اَت چا وُایستا   وَنگهِئوش چا داتِنگ مَنَنگهُو

اِرت ونگ مَزدا اَهورا   اَاِ ای بیو پِرنا اَپنائیش کامِم

اَت وِ خشمَ ئی بیا اَسونا   وَاِدا خورَ ای تیا وَاین تیا سرَواو

پس ای اَهورامزدا، کسانی را که از روی راستی و نیک اندیشی درستکار و سزاوار شناختی، کام و مراد آنان را با گشاده دستی برآورده ساز. می‌دانم که نزد شما آموزش‌ها، باورها و هدف‌های درست مورد بی‌توجهی نیستند. (ساسانفر)

ای مزدااهورا، آرزوی کسانی را که تو میدانی هماهنگ با راستی و اندیشه نیک هستند بر آورده کن، و به آنها پاداشی را که شایسته آنهاست ارزانی دار. میدانم که تو، سخنانی را که از عشق سرچشمه گرفته بی پاسخ نخواهی گزاشت. (پردیس)

ای هستی‌بخش دانا، هر آینه آرزوی کسانی را که در پرتو راستی و اندیشهٔ پاک از نظر تو روشن بین و درست‌کردار شناخته شده‌اند برآورده ساز، چه براستی می‌دانم ستایش‌های خالصانه و بی‌ریای بندگان تو که دارای هدفی عالی و نیک‌اند بلا اثر و بی‌نتیجه نخواهد ماند. (آذرگشسب)

ای اهورامزدا! چون میدانی برخی به سبب اشائی (نیک) بودن و به سبب دل پر مهر دانشمند و راست هستند پس آرزوی آنانرا به کامیابی در کارشان برآورد ـ زیرا می‌دانم از تو نماز نیازمندانه برای اینکه انجام نیک بشود بی‌پاسخ نمی‌ماند. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! آن فرزانگان روشن‌بینی را که در پیروی از «اشه» و «منش نیک» سزاوار می‌شناسی، به خوبی کامروا کن؛ چه، براستی می‌دانم که ستایش‌های از دل برآمده و نیک‌خواهانه، از سوی شما بی‌پاسخ نمی‌ماند. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آن دانایانی که تو در راستی و منش نیک سزاوار شناختی، ای مزدا اهورا، آنان را برسیدن آرزو کام روا کن، چه می‌دانم از برای رستگاری سخنان خواهش نزد شما کار ساز است. (پورداود)

ای خداوند جان و خرد، نیکوکاران و نیک اندیشان را که بر راه راستی و درستی می‌بینی، کامروا ساز، بسی کامروا. نیک می‌دانم که هیچ نیایشی نیست که از جان و دل برآید و بی‌پاسخ بماند. (جعفری)

ای مزدا اهورا، کسانی را که با درستی عمل و خلوص نیت ستایش تو را به جا می‌آورند کامروا ساز و آرزوهای آنان را برآورده فرما، چه به خوبی می‌دانم ستایشی که بدون ریا و عمل درست به درگاهت نیاز شود پذیرفته می‌شود و بازتاب نیک خود را بروز خواهد داد. (شهزادی)

تو خود ای مزدا اهورای بزرگ، می‌شناسی کسانی را که پویانِ آیین پاک‌اند و از شمارِ درستکاران می‌باشند، خواست و کام‌شان را برآورده ساز چون می‌دانم که راست‌رَوان را تا چه اندازه گرامی می‌داری. (رضی)

ای مزدا اهورا، آرزوی کسانی را که راست و نیک اندیش و درست کردارند، و تو آنها را می‌شناسی، برآورده ساز. من نیک می‌دانم که تو، نیایش‌هایی را که از دل برآید، و برای انجامی نیک باشد، پاسخ خواهی گفت. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۸ ، بند ۱۱

ی اَئیش اَشِم نی پا وِنگهِ مَنَس چا وُهو یوئَتاایتِ

توِم مَزدا اَهورا فرُ. ما سیشا توَهمات واُچنگهِ

مَئین یئوش هَچا توا اِ اِ آوَنگها

یائیش آ اَنگهوش پَئوُئورویُو بَوَت

باشد که با اینها (سرودها و آموزش‌ها) ای اَهورا راستی و نیک اندیشی (اشا و وُهومن) را برای همیشه پاسداری کنی. ای اهورامَزدا مرا آموزش بده با دهان و گفتار شیوا از جهان مینوی تو (آگاهی دهم) به وسیله آنهاست که برترین زندگی هستی می‌پذیرد. (ساسانفر)

ای مزدااهورا، بمن که همیشه آئین راستی و اندیشه نیک را کردار خود کرده‌ام بیاموز، تا مینوی اندیشه تو را آنگونه که از ژرفنای تو برمی خیزد، و سخنان تو را آنگونه که از زبان تو بیرون می‌آیند، به دیگران بیاموزم، و بگویم چگونه میشود یک زندگی خوشبخت را پی ریزی کرد. (پردیس)

بشود که این نیایش‌ها همیشه از نعمت راستی و اندیشهٔ پاک برخوردار گردم. ای آفرینندهٔ بزرگ و دانا از راه خرد و بینش و الهام راز پدید آمدن آفرینش را از روز ازل بمن بیاموز تا حقیقت را بمردم جهان آشکار سازم. (آذرگشسب)

پس بوسیله این (ستایش‌ها) جاوید خواهم داشت اشاو وهومن را با خود نگه دارم و ای اهورامزدا آیا بمن بوسیله ماینیو (نفس) و نیز از دهن خود خواهی آموخت تا من به دنیا اعلام کنم که از کجا و چگونه آغاز آفرینش شد و موجودات به وجود آمدند. (شوشتری)

با این نیایش‌ها، همواره «اشه» و «منش نیک» را نگاهبان خواهم بود. ای مزدا اهوره! تو با «مینو»یِ خود مرا بیاموز و به زبان خویش بازگوی که آفرینش در آغاز چگونه پدید آمد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

چون من راستی و منش نیک را جاودان نگاه خواهم داشت، تو ای مزدا بخرد خویش بیاموزان (و) از دهان خود بیاگاهان نخستین جهان چگونه بود. (پورداود)

من که با این نیایش آیین راستی و منش نیک را همواره می‌پایم، ای خدای دانا، بر من از زبان خود و با آوای خود، این را آشکار ساز. (جعفری)

چون از راه خلوص نیت و ستایش درست می‌توان به خدا که اصل راستی و پاک منشی است دست یافت، پس ای مزدا اهورا با نیروی خرد و کلام خویش مرا آگاه فرما که در روز نخست، این آفرینش چگونه هستی یافته و پایان آن چگونه پیش خواهد آمد تا من آن را بدرستی به مردم بیاموزم. (شهزادی)

باشد که با این سرودها و آموزش‌ها، بتوانم نیک منشی و راستی را همیشه پایدار نگاه دارم. اینک مرا بیاگاهان که این راه راستی را برای نخستین بار در زبان که گذاشتی و آموزگارِ نخست چگونه راستی را فراخواند در جهان از برای مردمان(رضی)

ای مزدا اهورا، با آوای خود، به خرد و اندیشهٔ من، که با این نیایش‌ها، راستی و اندیشهٔ نیک را برای همیشه نگاهبانم، بیاموز و بازگوی که در آغاز، هستی و آفرینش چگونه پدیدار گشته است؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات بیست و نهم

هات ۲۹ ، بند ۱

خشم‌ای بیا گِئوش اوروا گِرِژدا   کهمائی ما توَرُژدوم که ما تَشَت
آما اَاِشِموُ هَزَس چا   رِمُ اَهی شا یا دِرِش چا تِویش چا
نُوئیت مُوئی واستا خشَمَت اَنیو   اتا مُوئی سانستا وُهو واستریا

به شما روان جهان دادخواهی می‌کند: برای چه مرا آفریدید. چه کسی مرا ساخت. مرا خشم ، ستم ، کینه توزی، درشتی ، تندخویی در بند کرده. برایم پشتیبان دیگری جز شما نیست پس راهنمایی نیک و شایسته به من نشان بدهید. (ساسانفر)

روان زمین میگرید و به تو گله میدارد، چرا مرا آفریدی؟ که مرا به اینگونه ساخت؟ و که اینهمه خشم و سنگدلی و گستاخی را به من چیره نمود؟ و اکنون چه کسی جز تو میتواند مرا پشتیبان باشد؟ مرا بسوی خوشبختی راستین راهنمائی کن. (پردیس)

پروردگارا روان آفرینش بدرگاه تو گِله‌مند است برای چه مرا بیافریدی؟ چه کسی مرا کالبَد هستی بخشید؟ خشم و ستیز و چپاول و غارت و گُستاخی و تجاوز همه جا را فرا گرفته، مرا جز تو پشت و پناهی نیست بنابر این نجات بخشی که بتواند مرا از این تنگنا رهائی بخشد بمن نشان دِه. (آذرگشسب)

بشما روان گاو (زمین) می‌نالد ـ برای چه مرا آفریدید ـ که مرا ساخت. بر من از همه سو خشم و تباهی و ستم و آزار و کینه (تاخته زندگی را دشوار کرده‌اند) و جز شما کسی دیگر برای من کیست که مرا نگهبانی کنید پس (برای من) پاسدار خوب برگزینید. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

«گوشورون» نزد شما گله گزارد: ـ «مرا برای چه آفریدی؟ که مرا ساخت؟ خشم و چپاول و تندخویی و گستاخی و دست‌یازی، مرا یکسره در میان گرفته است. مرا جز تو پشت و پناه دیگری نیست. اینک رهاننده‌ای شایسته به من بنمای.» (دوستخواه)

بشما گله کرد گوشورون از برای کی مرا آفریدید و کی مرا ساخت، و ستم و سنگدلی و درشتی و زور مرا بستوه آورد. مرا جز از شما نگهبان دیگری نیست: ایدون نیکی کشاورز بمن ارزانی دارید. (پورداود)

روان جهان نزد شما بگریست: "چرا مرا ساختید؟ که مرا به این پیکر در آورده؟ مرا خشم و زور و ستم به ستوه کشانده. جز شما آباد کننده دیگری ندارم. مرا با مردی نیکو، سودبخش و آباد کننده آشنا سازید."(جعفری)

روان آفرینش (یا روح موجودات جهان) به درگاه آفریدگار به دادخواهی می‌پردازد و می‌گوید: پروردگارا برای چه مرا آفریدی؟ چرا به من پیکر هستی بخشیدی؟ خشم و ستیز و کینه و زور مرا به ستوه آورده و برای من به جز تو دادرسی نیست. از تو درخواست می‌کنم، برایم یاور و نجات‌دهنده‌ای فرستی تا بتواند زندگانی آسوده و خرمی بمن بخشد. (شهزادی)

گوشورون به درگاه خداوند گِله می‌کند که از خشم و ستم و بیدادِ مردمان به ستوه آمده است و درخواست می‌کند تا خداوند وی را از این همه ظلم و بی‌داد رهایی بخشد و چنان سازد که کشاورزان نیرو یابند و وی را مورد پشتیبانی و حمایت قرار دهند. (رضی)

روان جهان به شما گله می‌دارد، برای چه مرا آفریدی؟ که مرا به کالبد هستی درآورد؟ خشم و زور و دست‌یازی و سنگدلی و گستاخی، مرا فرا گرفته است. مرا جز تو پشتی و پناهی نیست، رهانندهٔ نیکی که مرا برهاند، به من بنمای. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۹ ، بند ۲

اَدا تَشا گِئوش پِرِسَت اَشِم کتا تُوئی گَوُئی رَتوش

هَیت هیم داتا خش‌َ ینتُو هَدا واسترا گَئُودایوُ توَخشُو

کم هُویی اوشتا اهورِم ی دِرگُودِبیش اَاِشِمِ وادایوُئیت

سپس آفریدگار جهان از اشا (نماد راستی و نظام هستی) پرسید، چه کسی را برای رهبری (و داوری) جهانیان می‌شناسی که همراه و پشتیبان آن باشیم که بتواند با نیروی کار در آبادگری جهان بکوشد و چه کسی را برای سروری خواستاری که بتواند هواداران دروغ و خشم را دور کند. (ساسانفر)

اهورا از راستی رای زنی کرد و پرسید: آیا تو رها کننده‌ای می‌شناسی؟ رهبری که بتواند زمین غمزده را به سوی خوشبختی ببرد؟ و اگر چنین کسی هست آن کس کیست؟ کسی که ما او را پشتیبان شده و به او توان درهم شکستن دروغ گویان و ستم ستمکاران را بدهیم. (پردیس)

آنگاه آفرینندهٔ جهان (اَهورامزدا) از اَشا پرسید چه کسی رهبر و نجات دهندهٔ مردم جهان خواهد بود تا ما بتوانیم پَشتیبان و یاورش باشیم و به او نیروی آباد کردن جهان و گُسترش راستی بخشیم، ای اَشا آیا چه کسی را مایلی بعنوان سردار و رهبر مردم جهان برگزینی تا بتواند سپاهِ بدان و گمراهان را درهم شکند و خشم و نفرت را دور سازد. (آذرگشسب)

ایدون سازنده گاو (گیتی) از اشا پرسید که را تو بر گاو رتو (یعنی پیشوا) برمی‌گزینی او که او را خداوند دادور و نگهدار و با دهش و پوینده (جفاکش) که او را خداوند روشن باشد و بتواند بدکیشان و خشم کنندگان را از او باز دارد. (شوشتری)

آنگاه آفریدگار جهان از «اشه» پرسید: «کدامین کس را سزاوار ردیِ جهان می‌شناسی تا بتوانیم یاوریِ خویش و تُخشایی به آبادانی جهان را بدو

PDF.tarikhema.org
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ببخشیم؟ چه کسی را به سالاریِ جهان خواستاری که هواخواهان «دروج» و «خشم» را درهم بشکند و از کار باز دارد؟»(دوستخواه)

آنگاه آفرینندهٔ جانور از اردیبهشت پرسید: تو چگونه ردی بجانور می‌دهی که بدو خورش همچنین نگهداری بسزا تواند دادن؟ کی را شما سردار وی برگزیده که دروغ و خشم باز دارد. (پورداود)

آنگاه سازنده جهان از راستی پرسید: «کدام رهبر درستی را برای جهان در دیده داری که بتواند او را توش و توانایی و آبادانی بخشد؟ چه کسی را می‌خواهی که سرور هستی او شود تا هم خشم را، و هم آزار دروغکاران را پس براند؟»(جعفری)

آنگاه آفریدگار جهان از اشا(که مظهر ضمیر پاک و هنجار آفرینش اهورامزداست) پرسید: چه کسی را تو به عنوان رهبر و نجات دهندهٔ مردمان جهان می‌شناسی تا او را یاور و پشتیبان باشد تا ما به او نیروی آباد کردن جهان و گسترش راستی بخشیم؟ ای اَشا چه کسی را به عنوان پیشوا و رهبر مردمان جهان معرفی می‌کنی که بتواند سپاه بدکاران و گمراهان را درهم شکند و خشم و نفرت را از جهان و جهانیان دور سازد. (شهزادی)

آنگاه خداوند در کُنه راستی و درستی می‌اندیشد که چه کسی بایستی برانگیخته شود تا این ظلم و ستم را برچیند و راستی و آیین مردمی را در جهان آشفتهٔ بیدادگر برقرار کند. (رضی)

و آنگاه، آفریدگار جهان از راستی پرسید: راهبر تو در جهان کیست؟ تا ما او را پشتیبان شده و به او توان آبادی جهان را ببخشم. و می‌خواهی چه کسی سردار جهان باشد، تا خشم و آزار دُروَندان را فرو شکند؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۹ ، بند ۳

اَهمائی اَشا نُوئیت سَرِجا اَدوَاِشو گَوئی پَئی تی مرَوَت
اَ وَ اِشانم نُوئیت ویدویمی یا شَوَئیتِ آدرِنگ اِرِش وا واِنگهو
هاتانم هُو اَ اُجیشتُ یهمائی زَوِنگ جیما کرِدوشا

به او (آفریدگار)، اشا پاسخ داد برای جهانیان از میان مردم سروری پیمان دار و بی‌آزار نمی‌شناسد که فرودستان را توانمند کند. از میان مردمان باید او نیرومندترین باشد تا به ندایش بشتابیم و به درخواستش گوش دهیم. (ساسانفر)

راستی به پاسخ گفت: من در جهان هیچ توانمندی که بخشی از او را بیدادگری درست نکرده باشد نمی‌شناسم. براستی ندانم کیست آن کس که پشتیبان راستکردار در برابر دروغکار باشد. اگر چنین توانمندی را یافتم بی درنگ بسوی او خواهم شتافت و از او درخواست یاری خواهم نمود. (پردیس)

اَشا به اهورامزدا چنین پاسخ داد، آن سردار و رهبری که برای جهانیان برگزیده می‌شود مسلماً بیدادگر و ستم پیشه نیست، بلکه شخصی بی‌آزار و مهربان است. از بین کسانیکه در این جهان خاکی زندگی می‌کنند گر چه کسی را نمی‌شناسم که بتواند نیکوکاران را در مقابل تبهکاران حفظ کند ولی قطعاً او باید نیرومندترین فرد درمیان مردم باشد تا بدرخواست او بیاریش شتابیم. (آذرگشسب)

به او (یعنی اهورا) اشا پاسخ داد که نیست یاوری که آزار را (از گاو زمین) باز دارد. از آنان (که اکنون وجود دارند) یکی هم دانسته نشده که نیکان به همراهی او مقابل بدکیشان صف‌آرا شوند. از میرندگان (یعنی آدمیزاد) یکی که بسیار تواناست باید بیابیم که بر دعوت او ما بشتاب (پاسخ دهیم و برویم). (شوشتری)

«اشه» بدو پاسخ داد: «[چنین سرداری] به جهان [و مردمان] بی‌داد نمی‌وزد. [او] مهربان و بی‌آزار است. از آنان [کسی را] نمی‌شناسم که بتواند

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نیکوکاران را در برابر تباهکاران نگاهبانی کند. او [باید] در میان مردمان، نیرومندتر از همه باشد تا هرگاه مرا فراخوانَد، به یاریش بشتابم ... (دوستخواه)

باو (بآفرینندهٔ جانور) اردیبهشت پاسخ گفت از برای چارپا سردار بی‌آزاری نیست در آنجا نتوانند دریافتن که با زیردستان درست رفتار کنند در میان کسان نیرومندتر کسی است که مرا خواند (و) من بیاری وی رسم. (پورداود)

راستی پاسخ گفت: «کسی که بی‌آزار باشد و دوست جهان، هیچکس، از اینان که در پیش ما هستند کسی را نمی‌شناسم که زبردستان را برای یاری زیردستان برانگیزد وگرنه من به ندای آن که در اینان تواناترین می‌بود بیدرنگ می‌شتافتم.» (جعفری)

سپس اشا به اهورامزدا چنین پاسخ داد: آن پیشوا و رهبری که برای جهانیان برگزیده خواهد شد، نباید چون سلطانی بیدادگر و زورگو باشد، بلکه باید دادگر و مهربان باشد، ولی من در میان کسانی که در این جهان به سر می‌برند کسی را نمی‌شناسم که بتواند نیکوکاران را در برابر ستم‌پیشگان یاری کند. در واقع چنین کسی باید بسیار نیرومند باشد تا ما بتوانیم به موقع به یاریش برخیزیم. (شهزادی)

پس راستی و درستی اهورایی (= اَردیبهشت) درمی‌یابد که اوضاع جهان بسی آشفته است و در میانِ گروه مردمان کسی پیدا نمی‌شود که بتواند داد و عدل را برقرار سازد و مردمان را از ظلم و ستم و اَعمال خونینِ مراسمِ دینی باز دارد. آنگاه می‌گوید هرگاه کسی به این اندیشه شود، من او را یاری خواهم کرد. (رضی)

راستی به پاسخ گفت: از اینان کسی را نمی‌شناسم که آزار از جهان بردارد، و راستان را در برابر تبهکاران یاری کند. در میان این مردمان، این کس باید تواناتر از همه باشد، تا به یاریش بشتابیم. (وحیدی)

هات ۲۹ ، بند ۴

مزداو سَخارِ مَئی ریشتُو   یا زی واوِرِزُئی پَئیری چیت ایت

PDF.tarikhema.org
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دَئووایش چا مَشیایش چا یاچا وَرَشَ ایتِ اَئیپی چیت ایت
هُو ویچیرُو اَهورو اَتا نِ اَنگهَت یتا هُو وَسَت

اَشا ادامه می‌دهد. مَزدا سخنان (و آموزش‌های) خود را بهتر از همه به یاد دارد و بی‌گمان به آنچه پیش از این از سوی دیوان (هواداران دروغ و بت پرستان) مردم پیرو آنها انجام شده یا در آینده انجام گیرد آگاه است. اَهورا خود به تنهایی داور و تصمیم گیرنده است. بنابراین بر ما بشود چنانکه او می‌خواهد. (ساسانفر)

مزدااهورا آن آگاه ترین آگاهان، خوب میداند که پیروان خدایان دروغین در گزشته چه‌ها نمودند، و در آینده نیز چه‌ها خواهند کرد. چون اوست تنها داور، پس خواست او، همان خواهد شد. (پردیس)

بیگمان اهورامزدا بهتر از همه آگاه است که در گذشته چه کارهائی بوسیلهٔ بُت‌پرستان و هواداران آنها سرزده و در آینده چه کارهائی بوسیلهٔ آنها انجام خواهد شد چون داوری این کار تنها با اهورامزدا است بنابر این آنچه خواست اوست ما بدان خوشنودیم. (آذرگشسب)

مزدا (همه) نماز (التجا) را بهتر می‌سنجد که به راستی از زمان بسیار باستانی به او گفته شده چه از دیوان و چه از میرندگان (آدمیزاد) و نیز (همه نماز ـ درخواست) که به او گفته خواهد شد در زمان آینده تنها اهورا یگانه دادور است، پس باید هم چنان که او می‌خواهد بخواهیم و بشود. (شوشتری)

بی‌گمان «مزدا» بهتر از همه به یاد دارد که در گذشته، دیوان و مردمان [دُرَوند] چه کردند و آگاه است که در آینده چه خواهند کرد. «اهوره» تنها دادگستر [در جهان] است. پس آنچه خواستِ او باشد، همان خواهد شد. (دوستخواه)

(اردیبهشت گوید) مزدا سخن بهتر بیاد دارد که پیش از این چه ورزیدند دیوها و مردمان و همچنین پس از این چه خواهند ورزید. او راست، اهورا راست دادگستری آنچنان که او خواهد ما نیز برآنیم. (پورداود)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

«خدای دانا بهتر از همه آگاه است که مردم بنام خدایان پنداری خود در گذشته چه‌ها کرده‌اند و در آینده چه‌ها که نخواهند کرد. او خود داور است. همان شود که او می‌خواهد. (جعفری)

ای مزدا تو خود از همه بهتر می‌دانی که در گذشته چه کارهای ناشایستی از بدکاران و هواخواهان آنان سرزده است یا در آینده سر خواهد زد. پس برای این مأموریت بزرگ یعنی رستگاری مردمان جهان ارادهٔ تو به هر که تعلق گیرد بدان خرسندم. (شهزادی)

اَردیبهشت می‌گوید: مزدا اهورای بزرگ خود دانای مطلق است و بر او پوشیده نیست که پیش از این دیوان و گروه دیوپرستان چه ظلم‌ها و بی‌دادها کردند و پس از این نیز خواهند کرد؛ اهوراست که سرچشمهٔ داد و خِرد است و خود داند چه کند. (رضی)

مزدا اهورا بهتر از همه آگاه است که پیروان خدایان دروغین در گذشته چه‌ها کرده‌اند، و در آینده نیز چه‌ها خواهند کرد، و تنها، اهورامزدا داور است، پس هر چه او می‌خواهد همان خواهد شد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۹ ، بند ۵

اَت وا اوستانائیش اَهوا زَستائیش فری نِم نا اَهورایی آ

مِ اوروا گِئوش چا اَزیاو هیَت مَزدانم دوئیدی فرَسابیُو

نُوئیت اِرِژی جیویی فرَجیا ای تیش نُوئیت فشوینتِ درِگوَسُو پَئیری

پس ما هر دو(زرتشت و گِئوش) با دستهای برافراشته اَهورا را ستایش‌گریم. من و روان جهان بارور (جهانی که آبستن تحولات و دگرگونی‌هاست) پرسش‌ها و درخواستهایمان را به مَزدا چنین پیش می‌نَهیم و عرضه می‌کنیم. آیا برای مردم درستکار و پارسا، بی‌گزندی (و آرامش) وجود ندارد. آیا برای نگهبان و سرپرست خوب که پیرامونش را بدکاران گرفتهاند زندگی دراز ممکن نیست. (ساسانفر)

پس من و روان زمین بارور با دستهای بر افراشته به اهورا نیایش میکنیم و از مزدا میپرسیم: «آیا برای درستکارانی که در میان تبهکاران زندگی میکنند آینده ای وجود دارد»؟ (پردیس)

ایدون من و روان آفرینش هر دو با احترام و دست‌های برافراشته اهورامزدا را ستایش کرده و از او خواستاریم که هرگز به نیکوکاران و پارسایان و رهبر آنها گزندی نرسد و از حملهٔ دشمنان و بدکاران در امان باشند. (آذرگشسب)

اکنون با دست بلند کرده ما (هر دو) مهربانی اهورمزدا را خواستاریم ـ روان من و نیز روان گیتی بارور که اهورامزدا (درخواست) ما را بدهد و نگذارد که به جانداران نیک آزار برسد و نه هم به شبان که میان ناراستان هستند. (شوشتری)

... پس براستی [ما] هر دو ـ من و روانِ جهانِ بارور ـ «اهوره» را با دست‌های برآورده می‌ستاییم و از «مزدا» خواستار می‌شویم [که] آرزوی ما

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

را چنین برآورد: هرگز پارسایان و راهبرشان را از دُروَندان، آسیبی [مرساد].»
(دوستخواه)

ایدون برآنیم با دست‌های بلند شده آفرین خوانیم روان من و جانور بارور با خواهش مزدا را بر آن داریم که نه بر است زندگی کننده (و) نه بشبان از دروغپرست آسیب رسد. (پورداود)

«پس بهتر است که من و روان جهان بارور دست‌ها را به سوی خدای دانا بلند کنیم و لطف و مهربانی‌اش را بخواهیم: هرگز به کسی که با راستی و درستی می‌زید، ستم روا نگردد و هرگز به کسی که جهان را می‌پرورد، آسیب نرسد.» (جعفری)

بنابر این من و روان آفرینش با دست‌های برافراشته از تو خواستاریم که مبادا هرگز نیکوکاران دچار رنج و آزار شوند و به پارسایان و کارگران درست‌کار از سوی بدخواهان رنج و آسیب رسد یا بر آنها غالب شوند. (شهزادی)

اینک من و گئوش اوروَن با دست‌هایِ افراشته، اهورامزدای بزرگ را سرود ستایش می‌خوانیم و درخواست می‌کنیم که شبانان و کشاورزان پویان راه راست نیرومند شوند و بر دروغ‌پرستان و بی‌دادگرانی که به ستوران ظلم می‌کنند و با اعمال خود در جهان خشم را شایع می‌سازند پیروز شوند. (رضی)

من و روان جهان بارور، با دست‌های برافراشته، اهورا را ستایش می‌کنیم و از او می‌خواهیم که به پارسایان و راهبر آنان، از سوی دُروندان گزندی نرسد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۹ ، بند ۶

اَت اِ وَئُوچَت اَهورو مُزداو ویدواو وَفوش ویانَیا
نُوئیت اَاِوا اَهو ویستُو نَ اِدا رَتوش اَشات چیت هَچا
اَت زی توا فشوین تَ اِ چا واستر یا ای چا تُورش تا تَتَشا

آنگاه اهورامزدای دانای رازها با خود گفت. آیا یک نفر برای رهبری یافت نمی‌شود و کسی برای داوری و راهنمایی از روی راستی پیدا نمی‌شود. پس بی‌گمان آفریدگار تو را (گِئوش را) برای شبان و سرپرستی آبادگر آفریده که از تو نگهبانی کند. (ساسانفر)

و اهورامزدا، هستی بخش خرد، در برابر این پرسش، پرسشی دگر میکند: «آیا تو یک رهبر یا یک آموزگاری که خرد را با راستی هماهنگ کرده باشد می‌شناسی»؟ «مگر آرمان آفریدگار جهان برای به هستی آوردن تو این نیست که نگهدار و نگهبان جهان باشی»؟ (پردیس)

آنگاه اهورامزدای دانا که با دانش خویش نیروی حیات می‌بخشد چنین گفت: آیا یکنفر سرور دنیوی شایسته و یا یک رهبر و نجات دهندهٔ روحانی را که سرشار از پاکی و پرهیزکاری باشد نمی‌شناسی؟ آیا چنین نیست که آفریدگار ترا بعنوان پاسبان و نگهبان آفرینش برگزید و مأموریت جهان را بتو بخشید؟ (آذرگشسب)

پس اهورامزدا فرمود حقایق را از دانش باطنی دانسته (آیا نیست) (حتی) یک اهو (خداوند جان) و نه یک رتو (خداوند روان) از اشا دانسته شده! (که قابل برآوردن آرزوی شما بشود) برای این چه برای شبانی و چه یاوری آفریننده تو را تعیین کرده. (شوشتری)

آنگاه «مزدا اهوره»یِ آگاه که هنجار زندگی از فرزانگی اوست، گفت: ـ آیا [تو] سردار یا ردی را که سرشار از «اشه» باشد، نمی‌شناسی؟ آیا براستی آفریدگار، ترا به راهبری و نگاهبانی [آفرینش] برنگزیده است؟»(دوستخواه)

PDF.tarikhema.org
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ایدون اهورامزدای آیین شناس خود گفت، با فرزانگی (از برای تو) یک سردار یافت نشده و نه ردی بدرستی، چه ترا آفریدگار از برای شبان و برزیگر ساخت. (پورداود)

خدای دانا که از راز زندگانی زیبا آگاه می‌باشد، گفت: «پس هیچ کس را نمی‌شناسی که از روی راستی و تنها راستی سرور هستی و رهبر درستی شود؟ اما، ای راستی، من ترا برای مردمانی آفریده‌ام که خود آباد باشند و دیگران را آباد سازند!» (جعفری)

آنگاه اهورامزدا که همه چیز را از خرد خویش درمی‌یابد خطاب به اشا و روان آفرینش گفت: آیا یک رهبر دنیویِ شایسته یا نجات دهندهٔ روحانی را که سرشار از پاکی و راستی باشد نمی‌شناسی که من او را به عنوان پاسبان و نگهبان آفرینش برگزینم و مأموریت آرایش جهان را به او سپارم؟ (شهزادی)

اینک خطاب خداوند به گئوش اورون را می‌شنویم: «از برای حمایت تو آن فرزانه‌یی که از روی داد رفتار و قضاوت کند، برانگیزانده نشده چون کشاورز و شبان هستند که بایستی به تیمار تو برخیزند.» (رضی)

آنگاه، اهورامزدا، که بافت و سرودزندگی از دانایی اوست، گفت: آیا تو سردار و راهبری پارسا نمی‌شناسی؟ آیا تو برگزیدهٔ آفریدگار، برای نگاهداری و نگاهبانی جهان نیستی؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۹ ، بند ۷

تِم آزوتُوایش اَهورو　　مانترم تَشَت اَشا هَزَئُوشُو
مَزداو گَوُئی خُشوی دِم چا　　هوُ اوروش َاِ ای بیو سپنتُو ساس نَیا
کستِ وُهو مَنَنگها　　ی ای دایات اِ اِ آوا مَرِتَ اِ ای بیُو

این مانترا (پیام مینوی) پیشکشی است که اهورا همگام با اشا پدید آورده مزدای پاک پیشرفت و بهبودی را (با آن پیام) به جهانیان ارزانی داشته، که آن را به نیازمندان و خواستاران آموزش دهد. کیست که به‌وسیلۀ وُهومن و منش نیک برای آموزش آن به آدمیان کمک و یاری بخشد. (ساسانفر)

از این روی، اهورامزدا، هماهنگ با راستی، پیامی اندیشه برانگیز برای پیشرفت جهان و برای نگهبانی کسانی که نیاز به نگهبانی دارند آماده کرد، و از اندیشه نیک رایزنی نمود: «کیست آنکس که بتواند به مردم یاری دهد»؟ (پردیس)

«اهورامزدا به سخنان خود چنین ادامه می‌دهد:» این سرود مقدس خوشبختی افزای (یعنی اهونْوَر) از هستی‌بخش مطلقی است که اراده‌اش با اَشا یکسان است و پروردگار پاک آنرا برای پیشرفت جهان و سعادت مردمان درست‌کردار نازل فرموده است. (پس از کمی مکث اهورامزدا باز به سخنان خود ادامه داده میفرماید): ای وُهومن، کیست آن نجات دهنده‌ای که تو در نظر داری و می‌تواند مردمان را یاری کند و آنها را از گُمراهی نجات بخشد. (آذرگشسب)

این سخن مقدس نیاز اهورا هم اراده با اشا فرموده شد ومزدا (پیمان کرد) که از شیرینی مادر گیتی (همه نیکان را بهره‌مند خواهد نمود) (پس به وهومن متوجه شده فرمود) آیا تو کسی را در نظر داری که به میرندگان (آدمیزاد) یاری نماید. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اهوره»ی با «اشه» همکام، این «مَنْثَره»یِ فزایندهٔ بهروزی را بیافرید و «مزدا»ی ورجاوند، خود آن را برای بهبود جهان و [کامروایی] درست کرداران، بیاموخت: «ای منش نیک! کیست آن که از تست و مردمان را براستی یاری خواهد بخشید؟» (دوستخواه)

سخن افزونی مزدا اهورای با راستی همکام از برای چارپا آفرید و بفرمانش فراوانی از برای بخورش نیازمندان، آن پاک (دارد) کیست از تو ای بهمن در میان مردمان انکه از ما نگهداری کند؟ (پورداود)

خدای دانا که با آیین راستی هماهنگ است، در برابر نیایش روان جهان و راستی، پیام خود را آماده می‌سازد تا برای جهان راهنمای آبادانی گردد. او کسانی را که می‌خواهند خدمت کنند با آموزش‌های خود پیش می‌برد. (خدای دانا میپرسد:) «ای منش نیک، آیا تو کسی را می‌شناسی که مردم را یاری کند؟» (جعفری)

اهورامزدا به سخنان خود چنین ادامه می‌دهد: مگر این سرود مینوی خوشبختی افزا (اهونور) را که یگانه سرود آرامش‌بخش دل‌ها و اراده‌اش با اشا یکسان است برای پیشرفت جهان و مردمان درست‌کردار نبخشیده‌ام. آنگاه اهورامزدا خطاب به وهومن یا خرد مقدس خویش کرد و گفت: ای وهومن کیست آن رهاننده‌ای که تو برخواهی گزید تا بتواند مردمان را یاری کند و از گمراهی برهاند؟ (شهزادی)

پس گئوش اورون به وُهومنه خطاب می‌کند و می‌گوید: «چه کسی در جهان برانگیخته خواهد شد تا مرا حمایت کند؟» (رضی)

این سخن اندیشه‌انگیز خوشبختی افزا، از اهورایی است که: خواستش با راستی هماهنگ است. و مزدا اهورا، برای آبادی جهان، آن را به پارسایان آموخته است. ای اندیشهٔ نیک، کیست آنکه از تو باشد و براستی مردمان را یاری بخشد؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۹ ، بند ۸

اَ اِ م مُوئی ایدا ویستُو ی نِ اَ اِ وُ ساسناو گوشتَا
و زَرَتو شتر سپی تا مُو هوُ نِ مَزدا وَشتی اَشایی چا
چَرِک رِترا سراوَینگهِ هیت هُوئی هودِمِ دیایی وَخِزرَهیا

وُهومن: آن کس که در اینجا به من شناخته شد، یگانه کسی که به آموزش‌های ما گوش داده، زرتشت سپُنتمان است. ای مَزدا او می‌خواهد برای ما و اَشا سرودهای نیایش (گاتاها) بسراید از این رو به او شیوایی و شیرینی سخن بخشیده می‌شود. (ساسانفر)

« من تنها یکی را میشناسم، که به آموزشهای ما گوش فرا داده است و او، زرتشت اسپنتمان است». «او آماده است تا مینوی پیام تو را با سروده های خود، در پرتو راستی، به مردمان برساند». «پس ای مزدا به او شیوائی سخن بخش». (پردیس)

اهورامزدا می‌فرماید: یگانه کسی که بدستورات الهی گوش فرا داد و من او را خوب می‌شناسم همانا زرتشت اسپیتمان است. تنها اوست که خواستار آموزش آئین راستی و سرودهای ستایش مزدا است، بنابر این باو شیوائی بیان خواهیم بخشید. (آذرگشسب)

یکی در اینجاست که او را می‌شناسم (آشناست بمن) و او تنها کسی است که فرمان ما را (به توجه) شنیده. (و او) اسپیتاما زرتشتر است. درباره مزدا و اشا او تنها آماده هست (مایل است) که بواسطه سرود ستایش (فرمان ایزدی) را اعلام بکند. بنابر این به او باید شیرینی سخن بخشیده شود (داده شود). (شوشتری)

ـ «یگانه کسی که من در این جا می‌شناسم که به آموزش ما گوش فرا داده، «زَرتشت سِپِتْمان است. تنها او خواهان آن است که سرودهای ستایش

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

«مزدا» و «اشه» را به گوش [مردمان] برساند. هم از این روست که او را گفتاری شیوا و دلپذیر دادیم.» (دوستخواه)

(بهمن گوید:) یگانه کسی که اینجا من شناخته (و) کسی که آیین ما شنیده زرتشت سپیتمان است، ای مزدا، که (اندیشهٔ) ما و اندیشهٔ دین راستین بگستراند، از اینرو باو گفتار دلپذیر دادیم. (پورداود)

«آری من تنها یک کس را می‌شنایم که به آموزش‌های ما گوش داده. او زرتشت اسپنتمان است. ای مزدا، او آماده است تا این پیام را برای راستی از راه سرودهایش به مردم برساند. پس چه بهتر که به او شیرینی زبان داده شود.» (جعفری)

یگانه کسی که (به نظر من) آیین مقدس را پیروی می‌کند و اندیشهٔ راستین را می‌گستراند، همانا زرتشت اسپنتمان است، تنها اوست که خواستار آموزش آیین راستین و سرودهای ستایش مزداست. بنابراین، برای پیش برد کارش ما به او زبانی سخنور و گویا و گفتاری دلپذیر و شیوا خواهیم بخشید. (شهزادی)

بهمن گوید: «نخستین کسی که برانگیختهٔ خداوند است. او زرتشت سپی‌تامَه می‌باشد، کسی که به او زبانی شیوا و بیانی دلپذیر داده شده.» (رضی)

من تنها یکی را می‌شناسم که به آموزش ما گوش فرا می‌دارد، و او، زرتشت اسپنتمان است، و تنها اوست که می‌خواهد سرود ستایش مزدا و راستی را به مردمان برساند. پس ما به او، شیوایی و دلپذیریِ سخن می‌بخشیم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۹ ، بند ۹

اَت چا گِئوش اوروا رَئُوستا ی اَن َاِشِم خشان مِنِ رادِم
واچِم نِرِش اَسورَهیا یم آ وَسِمی ایشا خشترِم
دَدا یَوا هوُ اَنگهَت ی هُوئی دَدَت زَستَوَت اَوُ

آنگاه روان آفرینش بانگ برآورد که آیا باید زیر بار سرپرست ناتوانی بروم و سخن مرد ضعیفی را بپذیرم، در حالی که فرمانروای نیرومندی را آرزو دارم. کجا و چه هنگامی خواهد رسید که چنین کس زبردستی او را (روان آفرینش را) یاری بخشد. (ساسانفر)

روان زمین باز خروشید و گفت: «آیا من باید کمک مرد ناتوانی را بپزیرم که با سخنان بی جان خود میخواهد پشتیبان من باشد»؟ «مرا به راستی، نیاز به سرداری تواناست، و کی چنین کسی پیدا خواهد شد، و کی دستهای توانای خود را بمن دراز خواهد کرد»؟ (پردیس)

آنگاه روان آفرینش با بانگ بلند گوید: آیا من باید بدون چون و چرا پشتیبانی شخص ناتوانی را قبول کرده و بسخنان او گوش دهم؟ براستی مرا آرزوی شهریار نیرومند و توانائی بود، آیاچه وقت چنین شخصی برای یاریم بپا خواهد خواست و با بازوان نیرومند خود مرا حمایت خواهد کرد. (آذرگشسب)

اما آنگاه روان گاو (گیتی) ناله کرد و گفت پس من باید این یاور کمزور را به پذیرم (یعنی) سخنان مردی بدون همت در صورتیکه من پیشوای نیرومند می‌خواستم. هر گاه یکی چنین پدید خواهد شد که هست که به من یاور زیر دست خواهد آورد. (شوشتری)

آنگاه «گوشورون» بر خروشید: «آیا [من] باید به پشتیبانی نارسای مردی ناتوان خرسند باشم و به سخنان او [گوش فرا دهم]؟ براستی مرا آرزوی فرمانروایی توانا بود. کی فراخواهد رسید آن زمان که چنین کسی با دستانی نیرومند، مرا یاری دهد؟ (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنگاه بنالید گوشورون: که من خشنود شوم بآواز سست یک نگهدار، یک مرد ناتوان بجای یک شهریار توانا که آرزوی من است. کی خواهد بود آن هنگام که باو یاری زبردست داده شود؟ (پورداود)

آنگاه روان جهان باز بگریست: «چه، مرد توانایی را با آن آواز ناتوانش به سروری خود بپذیرم؟ من فرمانروای پرزوری را می‌خواهم. کی آن روز خواهد دمید که او با بازوان توانای خود مرا کمک کند؟» (جعفری)

آنگاه روان آفرینش با بانگ بلند فریاد زد: آیا من باید بدون چون و چرا، رهبری و پشتیبانی چنین شخص ناتوانی را بپذیرم و به سخنان او گوش دهم؟ در صورتی که من در آرزوی فرمانده و سرداری توانا و سلحشور بودم تا بتواند با بازوان نیرومند خود مرا یاور و پشتیبان باشد. (شهزادی)

آنگاه خروش گئوش اورون بلند شد که: «برای نگاهبانی من، شهریاری جنگاور بایستی، آیا او خواهد توانست بی‌دادی و ستم را چونان یک فرمانروایِ نیرومند براندازد، باشد که آن چنان نیرومند باشد.» (رضی)

آنگاه، روان جهان باز خروشید، آیا من باید سخنان مرد ناتوانی را بپذیرم و پشتیبان او باشم؟ مرا براستی آرزوی سردار توانایی بود، کی چنین کسی، با دست‌های توانای خود، مرا یاری خواهد کرد؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۹ ، بند ۱۰

یوژِم اَاایبیوُ اَهورا　　اَ اُ گُو داتا اَشا خشتَرِم چا
اَوَت وُهو مَنَنگها　　یا هوش‌ای تیش رامانم چا دات
اَزِم چیت اَهیا مَزدا　　توانم مِنگهی پَئواورویم وَادِم

روان آفرینش (پاسخ داد): شما به اینها (زرتشت و یارانش)، ای اهورا در پرتو وُهومن و اشا، نیروی فرمانروایی ارزانی دارید که بدان وسیله آسایش (جایگاهی امن و بهشت آسا) و آرامش برقرار کنند. من براستی تو را برترین بر آورنده (این آرزو) می‌شناسم. (ساسانفر)

من، زمین بارور بتو ای اهورا،نیایش میکنم، تا با نیروی راستی و اندیشه نیک به وی توانائی دهی تا بتواند، مرا بسوی آرامش و آبادی راهنمائی کند، و او،ای مزدا،برترین آفریده تو خواهد بود. (پردیس)

ای اهورمزدا و ای اَشا به اینها (زرتشت و پیروانش) نیروی معنوی و توانائی بخشید، ای وُهومن تو نیز به زرتشت آن را (یعنی نیروی اندیشه و هوش و خِرد سرشار) ارزانی دار تا در پرتو آن بجهانیان آرامش و آسایش بخشد ـ ای دانای بزرگ ما همه او را برگزیده‌ترین آفرینش و شایسته‌ترین فرزند تو دانسته و برهبری خویش میپذیریم. (آذرگشسب)

مادر گیتی گفت ای اهورا! به اینها نیروی زندگی به بخش ـ و ای اشا! توانائی و ای وهومن! به او دانش عطا کن تا او ما را بسوی رامش و شادی رهنما گردد. ای مزدا! ما همه او را بصورت بهترین آفرینش تو می‌پذیریم. (شوشتری)

ای اهوره! ای اشه! اینان را از نیرو و «شهریاریِ مینُوی» برخوردار کن. ای منش نیک! [بدینان] آن [دهشی] را ارزانی دار که خانمان خوب و رامش بخشد. ای مزدا! من نیز او را برترین آفریدهٔ تو می‌شناسم.» (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

(زرتشت گوید:) شما ای اهورا، ای اردیبهشت، ای بهمن بآنان نیرو دهید و آن توانائی که از آن او خان و مان خوب و رامش تواند دادن. من نیز بر این اندیشیدم، ای مزدا که توئی نخستین پدید ارنده این. (پورداود)

«ای خدای، شما به وی از راه راستی و منش نیک نیرو و شهریاری ارزانی دار تا او آبادی و آرامش پدید آورد. من هم او را ، ای مزدا بهترین برگزیده تو می‌دانم.» (جعفری)

در این صورت، ای اهورامزدا و ای اشا از شما درخواست می‌کنم، به زرتشت نیروی معنوی و توانایی جسمی ببخشید و ای وهومن تو نیز به زرتشت نیروی اندیشه و هوش سرشار ارزانی دار تا از پرتو آن جهانیان را آرمش و آسایش بخشد. پس ای مزدا با پیشنهادت خشنود و خرسند خواهم بود و زرتشت را به عنوان شایسته‌ترین مرد جهان به رهبری خود می‌پذیرم. (شهزادی)

«ای اهورامزدا، آن چنان نیرویم بخش تا بتوانم صلح و سازش را برقرار کنم و بی‌داد و ستم را براندازم.» (رضی)

ای اهورا، از راه راستی و اندیشهٔ نیک، به وی نیرو و توانایی ارزانی دار، تا خانمان آباد و رامش پدید آورد. ای مزدا، من او را برترین آفریدهٔ تو می‌شناسم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۲۹ ، بند ۱۱

کودا اَشِم وُهوچا		مَنُو خشَترم چا اَت ما مَشا
یوژِم مَزدا فراخش نِنِه		مَزُویی مَگایی آ پَئی تی زانَتا
اَهورا نُو ناو اَوَرِ		اِهما راتُوایش یوشماوَتانم

کجا هستید ای اَشا، وُهومن و خشترا به سویم بشتابید و شما ای مَزدا مرا با توجه و دانائی خود برای انجمن بزرگ مغان بپذیرید و از خود بدانید. ای اَهورا اکنون بیا به سوی ما (زرتشت و یارانش) و بخششی که همانندی با خودتان است به ما ارزانی دار. (ساسانفر)

کجائید؟ ای راستی،ای اندیشه نیک، وای نیروی خود چیرگی، کی به من روی خواهید نمود؟ و تو ای مزدا، کی انجمن بزرگ مغان را با دانائی خود رهنمون خواهی شد؟ ای اهورا، ما چشم براه مهر و یاری تو هستیم، بسوی ما آی. (پردیس)

روان آفرینش به سخنان خود ادامه می‌دهد: اَشا، وُهومن و خَشَترا چه وقت بما روی خواهند آورد؟ کی ای مزدا آئین ترا انجمن بزرگ مغان خواهند پذیرفت. ای هستی‌بخش اینک که برای ما یار و مددکار رسیده است ما هم آماده خدمتگذاری هستیم. (آذرگشسب)

کی اشا و وهومن و خشتر بشتاب سوی من خواهند رسید. شما ای مزدا برای این آموزش (نو) به مگای بزرگ شناسائی (خود، به بخشید) و ای اهورا اکنون که بما یاری رسید ما برای بندگی به مانند شما صمیمانه آماده هستیم. (شوشتری)

کی «اشه» و «منش نیک» و «شهریاریِ مینُوی» به سوی ما خواهد شتافت؟ من شما [مردمان] را به پذیرش آموزش «مگَه»یِ بزرگ فرا می‌خوانم. ای مزدا اهوره! اکنون که ما را یاوری [رسیده است]، ما نیز آمادهٔ یاری رسانده [به کسانی] چون شماییم. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کجاست راستی و منش نیک و شهریاری؟ پس مرا شما، ای مردم بپذیرید، ای مزدا، از برای شناختن مه آیین مغ. ای اهورا، ما راست اکنون یاور از برای بهرهٔ مانند شما کسانی ایستاده‌ایم. (پورداود)

« کی راستی، آن آیین آفرینش منش نیک، آن راهنمای خرد و شهریاری، آن بخشنده نیرو و توانایی به سوی من خواهند شتافت؟ ای خدای دانا، این آیین و دین نو را که به نام انجمن مغان و همبستگی جهانی بنیاد یافته، بپذیر، خدایا، به ما کمک کن ما چشم به راه لطف تو می‌باشیم.» (جعفری)

ای مزدا ـ کی راستی و اندیشه نیک و توانایی مینوی به ما روی خواهد کرد؟ کی انجمن مغان و پیشوایان دین آیین تو را خواهند پذیرفت. اینک که یاور و پشتیبانی برایم برگزیده‌ای، آماده‌ام، او را بپذیرم و خشنودی او را فراهم سازم. (شهزادی)

«گروه مردمان، به من گوش فرا دارید و سخنان نیکم را بشنوید، و خود را از برای پذیرفتن راه راست آماده کنید.» (رضی)

کی راستی و اندیشهٔ نیک و توانایی مینویی به ما روی خواهد کرد؟ کی انجمن مغان، این آیین ترا خواهد پذیرفت؟ اینک که یاوری برای ما رسیده است، ما آمادهٔ یاری او هستیم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات سی‌ام

هات ۳۰ ، بند۱

اَت تا وَخشیا ایشنِتُو　　　یا مَزداتا هیت چیت ویدوشِ
ستَئوتاچا اَهورایی　　　یِسنیاچا وَنگهئوش مَنَنگهُو
هومانزدرا اَشایچا　　　یا رَئُوچِبیش دَرِستا اورواز

اکنون سخن می‌گویم برای خواستاران و نیز برای دانایان ، دربارهٔ اندیشه‌هایی که بر پایه خرد نهاده شده با ستایش اهورا و نیایش خردمندانه برای وُهومن و اَشا، که با روشن شدن دیدنی‌ها (حقایق) خرسندی (رضایت خاطر) فراهم شود. (ساسانفر)

اکنون سخن میگویم، به شما ای جویندگان خرد و به شما ای خردمندان، از دو نهاده بنیادین، و می‌ستایم، اهورا و اندیشه نیک را، و خرد و آیین راستی را تا فروغ و روشنائی را در یابید، و با گزینش درست، به شادمانی و خوشبختی رسید. (پردیس)

اینک برای جویندگان حقیقت و مردم دانا، از این دو پدیده بزرگ سخن خواهم گفت: روش ستایش خداوند جان و خِرد و نیایش وُهومن یا منش پاک را بیان خواهم کرد، و همچنین از دانش الهی و آئین راستی اَشا گفتگو خواهم نمود تا با برخوردی از رسائی نور حقیقت را دریابید و از نعمت فردوس بهره‌مند گردید. (آذرگشسب)

اکنون با آنانکه خواهشمند می‌باشند خواهم گفت از دو طریق که آفریده شده هستند از ـ مزدا و این همه (آموزش) برای دانایان است و خواهم (برخواند) سرودها به اهورا و ستایش‌ها به وهومن (و هم‌چنین توضیح خواهم داد) آموزش نیک اشا را تا شما کامل گردید و به جهان روشن درآئید. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اینک با ستایش «اهوره» و جشنِ «منش نیک»، خواستاران و نوید یافتگان را از آن دو پدیدار بزرگ سخن می‌گویم. ای نیک منشان! این [سخن] را در پرتو «اشه» و با روشنی و رامش دریابید. (دوستخواه)

اینک سخن می‌دارم از برای آنانی که خواستار شنیدن‌اند آنچه را که مرد دانائی باید بیاد بسپرد: از ستایش اهورا و درود بهمن و از شادمانی کسی که آن را خوب بیاد بسپرد، آن کسی که راستی و همچنان روشنائی خواهد نگریست. (پورداود)

اینک برای آنانی که خواستار شنیدن هستند از آن دو راه اندیشیدن سخن می‌رانم که برای فرزانگان دو نکتهٔ مهمی می‌باشند. در ضمن به نیایش خدای پرداخته از نیک منشی و نیک اندیشی ستایش خواهم کرد و از آیین راستی و درستی و پاکی گفت و گو خواهم داشت. تا شما در روشنایی بوده به خرسندی برسید. (جعفری)

اینک از برای کسانی که خواستار شنیدن حقیقت هستند سخن می‌گویم ـ این گفتار از سوی اهورامزدا سرچشمه راستی و نیک اندیشی است و هر که دانا و هواخواه راستی باشد، باید به آن گوش دهد، زیرا تنها با پیروی آن می‌توان به سرای درخشان فردوس راه یافت. (شهزادی)

اینک گوش فرا دهید و سخنانم را بشنوید ای کسانی که برای شنیدن گرد آمده‌اید، سخن می‌گویم از آن دو گفتار و آن دو شیوهٔ زیستن، برای آنانی که سخنانم را می‌شنوند؛ بایستی این سخنان سپردهٔ اندیشه‌ها شود. سرود ستایش به جا آورم برای اهورامزدا، برای همهٔ نیکی‌ها و راستی و روشنایی. (رضی)

اینک سخن می‌دارم، برای شما ای خواستاران، و برای شما ای دانایان، از دو نهادهٔ بزرگ. و می‌ستایم، اهورا و اندیشهٔ نیک را، و دانش نیک و آیین راستی را، تا فروغ و روشنایی را دریابید، و به رسایی و شادمانی برسید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۰ ، بند ۲

سرَئوتا گِئوشاایش وَهیشتا   اَوَاِنَتا سوچا مَنَنگها
آورَناو ویچی تَهیا   نَرِم نَرِم خُوَخُیائی تَنوی
پَرا مَزِ یا وَنگهُو   اَهمایی نِ سَزدیایی بَئُودَنتُو پَئیتی

بشنوید با گوش هوش بهترین چیزها (و آموزش‌ها) را، بنگرید با اندیشهٔ روشن دو راه (اهورایی و اهریمنی را) هر یک خودتان داوری (و گزینش) کنید. در برابر جنبش بزرگ (آیینی و فکری) آن را (گزینش خود را) با آگاهی اعلام کنید. (ساسانفر)

پس، پیش از رویداد بزرگ گزینش بهترین گفته‌ها را به گوش بشنوید و با چشم خرد بنگرید و با آگاهی،هر یک از شما، مرد یا زن از این دو راه یکی را برگزینید. (پردیس)

ای مردم بهترین سخنان را بگوش هوش بشنوید و با اندیشهٔ روشن و ژرف‌بینی آنها را بررسی کنید، هر مرد و زن راه و نیک و بد را شخصاً برگزینید پیش از فرارسیدن روز واپسین همه بپاخیزید و در گسترش آئین راستی بکوشید. (آذرگشسب)

بشنوید به گوشهاتان به بهترین (حقیقت) و بسنجید با ذهن روشن پیش از آنکه میان دو راه (یکی را اختیار کنید) مرد به مرد یا مرد و زن هر یک (آزادانه) برای خود پیش از اینکه دوره بزرگ آغاز گردد بیدار شوید هر یک (از شما جداگانه) و این پیام را انتشار دهید. (شوشتری)

ای هوشمندان! بشنوید با گوش‌ها [یِ خویش] بهترین [سخنان] را و ببینید با منش روشن و هر یک از شما ـ چه مرد، چه زن ـ پیش از آن که رویدادِ بزرگ به کام ما پایان گیرد، از میان دو راه، [یکی را] برای خویشتن برگزینید و این [پیام] را [به دیگران] بیاموزید. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بشنوید با گوشها آنچه بهتر است (و) به بینید با منش روشن جدائی میان دو کیش هر یک، هر یک از برای خویشتن پیش از (فرا رسیدن) انجام بزرگ دریافتن که آن بود ما پایان خواهد پذیرفت. (پورداود)

پس بهترین گفته‌ها را با گوش بشنوید و با اندیشهٔ روشن بنگرید. سپس هر مرد و زن از شما از این دو راه یکی را برای خود برگزینید. این آیین را پیش از آنکه روز بزرگ، فرا رسد، دریابید و نیک بفهمید. (جعفری)

ای مردم بیایید بهترین گفتار را به گوش هوش بشنوید و با اندیشهٔ روشن در آن بنگرید و پیش از آن که فرصت از دست برود هر مرد و زن باید به شخصه میان راه درست (مزداپرستی) یا نادرست (دیوپرستی) یکی را برگزینند، بشود که به یاری مزدا اهورا در گزینش راه درست کامیاب شوید. (شهزادی)

و این است آموزش‌هایم: بشنوید اینک این سخنان را، با اندیشهٔ روشن بِنگرید، مرد و زن بایستی خود این چنین با رایزنی خود و اندیشهٔ راه خود را برگزینند و این چنین است آموزش‌هایم. (رضی)

پس، بهترین گفته‌ها را به گوش بشنوید، و با اندیشهٔ روشن بنگرید، و هر یک از شما برای خویشتن، از این دو راه یکی را برگزینید، و پیش از رویدادِ بزرگ، هر یک بدرستی آگاه شوید، و این آیین را بیاموزید و بگسترانید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۰ ، بند ۳

اَت تا مَئینیو پَئواوروی یا یما خوَفِنا اَسرواِتم
مُنَ هیچا وَچَ هیچا شیئُوتَنُویی هی وَهیو اَکم چا
آوس چا هوداوِنگهُو اِرِش ویشیاتا نُوئیت دوژداوِنگهُو

آری، آن دو گوهر غیر مادی آغازین که با هم در حال تجرد و رویا بودند پدیدار و آشکار شدند. در اندیشه، گفتار و کردار، یکی نیک و دیگری بد است. از این دو نیکوکاران هستند که شیوهٔ درست را برمی‌گزینند نه زیانکاران. (ساسانفر)

اینک،آن «دو نهاده بنیادین مینوی» که همزادند، و در آغاز در اندیشه پدیدار گشتند، یکی نیکی را می‌نماید و آن دیگری بدی را و از این دو، دانا نیکی را گزینش کرده و نادان بدی را. (پردیس)

آن دو گوهر همزادی که در آغاز در عالم تصور پدیدار شدند یکی نیکی است و دیگری بدی در اندیشه و گفتار و کردار، مرد خردمند از میان این دو، راستی را بر خواهد گزید ولی شخص کج‌اندیش و نابخرد چنین نخواهد کرد و بیراهه خواهد رفت. (آذرگشسب)

اکنون بدانید که از ازل این دو مینو بودند که (هر دو) خود را با هم (توأم) به فعالیت آشکار کردند، چه در اندیشه و چه در سخن و چه در کار این دو (آشکار می‌شوند) بصورت خوب یا بد و از این دو آنانکه دانا هستند راست (خوب) را بر می‌گزینند ولی آنانکه، نادان باشند. (بد را) اختیار می‌کنند. (شوشتری)

در آغاز، آن دو «مینو»یِ همزاد و در اندیشه و گفتار و کردار [یکی] نیک و [دیگری] بد، با یکدیگر سخن گفتند. از آن دو، نیک آگاهان راست را برگزیدند، نه دُژْ آگاهان. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

در آغاز آن دو گوهر همزاد در پندار و گفتار و کردار بهتر و بدتر، در اندیشه هویدا شدند در میان این دو، نیک‌اندیشان درست برگزیدند نه بد اندیشان. (پورداود)

اینک در آغاز زندگانی این دو راه اندیشه، دو طرز فکر همزاد ولی در کار خود آزاد، خود را در اندیشه و گفتار و کردار چون بهتر و بد هویدا می‌سازند. از این دو آن فرزانگان هستند که درست بر می‌گزینند، نه بداندیشان. (جعفری)

آن دو نیروی همزادی که در آغاز در اندیشهٔ آدمی پدیدار شدند، یکی «سپنتامینو» یعنی نیکی در اندیشه و گفتار و کردار و دیگری «انگره مینو» یعنی بدی در اندیشه و گفتار و کردار است. از میان این دو، دانا نیکی را بر می‌گزیند و نادان بدی را. (شهزادی)

در دامان هستی، آنگاه که زمان مفهومی یافت، آن دو گوهر همزاد نخستین پیدا شدند، آن دو گوهری که یکی‌شان در اندیشه و گفتار و کردار نیک بود و دیگری زشت؛ از میان این دو، مردمان با داوری خرد، بایستی راه نیک را بر گزینند، نه راه بد را. (رضی)

اینک، آن دو مینوی همزاد که در آغاز، در اندیشه و انگار پدیدار شدند، یکی نیکی را می‌نماید و آن دیگری بدی را، و از این دو دانا راستی و درستی را بر می‌گزیند و نه نادان. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۰ ، بند ۴

اَت چا هیت تا هِم مَئینیو   جَس َاِتِم پَئُواورویم دَزدِ
گَئِم چا اَجیا ایتیم چا   یتاچا اَ نگهَت اَپِمم اَنگهوش
اَچیشتُو دُرِگوَتانم   اَت اَشَئُونِ وَهیشتِم مَنُو

آری، هنگامیکه این دو مینو (دو گوهر غیر مادی، دو نفس خوب و بد) به هم برسند در آغاز، زندگی و نا زندگی داده می‌شود و پدید می‌آید (و پاکی و پلیدی با هم برخوردمی‌کنند). چنانکه سرانجام بدترین زندگی از آن دروغگویان و زیانکاران و بهترین منش گزینش درستکاران خواهد بود. (ساسانفر)

و آنگاه که در آغاز، این دو نهاده بنیادین مینوی بهم رسیدند، زندگی و نازندگی را پدید آوردند و تا پایان هستی چنین باشد که بدترین زندگی از آن پیروان دروغ، و بهترین زندگی از آن پیروان راستی خواهد بود. (پردیس)

هنگامیکه آن دو گوهر بهم رسیدند زندگی و نازندگی پدید آوردند، هواخواهان دروغ و تبهکاران ببدترین وضع روانی دچار و طرفداران راستی و نیکوکاران از بهترین منش یا راحتی خیال برخوردار خواهند گردید و این امر تا پایان هستی ادامه خواهد داشت. (آذرگشسب)

و اکنون هر گاه این دوماینیو بهم آمدند و پدید شدند از نخستین زیست و مرگ را آفریدند (علت شدند) و به این ترتیب مقصود آفرینش به انجام خواهد رسید ـ بدترین (در بهره) ناراستان ولی بهترین حالت ذهنی برای پیروان راستی خواهد شد (یا وهومن ـ دانش، برای پیروان راستی خواهد شد)(شوشتری)

آنگاه که آن دو «مینو» به هم رسیدند، نخست «زندگی» و «نازندگی» را [بنیاد] نهادند و چنین باشد به پایان هستی: «بهترین منش»، پیروان «اشه» را و «بدترین زندگی»، هواداران «دروج» را خواهد بود. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و آنگاه که این دو گوهر بهم رسیدند نخست هستی و نیستی بنیان نهادند و همچنان در انجام بدتر زندگی که پیروان دروغ را خواهد بود و پیروان راستی را بهتر جایگاه. (پورداود)

هنگامی که این دو، نخست بهم رسیدند زندگانی و ضد زندگانی را آفریدند و تا پایان هستی، بدترین اندیشه برای دروغکار و بهترین اندیشه از آن راست‌کار خواهد بود. (جعفری)

هنگامی که این دو نیرو به هم رسیدند، هستی و نیستی (حرکت و سکون) پدیدار شد و تا هستی برقرار است بدترین زندگی و وضع روانی بهرهٔ پیروان بدی و بهترین زندگی و خوشبختی پاداش پیروان نیکی است. (شهزادی)

و چون این دو نیروی قدیم به هم رسیدند، پدید آوردند زندگی را و مرگ را، و این تضاد هم چنان پایدار باشد تا واپسین و در انجام، زندگی خوش و به کام در دو جهان از آنِ کسانی باشد که بهترین منش و راه راستی را برگزیدند، و پویندگان راه دروغ فرجامی خواهند داشت از بدترین چیزها. (رضی)

و آنگاه، که در آغاز، آن دو مینو به هم رسیدند، زندگی و نازندگی را پدید آوردند. و تا پایان هستی چنین باشد که بدترینِ منشها از آنِ پیروان دروغ، و بهترین منشها از آنِ پیروان راستی خواهد بود. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۰ ، بند ۵

اَیاو مَئینی واو وَرَتا ی دِرگواو اَچیشتا وِرزیوُ

اَشِم مَئینیوش سپِنی شتُو ی خرَئُوژدیش تِنگ اَسِنُو وَستِ

یَ اِچا خشنَ ئُوشن اَهورم

هَئی تیائیش شیئُو تَنا ئیش فَرئُورِت مَزدانم

از این دو منش (گوهر یا مینوی خوب و بد)، آن کس که هواخواه دروغ بود بدترین کردار را برگزید و آن که دارای پاکترین و پیشروترین منش بود، اشا را برگزید، یعنی آن کس که جامه‌ای چون سخت‌ترین سنگ بر تن کرده است (و به بالاترین پایه باور دینی رسیده تا با بدی رویاروئی کند) آنان که اهورا را با کارهای راست و با باور و ایمان کامل خشنود می‌سازند. (ساسانفر)

از این دو مینوی نا همگون پیرو دروغ بدترین کردارها را برمی گزیند و آنکه درست ترین اندیشه‌ها را دارد برای خشنودی اهورامزدا، راستی را گزینش کرده. و از آن با استواری نگهبانی می‌نماید. (پردیس)

از این دو گوهر همزاد، هواخواه دُروغ زشت‌کرداری را برگزید ولی سپندمینو، آنکه دارای گوهری پاک بوده و خود را با فروغ فناناپذیر دانش آراسته است راستی را برگزید، همچنین کسی که با ایمان کامل برای خشنودی خداوند جان و خرد کار نیک انجام دهد راستی را اختیار خواهد کرد. (آذرگشسب)

از این دو ماینیو بر می‌گزیند او را که ناراست است و بدترین (کار) می کند، اما (او که) پاکترین نفس است راستی را ـ او که خود را به جامه روشنائی ناتباه شدنی می‌پوشاند و او که اهورا را (از خود) خوشنود می‌سازد به کردن کارهای راست (و درست) او مزدا را باید برگزیند. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از آن دو «مینو»، هواخواه «دروج» به بدترین رفتار گروید و «سپندترین مینو» ـ که آسمان جاودانه را پوشانده است ـ و آنان که به آزادکامی و درستکاری، «مزدا اهوره» را خشنود می‌کنند، «اشه» را برگزیدند. (دوستخواه)

از این دو گوهر، دوستار دروغ بدتر رفتار برگزید، راستی (برگزید) پاکتر روان، آنکه از آسمان استوارتر جامه در بر کرده و کسانی که شادمانه با کردارهای آشکار اهورامزدا را خشنود کنند. (پورداود)

زیرا هر کس راه و روش خود را خود برمی‌گزیند اما کسی که بهترین اندیشه را اختیار می‌کند، سنگ تمام عیار را می‌گذارد. و با کارهای راستین خود خدای دانا را خشنود می‌سازد. (جعفری)

از میان این دو نیروی همزاد، نادان زشت‌گرا بدترین کردار و خردمند راست‌گرا، که پیوسته خواستار نیکی و خشنودی پروردگار است، نیکی را که پیوسته خواستار نیکی و خشنودی پروردگار است، نیکی را که با خرد مینوی و ایزدی آراسته است، برمی‌گزیند. (شهزادی)

از میان این دو گوهر، دروغ‌پرستان به راه زشتی و پلیدی گرویدند و پویان راه بدی و کردار بد شدند؛ اما راهروانِ طریقِ راستی، خرد پاک و کردار نیک را پذیره شدند. (رضی)

از این دو مینو، پیرو دروغ بدترینِ کردارها را برمی‌گزیند، و آنکه پاکترین اندیشه‌ها را دارد، و آراسته به فروغ پایدار است، و آنکه با باور استوار و کردار درست، مزدا اهورا را خشنود می‌سازد، راستی را. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۰ ، بند ۶

اَیاو نُوئیت اِرِش ویشیاتا دَئواچینا هیَت ایش آدِبَئُوما
پِرِس مَنِنگ اوپاجَسَت هیَت وِرِناتا اَچیشتِم منُو
اَت اَاِشمِم هِن دوارِنتا یا بانَ ین اَهوم مَرِتانُو

از این دو نفس (یا دو گوهر غیر مادی) گمراهان به شیوهٔ درست برنگزیدند. زیرا هنگام گفتگو (و پرسش و پاسخ) تزویر و فریب برایشان چیره شد چنانکه بدترین منش را برگزیدند. بنابراین با خشم همراه (و هم آواز) شدند که جهان هستی را به تباهی می‌کشند. (ساسانفر)

از این دو نهاده بنیادین، پیروان دروغ راستی را بر نمی‌گزینند زیرا هنگام دودلی در گزینش، فریب برایشان چیره میگردد. و از این رو، به بدترین اندیشه‌ها روی می‌آورند و به سوی خشم می‌شتابند و زندگی مردمان را به تباهی میکشند. (پردیس)

هواخواهان دیو (یا بُت‌پرستان) چون در شک و تردید بودند فریب خوردند و از آن دو مینو، راه راست را اختیار نکردند بلکه از پی بدترین منش یا اهریمن و خشم (که انگیزهٔ بدکاری است) روانه شدند تا بدینوسیله زندگی مردم را تباه سازند. (آذرگشسب)

از این دو ناراستان راستی را برنمی‌گزینند زیرا که فریبنده در زمانیکه به شک و تردید متوقف شده بودند نزدیک شد، از اینرو آنان اندیشه بد را برگزیدند و با او (فریبنده) او به خشم تاختند و به این ترتیب زندگی و مردم را آلوده (و پلید کردند). (شوشتری)

دیوگزینان [نیز] از آن دو [مینو»]، راست را برنگزیدند؛ چه، بدان هنگام که پُرسان بودند، فریب بد انسان در ایشان را، یافت که به «بدترین منش» گرویدند. آنگاه با هم به سوی «خشم» شتافتند تا زندگی مردمان را تباه کنند. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از میان این دو (گوهر) دیوها نیز (بدی از خوبی) درست باز نشناختند چه هنگامی که آنان با هم در گفت و شنود بودند فریب بآنان فرا رسید آنچنان که بدتر منش برگزیدند آنگاه با هم بسوی خشم شتافتند تا زندگی مردم تباه کنند. (پورداود)

آنان که دچار شک و تردید می‌شوند حقیقت را به درستی باز نمی‌شناسند فریب می‌خورند، و بدترین اندیشه را برمی‌گیرند. و در نتیجه روی به خشم می‌برند و زندگی مردم را به تباهی می‌کشانند. (جعفری)

از میان این دو نیروی، نادانان چون نمی‌توانند نیک را از بد تمیز دهند، در هنگام مشورت با بداندیشان و فریب کاران، دیو فریب فرا رسد و آنان را به گزینش زشت‌ترین اندیشه وادار سازد و سپس برای انجام کار زشت ناگزیر به سوی خشم و زور روی آورند و بدین وسیله زندگی آدمیان را به تباهی کشانند. (شهزادی)

از میان این دو، دیوپرستان راه مینویِ راستی را برنَگزیدند و در حالی که پویانِ راه فریب بودند، با هم به سوی خشم شتافتند تا آزار دهنده مردم را. (رضی)

از آن دو، کژاندیشان راستی را برنمی‌گزینند. زیرا هنگامی که دودلند، فریب بر آنها فراز آید، و از این رو، به بدترین اندیشه‌ها می‌گرایند و به سوی خشم می‌شتابند، و زندگی مردمان را به تباهی می‌کشانند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۰ ، بند ۷

اَهمایی چا خشتَرا جَسَت مَنَنگها وُهو اَشاچا
اَت کهرپِم اوتَ یویی تیش دَدات آرمَ ایتیش آنما
اِاشانم تویی آ. اَنگهت یَتا اَینگها آداناییش پَئواورویُو

و به این جهان هستی می‌آید (سوشیانت و رهایی‌بخش) با نیروی فرمانروایی (خشترا) و پاک منشی (وُهومن) و راستی (اشا) تن را نیروی جوانی (و سر زندگی) و روان را راست منشی (آرمئیتی) می‌بخشد. چنانکه بر آنها (هواداران دیو) پیشی می‌گیرد (و پیروز می‌شود) و برای تو (ای اهورا) آنها را با آهن لگام می‌کنند و در بند می‌کنند. (ساسانفر)

و به آنکه راه درست گزینش کند، نیروی راستی و اندیشه نیک همراه با توانائی برخاسته از به خود چیرگی،به او روی خواهند نمود و به روان او آرامش خواهند بخشید. این چنین کسی از رهروان تو است، چون از آزمون گزینش پیروز بیرون آمده. (پردیس)

کسی که از نیروی معنوی و منش نیک و راستی و پاکی برخوردار باشد و آرمئی‌تی با عشق و ایمان بکالبد او پایداری و اُستواری بخشد بیگمان چنین شخصی در آزمایش سخت زندگی فیروز گردیده و رد زُمره بندگان نیک تو ای پروردگار محسوب خواهد شد. (آذرگشسب)

و به چنین کس خواهد آمد خشتر (نیرو) ایزدی و نیز وهومن با اشا ـ و پیش رفت تن جاوید را ارمایتی مهربان خواهد داد. برای آنها خواهد بود (هم چنان که برای) تو هست، زیرا او در آزمایش سخت (گویا) آهن (گداخته) کامیاب شده. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

«شهریاری مینُوی» و «منش نیک» و «اشه» بدو فراز آمد و «آرمیتی»، پیکر [او] را تُخشایی و نَستوهی بخشید. براستی آنان که از آنِ تواند، از آزمون آهن، پیروز برمی‌آیند. (دوستخواه)

او باو خشتر فرا رسد، و وهومننگه و اشا و باندام (او) آرمئی‌تی پایداری و استواری دهد، آنچنان که او در برابر پاداش تو از (آزمایش) آهن نزد آنان نخستین گردد. (پورداود)

به کسی که راه نیکی را برمی‌گزیند شهریاری خدایی و نیک اندیشی و راستی می‌رسد و آرامش پایدار به کالبد او نیرو و توانایی می‌بخشد از میان مردم، او از آن تست زیرا در آزمایش پیروز برآمده است. (جعفری)

کسانی که از نیروی ایزدی و نیک اندیشی و راستی برخوردار باشند و فرشتهٔ مهر و دوستی در وجود آنان راه یافته باشد، در انتخاب راه نیک کامیاب می‌شوند و به پاداش آن در دو جهان بهرهٔ نیک یابند. (شهزادی)

اینک برای ما که پویانِ آن راه راستی هستیم، نیروهایِ نیک منشی، خرد نیک و اندیشهٔ پاک و نیروی تن و رامش فراخواهد رسید، برای آنانی که پویش راه او کنند این چنین دهش‌ها خواهد بود. (رضی)

و به آنکه راه نیک برمی‌گزیند، توانایی مینویی و اندیشهٔ نیک و راستی فرا رسد، و پارسایی به کالبد او پایداری و استواری بخشد. و چون او از آنِ تو بوده است در آزمون سخت پیروز برمی‌آید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۰ ، بند ۸

اَت چا یدا اَاِشانم کئِنا جَمَ ایتی اَاِنَنگ هانم
اَت مَزدا تَئی بیُو خشتَرِم وُهو مَنَنگها وُئی ویدائیتِ
اَ اِ ای بیُو سَستِ اَهورا یُویی اَشایی دَدِن زَستَ یُو دَروجِم

و بدینسان هنگامی که کیفر گناهانشان فرا برسد. آنگاه ای مَزدا فرمانروایی و توانایی تو به‌وسیله وُهومن آشکار می‌شود. آنها آگاه می‌شوند ای اهورا تا آن که دروغ را باید به دست راستی بسپارند. (ساسانفر)

و زمانیکه بد اندیشان، به وسیله کردار خود تنبیه شدند آنگاه،ای مزدا، فروغ تو از راه اندیشه نیک بر آنها خواهد تابید. و آنها خواهند آموخت چگونه از دروغ برهند،و به راستی روی کنند. (پردیس)

هنگامیکه بزهکاران بکیفر گناهان خود رسند، آنگاه ای خداوند جان و خرد در پرتو اندیشهٔ پاک قُدرت تُرا درک کرده و این حقیقت را خواهند آموخت که چگونه باید در برانداختن دروغ و کژی و کمک به فیروزی راستی و پاکی کوشش کرد. (آذرگشسب)

ولی زمانیکه کین (سزای) گناهانشان بر آنها فرو خواهد آمد ـ پس ای مزدا نیروی (آئین) تو آشکار از وهومن پدید خواهد شد و آنگاه ای اهورا آموزش داده خواهد شد تا که بدست اشا آنان ناراستان را تسلیم بکنند (بدهند) (شوشتری)

ای مزدا اهوره! چون کینِ گناهکاران فرا رسد، «شهریاریِ مینُوی» تو در پرتو «منش نیک» آشکار خواهد شد و آنان خواهند آموخت که «دروج» را با دست‌های «اشه» بسپارند. (دوستخواه)

و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد، پس آنگاه، ای مزدا،

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کشورت را بهمن در پایان برپا کند از برای کسانی که دروغ را بدست‌های راستی سپردند. (پورداود)

اما هنگامی که این گناهکاران کیفر خود را می‌چشند، آنگاه توانایی ترا، ای خدای دانا، از راه منش نیک، در می‌یابند و می‌آموزند که چگونه دروغ و آزار را رها کرده، به راستی روی بیاورند. (جعفری)

هنگامی که کیفر اهورایی برگناه‌کاران فرا رسد و بدان به جزای زشت خود رسند، آنگاه جهان را نیروی پاک منشی فرا خواهد گرفت و با پیروی از راه ایزدی، در پایان، بدی به دست نیکی شکست می‌خورد و دروغ به بند راستی در می‌آید. (شهزادی)

اما دروغ‌پرستان را سرانجامی بد فرا خواهد رسید، آن هنگامی که پاداَفره گناهکاران در رسد، آنگاه ای خداوند جان و خرد، به کیفر بد کاری‌هاشان برسند. (رضی)

و هنگامی که، گناهکاران به کیفر خود رسند، آنگاه، ای اهورامزدا، شهریاریِ تو از راه اندیشهٔ نیک، بر آنان آشکار خواهد شد، و آنها خواهند آموخت، چگونه از دروغ برهند و به راستی رو کنند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۰ ، بند ۹

اَت چا تُوئی وَاِم خُیاما یُویی ایم فرَشم کرِنَئون اَهوم
مَزداوس چا اَهوراوِنگهُو آ. مُویسترا بَرَنا اَشاچا
هیَت هَترا مَناو بَوَت یَترا چیس تیش اَنگَهت مَاِتا

و بدینسان از آن تو باشیم که این جهان را آباد و بارور می‌سازند. آنجا که شیوه‌های خردمندانه و هنجار دادگری سروری دارند زیرا در آن زمان اندیشه و منش با آگاهی و دانش همراه و هم سنگ است. (ساسانفر)

باشد تا از کسانی باشیم که جهان را هردم نو کنند و تازه گردانند. تو ای آورنده داد وخرد، که در پرتو راستی، خوشبختی به ما ارمغان میکنی باشد که ما، آئین و باورهای خود را در روشنائی خرد و شناخت درست پرورش دهیم. (پردیس)

پروردگارا بشود که مانند کسانی که جهان را بسوی تکامل و آبادی پیش می‌برند از بندگان وفادار تو باشیم. ای خداوند جان و خِرد و ای هستی‌بخش بزرگ بشود که در پرتو «راستی و پاکی» از یاری تو برخوردار گردیم تا زمانی که ما دستخوش بدگمانی و دودلی هستیم اندیشه و قلب ما یکپارچه بتو توجه پیدا کند. (آذرگشسب)

(و امیدواریم) که ما از تو بشویم (هم چنانکه) می‌شوند مردمیکه این جهان را نو می‌کنند. ای مزدا و ای اهورا (خداوند آفریده شدگان و خداوند جان) و زندگی به کنیم بوسیله اشا به مهر و عشق (باتو) به این ترتیب (امید) بشویم یکسو در دل ـ هرگاه که نیروی تمیز مادر شک بشود و تردید(شوشتری)

ای مزدا! ما [خواستاریم که] از آنِ تو و [در شمار] «اهوراییان» باشیم که هستی را نو می‌کنند. تو نیز ما را در پرتو «اشه» یاری کن تا هنگامی که خِرد ما دستخوش دودلی است، اندیشه‌های ما به هم نزدیک باشد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند. ای مزدا و شما ای سروران دیگر و اردیبهشت همراهی‌تان را ارزانی دارید آنچنان که اندیشه‌ها با هم بودند در آنجائی که شناسائی پریشان است. (پورداود)

پس بیاییم و از کسانی شویم که این زندگانی را تازه می‌کنند و جهان را نو می‌سازند. ای خداوندان خرد، ای اندیشمندان و ای آورندگان خرسندی از راه راستی و درستی بیایید، همه در آنجا که دانش درونی است یک پارچه همرای و همراه باشیم. (جعفری)

ما خواستاریم از زمرهٔ کسانی باشیم که جهان را به سوی پیشرفت و آبادی و مردم راه به سوی راستی و پارسایی ره نمایند. بشود که مزدا ما را یاری فرماید تا با نیروی اندیشه و دل (عقل و عاطفه) به سرچشمهٔ دانایی پی‌بریم. (شهزادی)

آن چنان هنگامی است که ما از آن تو خواهیم بود، از شمار آن چنان کسانی که سود بخشند این هستی بزرگ را، و یارانِ شیفتهٔ آن اهورامزدای بی‌همتا خواهیم بود و در آن کشور سرمدی که فرزانگی ما را میزبان است جاودانگی یابیم. (رضی)

ای مزدا اهورا، باشد که از آن تو باشیم، و از کسانی باشیم که جهان را تازه می‌گردانند. باشد: زمانی که خرد دستخوش سستی و نااستواری است، راستی به یاری ما آید، و اندیشهٔ ما را به هم نزدیک گرداند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۰ ، بند ۱۰

اَدا زی اَوا دُروجُ		اَوُ بوئَیتی سکندوُ سپَیترَهیا
اَت اَسیشتا یئُوجَنتِ		آهوشی تُوئیش وَنگهِئُوش مَنَنگهُو
مزداو اَشَ خْیاچا		یوئی زَزِنتی وَنگ هاو سرَوَهی

زمانی که بی‌گمان شیوهٔ تبهکاری و ویرانگری که از کامیابی دروغ سرچشمه گرفته باشد فرو ریزد، آنگاه شتابان‌ترین و کوشاترین کسان که در نیک نامی و درستکاری بلند آوازه و پیشتر از دیگرانند. در جایگاه بهشت آسای وُهومن و مَزدا و اشا گرد هم آمده دست به کار (دادگری و آبادانی) می‌شوند. (ساسانفر)

چون با چنین دانائیست که ما، نیروی فریب را در هم خواهیم شکست و باکوشائی و نیکنامی در جایگاه بهشت آسای اندیشه نیک و راستی با مزدا یگانه خواهیم شد. (پردیس)

زمانی که بجهان دروغ شکست و تباهی فرا رسد آرزوی قلبی کسانیکه بخوشنامی و نیکی معروفند برآورده شده و از نعمت سرای خوش، نیک منشی و راستی و بارگاه پرفروغ مزدا (یعنی بهشت) برخوردار خواهند گردید. (آذرگشسب)

هر گاه بر پیروزی ناراستان تباهی فرو آید آنگاه آنان (یعنی نیکان) آرزوی باطن را خواهند یافت و راست به مکان برکت وهومن و مزدا و اشا (خواهند رسید) در حالیکه پیوسته برای نام نیک کوشان باشند. (شوشتری)

آنگاه شکست و تباهی بر «دروج» فرو خواهد آمد و آنان که به نیکنامی شناخته شده‌اند، به آرزوهای خویش خواهند رسید و به سرایِ خوشِ «منش نیک» و «مزدا» و «اشه» راه خواهند یافت. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آری، آنگاه بکامیابی (جهان) دروغ شکست از پی رسد، ایدون بپاداشی که پیمان شده در سرای نیک بهمن (و) مزدا و اردیبهشت کسانی در پیوندند که نیکنامی جستند. (پورداود)

آنگاه است که زور دروغ در هم می‌شکند و آنان که در نیکنامی کار و کوشش می‌کنند بزودی در سرای زیبای منش نیک خدایی و راستی و درستی بهم می‌پیوندند. (جعفری)

بدکاران پس از رسیدن به سزای زشت خود، پشیمان می‌شوند و اندیشه و دل آنان به سوی نیکی خواهد گرایید و آنگاه اشا و خرد پاک به یاری آنان می‌شتابد و در گزینش راه درست به آنان یاری می‌دهد. (شهزادی)

آنگاه در واپسین، آنان که پیروی از دروغ کردند، شکسته و در هم ریخته شوند و در آن هنگام است که یارانِ بهمن و پیروان راستی پیروز شوند، مزد آن همه نیکی بستانند و به آشیان خوشِ سرمدی اَندر شوند. (رضی)

آنگاه که شکست و تباهی به دروغ فرود آید، آنان که با نیکنامی کوشا، و به نیکی شناسا بوده‌اند، در سرای خوش اندیشهٔ نیک مزدایی و راستی آرزو و خواست خویش را برآورده خواهند یافت. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۰ ، بند ۱۱

هیَت تا اورواتا سَش َ تا — یا مَزداو دَدات مَشیاواَنگهُو

خُویی تی چا اِنِ ایتی — هیت چا دَرِگِم دَرِگُودِبیوُ رِشُو

سَوَچا اَشَوَبیوُ — اَت اَئیپی تائیش اَنگهَئیتی اوشتا

هرگاه ای مردم این فرمان‌ها را که مَزدا (خرد) نهاده است پیروی کنید. و راه راست را از بیراهه باز شناسید، آنگاه به راستی زیان دیر پا از آن گمراهان و سودهای فراوان به کام پیروان راستی خواهد بود. (ساسانفر)

در آن زمان که کارکرد این دو نهاده نیکی و بدی را، که به اراده مزدا استوار شده‌اند، در یابید، خواهید دید، که خوشبختی جاودانی برای راست کردار و رنج دراز برای فریب کار خواهد بود. (پردیس)

ای مردم هرگاه فلسفه شادی و رنج را که خداوند خرد مقرر فرموده است بیاموزید و دریابید که دروغگویان و تبهکاران بکیفر دیرپا دچار و درست‌کرداران و پاکان از سود بی‌پایان خوشبختی بهره‌ور خواهند گردید آنگاه در پرتو این اصل بخرسندی حقیقی و رستگاری نایل خواهید شد. (آذرگشسب)

اگر شما این آئین (مزدیسنی) را دانستید (آئینی است) که مزدا فرموده است (و آئین) سعادت است (به سعادت می‌رسید) ولی آئینی که درد دارد و سزائی است برای همه (روزهای) عمر (و آن) از نارستان است. پیش رفت رویه بلندی (روانی) از نیکان است و آنگاه بوسیله آئین (مزدیسنی) روشنائی (روانی) بشما نزدیک خواهد شد. (شوشتری)

ای مردم! این است آن دو فرمان آموخته «مزدا»: خوشی و ناخوشی. رنج و زیانِ دیرپای، فریفتگان «دروج» را و رستگاری، رهروان راه «اشه» راست. بی‌گمان در پرتو این [آموزش] به رستگاری و بهروزی خواهید رسید. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اگر شما مردمان آیینی که مزدا فرو فرستاد دریافتید ـ (از یک سو) آسایش (و از سوی دیگر) رنج زیان دیرپایا از برای پیروان دروغ و سود از برای پیروان راستی ـ پس آنگاه آینده بکام خواهد بود. (پورداود)

ای مردم، اگر شما این دو اصل آرامش و ناآرامی را دریابید که خدای دانا مقرر فرموده و آن این است که زیان دیرپا از برای دروغکار است و فروغ بی‌پایان از برای راستکار، هر آینه به خرسندی و شادکامی خواهید رسید. (جعفری)

ای مردم اگر از قانون ازلی که مزدا برقرار داشته است، آگاه می‌شدید و از خوشی و پاداش نیک راستی و رنج و پادافره زشتِ کژی در این جهان و سرای دیگر با خبر می‌شدید آنگاه کاری می‌کردید که همیشه روزگارتان به خوشی بگذرد. (شهزادی)

اینک ای مردمان، به آیینی که فرستادهٔ خداوند جان و خرد است نیک بنگرید، نیک بیندیشید، فرمان‌ها را نگاه دارید، به خوشی و رنج این جهانی بنگرید، در پاداش نیک واپسین و مکافات دیرپای بدکاران به ژرفی اندیشه کنید، آنگاه است که این راه را بر خواهید گزید، راهی که بهزیستی جاودانی همراه دارد. (رضی)

ای مردم، هر گاه این آیین برنهادهٔ مزدا را دریابید. که کیفر رنجِ دیرنده از آنِ دُروَندان است و شادی و سود بیکران برای راستان، آنگاه، در پرتو این آیین به خوشبختی و رستگاری راستین خواهید رسید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات سی و یکم

هات ۳۱ ، بند ۱

تا وِ اوروات مَرِنتُو اَگوشتا وَچا سِنگهامَهی
اِاای بیُو یُویی اورواتائیش دروجُو اَشَهیا گَئِتاو وی مِرِن چَئیتِ
اَت چیت اِاای بیُو وَهیشتا یُویی زرزَداو اَنگهِن مَزدایی

این دستورها و سخنان ناشنیده را به شما یادکنندگان و هوشمندان آشکار می‌کنیم. (و نیز) برای کسانی که با آموزش‌های نادرست جهان راستی و نیکی را به تباهی می‌کشند، ولی آنها برای گروندگان به مَزدا بهترین سخنان و آموزش‌ها هستند. (ساسانفر)

ای جویندگان دانش، اکنون برای شما سخنانی میگویم، و آموزشهائی را آشکار میکنم که پیش از این کسی نگفته است این سخنان،بی گمان، برای آموزش دهندگان دروغ که جهان راستی را به تباهی می‌کشند ناگوار است. ولی برای رهروان راه مزدا خوشترین میباشد. (پردیس)

ای جویندگان دانش، اکنون آموزش‌ها و پیامی را که تا بحال شنیده نشده است برای شما آشکار خواهم ساخت. این پیام برای کسانیکه از روی تعالیم نادرست و (وسوسه‌های شیطانی) جهان نیکی را تباه سازند ناگوار می‌باشد، ولی برای دلدادگان مزدا خوشایند و شادی‌بخش است. (آذرگشسب)

این آئین شما را در خاطر داشته ـ ما پیام (اهورمزدی را) اعلام می‌کنیم و گوش به سخن آنانکه (پیروی از) آموزش ما راستان می‌کنند و جهان اشائی را تباه می‌سازند نمی‌دهیم. (شوشتری)

ای هوشمندان! شما را از آموزش‌هایی ناشنوده می‌آگاهانم. بی‌گمان، این سخنان، پیروان آموزش‌های «دورج» ـ تباه کنندگان جهان «اشه» ـ را [ناگوار] و دلدادگان «مزدا» را بسیار خوشایند است. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بیاد فرمان‌تان بیاگاهانم سخنانی که ناشنیدنی است از برای کسانی که از روی دستور دروغ جهان راستی تباه کنند ایدون بسیار خوش از برای آنانی که دلداده مزدا هستند. (پورداود)

با توجه به این دو راه نیکی و بدی ما سخنان تازه نشنیده را به کسانی می‌آموزیم که جهان را با آیین دروغ و آزار تباه می‌گردانند. بی‌گفته است که این سخنان برای کسانی که دلدادهٔ خدای دانا هستند، بسی بهتر خواهد بود. (جعفری)

ای مردم اینک شما را از پیامی آگاه سازم که تا حال کسی نشنیده است، و فرمانی که شنیدن آن برای بدکاران و دروغ پرستان ناگوار خواهد بود، ولی برای کسانی که از ته دل به مزدا ایمان آورده‌اند، دل‌پذیر می‌باشد. (شهزادی)

اینک بیاگاهانم شما را از سخنانی که تاکنون نشنیده‌اید. این چنین سخنان و گفتارهایی از برای دروغ‌پرستان ناخوشایند است، اما برای آنانی که خواهانِ راستی و درستی هستند و در انتظار سلوک راه مزدایی، چه خوش و گوارا خواهد بود. (رضی)

ای جویندگان دانش، اینک برای شما، این آموزش‌ها و سخنان ناشنوده را آشکار می‌سازم. بیگمان، این سخنان، برای کسانی که با آموزشِ دروغ، جهان راستی را به تباهی می‌کشانند، ناگوار و برای دلدادگانِ مزدا بهترین است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۲

یزی آئیش نوئیت اوروانِ	آداو اَئیبی. دِرِشتا وَخیاو
اَت واو ویس پِنگ آیُویی	یتا رَتوم اَهورو وَاِدا
مَزدا اَیاو آن سَیاو	یا اَشات هَچا جوامَهی

چنانکه با اینها (سخنان بند پیشین) راه و روش بهتر برای پیمودن برایتان آشکار نشود (و نتوانید گزینش کنید) آنگاه به سوی شما می‌آیم همچون رهبر و داوری را که اهورامَزدا برای همگان (مزدیسنان و دیویسنان) می‌شناسد که هر دو گروه به سهم خود (راه و روش بهتر را دریابید) و از روی راستی و درک حقیقت زندگی کنیم. (ساسانفر)

از آنجائیکه آموزشهای دروغین چشم خرد را کور کرده، و راه بهتر را از دیده‌ها ربوده، پس من، چون آموزگاری که برگزیده مزداست به سوی شما می‌آیم،تا هر دو گروه را، درستان و نادرستان را بیاموزانم که چگونه هماهنگ با راستی زندگی کنند. (پردیس)

چون وسوسه‌های شیطانی مانع از آنست که راه بهتر را آشکارا دیده و برگزینید، بنابر این خداوند جان و خرد مرا برای رهبری شما برگزید تا زندگی کردن برابر آئین راستی بهر دو گروه نیکان و بدان بیاموزیم. (آذرگشسب)

از آنجائیکه بسبب این (گفته‌های گمراه کننده) برای برگزیدن راهی بهتر واضح در نظر نیست ـ بنابر این بسوی شما همه (به وظیفه) آموزگار آمده‌ام که اهورا تعیین کرده و او را که میان این دو گروه مزدا فرستاده تا که ما (همه) بتوانیم همرنگ با اشا زندگی بکنیم. (شوشتری)

چون با این [آموزش]ها [ی «دروج»]، راه بهتری برای گزینش پدیدار نیست، من چونان رَدی که «مزدا اهوره» [او را] برای هر دو گروه برگزیده است، به سوی همهٔ شما می‌آیم تا زندگی را به پیروی از «اشه» بسر آوریم. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

چون آن راه بهتر که باید برگزید پدیدار نیست، پس از اینرو من بسوی همهٔ‌تان می‌آیم داور هر دو گروه، آنچنان که مزدا اهورا مرا می‌شناسد، تا اینکه ما از روی دین راستین زندگی بسر بریم(پورداود)

چون راه بهتر را برگزیدن کاری آسان نیست من به عنوان رهبری که خدای دانا او را شناخته برای هر دو گروه راستکاران و دروغکاران آمده‌ام و تا بتوانیم از روی راستی و درستی و پاکی زندگی کنیم. (جعفری)

از آن جایی که برگزیدن بهترین راه برای مردم کار دشواری است، من که زرتشت هستم برای رهبری شما برگزیده شده‌ام. رهبری که اهورامزدا گواه راستی و درستی گفتار اوست ـ باشد که همه برابر آیین مقدس مزدا زندگی کنیم. (شهزادی)

چه بسا که آن راه مینوی و مزدایی، راهی که باید برگزیده شود، برایتان آشکار نباشد و از همین روی است که من به سوی شما برانگیخته شده‌ام تا آن راه مینوی اهورامزدا را به شما بشناسانم تا از گروه کامروایان باشید. (رضی)

چون، با این آموزش‌های نادرست، گزینش راه بهتر، روشن و آشکار نیست، من، چونان آموزگاری، که برگزیدهٔ مزداست، به سوی شما می‌آیم، تا هر دو گروه را بیاموزانم چگونه برابر راستی زندگی کنند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۳

یانم داو مَئینیو آتراچا اشاچا چُوئیش رانُویی بیا خشنوتِم
هَیت اوروَتِم چَزدُنگه وَدِبیُو تَت نِ مُزدا ویدوَ نُویی وَ ئُوچا
هیزوا توَهیا آوونگهُو یا جونَتُو ویس پِنگ وا اورِیَا

آن خوشبختی را که با پیروی از منش مینوی و روشنایی آتش که نماد خرد و روشنگر است، در پرتو اشا، توازن و دادگری وعده میدهی، دستور دانستن آن را ای مَزدا آنچنانکه گویی از زبان و دهان خودت باشد برای ما هواداارنت آشکار کن تا بدانوسیله بتوانم همگان را هدایت کنم و به تو بگروانم. (ساسانفر)

ای مزدا، آن خوشبختی درخشان را که در پرتو راستی، به هر دو گروه نوید داده ای و آن آئینی را که برای فرزانگان به هستی آورده ای با گفتار خود، برای رهروان راهت آشکار کن تا من، همه مردمان را به سوی آن فرا خوانم. (پردیس)

پروردگارا در پرتو فروغ مینوی بما چه خواهی بخشید؟ آیا آن سعادتی که در پرتو راستی و پاکی بدست می‌آید و بهمه وعده شده کدام است؟ در مورد دانایان چه فرمانی داده شده است؟ ای خداوند خرد مرا از تمام این حقایق آگاه ساز و با گفتارِ الهام‌بخش خود مرا روشن نما تا همهٔ مردم را بآئین راستی ارشاد کُنم. (آذرگشسب)

آنچه بوسیله آتش روانی می‌دهی و سعادتیکه بوسیله اشا به هر دو گروه وعده نموده‌ای و آئینی که برای دانشمند کامل هست ای مزدا برای آگاهی ما اعلام کن از سخنانی که بزبان خودت باشند تا که من همه زندگانی را به آن رهنمائی (تبلیغ) کنم. (شوشتری)

ای مزدا! تو با گفتار [خود و به] زبان خویش، ما را بیاگاهان از آنچه به هر دو گروه خواهی بخشید و از آن بهروزی که به دستیاری «اشه» و «آذر»

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مینُویِ خود نوید دادی و از آن فرمانی که فرزانگان راست، تا من همهٔ مردمان را به گرویدن [به دین تو] فراخوانم. (دوستخواه)

آن سزائی که از خرد و آذرت خواهی داد ـ و بدستیاری دین راستین آموزانیدنی ـ بدو هماورد چیزی که برگزیدن را آموزشی است، آن را بما بگو که بدانیم، ای مزدا، با زبان دهان خود تا اینکه من همه زندگان را بگروانم. (پورداود)

آن خوشنودی را که تو در پرتو فروغ مینوی خود و از راه راستی و درستی به این دو گروه خواهی داد آن آیینی که برای فرزانگان است، آن را، ای خدای دانا، برای آگاهی و روشنایی ما به ما، از زبان خود بگو تا ما همه را برای برگزیدن راه آماده سازیم. (جعفری)

من شما را از پاداش و سزایی که اهورامزدا برای گروه نیکان و بدان مقرر داشته اگاه خواهم ساخت و به شما خواهم گفت سرانجامِ کسی که به پیروی راه دین مزدا برآید چیست؟ مزدا اینها را از زبان و کلام خود به من آموخت و فرمان داد تا آن را به جهانیان برسانم. (شهزادی)

ای اهورامزدا مرا آنچنان بیاگاهان از سرنوشت و انجام دو گروه، آیا راست روان و پیران چه سودهایی خواهند برد و هم‌چنین بدکاران چه سرانجامی خواهند داشت تا بدین وسیله بهتر مردمان را به آیین بگروانم. (رضی)

ای مزدا، آن خوشبختی را که در پرتوِ فروغ مینویی، و از راه راستی، به هر دو گروه نوید داده‌ای، و آن آیینی را که برای فرزانگان است، با گفتار خود، برای آگاهی ما آشکار ساز. تامن، همهٔ مردمان را به گرویدن به آن فرا خوانم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سرود ۳۱ ، بند ۴

یدا اَشِم زِویم اَنگهِن مَزداوس چا اَهوراوِنگهُو

اَشی چا آرمَ ئیتی وَهیشتا ایشَ سا مَنَنگها

مَئی بُیو خشتَرِم اَئُوجُونگُهوَت یِهیا وِرِدا وَنَ اِما دروجِم

آنگاه که اشا (نماد دادگری)، اَشی (نماد دهش و پاداش) آرمُئیتی (نماد مهر و پارسایی)، آنها که خداوندان خرد و شایسته توسل هستند حضور داشته باشند بهترین اندیشه توانا را برای خود درخواست می‌کنم که با افزایش آن بر دروغ و پلیدی پیروز شوم. (ساسانفر)

ای مزدا، ای راستی، و ای آرامش، پس ما که رهروان راه شما هستیم با داد و دهش خود، ما را از نیروی خود چیرگی توانا کنید، تا با گسترش آئینی که از شما بر خواسته بر دروغ و آئین فریب چیره گردیم. (پردیس)

ای خداوند خرد و ای امشاسپندان لُطف و عنایت خویش را از ما دریغ مدارید تا در پرتو فروزگان راستی و پاکی، عشق بی‌آلایش و فُروتنی و اندیشهٔ پاک و نیروی معنوی کسب کرده و با پرورش آن بر هواخواهان دروغ فیروز گردیم. (آذرگشسب)

هر گاه به درخواست (نماز) ما متوجه هستند اشا و نیز مزدا اهورا با ارمایتی پاک، پس بوسیله وهومن خواهم خواست خشتر نیرومند را برای خودمان که به بالیدگی (توانائی) او در ما بر ناراستان چیره گردیدم. (شوشتری)

ای مزدا! ای اهوراییان؛ آنگاه که خواستِ ما را پاسخگو باشید، آرزو خواهیم کرد که در پرتو «اشه» و «آرمیتی» و «اَشی» و «بهترین منش»، «شهریاریِ مینُویِ» نیرومند از آن ما شود تا با افزایش آن بر «دروج» چیرگی یابیم. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هر آنگاه راستی خوانده شد و مزدا و سروران دیگر و اشی و سپندارمذ نیز پس آنگاه، ای بهمن آرزومندم از برای خویش شهریاری نیرومند (ایزدی) تا از بالندگی آن بدروغ چیره شویم. (پورداود)

هنگامی که کسی راستی را می‌طلبد، خداوندان خرد و اندیشمندان با نیکی و آرامش به کمک وی می‌آیند. پس ما با بهترین دانش خود خواهان شهریاری نیرومند خدایی هستیم تا به گسترش آن، بر دروغ و آزار پیروز گردیم. (جعفری)

بنابر این، من از اهورامزدا پیوسته درخواست می‌کنم، مرا در این کار بزرگ یاری فرماید تا بهترین راه زندگی را به مردم بیاموزم و از نیروی خرد و راستی و عشق الهی آرزومندم مرا توانایی بخشند تا بر دروغ‌پرستان چیره شوم. (شهزادی)

چون در نیایش دست به درگاه مزدا، خداوند جان و خرد فراز بردم، او با همهٔ نیروهایِ خیرش یاریم کرد، و به توسط وهومن دریافتم که آیندهٔ روشن از آنِ ماست، دانستم که از اثر این نیرو بر ناراستی و دروغ پیروز خواهم بود. (رضی)

ای مزدا، و ای جاودان‌های پاک، پس ما خواهان راستی و پاکی و پارسایی و بهترین اندیشه‌های دلخواه، و توانایی مینویی نیرومند هستیم، تا با گسترش آنها، بر دروغ چیره گردیم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۵

تَت مُوئی ویچی دیایی وَ ئُوچا   هیَت مُویی اَشا داتا وَهُیو
ویدوىِ وُهو مَنَنگها   مِن چا دَئی دیایی یِهیا ما اِرِشیش
تاچیت مَزدا اَهورا   یا نُوئیت وا اَنگهَت اَنگَه ایتی وا

این را به من آشکار کن، بهترین چیزی را که از راه اشا تمیز دادن و برگزیدن آن بخشیده می‌شود کدام است که از راه وُهومن (و نیک منشی) بدانم و به یاد سپارم تا بدانوسیله به بالاترین مرحله فرزانگی برسم. ای اهورا آشکار کن و بگو گزینش‌های درست کدام است، به دست خواهد آمد یا نخواهد آمد. (ساسانفر)

ای اهورا مزدا، به من بگو راه برتر کدام است، تا در پرتو راستی و اندیشه نیک بتوانم، آئینی را که برای من بهترین است، برگزینم و به بالاترین گام فرزانگی و خوشبختی برسم، و در این روند، با بینشی ژرف و گسترده، راز رخداد های زندگی را در یابم. (پردیس)

پروردگارا برابر آئین راستی راهی را که بهتر است بمن نشان ده تا آنرا برگزینم، در پرتو اندیشه پاک مرا از پاداشی که برخوردار خواهم شد آگاه ساز تا احساس و شادی و سرور کنم. ای خداوند جان و خرد مرا از همه چیز آگاه ساز، خواه آنچه روی داده یا در آینده رخ خواهد داد. (آذرگشسب)

آنرا به من برگو تا برگزینم که بوسیله چه (بما) فرموده‌ای و (آن چیست) بهتر برای من که پیروی کنم. آنرا به من آشکار کن بوسیله وهومن تا بدانم خود را (در آنچه) از خوبی روی می‌دهد برتر احساس بکنم و همت بیابم ـ و همه اینها (از چیزهای خوب) ای مزدا اهورا خواه بمن برسند یا نرسند. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا اهوره! مرا از آنچه خواهد شد و آنچه نخواهد شد، بیاگاهان تا در پرتو دادِ «اشه» و «منش نیک»، آنچه را برای من بهترین است برگزینم و از آن پاداشی که به من [خواهی داد]، به شادکامی برسم. (دوستخواه)

ایدون بیاگاهان مرا از آن بهتری که بمن از دین راستین خواهید داد، تا اینکه من ای بهمن باز شناسم (و) دریابم و بیاد سپرم که چرا از من رشک برند بویژه، ای مزدا اهورا، از آنچه نخواهد شد و از آنچه خواهد شد. (پورداود)

ای خدای دانا، بگو و راه بنما تا در پرتو آیین راستی، راه بهتری را برگزینیم. آنچه برایم نیکو است، چه آنهایی که روی خواهد داد و چه نخواهد داد از راه منش نیک و اندیشهٔ روشن نشانم ده. (جعفری)

ای مزدا اهورا ـ در پرتو اشا بهترین راه را به من بنما تا هم خود در آن گام بردارم و هم پاداش شادی‌بخش پیروی از آن را به دیگران بیاموزم. مرا نیز از منش پاک برخوردار ساز تا از حال و آیندهٔ مردمان جهان آگاه شوم. (شهزادی)

ای سرور راستی، مرا آگاه ساز از بهترین راه و روش ها، مرا دانا گردان از بهترین آیین‌ها، تا آن را خوب دریابم و بتوانم به مردمان بیاموزانم. مرا بیاگاهان از آن چه که روی داده و از آن چه روی خواهد داد. (رضی)

ای مزدا اهورا، مرا بیاگاهان، تا از راه راستی و نیک اندیشی، آن آیینی را که برایِ من بهترین است، برگزینم و پاداش شادی‌بخش آن را دریابم و آنچه را که خواهد شد و نخواهد شد، ببینم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۶

اَهمایی اَنگهَت وَهیشتِم ی ِ مُویی ویدواو وَ ئُوچات هَئی تیم
مانترِم ییم هئُوروتاتُو اَشهیَا اَمرِتاتَس چا
مَزدایی اَوَت خشتَرِم هییت هُویی وُهو وَخشَت مَنَنگها

به پیروانش: بهترین (خوشبختی و نیکی) برای او خواهد بود، برای دانایی که پیام راستین را بازگو کند (آشکار کند و بپراکند)، پیام زندگی رسایی، راستی و جاودانگی را. مَزدا آن توانایی را دارد که (خوشبختی و نیکی را) به‌وسیله وُهومن برای او بیافزاید. (ساسانفر)

بهترین خوشبختی از آن کسی خواهد بود که راز خوشبخت زیستن را به دیگران بازگو کند تا زنان و مردان، به رسائی و بالندگی جاودانه ره ببرند. اهورامزدا، در پرتو اندیشه نیک، نیروی چنین کسی را افزون خواهد نمود. (پردیس)

دانائی که آئین راستی را گُسترش دهد و مردم را از پیام مقدسی که آنها را برسائی و جاودانی و حقیقت رهنمون است آگاه سازد و از بهترین خوشبختی برخوردار خواهد شد. چنین شخصی بیگمان از نیروی اهورائی که در پرتو منشِ پاک افزایش می‌یابد بهره‌مند خواهد گردید. (آذرگشسب)

بهترین (سعادت) برای آن دانشمند خواهد بود که (سخنان) راست مرا انتشار دهد سخنان (پاک ماترا) که (رهنماست) به اَشا و خرداد یا (کمال روحانی) و امرداد (زندگی جاوید) و هم‌چنین خواهد بود خشتر یا نیروی مزدائی که بوسیله وهومن در باطن او افزون گردد. (شوشتری)

بهترین [پاداش] ارزانی فرزانه‌ای خواهد بود که پیام راستین و «مَنْثَره»یِ مرا [بر مردمان] آشکار کند و [آنان را] در پرتو «اشه» به «رسایی» و «جاودانگی» [رهنمون شود]. «مزدا» به دستیاری «منش نیک»، «شهریاریِ مینُوی» چنین کسی را خواهد افزود. (دوستخواه)

PDF.tarikhema.org
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از برای او خواهد بود، آنچه بهتر است، از برای آن دانائی که بمن بگوید آشکارا سخن دین راستین دربارۀ رسائی و جاودانی؛ آن کشور مزدا که بهمن از برای او خواهد برافراخت. (پورداود)

بهترنی نیکی به دانشمندی برساد که پیام راستین مرا، پیامی که از روی آیین راستی به رسایی و جاودانی، به کمال بی‌زوال می‌رساند، به مردم برساند و بفهماند. برای چنین کسی شهریاری خدای دانا در پرتو منش نیک گسترش پیدا خواهد کرد. (جعفری)

کسی که راه راست را به مردم بیاموزد و دیگران را از پیام فرخنده و جاودانی مزدا آگاه سازد، بشود که از بهترین پاداش نیک برخوردار شود و از نیروی اهورایی که در پرتو پاک منشی به دست می‌آید بهره‌مند شود. (شهزادی)

همواره همچنان آماده و خواهانم که از دانایی بیاموزم سخنان نیک و به جا، خواستارم تا این چنین کسان از آن بهترین سرزمین مینوی برخوردار شوند. (رضی)

بهترین پاداش‌ها و خوشبختی‌ها، از آن دانایی خواهد بود، که پیام راستین و سخن پاک مرا، که مردمان را به رسایی و بالندگی جاودانه راه می‌نماید، به آنها می‌رساند. مزدا اهورا، در پرتو اندیشۀ نیک، توانایی این کس را فزونی می‌بخشد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۷

یَستا مَن تا پَئُواوروِیُو رَئُوچِبیش رُایت وِن خُواترا
هوُو خرَت وا دان میش اَشِم یا دارَیت وَهیشتِم مَنُو
تا مَزدا مَئین‌یو او خشیو یِ آ تورِم چیت اَهورا هامُو

آن که نخستین بار اندیشید چگونه روزگار (و روزهای زندگی) می‌توانند با شادمانی و آسایش بیامیزند و همراه شوند، هم اوست که با خرد خویش آفریدگار نظام هستی و پاسدار نیک اندیشی است. ای اهورا با آن گوهر مینوی اندیشه، افزاینده و بالنده باش که تاکنون همان هستی. (ساسانفر)

اوست که در آغاز با اندیشه اش شادمانی و آرامش را از نیست به هست آورد، و با خردش، هنجار جهان را بر پایه راستی آفرید تا اندیشه نیک را نگهبان باشد. ای اهورا، با خرد بیکران خود نیروی اندیشیدن و آفریدن را که در ما بسستی گرائیده، روان گردان و آنرا فزونی بخش، تا راه ما فروزان و زندگی ما شکوفا گردد. (پردیس)

اوست نخستین اندیشه‌گری که با نور خود افلاک را درخشان ساخت و با نیروی خرد خویش قانون راستی بیافرید تا نیک‌اندیشان را یار و پشتیبان باشد. ای خداوند جان و خِرد و ای کسی که همیشه و در همه حال یکسانی با روح مقدست فروغ (ایمان) را در قلب ما برافروز. (آذرگشسب)

او که از آن (سخن پاک) که در ازل اندیشید که روشنائی از روشنائی آسمانی روان خواهد شد، خود او در خرد او و آفریننده آئین ابدی است که بواسطه آن او بهترین نفس (وهومن) را دارد و ای مزدا! (درخواست می‌کنم) که از آن روشنائی بوسیله نفس (پاک خودت) باطن ما را روشن کن (آن روشنائی) که ای اهورا! تا کنون همان است که بود. (شوشتری)

اوست نخستین اندیشه‌وری که روشنان سپهر، از فر و فروغش درخشیدند. (اوست که] با خِردِ خویش، «اشه» را بیافرید تا «بهترین منش» را پشتیبان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و نگاهبان باشد. ای مزدا اهوره! تو اکنون نیز همانی [که در آغاز بودی؛ پس] به «مینو»یِ خویش، آن [فروغ] را بیفزای. (دوستخواه)

آنکه در آغاز بآراستن فردوس با روشنائی بیندیشد کسی است که از خرد خویش آفریننده راستی است (فردوسی) که بهتر منش را داراست تو آن را، ای مزدا، با نیروی مینوی بر افرازی اینک نیز، ای اهورا، تو همانی. (پورداود)

کسی که نخست چنین اندیشید که باید روزگار جهان با آسایش و آرامش توأم باشد، از خرد خود آیین راستی را آفریده و بهترین اندیشه را استوار نگهداشته است. ای دانا، آن نیروی اندیشیدن و آفریدن را که تا کنون یکسان مانده، در ما بیفزای و در آن جنبشی پدید آر. (جعفری)

ای مزدا ـ ای اندیشمند بزرگی که از روز نخست افلاک را با نور خود روشن ساختی و با نیروی خرد خویش به این درستی و خوبی نظم و هنجار دادی ـ ای کسی که هماره یکسانی، فروغ ایمان و نور پاک منشی را بر همهٔ ما بتابان. (شهزادی)

اوست خداوندی که در آغاز پیدایش، دربارهٔ بهترین سرزمین و نور اندیشید، چون چنان کرد، زمین و نور پدید آمد، و این پیدایش از پرتو خرد او بود و این است نیرویی که هم چنان است که در آغاز بود و هیچ دیگرگونی درش راه ندارد. (رضی)

اوست که در آغاز، با اندیشه‌اش جهان را روشنایی بخشید. و با خردش، هنجار هستی را آفرید. تا بهترینِ اندیشه‌ها را، نگاهدار و پشتیبان باشد. ای مزدا اهورا، که هماره یکسانی، با مینوی خود، ما را برافروز و برافراز. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۸

اَت توا مِنگهی پَئُواورویم مَزدا یزوم ستُویی مَنَنگها
وَنگهِوِش پتَرِم مَنَنگهُو هَیت توا هِم چَشمَ اینی هِن گرَبَمِ
هَئی تیم اَشَهیا دان میم اَنگهِئوش اَهورِم شیَ ئُوتَنُ اِشو

بدین سان تو را شناختم ای مَزدا که نخستین، سرچشمه آفرینش، بی‌آغاز و در اندیشه، جوان و پیشرو هستی با چشم جان دریافتم که تو پدر و پرورش دهنده نیک اندیشی و آفریننده راستین نظام کاینات هستی و در تمام کارهای جهان سروری داری. (ساسانفر)

ای مزدا آن زمان که تو رابا اندیشه‌ام شناختم دریافتم که توئی سرآغاز و سرانجام هر چه که هست، و توئی سرچشمه اندیشه نیک و آنگاه که تو را با چشم دل دیدم، دانستم که توئی آفریدگار راستین راستی و توئی داور کردار مردمان. (پردیس)

ای خداوند جان و خرد، هنگامیکه در اندیشهٔ خود ترا سرآغاز و سرانجام هستی شناختم آنگاه با دیدهٔ دل دریافتم که توئی سرچشمهٔ منشِ پاک که توئی آفریننده راستی و داور دادگری که کردار مردمان جهان را داوری کنی. (آذرگشسب)

تا که بیاندیشم (و بشناسم) ترا هم چنان که ازلی (و قدیم) هستی ای مزدا؛ هم چنان جوانترین هستی در ذهنم و پدر (معنوی) وهومن (هستی) و تا که در چشم من کاملاً (تنها) ترا برگیرم که آفریننده حقیقی اشا هستی و برترین دادور بر (همه) کارهای موجودات می‌باشی. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا؛ هنگامی که ترا با منش خویش، سرآغاز و سرانجامِ هستی و پدرِ «منش نیک» شناختم و آنگاه که ترا با چشمِ [دل دیدم]، دریافتم که تویی آفریدگار راستینِ «اشه» و داور کردارهای جهانیان. (دوستخواه)

همانا در منش خویش بتو اندیشیدم، ای مزدا، که توئی نخستین (و) پسین هستی (و) پدر منش نیک ـ آنگاه که ترا بچشمان دریافتم ـ که توئی دادار درستین راستی که توئی داور کردارهای جهان. (پورداود)

ای خدای دانا، هنگامیکه ترا در اندیشهٔ خود سرآغاز و سرانجام آفرینش شناختم، با دیدهٔ دل دریافتم که براستی تویی پدر منش نیک تویی آفرینندهٔ آیین راستی و تویی سرپرست کارهای زندگانی. (جعفری)

ای مزدا ـ هنگامی که تو را با نیروی خرد و اندیشهٔ ژرف جست و جو کردم و با دیدهٔ دل نگریستم دریافتم که تویی سرآغاز و سرانجام هم چیز ـ تویی سرچشمهٔ خرد و اندیشه و تویی آفرینندهٔ راستی و پاکی و تویی داور نیکِ کردار مردمان جهان. (شهزادی)

آن گونه تو را شناختم ای مزدا، که از روی خرد، به درون اندیشه کردم. سپس دریافتم که تویی خردِ کل جهان و چون در اندیشه، تو را دریافتم، در سراسر هستی نیز تو را دیدم، تویی که آغازی و تویی که انجامی و تویی که خداوند جان و خرد و سرور راستی هستی. (رضی)

ای مزدا، هنگامی که ترا با اندیشه‌ام شناختم، دریافتم که تویی سرآغاز و سرانجام هستی، و تویی سرچشمهٔ اندیشهٔ نیک. و آنگاه که ترا با چشم دل دیدم، دانستم که تویی آفریدگار راستین راستی، و تویی داور کردار مردمان. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۹

تُویی اَس آرمئی تیش — توِ آ گِئوش تَشا اَس خرَتوش
مَئی نیوش مَزدا اَهورا — هیَت اَخیائی دَداو پَتانم
واستریات وا آایتِ — یِ وا نُوئیت اَنگهَت واستریُو

از آن توست آرامش و آرمئیتی، از آن توست آن گوهر مینوی خرد که آفریدگار جهانست. ای اهورا آنگاه که راه را به جهانیان ارایه می‌دهی آزاد است از راهی برود که راهنمایی در آن باشد یا راهنمایی نباشد. (ساسانفر)

ای اهورامزدا دانستم که از توست آرامش و سرخوشی که از توست خرد هستی‌آفرین. تو به زنان و مردان آزادی گزینش دادی تا آموزگار راستین خویش را برگزینند و از رهبر فریبکار سر بتابند. (پردیس)

از آن توست آرمیتی، از توست خرد مینوی جهان آفرین، ای خداوند جان و خرد تو به بندگان خویش نیروی اختیار راه نیک و بد بخشیدی تا اینکه راهی برگزینید که راهنما بدان گرویده و یا آنکه رهبر غیر واقعی نشان داده است. (بعبارت دیگر بسوی راستی و رهبر حقیقی گرایند یا بسوی دُروغ و رهبر غیر واقعی روی آورند). (آذرگشسب)

از تو هست ارمایتی و نیز از تو هست دانش آفرینش گاو (گیتی) و نفس ای مزدا اهورا. زیرا به او (گیتی) تو داده‌ای راه (آزادی) در برگزیدن یا اینکه شبان را ترک کند یا او را که هیچ گاه شبان نبود (اختیار نماید). (شوشتری)

ای مزدا اهوره! از آن تو بود «آرمیتی»؛ نیز از آن تو بود «خِردِ مینُویِ» جهان ساز؛ آنگاه که تو او را آزادیِ گزینشِ راه دادی تا به رهبر راستین بگرود یا به رهبر دروغین. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از آنِ تو بود سپندارمذ نیز از آن تو بود سازندهٔ جانداران: (آن) خرد مینوی آنگاه که تو، ای مزدا اهورا بدو راه آزاد دادی از اینکه بکشاورز گراید یا بکسی که کشاورز نیست. (پورداود)

دریافتم که آرامش از تست خرد جهان آفرین از تست و ای خداوند جان و خرد، آن اندیشه از تست که جهان را راه نمود و آزاد گذاشت تا اگر بخواهد، مرد آبادگری را برگزیند وگرنه، روی به کسی ببرد که با آبادی و شادی کاری ندارد. (جعفری)

ای اهورامزدا ـ تویی آفرینندهٔ جهان مادی و خرد مینوی و تویی که به مردم جهان اختیار انتخاب راه نیک و بد دادی تا بنا به ارادهٔ خود یا به سوی رستگاری شتابند یا به گمراهی گرایند. (شهزادی)

این زمین است که سراسر تو راست و آن را سپردهٔ سپنت آرمئی‌تی کرده‌ای. به روی زمین کشاورز کوشاست و اوست که ستوران را می‌پرورد و اینانند که از پشتیبانی سپندارمذ بهره‌مند می‌شوند. (رضی)

ای مزدا اهورا، از توست پاکی و پارسایی، از توست خرد مینوی جهان ساز. تو به آدمی آزادی گزینش راه داده‌ای تا راهبر راستین خویش را برگزیند و از راهبر دروغین سربتابد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۱۰

اَت هی اَیاء فرَوَرِتا   واستریم اَخیائی فشوین تِم

اَهورِم اَشَونِم   وَنگهِئوش فشِنگ هیم مَنَنگهُو

نُوئیت مَزدا اَواستریُو   دَوانس چینا هومِرتُوئیش بَخشتا

آنگاه روان جهان از میان آن دو راهنمای بد و خوب، برای خود زرتشت را برای راهنمائی آبادگری برگزید که او را چون شبانی نگهبان باشد. سروری پرهیزگار که خدمتگزار وُهومن باشد و نیک اندیشی را گسترش دهد. ای مَزدا هرگز راهنمای هرزه گو و ویرانگر از یاد خوش مردم بهره مند نخواهد شد. (ساسانفر)

چون، از میان دو رهبر راستین و دروغین، تنها رهبر راستین است که آبادگر و درست کردار می‌باشد و اندیشه نیک را گسترش می‌دهد. ای مزدا، هرگز رهبری فریبکار و ویرانگر با وانمود به راستی و درستی نمی‌تواند آورنده پیام تو باشد. (پردیس)

انسان باید از بین این دو سروری راست کردار و پارسا و افزایندهٔ منش پاک را بعنوان پشتیبان و رهبر واقعی برای خویش برگزینند. پروردگارا مباد رهبر فریبکار با تظاهر بپاکی هیچگاه از حافظه‌ای نیرومند بهره‌ور گردد. (آذرگشسب)

پس از این دو او (گیتی) شبانی را برگزیند برای خود که خداوند دارنده راستی و افزاینده (دانش) وهومنی باشد و هرگز ای مزدا؛ شبان خود ساخته گر چه ظاهراً (خود را) پرهیزگار می‌نماید نمی‌تواند آورنده پیغام تو گردد. (شوشتری)

پس او از میان آن [دو]، سرورِ اَشَوَن و فزایندهٔ «منش نیک» را به رهبری و نگاهبانی خویش برگزید. ای مزدا؛ رهبر فریفتار، هر چند که خود را پاک وانمود کند، نمی‌تواند پیام‌آور تو باشد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پس او را از این دو کشاورزِ گله پرور را داور دستکردار خویش برگزید آن پاسبان منش نیک را تا کشاورز، ای مزدا، هر چند که کوشد از پیام نیک بهره نیابد. (پورداود)

اما جهان از این دو کس، آبادگر را که همواره در پیشرفت است برگزید، کسی را برگزید که سرور و راست‌کار و افزاینده و گسترنده منش نیک است. ای مزدا، کسی که آبادگر نیست و فریبکار است، پیام نیک را گسترش نمی‌بخشد. (جعفری)

از این دو راه آن که نیک اندیش و در پیشبرد نیکی کوشاست راه رستگاری را اختیار کند و آن کس که بداندیش و کاهل و تن‌پرور است، راهی را برگزیند که جز از رنج و سختی بهره‌ای نخواهد برد. (شهزادی)

از میان دو گروه کشاورز دوستدار ستور و غیر کشاورز پیرو دروغ، زمین و چارپایان به کشاورز پناه بردند، چون او بود که تیمار داشتِشان می‌کرد و چه بهرهٔ اهورایی شایسته‌اش بود. اما آن که او کشاورز نبود و رفتار بد داشت، هیچ گاه از این موهبت اهورایی بهره نمی‌برد. (رضی)

آنگاه، از میان آن دو، مردمان می‌باید، راهبری راستین برای خویش برگزینند که درست کردار باشد و اندیشهٔ نیک را بیفزاید. ای مزدا، هرگز راهبری فریبکار، با وانمود به راستی و پاکی، نمی‌تواند آورندهٔ پیام تو باشد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۱۱

هَیت نِه مَزدا پَئُواوروییم گَئِتاس چا تَشُو دَئِناس چا

توا مَنَنگها خرَتوش چا هیت اَستوَن تِم دَداو اوشتنِم

هیَت شئیی َ ئُوتَناچا سِنگهانس چا یَترا وَرِننگ وَساو دایتِ

از آنجا که در آغاز ای مزدا، جهان جانداران، وجدان و سرشت ما را با اندیشه و خرد خود آفریدی و آنگاه، به تن ما جان بخشیدی. ما نیز آرزومندیم که کردارمان، گفتارمان و گزینش‌هایمان با اندیشه و خرد تو هماهنگ شود. (ساسانفر)

ای مزدا زمانی که تو در آغاز با اندیشه خویش تن و خرد و وجدان برای ما آفریدی و جان به تن ما دمیدی و ما را به گفتار و کردار توانائی دادی، خواستی که ما باور و آئین خود را با آگاهی و به دلخواه خود برگزینیم. (پردیس)

ای خداوند خرد هنگامی که در روز ازل جسم و جان آفریدی و از منشِ خویش نیروی اندیشیدن، و خرد بخشیدی، زمانی که بتن خاکی روان دمیدی و به انسان نیروی کار کردن و سخن گُفتن و رهبری کردن عنایت فرمودی، خواستی تا هر کس بدلخواه خود با کمال آزادی کیش خود را برگزیند. (آذرگشسب)

از آنجائیکه از ازل ای مزدا تو تنها و روانها را آفریدی و نیز نیروی (ذهنی) از اندیشهٔ خودت عطا کردی و از آنجائیکه جان را میان گوشت (تن) نمادی از آنجائیکه نیروی عمل و سخنان آموزنده (نو داده‌ای) بنابر این می‌تواند یکی هر کیشی که پسندیده برگزیند. (شوشتری)

ای مزدا! آنگاه که تو در آغاز، تن و «دین» ما را بیافریدی و از منش خویش، ما را خِرد بخشیدی، آنگاه که جان ما را تن پدید آوردی، آنگاه که

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ما را نیروی کاورزی و گفتار راهنما ارزانی داشتی، [از ما خواستی که] هر کس باورِ خویش را به آزادکامی بپذیرد. (دوستخواه)

آنگاه که از برای ما تو، ای مزدا، در آغاز جهان دین آفریدی و از منش خویش خرد بخشیدی، آنگاه که بجان تن دادی، آنگاه که کردار و آموزش (نمودی)، تا هر کس آزاد کیش پذیرد. (پورداود)

ای خدای دانا، هنگامیکه نخست تو با اندیشهٔ خود زندگانی و وجدان و خرد را آفریدی و جان را در تن دمیدی، توانایی کردار و گفتار را بخشیدی تا هر کس هر باوری را که دارد، آشکار سازد. (جعفری)

ای مزدا هنگامی که در روز نخست با خرد خویش به کالبد ما جان بخشیدی و به ما نیروی اندیشه و قوهٔ تمیز نیک از بد دادی ـ از آن روزی که در تن خاکی ما جان و روان دمیدی و به ما اراده و نیروی گفتار و کردار ارزانی داشتی، خواستی که هر کس بنا به ارادهٔ خود و با آزادی کامل راهی را که خود صلاح داند برگزیند. (شهزادی)

آن هنگامی که آفرینش بشری انجام شد، آن گاهی که به پیکره‌ها جان و جنبش وابستگی پیدا کرد، ای مزدا، تو در جان ما نیروی تمیز و تشخیص ودیعه کردی و از خرد کل جهانی جانمان را بیامیختی و آنگاه که راه و بی‌راه در جهان پیدا شد، هر کسی اختیار و آزادی داشت تا راه را برگزیند. (رضی)

ای مزدا، هنگامی که در آغاز، با اندیشهٔ خویش، برای ما تن و خرد و یابش آفریدی، و به تن و جان ما دمیدی، و به ما، توانایی گفتار و کردار دادی، خواستی که ما باور خویش را بدلخواه برگزینیم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۱۲

اَترا واچِم بَرَئیتی میتَهوچا وا اِرِش وَچاو وا
ویدواو وا اِویدواو وا اَهیا زرِداچا مَنَنگهاچا
آئوش هَخش آرمَئیتیش مَئینیو پرساییتِ یترا مَئِتا

هرگاه آن که نادرست و پیرو دروغ است یا کسی که راستگو و دشمن دروغ است. آن که داناست یا کسی که نادان است با دل و اندیشه خود سخن میگوید که کدامیک از دو راه را برگزیند. و آنگاه به دنبال آن اندیشه، دو دلی پیش آید باید از گوهر مینوی و آرمئیتی که نماد پارسایی و صلح‌جویی است پرسش کند و راه خود را با آن هماهنگ سازد. (ساسانفر)

و به هنگام این گزینش بزرگ، زمانی که چه زن و چه مرد، چه راستکار و چه فریبکار، و چه دانا و چه نادان، به درون خود میروند تا از خود پرسش کنند و آنچه را در دل و اندیشه دارند به زبان آورند، تو ای آرامش، نیروی خود را در درون ما بر افروز تا دو دلی را از خود دور نموده، و راه و آئین خود را آنگونه که پسند ما ست گزینش کنیم. (پردیس)

همآنگاه چه دروغگو و راستگو و چه دانا و نادان هر یک عقیده‌ای را که در دل و اندیشه دارد آشکار خواهد ساخت و هرجا تردید و دو دلی وجود داشته باشد آرمئی‌تی «مظهر ایمان و فداکاری» بکمک روان شتافته و او را راهنمایی خواهد نمود. (آذرگشسب)

بنابر این (هر یک) آوازش را بلند می‌کند خواه دروغگو خواه راستگو، خواه دانا خواه نادان (با وجود آن) به دل و به اندیشهٔ هر یک (از آنان) به روان ارمایتی که در پهلو وجود دارد و در آنچه شک دارد (از او) می‌پرسد. (شوشتری)

پس هر کس ـ خواه دروغ گفتار، خواه راست گفتار، خواه نادان، خواه دانا ـ از دل و منش خویش بانگ برمی‌آورد. «آرمیتی» هرجا که اندیشه در پرسش و دودلی باشد، رهنمونی می‌کند. (دوستخواه)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

همانگاه آواز برداشت دروغ گفتار مانند راست گفتار، دانا مانند نادان (هریک) از دل و منش خویش سپندارمذ پی‌درپی در پرسش است با روانِ کسی که هنوز در سرگردانی است. (پورداود)

از این رو هر کس چه دروغگو باشد و چه راستگو چه دانشمند باشد و چه بی‌دانش، آنچه را که در دل و سر دارد، برملا می‌کند. به پیروی از این اصل، انسان می‌تواند در آرامش و با فکر راحت از خود بپرسد: هر کدام از این دو طرز اندیشه مرا به کجا می‌رساند؟ (جعفری)

بنابر این، از همان آغاز هر کسی خواه طرفدار راستی یا دروغ ـ خواه نادان یا دانا، بنا بر ندای دل و اندیشهٔ خود عقیدهٔ خود را آشکار می‌سازد. ولی در عین حال خرد مقدس اهورایی پیوسته آماده است تا کسانی را که در انتخاب راه سرگردان و در شک و تردیدند، راهنمایی کند. (شهزادی)

هر دو گروه به راه خود بودند، پویندهٔ راستی سخن خود را می‌گفت و راهرو دروغ به کلام ناسنجیدهٔ خویش می‌پرداخت؛ و در این میان بودند برخی کسان در تردید و دو دلی، سپنت‌آرمئی‌تی از یکی به دیگری می‌پرداخت تا باشد که به راه او در آیند. (رضی)

از این رو، هر کس، چه راست گفتار باشد و چه کژ گفتار، چه دانا باشد و چه نادان، آنچه در دل و اندیشهٔ خود دارد به زبان می‌آورد و آشکار می‌کند، و آنگاه که اندیشه در پرسش و سرگردانی و بدگمانی می‌افتد، پارسایی به یاری روان می‌آید و به آن راه می‌نماید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۱۳

یا فرسا آوی شیا　　　یا وا مَزدا پِرِسَ ایتِ تَیا
یِ وا کسِ اوش اَاِنگهُو　　　آ مَزیش تانم اَیَ مَ یتِ بوجِم
تا چَشمنگ تویسرا هاروُ　　　اَایبی اَشا اَایبی وَ اِنَهی ویسپا

که ای مَزدا اگر گفتگویی آشکار باشد یا پنهانی که از وجدان خویش پرسیده شود درباره گناهی کوچک یا آن که سزاوار بزرگترین کیفر باشد. آنها را با چشم روشنت می‌بینی و همه را بر پایه نظام راستی و اشا در نظر می‌گیری. (ساسانفر)

ای مزدا تنها توئی که با خرد بیکران خود، همه چیز را بر پایه روند هستی می‌پائی و می‌بینی و می‌سنجی و توئی که میدانی چرا گناهی ناچیز گاهی کیفری سخت دارد. (پردیس)

پروردگارا تو از (اندیشه و کردار) آشکار و نهان همه (آگاهی) و همچنین از کسی که برای (رهائی) از خطای کوچکی بسخت‌ترین کیفر تن در دهد باخبری. پروردگارا تو همه چیز را با دیدگان روشن بین برابر قانون اَشا بدقّت مَراقبت کرده و می‌بینی. (آذرگشسب)

هر گاه در پرسش (شکوک) آشکار یا نهان ای مزدا او می‌پرسد (بحث می‌کند) یا برای گناه کوچک کفاره بزرگ را تحمل می‌کند، اینها را با چشم درخشنده تو می‌پائی و به دقت همه را با اَشا مراقبت می‌کنی (می‌بینی). (شوشتری)

ای مزدا؛ هنگامی که آشکارا یا نهان پرسشی می‌شود و یا [کسی] برای رهایی از گناهی خُرد، سزایی کلان را برمی‌تابد، تو آن را با چشمان تیزبین خود می‌پایی و همه را در پرتو «اشه» بدرستی می‌بینی. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هر آن (کردار) آشکار یا نهانی که در بازخواست پرسند، ای مزدا، یا اگر کسی از پی گناه خرد (خویش) بزرگترین رهائی (از آن آلایش) باز جوید از همه اینها تو بدرستی آگاه و با دیدگان روشن نگرانی. (پورداود)

ای خدای دانا، پرسش‌هایی که یک کس آشکارا یا در نهان می‌کند یا در برابر آزار کوچکی، سزای بزرگ می‌بیند، همهٔ اینها را تو چون نگهبانی با چشمان تیز بین خود از راه راستی می‌بینی. (جعفری)

اهورامزدا از هر کار آشکار و نهان مردم آگاه است و گناهان کوچک و بزرگ همه را با دیدگان روشن‌بین خود می‌بیند و پیوسته همهٔ کارها را برابر قانون ابدی خویش پاداش و جزا می‌دهد. (شهزادی)

تو ای داور گیتی و ای نگران کردار مردم، از هر کرداری آگاهی، خواه این کردار زشت به آشکارا کرده شود و خواه در پنهان صورت پذیرد. خواه این کرداری شایسته باشد در خُردی و بزرگی ـ همهٔ این اعمال در واپسین از سوی تو بازخواست شود و هیچ چیز بی‌پاداش و مکافات نماند. (رضی)

ای مزدا، هنگامی که کسی آشکارا یا نهان پرسشی می‌کند، و یا کسی در برابر گناهی خُرد کیفری بزرگ می‌بیند، تو با دیدگان روشن‌بین خود و از راه راستی، همهٔ اینها را می‌پایی و می‌بینی. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۱۴

تا توا پِرِسا اَهورا ‌ ‌ یا زی آئیتی جِنگ هَتیچا
یاو ایشُودُو دَدِنت ‌ ‌ داترَنانم هَچا اَشائونُو
یاوس چا مَزدا دِرِگودُبیو ‌ ‌ یتا تاو اَنگهِن هِن کرِتا هیت

اینها را از تو می‌پرسم ای اهورامَزدا درباره آن چه پیش می‌آید و آنچه روی خواهد داد از گفتار و کردار مردم. از نیروی معنوی و پاداش‌هایی که به مرد درستکار داده خواهد شد و این که چگونه خواهند بود ای مزدا، پیروان دروغ آنگاه که پایان کار فرا برسد. «آیا به حسابها و نتیجه اعمال رسیدگی می‌شود؟» (ساسانفر)

به من بگو، ای اهورامزدا در روند زندگی هر کس، چه در گزشته و چه در آینده، پیرو راستی را چه پاداشی است؟ و دروغکار را چه سزائی خواهد بود؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش برای آگاهی از تو می‌پرسم چه رویدادها در گذشته رُخ داده و در آینده پیش خواهد آمد، ای مزدا در طومار زندگانی نیکوکاران و بدکاران چه پاداش و کیفری ثبت خواهد شد و وضع آنها در روز واپسین چگونه خواهد بود. از تو می‌پرسم ای هستی‌بخش که از رویدادهای گذشته و آینده آگاهی آیا برای مردان پارسا و نیکوکار چه مقرر گشته و در روز واپسین ای مزدا با پیروان دروغ چگونه رفتار خواهد شد؟ (آذرگشسب)

این حقایق را از تو می‌پرسم ای اهورا: در گذشته چگونه شده است و پس از این در آینده چگونه خواهد شد و ای مزدا چه آرزوهای خاموش (باطنی) سنجیده می‌شوند در نامهٔ زندگی درباره نیکان و چه درباره ناراستان و چگونه اینها خواهند شد (و به کیش خواهند در آمد) زمانیکه کارها به انجام برسند (و دردهای زندگی به پایان برسند). (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای اهوره! این [همه] را از تو می‌پرسم: بدرستی [بازگوی که] چگونه گذشته است و چگونه خواهد گذشت؟ اَشَوَنان و پیروان «دُروج» را چه پاداش [و پادافره]ی در دفتر زندگانی نوشته خواهد شد؟ ای مزدا! این [همه] در شمارِ پسین چگونه خواهد بود؟ (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، ای اهورا، از آنچه رفت و از آنچه خواهد آمد، از آن وامی که باید و مزدی که پاکان و ناپاکان راست، ای مزدا، چگونه خواهد بود این در شمار پسین. (پورداود)

خدایا این از تو می‌پرسم، چه‌ها می‌شود و چه‌ها خواهد شد؟ آیندهٔ کسانی که از راستی پیروی می‌کنند، چیست؟ و آیندهٔ کسانی که از روی کاستی رفتار می‌کنند، چیست؟ باری، سرانجام کار چه خواهد بود؟ (جعفری)

ای اهورا، می‌خواهم از نتیجهٔ اعمال مردمان چه در گذشته و آینده با خبر شوم و بدانم چگونه در این جهان و جهان دیگر پارسایان و نیکوکاران به اجر و پاداش کردار نیک خود می‌رسند و چه سان بدکرداران و گمراهان به جزای بد خود گرفتار می‌شوند. (شهزادی)

و مرا بیاگاهان ای مزدا از آنچه که در گذشته رخ داده و آن چه که واقع خواهد شد ـ مرا بیاگاهان از بد و خوب کردار مردم و آنچه که در بازپسین به خوبان و بدان خواهد رسید. (رضی)

ای مزدا، این از تو می‌پرسم: در نامهٔ زندگی مردمان و در انجام از آنچه رفته و از آنچه خواهد رفت، پیروان راستی را چه پاداشی، و دُروَندان را چه کیفری خواهد بود؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۱۵

پرِسا اَوَت یا مَ اِنیش ی دِرگوائیتِ خشتَرِم هونااِیتی
دوش. شَیئوتَنایی اَهورا ی نُوئیت جُیوتوم هَنَرِ وینَستی
واستری یهیا اَاِنَنگهُو پَسئِوش ویرَت چا اَدرُوجی ینتُو

این را می‌پرسم چیست کیفر کسی که به آدم نادرست توانایی بخشد؟ ای اهورا چیست کیفر بدکرداری که در زندگی هیچ چیز نمی‌جوید، جز آزار رساندن به پیروانِ رهبر راستین و مردم درستکار. (ساسانفر)

باز مرا بگو، ای اهورا چیست سزای کسی که به تبهکار نیرو میدهد؟ و چه خواهد بود کیفر آن کس که پیروان رهبر راستین را آزار دهد، و آنها را از او دور کند. (پردیس)

ای هستی‌بخش از تو می‌پرسم کیفر کسی که نیروی دروغگو و زشت‌کردار را افزایش دهد چیست؟ همچنین کیفر کسیکه هنر دیگری جُز جدائی انداختن بین مردم با ایمان و رهبر راستی ندارد چگونه می‌باشد؟ (آذرگشسب)

ای اهورا! من این می‌پرسم چه سزا هست (برای او) که نیروی ناراست و کننده ناراستی را حفظ می‌کند (و فزونی می‌دهد) و او در زندگی هیچ سود نمی‌بیند مگر در جدا کردن شبان (راهنما) و دوست از رمه بشر (جامعه). (شوشتری)

ای اهوره! این را [از تو] می‌پرسم: چیست سزای کسی که نیروی دُروند بدکنش را بیفزاید [و کسی] که در زندگی [خویش] هنری [جز] جدایی افگندن میان رهبر درست کردار و گروه مردم ندارد؟ (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این را می‌پرسم، چه چیز است سزای کسی که از برای دروغ‌پرست شهریاری فراهم کند از برای آن بدکنشی، ای اهورا، که مایهٔ زندگی خویش نیابد جز بآزار چارپایان و کارگرانِ کشاورز راست‌کردار. (پورداود)

خدایا، این از تو می‌پرسم سزای کسی که زور دروغ‌کار بد کردار را می‌افزاید، یا کسی که در زندگانی هیچ کاری جز آزارِ مردمِ آباد و بی‌آزار و جانوران‌شان را ندارد، چیست؟ (جعفری)

آری تنها اهورامزداست که کیفر کارهای مردم را در گذشته و حال و آینده به درستی خواهد داد. چه او برای کسانی (چون دشمنانم) که پیوسته دروغ‌پرستی و بدکرداری را رواج داده‌اند و جز از نفاق‌افکنی و آزار طرفداران با ایمانم قصد دیگری ندارند، سزایی مقرر داشته‌ای و حساب همهٔ کارهای نیکان و بدان را در روز واپسین مد نظر خواهی داشت. (شهزادی)

مرا بیاگاهان از سزایِ آن شهریاری که بر پایهٔ دروغ‌پرستی و بدسرشتی بر مردمان فرمان راند، ای اهورا این چنین کسان هیچ گاه فرجام خوش نیابند، چون به زمین بیداد می‌کنند، کاروَرزان زمین را می‌آزارند و ستوران را جفاها روا می‌دارند. (رضی)

ای اهورا، این از تو می‌پرسم: سزای کسی که نیروی دُروند بدکار را می‌افزاید چه خواهد بود؟ و کسی که در زندگی کاری جز آزار راهبرِ درست کردار و جدا کردن مردمان از او ندارد، چه کیفری خواهد دید؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۱۶

پرِسا اَوَت یتا هُو ی ِ هودانوش دِمانَهیا خشتَرِم
شوئیت رَهیا وا دَخوُ یئوش وا اَشا فرَدَتائی اَس پرِزَتا
تواوانس مَزدا اَهورا یدا هُو اَنگهَت یا شیَ اُتَنَس چا

می‌پرسم همچنین چگونه آن راد مردی که در پرتو دادگری، برای نیرومندی و پیشرفت خانه، شهر و کشور کوشش می‌کند که ای اهورامَزدا به تو نزدیک و همانند باشد، چه هنگامی و با کدام کار و کنش فرا خواهد رسید. (ساسانفر)

ای مزدااهورا، به من بگو، زن یا مردی، که با دانائی و اندیشه نیک برای پیشرفت و آبادانی خانه و شهر و کشورش و برای گسترش آئین راستی می‌کوشد کی و چگونه به تو خواهد رسید؟ (پردیس)

پروردگارا از تو می‌پرسم هر گاه شخص نیک اندیش و با تاب و توان در راه ترقّی خانه، شهر و کشور راستی و درستی کوشش کند از وصال تو برخوردار خواهد گردید؟ ای مزدا اهورا، کی و چگونه چنین آرزوئی برآورده خواهد شد؟ (آذرگشسب)

من این می‌پرسم اگر (مردی) که دانشمند است و شاهی ترا چه در نمان (خانه) و چه در شهر و چه در استان در کشور صمیمانه انتشار می‌دهد و برای فزونی اشا یعنی راستی می‌کوشد ای مزدا اهورا، و او در (خدمت بتو) جذب و (مستغرق) شده چنین (شخصی) چگونه خواهد شد و چگونه عمل خواهد کرد؟ (شوشتری)

ای مزدا اهوره! این را [از تو] می‌پرسم: آیا کسی که به نیک آگاهی، برای [افزایش] توانایی خانمان یا روستا یاسرزمین و پیشرفت [اشه] بکوشد، به تو خواهد پیوست؟ کی [او] چنین خواهد شد و با کدامین کردار؟ (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این را می‌پرسم، آن نیک اندیشی که از برای افزایش دادن بتوانائی خان و مان یا روستا یا کشور با راستی کوشاست مانند تو خواهد گردید، ای مزدا اهورا، کی او چنین خواهد شد و بکدام کردار. (پورداود)

این می‌پرسم که چگونه دانایی که برای افزایش نیرو و توانایی خانه، ده، شهر و کشور خود از روی آیین راستی تلاش می‌کند، با کردار خود مانند تو خواهد شد، ای خدای دانا. (جعفری)

هر دانایی که برای پیشبرد راستی از میان مردمان برای خوشبختی باشندگان خانه‌ها، شهرها و کشورها تلاش کند و آنان را به پیروی از راه راستی فرا خواند، چنین کسی از هواخواهان اهورامزدا به شمار است. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، اینک این منم که از روی نیک اندیشی و نیک کرداری، در راه آنم تا خانه و خانواده، روستا و کشور را به سامان رسانم، مرا راه نما تا چگونه رفتار کنم و چه سان وسیله سازم. (رضی)

ای مزدا اهورا، این از تو می‌پرسم: کسی که با دانایی و نیک اندیشی، برای افزایش توانایی خانه یا شهر یا کشورش و برای گسترش آیین راستی می‌کوشد، کی و چگونه به تو خواهد پیوست؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۱۷

کتارِم اَشَوا وا   درِگواو وا وِزِنَ وَئیتِ مَزیُو
ویدواو ویدوشِ مرئُتو   ما اِویدواو ایی پی دِباوَیت
زدی نِ مَزدا اَهورا   وَنگهوش فرَدَخشتا مَنَنگهُو

از میان درستکار و نادرست کدامیک به آنچه مهمتر و درست‌تر است روی میآورد. باید دانا با دانا (درباره آنچه درست و مهم است) سخن گوید و آن را آشکار کند تا مبادا که نادان مردم را گمراه کند. ای اهورامَزدا برای ما آشکار کننده منش نیک باش (و راه درستکاری را آموزش بده). (ساسانفر)

از راستکردار و دروغکار کدام یک راه درست را برگزیده است؟ بدرستی این راستکار روشن بین است که مردمان را آگاهی میدهد، تا تبهکار نتواند مردمان را با فریب، به کژ راهی کشاند. پس ای اهورامزدا، تو اندیشه نیک را در ما نمایان کن. (پردیس)

آیا کدامیک از این دو شخص درست‌کردار و پارسا و یا شخص زشت‌کردار و ناپاک بهترین راه را بر خواهد گزید؟ دانا باید با دانش خویش، نادان را آگاه سازد، نشاید که نابخرد گُمراه ماند. ای خداوند جان و خرد باشد که راز وُهومِن (یعنی عشق خدائی و منش پاک) بر همه آشکار گردد. (آذرگشسب)

کدام یک از (دو راه) نیکان خواه بدان بهتر دانسته خواهند برگزید، باید او که آگاه هست به دانایان توضیح دهد (و آشکار کند) و او که آگاه (و داناست البته) مردم نادان را گمراه نخواهد کرد. (شوشتری)

کدام یک از دو ـ اَشَون یا دُروند ـ بهترین [راه] را برگزیده است؟ دانای روشن‌بین باید دانشجو را بیاگاهاند. مبادا نادان [کسی را] بفریبد و گمراه کند. ای مزدا اهوره! تو [ما را] آموزگارِ «منش نیک» باش. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کدام است بزرگتر: پیرو راستی یا آنکه بدروغ گروید؟ دانائی باید دانائی را (از آن) بیاگاهاند مباد نادان (کسی را) پس از این بفریبد ما را تو، ای مزدا اهورا، آموزگار منش نیک باش. (پورداود)

کدام راه بهتر و برتر است، آنکه راست‌کار برمی‌گزیند یا آنکه دروغ‌کار؟ این حقیقت را باید دانشمند به دانشجو بگوید تا دیگر مرد بی‌دانش مردم را فریب ندهد. ای خدای دانا تو برای ما با منش نیک راه بنما. (جعفری)

کدام یک از این دو بزرگ‌تر است، کسی که دانا و پیرو راستی است یا آن که به دروغ و گمراهی گرویده است؟ پس دانا باید راه نیک را به دیگران نشان دهد تا مبادا نادان سرگشته بماند ـ ای اهورامزدا ما را در شناسایی راه نیک یاوری فرما. (شهزادی)

آیا پیروزی از آن راستی‌گرای است یا دروغ‌پرست؟ آگاهان بایستی با همهٔ نیرو راه راستی را بگسترانند، چون دروغ‌پرستان مبادا که دیگران را بفریبانند در این راه تو ای مزدا اهورا ما را راهنمای باش. (رضی)

از پارسا و دُروند، کدامیک راه درست را برگزیده است؟ دانایِ روشن‌بین باید مردمان را بیاگاهاند، تا نادان آنان را نفریبد و به گمراهی نکشاند. ای مزدا اهورا، تو برای ما آموزگار و راهنمایِ اندیشهٔ نیک باش. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۱۸

ما ـ چیش اَت وِ درِگوَتوُ مانترانس چا گوشتا ساسناوس چا

آزی دِمانِم ویسِم وا شُویترِم وا دَخیوم وا آدات

دوشی تاچا مَرِ کَ اِچا اَتا ایش ساز دوم سنَئی تیشا

بنابراین مبادا کسی از شما که به پیام و آموزش‌های پیروان دروغ (دشمنان صلح و سازندگی) گوش فرا دهد چون خانه، روستا، شهر و کشور را دچار بد زیستی و ویرانی خواهد کرد. پس باید آنها را با جنگ افزار نابود کرد و ریشهٔ آنها را برکند. (ساسانفر)

بنابراین، هرگز، به گفتار تبهکار گوش فرا ندهید چون فریبکار بی گمان خانه و ده و شهر و کشور را به ویرانی و تباهی می‌کشد. پس در برابر تبهکار بایستید و با او نبرد کنید. (پردیس)

هیچکس نباید بگفتار و دستور شخص تبهکار و گُمراه کُننده گوش دهد. چونکه چنین شخصی خانه و دِه و شهر و کشور را بویرانی و تباهی خواهد کشانید، پس بر ما است که در برابر اینگونه مردان، باسلاح پاکدامنی و پارسائی ایستادگی کنیم و آنان را از خود دور سازیم. (آذرگشسب)

پس هیچ یک از شما به سخنان و آموزش مرد ناراست گوش ندهید زیرا که او خانه و شهر و استان و کشور را بآزار بلکه مرگ می‌افکند و باید با افزار رزم (اخلاقی و روانی) با او مبارزه نمائید. (شوشتری)

پس هیچ یک از شما به گفتار و آموزش دُروند که خانمان و روستا و سرزمین را به ویرانی و تباهی می‌کشاند، گوش فرا مدهید و با رزم‌افزار در برابر آنان بایستید. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مباد کسی از شما بگفتار و آموزش دروغ‌پرست گوش دهد چه او بخان و مان و ده و روستا و کشور ویرانی و تباهی دهد ـ پس با ساز جنگ آنان را برانید. (پورداود)

پس هیچ کس از شما به آیین و آموزش دروغ‌کار گوش ندهد زیرا او بی‌گمان خانه و ده و شهر و کشور را آزار و آسیب می‌رساند و حتی مرگ می‌آورد. پس او را با اسلحه و افزار چنان درست کنید که از کار خود باز آید و به راه آید. (جعفری)

هرگز به گفتار و آموزش دروغ‌پرست و گمراه گوش ندهید زیرا چنین کسی خانه و ده و شهر و کشور را به ویرانی و تباهی کشاند. پس باید آنان را از خود دور سازید و به خود راه ندهید. (شهزادی)

اینک بزرگ و سالار دروغ‌پرستان از روی فریب به گفتار پرداخته، مبادا کسی به سخنان او گوش دهد، چون آن آموزش‌هاست که خانه و خانواده و روستا و کشور را به تباهی و فساد می‌کشاند. بر شماست که این کسان را به شدت از میان خود برانید. (رضی)

پس شما هیچیک، به گفتار و آموزش‌های دُروند گوش فرا مدهید، زیرا دُروند بی‌گمان خانه و ده و شهر و کشور را به ویرانی و تباهی می‌کشاند. پس در برابر دروند، بایستید و با او برزمید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۱۹

گوشتا یِ مَن تا اَشِم　　اَهوم بیش ویدواو اَهورا
اِرِژوخذایی وَچَنگ هانم　　خشَ یمنُ هیزُو وسُو
توا آترا سوخرا مَزدا　　وَنگهاو ویداتا ران نَیاو

آن که داناست گوش فرا می‌دهد، حقیقت را درمی‌یابد و زندگی را درمان و سامان می‌بخشد. با ارادهٔ خود، برای ادا و توضیح سخنان درست، بر بیان و زبانش تسلط دارد. مَزدا در پرتو روشنایی و خرد خود هنگام تقسیم میان درستکار و نادرست از روی میزان و دادگری عمل خواهد کرد. (ساسانفر)

ای مزدا باشد که مردمان به سخن خردمندی گوش دهند که به زندگی مردم سامان بخشد، و در اندیشه و گفتار و کردار خود، درست و شیوا و توانا باشد. و آنکس که، در پرتو خرد روشنی بخش تو از روی داد و میزان داوری کند. (پردیس)

ای هستی‌بخش بشود که مردم به سخنان درست اندیش و دانائی که آموزش‌هایش درمان‌بخش روح و برای زندگی سودمند است گوش فرا دهند، و آنان را بکار بندند، بکسی گوش دهند که در گسترش آئین راست تواناست و بیانی شیرین و روان دارد، ای خداوند خرد با فروغ تابناک دانش، سرنوشت هر دو گروه (دانا و نادان)، را تعیین فرما. (آذرگشسب)

ای اهورا او که گوش می‌دهد به (سخن راست) و اشا (راستی را) درک می‌کند ـ پزشک روان و خداوند دانش می‌شود. درباره سخنان از آموزش درست او (خواهد شد) بوسیله آتش تابناک تو ای مزدا! خداوند (دارای) زبان روان (یعنی فصیح). (شوشتری)

به [گفتار] کسی گوش فرا دهید که به «اشه» می‌اندیشد؛ بدان فرزانه‌ای که درمان‌بخش زندگی است؛ [بدان کسی که] در گفتار راستین، توانا و گشاده

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

زبان است. ای مزدا اهوره! با «آذرِ» فروزان خویش، واپسین جایگاه هر دو گروه را آشکار کن. (دوستخواه)

بأن کسی باید گوش فرا داد که براستی اندیشیده بآن دانائی که پزشک زندگی است ای اهورا بآن کسی که سخن زبان خویش آنچنان که باید استوار نمودن تواند در برابر آذر افروزان تو، ای مزدا، در هنگام پخش مزد هر دو گروه. (پورداود)

ای خدا، کسی که به آوای راستی گوش می‌دهد و می‌اندیشد دانشمندی است که چاره زندگانی را می‌داند. او در گفتار راستین خود سخنوری است توانا. او از فروغ فروزان تو، ای مزدا، به هر دو گروه راست‌کار و دروغ‌کار نیکویی خواهد داد. (جعفری)

ای مردم به گفتار دانایان و نیک اندیشان گوش فرا دهید، زیرا راهنمایی و آموزش آنان درمان‌بخش روح و زندگی است. ای اهورامزدا، این گونه دانایان را به وسیلۀ فروغ و نیروی خود زبانی شیوا و گفتاری دل‌نشین بخش تا بتوانند در گسترش آیین راستی کامیاب شوند. گر چه ای اهورامزدا تو خود با داوری درست خویش از ضمیر همه آگاهی و پاداش و سزای پویندگان راه راستی و دروغ را به خوبی خواهی داد. (شهزادی)

همه بایستی از روی خرد به گفتار و آموزش دیگران گوش فرا دهند. به آموزش آن کسی باید گوش فرا داد که از روی راستی اندیشه کرده و آموزش‌هایش سود رسان و مرهمِ نیک زندگی است و به هنگام در برابر هر دو گروه از راست‌روان و دروغ‌گرایان برایِ اثبات آموزش‌هایش ایستادگی کند. (رضی)

ای مزدا اهورا، باشد که مردمان به سخن دانایی گوش فرا دهند که راست می‌اندیشد، چاره سازِ زندگی مردمان است، در گفتار راستین خود شیوا و تواناست، و در پرتو فروغ تابناک تو، جایگاه هر دو گروه را روشن می‌سازد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۲۰

یِ آیت اَشَوَنِم		دی وَمِنم هُوی اَپَرِم خشیُو
دَرِگِم آیو تِمَنگهُو		دوش خُورِتِم اَوَ اِتاس وَچُو
تِم واو اَهوم درِگوَنتُو		شیی‌َ اُتَنائیش خُوائیش دَئِنان‌َ اِشَت

کسی که به سوی مرد پارسا و درستکار آید برایش روشنایی و شکوه به بار آورد وگرنه بهره‌اش زاری و نیازمندی خواهد بود و روزگاری دراز در تیرگی، بدخوراکی، تنگ روزی و دریغاگویی خواهد گذراند. شما پیروان دروغ را، وجدانتان به خاطر کردار و اعمالتان، به آن هستی نکبت بار می‌راند.
(ساسانفر)

چون جایگاه کسی که به راستی روی نماید، در سرای پر فروغ تو خواهد بود و آنکس که دروغ را برگزیند زندگی را، تا دیرگاه، در تیرگی و کوردلی و افسوس به سر خواهد برد. سرانجامی که برخاسته از کردار و رفتار اوست.
(پردیس)

کسی را که بسوی راستی و پاکی روی آورد و (پارسائی را پیشهٔ خود سازد) جایگاهش سرای روشنائی یا بهشت خواهد بود، ولی شخص دروغگو و بدکار زمانی دراز باشیون و افسوس در تیرگی و کورهٔ روشنی بسر خواهد برد. براستی نیت پلید و کردار زشت شخص بزهکار است که او را گرفتار زندگانی نکبت‌بار و عذاب وجدان خواهد ساخت. (آذرگشسب)

او که از (آموزگار) نیک پیروی می‌کند پس از این (زندگی) مقام او روشنائی خواهد بود و اما (اوکه پیرو بد و بدی است) زمان دراز در تاریکی و دور از روشنائی به سخنان پر درد (زاری) و به چنان زیست مبتلا خواهد شد و اعمال او بر طبق وجدان (دین) او رهنما خواهند گشت. (شوشتری)

آن کس که به سوی اَشَون آید، در آینده جایگاه او روشنایی خواهد بود. [اما] تیرگیِ ماندگارِ دیرپای و کورسویی و بانگ «دریغا»یی، براستی چنین

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خواهد بود [سرانجامِ] زندگی دروندان که «دین» و کردارشان، آنان را بدان جا خواهد کشاند. (دوستخواه)

کسی که بسوی پیرو راستی آید، دور ماند از او در آیندهٔ بدبختی (و) تیرگی بلندِ دیر پایا (و) خورشِ بد (و) بانگ دریغ. چنین خواهد بود روزگارتان، ای پیروان دروغ، اگر از کردارتان دین خودتان (شما را بآنجا) کشاند. (پورداود)

کسی که از راست‌کار پیروی می‌کند برای خود در فروغ روشنایی جایگاهی برمی‌گزیند و کسی که دروغ‌کار است، عمری دراز در تیرگی با کوره روشنی با آه و ناله بسر می‌کند. او را وجدانش با کردارش به چنین سرانجامی می‌کشاند. (جعفری)

کسی که پیرو راستی است جایگاهش در هر دو جهان در سرای شادی و روشنی خواهد بود، ولی دروغ‌پرست و گمراه زمانی دراز در سرای تاریکی با ناله و افسوس به سر خواهد برد. این هر دو دسته پاداش و جزای خود را به دست خود و با کردار خویش فراهم می‌سازند. (شهزادی)

آنانی که راستی را پذیره شوند و با تمام دل به سوی پیروان راستی بگروند، از ناکامی و حسرت و دریغ و بد روزگاری به دور مانند و این چنین خواهد بود فرجام خوشِ زندگی‌شان؛ و شما نیز ای دروغ‌گرایان هر آینه در سیرِ گذرانِ زندگی، وجدانِ‌تان آگاه گردد و به کردار نیک گرایش کنید، این چنین خواهد بود روزگارتان. (رضی)

کسی که به سوی راستان رو کند، جایگاهش در فروغ و روشنایی خواهد بود. و آنکه دُروند است، تا دیرگاه، زندگی را در تیرگی و کور دلی و آه و دریغ به سر خواهد برد، سرانجامی که برخاسته از کردار و پابش او خواهد بود. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۲۱

مزداو دَدات اَهورُ ه اوروَتُو اَمرِتاتَس چا
بوراُیش آ اَ شَه خُو یاچا خُواپَئی تیات خشَترَهیا سَروُ
وَنگهِئوش وَزدوَرِ مَنَنگهُو
یِ هُوئی مَئینیو شیی اُوتَنائیش چا اوروَتُو

اهورا مَزدا از نیروی رسایی، جاودانی و راستی که همبسته یکدیگر و مایه بارآوری و فراوانی است به کسی ارزانی می‌دارد که پرهیزگاری وُهومن را در کار و کنش پیشهٔ خود سازد. چنین کسی در اندیشه و منش دوست اهورامَزدا خواهد بود. (ساسانفر)

اهورامزدا، نیروی راستی و یاری اندیشه نیک و سر انجام رسائی و جاودانگی، را به کسی ارزانی می‌دارد، که در اندیشه و کردار، از رهروان راه او باشد. (پردیس)

خداوند جان و خرد از روی دانش و رسائی و با نیروی الهام‌بخش خویش کسانی را از بخشش کمال و جاودانی، پاکی و راستی، نیروی معنوی و توانائی خدمت بخلق، اندیشهٔ پاک و ضمیر روشن برخوردار خواهد ساخت که در اندیشه و کردار به او وفادار باشند. (آذرگشسب)

مزدا اهورا خواهد داد خرداد (یعنی کمال) و امرداد (زندگی جاوید) و از خداوندی خود اشاو به نیروی الهامی خشتر و به دادن روزی وهومن به او که در اندیشه و عمل مؤمن است. (شوشتری)

«مزدا اهوره» با خداوندی و سروریِ خویش و پیوستگی پایدار با «اشه» و «رسایی» و «جاودانگی»، «شهریاری مینُوی» و یاوری و «منش نیک» را به کسی خواهد بخشید، که در اندیشه و کردار، دوست اوست. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

مزدا اهورا (نیروی) خداوندی رسای خویش و انبازی پایدار با رسائی و جاودانی و با راستی با توانائی، با منش نیک بکسی بخشد که در اندیشه و کردار دوست اوست. (پورداود)

خدای دانا، از خداوندی خویش به کسی رسایی و جاودانی و نیکی راستی، بهرهٔ شهریاری و یاری منش نیک ارزانی می‌دارد که در اندیشه و کردار دوستش باشد. (جعفری)

کسانی که از روی رساییِ اندیشه و کردارِ نیک خود به اهورامزدا گروند، از بخش کمال واقعی و جاودانی و راستی و پاک منشی و نیروی معنوی برخوردار شوند. چنین کسانی به راستی از دوستان و هواخواهان اهورا به شمار خواهند آمد. (شهزادی)

مزدا اهورا، آن همه صفات نیک و بهی بخش را که با ذات خداوندیش انباز است، به کسانی بخشاید که در اندیشه و گفتار و کردار، پویانِ راهش باشند. (رضی)

مزدا اهورا، با خداوندی و سروری خود، رسایی و جاودانگی، راستی و توانایی مینویی و یاری اندیشهٔ نیک را به کسی ارزانی می‌دارد که در اندیشه و کردار دلبستهٔ او باشد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۱ ، بند ۲۲

چیترا ای هوداوِنگهِ		یِتِنا وَئِدِم نائی مَنَنگها
وُهو هوُ خشتَرا اَشِم		وَچَنگها شیَ اُتَناچا هَپَتی
هُو توئی مَزدا اَهورا		وازیشتُو اَنگهئیتی اَستیش

این سخنان برای مرد نیکوکار روشن است، او که می‌کوشد آنها را هماهنگ با منش نیک دریابد و با نیرو و گفتار و کردار خود خدمتگزار حقیقت و راستی باشد. آن کس ای اهورامَزدا شایسته ترین دوست و مهمان تو خواهد بود. (ساسانفر)

و این آئین را به کسی ارمغان، میکند که در اندیشه و گفتار و کردار خود راستی را می‌پروراند و از آن پشتیبانی میکند. ای مزدااهورا چنین کسی نزد تو شایسته ترین یاور و راهنمای مردمان است. (پردیس)

ای اهورامزدا شخص خردمند و هوشیار و کسی که بامنش خویش حقیقت را درک می‌کند از قانون ایزدی آگاه است و با نیروی معنوی از راستی و پاکی پشتیبانی کرده و گفتار و کردار خود را جُز براستی نخواهد آراست و در راه گسترش راستی گام برخواهد داشت، چنین شخصی نسبت بتو ای مزدا وفادار و شایسته‌ترین یار و مددکار مردم بشمار خواهد رفت. (آذرگشسب)

(این آموزش) واضح است به دانشمند و نیز به او که در ذهن به یاری وهومن درک کرده است و چنین دانشمند (به یاری) خشتر ایزدی (نیروی نیک) و نیز اشا بزرگی می‌دهد بسخن و به عمل (این آموزش را) و او ای مزدا اهورا به تو یاور (خادم) بسیار با کفایت می‌شود. (شوشتری)

این [سخن] برای آن کس که نیک آگاه است و با «منش نیک» آن را در می‌یابد، آشکار است. اوست که با «شهریاریِ مینُوی» و با گفتار وکردار

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

[خویش] «اشه» را نگاهداری می‌کند. ای مزدا اهوره! اوست که کارگزارترین یاور تو به شمار می‌آید. (دوستخواه)

پیداست این بنیک اندیش همچنان بکسی که در منش خویش بآن آگاه گردید: اوست که راستی را با کشور نیک از گفتار و کردار خود نگاهداری کند، اوست، ای مزدا اهورا، که کارگزارترین یاور تو خواهد بود. (پورداود)

این آیین برای کسی که از رادی و نیک اندیشی برخوردار است، روشن است. او از راه شهریاری نیک راستی را در گفتار و کردار خود می‌پرورد. ای خدای دانا، از سوی تو چنین کسی بهترین راهنما است. (جعفری)

کسی که دانا و خردمند است، با منش نیک خود حقیقت را دریافت خواهد کرد. چنین کسانی با نیروی معنوی و گفتار نیک خود از آیین راستی پشتیبانی می‌کنند و نسبت به مزدا اهورا وفا دارند و شایسته‌ترین یار و مددکار مردم به شمار می‌روند. (شهزادی)

و این چنین کسانی هستند از یاوران اهورامزدا که با اندیشه و گفتار و کردار خویش، راستی را اشاعه می‌کنند و کشور مینوی را در دو جهان پذیره می‌گردند. (رضی)

این آیین، برای دانایی که با اندیشه‌اش درمی‌یابد، و با نیروی مینویی و با گفتار و کردار، راستی را نگاهداری و پشتیبانی می‌کند، روشن و آشکار است. ای مزدا اهورا، چنین کسی از سوی تو شایسته‌ترین یاور و راهنمای مردمان است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات سی و دوم

هات ۳۲ ، بند ۱

اَخُیاچا خواِاتوش یاسَت اَهیا وِرزِنِم مَت اَئیری یمنا
اَهیا دَئِوا مَهمی مَنُوئی اَهورَهیا اوروازِما مَزداو
تُوئی دوتاوِنگهُو آونگ هاما تِنگ دارَیو یویی واو دَئیب شِنتی

ای دیوان: مردم در میان خانواده، قبیله و ملت با سخنان و آموزش‌های من خرسندی اهورامَزدا را خواستارند. باشد که مردم (همه مردم) ای مَزدا پیام رسانان تو باشیم و آنها (دیوان) را که دشمنی می‌کنند دور و برکنار کنی. (ساسانفر)

ای اهورامزدا برای رسیدن به یک زندگی خوشبخت، خانواده‌ها، خویشاوندان و مردمان کشور، بتو نیایش میکنند و فریبکاران تبهکار هم، دیر یا زود، به تو روی خواهند نمود. باشد که ما، ای مزدا، با رساندن پیام تو به بد خواهان، آنها را از دشمنی به پیروان تو باز داریم. (پردیس)

برای برخورداری از بزرگترین خوشبختی، خویشان و همکاران و یاران نمازگزار تو می‌باشند و دیوان یاد پرستندگان قوای طبیعت، نیز اهورامزدا، خداوند جان و خرد را ستایش کرده و همگی این آرزو را دارند: پروردگارا بشود که ما هم پیام رسان تو باشیم و آنانرا که از بَردن نام تو نفرت دارند دور نگهداریم. (آذرگشسب)

به او (اهورمزد) خویتوش نماز می‌برد و همچنین ورزنم با ایریمنه (بلکه او را دیویسنی نیز به همان نیت (می‌ستاید). برای اینکه برترین سعادت را بیابند پس ما همه باید پیامبر تو بشویم تا هر که با تو دشمن است او را پس برانیم. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا اهوره! خویشاوندان و همکاران و یاوران [من] برای دست‌یابی به شادمانی و بهروزی، از خواستاران تواند. ای دیو [یَسن]ان! شما نیز با همان منش، او را خواستار باشید. [بشود که] پیام رسان تو باشیم [و] آنان را که با تو می‌ستیزند، [از کار] باز داریم. (دوستخواه)

و بایدش آزادگان خواستار باشند همانا برزیگران با پیشوایان، شما نیز، ای دیوها، از روی آموزش من آن شادمانی اهورامزدا را ـ برآنیم چون گماشتگان تو دور بداریم آنانی را که بد خواهند. (پورداود)

ای دیوان، ای فریبکاران خواه کسی از اهل خانه باشد، خواه از اهل محل و خواه از انجمن دوستی جهانی، همه به آیین من برای خرسندی خدای دانا دست به نیایش هستند، و می‌گویند: «پیامبران تو باشیم و کسانی را که بدخواهان تو هستند، باز بداریم.» (جعفری)

برای رسیدن به خوشبختی و بخشایش اهورایی، باید همگی شما ای خویشان و همکاران و یاران و همچنین شما ای گمراهان روی به سوی خدا آرید. پروردگارا بشود که ما همه پیامبر پیغام تو باشیم و کسانی را که دشمن نام و راه تو هستند از خود دور نگه داریم. (شهزادی)

همهٔ شما بایستی به آموزش‌هایم گوش فرا دهید. ای برزیگران و پیکاریان و نجیب‌زادگان، بایستی برای دریافت آموزش‌هایم، آنها را در عمل آورید، هم‌چنین شما ای پرستندگان دیوان و خدایان دروغین، باشد تا قرین اهورامزدا شویم. (رضی)

ای مزدا اهورا، برای رسیدن به بزرگترین خوشبختی‌ها، خویشاوندان و همکاران و یاوران به تو نماز می‌برند، و دیویسنیان نیز با همان اندیشه، ترا می‌ستایند. باشد که ما پیام رسان تو باشیم، و بدخواهان را از دشمنی و بیزاری به پیروان تو باز بداریم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۲

اَ اِبیو مَزداو اَهورُو سارِم نُو وُهو مَنَنگها
خشَترات هَچا پَئیتی . مَراُت اَشا هُوش هَخا خوِن واتا
سپِنتانم وِ آرمَ ایتیم وَنگُوهیم وَرِمَئیدی ها ن اَنگهَت

به ایشان، آنها که خواستار خشنودی اهورامَزدا هستند اهورامَزدا ،که همیشه نیک اندیشی و نیرومندی و دوست خوب اشای خورشیدگونه است پاسخ داد. «پارسایی افزاینده و نیک شما را بر میگزینیم آن شیوه ما می‌باشد». (ساسانفر)

اهورامزدا از راه اندیشه نیک به نیایش کنندگان پیام میدهد: ما آرامش پیشبرنده را که زائیده نیروی خود چیرگی است و با راستی درخشنده همگام است، ستایش میکنیم، وآنرا برای شما بر میگزینیم چون در این راه او برای شما یاوری نیرومند خواهد بود. (پردیس)

اهورامزدا، خداوند جان و خرد که از روی حکمت و دانش بر جهان سروری می‌کند در پرتو شهریاری خویش بأنها چنین پاسخ داد: آرمئی‌تی پاک و مقدس را که با اشای تابناک دوست نزدیک است برای شما برگزیده‌ایم. بکوشید تا همیشه او را از آن خود سازید. (آذرگشسب)

بآنان بوسیله وهمون و خشتر بما (چنین) الهام کرد و پاسخ داد با اشای با فر رفیق پیوسته او سپنتا ارمایتی پاک را برای شما برگزدیم، امید که ارمایتی از ما باشد. (شوشتری)

«مزدا اهوره»یِ با «منش نیک» یگانه، در پرتو «شهریاریِ مینُویِ» [خویش] بدانان پاسخ گفت: ــ «اشه»یِ تابناک را که دوستِ نیکِ «سپندارمذ» است، برای شما برگزیده‌ام. باشد که او از آن شما شود. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بآنان مزدا اهورا، (خدای) با منش نیک یگانه و دوست خوب راستی درخشان از توانائی (خویش) پاسخ گفت: از برای پارسائی پاک‌تان برگزیدیم که شما از ما باشید. (پورداود)

در پاسخ نیایش کنندگان، خدای دانا که از راه شهریاری خود با منش نیک همراه و با راستی درخشان همگام است گفت: «ما آرامش نیک شما را که در افزایش و گسترش است، پسندیدیم. آن از آن ما باد.» (جعفری)

ای اهورامزدا از روی خرد مقدس و نیروی سروری خویش دعای ما را مستجاب فرما و مهر پاک و دوستی کامل و رسا را به یاری ما فرست تا همهٔ با هم یک دل شده یکدیگر را از خود دانیم. (شهزادی)

در این میان، پرستندگان دیوان از آموزش‌ها روی گرداندند، مزدا اهورا که وجودش با روشنایی و نیک منشی یکسان است، ندا در داد که پیروانِ آموزش‌ها، از آنِ مایند. (رضی)

مزدا اهورا که از راه اندیشهٔ نیک و با توانایی بر جهان شهریاری دارد، به نیایش کنندگان پاسخ داد: راستی فروغمند را، که برای پارسایی یاوری نیک است، برای شما برگزیده‌ام. باشد که او از آن شما گردد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۳

اَت یوش دَاِوا ویسپاونگهُو اَکات مَنَنگهُو ستا چیترِم

یس چا واو مَش یزَئیتِ دروجَس چا پَئیری مَتُوایش چا

شیَ اومانم آابِی دَئی بی‌تانا یائیش آسرودوم بومیائو هَپتَ ایتِ

ای دیوان! شما همگی از تخمه و نژاد پلید و بداندیش هستید و آن سردسته و رییسی که شما را می‌ستاید خود نیز دیو دروغ و کردارش پست و بی‌ارزش است، به‌وسیله اوست که شما بارها پی درپی در این هفتمین کشور، (بوم و بر آریاییها) نامبردار و مشهور شده‌اید. (ساسانفر)

ولی شما ای فریبکاران دیو منش، و آنهائی که از سر نادانی شما را می‌ستایند، همه دارای سرشتی پلید و بی ارزش هستید و این کردار فریبکارانه، شما را در هفت کشور به بدی زبانزد کرده است. (پردیس)

ای گُمراهان بُت‌پرست شما همه از تبار و نژاد سیه دلان و کژ منشانید، کسانیکه از شما پیروی کرده و بشما زیاده از حد احترام گذارند نیز از تبهکاران بشمار آیند. کردار محیلانه و ریاکاری‌های شما از دروغ و خودستائی سرچشمه گرفته است. از این رو در سراسر گیتی ببدنامی شناخته شده‌اید و مورد تنفّر مردم می‌باشید. (آذرگشسب)

اما شما ای دیو (یسنها) همه از نژاد روان ناپاک هستید و نیز او که شما را بسیار گرامی دارد از ناراستی و از خود غرضی اعمال شما (صورت می‌گیرند) و به دوروئی شما در هفت (کشور) بوم معرفی شده‌اید. (شوشتری)

ای دیوان! شما همه از تبار «منش» زشتید و آن کس که دیر زمانی شما را می‌پرستد، از دروغ و خودستایی است. [هم] از این روست که بدین کردار فریبکارانه[تان] در هفت بوم [جهان] به بدی نامبردار شده‌اید. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ایدون شما، ای دیوها، همه از نژاد منش زشت هستید و همچنان آن کسی که شما را بسی می‌پرسند از دروغ و خودستائی است پس اینچنین دیر باز از کردارتان در هفتم بوم نامبردار شدید. (پورداود)

اما شما ای دیوان فریبکار و کسانی که شما را بسی می‌پرستند، همه تخمهٔ کج اندیشی و دروغ و بی‌ارجی هستند فریبکاری‌های شما، شما را در جهان آباد معروف گردانیده است. (جعفری)

ای دیوپرستان و گمراهان، شما و هواخواهانتان و همهٔ کسانی که به شما احترام می‌گذارند، از گروه کژمنشان و تیره دلانی هستید که مدتهاست کردار زشتتان در هفت کشور زمین بر همه آشکار و به بدی شناخته شده‌اید. (شهزادی)

ای پرستندگانِ خدایان دروغین و پیروان راه زشت اهریمنی، شما و همهٔ پیروانِ‌تان که این چنین به راه بد و ناراست گرویده‌اید، سخت زیان خواهید یافت. (رضی)

ای کژاندیشان، همهٔ شما و همهٔ آنهایی که با خیره‌سری شما را می‌ستایند، دارای سرشتی زشت و نادرست و خودستا هستید، و این کردار فریبکارانه است که شما را در هفت کشور، به بدی زبانزد کرده است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۴

یات یوش تا فرَمی‌مَتا   یا مَشیا اَچیشتا دَنتُو
وَخِشن تِ دَاوُ . زوشتا   وَنگهِئوش سیژدی یم نا مَنَنگهُو
مَزدا اَهورَهیا   خرَتِئوش نَسی ینئُو اَشائَت چا

چنانکه شما پلیدترین کارها را فرمان می‌دهید، تا آنچه که دیوپسند است گسترش و افزایش یابد و مردم از نیک اندیشی و خرد، روی گردان شده از راستی و دادگری دوری جویند و گمراه شوند. (ساسانفر)

زیرا اندیشه مردم را شما چنان پریشان کرده اید که از خرد و اندیشه نیک روی گردان شده، از راستی و دادگری دوری گزیده و زندگی خود را به تباهی کشانده‌اند. (پردیس)

ای بت‌پرستان شما اندیشهٔ مردم را چنان پریشان ساخته‌اید که آنها مرتکب زشترین گناه گردند، از اندیشهٔ پاک دُوری جویند، از اراده خداوند خِرد سرپیچی نمایند و از آئین راستی و پاکی گریزان باشند و سرانجام از دوستان و یاران دیوان به شمار آیند. (آذرگشسب)

بدین سان شما (اعمالتان را) فاسد کردید تا آنجا که مردم بدترین (کار) عزیز دیو(یسنها) نامیده شدند. اینان که خود را از وهومن و نیز از اهورامزدا جدا و از (آئین) اشا گمراه گشتند. (شوشتری)

بدین‌سان، شما [اندیشهٔ] مردمان را [چنان] آشفته‌اید که بدترین کارها را می‌ورزند و از دوستان دیوان شناخته می‌شوند. [آنان] از «منش نیک» دوری می‌گزینند و از خردِ «مزدا اهوره» و «اشه» روی برمی تابند. (دوستخواه)

از آن هنگامی که شما فرمان گزارده آنچه بدتر است دهید، دوستان دیوها باید خواند آنانی را که از منش نیک دور شوند (و) از خردِ مزدا اهورا و راستی برگردند. (پورداود)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

زیرا شما ترتیبی داده‌اید تا مردم بدترین کارها را انجام دهند و دیو دوست خوانده شوند و از اندیشهٔ‌نیک دوری جویند و از خرد خدای دانا و راستی گریزان باشند. (جعفری)

شما اندیشه مردمان را از راه راست منحرف کرده و آنان را به ارتکاب زشت‌ترین کارها واداشته‌اید. از این روی شما از یاران دروغ به شمار می‌روید، زیرا از خواست اهورامزدا گریزان و از آیین مقدسش روگردانید. (شهزادی)

از آن جهت شما در شمار زیان دیدگانید که از دو راه نیک و زشت، آن راه زشت را انتخاب کردید و به جای آن که از کشاورزان و دوستارانِ زمین و ستوران پشتیبانی کنید، از دیو و دشمنان حمایت نمودید و از راستی و نیکی بدور ماندید. (رضی)

بدینسان شما، اندیشهٔ مردم را چنان پریشان و آشفته کرده‌اید، که بدترین کارها را انجام می‌دهند، به دوستی با کژاندیشان رو می‌کنند، از اندیشهٔ نیک دوری می‌جویند، و از خرد خداوندی و راستی و پاکی می‌گریزند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۵

تا دِبِ نَئُوتا مَشیم		هوجیاتُوئیش اَمِرِتاتَس چا
هیَت واو اَکا مَنَنگها		ینگ دَ اِوِنگ اَکس چا مَئی نیوش
اَکا شی اُتنِم وَچَنگها		یا فرَچی نَس درِ گونَتِم خشَیوُ

بدینوسیله شما دیوان مردم را فریب میدهید و گمراه می‌کنید. آنها را از زندگی خوب بهشت آسا و پاینده باز می‌دارید. شما دیوان نیز فریب خوردهٔ زشتی و بد اندیشی هستید از اینرو اندیشه و کردار و گفتارتان پلید است و فرمانروایی هوادار دروغ را برتری می‌دهید و می‌پذیرید. (ساسانفر)

بدینگونه شما با دروغ و نیرنگ خود و نوید فریبانه به کسانی که چیرگی دروغ را پزیرفته‌اند، مردم را فریب میدهید، و آنها را از زندگی خوشبخت و جاودانه باز میدارید. (پردیس)

ای دیوها همانطور که اهریمن نابکار با اندیشهٔ پلید خود شما را گمراه ساخت و با آموزش نادرست و نوید سروری و بزرگی هواخواهان دروغ را بکردار زشت و ناپسند وادار ساخت همان‌گونه شما نیز مردم را گمراه ساخته و از زندگی کامل و خوشبختی جاودانی محروم ساختید. (آذرگشسب)

بدین سان مردم را فریب دادید به یک زندگی خوش و جاوید هم چنانکه ای دیویسنها از اهریمن در اندیشهٔ شما فریب خوردید (و راه ناراست را در پیش گرفتید) و اهریمن به سخنان ناراست به این روش زندگی شما را گمراه نمود، هرگاه او بشما پیمان کرد که ناراستان برتری خواهند یافت. (شوشتری)

اینچنین شما با اندیشه و گفتار و کردار بد که «منش زشت» برای تباهی [جهان] به شما و دُروندان آموخت، مردمان را فریفتید و از زندگی خوب و جاودان بی‌بهره کردید. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اینچنین گمراه می‌کنید مردم را از زندگی خوب و جاودانی با کرداری که اهریمن با پندار زشت و گفتار زشت بشما دیوها (آموخت)، که او از برای تباهی به پیرو دروغ آموزایند. (پورداود)

بدینسان شما با فریب خود مردم را از زندگانی خوب و جاویدان محروم ساخته‌اید. اما شما نیز فریب کج اندیشی را در اندیشه و گفتار و کردار خود خوردید و چنین پنداشتید که در این راه برای دروغ‌کاران برتری مقرر شده است. (جعفری)

ای دیوان همان‌گونه که اهریمن زشت کردار با اندیشهٔ پلید خود شما را فریفته و به امید و نوید رسیدن به سروری و بزرگی، شما و هواخواهانتان را به کردار زشت واداشته است، همان‌گونه شما نیز، مردمان را گمراه ساخته و از زندگی خوش و جاوید بی‌بهره کرده‌اید. (شهزادی)

و شمایید که مردمان را از پویشِ راه راست برمی‌گردانید و از زندگی نیک منشی به سوی راه اهریمنی که اندیشهٔ زشت و گفتار زشت و کردار زشت است می‌گروانید، و این همه را آن آموزش‌گرِ تباه کنندهٔ زندگی می‌آموزد. (رضی)

ای کژاندیشان، بدینسان شما، با کردار بد اندیشانه و با اندیشه و گفتار و کردار زشت و نوید سروری به دُروندان، مردم را فریب دادید و آنها را از زندگی خوب و جاودانه باز داشتید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۶

پُئورو اَ اِناو اِناخشتا   یائیش سراوَه ی ایتی یزی تاایش آتا
هاتامَرانِ اَهورا   وَهیشتا وُایستا مَنَنگها
توَهمی وِ مَزدا خشَترُیی   اَشایی چا سِنگهُو ویدانم

آن گناهان آشوبگری و ستیزه‌جویی را که دیوان دروغ به فراوانی انجام می‌دهند، حتی بدان سان بلند آوازی و نام‌جویی هم می‌کنند. تو ای اهورایی که در پرتو بهترین اندیشه از همه چیز آگاهی، خوب می‌دانی و بیاد داری. ای مَزدا باشد که در پرتو نیرومندی تو، برای رسیدن به دادگری و اشا فرمانت گسترش یابد. (ساسانفر)

شاید هم بداندیش با کردار خود به کامیابی برسد و نام ور گردد، ولی تو ای اهورامزدا که همه چیز را به یاد داری، در راستای اندیشه نیک خوب میدانی، که در پرتو رهبری توست که سرانجام آئین راستی و دادگری پیروز خواهد گردید. (پردیس)

شخص گناهکار و گُمراه مُمکن است چندی با کردار زشت خویش شُهرت و آوازه‌ای بدست آورد ولی ای هستی بخش، تو از روی خرد و حکمت خویش همه چیز را بیاد داری و نسبت بانگیزهٔ هر کس داوری خواهی کرد. ای خداوند خرد براستی سرانجام با برقراری سروری آسمانی تو آئین جاودانی اَشا و راستی همه جا حکمفرما خواهد گشت. (آذرگشسب)

سخت‌ترین گنه‌کار گر چه به اندازه‌ای با چنین (روش زندگی که رهبر او نشان داده) کامیاب گردد ولی ای اهورا از همه (کارهای ما) آگاه هستی (و ارزش حقیقی آنها را) در برترین نفس (که نفس ایزدی است) میدانی زیرا ای مزدا! در شاهی تو و (خداوندی) آشا فرمان تو روان خواهد شد. (شوشتری)

ای اهوره! او از گناهکاری بسیار، کامیاب شد و با چنین [رفتاری] تا بدین پایه به نامبرداری رسید؛ اما تو همه چیز را به یاد داری و با «بهترین منش»

PDF.tarikhema.org
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

[از سزای او] آگاهی. ای مزدا! فرمان تو و آموزش «اشه» با «شهریاریِ مینُوی» تو روا خواهد شد. (دوستخواه)

از بسیاری گناه او باین رسید که دارای آوازه و نام گردد، هر چند اینچنین: تو مزد (هر کسی) بیاد داری، ای اهورا (و) از بهتر منش از آن آگاهی در کشورت، ای مزدا، فرمان تو و دین راستی داده خواهد شد. (پورداود)

شاید هم شخص پرگناهی با این کارهای خود دارای آوازه و شهرت شود اما ای خداوند جان و خرد تو در والاترین اندیشهٔ خود همه چیز را به یاد داری و خوب می‌دانی که در شهریاری تو و در پرتو راستی، آن آیین تست که توانا و پیروز می‌باشد. (جعفری)

شخص گناهکار و گمراه ممکن است برای مدتی با کارهای زشت خود کامیاب و پیروز شود، ولی اهورامزدا از خرد خویش به کُنه اندیشهٔ هر کس پی می‌برد و کردار همه را به درستی داوری می‌کند و سرانجام برابر قانون ابدی وا سروری و پیروزی نیکی و راستی همه جا را فرا خواهد گرفت. (شهزادی)

از پویش راه اهریمنی، آن گَرِ همه پیروانی یافت و نام و آوازه بلند کرد. اما ای مزدا اهورا تو راهروان و بی‌راهان را خواهی دانست و خود به درستی داوری خواهی کرد و او سخت ناکام خواهد ماند. (رضی)

شاید گناهکار با رفتار خود به کامیابی برسد و نام‌آور گردد، اما ای مزدا اهورا، تو که همه چیز را به یاد داری، با بهترین اندیشه‌ها آگاهی و می‌دانی در پرتو شهریاری توست که در انجام، آیین راستی فرمانروا می‌گردد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۷

اَ اِ شانم اَ ا نَنگهانم نَ اِ چیت ویدواو اُئوجویی هادرویا

یا جُویا سنگ هَئیتِ یائیس سراوی خوَاِنا اینگها

ی اِ شانم تو اَهورا ایریختِم مَزدا وَ اِدیشتُو اَهی

از روی راستی و یکرنگی اعلام می‌کنم هیچیک از گناهان را و نیز آن گناه بزرگ را که برای آن کیفر فلز گداخته نامبرده و مشهور است انجام نداده‌ام. تو ای اهورا مَزدا نسبت به آن گناهان و نتایج آنها آگاه‌ترین هستی و آگاهی تو برتر از آزمایش فلز گداخته است. (ساسانفر)

زیرا کامیابی را نمیتوان با بکار بردن زور بدست آورد همان گونه که آزمون کردن مردم را با فلز گداخته نمیتوان پیروزی نامید ای اهورا مزدا، از سرانجام این آزمایش تو بهتر از همه آگاهی. (پردیس)

هیچکدام از این گناهکاران از مفهوم پیشرفت واقعی که در اثر کار و کوشش حاصل و زندگی به انسان می‌آموزد آگاه نیستند و از آزمایش آتشین بی‌خبرند. ای هستی‌بخش دانا تنها تو از فرجام گناهکاران آگاهی و دربارهٔ آنها داوری خواهی کرد. (آذرگشسب)

میان این گنهکاران هیچ یک پیشرفتی که به کوشش در این زندگی آموخته و (آزموده شد) نمی‌داند بنابر این گویند که آزمایش آهن گداخته باید بشود. ای اهورا! انجام چنین آزمایش را بهتر میدانی. (شوشتری)

هیچ کدام از این گناهکاران در نمی‌یابند که کامیابی ـ همان‌گونه که زندگی به ما آموخته و بدانسان که با [آزمون] آهن گدازان گفته شده ـ به کار و کوشش [باز بسته است]. ای مزدا اهوره! تو از سرانجام آنان آگاه‌تری. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دانا نباید به هیچ یک از این گناهان دست برد کامیابی بسود چنانک شنیده شده، از آهن گداخته نوید داده شود ـ سرانجام گناهکاران را تو آگاه‌تری ای مزدا اهورا. (پورداود)

دربارهٔ این گناهان، همین بس که هیچ دانایی از راه زور به کامیابی نرسیده که آنرا بتوان پیروزی گفت. از سرانجام آزمایشی که فلز مردم را آب و تاب می‌بخشد تو بهتر از همه آگاه هستی. (جعفری)

هیچ یک از این گناه کاران از درس زندگی و واکنش نیکِ کار و کوشش آگاه نیستند و از داوری کیفر پروردگار بی‌خبرند ـ ای اهورامزدا، تو تنها از فرجام کار مردم آگاهی و از واکنش گناه مردمان به خوبی باخبر می‌باشی. (شهزادی)

و شما ای پیروانِ آیین، بیدار باشید، مبادا کسی از شما آن چنان بدی‌ها را که همه زشت و زیان رسان است مرتکب گردد، چون زیانی وخیم در پی خواهد داشت و سرانجام مزدا به درستی داوری خواهد کرد. (رضی)

از این گناهکاران هیچیک نمی‌داند، همان‌گونه که زندگی و آزمون گدازان آن می‌آموزد، پیشرفت از کار و کوشش است. ای مزدا اهورا، تو بهتر از همه از سرنوشت این کسان آگاهی(وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۸

اَ اِ شانم اَ اِ نَنگهانم وی وَنگ هوشُو سراوی ییمَس چیت
ی مَشینگ چی خشنَو شُو اَهماکِنگ گائوش بَگا خوارِم نُو
اَ اِ شانم چیت آ اَهمی توهمی مَزدا ویچی تُونی اَ ایپی

از گناهانی که برای جمشید پسر ویوَهمَنت (ویونَگهان) شنیده شده آن بوده که برای خشنودی و خوشامد ما مردم و بزرگان ما گوشتخواری کرد. (و به آزمایش فلز گداخته فرا خوانده شد) در باره آن گناهان ای مَزدا من داوری تو را پذیرا هستم (نه آزمایش فلز گداخته را). (ساسانفر)

از کسانی که به بدکرداری متهم گردید حتی جمشید و یونگهان بود، که گویند، برای خوش آمد مردم گوشت خواری کرد، و به چنان آزمونی فرا خوانده شد. ای مزدا، من تنها داوری تو را پزیرا هست. (پردیس)

جمشید پسر ویونگهان یکی از آن گناهکاران شناخته شده است، زیرا برای جلب خشنودی مردم و ارضای نفس خویش خداوند جهان را خوار شُمرد، ای خداوند خرد من نسبت به داوری تو در روز واپسین در مورد گناهکاران رضایت کامل دارم. (آذرگشسب)

میان اینها گنهکاران وی ون وت (وبوراو) یمه نیز گفته شده که می‌خواست در نظر ما میرندگان به چیزهای جهان تن را روشن و خوشنما ساخته خوشنود کنند ـ ولی ای مزدا (کوشش من بری بلندی روان است و بنابر این امیدوارم) در روز واپسین از آنان ممتاز شمرده شوم. (شوشتری)

«جمِ ویونَگهان» نیز ـ که برای خشنودی مردمان و خویشتن، خداوند جهان را خوار شمرد ـ از این گناهکاران نامبردار است. ای مزدا؛ من به واپسین داوری تو دربارۀ همه آنان بی‌گمانم. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از این گناهکاران شناخته شده جم ویونگهان کسی که از برای خوشنود ساختن مردم ما پاره گوشت خوردن آموخت از آنان از تو، ای مزدا، پس از این باز شناخته خواهم شد. (پورداود)

دربارهٔ این گناهان، جمشید فرزند ویونگهان معروف است که برای خوشنود ساختن مردم خداوند جهان را خوار شمرد. دربارهٔ چنین گناهان، ای خدای دانا، من به داوری تو، بی‌گمانم. (جعفری)

از میان این گنهکاران جمشید و پسر وی‌ونگهان به خوبی شناخته شده است، چه او برای جلب رضایت خود و مردم جهان استفاده از لذت‌های جهان مادی را به مردم آموخت (نه معنوی را)، ولی مزدا در داوری روز واپسین دربارهٔ من چنین قضاوت نخواهد کرد (چه من برای پیشرفت روان مردمان کوشیده‌ام، نه جسم مادی آنان). (شهزادی)

از میان آن گناهکاران، جمِ ویوَنگهان بود که پیروی از راه اهورایی کرد، کسی که برای خدمت مردم و آسایش آنان، زمین را برای سکونت مردم و ستوران آماده ساخت و اینک من نیز از این شمارم و رد راه فرمان تو ای مزدا. (رضی)

از این گناهکاران، جمشید ویوَ نگهان شناخته شده است، آنکه برای خوشنودی مردم و خویشتن، خداوند جهان را خوار شمرد. ای مزدا، من به داوری واپسین تو دربارهٔ گناهکاران بیگمانم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۹

دوش سَس تیش سروَاو مُورِندَت

هوُ جیاتِئوش سِنگ هَنائیش خرَتوم

اَپوُ ما ایش تیم اَپَ ینتا بِرِخ زانم هایی تیم وَنگهِئوش مَنَنَگهُو

تا اوخزا مَئین یئوش مَهیا مَزدا اَشایی چا یوش مَئی بیا گَرَزَ

آموزگار بد پیام راستین را برمی‌گرداند، با گفتارش شیوهٔ درست و خرد زندگی را تباه می‌سازد و نیروی گرانبهای نیک اندیشی را از آدمی دور می‌کند. بدینوسیله با گفتارم که سرچشمهٔ مینوی و اخلاقی دارد، ای مَزدا و ای اشا از رفتار آموزگار بد دادخواهی می‌کنم. (ساسانفر)

آموزگار بد پیام راستین را بر میگرداند، و با گفتارش خرد و اندیشه نیک را پریشان، و شیوه درست زندگی را تباه میکند. بدین سان، ای مزدا و ای راستی، من با سخنانی که از دل بر می‌خیزد در برابر این گونه گفتارها خواهم ایستاد. (پردیس)

آموزگار کج‌اندیش، تعالیم مذهبی را تحریف کرده و با آموزش‌های نادرست خود انسان را گمراه و از هدف اصلی و واقعی زندگی منحرف می‌سازد، او انسان را از توجه بسرمایهٔ گران‌بهای راستی و درستی و اندیشهٔ پاک باز می‌دارد، ای خداوند خرد و ای مظهر پاکی و راستی با سخنانی که از قلب و روحم تراوش می‌کند بدرگاهتان گله کرده و پناه می‌جویم. (آذرگشسب)

آموزگار بد نامهٔ دینی را تباه می‌سازد و یقیناً به آموزش (نادرست خود) روش زندگی را فاسد می‌کند و از ما نیروی روانی را که دانش گران‌بها به وهومن (دانش ایزدی است) دور می‌سازد و با این سخن (که تمنای) دل من است ای مزدا و ای اشا به شما فریاد می‌کنم (ملتجی می‌شوم). (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آموزگار بد با آموزش خویش، سخن [ایزدی] را برمی‌گرداند و خِردِ زندگی را تباه می‌کند. او براستی [مردمان را] از سرمایهٔ گران‌بهای راستی و «منش نیک» بی‌بهره می‌کند. ای مزدا! ای اشه! بدین سخنان که از «مینو»یِ من [برمی آید]، نزد شما گله می‌گزارم. (دوستخواه)

آموزگار بد گفتار را تباه کند و خرد زندگی را با آموزش خویش، او باز می‌دارد از اینکه دارائی منش نیک، بلند داشته شود با این سخنانِ روانم گله گزارم بشما، ای مزدا و ای راستی. (پورداود)

آموزگار بد سخنان دین را برمی‌گرداند و با این بدآموزی خود زندگانی خردمندانه را تباه می‌کند. بدین سان مردم را از داشتن سرمایهٔ گران‌بهای اندیشهٔ نیک باز می‌دارد. من با این گفته‌هایی که از دل برمی‌خیزند، نزد شما، ای دانا و ای راستی گله می‌کنم و پناه می‌خواهم. (جعفری)

آموزگاران دروغ تعالیم مقدس را تحریف می‌کنند و با آموزش‌های نادرست خویش، اساس زندگی مردم را به هم می‌زنند. چنین کسانی همه را از بخشش گران‌بهای عقل و خرد و به کار گماردن اندیشهٔ درست و راست باز می‌دارند. ای مزدا از دست چنین کسانی با روح و قلب خود، به تو پناه می‌آورم. (شهزادی)

به درگاه مزدا گِله می‌کنم، از آن کسی که با گفتار نابخردانه‌اش، مردم را از راه خرد باز می‌دارد و نیک منشی را به تباهی می‌رساند. ای مزدا باشد تا راه هموار گردد و بدآموزان را کاری پیش نتواند رفت. (رضی)

آموزگار بد، گفته‌های دینی را برمی‌گرداند و پریشان می‌کند و با آموزش‌های خود، زندگی خردمندانه را تباه می‌سازد. و بدینسان، مردم را از داشتن سرمایهٔ گران‌بهای راستی و اندیشهٔ نیک باز می‌دارد. ای مزدا و ای راستی، من با سخنانی که از دل برمی‌خیزد، به شما گله می‌آورم و پناه می‌جویم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۱۰

هُو ما نا سروَاو مُرِندَت ی اَچیشتِم وَاِنَنگهِ اَئوگِدا
گام اَشی بیا هورِچا یَس چا داتِنگ درِگوَتُو دَدات
یس چا واسترا ویواپَت یَس چا وَدَرِ واُیژرَت اَشائونِ

آن مرد بد نهاد آموزش‌ها و سخنان درست را برمی‌گرداند و تحریف می‌کند، او که بدترین سخنان جادویی را در بامدادان به هنگام دیدن خورشید با دو چشم بدنگر خود بر زبان می‌راند و هواداران دروغ را در برابر ستمکاران می‌نهد. هم اوست که کشتزارها را ویران می‌کند و بر روی مرد پارسا جنگ‌افزار برمی‌کشد. (ساسانفر)

چون، چنین آموزگاری، با واژگون کردن سخنان درست اندیشه روشن را تیره میگرداند و مردمان را به گمراهی می‌کشاند. او نگریستن به زمین و خورشید را باچشمان باز از بدترین گناهان می‌شمارد، آبادیها را ویران می‌سازد، و با هواداران دروغ با درستکاران پیکار میکند. (پردیس)

از آنها با احترام بزمین و خورشید نگریستن را بدترین گناه می‌شمارند، زیرا تعالیم مذهبی را تحریف می‌کنند. آنها نیک اندیشان را بسوی دروغ و گمراهی می‌کشانند. کشتزارها را ویران کرده و بر علیه پرهیزکاران سِلاح بکار می‌برند. (آذرگشسب)

چنین کسی یقیناً نوشته دین را تباه می‌سازد هر گاه نکوهش می‌کند که دیدن زمین و خورشید گناه بزرگ است بلکه آنان را که نفس روانی دارند به پیروان ناراست رهنمائی می‌کند و باین ترتیب غذای روانی (آنانرا) پلید (مسموم) می‌سازد و این افزار رزم که گمراه کردن است سوی نیکان پرتاب می‌کند. (شوشتری)

براستی او، هنگامی که دیدن زمین و خورشید با دو چشم را بدترین [گناه] می‌خواند، [همان] کسی است که سخن [ایزدی] را برمی‌گرداند. او [ست که]

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دانا را [به جرگۀ] دُروَند [ان] در می‌آورد. او [ست که] کشتزارها را ویران می‌کند. او [ست که] رزم‌افزار به روی اَشَوَنان می‌کشد. (دوستخواه)

اوست کسی که گفتار را تباه سازد، کسی که از چارپا و خورشید بزشتی یاد کند، آنچنان که با دو دیده توان دیدن، و کسی که بخرد را پیرو دروغ بشمار دهد و کسی که کشتزار را بیابان کند و کسی که تبرزین بر وی پیرو راستی کشد. (پورداود)

آن کس آیین پاک را تباه می‌کند که جهان و خورشید را با چشمانی روشن نگریستن را از بدترین کارها می‌پندارد، و نیک اندیشان را دروغ‌کار می‌گرداند و آبادی‌ها را ویران می‌سازد و بر درستکاران شمشیر می‌کشد. (جعفری)

چنین کسانی آموزش‌های کتاب مقدس را که می‌گوید به زمین و نعمت‌های آن و به خورشید حیات بخش و عناصر سودمند جهان به دیده احترام بنگرید، گفتاری پوچ می‌شمارند و بدکرداران را پول و رشوه می‌دهند تا نیک اندیشان را بیازارند و کشتزارها و خانه‌های آنان را ویران کنند و بر ضد پیروان راستی سلاح به کار برند. (شهزادی)

از آموزش این کسان است که پیروان دروغ دلیر می‌شوند. از آن خورشید و از این گیتی ناسپاسی می‌کنند. زمین‌های زیر کشت را ویران می‌سازند و با جنگ ابزارهاشان با راستی‌گرایان می‌ستیزند. (رضی)

براستی آموزگار بد، که گفته‌های دینی را برمی‌گرداند و پریشان می‌کند، نگریستن به زمین و خورشید را با دو دیده، از بدترینِ گناهان می‌انگارد، نیک اندیشان را به سوی گمراهی می‌کشاند، کشتزارها را ویران می‌کند، و رزم افزار به روی راستان می‌کشد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۱۱

تَاچیت ما مُرِندِن جیوُتوم یُویی درِگوَنتُو مَزبیش چیکوایترِش
اَنگوهیش چا انگهَوَس چا اَپَه یئیتی رَ اِ خِنَنگهُو وَ اِ دِم
یُویی وَهیشات اَشَئُونُ مَزدا رارِش یان مَنَنگهُو

آموزگاران بدنهاد به راستی زندگی را ویران می‌کنند، آنان با خودنمایی، به شکوه و بزرگی، به دارایی و میراث و خواسته مردم دستبرد می‌زنند و خود را از زنان و مردان والا وانمود می‌کنند. آنانند ای مَزدا که پرهیزگاران را از بهترین اندیشه‌ها دور می‌دارند. (ساسانفر)

چنین آموزگارانی بد نهاد، که ویران کننده زندگی میباشند، با خود نمائی به بزرگی، و وانمود کردن به نیک کرداری، به دارائی مردم دستبرد می‌زنند. آنانند، ای مزدا که راستکاران را از بهترین اندیشه‌ها دورنگه میدارند. (پردیس)

ای خداوند خرد آنان بدکاران را بواسطهٔ شکوه و جلال مادی بزرگ می‌شمارند، زنان و مردان شریف را از رسیدن به آرزوی خود و برخورداری از بخشایش ایزدی باز می‌دارند. پارسایان و راستی‌گرایان را پریشان و منحرف می‌سازند و زندگانی را فاسد و تباه می‌کنند. (آذرگشسب)

مردمی مانند اینها روش زندگی (ما) را فاسد می‌کنند زیرا که آنان شکوه و بزرگی را در زنان و مردان ناراستان تصور می‌کنند و نیکان را از بهترین (راستی و درستی) باز می‌دارند و ما را از رسیدن به هدف مانع می‌شوند ای مزدا! اینها پیوسته ذهن (ما را) پریشان می‌سازند. (شوشتری)

براستی آنانند که زندگی را تباه می‌کنند. آنانند که دُروَندان را بزرگ می‌شمارند و زنان و مردان بزرگوار را از رسیدن به دهش ایزدی] باز می‌دارند. ای مزدا! آنان اَشوَنان را از «بهترین منش» روی گردان می‌کنند. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنانند که زندگی را تباه کنند، آن پیروان دروغ که بسی بر این اندیشند کدبانوان و کدخدایان را باز دارند از رسیدن به بخشایش (ایزدی)، آنان، ای مزدا، پیروان راستی را از بهتر منش روگردان سازند. (پورداود)

همچنین کسانی زندگانی را تباه می‌سازند که دروغ‌کاران را چون زنان و مردان شریف بزرگ می‌نمایند، دارایی مردم را می‌ربایند و راستکاران را، ای مزدا، از بهترین اندیشه باز می‌دارند. (جعفری)

چنین کسانی پیوسته به نابودی زندگی مردمان کوشند و مردان و زنان آزمند را با مال جهان بفریبند و به این وسیله آنان را از راه راست و درست زندگی منحرف کنند و با این کارها اندیشهٔ پارسایان را پریشان و زندگی آنان را تباه می‌سازند. (شهزادی)

ای مزدا، همین بدمنشانند که در برانگیختنِ پیروانِ رستی برای بازداشتن از نیکی کوشایی می‌ورزند. اینانند که با کردار و آموزش‌هایِ بدشان، زنان و مردان نیک را بی‌راه می‌سازند و از آن راه برگزیده به دورشان می‌برند. (رضی)

ای مزدا، همچنین کسانی زندگی را تباه می‌سازند که دُروندان را بزرگ می‌شمارند، زنان و مردان بزرگوار را از رسیدن به بخشایش ایزدی باز می‌دارند، و پارسایان و راستان را از بهترین اندیشه‌ها دور می‌دارند و می‌آزارند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۱۲

یا راونگ هَین سرَوَنگها وَ هیشتات شیی اُتَنات مَرِتانُو

اَ اِ بیُو مَزداو اَکا مراَت

یُوئی گئوش مُرِندن اورواخش ـ اوختی جیوتوم

یائیش گرِهما اَشات وَرَتا کرپَا خشترِم چا ایشَنانم دروجِم

آموزگار بد با سخن خود مردم را از بهترین کردار دور می‌کنند. مَزدا کردار پلیدشان را به آنها اعلام و گوشزد می‌کند که زندگی گاو را با بر زبان راندن و رَد «اورواخش، اوختی» و غریو شادی قربانی و نابود می‌کنند. بدینوسیله گروه کرپَن که ضد دین است و گرِهمَ گروه سیاسی ستیزه‌جو و آشوبگر را برمی‌گزیند و به نیروی خواستاران دروغ می‌پیوندد تا به اشا. (ساسانفر)

این کسان، که با آموزشهای دروغین، مردم را از بهترین کردار دور می‌کنند، که زندگی مردم را با گفتار فریبنده تباه می‌سازند، و پیشوایان فریبکار دین و رهبران سیاسی (دنیوی) آشوبگر را برمیگزینند، کسانی هستند که با پیوستن به نیروی دروغ، کوشش خواهند کرد تا از گسترش آئین راستی جلوگیری نمایند. (پردیس)

آنها با آموزش نادرست کوشش می‌کنند مردم را از انجام کار نیک و شایسته باز دارند و با گفتار فریبنده مردم را گُمراه ساخته زندگانی آنها را تباه سازند، آنان در اثر کجاندیشی گُرگ‌های درنده‌ای چون گرِهُما و کَرَپان‌ها را بر راستان و پاکان برتری داده و برای هواخواهان دروغ آرزوی سروری می‌کنند، ولی مزدا خداوندِ خرد برای آنان کیفر سختی مقرر داشته است. (آذرگشسب)

از اینگونه آموزش مردم از بهترین (روش) عمل روگردان می‌شوند و البته برای آنان مزدا مکافات فرموده است اینها زندگی مردم گیتی را بسخنان دلکش و بلند فاسد می‌کنند تا اینکه مردم به جای (روش) اشا به (یکی مانند) گرِهُمَه و گرپه و پیروان آنان که در پی بدی هستند برتری دهند. (شوشتری)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنان با آموزش‌های خود، مردمان را از بهترین کردار باز می‌دارند. آنان زندگی جهانیان را با گفتار فریبنده پریشان می‌کنند. آنان «گِرهُم» و یاران وی و «کَرَپان» و شهریاری خواستاران «درُوج» را بر «اشه» برتری می‌دهند. «مزدا» [آنان را] پادافره بر نهاده است. (دوستخواه)

چه آنان رو گردان کنند با گفتارشان مردم را از بهتر کردار بأنان مزدا نفرین گوید، کسانی که زندگی چارپا را با خروش شادمانی تباه کنند نزد آنان گرهم و کسانش براستی برتری داده شدند (همچنین) کرپن و شهریاری آنانی که دروغ خواستارند. (پورداود)

آنان با چنین آیینی مردم را از بهترین کارها باز می‌دارند و برای همین خدای دانا برای آنان کیفری بد گذاشته زیرا آنان زندگانی جهان را با عیش و عشرت تباه می‌سازند. و از این رهگذر پیشوایان مذهبی استثماری شهریاری نیرومند دروغ را بجای آیین راستی برگزیدند. (جعفری)

با این آموزش‌ها، آنان مردم را از کردار نیک باز می‌دارند و حیوانات را با فریاد شادی قربانی می‌کنند و با گفتار گمراه کننده عده‌ای را که چون کورانِ با چشم و کرانِ با گوشند، با آشوب و غوغا به جان خلق اندازند تا خود بتوانند با جور و ستم بر مردم سروری کنند. (شهزادی)

ای مزدا، بخشایش تو دور شود از این چنین کسان که با آموزش‌هایشان مردمان را بی‌راه می‌سازند و از نیک‌منشی دورشان می‌کنند. اینان با آیین‌هایِ بدِ دین‌شان، در مستی چارپایان را قربانی می‌کنند و گرِهُمَه است از این آموزش گرانِ بد و آنانی که دشمنانِ قوم‌اند. (رضی)

آنان با آموزش‌های خود مردم را از بهترین کارها باز می‌دارند، زندگی مردم را با گفتار فریبنده تباه می‌سازند، گرِهُمَه و کَرپن را بر پارسایان برتری می‌دهند، و برای پیروانِ دروغ سروری می‌خواهند. و مزدا برای چنین کسان و کارهای بد آنان کیفری سخت نهاده است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۱۳

یا خشَترا گرِهمُو هیشَ سَت اَچیش تَهیا دِمانَ مَنَنگهُو

اَنگهِئوش مَرِختارُو اَهیا یَه اِچا مَزدا جیگِرزَت کامِ

توَهیا مانترانُو دوتِم ی ایش پات دَرِسات اَشَهیا

گرَهَم که در جایگاه بدترین اندیشه قرار دارد، آرزوی نیرو می‌کند، او که ویران‌کننده زندگی است. ای مزدا، دودمان ستایشگران تو درخواست دادخواهی دارد که گَرهَم آنها را از دیدار حقیقت و اشا باز می‌دارد. (زرتشت تلویحاً در اینجا دادخواهی دارد که آرزوی نیرومندی گَرهَم برآورده نشود). (ساسانفر)

زیرا، پیرو دروغ که در جایگاه بدترین اندیشه قرار دارد، در آرزوی نیروئی است که ویران کننده باشد. ولی سرانجام کردار او، او و زندگی او را به تباهی خواهد کشانید. و آن زمان است، ای مزدا، که او با ناله و زاری، خواهان پیام تو می‌گردد، پیامی که راستی را در برابر دروغ پیروز خواهد نمود. (پردیس)

قُدرتی که این گُرگان حریص (یعنی گِرِهُما) در راه تبه کاری و کج اندیشی بدست می‌آورند سرانجام موجب بدبختی و تباهی زندگی خود آنها خواهد گشت. ای خداوند خرد آنگاه همین گُرگان آزمند با میل شدید آرزوی پیام مقدس پیام‌آور تُرا خواهند داشت، پیام‌آوری که نیکان و پاکان را در برابر تهدید دشمنان حفظ خواهد کرد. (آذرگشسب)

هر نیروئی که گرهمه امیدوار است که بیابد آن را احاطه اهریمن خواهد بود (و این نیرو) تباه کننده زندگی (روانی) او خواهد شد و آنگاه ای مزدا! هر یک از (پیروانش) به التجا و فریاد خواهند خواست این پیام راکه از سراینده سرود و برای تو گفته می‌شود و اینکه تهدید آنانرا برخلاف اشا (راستی) باز می‌دارد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا! «گِرِهُمَ» هر اندازه هم که آرزومند بدست آوردن شهریاری در پناه «بدترین منش» باشد، سرانجام تباه کنندهٔ زندگی [خود] خواهد بود. آنگاه آنان آرزومندانه خواستار پیامِ پیام‌آورِ تو خواهند شد که «اشه» را در برابر هراس انگیزی وی نگاهبانی می کند. (دوستخواه)

چه در کشور (پسین) گِرِهُمَ در خان و مان بدتر منش فرود خواهد آمد و تباه کنندگان این جهان ای مزدا آنگاه ناله برآرند بآرزوی پیک پیغمبرِ تو، که آنان را از نگریستن اَشا باز خواهد داشت. (پورداود)

از چنین شهریاری است که تباه کنندگان این زندگانی با ثروت استثماری خود در لانه بدترین اندیشه بسر می‌کنند. در ضمن، ای خدای دانا، کسانی هم که از روی حرص و طمع، از پیام برانگیختهٔ تو آزرده‌اند، حرص و طمع آنان، آنان را از دیدار راستی باز می‌دارد. (جعفری)

با هر نیرویی که این پیشوایان دروغین دینی خواسته باشند با منش زشت خود بر مردم سروری کنند، در پایان به تباهی زندگی خودشان خواهد انجامید، ولی هر زمانی که اینان از کردار زشت خود پشیمان شوند و در پی پیام راستین برآیند پیامبر خدا آنان را می‌پذیرد و بسوی راستی هدایت می‌کند. (شهزادی)

و اینان در سرایِ پسین سرانجامی دردناک خواهند داشت، چون در جهان جز به تباهیِ گیتی نپرداختند و آموزش‌های برانگیختهٔ مزدا را نشنودند. در آن سرای پسین سخت پشیمانی خواهند برد و آن چه که بانگ کنند تا درد ترکِشان کند، سودی نخواهد داشت. (رضی)

هر نیرویی که گرهما در پناه بدترین اندیشه‌ها آرزوی به دست آوردن آن را دارد، سرانجام زندگی خود او را به تباهی می کشاند. و آن زمان است، ای مزدا، که او با ناله و زاری، خواهان شنیدن پیام پیام‌آور تو می‌گردد. پیام‌آوری که راستی را، در برابر دشمنان آن نگاه می‌دارد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۱۴

اَهیا گرِهمُو آ. هُو ایتُویی نی کاوَ یس چیت خرَتوش نی دَدَت
وَ رِ چا هیچا فَرَ ایدیوَ هیت ویسنَتا درِگوَنتَم اَوُ
هیت چا گائوش جئی دیایی مرُویی ی دورَ اُشِم سَئُوچَیت اَوُ

گرِهَم و کوی‌ها پیوسته خرد و اعتبار خود را در قید و بند این بدترین جایگاه دروغ می‌نهند. به هنگامیکه می‌پذیرند به پیرو دروغ و باطل، در قربانی کردن گاو و با بکار بردن عبارت گاو کشتن «گائوش جئی دیانی» و آیین بکار بردن هوم و بر آتش ریختن آن یاری دهند. (ساسانفر)

گروه دشمنان، با یاری فرمانروایان دیو منش نیرو و خرد خود را برای جلوگیری از گسترش پیام تو به کار انداخته‌اند آنان، از تبهکاران یاری می‌جویند تا جهان را به تباهی کشانند، و ایزد هوم به یاری آنان آید. (پردیس)

دیربازی است که گرِهُمای آزمند با کمک کاوی‌ها اندیشه و نیروی خود را برای بدام انداختن پیام‌آور تو متمرکز ساخته‌اند. آنان از هواخواهان دروغ و گُمراهان یاری جویند و برای جهان آفرینش فساد و تباهی آرزو کنند بدین امید که شکست ناپذیر آنها را یاری خواهد کرد. (آذرگشسب)

برای اینکه او (زرتشت) را به دام بیندازند گرهمه و کوی از زمان باستان کوشیده‌اند و ذهن را متوجه کرده‌اند (و به همین اراده) و برای یاری و زندگی تنی به آنان نزدیک شده‌اند برای اینکه زندگی آنها محکوم به مرگ شده است و امیدوارند که یاری تباه نشدنی بسوی آنها بشتابد. (شوشتری)

« گرِهُمَ» و «کَوی»ها از دیرباز برای به ستوه آوردن وی خِرد و نیروی خویش را بکار گرفته‌اند. آنان بر آن شدند که از دُروَندان یاری خواهند و گفتند که زندگی باید به تباهی کشانده شود تا «دور دارندهٔ مرگ» به یاری [شان] برانگیخته شود. (دوستخواه)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از برای ستم بوی گرهم و گوی‌ها دیر باز است که خرد و ورج خویش فرو نهادند چه آنان بر آن شدند که دروغ‌پرست را یاری کنند و گفته شده که چارپا از برای کشتن است تا اینکه مرگ زدای را بیاری کردن برانگیزاند. (پورداود)

زمانی است که برای بدست آوردن مال مفت، کاویان، شاهزادگان فرزانه نیز هوش و گوش خود را متوجه این امر کرده‌اند و بدین طریق به دروغ‌کاران کمک و یاری می‌کنند و می‌گویند جهان را باید به تباهی کشاند زیرا مستی نوشابه هوم، آن دور دارندهٔ هوش آنان را برافروخته و بدین کارها برانگیخته است. (جعفری)

دیربازی است که این گروه گمراه کننده که چشم و گوش خود را به عمد بر حقیقت بسته‌اند، از خیل هواخواهان دروغ یاری می‌جویند تا به مردم بفهمانند که با هدیه گوشت حیوان قربانی شده و آشام سکرآور (هوم) می‌توان تباهی و مرگ را از خود دور داشت. (شهزادی)

اینان دروغ‌پرستان را آموزش‌هایِ بد دهند، آنان را برانگیزانند که در گیتی فساد کنند، بیاموزند که چارپا از برای پروریدن نیست، بلکه برای آن است که در مراسم دین، نوشابهٔ زندگی بخش بنوشند و در پایکوبی، آنان را قربانی کنند، گَرِهُمه و دشمنانند که این چنین آموزش دهند. (رضی)

از دیر باز، گرهما با یاری کاوی‌ها، خرد و نیروی خود را برای به ستوه آوردن پیام‌آور به کار انداخته‌اند. آنان از دُروَندان یاری می‌جویند و می‌گویند: جهان را باید به تباهی کشاند، تا هوم جاودانه به یاری آنان آید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۱۵

اَنائیش اَ وینِناسا　　یا کرَیتاوس چا کویتاوس چا
اَو آئیش اَئیبی ینگ دَانیتی　　نُوئیت جیاتِئوش خشَیم ننگ وَسو
تُوئی آبیا بَئیر یاوتِ　　وَنگهِئوش آ دِمانِ مَنَنگهُو

با آن مراسم دینی که گِرهَم بر پا می‌کند به گروه کرپَن‌ها و کوی‌ها زیان می‌رساند، با آن مراسم کوی‌ها و کرپَن‌ها خود را به دام می‌اندازند و هرگز با میل و اراده، صاحب اختیار و حاکم بر زندگی خودشان نیستند. باید که آن دو گروه به جایگاه منش پاک و نیک اندیشی رهبری شوند. (ساسانفر)

بدین سان پیشوایان دینی دروغین و فرماندارن خودکامه که هیچ گاه برای مردم زندگی آزاد و دلخواه روا نمی‌داشتند به دست همان مردم از پای خواهند آمد. مردمانی که در پرتو اندیشه نیک، سرانجام به رسائی و سپس به جاودانگی راه خواهند یافت. (پردیس)

براستی کوی‌ها و کَرَپان‌ها سرانجام بدست همان کسانی که از آنها سلب آزادی کرده‌اند، شکست خورده و تباه خواهند گشت و آنان که از نعمت آزادی محروم بوده‌اند در پرتو دو بخشش ایزدی (کمال و جاودانی) از سرای منشِ پاک یا بهشت بهره خواهند برد. (آذرگشسب)

چنین یقین کاملاً به ناکامیابی آورده شدند چه این گروه کرپه و چه کوی توسط (همان مردم که) به آنان مقرر داشتند که بر همه زندگی کاملاً خداوندی نکنند. و اینها (خرداد و امرداد را یافته) با آن جفت به نمان وهومن (دانش) برده خواهند شد. (شوشتری)

بدین سان «کَرَپان» و «کَوی»ها براستی به دست همانان که هیچ گاه زندگی و فرمانروایی آزاد را برایشان روا نمی‌داشتند، تباه خواهند شد. آنان را این دو به سرایِ «منش نیک» خواهند برد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از اینرو کرپن‌ها و کوی‌ها آسیب یابند، از همان کسانی که آنان روا نمی‌داشتند که بزندگی خویش آزادانه فرمان رانند. آن کسان را (این) دو بخان و مان منش نیک خواهند برد. (پورداود)

از این کارها است که پیشوایان مذهبی دروغین و شاهزادگان خودکامه نیز، به دست کسانی تباه می‌گردند. که، آنان را نگذاشته‌اند تا کنون از زندگانی آزادانه برخوردار باشند. از این دو دسته زبردستان و زیردستان، آن مردم هستند، که به خانۀ اندیشۀ نیک راهنمایی خواهند شد. (جعفری)

ولی سرانجام، مردم ستم دیده از این دو دسته پیشوایان دروغین و فرمانروایان ستمگر به تنگ آیند و با شورش علیه آنان، دشمنان خود را نابود کرده و تن و روان خود را در هر دو جهان آزاد خواهد ساخت. (شهزادی)

اما همین کسانند زیان کاران، چون سرانجام همین مردمانی که در بی‌دادشان می‌سوزند و از آنان فرمان نمی‌برند، از بیخ و بنیاد برشان خواهند انداخت و در سرایِ پسین قرین درد و ناکامی خواهند بود، در حالی که نیکان چه روزگار شیرینی خواهند داشت. (رضی)

بدینسان، کرپن‌ها و کاوی‌ها، به دست همان کسانی که هیچگاه برای آنها زندگی آزاد و دلخواه روا نمی‌داشتند، تباه می‌گردند، کسانی که در پرتو رسایی و جاودانگی، به سرای منش نیک راه می‌یابند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۲ ، بند ۱۶

هِمِم تَت وَهیشتا چیت ی اوشو رویِه سَیس چیت دَهمَهیا

خشَیانس مَزدا اَهورا یِهیا ما اَئی تیش چیت دوَئِتا

هیت اَ اِنَنگِه درِگوَتُو اِ اِ آ نو ایشی ینگ اَنگهایا

آن جایگاه وُهومن و نیک‌اندیشی همانست که با بهترین درخشش ما مشوق و راهنمای مرد پارساست. ای اهورامَزدا ترس از خطری که مرا تهدید کند، تو بر آن چیرگی و تسلط داری باشد که گناه هواداران دروغ نسبت به دین استواران و پرهیزکاران که در جایگاه وُهومن قرار دارند آشکار شود. (ساسانفر)

براستی، آموزش درست و خردمندانه آموزگار آگاه بهترین چیزهاست. ای مزدااهورا، تو میتوانی مرا از آزار دشمنانم برهانی. همانگونه که من می‌کوشم تا پیروان راه تو را از آزار هواخواهان دروغ برهانم. (پردیس)

براستی آموزش واقعی و خردمندانه شخص پارسا بهتر از هر چیزیست، ای خداوندِ جان و خرد و هستی‌بخش بزرگ، ترا توانائی برهم‌زدن نقشه کسانی است که مرا به آزار تهدید می‌کنند، من کوشش می‌کنم نفرت و دشمنی هواخواهان دروغ را نسبت به پیروان و دل باختگان تو باز دارم. (آذرگشسب)

یقیناً هم رنگ با بهشت (وهومن) است او که از آموزش راست آموزگار دانا را پیروی می‌کند. ای مزدا اهورا! تو توانا هستی بر آنانکه نقشه‌ها برای آزار من می‌کشند و بتوانم باز دارم پیروان ناراستی را از ستم بر دوستان (ارادتمندان) تو. (شوشتری)

براستی بهترین چیزها آموزش راستین و هوشمندانهٔ مردی دین آگاه است. ای مزدا اهوره! تو بر همهٔ آنان که سرِ آزار مرا دارند و هراسانم می‌کنند،

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فرمان می‌رانی. هم از این روست که دشمنی دُروَندان را از دوستان تو باز خواهم داشت. (دوستخواه)

«از هر چیز بهتر آموزشِ مرد پارسائی است که از روی هوش باشد» تر است، ای مزدا اهورا، توانائی، بهر آنکسی که مرا بآزار بیم دهد، آنچنان که من پیرو دروغ را در آزردن دوستانم باز توانم داشت. (پورداود)

پس آموزش روشن مرد نابغه که به راهنمایی برگزیده شده بهتر از هر چیز است، چون، ای خدای دانا، من در برابر کسانی که مرا تهدید می‌کنند و می‌ترسانند. توانا می‌باشم. زیرا من در مقابل آزارهای دروغ‌کاران با سخنان قاطع خود حمله خواهم کرد. (جعفری)

آموزش‌های مرد پارسا برای هوشمندان از همه چیز سودمندتر است. ای اهورامزدا، ای کسی که در همهٔ کارها پیروزمندی، رنج و آزار دشمنان را از ما دور دار و ما را یاری فرما تا خشم و دشمنی بدخواهان را با سخنان مهرآمیز خود دور گردانیم. (شهزادی)

سرانجامِ پیروزی با نیکی است. ای مزدا اهورا، پیروانِ دروغ نخواهند توانست مرا از راه باز دارند، من با ایمانم، از روی راستی، سِتم را از ستم دیدگان دور خواهم کرد. (رضی)

براستی، آموزش راستین و هوشمندانهٔ مرد پارسا و آگاه، بهترین چیزهاست. ای مزدا اهورا، تو می‌توانی کسانی را که در پی آزارمنند، از کارشان بازداری. و من نیز می‌کوشم، پیروان و دلباختگان ترا، از دشمنی و آزار دُروَندان برهانم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات سی و سوم

هات ۳۳ ، بند ۱

یتا آئیش ایتا وَرِش َ ایتِه یا داتا انگهِوش پَئو ئو رو یهیا

رَتوش شیئُوتَنا رَزیشتا درَگوَتَه اِچا هیَت چا اشائونِ

یُخیاچا هِم یا سَئیتِ می تَهیا یا چا هویی آرِزوا

چون رهنمودهای گاتایی با قوانین ازلی و آغازین هستی هم آهنگ و قابل اجرا هستند ،داور، کردار کسی را که پیرو راستی است و آنکس که از دروغ پیروی می‌کند و آنکه کارهای خوب و بدش با هم یکسانند ،برابر با آن قوانین به درستی و با دقت ارزیابی می‌کند. (ساسانفر)

رهبر باید، بر پایه راستی، که آئین بنیادین هستی است، چه با دروغکار و چه با راستکار، و چه با آنانکه کردار نیک و بد را در خود آمیخته ا ند، با درست ترین دادگریها داوری کند. (پردیس)

هر کس در این جهان باید برابر آئین ازلی «اَشا» یا راستی که بنیاد زندگی را تشکیل می‌دهد رفتار کند زیرا رَتویا رهبر روحانی با کمال بی‌نظری و از روی وجدان نسبت به نیکان و بدان داوری خواهد کرد و کردار نیک و زشت آنها را با دقّت خواهد سنجید. (آذرگشسب)

بنابر این (اصول) در (گیتی) خواهد ورزید و این‌ها آئین اساسی زندگی هستند (از زمان باستان) و او که رتو (یعنی رهبر روانی است) به کمال داد و راستی عمل خواهد کرد چه به پیروان ناراست (دیویسنی) و چه به پیروان راستی (مزدیسنی) و هم چنان به هر که خوبی و بدی او آمیخته است (با هر که نواقص او آمیخته به استعداد و شایستگی است). (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هر کس باید در این جا برابر این [آموزش]ها که دادِ بنیادین زندگی است، رفتار کند. رَد با دُروَند و اَشَوَن و آن کس که کردارهای نیک و بدش بهم آمیخته است، با درست‌ترین روش برخورد خواهد کرد. (دوستخواه)

آنچنان که در آیین نخستین زندگی است داور با درست‌تر کردار رفتار کند با پیرو دروغ و همچنان با پیرو راستی و با آنکسی که نزد وی (کردار) نادرست و درست بهم آمیخته است. (پورداود)

رهبر درستی باید طبق آیین ازلی زندگانی با کسی که دروغ‌کار یا راست‌کار است یا بدی‌ها و نیکی‌های او با هم برابر است با نهایت دادگری و عدالت رفتار کند. (جعفری)

بر هر کس بایسته است که برابر قانون ازلی (اشا) که آیین بنیادین زندگی است رفتار کند، چه داور بزرگ در روز واپسین نسبت به نیکان و بدان و هم‌چنین آنان که بدی و نیکی‌شان برابر است، از روی بی‌نظری داوری خواهد کرد. (شهزادی)

این است آن چه که در روز واپسین، از روی داد و انصاف رفتار خواهد شد. نیکوکاران به پاداش کردار و کارهاشان به بهترین مکان جای خواهند یافت و بدکاران را بدترین سرای آماده است. اما آن چنان کسانی که کردار نیک و بدشان برابر است، برای آن که داد کامل باشد، در جایگاهی میان این دو اِسکان خواهند یافت. (رضی)

هر کس در این جهان، کردارش می‌باید بر پایهٔ راستی باشد، که آیین بنیادین زندگی است، راهبر می‌باید، با دُروندان و راستان و همچنین با آنانکه کردار نیک و بدشان به هم آمیخته است، با درست‌ترین کردارها رفتار کند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۳ ، بند ۲

اَت ی اَکم دِرگوائیتِ وَچَنگها وا اَت وا مَنَنگها
زَستوای بیا وا وَرِشَئینی وَنگهااو وا چُوئیتَ ایتِ اَستیم
تُویی وارایی رادِنتی اَهورهیا زَئُوشِ مَزدا

بنابراین آنکس که برای پیرو دروغ و کمک به او با گفتار یا اندیشه یا با دو دستش کار نادرست انجام دهد، یا آنکس که مهمان و تازه وارد را بنوازد و همگنان را راهنمایی کند، هر دو برای گنجینه کردار خویش اندوخته فراهم می‌سازند و اندر محبت اهورا مَزدا قرار می‌گیرند. (ساسانفر)

و هرکس، که با اندیشه و گفتار و کردار، با تبهکار می‌ستیزد، و یا به او و پیرو او راه نیک می‌آموزد خواست مزدا را به جای می‌آورد. (پردیس)

کسی که با اندیشهٔ و گفتار و کردار بابازوان خویش با بدکاران پیکار کند و نقش آنها را عقیم سازد یا آنان را براه راست رهبری کند بدرستی چنین شخصی خواست پروردگار را انجام داده و بخداوند جان و خِرد عشق می‌ورزد. (آذرگشسب)

و هر که بدی می‌کند (یعنی مبارزه می‌نماید و خنثی می‌سازد) کارهای دیویسنی‌ها را خواه به سخن یا به اندیشه یا به دست (یعنی عمل) یا دوست (همکار خود را) راه خوبی می‌آموزد او مشیت اهورمزدا را از روی ارادت عمل می‌کند (بجا می‌آورد). (شوشتری)

هر کس که با اندیشه و گفتار یا با هر دو دست خویش، با دُروند بستیزد و یا پیروان او را به راه نیک رهنمون شود، به دوست‌کامی خواست «مزدا اهوره» را برمی‌آورد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کسی که بدروغ‌پرست بد کند چه با گفتار، چه با پندار، چه با دست‌ها یا اینکه به پیروش نیک آموزاند: (اینچنین کسان کام مزدا اهورا و خواست وی بجای آورند. (پورداود)

کسی که با اندیشه و گفتار و کردار دروغ‌کار را در کارهایش ناکام می‌سازد و یا به او نیکی می‌آموزد و راه می‌نماید، وظیفهٔ خود را از روی باور و ایمان و برای عشق به خدای دانا انجام می‌دهد. (جعفری)

کسی که با اندیشه و گفتار و کردار با بدی پیکار کند و با دست و زبان از پیشرفت بدی بکاهد یا یکی از بدکاران را به راه راست رهبری کند، چنین کسی خشنودی اهورامزدا را فراهم می‌سازد و از یاوران نیکی به شمار است. (شهزادی)

مزدا پرستان بایستی برای کامیابی خود و خشنودی مزدا، جز نیکی راهی نپویند، و آنان‌اند مزدا پرستان که با بدی و بدان، نه با اندیشه و نه با گفتار و کردار نیامیزند، جز به خاطر آن که آنان را به آیین خود بگردانند. (رضی)

هر کسی که با اندیشه و گفتار و کردار، با دُروند می‌ستیزد، و یا به او و به پیرو او، راه نیک می‌آموزد و می‌نمایاند، با باور و با دلبستگی، خواست مزدا را بجا می‌آورد. ای اهورا، کسی که با راستان، خواه خویشاوند باشد و خواه همکار و خواه یاور، بهترین رفتارها را داشته باشد، و کسی که با کوشش خود جهان را بپروراند، چنین کسی، در سرای راستی و اندیشهٔ نیک جای می‌گیرد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۳ ، بند ۳

ی اَشائونِ وهیشتُوِ　　خوَ اِتو وا اَت وا وِرزِنیُو

اَئیری یمنَ وا اَهورا　　ویدانس وا توَخ شَنگها گَوُیی

اَت هُوُ اَشهَیا اَنگهَت　　وَنگهِئوش چا واسترِ مَنَنگهُو

آنکس که به درستکار به بهترین روی نیکی ورزد، خواه وی یکی از خویشان یا یکی از هم تیره‌گان یا از مردم سرزمین آریایی باشد، یا آنکس که برای جهانیان با شور و شوق کار و خدمت می‌کند، چنین کسی ای اهورا، در قلمرو اشا و سرزمین وُهومن جای دارد. (ساسانفر)

ای اهورا، کسی که با راستکاران، چه خویشاوند باشد، چه همکار و چه یاور، بهترین رفتار را داشته باشد، و کسی که با کوشش خود جهان را به پیش ببرد چنین کسی، در سرای راستی و اندیشه نیک جای میگیرد. (پردیس)

ای خدای هستی هستی بخش، کسی که به نیکان و پاکان خواه از گُروه خودمانی و همکار و خواه دوست با مهر و داد رفتار کند و کسی که از آفرینش نیک پروردگار نگهداری نماید، براستی چنین شخصی از کشور خرم راستی و منش پاک یعنی بهشت برخوردار خواهد شد. (آذرگشسب)

ای اهورا! او که بهترین رفتار با نیکان می‌کند چه از خویتوشی باشند و چه از ورزن و چه آریمنه! و به صمیمیت زندگان گیتی را می‌پرورد چنین کسی یقیناً در جای وهومن و با اشا خواهد بود. (شوشتری)

ای اهوره! کسی که با اَشَوَن ـ خواه خویشاوند، خواه همکاری خواه یاور ـ بهترین رفتارها را داشته باشد و کسی که با کوشش [خویش]، آفریدگان را نگاهداری کند، با «اشه» و در سرای «منش نیک» بسر خواهد برد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کسی که از برای پیرو راستی بهتری (خواهد) آزاده یا کشاورز یا پیشوا و یا کسی که با کوشش از چارپا نگاهداری کند آنکس (روزی) در چمن راستی و منش نیک خواهد بود. (پورداود)

کسی که با راستکاران بهترین رفتار را می‌کند، خواه آنان اهل خانه باشند، خواه اهل محل، خواه از انجمن دوستی جهانی و خواه کسان دیگری که با کوشش‌های خود، جهان را پیش می‌برند خدایا او در محیط راستی و منش نیک زندگانی می‌کند. (جعفری)

کسی که یکی از طرفداران راستی را خشنود سازد، خواه آن کس خویش یا بیگانه باشد، یا این که از بندگان نیک خدا را یاری دهد، چنین کسی از بوستان بهشت و خرم راستی برخوردار خواهد بود. (شهزادی)

آن کسانی از بهترین زندگی و شایسته‌ترین سرانجام برخوردار خواهند بود که جز به راستی با راست روان کار نکنند و با همت و کوشش در طریق کشاورزی، چارپایان را تیمار کنند و این کسان‌اند که سرانجام در سرزمین جاودانی وهومن جای گزین شوند. (رضی)

ای اهورا، کسی که با راستان، خواه خویشاوند باشد و خواه همکار و خواه یاور، بهترین رفتارها را داشته باشد، و کسی که با کوشش خود جهان را بپروراند، چنین کسی، در سرای راستی و اندیشهٔ نیک جای می‌گیرد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۳ ، بند ۴

ی توَت مَزدا اَسروشتیم   اَکمچا مَنُو یزدایی آپا
خوَاتِ اوشچا تَرِمَ ایتیم   ورِزِنَخ یا چا نَزدیش تانم دروجِم
اَئیری مَنَس چا نَدِنتُو   گِئوش چا واسترات اَچیش تِم مَنتوم

ای مزدا، کسی هستم که تو را می‌ستایم، نافرمانی و اندیشه پلید را از تو دور می‌کنم. بی‌حرمتی و کوچک شمردن خانواده، پلیدی و دروغی که به هم‌تیره‌ها و شهروندان نزدیک شود، آشوبگران و مخالفان کشور (مردم آریایی) را دور می‌کنم. هر اندیشه پلید را از این سرزمین و جهان برکنار می‌دارم. (ساسانفر)

پس ای مزدا، من که ستایشگر جاودانه توام، بداندیشی و بد کرداری را از تو دور نگه خواهم داشت، و در این راستا، بدمنشی را از خویشاوندان، رشک و بد دلی را از همکاران، نکوهش و سرزنش را از مردمان شهر و دشمنی و دروغ را از پهنه گیتی پاک خواهم نمود. (پردیس)

ای خداوند خرد تُرا پرستش کرده و آرزو دارم بی‌ایمانی و بداندیشی از بندگان نیک تو دور گردد. همچنین آرزو دارم از خودمانی‌ها خیره سری و کج‌خیالی، از همکار فریب و دشمنی نزدیکان و از دوست ناسزاگویان و نکوهش کنندگان و از پهنهٔ جهان هستی رهبر دروغ پرداز و فریب‌کار دور گردد. (آذرگشسب)

بنابر این ای مزدا! دعا می‌کنم که از پرستنده تو بی‌ایمانی و بداندیشی دور شوند و از خویتوش تکبر (خودپسندی) و از ورزنه مخالفت به خویشان نزدیک و از ایریمنه تهمت (و دشنام) و از عموم مردم گیتی بدشبانی (یعنی بدرفتاری). (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا! منم که ترا می‌پرستم و از تو خواستارم: ناباوری و «تَرمَنشی» از میان برخیزد و خویشاوندان از خیره‌سری، همکاران از فریب نزدیکان و یاوران از نکوهندگان رهایی یابند و جهان از رهبران بد بیاساید. (دوستخواه)

منم، ای مزدا، که از پرستش تو بزدایم نافرمانی و بدمنشی را و از آزاده خیره سری و از کشاورز همسایگان دروغ و از پیشوا نکوهیدن را و از چمنِ چارپایان بدتر (ین) نگهدار را. (پورداود)

ای مزدا، منم آن کسی که ناآگاهی و کج اندیشی را در شأن تو، بداندیشی را در خانواده‌ها، دروغ و دغل را درمیان مردم شهر و نکوهش و سرزنش را از انجمن دوستی جهان، با این نیایش‌های اندیش انگیز خود پاک می‌کنم. (جعفری)

ای مزدا تو را ستایش می‌کنم و خواستارم روح نافرمانی و کژاندیشی از پیروانم دور شود. هم‌چنین خیره‌سری و بداندیشی از همکارانم و فریب و دشمنی از نزدیکانم و نکوهش و ناسزاگویی از پیشوایان و کشاورزان و دروغ از دوستانم باز داشته شود. (شهزادی)

ای مزدا، منم آن کسی که آیین را در این سرزمین استقرار خواهم بخشید، گروه مزدا پرستان را، پارسایان و جنگاوران و پیشه‌وران و کشاورزان را از گزند و آسیبِ دیویستان نگاهبان خواهم بود. گروه مزدا پرستان را از همهٔ دشمنان در امان خواهم داشت و هم‌چنین خواهم آموخت تا چه سان کشت‌زارها را از آفات و ناایمنیِ وحوش نگاهدار باشند. (رضی)

پس ای مزدا، تو را می‌پرستم و از تو می‌خواهم: نافرمانی و بداندیشی زدوده شود، از خویشاوندان، بد دلی و خیره سری، از همکاران، دروغ و دشمنی نزدیکان، از یاوران، دَشگویی و ناسزا، و از پهنهٔ‌گیتی، راهبری بد از میان برخیزد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۳ ، بند ۵

یَستِ ویسپِ مَزیشتِم سِرَ اُشِم زبیا اَوَنگ هانِ
اَپانُو دَرِگُو جیا ایتیم اَ خشتَرِم وَنگهِئوش مَنَنگهُو
اَشات اَ اِرِزوش پَثُو ی اِشو مَزداو اَهورُو شَئِیتی

از تو که بزرگتر از همه و برترین هستی فرمان می‌برم. در پایان دادن پلیدی‌ها، تو را فرا می‌خوانم تا به زندگی دراز دست یابم و به نیروی منش نیک (وُهومن) و از روی راستی به‌سوی راه‌های درست که اهورامَزدا در آنها جایگاه دارد برسم. (ساسانفر)

و در این راه، برای دست یافتن به آرمان پایانی خود، و رسیدن به زندگی دراز، و پیوستن به نیروی اندیشه نیک، آوای درونی سروش را که برترین آواهاست، به یاری خواهم گرفت. و با نهادن گام در راه درست و استوار راستی به جایگاه فرمانروائی تو ای اهورامزدا خواهم رسید. (پردیس)

برای رسیدن بآرمان و هدف خویش سروش بزرگترین یاورها را بکمک می‌طلبم و آرزو دارم از زندگانی دراز برخوردار و بکشور منش پاک درآیم. با کمک راستی و پاکی و پیمودن راه پارسائی بجایگاهی که ملکوت آسمانی اهورامزدا است راه یابم. (آذرگشسب)

بنابر این بزرگترین همه سروش خودت برای کامیابی خواهد خواست (دعا خواهد کرد) و به رسیده به زندگی دراز و به رسیدن تا به مکان وهومن (بیاری) اشا از راه راست آنجائیکه خود اهورامزدا می‌ماند. (شوشتری)

منم که برای [دستیابی به] والاترین آرمان ـ رسیدن به زندگی دیرپای در شهریاریِ «منش نیک» ـ «سروش» از همه بزرگتر ترا [به یاری] می‌خوانم تا در اه درستِ «اشه» گام نهم و به جایی که «مزدا اهوره» شهریاری دارد، [برسم]. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

منم آنکه سروشِ از همه بزرگترت را بیاری خواهم خواند آنگاه که زندگی جاودانی یابم در آن کشور منش نیک، در آن راهِ درست راستی، نزد کسانی که مزدا اهورا آرام دارد. (پورداود)

اینک من سروش، آن صدای الهامی ترا که از همه آواهای شنیدنی رساتر است، می‌طلبم تا به آرمان خود برسم، و زندگانی درازی را بیایم و به شهریاری منش نیک درآمده، بر صراط مستقیم راستی گام بزنم تا به جایگاهی برسم که خدای دانا می‌باشد. (جعفری)

برای رسیدن به آرمان خویش و رهبری درست مردمان از سروش (نیروی فرمان برداری و ایمان) یاری می‌خواهم. آرزومندم که از زندگانی دراز و تندرستی و نیک اندیشی برخوردار شوم و به یاری اَشا به پایهٔ رسایی که پیشگاه اهوایی است برسم. (شهزادی)

و چون این چنین کردم، و هنگام فرا رسید، در آن جایگاه مینوی، در آن جایگاهی که راستی‌گرایان را مقام است، با همراهی و راهنماییِ سُروش ساکن خواهم شد، جایگاهی که در آن سراسر فر و فروغ اهورا جلوه‌گر است. (رضی)

پس، برای رسیدن به آرمانِ انجامین خود، و رسیدن به زندگیِ دراز، و رسیدن به شهریاریِ اندیشهٔ نیک، آوای سروش تو را که بزرگترین آواهاست، به یاری خواهم گرفت. و با گام نهادن در راه درست و استوار راستی، به جایگاه فرمانروایی مزدا اهورا راه خواهم یافت. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۳ ، بند ۶

ی زئُوتا اَشا اِرِزوش هوُ مَئِین یئوش وَهیشتات کیا

اَهمات اَوا مَنَنگها یا وِرِزی یئی دیایی مَنتا واستریا

تا تُویی ایزیا اَهورا مَزدا دَرش تَوئیش چا هِم. پَرش تُوئیش چا

من که ستاینده راستین اَشا هستم از بهترین گوهر مینوی برخوردارم. با آن منش و شور و شوقی که کشاورزان به کار آبادانی می‌اندیشند، مشتاق و خواهان آنم ای اهورامَزدا که به دیدگاه تو و هم‌پرسی و رایزنی با تو برسم. (ساسانفر)

چون، منم آن نیایشگر استوار به راستی که با بهترین اندیشه ها، و با مهر بیکران به تو، آنچنان که تو میخواهی به راهنمائی و آبادگری مردم خواهم شتافت. ای اهورامزدا، می‌خواهم تو را ببینم و هم پرس و هم گوی تو باشم. (پردیس)

پروردگارا چون پرستنده پرهیزگاری که براستی و پاکی ایمانی استوار دارد با تمام وجودم رُوح پاک ترا می‌ستایم و از اندیشهٔ حکمت بارت خواستارم مأموریت ارشاد و رهبری را چنانکه ارادهٔ توست انجام دهم. ای خداوند جان و خرد آرزو دارم بدیدارت و مشورت باتو (مانند یکدوست) نایل آیم. (آذرگشسب)

بنابر این به حیث سرود گو (زاوتر) استوار در پیروی به اشا با همه توجه از بهترین روان بوسیله وهومن من التجا (دعا) خواهم کرد که بتوانم وظیفه پاسبانی (رهبری) را چنانچه اندیشیده است به انجام برسانم. پس تمنا می‌کنم (خواهشمندم) از تو ای اهورامزدا! که دیدار خود بمن بنمائی و به تو هم پیوست شده (مکالمه کنم). (شوشتری)

منم آن سرودخوان که در [پیروی از] «اشه» پا برجا و استوارم. [اینک] مهرورزانه و با همهٔ هستیِ خویش، از «بهترین منش» خواستار آموختن

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

رهبری‌ام تا بدانسان که تو می‌خواهی، بدین کار دست زنم. ای مزدا اهوره! مرا آرزوست که با تو دیدار و همپرسگی کنم. (دوستخواه)

منم آن پیشوا که از آیین راستین (راه) دُرست (بیاموختم) اینک از بهتر منش خواستار آموختن برزیگری و با چنین منشی بکار انداختن آن، باین امید مرا آرزو است، ای اهورامزدا، این (امشاسپند) تو دیدن و پند پرسیدن. (پورداود)

منم آن نیایشگر راست که از راه راستی و با بهترین دانش و بینش خود، ترا دوست دارم و با این اندیشه در سر می‌خواهم رایزن و راهنمایی برای مردم آباد باشم. پس ای خدای می‌خواهم ترا ببینم و با تو همسخن بشوم. (جعفری)

ای اهورامزدا همچون ستایش‌گر با ایمانی که در راستی و پاکی پابرجاست با دل و جان و با همهٔ وجودم از تو درخواست می‌کنم که در انجام رسالتم در این جهان به درستی و راستی برآیم و در پایان به دیدار و هم‌پرسگی تو سرافراز شوم. (شهزادی)

منم زَئُوتَر، منم راهنمایِ مردم، که به نیروی راستی و پاک منشی و از روی خِرد اندیشه کردم تا راه راستین را دریافتم. اینک ای نیرویِ والایِ راستی و ای پاک منشی و بارِقَهٔ اهورایی، به من فرود آیید تا راه و روش بهتر زندگیِ برزیگری را بتوانم دریافت و مردمان را بتوانم آموخت، و این است آرزویِ من و این است کوشش من تا بِدان دست یازیم. (رضی)

پس من، چونان سرود گویی استوار براستی، و با بهترین اندیشه‌ها، و با مهر به تو، و همچنان که تو می‌خواهی، خواهان راهبری مردم هستم. ای مزدا اهورا، می‌خواهم ترا بینم و همپرس و گوی تو باشم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۳ ، بند ۷

اَ ما اَئیدوم وَهیشتا
اَ. خویی تیا چا مَزدا دَرِشَت چا

اَشا وُهو مَنَنگها
یا سروی پَرِ مَگَ اونُ

آویش ناو اَن تَرِ هِنتُو
نِمَ خوَ ئِیتیش چیتراو راتیوُ

به سویم آیید ای مَزدا و وُهومن که بهترین و بالاترین هستید. به سویم آیید آشکارا، با شور و یکرنگی تا آنکه در فراسوی باورمندان و هموندان، دیگران نیز مرا بشنوند و باورمندی و بزرگداشت شما همچون پیشکش‌های درخشان و سزاوار ستایش در میان ما نمایان شوند. (ساسانفر)

ای مزدای بهترین، به سوی من آی و خود را به من بنمای، تا در پرتو راستی و اندیشه نیک، سخنان خود را بیرون از انجمن مغان به گوش دیگران نیز برسانم. باشد که، آنچه بایسته ماست، و نیایشی که شایسته توست برای ما نمایان گردد. (پردیس)

ای از همه بهتر و ای خداوند خرد بسوی من آئید و خودتان را بمن آشکار سازید تا در پرتو راستی و منش پاک گذشته از انجمن مُغان دیگران هم بسخنانم گوش فرا دهند. پروردگارا ما را از تکالیف بایسته و احترامات شایسته و در خور خویش بیاگاهان و روشن ساز. (آذرگشسب)

ای بهترین بسوی من بیائید به ذات خود که دیده شوید ای مزدا و ای اشا و ای وهومن تا که من از برادری مگا شنیده شوم و میان ما پدید شود واضح آنچه از وظایف ما می‌باشند و نسبت به شما نماز باید تقدیم گردند. (شوشتری)

ای مزدا! ای نیک ترین! به سوی من آی و نمایان شو تا در پرتو «اشه» و «منش نیک»، گذشته از «مَگونان»، [دیگر مردمان نیز] به گفتار من گوش فرا دهند. بشود که آنچه بایستهٔ ماست و نمازی که شایسته تست، به روشنی درمیان ما آشکار گردد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بسوی من آیید، ای بهتران، خود پدیدار (سازید)، ای مزدا، ای اردیبهشت، ای بهمن، تا اینکه بمن، گذشته از مغان، (دیگران) نیز گوش فرا دهند باید اندر میان ما آشکار (و) پیدا باشد رادی‌های نماز گزارندگان. (پورداود)

ای بهتر از همه، ای خداوند خرد به سوی من بیا، و خود را به من بنما تا از پرتو راستی و منش نیک آوای من بیرون از انجمن مغان نیز به گوش همه برسد. نتیجه نماز و نیایش را در میان همه ما آشکار ساز. (جعفری)

ای مزدا ـ ای بهتر از همه ـ در اندیشه‌ام راه یاب تابه درک تو نایل شوم، زیرا آرزومندم در پرتو راستی و پاک منشی بتوانم شنوندگانی را خارج از انجمن مغان به دست آورم تا بشود که همهٔ مردامن به وظایف و تکالیف خود نسبت به خدا و خلق خدا آشنا شوند. (شهزادی)

پس مرا این چنین یار و یاور باشید ای نیروهایِ فروغمندِ مزدایی، تا جز از دانایان و گروندگان، آن گروندگان نیز مرا دریابند و آیین راستی میان همگان درگیر شود و راه و رسم مزدایی به درستی آشکار گردد. (رضی)

ای مزدا بهترین، به سوی من آی و خود را به من بنمای، تا در پرتو راستی و اندیشهٔ نیک، سخنان خود را بیرون از انجمنِ مغان، به گوش دیگران نیز برسانم. باشد که آنچه بایستهٔ ماست، و نمازی که شایستهٔ توست برای ما آشکار گردد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۳ ، بند ۸

فروُ مُویی فرَواُیزدوم اَرِتا تا — یا وُهو شیوایی مَنَنگها
یسنِم مَزدا خشماوَتُو — اَت وا اَشا ستَئومیا وَچا
داتا وِ اَمرِتاوس چا — اوتَ یوئیتی هَئوروَتاس درَئُونُو

ای مَزدا به هدف‌های من که با نیک‌اندیشی دنبال می‌کنم توجه کنید. آن پرستشی است سزاوار بزرگی، چون شما و گفتار ستایش‌آمیزی است که از راستی سرچشمه می‌گیرد. بهره پایداری در نیایش شما، رسایی و پایندگی است که برایم نهاده و مقرر شده است. (ساسانفر)

ای مزدا، آرمانی را که من باید به آن برسم به من بشناسان، تا در پرتو اندیشه‌نیک، به آن دست یابم و نیایش همچو توئی را از راه راستی با پایداری به جای آورم. ای مزدا، رسائی و جاودانگی را به من ارزانی دار. (پردیس)

پروردگارا هدف نهائی و مأموریتم را بخوبی بمن نشان ده تا در پرتو اندیشهٔ پاک آن را انجام دهم و ستایش تُرا ای خداوند خرد بجای آرم. پروردگارا سرود ستایشم را که از روی راستی و قلبی پاک تراوش می‌کند بپذیرد و بخشایش رسائی و جاودانی را بمن ارزانی فرما. (آذرگشسب)

به توجه ای مزدا؛ در همه کارم که از وهومن ملهم شده پیروی می‌کنم، داوری کن نیز پرستش چون تویی ای مزدا و نیز سخنانی که در ستایش تو از اشا ملهم می‌شوم شما امرداد بمن زیست جاوید دهید و ای خرداد سعادت کامل شدن. (شوشتری)

ای مزدا! واپسین آماج مرا به من بشناسان تابا «منش نیک» بدان روی آورم و چون تویی را نیایش بگزارم. دهش پایدار «رسایی» و «جاودانگی» را به سخنان ستایشگرانه من که از «اشه» مایه دارد، ارزانی دار. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

داد خواهیم را که (بنزد شما) می‌آورم فرا شناسید، ای بهمن (و) درودم را از برای مانند شما کسانی، ای مزدا، ای اردیبهشت، (و) بسخنان ستایشم ارزانی دارید، ای خُرداد و امرداد بخشایش پایدارتان را. (پورداود)

ای دانا، وظایف مرا بر من آشکار ساز تا در پرتو اندیشهٔ نیک آنها را انجام دهم و نیایش و ستایش خدایی چون ترا از راه راستی و درستی بجای آورم. و نیز تازگی را برای جاودانی و توانایی را برای رسایی ارزانی دار. (جعفری)

ای مزدا ما را از حقیقت آگاه فرما تا به یاری اندیشهٔ پاک، تو را به درستی بستاییم. اینک این سرود ستایش (مناجات) را که از راستی و دلی پاک سرچشمه گرفته است، بپذیر. باشد که در پرتو این دو نیرو (اندیشه و دل) به رسایی و جاودانی برسیم. (شهزادی)

آن چه که از کلام و کردار من سر می‌زند، امیداورم که از روی راستی و درستی و پاک منشی صادقانه باشد، و این کلام و کردار باشد که شایسته پذیرش درگاه مزدا و امشاسپندان واقع گردد. ای مزدا و ای عناصر خیر آفرین، مرا در پناه خود دارید و آن چنان پرتوهای والایِ خود را در من بدمید. (رضی)

ای مزدا اهورا، آماج‌های مرا به من بشناسان، تا در پرتو اندیشهٔ نیک، به آنها دست یابم، و از راه راستی ترا بستایم. ای مزدا، بخشش پایدار ارسایی و جاودانگی را، به من ارزانی دار. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۳ ، بند ۹

اَت تُویی مزدا تِم مَئی نیوم اَش َ اُخ شَین تاو سَرِایدی بیاو
خُواترا مَئِتا مَیا وَهیشتا بَرِتو مَنَنگها
اَیاو آرُیی هاکورِتِم یَیاو هَچینتِ اوروان نُو

آری، برای توست ای مزدا آن گوهر اهورائی که سرچشمهٔ دو مینوی افزاینده و همکار است که در پرتو اندیشهٔ نیک، آسایش، دگرگونی سودمند و توانایی بسیار ببار میآورد. همکاری و هماهنگی آن دو مینو فرا رسیده است و همه روان‌های پاک آنها را پیگیری می‌کنند. (اشاره به خرداد و اَمرداد که از صفات اهورامزدا هستند) (ساسانفر)

ای مزدا، میدانم که در پرتو اندیشه نیک میتوان با نیروی مینوی خرد و روشنائی درونی که از توست به دو فروزه همراه و پیشبرنده رسائی و جاودانگی رسید و از نیروی بیکران آنها برخوردار گردید. (پردیس)

ای خداوند خرد این دو نیروی بزرگ افزایندهٔ راستی و پاکی را که از آن تست تنها با خرد و دانش و فروغ بصیرت و بینش بدست توان آورد. بشود که در پرتو بهترین منش از بخشایش این دو نیروی همکار و یکسا برخوردار گردیم. (آذرگشسب)

یقیناً از تو هستند ای مزدا این دو نیرو (صفات) فزاینده اَشا (راستی) بیابم بوسیله نور ایزدی دانش وهومنی و این دو امرداد و خرداد از بلندی‌های جهان تجرد خوشبختی بیاورند اینها که روان‌شان به یک صورت کار می‌کند. (شوشتری)

ای مزدا! دو «مینو»یِ بزرگ فزایندهٔ «اشه» را که از آن تست، با فروغ بینش و دانش بدست توان آورد. [بشود که] «بهترین منش» بخششِ با همِ آن دو [مینوی] یگانه روان را از فراسوی بیاورد و [به ما] ارزانی دارد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خرد تو، ای مزدا، با رامش دو یاران راستی افزا بآن کسی که از من روش دیگر یافته بهتر منش ارزانی دارند (آری) از یاوری آن دو برخوردار شویم آنانی که روانشان یگانه است. (پورداود)

ای خداوند خرد، این اندیشه از آن تست که آیین راستی همچنان بیفزاید و من نیز همین هدف را دارم. باشد که در پرتو منش نیک از جاودانی و رسایی که خود آنها مکمل یکدیگرند، بهره‌مند و برخوردار باشیم. (جعفری)

ای مزدا تنها با نیروی خرد و بینایی دل است که می‌توان به سرچشمۀ راستی که پروردگار است، رسید، نعمتی که در پرتو آن راستی و درستی در افزایش خواهد بود. بشود که به یاری و رهنمایی بهترین اندیشه و دلی پاک از بخشش‌های راستی و بینایی برخوردار شویم. (شهزادی)

ای مزدا، پرتو مهر و بخشایشت بهرۀ آن کسانی باد که راه آیین برگزیدند و راستی را در پویشِ زندگی انتخاب کردند، باشد که آنان نیز چون من از پرتوِ انوارِ نیکِ امشاسپندان و آن صفاتِ والای ایزدی برخوردار شوند. (رضی)

ای مزدا، دو مینوی راستی افزای بزرگ رسایی و جاودانگی را، که از توست، با فروغ دل و خرد به دست توان آورد. باشد که در پرتو بهترین اندیشه‌ها، از بخشش آسمانی این دو مینویِ هم‌کردار برخوردار گردیم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۳ ، بند ۱۰

ویسپاو ستُوئی هوجی تَیوُ   یائوزی آونگ هَرِه یاوس چا هِنتی
یاوس چا مزدا بوَینتی   توَهمی هیش زَ اُش اَبَخشوُ. هوا
وُهو اوخشیا مَنَنگهُو خشتَرا اَشاچا اوشتا تَنوم

همهٔ آنها را که به شیوهٔ خوب، بر پایه آموزش‌های گاتایی زندگی می‌کنند، آنها که بوده‌اند، آنها که هستند و آنها که خواهند بود. ای مَزدا همه آنها را از دوستی خود بهرمند کن و آنها را در پناه خود بگیر به همراه وُهومن، اشا و خشترا، خواستِ مهرآمیز خود را در باره آنها افزون کن. (ساسانفر)

ای مزدا، همه خوبیها ی زندگی، همه شادابی‌ها و همه خوشبختی‌ها چه آنهایی که بودند و هستند و خواهند بود، همه از توست. پس با مهر بیکران خود، و در پرتو اندیشه نیک و راستی و نیروی خود چیرگی، ما را از آنها بهرهمند کن. (پردیس)

ای خداوند خرد آسایش و خوشی‌های زندگی که بوده و هست و خواهد بود و همه از توست. پروردگارا از روی مهر و کرم خویش آنها را بما ارزانی دار و در پرتو منش پاک و نیروی و راستی و درستی ما را با خوشبختی جاودانی هم قرین سازه(آذرگشسب)

ای مزدا! همه نیکان از تو هستند چه (از آنها) که در زمان پیشین بوده‌اند و چه آنانکه وجود دارند و چه آنانکه بوجود خواهند آمد از اینها همه به عنایت خود اجازه بده که بهره‌مند (شریک) شویم و بوسیله وهومن و خشتر و اَشا تن ما را به روشنایی و خورسندی ایزدی بلند کن. (شوشتری)

ای مزدا! همهٔ نیکی‌های زندگی را که از آن تست ـ آنها را که بود و هست و خواهد بود ـ به مهربانی خویش به ما ارزانی دار. [به دستیاری] «منش نیک» و «شهریاریِ مینُوی» و «اشه»، بهروزی ابدیِ تن ما را بیفزای. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

همهٔ خوشی‌های زندگی که تراست، چه آنهایی که بودند، و آنهائی که هستند و آنهائی که، ای مزدا خواهند بود: بخواست خودت آنها را (بما) ببخشای بدستیاری بهمن برافزای، دستیاری شهریور و اردیبهشت رستگاری تن. (پورداود)

ای مزدا، همه خوبی‌های زندگانی، چه آنهایی که بوده، چه هستند و چه خواهند بود، از تست. از روی مهر خود، ما را از آنها بهره‌مند ساز و از راه منش نیک و شهریاری و راستی، به تندرستی ما بیفزا(جعفری)

ـ ای مزدا ـ به راستی که همهٔ خوشی‌ها و رنج‌های زندگی آن چه بوده و هست و خواهد بود، از تو است که به هر کس به فراخور کردارش از روی دادگری خویش ارزانی می‌داری. بشود که ما را در پرتو منش پاک و شجاعت معنوی (خشترا) و پرهیزکاری (اشا) به والاترین بخشش‌ها برخوردار سازی. (شهزادی)

ای مزدا، تویی نیک بختی و تویی سرچشمه بی‌آغاز و فرجام نیکی، این انوار شادی و کامیاری را که با صفاتت یکسان‌اند، بر پایهٔ شایستگی و در خورِ زندگی، به ما بِبخشای و این زندگیِ جهانیِ ما را از آنها سرشار ساز. (رضی)

ای مزدا، خوبی‌های زندگی را که بوده و هست و خواهد بود، و همهٔ آنها از توست، با مهر خودت به ما ارزانی دار، و در پرتو اندیشهٔ نیک و توانایی مینویی و راستی، تندرستی و خوشبختی ما را بیفزای. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۳ ، بند ۱۱

ی سِویشتو اَهورا　　　مزداوس چا آرمَ ایتیش
اَشم چا فرادَت گَئِتِم　　　مَنَس چا وُهو خشتَرِم چا
سَرئُوتامُویی مِرِژداتامُویی　　　آدایی کهیاچیت پَئیتی

اهورامزدا تو که نیرومندترین هستی، اشا و آرمئیتی که به پیشرفت جهان کمک می‌کنید، وُهومن و خشترا مرا گوش کنید. هر کجا پاداشی برای نیک‌اندیشی، پرهیزگاری و راستی وجود دارد، مرا از آن نیک‌بختی بهره‌مند سازید. (ساسانفر)

اهورامزدا تو که تواناترین هستی، و تو ای آرامش، ای راستی پیش برنده، ای اندیشه نیک و ای نیروی خود چیرگی، به من گوش فرا دهید، و آنگاه که زمان پاداش فرا رسد، مرا نیز از مهر خود سرشار کنید. (پردیس)

ای اهورامزدای تواناتر از همه با آرمئی‌تی مظهر ایمان و فداکاری، اَشا یا راستی مایۀ آباد کنندۀ جهان، وُهومن «مظهر اندیشۀ پاک و محبت» و خَشَترا «مظهر نیروی معنوی و اقتدار ملکوتی» بمن گوش فرا دهید و در آن روزی که بهر یک پاداش کردار بخشند بمن مهربان باشید و آمرزش خود را از من دریغ می‌کند. (آذرگشسب)

ای اهورامزدا تو بر همه تواناترین هستی و ای ارمایتی و نیز اَشا که به زندگی گیتی سعادت و برکت می‌دهید و ای وهومن و خشتر به فریاد من برسید و بر من بخشایش کنید هنگامیکه پاداش را از هر یک به هر یک می‌بخشید. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! ای تواناترین! ای آرمیتی! ای اشه‌یِ گیتی افزای! ای منش نیک! ای شهریاریِ مینُوی! به من گوش فرا دهید و آنگاه که پاداش هر کسی را می‌بخشید، بر من بخشایش آورید. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تو ای اهورامزدای تواناتر و سپندارمذ و اردیبهشت جهان افزا و ای بهمن و شهریور بمن گوش فرا دهید و با من در آمُرزش باشید آنگاه که پاداش هر کسی از پی رسد. (پورداود)

ای خدای دانا، ای تواناترین، و ای آرامش، ای راستی جهان افزا، و ای اندیشهٔ نیک، ای شهریاری به من گوش فرا دهید، هنگامیکه به هر کس بهره‌اش را می‌دهید بر من نیز بخشایش کنید. (جعفری)

ـ ای اهورامزدا ـ ای تواناتر از همه ـ مرا از ایمان پاک و استوار و خرد مقدس و شجاعت معنوی و فداکاری برخوردار ساز ـ آواز دلم را بشنو و هنگامی که به هر یک پاداشی در برابر کردارشان می‌بخشی، بدون در نظر گرفتن لیاقتم مرا مشمول آمرزش خویش ساز. (شهزادی)

و ای مزدا، ای همهٔ امشاسپندان و صفاتِ والی به آفرینی، در این بخشایش پاداش دنیایی و آن جهانی، مرا نیز به شمار آورید، دیدهٔ امیدم بر اساس گفتار و کردارم نگران این بخشایش است. (رضی)

ای مزدا اهورای تواناتر از همه، و ای پارسایی، و ای راستی گیتی افزا، و ای اندیشهٔ نیک، و ای توانایی مینویی، به من گوش فرا دهید، و آنگاه که پاداش هر کس را می‌دهید، برمن بخشش آورید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۳ ، بند ۱۲

اوس مُوئی اوزارِشوا اَهورا آرمئیتی تِوی شیم دَسوا
سپِ نیشتا مَئین یُو مَزدا وَنگهویا زَوُ آدا
اَشا هَزوُ اِموَت وُهو مَنَنگها فسِرتَوم

ای اهورا! برخیز به همراه آرمَئیتی و «پرهیزگاری» به من آن نیروی زندگی را که با پاک‌ترین گوهر مینوی هماهنگ است ارزانی بدار. مرا از چیرگی و توانایی در پرتو اشا، از پشتیبانی منش نیک بهره‌مند کن که پاداشی شایسته و خرسندکننده است. (ساسانفر)

ای مزدا، خود را به من بنما و مرا با نیروی راستی استوار به خود گردان، تا در پرتو اندیشه نیک، از پیش برنده ترین خرد بهرهمند شده، و با نیروی خود چیرگی به گام آرامش رسم و یک زندگی شاد را از تو به ارمغان بگیرم. (پردیس)

ای اهورا ای خدای هستی‌بخش» خودت را بر من آشکار ساز و در پرتو ایمان و فداکاری بمن نیروی معنوی بخش، ای خداوند خرد بیاری پاکترین روح (رُوح القُدُس) خود پرستشم را با نیکوئی‌ها پاداش دِه، بیاری راستی و پاکی مرا از نیروی بسیار برخوردار ساز و در پرتو وُهومن یا خرد و منش پاک سروری و رهبری مردم را بمن بخش. (آذرگشسب)

برآی درمن ای اهورا و بوسیله ارمایتی مرا توانائی (روانی به بخش) و بورسیله سپنتامایئیو ای مزدا پاداش نیاز نماز و بوسیله اشا نیروی کامل روانی و بوسیله وهومن مهر به همه زندگان (مهریکه همه را فرا گیرد). (شوشتری)

ای اهوره! [خود را] به من بنمای و [در پرتو] «آرمیتی» توش و توانم ده. ای مزدا! به پاداش ستایشم، از «سپندترین مینو» نیکویی، از «اشه» توانایی بسیار و از «منش نیک» سروری بخش. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بمن روی آر، ای اهورا، از سپندارمذ توش (و توان) ده، از پاکتر روان، ای مزدا، پاداش نیک زور (بخش) از اردیبهشت زبردستی نیرومند، از بهمن بخشایش (ده). (پورداود)

خدایا، دلم را برانگیز و از آرامش توانایی‌ام بخش، و از افزاینده‌ترین خرد خود، ای مزدا پاسخ به نیایش‌هایم ده و از راستی نیرو فراوانم عطا کن و از منش نیک شادیم ارزانی دار. (جعفری)

ـ ای اهورا ـ در اندیشه‌ام راه یاب و از پرتو ایمانی استوار و خردی پاک مرا رسایی و کمال مادی و معنوی بخش ـ ای مزدا ستایشم را به نیکی پاداش ده و به یاری اشا مرا نیروی پارسایی بخش و در پرتو خرد پاک مرا با عشق و مهر جهانی بیارای. (شهزادی)

ای اهورا، نیرویمان فزون کن تا از این زمینِ مقدس نیک بهره توانیم برد. پاک منشی، راستی و درستی را فرا راهمان قرار ده تا در پرتوِ آنها از اَنوارت هر چه بیشتر بهره برداریم. (رضی)

ای مزدا اهورا، خود را به من بنمای، و با پارسایی روانم را توانا کن، و با مینوی پاک و فزایندهٔ خود، نیایش‌هایم را پاسخ گوی، و با راستی مرا از نیرو و توان بسیار برخوردار کن، و با اندیشهٔ نیک سروری‌ام بخش. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۳ ، بند ۱۳

رَفِدرایی وُئوروچَشانِ	دُوئیشی مُویی یاوِ اَبیفرا
تا خشترهَیا اَهورا	یا وَنگهئوش اَشیش مَنَنگهُو
فروُ سپِنتا آرمئیتِ	اَشا دَئِناو فرَدَخُشَیا

ای اهورای دورنگر برای پشتیبانی من، آن نیروی بی‌مانند خودت را که پاداشی برای نیک‌اندیشی است به من بنَما و ارزانی دار. ای آرمئیتی پاک، وجدان و اندیشه درونم را با راستی (اشا) آموزش بده. (ساسانفر)

ای اهورای همه جا بین، یاریم ده تا با مهر بیکران تو، که از اندیشه‌نیک بر می‌خیزد، به من خوشبختی و شادمانی روی آورد. و تو ای آرامش، در پرتو راستی، درون مرا پرفروغ کن. (پردیس)

و ای پروردگار تیزبین برای برخورداری از شادمانی و خوشبختی بخشایش بی‌مانندت را بمن بنما. ای هستی‌بخش، بخشایشی را که از اَخَشترا «مظهر قدرت و ملکوت آسمانی تو» و وُهومن «مظهر منش پاک و محبت بهم‌نوع» سرچشمه می‌گیرد بمن ارزانی دار. ای آرمئینی مقدس «ای مظهر عشق و بُردباری و ایمان بخدا» بوسیله راستی دل‌های ما را روشن ساز تا نفس واقعی و ضمیر باطنی خود را درک نمائیم. (آذرگشسب)

ای اهورای همه بین! مرا سعادتمند کن به آشکار شدن بخشش‌های گران‌بهای تو (یعنی) از خشتر که در آن سعادت وُهومنی باشد و ای ارمایتی پاک، واضح توسط اشاما را به درک باطن ما (وجدان) موفق سازه(شوشتری)

ای اهوره‌یِ تیزبین! به شادمانی و رامش من، دهش بی‌مانند خویش را که از «شهریاری مینُوی» و از «منش نیک» است، بر من آشکار کن. ای سپندارمذ. «دین» مرا به [یاری] «اشه» آموزش ده و روشنی بخش. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از برای نگهداری من، توای دور بیننده چیزهای بی‌مانند کشورتان را چون پاداش منش نیک بمن ارزانی دارید ای اهورا ای سپندارمذ بنهاد راستی آموز. (پورداود)

ای خدایی که همه چیز را می‌بینی کمکم کن و با لطف و کرم بی‌مانند خود که از شهریاری تو سرچشمه می‌گیرد و از نیکوییهای منش نیک برمی‌خیزد، مرا بنواز ای آرامش روز افزون وجدانم را از روی آیین راستی آگاه ساز. (جعفری)

ـ ای اهورایی که از همه چیز با خبری ـ شادی و خرمی بی‌مانندت را همراه با خشترا (نیروی معنوی) و وهومن (اندیشه پاک) به کسانی که به من گرویده‌اند بخشش فرما و به وسیلهٔ آرمئی‌تی (ضمیر پاک) دل‌های همه را روشن کن تا همه به خوبی سود پاکی اندیشه و دل را دریابیم. (شهزادی)

برای پایندگی من، برای انتشار آیین بهی، ای اهورایِ برخوردار از دانش بی‌کران، نیروهای سرشارم بِبخشای، به پاداش کردارم بهی‌های مادی و معنوی را سزاوارم ساز ای اهورا، و ای زمین مقدس اهورا آفریده. (رضی)

ای مزدا اهورای بسیار بینا، بخشش بی‌مانندت را که از شهریاری تو، و از اندیشهٔ نیک است، برای خوشبختی و شادمانی من، برمن آشکار ساز. و تو ای پارسایی، در پرتو راستی، یابش و روشنایی دل به من ارزانی دار(وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۳ ، بند ۱۴

اَت راتانم زَرَتوشترُو تَنُوَس چیت خوَخیاو اوشتَنِم
دَدائیتی پَئوروَتاتِم مَنَنگ هَسچا وَنگهوش مزدایی
شی اوُتَنَهیا اَشایاچا اوخزَخیاچا سراُوشِم خشتَرِم چا

بدین سان زرتشت تن و جان خویش، گزیدهٔ منش مینوی، گفتار و کرداری را که برای راستی و در راه شهریاری او انجام می‌شود و فرمانبرداری خود را، به مزدا پیشکش می کند. (ساسانفر)

اکنون زرتشت، تن و جان و چکیده بینش خود را که از اندیشه نیک بر خواسته، به مزدا ارمغان میکند و کردار و گفتار و بینش و همه نیروی مینوی خود را، به راستی پیشکش می‌نماید. (پردیس)

زرتشت همه جسم و جان خود را با برگزیده‌ترین منش پاک خود چون پیشکشی بی‌ارزش بخداوند خرد نیاز می‌کند و با فرمانبرداری از دستورات الهی و سرسپردگی کردار و گفتار و همه نیروی خود را به اَشا ارمغان می‌آورد. (آذرگشسب)

بنابر این زرتشت همه زیست تن و روان و برجسته‌ترین عمل خود را به حضور مزدا و وهومنه بصورت نیاز پیش‌کش می‌کند و بهترین کار و سخن را به اشا و صمیمی‌ترین ارادت بندگی را به خشتر اهدا می‌نماید. (شوشتری)

اینک زرتشت همهٔ تن و جان و گزیدهٔ «منش نیک» خویش را همچون نیازی پیشکش «مزدا» می‌کند و گفتار و کردار و دل آگاهی و نیروی خود را نزد «اشه» [ارمغان می‌برد]. (دوستخواه)

ایدون از برای دهش، زرتشت زندگی خویشتن (و) پندار نیک و کردار نیک و گفتار برگزیدهٔ (خود را) به مزدا دهد (و) بدین راستین فرمانبری و توانائی. (پورداود)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اینک زرتشت تن و روان و چکیدهٔ اندیشهٔ نیک خود را به خداوند خرد و کردار و گفتار و دل بیدار و همه نیروی خود را در راه راستی ارمغان می‌دارد. (جعفری)

من که زرتشت هستم، برای فرمان برداری تو ای اهورامزدا همهٔ هستی و تن و جان خود را با اندیشه و عشق واقعی به تو پیشکش و در راه پیشبرد پارسایی، همهٔ کردار و گفتار و نیروهای خود را در راه خدمت به مردم جهان آماده کرده‌ام. (شهزادی)

و زرتشت است که اینک به ستایش و عبادت تو می‌پردازد ای مزدا، چون از جان و دل، شایسته‌ترین سرودهایش را که سرشار از اندیشه و گفتار و کردار نیک است فرا راه آن درگاه ایزدی می‌سپارد. (رضی)

و اینک، زرتشت همهٔ تن و جان، و گزیدهٔ اندیشهٔ نیک خود را، به مزدا نیاز می‌کند، و کردار و گفتار و دل آگاهی و همهٔ توان مینویی خود را، براستی ارمغان می‌دارد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات سی و چهارم

هات ۳۴ ، بند ۱

یا شیئوتَنا یا وَچَنگها یا یَسنا اَمِرتَتاتِم
اَشِم چا تَئی بیو داونگ‌ها مَزدا خشتَرِم چا هئُورووَتاتوُ
اَ اِشانم تُویی اَهورا اِهما پُئوروتِمائیش دَستِ

ای مَزدا کار، گفتار و نیایشی که از روی راستی برای تو انجام شود، تو در برابر آن نیرومندی و پایندگی می‌بخشی، مرد درستکار آنها را بارها و بسیار تکرار می‌کند و آنها را به تو پیشکش می‌نماید. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، اندیشه و گفتار و کرداری که در پرتو راستی مردمان را به رسائی و جاودانگی می‌رساند، همه را در آغاز، و در راه تو، به زنان و مردان ارمغان میکنم. (پردیس)

ای مزدا، رفتار و گفتار نیک و پرستش بی‌ریائی که در پرتو آنها مردم از بخشایش جاودانی و پارسائی و نیزوی معنوی و رسائی برخوردار می‌گردند همه را نخست بتو ای خداوند هستی‌بخش پیشکش مینمائیم. (آذرگشسب)

ای مزدا! توسط اعمال و سخنان و سرود ستایش که امرداد و اشا را سوی آدمیزاد می‌آورم و نیز خشتر را و ای اهورا توسط خرداد از آنان و از تو به تقدیم نیاز امید که با کمال صمیمیت بمانیم. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! گفتار و کردار و پرستشی که با آنها به مردمان «جاودانگی» و «اشه» و «شهریاریِ مینُوی» و «رسایی» می‌بخشی، همه را نخست نزد تو نیاز می‌آورم. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کردار (و) گفتار و پرستشی که تو از آنها، ای مزدا، جاودانی و راستی ارزانی خواهی داشت و کشور رسائی، از همان‌ها ترا بر آن داریم، ای اهورا، که بیش از بیش بما ببخشائی. (پورداود)

ای خدای دانا کردار و گفتار و نیایشی که به مردم جاودانی، راستی و نیروی رسایی می‌رسانم، همه را نخست به تو پیشکش می‌کنم و به نام تو انجام می‌دهم. (جعفری)

ـ ای مزدا می‌دانم که در برابر نیاز گفتار و کردار نیک و ستایش پاک بندگانت به آنان جاودانی و رسایی و نیروی معنوی خواهی بخشید ـ بشود که ما نیز با این نیازها در ردیف کسانی باشیم که با این نیروها به شناسایی تو و ضمیر خویش نایل می‌شوند. (شهزادی)

ای مزدا، آن چه را که مرد بایستی انجام دهد تا شایستهٔ بخشایش و مهرِ تو قرار گیرد، باشد تا همان‌ها را به جای آوریم. اندیشه و گفتار و کردار نیک انجام شده را، همراه با سرودهای دلکش به پیشگاهت پیشکش می‌کنیم. (رضی)

ای مزدا اهورا، کردار و گفتار و نیایشی که به مردم جاودانگی و راستی و نیرویِ رسایی می‌بخشد، همه را، نخست به تو نیاز می‌کنم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۲

اَت چا ای تُویی مَنَنگها مَئین یئوش چا وَنگهِئوش ویسپا داتا
سپِنت خیاچا نِرِش شیوُتَنا یهیا اوروا اَشا هَچَ ایتِ
پَئیری گَئتِ خشماوَتوُ وَهمِ مَزدا گَرُبیش ستوتانم

آری همهٔ آن نیایش‌ها راکه با اندیشه نیک همراه است و از گوهر نیک پاک مینوی سرچشمه می‌گیرد، مرد پاک نهاد که کردار و روانش با راستی هماهنگی دارد به تو پیشکش می‌کند، و چون شمایی را ای مَزدا در میان مردم سپاس می‌گذارد و با سرود ستایش خوش آمد می‌گوید. (ساسانفر)

کسی که همه اندیشه و کردار خود را تنها در راه تو انجام میدهد، همیشه با راستی پیشبرنده همگام است باشد که ای مزدا، با نیایشهای خود بتو نزدیک شوم. (پردیس)

پروردگارا مرد نیک اندیش و پارسائی که روانش با راستی همگام است، تنها بتو می‌اندیشد و کردار نیک خود را بتو نیاز می‌کند. ای اهورامزدا بشود که نیایش کُنان و سُرود ستایش گویان بتو نزدیک شویم. (آذرگشسب)

و نیز تنها در تو و در همه آئین وهومن و اعمال مردان نیک که روان آنها با اشا همساز و همرنگ است رهنماست ما را که در نماز به خواندن سرود ستایش به شما ای مزدا نزدیک شویم. (شوشتری)

ای مزدا؛ ورجاوند مردِ نیک منشی که روانش به «اشه» پیوسته است، همهٔ اندیشه و کردار [خویش] را تنها [به تو] نیاز می‌کند. [بشود که] ستایش سرایان و نیایش کنان به تو نزدیک شویم. (دوستخواه)

و با پندار (و) کردارِ منش نیک و مرد پارسا که روانش براستی پیوسته همهٔ آنها را به پیشگاه تو آورد، (بآن پیشگاه) نیایش شما، ای مزدا، با سرودهای ستایش. (پورداود)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کسی که همهٔ اندیشه و کردار نیک خود را تنها در راه تو انجام می‌دهد، همواره به پیش می‌رود و ترقی می‌کند و روانش با راستی همگام است. ای مزدا، ستایش کنان و نیایش گویان نزد تو می‌آییم. (جعفری)

تنها با اندیشیدن به خدا و گام نهادن در راه پارسایی است که روان آدمی می‌تواند به مزدا نزدیک شود. پروردگارا، بشود که ما نیز با ستایش و کردار پارسایی به تو نزدیک شویم. (شهزادی)

نیکی‌هایی را که بر اثر آنها روانان ما صیقل و جلا یافته به بارگاهت می‌فرستیم و چشم داریم که از آن سعادت ابدی و آن جهان نامردنی جاودانی کامیابمان سازی. (رضی)

ای مزدا اهورا، مرد پاک پارسای نیک اندیشی که روانش با راستی پیوسته است، همهٔ اندیشه و کردار خود را به تو نیاز می‌کند، باشد که با سرود ستایشی که می‌سرایم و نیایشی که می‌کنم، به تو نزدیک گردم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۳

اَت تُویی مَیزدِم اهورا   نِمَنگها اَشایی چا داما
گَئِتاو ویسپاو آ خشترُویی   یاو وُهو ترَتُوشتا مَنَنگها
آرویی زی هوداووِنگهُو   ویسپائیش مَزدا خشماوَسو سَوُ

بدینسان ای اهورا ما همه آفریدگان که به فرمان تو هستیم و ما را با اندیشهٔ نیک پرورانده‌اید، با نیایش و فروتنی، گفتار و کردار خود را به تو و اشا پیشکش می‌کنیم. ای مَزدا باشد که برای همه نیکوکاران در میان چون شمایی (اشا، وُهومن، خشترا) رستگاری پدیدار شود. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، آنچه شایسته تو و در راه راستی است با نیایش به تو پیشکش میکنم. باشد که همه زنان و مردان، در پرتو اندیشه نیک و با نیروی خودچیرگی به گام رسائی رسند. ای مزدا، نیروی مینوی تو به کسی میرسد که از خردی که تو پیشکش کرده ای بهره گیرد، (پردیس)

ای خدای هستی‌بخش با کمال احترام آنچه در خور و سزاوار تو و اَشا مظهر راست و پاکی است بجا می‌آوریم. بشود که همهٔ جهانیان در پرتو منش پاک و در کشور «جاودانی تو» برسائی رسند، ای خداوند خرد براستی مرد دانا و روشن‌بین هماره از نیروی معنوی برخوردار می‌باشد. (آذرگشسب)

و آنچه لازم پرداخت هست ای اهورا به تو و به اشا با کمال فروتنی و نماز خواهیم پرداخت. همه زندگان (مردم گیتی) در زمین تو که بوسیله وهومن (وظایف خود را) به انجام می‌رسانند زیرا ای مزدا به جوینده حقیقت در بهشت برین میان شما همه جاوید سعادت (و خوشبختی) می‌رسد. (شوشتری)

ای اهوره! آنچه را شایستهٔ تو و «اشه» است، با نماز بجای می‌آوریم [تا] همهٔ جهانیان با «منش نیک» در «شهریاریِ مینُویِ» (تو) به «رسایی» رسند. ای مزدا! براستی نیک آگاه هماره از دهش تو برخوردار می‌شود. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ترا، ای اهورا و راستی، با نماز میزد پیش آوریم تا اینکه از منش نیک همهٔ جهانیان را در کشور (جاودانی) رسا سازید آری هماره نیک اندیش برخوردار است از سود مانند شما کسانی، ای مزدا. (پورداود)

خداوندا، ما آنچه در خور تو است. و در راه راستی است، با نماز پیشکش تو می‌کنیم. رادمردانی که از هر چیزی از جهان زنده که در شهریاری تو وجود دارد و از آن اندیشهٔ نیک می‌افزاید، بهره برمیدارند، ای مزدا، از همه صفات پسندیدهٔ تو نیکویی می‌یابند. (جعفری)

ـ ای اهورامزدا ـ بافروتنی تمام ستایش خود را به راستی و درستی (اشا) به تو پیشکش می‌کنم و آرزومندم که همهٔ جهانیان را با نیروی منش پاک و خشترا (نیروی معنوی) برخوردار سازی، چه می‌دانم که هوشیاران و نیک اندیشان پیوسته از این نیروها برخوردار می‌باشند. (شهزادی)

در نشستگاه‌هایی همگانی، آن هنگامی که ای مزدا دل‌ها به هم نزدیک است و مهرِ سرشار بی‌دریغ، در واقع جز عبادت تو نمی‌کنیم و با سرود و نماز این کردارهای نیک را تقدیمت می‌کنیم، باشد تا همهٔ مردمی این چنین را، از پرتوهای سرشار و نیکت برخوردار سازی، چون نگران آن پاداش‌های نیکو هستند. (رضی)

ای مزدا اهورا، آن چه سزاوار تو و در راه راستی است، با نماز به تو بجا می‌آوریم و نیاز تو می‌کنیم، باشد که همهٔ مردمان، در پرتو اندیشهٔ نیک و شهریاری تو، به رسایی برسند. ای مزدا، براستی آنکه داناست، پیوسته از نیروی مینوی تو برخوردار گردد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۴

اَت تُویی اَترم اَهورا اَ ئُوجُنگهَه وَنتِم اَشا اوسِمَهی

اَسیش تیم اِمونَتِم ستویی رَپَنتِ چیترا اَ وَنگ هِم

اَت مَزدا دَئی بیش ینتِ زَستا ایشتائیش دِرِشتا. اَ اِ نَنگهِم

اینک ای اهورا آتش نیرومند تو را که تمام خرد و جنبش است در پرتو راستی خواهانم، آنرا که چون شتابان‌ترین و نافذترین نیروست، تا برای کسی که پشتیبان توست کمکی آشکار باشم و همانا در راه تو ای مزدا گزند و آسیبی را که با دست دشمن آشکار به حرکت آید و نزدیک شود دور کنم. (ساسانفر)

پس، ما در پرتو راستی، فروغ پر توان تو را میجوئیم آن فروغ نیرومندی که پیروان راستی را جاودانه راهنمائی میکند، و با توانائی و بینشی ژرف از آزار و دشمنی بدخواهان دور میدارد. (پردیس)

ای خُدای هستی‌بخش، ما فروغ توانی تو را که در پرتو راستی فروزان است خواهانیم. آن شعلۀ فروزانی که ابدی و نیرومند است و پیروان راستی را آشکارا رهنمون گشته و یاری می‌بخشد. ای خداوندِ خرد همین شعلۀ فروزانست که پلیدی نهفته در نهاد بدخواهان را آناً آشکار می‌سازد. (آذرگشسب)

و برای آتش تو ای اهورا که توسط اشا بلند مقام است ما آرزو داریم آنچه باید شایسته آرزوست که دارنده نیرو باشد و همواره به گرویدگان تو یاری آشکار دهد و اما برای ناگرویدگان ای مزدا! او به اشاره دست به نامهری می‌بیند. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! در پرتو «اشه»، «آذرِ» نیرومند ترا خواهانیم که جاودانه و تواناست و دوستان را پیوسته آشکارا یاری می‌رساند و آزار و گناه دشمنان را در چشم برهم‌زدنی نمایان می‌کند. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از آذر تو که از راستی زورمند است، ای اهورا، از آن نیرومندی که پیمان رفته، خواستاریم که بدوستان آشکارا رامش دهنده بود، نک، ای مزدا، بدشمن بخواست دست تو هویدا رنج دهنده. (پورداود)

خدایا، خواهان فروغ تو می‌باشیم که از پرتو راستی، توانا است. آن، نیرومند و آشکارا به یاران کمک می‌کند اما، ای مزدا، با دست‌های توانایش جلوی آزار بدخواهان را سخت می‌گیرد. (جعفری)

ـ ای اهورا ـ مافروغ اندیشهٔ نیک و پارسایی را که از وجود تو پرتو افکن است، خواستاریم، آن نور فروزانی که سبب راهنمایی و قوت قلب مردمان است و به کمک آن نور است که تو می‌توانی نیک را از بد و پاک را از ناپاک تمیز دهی، چه تویی دانای کل. (شهزادی)

از آن شعلهٔ آتش فروزان که نمایانگر ذات خداوندیِ تو است ای مزدا، پاداش و سزایِ کسان روشن شود. زبانهٔ آتش پیام‌آور آن راستی و دادِ سرمدی است که برای نیکان، رامش و خوشی به همراه دارد و برای بدراهان رنج و شکنج. (رضی)

ای مزدا اهورا، ما در پرتو راستی، فروغ پرتوان ترا خواهانیم، آن فروغ جاودانه و توانا که پیروان راستی را آشکارا یاری می‌دهد، و با توانایی، آزار و دشمنی بدخواهان را می‌بیند و درمی‌یابد و دور می‌دارد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۵

کت وِ خشتَرِم کا ایش تیش شیئوُ تَنائی مَزدا یتا وا اَهمی

اَشا وُهو مَنَنگها ترایُویی دیایی دریگوم یوشماکم

پَرِ واو ویسپائیش پَروِئُوخمِا دَئِوائیش چا خرَفس ترائیش مَشیائیش چا

چه فرمانروایی و نیروی فراگیری برای شماست ای مَزدا که ناتوانی را چون من ،که وابسته شما هستم، برای کِردارم، در پرتو اشا و وُهومن پشتیبانی می‌کنید. ما شما را برتر از همه می‌دانیم. برتر از همه دیوان (آن خدایان پنداری) که پلیدند و نیز مردمی که هوادار آنانند. (ساسانفر)

ای مزدا، آیا روزی خواهد آمد که همراه با راستی و اندیشه نیک، رهروان راه تو را آنگونه که باید یارو یاور شوم؟ و با کار و کوشش در راه تو به تو بپیوندم؟ من که تو را برتر از همه میدانم، از خدایان دروغین و مردمانی را که آنها به گمراهی کشانده‌اند دوری می‌جویم. (پردیس)

پروردگارا چه شگرف است نیروی تو! چقدر آرزو دارم ای خداوندِ خرد که با کردار نیک و خدمت به بشر و در پرتو راستی و منش پاک و دستگیری از وارستگان و بیچارگان بتو پیوندم. پروردگارا تو را برتر از همه می‌دانیم و مخالف خدایان دروغین و تباهکاران می‌شماریم. (آذرگشسب)

چه اندازه بزرگ است نیروی شما و چه اندازه عمیق است آرزوی من برای خدمت بشما ای مزدا تا که با شما یگانه شوم و هم‌چنین با اشا و با وهومن و از ارادتمندان شما نگهبانی کنم و بگویم که برتر و جدا هستید چه از دیواها و چه از مردم بدکار. (شوشتری)

ای مزدا! چه بزرگ است «شهریاریِ مینُویِ» تو! چه اندازه آرزومندم که به تو بپیوندم و در پرتو «اشه» و «منش نیک»، درویشانِ ترا پناه بخشم! شما را برتر از همه می‌خوانم و از دیوان و مردمان آزاردهنده، دوری می‌گزینم. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

چه شهریاری، چه توانگری شما در کردار، دارید ای مزدا، اینک که من بشما پیوستم، از اردیبهشت ای بهمن از برای پناه بخشیدن بدرویشانِ شما؟ جدا خواندیم خود را از همهٔ زیانکاران دیوها و مردمان. (پورداود)

ای مزدا، در کارهای خود با چه نیرو و توانایی طبق آیین راستی و، اندیشهٔ نیک، از تو پیروی کنیم و کسانی را که در راه حق ستم دیده‌اند، پناه بدهیم؟ ما در برابر تو، از همهٔ خدایان پنداری و مردمان گمراه بیزاری جسته‌ایم. (جعفری)

ای مزدا چه شگرف است نیروی تو و چه توانا است فرمانروایی تو بر جهان ـ ما همه آرزومندیم که به یاری نیروهای تو، یعنی وهومن و اشا، بتوانیم درماندگان و ناتوانان را از شر دشمنان دین و رهزنان راه تو در امان داریم. (شهزادی)

ای مزدا، اینک به تو پیوسته‌ام، یاران در کنارم و ما همه پویانِ آن راه اهورایی هستیم و راستی و نیک منشی را گزیده‌ایم. اکنون از دیگران که راه و روشی جز این دارند بر کنار مانده‌ایم. (رضی)

ای مزدا، چه بزرگ است شهریاری تو و توانایی تو. چه اندازه آرزومندم که کار در راه تو کنم و به تو بپیوندم، و با راستی و اندیشهٔ نیک، وارستگان ترا یار و یاور باشم. ترا برتر از همه می‌دانم، و از خدایان دروغین و مردمان گمراه بیزاری می‌جویم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۶

بِزی اَتا سَتا هئی تیم مزدا اَشا وُهو مَنَنگها

اَت تَت مُویی دَخش تِم داتا اَهیا اَنگِهُوش ویسپا مَئِتا

یتا واو یزِمنَسچا اورواییدیاو سُتَوَس اینی پئیتی

چون در پرتو راستی و اندیشهٔ نیک ای مَزدا به راستی همان هستید (که می‌شناسم) پس با همه دگرگونی در این جهان هستی راه راست را (به‌سوی رستگاری) به من نشان بدهید و آشکار کنید تا به همان سان، ستاینده شما باشم، شادی‌کنان و پرستش‌کنان به سوی شما آیم. (ساسانفر)

ای مزدا، ای راستی و ای اندیشه نیک اگر من شما را آنگونه که هستید دریافته‌ام، پس مرا در فرازو نشیب های زندگی راه بنمائید، تا با آوای بلند، ستایش کنان و نیایش کنان به سوی شما آیم. (پردیس)

ای خُداوند خِرد، ای مظهر راستی و روشندلی، چون براستی تو را چنین «برتر و بالاتر از همه» شناختم پس آرزومندم در سراسر دوران زندگی مرا راهنمائی کنید تا با صمیم قلب و ایمان کامل تو را ستایش و نیایش کرده و بسویت باز گردم. (آذرگشسب)

از آنجائیکه شما ای مزدا و اشا و وهومن راست (حقیقت) هستید بمن راهنمایی کنید در همه تحولات این زیست تنی چنانکه این پرستنده و ستاینده شما از بند زنجیری روان آزاد گردم. (شوشتری)

ای مزدا! ای اشه! ای منش نیک! چون شما براستی چنین هستید، پس مرا در همهٔ دگرگونی‌های زندگی این جهانی، چنان رهنمون کنید که با ستایش و نیایشی از ژرفای دل، به سوی شما آیم. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

چون براستی شما چنین هستید، ای مزدا، ای اردیبهشت، ای بهمن، این بمن نشان خواهد داد: یکسره برگشتن (چیزها) در همین جهان، آنچنان که من شادمانتر پرستش‌کنان بسوی شما آیم. (پورداود)

ای دانا، ای راستی و ای منش نیک اگر براستی چنان هستی که دریافته‌ام، مرا در همهٔ دگرگونی‌های زندگانی، راه بنما تا با آوای بلند، نیایش و ستایش کنان، به سوی تو باز آیم. (جعفری)

چون تو ای مزدا سرچشمه راستی و همهٔ نیروها هستی، ما را رهبری فرمان تا در پرتو نیروهایت دوران زندگی خاکی را چنان که بایسته است بگذرانیم و در پایان با روانی پاک به سویت باز گردیم. (شهزادی)

پس دستِ یاری را به سوی‌مان بِگردان و بگذار تا ارزش این راه بهی راستی و نیک منشی آشکار شود. در این جهان از کامیابی و بهزیستی سرشارمان ساز و ما هم چنان روان در این راه نیک، ستایشگرانه به سوی تو می‌آییم. (رضی)

ای مزدا و ای راستی، و ای اندیشهٔ نیک، چون شما چنان هستید که من بدرستی دریافته‌ام، پس در سراسر فراگشت‌های زندگی، مرا راه بنمایید. تا با ستایش و نیایشی از دل، به سوی شما باز آیم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۷

کوترا تُویی اَرِدرا مزدا　　　یوئی وَنگهِئوش وَ اِ دِمنا مَنَنگهُو

سِنگ هوش رَ اِ خِناو اَسپِن چیت　　ساد راچیت چَخ رَیوُ اوش اورو

نَئِچیم تِم اَن یم یوشمَت　　　وَ اِدا اَشا اَتا ناو ترازدوم

کجا هستید ای مَزدا آن باورمندان راستین که با سرمایه نیک‌اندیشی، دستورهای زیان‌بخش را و آنچه مرده ریگ گزندآور آنهاست با شیوه‌های هوشمندانه دگرگون و ناپدید می‌کنند. هیچ کس جز شما را نمی‌شناسم که ما را در پرتو اشا بدینسان پشتیبانی کند. (ساسانفر)

ای مزدا، کجایند آن دلدادگان پابرجای تو، آنانی که با اندیشه نیک، از آئین گرانبهای تو آگاهند، و آنرا، چه در رنج و چه در خوشی با هوشمندی بکار میگیرند؟ ای اهورامزدا، تو تنها آشنای منی، پس، در پرتو راستی مرا یار و یاور باش. (پردیس)

ای مزدا، کجایند ستایشگران با وفائی که در پرتو منش پاک و آگاهی از آموزش‌های پُرارج آئین هنگام بدبختی و سختی از تو روی برتابند و با هوش و درایت آن آموزش‌ها را بکار بندند و در گُسترش پیک مقّدس تو بکوشند. پروردگارا کسی دیگر را جُز تو نمی‌شناسم و خواستارم ما را در پرتو راستی یاور و پناه باشی. (آذرگشسب)

ای مزدا! کجا هستند گرویدگانیکه وهومن را دانسته به این آموزش که میراث حقیقی ما هست در نبودن بخت و پریشانی هوش را آزاد ساخته‌اند از آنان جز شما توسط اشا دیگری را نمی‌شناسم بنابر این ما را پناه دهید. (شوشتری)

ای مزدا! کجایند آن رادمردانی که آموزش‌های ارجمند ترا با «منش نیک» دریافته‌اند و با همهٔ سختی و آزار[ی که می‌کشند]، هوشیارانه آنها را

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بکار می‌برند؟ من جز تو کسی را نمی‌شناسم. پس در پرتو «اشه»، ما را پناه بخش. (دوستخواه)

کدامند رادمردان تو، ای مزدا، آنانی که شناخته شده بمنش نیک، از آموزش خویش بآزردگی و رنج از روی هوش بهره‌ها سازند؟ جز از شما دیگران را نشناسم، ای راستی (اشا) پس اینچنین ما را پناه دهید. (پورداود)

کجایند دلدادگانی، ای مزدا که از منش نیک آگاهند و آیین گرانبها را، چه در فراخی و چه در تنگی، با دانش گسترده‌ی خود انجام می‌دهند؟ من جز تو کسی را نمی‌شناسم پس ما را در پرتو راستی پناه بده. (جعفری)

هر ستایش‌گر واقعی که معتقد به مهر و بخشایش اهورامزدا و سودمندی آموزش‌های دین او باشد، باید چه درگاه خوشبختی یا هنگام بدبختی با ایمانی استوار پا بر جا ماند و به گسترش پیام مقدس بکوشد و یقین بداند که او پیوسته پشت و پناه همهٔ ماست و پیروان راه خود را از پرتو مهر و نیروهای خود نگه می‌دارد. (شهزادی)

ای مزدا آن کسانی که به آموزش آیین پرداخته‌اند و راه بهی را به مردمان می‌آموزند، از سوی دشمنان رنج و آزار می‌یابند و آیا جز ذاتِ خداییت پناهی دارند؟ باشد که از یاری و نیرویت ای مزدا، ما همه بهره‌مند باشیم، چون زیاده بِدان نیازمندیم تا پشت قوی داریم. (رضی)

ای مزدا، کجایند آن دلدادگان تو؟ که با اندیشهٔ نیک، از آموزش‌های پرارج تو آگاهند، و آنها را، چه در رنج و چه در خوشی، با هوشمندی به کار می‌بندند. من کسی را جز تو نمی‌شناسم، پس، در پرتو راستی مرا پشت و پناه باش. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۸

تائیش زی ناو شیئُوتَنائیش بی‌ینتِ
یَئشو اَس پَئیری پُئوروبیوُ ایت یجُو
هیَت اَس اَئوُچا نائیدیاُونگ هِم توهُیا مزدا آنستا اورواتَهیا
یُویی نوئیت اَشِم مَئینی‌ینتا اَ اِئیبیوُ دوای رِه وُهو اَس مَنُو

پیروان دین دروغ بی‌گمان ما را با کارهایی که در میان بسیاری موجب آسیب و ویرانی می‌باشد می‌ترسانند. آنچنانکه مرد زورمندی برای دشمنی با تو ای مزدا، ناتوانی را بترساند. اینها به اشا و راستی نمی‌اندیشند و اندیشه نیک از آنها به دور می‌باشد. (ساسانفر)

ای مزدا، فریبکارانی که با ستمشان ما را می‌آزارند، خوب میدانند که آسیب پزیر ند. زیرا آنها چیزی، جز تباهی و ویرانی، برای مردم ندارند. از این روست که، از اندیشه نیک می‌گریزند، وبا آئین تو دشمنی می‌ورزند. (پردیس)

براستی دروغ پرستان با کردار زشت خویش ما را هراسان سازند، چونکه آنان تباهی و ویرانی بر مردم آورند و نیرومندانشان بر ناتوانان ستم روا دارند ـ ای خداوند خِرد آنان بآئین مقدس تو «یعنی قانون اَشا» توجهی نکرده و همیشه از راستی رو گردانند و منشِ پاک از آنها گریزان است. (آذرگشسب)

آیا از این فعالیت ما آنان بیم دارند. میان آنانکه خطر برای بسیاری هست در آنچه توانا به ناتوان ستم دیده می‌باشد آنانکه از آئین تو ای مزدا سرتابی کرده و به اشاره اشا توجه نمی‌کنند از چنان کسان (البته) وهومن دور می‌ماند. (شوشتری)

ای مزدا! براستی آنان با این کردارها، ما را می‌هراسانند؛ چرا که نیرومندانشان برای ناتوانان، تباهی و ویرانی می‌آورند و با فرمان تو دشمنی

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

می‌ورزند. آنان هیچ گاه به «اشه» نمی‌اندیشند و از «منش نیک» روی می‌گردانند. (دوستخواه)

چه از این کردارها آنان ما را بیم دهند که در آنها بسیار گزند است ـ چونکه او تواناست (من) ناتوان را ـ از دشمنی بآیین تو، ای مزدا کسانی که براستی نیندیشند از آنان جایگاه نیک دور خواهد بود. (پورداود)

بیگمان هستند کسانی که از این کارهای ما چنان می‌ترسند که ناتوانی از توانایی بترسد، زیرا کارهای ما برای آنان بسی خطرناک است. ای خدای دانا، کسانی به آیین تو دشمنی می‌ورزند که به راستی نمی‌اندیشند و از منش نیک دوری می‌جویند. (جعفری)

آنان که دچار شک و تردیدند، از کارها و کوشش‌های ما هراسان و نگران هستند، چه ما با پشتیبانی مزدا آمادهٔ رو به رو شدن با هر سختی و خطری هستیم و می‌دانیم که پروردگار یکتا با بداندیشان و بدگفتاران و بدکرداران مخالف و از آنان رو گردان است. (شهزادی)

آنان نیرومندند و با اعمال‌شان ما را به بیم و هراس می‌افکنند؛ و چون شریرند در زشتی پایداری می‌کنند، اما آنانی که این چنین باشند، بی‌گمان ناکام خواهند ماند. (رضی)

ای مزدا، براستی، دُروندان، با کردارهای خود ما را هراسان می‌دارند، زیرا آنان، برای مردم تباهی و ویرانی می‌آورند، توانمندان‌شان به ناتوانان ستم می‌کنند، با آیین تو دشمنی می‌ورزند، هیچگاه به راستی نمی‌اندیشند، و از اندیشهٔ نیک می‌گریزند و روی می‌گردانند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۹

یُویی سپِنتانِم آرمَئییم توهَیا مَزدا بِرِخزام ویدوشُو
دوش شیوتُنا اَوَزَزَت وَنگهِئوش اِویستی مَنَنگهُو
اَ اِئی بیُو مَش اَشا سیزدَت یَوَت اَهمات اَئورونا خرَفسترا

ای مَزدا آنها که آرمَئیتی (پرهیزگاری) را که نزد پیروان دانای تو ارزشمند است با کردار پلید خود و دوری از اندیشهٔ نیک از دست می‌دهند، از اشا و راستی آن چنان دوری می‌جویند که جانوران وحشی از ما. (ساسانفر)

ای مزدا، کسانی که با بدکرداری و با دوری از اندیشه نیک، آرامش نیرو زا را از دست میدهند از راستی به همان اندازه دور هستند که گمراهان بی خرد از ما. (پردیس)

ای مزدا کسانی که با زشت کرداری و بی‌خبری از منشِ پاک فروزگان سپنتا آرمئی‌تی را که نزد بخردان گرامی است خوار شُمرند از آنان راستی دور خواهد ماند چنانکه تبهکاران با تمایلات پلید شیطانی خویش از ما دوری جویند. (آذرگشسب)

او که بدکار است از ارمایتی پاک که نزد پارسای دانشمند گرامی است به بی‌اعتنائی و سرتابی می‌گذرد (از این است) که از وهومن نادان است و از چنین نادان ارمایتی نیز با اشا دوری می‌جویند چنانکه بدان بی‌فرهنگ از ما دور می‌شوند. (شوشتری)

ای مزدا؛ آنان با بد کرداری و ناآگاهی از «منش نیک»، «سپندارمذ» ترا ـ که نزد دانایان بزرگوار است ـ کوچک می‌شمارند. آنان از «اشه» چنان دور خواهند ماند که تباهکاران نافرهیخته از ما. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کسانی که سپندارمذ نزد دانندهٔ تو ارجمند را، ای مزدا، آن بد کرداران، فرو گذار باشند از نیافتن منش نیک: از آنان راستی بسی دور ماند تا چند که از ما جانوران بیابانی. (پورداود)

کسانی، ای خدای دانا که آرامش افزاینده ترا که هر فرزانه‌یی به آن ارج می‌گذارد با کارهای بد خود و از روی ناآگاهی از منش نیک، از دست می‌دهند، از راستی به همان اندازه دور هستند که گمراهان بی‌فرهنگ از ما. (جعفری)

آنان که به راه زشت‌کاری و بدگویی گام می‌نهند، در زمرهٔ بی‌خبرانند و راستی از آنان دور خواهد ماند. چه آنان خود را از فروغ دانش دور کرده‌اند و در نتیجه خوشبختی نیز از آنان دور خواهد ماند. (شهزادی)

آنانی که ای مزدا، این زمین را خوار می‌دارند که برای تو و آن پیروانِ آیین بسی گرامی است، از گروه زیانکاران‌اند. (رضی)

ای مزدا، کسانی که با کردارهای زشت خود و با ناآگاهی از اندیشهٔ نیک، پارسایی را که نزد دانایان گرامی است از دست می‌نهند، به همانگونه که تباهکاران بی‌فرهنگ از ما روی برمی‌تابند، از راستی دوری می‌جویند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۱۰

اَهیا وَنگهُئوش مَنَنگهُو شیوُتَنا وَئوچَت گِربانم هوُخرتَوش
سَپنتانم چا آرمَئی تیم دان میم ویدواو هیتانم اَشیهیا
تاچا ویسپا اَهورا تُوَهمی مَزدا خشتَرویی آ وُیترا

مرد خردمند اندرز می‌دهد کرداری را که بر پایهٔ وُهومن و نیک‌اندیشی است باید به دست آورد. دانا می‌گوید باید آرمئیتی، پارسایی و پرهیزگاری را که سازنده و آفریننده و همکار اشاست از آنِ خود کرد. آنها همه ای اهورامَزدا ابزار پشتیبانی و پناه شهریاری تو هستند. (ساسانفر)

خردمند می‌گوید، هرکاری را بر پایه اندیشه نیک کنید، و آئین راستی را که بنیاد آرامش است نگهدار باشید و بدانید که، در جائی که پرتو اهورامزدا میدرخشد، خرد هم خود را نمایان خواهد نمود. (پردیس)

مرد خردمند با آگاهی از اینکه عشق و ایمان بخدا سرچشمه واقعی راستی است، گُمراهان و زشت‌کاران را به پرورش منش پاک و انجام کار نیک و مهرورزی بدیگران اندرز خواهد داد و سرانجام ای خداوند جان و خِرد همه زشت‌کرداران با آگاهی از حقیقت بسوی تو خواهند آمد. (آذرگشسب)

پارسای دانا به چنین (مخالفین) عمل وهومن (که مهر است) می‌آموزد که برگرفته شود و نیز (می‌آموزد) که سپنتا ارمایتی جاوید موجود و ریشه اشاست و آنان (مخالفین) همه در زیر نیروی تو ای مزدا این حقیقت را دانسته خواهند آمد. (شوشتری)

خردمند آنان را اندرز داد که با «منش نیک» کار کنند و آگاه باشند که «سپندارمذ»، سرچشمهٔ راستین «اشه» است. ای مزدا اهوره! آنان اگر این [آموزش تو] را دریابند، همه به «شهریاریِ مینُوی» تو [راه خواهند یافت].
(دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بدریافتن این کردار منش نیک اندرز داد خردمند و به سپندارمذ کار ساز (آن) یارِ راستی (اندرز داد) دانا و بهمه امیدهای کشور (مینوی) تو، ای اهورامزدا. (پورداود)

مرد بخرد می‌گوید: باید کارهای منش نیک را نگاه داشت. همچنین آرامش افزاینده را چون آن بنیاد حقیقی راستی است ای خداوند جان و خرد، همۀ این کارها در شهریاری تو پدید می‌آید. (جعفری)

ولی فرد دانا و خردمند با آگاهی از دانش خدایی چون هستۀ مرکزی حقیقت و راستی باید تبهکاران و نادانان را به پیروی از نیک اندیشی و نیک گفتاری و نیک کرداری وادارند و بی‌گمان آنان پس از شناخت راه راست و درست همه به سوی خدا روی خواهند آورد. (شهزادی)

خردمند گوید: کار بر اندیشۀ نیک کنید، پارسایی را که بنیاد راستی است نگاهدار باشید، و بدانید که همۀ اینها، در شهریاری مزدا اهورا پدیدار خواهد شد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۱۱

اَت تُویی او بِه هَئوروواس چا خُورِتایی آ اَمِرت تاوش چا
وَنگهِئوش خشتَرا مَنَنگهُو اَشا مَت آرمَئی تیش وَخشت
اوتَه یو ای تی تِویشی تائیش آ مَزدا ویدوَ اِشانم تویی اَهی

همانا که دو فروزه رسایی و جاودانگی نمایانگر شکوه و مایهٔ بزرگی تو هستند با نیروی منش نیک و به همراهی راستی و پارسایی، پایداری و توان آنها را افزون ساز. ای مَزدا با این فروزه‌هاست که میتوان دشمن را شکست داد. (ساسانفر)

ای مزدا، دو فروزه رسائی و جاودانگی که تو به مردمان ارمغان کرده ای رهروان تو را به روشنائی خواهند رسانید. و در این راه، اندیشه نیک و راستی و آرامش آنها را پایدار و استوار خواهند نمود و نیروی خودچیرگی به آنها توانائی خواهد داد. با چنین نیروهائی که از تو بر می‌خیزند ، ما بر دشمنان چیره خواهیم شد. (پردیس)

پروردگارا دو بخشش، رسائی و جاودانی مردم را بفروغِ معنوی و روشن درونی خواهد رسانید. در پرتو نیروی اراده، منشِ پاک، راستی و پاکی، عشق و ایمان بخدا، زندگانی پایدار و نیروی معنوی افزایش خواهد یافت. ای خداوندِ خرد در پرتو این فروزگان بر دشمنان فیروزی توان یافت. (آذرگشسب)

و این هر دو چه خرداد و امرداد که از تو هستند، سوی روشنایی رهنما می‌شوند و از خشتر و وهومن و ارمایتی با اشا فزونی زیست نو و توانایی روان است و با اینها ای مزدا بر دشمنان پیروز هستی. (شوشتری)

اینک «رسایی» و «جاودانگی» ـ دهش‌های دو گانهٔ تو ـ به روشنایی راه می‌نمایند و «اشه» و «منش نیک» و «آرمیتی»، زندگانی دیر پای [ارزانی می‌دارند] و «شهریاریِ مینُوی» را می‌افزایند. ای مزدا! تو با اینها، ستیهندگان با دشمنانت را پیروزی می‌بخشی. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و رسائی و جاودانی دو گانه تو، چون خورش (مینوی) بکار روند کشورهای بهمن با اردیبهشت (و) سپندارمذ استواری و نیرو برافرازند. اینچنین، ای مزدا، تو پیروز سازی هماورد بد خواهت را. (پورداود)

اینک هر دو رسایی و جاودانی به روشنایی تو راه می‌نمایند. آرمش با راستی و در شهریاری منش نیک تندرستی و توانایی می‌بخشد. با اینها است، ای دانا که بر دشمنان پیروز می‌شویم. (جعفری)

ـ پروردگارا ـ ما را از بخشش خرداد (رسایی و کمال مادی و معنوی) و امرداد (جاودانگی و نیک نامی) که از راه وهومن و اشا و خشترا [نیک اندیشی و پرهیزکاری و تسلط بر نفس) به دست می‌آید، بهره‌مند ساز تا در پرتو این فروزگان به آرزوهای نیک خود برسیم. (شهزادی)

ای مزدا، اینک دو بخشش: رسایی و جاودانگی تو، به روشنایی راه می‌نماید. و اندیشهٔ نیک و راستی و پارسایی، استواری و توانایی مینویی را می‌افزاید. و با اینهاست که چیرگی بر دشمنان به دست می‌آید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۱۲

کت تُویی رازَرِ کت وَشی　　کت وا ستوتُو کت وا یسنَهیا
سروییدیایی مَزدا فراوَئُوچا　　یا ویدایات اَشیش راشنانم
سی شا ناو اَشا پَتوُ　　وَنگهِئوش خواَتِنگ مَنَنگهُو

چیست رهنمود تو ای مزدا؟ فرا گوی مرا، آیا خواست تو، ستایش و نیایش است؟ برای آنکه دستورهایت را گوش کنیم و فرمان بریم؟ سهم ما را ای مَزدا از پاداشی که برای پیروی از فرمان‌های توست ارزانی بدار، ما را راهنمایی کن که در پرتو اشا (و راستی) راهی را که به‌سوی وُهومن (و اندیشه نیک) است به آسانی بپیماییم. (ساسانفر)

ای مزدا، خواست تو چیست؟ و کدام است ستایش و نیایشی که بایسته توست؟ به ما بگو، تا پاداش دستورهای تو را دریابیم و در پرتو راستی، خودشناسی و نیک منشی را بیاموزیم. (پردیس)

پروردگارا کُدامست آئین پیشرفت و چیست ارادهٔ تو؟ چه نیایش و پرستشی سزاوار توست؟ ای خداوند خِرد آن را آشکار بما بنمای تابا پیروی از دستورات تو از پاداشی نوید داده شده است بهره‌مند گردیم. پروردگارا در پرتو راستی راه پاک منشی و خودشناسی را بما بیاموز. (آذرگشسب)

دستور تو چیست و اراده تو درباره ستایش و پرستش چه هست تا شنیده‌ای مزدا عمل کنیم. بما برگو برای اینکه برنامه ما بشود که چه بهره سعادت در پاداش خواهیم داشت و ما را به راه اشا توسط وهومن به راهی که از خودشناسی است راهنمایی کن. (شوشتری)

ای مزدا! دادِ تو چیست؟ خواستار چیستی؟ کدامین ستایش و کدامین نیایش را [سزاوار می‌شناسی]؟ فراگوی تا [مردمان] بشنوند و پاداش [پیروی از] آموزش‌های ترا دریابند. در پرتو «اشه» به ما بیاموز که راه هموارِ «منش نیک» چگونه است... (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

چیست آیین تو؟ چه خواستاری؟ چه ستایش؟ کدام پرستش؟ فرا گوئی، ای مزدا، تا اینکه بشنوند آن پاداشی که اشی پخش خواهد کرد بیاموز ما را از آن راه خوشگذرِ منش نیک. (پورداود)

ای خداوند خرد، دستور تو چیست و خواست تو چه؟ دربارۀ ستایش تو چه و درباره نیایش تو چه؟ فرا گو تا بشنویم و پاداش آیین داران داده شود. از پرتو راستی، ما را راههایی بنما که به آزادگی منش نیک می‌رسند. (جعفری)

کدام است آیین تور چیست آرزوی تو ای اهورامزدا؟ چه ستایشی سزاوار توست! آن را آشکارا به من بنما تا از برکات انجام آن برخوردار شویم. پروردگارا به ما بیاموز که چگونه در پرتو راستی رهسپار راه تو باشیم. (شهزادی)

ای اهورا کدام است آن آیین سرمدی که مردمان بایستی بِدان بگروند؟ آن چه را که بایسته است پویش و گروش، برای ما آشکار ساز و بیاموزِمان آن شایسته‌ترین راه کامیاریِ ایزدی را. (رضی)

ای مزدا، کدام است آیین تو؟ و چیست خواست توو ستایش تو و نیایش بایستۀ تو؟ فرا گوی و به بنمای، تا پاداش دستورهای ترا دریابیم، و در پرتو راستی، راه خودشناسی و نیک منشی را بشناسیم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۱۳

تِم اَدوانِم اَهورا یِم مُویی مرئُوش وَنگهِئوش مَنَنگهُو
دَئِناو سَئُوشینتانم یا هوکرِتا اَشاچیت اورواخشَت
هیَت چی ویشتا هوداوبیُو میژدِم مَزدا یِهیا تو دَترِم

آن راه را ای اهورا که به من گفتی (نشان دادی) که راه نیک‌اندیشی است. آموزش‌های نجات‌دهندگان (سوشیانت‌ها) است که باید به وسیله کارهای نیک در پرتو اشا دنبال شود. پاداشی را که برای نیکوکاران نوید داده‌ای همانست. ای مزدا، تو تنها بخشنده و سرچشمه آن هستی. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، این راهی که تو به من نمایان کردی همان راه اندیشه نیک وآموزش سوشیان های رهائی بخش است. و آن چنین است که، هر کرداری که بر نیکی استوار می‌باشد، در پرتو راستی به خوشبختی می‌انجامد. این پاداش را تو به خرد پیشگان ارمغان میکنی. (پردیس)

ای خُدای هستی‌بخش راهی را که بمن نشان دادی راهِ نیک منشی است،؟ راهی که بر مبنای آموزش سوشیانت‌ها «سود رسانندگان و نجات دهندگان» قرار گرفته است. آموزشی که توصیه می‌کند هر کار نیکی که بمنظور انجام کار و در پرتو راستی انجام شود شادمانی ببار خواهد آورد، آموزشی که انسان را به خِرد و دانش واقعی رهبری می‌کند و پاداش آن رسیدن بتوست ای خداوند خِرد. (آذرگشسب)

آن راهیکه ای اهورا! بمن نشان داده‌ای (راهی) از وهومن و دین نجات دهندگان است و کار نیک است (الهام شده) و طرح شده از اشا و برای روشن بینان به پاداشی که هدف آن به پیوستگی مزدا می‌باشد رهنماست. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! ... آن راه «منش نیک» که به من نمودی، همان راه آموزش رهانندگان است که [تنها] کردار نیک در پرتو «اشه» مایهٔ شادی خواهد شد.؛ [راهی که] نیک آگاهان را بر نهادی. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آن راه منش نیک، ای اهورا، که بمن گفتی، آن (راه) خوب ساخته شدهٔ راستی که دینهای (= روانهای) سوشیانت‌ها از آن خواهند خرامید بسوی مزدی که بنیک اندیشان پیمان داده شده (مَزدی) که بخشایش تست، ای مزدا. (پورداود)

خدایا، این همان راه منش نیک است که مرا نشان دادی و آن دین سود رسانان برجسته است و آن این است که کردار نیک تنها از راه راستی به خرسندی می‌انجامد و این برای روشن بینان مزدی است ای دانا، که بخشایندهٔ آن تو می‌باشی. (جعفری)

ای اهورا می‌دانم راه پاک منشی که به من نمودی راهی است که بر پایهٔ آموزش‌های هوشیاران و خردمندان استوار است و آن آموزش‌ها می‌گوید هر کار نیکی که تنها به خاطر نیکی و راستی انجام پذیرد، سزاوار پیروی است و نتیجهٔ آن همانا رسیدن به توست ای مزدا. (شهزادی)

پس به نیروی خرد، از روی راستی دریافتم که آن راه کدام است، راهی است از فروغ خوب هموار شده که گُذَرندگان از آن، از گروه رستگاران به شماراند. (رضی)

ای مزدا اهورا، این راهی که به من نمودی، راه اندیشهٔ نیک و دستور و آموزش سوشیانسهاست؛ و آن چنین است که تنها کردار نیک در پرتو راستی به شادمانی می‌انجامد؛ آن پاداشی که تو به دانایان می‌بخشی. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۱۴

تَت زی مَزدا وَئیریم — اَستوَئیتِ اوشتانایی داتا
وَنگَهئوش شیی ُئوتَنا مَنَنگهُو — یُویی زی گِئوش وِرزِنِ اَزیاو
شماکانم هوچیس تیم اهورا — خرَتِئوش اَشا فرادوُ وِرِزِنا

آن پاداش پسندیده و دلخواه برای بهبود جان و تن ای مَزدا به کسانی ارزانی می‌شود که با کردارشان بر پایهٔ نیک‌اندیشی، در میان مردم، جهان را شکوفا و بارور می‌سازند، آنها که با شناخت خواست و خرد تو در پرتو اشا به پیشرفت مردم و ساکنین کشورکمک می‌کنند. (ساسانفر)

ای اهورا، بیگمان، کسانی از پاداش تو بهره مند میشوند که در این زندگی، با اندیشه نیک و از روی خرد در آبادانی و پیشرفت و شکوفائی زمین بارور بکوشند و در پرتو راستی، آئین نیک تو را گسترش دهند. (پردیس)

ای خداوندِ خرد، کسانی از آن پاداش گران‌بها که نوید داده شده بهره‌مند خواهد گردید که کار را از روی خِرد و منش پاک انجام دهند، برای پیشرفت و آبادانی جهان کوشش نمایند، خواست خداوند هستی‌بخش را برآورده سازند و در پرتو راستی و پاکی در پیشرفت اراده الهی کوشا باشند. (آذرگشسب)

آن پاداش گران‌بها ای مزدا! یقیناً به تن و جان آنان داده خواهد شد که کارشان (الهام شده) از وهومن است و آنها هستند که مادر گیتی بارور را خدمت می‌کنند و نیز اراده (اندیشه) شما را و توسط همکاری با اراده شما اَشا را افزون می‌کنند. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! بی‌گمان این [پاداش آرمانی] را به تن و جان کسانی ارزانی می‌داری که با «منش نیک» کار می‌کنند و در پرتو «اشه»، آموزش خردِ نیک ترا بدرستی به پیش می‌برند و خواست ترا برمی‌آورند و برای پیشرفت جهان می‌کوشند. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آری، ای مزدا، این (مزد) آرزو شده را ار کنش منش نیک در زندگی جهانی بآنانی ارزانی خواهید داشت که همسایۀ چارپای باروراند چه آن در آیین نیک شماست، ای اهورا، آن (آیین) بخردی که از راستی به برزیگران گشایش دهنده (است). (پورداود)

مزدا، بیگمان آن مزد به کسانی داده می‌شود که در زندگانی مادی برگزیدۀ خود با منش نیک به این جهان بارور خدمت می‌کنند. و در پرتو راستی، آیین نیک خرد تو را در اجتماع پیش می‌برند. (جعفری)

پاداش گران‌بهای مزدا از آن کسانی است که در کالبد جسمانی و جهان مادی با منش پاک به کار و کوشش پردازد و در آبادانی و پیشرفت جهان بکوشد و به این وسیله خواست پروردگار را برآورده سازد. (شهزادی)

این است آن راه برگزیدۀ پارسایان و این پارسایان را ای مزدا از زندگیِ رامِ به کام، سرشار ساز تا از کاروَرزی و کوشش‌شان در این جهان بهره‌ها یابند و این است همان که در آیین پیمان شده است. (رضی)

ای اهورا، بی‌گمان تن و جان کسانی از آن پاداشِ نوید داده شده برخوردار می‌گردد که کار با اندیشۀ نیک کنند، در آبادانی و پیشرفت جهان بکوشند، و در پرتو راستی آیین خرد نیک ترا پیش برند و خواست ترا برآورده سازند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۳۴ ، بند ۱۵

مَزدا اَت مویی وَهیشتا　　سرَواوس‌چا شیئوتَناچا وَئوچا
تا توُ وُهو مَنَنگها　　اَشاچا ایشودِم ستوتُو
خشماکا خشتَرا اَهورا　　فِرَشِم وَستا هَئیتی‌یم داو اَهوم

ای مَزدا اکنون به من بهترین گفتار و کردار را که با منش نیک و راستی هماهنگ باشند آموزش بده و ستایش مرا بپذیر. ای اهورا با نیروی خود جهان ما را درمان کن و آرزوی ما را جامه عمل بپوشان. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، به یاری اندیشه نیک و راستی، تو را سرانجام خواهم شناخت و زیباترین گفتار و بهترین کردار را از تو خواهم آموخت، و در این راستا، با بهره گیری از خرد و در پرتو راستی، دیدگاه خود را به زندگی تازه و نو خواهم نمود. (پردیس)

ای خداوند خِرد مرا از بهترین گُفتار و کردار بیاگاهان تا در پرتو این آموزش با اندیشه‌ای روشن و قلبی پاک ستایشت را بجای آورم. ای هستی‌بخش بزرگ با نیروی خویش چنان ساز که از یک زندگی نوین و سرشار از راستی بهره‌مند گردم. (آذرگشسب)

بنابر این ای مزدا! بهترین شنیدن و گفتن و کردن را بیاموز تا اینها توسط وهومن و اشا و ارمان ستایش مرا پدید سازند و بوسیله خشتر تو مرا زیست نو بخش و جان تازه مرا چنانچه اراده تو هست راست و پاک نما. (شوشتری)

ای مزدا! مرا از بهترین گفتارها و کردارها بیاگاهان تا براستی در پرتو «اشه» با «منش نیک» و به آزادکامی ترا بستایم. ای اهوره! با «شهریاریِ مینُویِ» خویش و به خواست خود، زندگانی نو و سرشار از «اَشَه» را به ما ارزانی دار. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا، مرا از بهترین گفتارها و کردارها بیاگاهان شما، ای بهمن و ای اردیبهشت از آن ستایشی که وام (یندگان است) از توانائی‌تان،! ای اهورا، آشکار ساز که زندگی بخواست‌تان خرم گردد. (پورداود)

ای خداوند خرد، در برابر نیایش‌هایی که با آنها ترا می‌ستایم ما را با منش نیک، اندیشهٔ روشن و آیین راستی بهترین گفتار و کردار را بیاموز و از راه شهریاری خود جهان را آنچنانکه می‌خواهی براستی تازگی بخش. (جعفری)

اهورامزدا در آیین خود ما را بهترین گفتار و کردار آگاه فرموده و برترین راه ستایش را به ما آموخته است. باشد تا با پیروی از علم و عمل یا گفتار و کردار نیک به یاری اهورا از یک زندگانی کامل که سرشار از راستی و درستی باشد برخوردار گردیم. (شهزادی)

اینک ای مزدا، من ـ زرتشت، ـ خواستارم تا از نیکوترین اندیشه و گفتار و کردار سرشار شوم؛ مرا بیاگاهان از شایسته‌ترین راه‌هایِ ستایش آمیزِ زندگانی؛ و ای مزدا چنان ساز تا ما همه در خورِ پرتوِ آن ذاتِ والای خدایی شویم. (رضی)

ای مزدا اهورا، بهترین گفتارها و کردارها را به من بیاموز تا با اندیشهٔ نیک و با پاکی و راستی، ترا بشناسم، و با شهریاری و با خواست خود، و در پرتو راستی، زندگی را برای من تازه گردان. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اشتودگاتا (۴۶ – ۴۳)

هات چهل و سوم

هات ۴۳ ، بند۱

اوشتا اَهمایی یَهمایی اوشتا کهمایی چیت
وَسِ خَشیانس مزداو دایات اهورُ
اوتَ یوییتی تِویشیم گَت تُویی وَسِمی
اَشِم دِرایِدیایی تَت مُویی داو آرمَئیته
رایو اَشیش وَنگهِئوش گَئِم مَنَنگهُو

هر کس که آرزویی دارد بشود که اهورامزدا، او که به هر چه می‌خواهد فرمان می‌راند آن آرزو را برآورد. من (زرتشت) به دست آوردن سَرزندگی و توانایی را خواستارم. ای آرمَئیتی آنرا به من ارزانی دار تا اشا را پاسداری کنم و در پرتو اندیشه نیک (وُهومن) پاداش زندگی و توانگری را به دست آورم. (ساسانفر)

اهورامزدای توانا آئین هستی را چنین بر نهاده که خوشبختی از آن کسی است که به دیگران خوشبختی بخشد. پس ای راستی، برای گسترش این آئین جاودان به من نیروی تن و روان ده تا در پرتو آرامش، یک زندگی خوشبخت را پی ریزی کنم. (پردیس)

مزدا اهورائی که فرمانروای مطلق است چنین مقرر فرموده: خوشبختی از آن کسی است که دیگران را خوشبخت سازد. پروردگارا برای استوار ماندن بآئین راستی از تو نیروی تن روان را خواستارم. ای آرمئی‌تی، ای مظهر ایمان و محبت، آن پرتو ایزدی که پاداش زندگانی سراسر نیک منشی است بمن ارزانی دار. (آذرگشسب)

اهورمزدا خدواند با اراده، روشنائی می‌بخشد باو که روشنائی می‌دهد به دیگری (از خود) برای پیشرفت در زندگی نو و توانائی روانی و نگهداشتن آئین اشا. ای آرمایتی! می‌خواهم سعادت پرتو ایزدی و زیست وهومنی ـ بخشش کن. (شوشتری)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

«مزدا اهوره»یِ به همه کار توانا چنین بر نهاده است: بهروزی از آن کسی است که دیگران را به بهروزی برساند. نیرو و پایداری را براستی از تو خواستارم. ای آرمیتی! برای نگاهبانی از «اشه»، فر و شکوهی را که پاداش زندگی در پرتو «منش نیک» است، به من ارزانی دار. (دوستخواه)

بکام دل خواستارم از برای هر یک، آنچه را که او خواستار است، که مزدا اهورای کام فرما بدو ارزانی دارد، بنیروی پایدار رسیدن و راستی داشتن این را بمن ببخشای، ای سپندارمذ ـ شکوه پاداش (و) زندگی منش نیک. (پورداود)

خدای دانا و همه توانا خرسندی به کسی ارزانی می‌دارد که به هر کس، خواه هر چه باشد، خرسندی می‌بخشد. من برای پیشرفت آیین راستی خواستار نیروی تن و روان هستم. مرا از راه آرامش آن پرتو را بخش که زندگانی نیک منش‌اش می‌خوانند. (جعفری)

خوشبخت کسی است که خوشبختی دیگران را فراهم سازد. چنین است فرمان و خواست اهورامزدای چاره‌ساز. از این روی ما خواستاریم که با نیروی راستی و پایداری نیاز یکدیگر را برآورده سازیم. ای آرمئیتی، ای مهر خدایی ما را در زندگی از بخشش بینایی کامل و منش پاک برخوردار ساز. (شهزادی)

این چنین خواهانم که هر یک از پیروانِ آیین، به آن چه که در دل آرزو دارند دست یابند و اهورامزدا کام‌هاشان را که بر پایهٔ راستی و درستی استوار است برآورده سازد و زرتشت نیز ای سپندارمذ از این کام برآوردگی‌ها برخوردار باشد. ای مزدا آن چه را که شایسته‌ترین است برما بِبخشای، آن بهترین زندگی مینوی را و آن خِرد مقدس و استوار را، و آن منش نیک را که در همهٔ دورانِ زندگی این بخشش‌های ایزدی، روزگارِ ما را با شادی قرین سازد. (رضی)

مزدا اهورای همه توانا چنین برنهاده است که خوشبختی از آن اوست که به دیگران خوشبختی بخشد. من برای پیشرفت و نگاه‌داشتن آیین راستی، خواهان استواری و توانایی هستم. ای پارسایی، ای پرتوی را که پاداش زندگی نیک منشانه است، به من ارزانی دار. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سرود ۴۲ ، بند ۲

اَ ت‌چا اَهمایی ویسپَنانم وَهیشتِم
خُواترُویا نا خُواترِم دَئی دیتا
توا چی چیت‌وا سپِنی شتا مَئینیو مَزدا
یا داو اَشا وَنگهِئوش مایاو مَنَنگهُو
ویسپا اَیارِ دَرِگوجیاتوییش اورواذَنگها

همچنین برای او (اشاره به زرتشت) که آرزومند کامیابی است، بشود این مزدا! که آگاهی، از هر چیز بهترین آنرا با پیروی از پاکترین گوهر معنوی تو به دست آورد و کامیاب شود. ای اشا! آن نیروهای شگرف را که با پیروی از منش پاک (وُهومن) به دست می‌آید به او ارزانی دار تا همه روزهای یک زندگی دیرپا را با شادی به سر برد. (ساسانفر)

زیرا، بهترین زندگی برای کسی است که به سوی روشنائی رود، و بدیگران روشنی بخشد. پس ای اهورامزدا، با خرد بیکران خود، و در پرتو راستی، دانش برخاسته از اندیشه نیک را به ما بنما تا زندگی ما دراز، و هر روز آن از شادی و خوشی سرشار گردد. (پردیس)

براستی چنین کسی از بهترین بخشایش ایزدی برخوردار خواهد شد. کسی را که آرزوی روشندلی است و برای رسیدن بآن تلاش می‌کند، ای مزدا در پرتو خرد مقدس و آگاه خویش بدو روشنائی درون ارزانی دار. پروردگارا در پرتو اَشا «قانون از لی راستی و پاکی» ما را از حکمت و دانش که از بخشایش وُهومن است برخوردار ساز تا طیّ زندگانی دراز شادی و سرور بهره‌مند گردیم. (آذرگشسب)

هم‌چنین برای او باشد ـ همه بهترین سعادت و چنانکه آدمیزاد روشنائی را می‌یابد بوسیله سپنتا ماینیوی دانای تو ای مزدا؛ و چون دانش وهومنی را بوسیله اشا خواهی داد جاوید بالیده خواهد شد در سراسر زندگی دراز. (شوشتری)

PDF.tarikhema.org
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

همچنین بهترین [پاداش] از آنِ او باد. ای مزدا! کسی که [برای دیگران] خواستار روشنایی است، [بدو] ارزانی خواهد شد. از «سپندترین مینو»یِ خویش و در پرتو «اشه»، دانش برآمده از «منش نیک» را به ما بخش تا در زندگانی دیرپا[ی خویش] همه روزه از شادمانی بهره‌مند شویم. (دوستخواه)

و از آنِ او باد آنچه از همه بهتر است، آنکه را آرزوی فردوس است از پاکتر خردِ آگاه تو فردوس بدو ارزانی باد، ای مزدا، (و) بخشایش منش نیک که تو بدستیاری راستی خواهی داد در همهٔ روزها با شادمانی زندگی دیر پایا. (پورداود)

همچنین به آن کس بهترین همهٔ نیکی‌ها برساد که آسایش را برای آسایش دیگران پدید می‌آورد. ای خدای دانا، از فزاینده‌ترین خرد خود آن دانش درونی منش نیک را بنمای که در پرتو راستی و درستی هر روز از زندگانی دراز ما از شادی و خوشی سرشار باشد. (جعفری)

ـ ای مزدا بهترین بخشش‌ها را که خودشناسی است به ما ارزانی دار ـ ای نورانی‌ترین نور معنوی به وسیلهٔ خرد مقدست ما را از دانش و منش پاک برخوردار ساز تا با پیروی از قانون اشا روزهای زندگانی خود را قرین خوشبختی و رسایی مادی و معنوی سازیم. (شهزادی)

باشد که زرتشت از همهٔ بخشایش‌های ایزدی برخوردار باشد، کسی که به مردمان، راه نیکِ زندگی بیاموخت، راهی که زندگی را در این جهان و آن جهان به کام گوارا سازد. پس او را در پاکی و بهی چون خود ساز ای مزدا. (رضی)

و همچنین، بهترین پاداش‌ها از آن کسی است که خواستار روشنایی است، و به دیگران روشنایی بخشد. ای مزدا اهورا، با خرد پاک خود، و در پرتو آیین راستی، دانش برخاسته از اندیشهٔ نیک را به من ببخشای، تا از زندگی دراز شادمانه برخوردار گردم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۳

اَت هُوُ وَنگهِئوش وَهیو نا اَئی بی‌جمیات
ی ناو اِرِزوش سَوَنگ هُو پَتُو سی‌شُوئیت
اَهیا اَنگهِئوش اَستوَتُو مَنَنگ هَس‌چا
هئیت‌َینگ آستیش ینگ آ.ش َاِایتی اهورو
اَرِدررُ تواوانس هوزِنتوشِ سپنتُو مَزدا

بشود آن مرد از خوبترین خوبیها بهر مند شود. او که راههای درست پرهیزگاری و توانایی را برای رستگاری در جهان معنوی و توانگری در جهان مادی به ما آموزش میدهد، آن جهان راستین که زیستگاه والای اهورایی است او باورمندی بی آلایش از تبار آگاه و پرهیزگار است که خواهان همانندی با توست. (ساسانفر)

پس براستی، بهترین نیکیها به کسی خواهد رسید، که در زندگی مادی و مینوی، راه راست خوشبختی را به مردمان، که آنها را به سرای اهورامزدا میرساند، نشان دهد. چون در این راه خودسازی است، که او هم همچو تو، ای مزدا آزاد، و دانا و افزاینده خواهد گشت. (پردیس)

براستی کسی از بهترین نیکی برخوردار خواهد شد که در جهان مادی راه راستی و خوشبختی بما آموزد و در جهان مینوی ما را رستگار سازد. راهی که ما را بجهان حقیقت و راستی، آنجا که بارگاه قدًس است رهبری کند. ای مزدا شیفتگان حقیقت و دلدادگان تو در پرتو خرد و تقدس سرانجام بتو خواهند پیوست. (آذرگشسب)

یقیناً به برترین خوبی می‌رسد مردی که نشان داده بما راه راست سوی سعادت ـ چه در این جهان تن و چه در جهان روان به جهان‌های راستی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنجا که اهورا هست ای مزدا! ارادتمند تو که دانا و پارساست با تو یگانه هست. (شوشتری)

پس براستی، بهترین نیکی‌ها بهره آن کس خواهد شد که در زندگی استومند و مینُوی، ما را به راه راستِ بهروزی ـ [راهِ] جهان اَشَه که جایگاه «اهوره» است ـ رهنمونی کند. ای مزدا! دلدادگان تو در پرتو نیک آگاهی و پاکی به تو خواهند پیوست. (دوستخواه)

و که او از به به بهتر گرایاد آن مردی که بما راه راست سود بیاموزانید در این زندگی جهانی و (زندگی) مینوی، بآن (راه) درست آفریدگانی که در آنجا اهورا آرام دارد آن رادمردی که مانند تو خوب شناسا و پاک است، ای مزدا. (پورداود)

بهترین نیکی به کسی برساد که راه راست سودمند را در زندگانی مادی و مینوی که براستی به جایگاه خدا می‌رساند، نشان می‌دهد. او چون خدای دانا، آزاده و دانا و افزاینده می‌گردد. (جعفری)

پروردگارا کسی که ما را به راه راست و درست زندگی و رستگاری جهان مادی و معنوی رهبری کند، بهشت بهره‌اش ساز، آن بهشتی که پایگاه پرهیزگاران و پاک منشان و بارگاه قدس اهورایی است. بشود که به رهبری آنان ما به تو راه یابیم. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، تویی پاک، تویی توانا و تویی آن دادگرِ بزرگی که نیک و بد را پاداش خواهی داد. (رضی)

پس براستی، بهترین نیکی‌ها به کسی خواهد رسید، که در زندگی مادی و مینویی، راه راست خوشبختی را که ما را به بارگاه اهورا می‌رساند، به ما بیاموزاند. ای مزدا، سرانجام، در پرتو دانش نیک و پاکی و پارسایی، دلدادگان تو به تو می‌پیوندند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۴

اَت توا مِنگهایی تَخمِم‌چا سپنتِم مَزدا
هیت تا زَستا یاتو هَفشی اَواو
یاو داو اَشیش درِگواییتِ اَشائونَ اِچا
توَهیا گَرِما آترو اَشا اَئوجَنگهُو
هَیت مُویی وَنگهِئوش هَزِ جیمَت مَنَنگهُو

آری تو را چنان می‌شناسم که هم نیرومندی، هم پاک و پرهیزگار ای مَزدا هرگاه با آن دست که پاداش‌ها را نگه می‌داری و آنچه هر یک از پیروان دروغ و پیروان راستی سزاوارند با همان دست می‌بخشی، آنگاه گرمای آتش تو که از اَشا نیرو می‌گیرد و توان اندیشه نیک به من روی می‌آورد. (ساسانفر)

ای مزدا، هنگامی تو را توانا و افزاینده شناختم، که دریافتم، تو با نیروی خود پیوسته با مائی و هر دم یار و یاور ما میباشی، و با فروغت، که بر راستی استوار است، به دلهای ما گرمی می‌بخشی و ما را از توان اندیشه نیک برخوردار میگردانی و پی بردم، توئی که دروغکاران و راستکاران را به کیفر و پاداش میرسانی. (پردیس)

ای مزدا هنگامی تُرا نیرومند و پاک خواهم شناخت که در پرتو توانائی‌ات آرزوهایِ ما برآورده شود و هواخواهان راستی و دُروغ هر دو بپاداش و کیفر مقرر رسند، آنگاه که فُروغ تو در قلبم بدرخشد و گرمی بخشد روانم نیروی راستی را احساس کرده و اندیشهٔ پاک با تمام توان بمن روی خواهد آورد. (آذرگشسب)

چنین ترا می‌شناسم ای پاک و نیرومند مزدا! از دست تو آرمان‌های ما برآورده شوند و تو سعادت می‌دهی چه به پیروان ناراستی (دیویسنی) و چه به نیکان (راست ـ مزدیسنی) و به وسیله آتش تو که از اشا نیرومند است توانائی وهومنی به من می‌رسد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا! ترا توانا و پاک شناختم: آنگاه که [دانستم] در پرتو توانایی‌ات، آرزوهای ما برآورده خواهد شد؛ آنگاه که [دریافتم] اَشَوَنان و دُروندان را پاداش [پادافره] خواهی بخشید؛ آنگاه که [پی‌بردم] در پرتو گرمای «آذر» تو ـ که نیرومندی‌اش از «شه» است ـ نیروی «منش نیک» به من روی خواهد نمود. (دوستخواه)

و ترا توانا و پاک شناختم، ای مزدا، آنگاه که آن پاداش بدست برگرفته به پیرو دروغ و به پیرو راستی خواهی داد، آنگاه که از گرمای آذر تو که زورش از راستی است نیروی منش نیک بمن روی خواهد نمود. (پورداود)

مزدا، هنگامی ترا توانا و افزینده شناختم که دریافتم تو با دست‌های خود یاری می‌کنی و به هر دو گروه، هم دروغ‌کار و هم راست‌کار پاداش می‌دهی، فروغ ترا راستی نیرو می‌بخشد و من از گرمی آن تاب و توانایی منش نیک را می‌یابم. (جعفری)

ای مزدا من دریافتم که تویی توانا و پاک و داور دادگری که هر نیکی و بدی را پاداش و سزا می‌بخشی ـ ایمان من به تو ناگسستنی است. چون پاداش و سزای نیک اندیش و دروغ‌پرست را از زبانه آذر فروغ‌مند و پاکت که جز از راستی و داد نیست برقرار داشته‌ای. (شهزادی)

ایمان من به تو، پیوندی ناگسستنی است، چون پاداش دروغ‌پرست و نیک منش را از آن فروغ آتش پاکت که جز راستی و داد نیست برقرار خواهی فرمود. (رضی)

ای مزدا، هنگامی ترا پاک و توانا شناختم که دریافتم، تو با نیروی خود خواست ما را برآورده می‌سازی، و دُروندان و راستان را به کیفر و پاداش می‌رسانی، و با فروغت، که از راستی نیرومند است و به دلها گرمی می‌بخشد، ما را از توان اندیشهٔ نیک برخوردار می‌گردانی(وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۵

سِپنتِم اَت توا مَزدا مِنگهی اهورا

هَیت توا انگهِئوش زانتویی دَرِسِم پئواورویم

هَیت داو شیبوُتَنا میژدَوان یاچا اوخزا

اَکم اَکا وَنگوهیم اَشیم وَنگهَئُوِ

توا هونَرا داموییش اوروَ اِسِ اَپِمِ

ای اهورا مَزدا آنگاه تو را پاک (و سزاوار ستایش) شناختم که دریافتم تو در آغاز آفرینش جهان کارها و گفتارها را پاداش می‌دهی: بدی برای بد و خوبی برای خوب. با کاردانی تو پایان دوران آفرینش نیز چنین خواهد بود. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، آنگاه تو را افزاینده شناختم، که تو را سر آغاز زندگی دیدم، و دریافتم، که تو برای هر گفتار و کرداری پاداش بر نهاده ای بدی برای بدان و نیکی برای نیکان و این آئین، در پرتو سازندگی و خرد تو تا انجام آفرینش و پایان زندگی به جای خواهد ماند. (پردیس)

ای مزدا اهورا، خداوند جان و خرد، آنگاه تو را پاک و مقدس شناختم که تُرا سرآغاز زندگی و ازلی یافتم، زمانی که برای اندیشه و گفتار و کردار نیک پاداش معین فرمودی و در پرتو خرد و حکمت خویش مقرر داشتی که بدی از برای بدان و نیکی از برای نیکان نخواهد بود و این امر تا روز واپسین و پایان هستی ادامه خواهد داشت. (آذرگشسب)

ای مزدا اهورا! ترا ایزد پاک درک کردم و چون زندگی آغاز شد ترا ازلی یافتم در همه کار و همه سخن بدی را (سزای) بدی و نیکی را (پاداش) نیک می‌دهی و به دانش تو چنین خواهند بود تا روز واپسین (رستاخیز). (شوشتری)

ای مزدا اهوره! ترا پاک شناختم؛ آنگاه که در سرآغاز آفرینش زندگی دیدمت [و دریافتم] که چگونه تا پایان گردشِ آفرینش، کردارها و گفتارها را

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

با هنر خویش، مزد برنهادهای: پاداش نیک برای نیکان و [سزایِ] بد برای بدان. (دوستخواه)

و ترا پاک شناختم، ای مزدا اهورا، آنگاه که ترا نخست در آفرینش زندگی نگریستم که چگونه کردارها و گفتارها را مزد خواهی داد ـ پاداش بد ببد (و) خوب بخوب ـ از هنرت در پایان گردش آفرینش. (پورداود)

ای خدای دانا، هنگامی ترا افزاینده شناختم که ترا نخست در آغاز زندگانی دیدم و دریافتم که تو برای گفتار و کردار پاداش مقرر داشته‌ای که بد، بدی می‌بیند و نیک، پاداش نیک درمی‌یابد نیز دریافتم که از هنر تست که این دستور تا پایان تحول جهان همچنان خواهد ماند. (جعفری)

آنگاه تو را مقدس شناختم ای مزدا اهورا که تو را سرآغاز و سرانجام همه چیز دانستم و دریافتم که تو از روز نخست نتیجه و بازتاب هر گفتار و کردار نیک یا بدی را مقرر فرمودی و داوری تو پیوسته بر این اصل است که بدی بهرهٔ بدان و نیکی پاداش نیکان است تا روز بازپسین. (شهزادی)

چون نیک نگریستم دریافتم که در پایان کار جهان مردمان به سزای کردارشان خوهند رسید، بَدان، بد خواهند دید و نیکان بهرهٔ نیک یارشان خواهد بود. (رضی)

ای مزدا اهورا، آنگاه ترا پاک شناختم، که ترا در سرآغاز زندگی دیدم، و دریافتم، که تو برای گفتار و کردار پاداش برنهاده‌ای: بدی برای بدان و نیکی برای نیکان، آیینی که در پرتو هنر و خرد تو، تا انجام آفرینش و پایان زندگی به جای خواهد ماند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۶

یَهمی سپنتا توا مَئینو اورو َاِس ِ جَسُو

مَزدا خِشتَرا اَهمی وُهو مَنَنگها

یهیا شیی ئوَتناییش گَئِتاو فرادِنتِ

اَ اِبیوُ رَتوش سِنگهَه ایتی آرمَئی تیش

توهیا خرَتِئوش یم نَ اِ چیش دابَ یئیتی

ای مزدا، در این دوران زندگی تو با گوهر پاک مینوی، با نیرو و اندیشه نیک خود، کارهای آفریدگان را بررسی می‌کنی و بر آنها چشم می‌نهی که چگونه پیش می‌روند. آرمئیتی نماد پارسایی، داوری‌های تو را برای آنها آگهی می‌کند و هیچکس نمی‌تواند خرد تو را فریب دهد. (ساسانفر)

ای مزدا، جائی که خرد پیش‌برنده تو منزل گیرد، نیروی خود چیرگی و آرامش جهان را به سوی راستی خواهند کشید، و اندیشه نیک، آئین خرد را که در آن برای فریب راهی نیست به جهانیان خواهد آموخت. (پردیس)

ای مزدا در آن زمان که خرد پاک تو، خَشَترا و وُهومن بسوی ما آیند، آنگاه جهان هستی بسوی راستی و درستی پیشرفت خواهد کرد و فرشته آرمئی‌تی نور محبت و ایمان را در دل رادمردان روشن کرده آنان را بسوی حقیقت رهبری خواهد نمود و هیچکس را یاری فریفتن پروردگار مظهر خِرد و حکمت نخواهد بود. (آذرگشسب)

به کدام هدف تو با سپنتا ماینیو می‌آئی، آنجا که ای مزدا ـ خشترا و وهومن می‌باشند و عمل آنها در جهان تن زندگی اشائی را افزون می‌کند و ارمایتی رهنماست به اراده که هیچ وجودی نتواند بهم زند. (شوشتری)

ای مزدا! بدان هنگام که «سپند مینو»یِ تو فراز آید، «شهریاریِ مینُوی» و «منش نیک» با کُنشِ خویش، جهان را به سوی «اشه» پیش می‌برند و

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

«آرمیتی» رادمردان را به سوی خِردِ نافریفتنی تو رهنمونی خواهد کرد. (دوستخواه)

در آن سرانجام تو با خرد پاکت بدر خواهی آمد، ای مزدا، با کشور جاودانی و با منش نیک که از کردارش جهان راستی خواهد برافزود آنان را (فرشتهٔ) پارسائی از داوری آگاه خواهد نمود، آن (داوری) خردت را که هیچکس نتواند فریفتن. (پورداود)

در این تحول تو ای مزدا، ای دانا، با خرد فزاینده، شهریاری و منش نیک خود، خواهی بود. از کارهای منش نیک، جهان در پرتو راستی پیش می‌رود و آرامش، آیین خرد تو را که آنرا کسی نمی‌تواند بفریبد، به دستیاری رهبران درستی به جهانیان می‌آموزد. (جعفری)

از آن دم که خرد مقدس مزدا در درون کسی راه یابد، نیروی معنوی و منش پاک در او پدیدار شود و آنگاه است که پیامبر تو خواهد توانست به او علم دین و دانش مینوی بیاموزد تا به وسیلهٔ آن آموزش‌ها، کشور پارسایی گسترش یابد و کسی نتواند پیروان تو را از راه راست و درست باز دارد. (شهزادی)

در آن هنگام که جهان پایان پذیرد، تو به گونهٔ خِردِ فروغمندی آشکار شوی، در حالی که جهان مینوی در انتظارِ نیکان است، و آنگاه است که داوری شروع خواهد شد. (رضی)

ای مزدا، آن زمان که خرد پاک تو فراز آید، توانایی مینویی و اندیشهٔ نیک، با کنش خود جهان را به سوی راستی پیش می‌راند. و پارسایی، آیین خرد ترا، که کسی آن را نتواند فریفت، به رادان می‌آموزاند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۷

سِپِنتِم اَت توا مَزدا مِنگهی اَهورا

هَیت ما وُهو پَئیری جَسَت مَنَنگها

پرِسَت چا ما چیش اَهی کهیا اَهی

کتا اَیارِ دَخشارا فِرَ سَیایی دیشا

اییبی تواهو گَئِتاهو تَنوشی چا

ای اهورامَزدا تو را پاک و سزاوار ستایش شناختم آنگاه که وُهومن (منش نیک) به سویم آمد و پرسید «که هستی؟ هوادار کیستی؟ چگونه امروز آنچه برایت آشکار شده برای توضیح (و پرسش و پاسخ) با جهانیان و کسانت در میان می‌گذاری»(ساسانفر)

ای اهورامزدا هنگامی تو را پیش‌برنده شناختم که، اندیشه نیک به من فرود آمد و پرسید: «که هستی و از کیستی»؟ و در برابر سردرگمی روزانه زندگی، و درباره جهان و خودت چه راهی پیدا کرده ای؟ (پردیس)

آنگاه ای مزدا اهورا تُرا پاک و مقدس شناختم که اندیشهٔ پاک بمن روی آورد و از من پرسید کیستی؟ و از کدام خاندانی؟ هنگام تردید و دو دلی چه راهی را برخواهی گزید؟ راهی که بسود برادران و نزدیکان توست و یا آنکه بسود خودت می‌باشد. (آذرگشسب)

ایزدی تو ای مزدای پاک، ای اهورا ترا می‌شناسیم چون وهومن نیک در باطن من آمد و از من پرسید که هستی! و از که هستی چه راهی برای شکوک همه روز در نظر میان خویشتن و اطرافیان (نزدیکان) برمی‌گیری. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! براستی ترا پاک شناختم؛ آنگاه که «منش نیک» نزد من آمد و پرسید: ـ «کیستی و از کدامین خاندانی و در برابر پرسش‌ها و

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دودلی‌های روزانهٔ زندگی خویش و جهان پیرامون خود، کدامین راه را می‌نمایی و می‌شناسانی؟»(دوستخواه)

و ترا پاک شناختم، ای مزدا اهورا آنگاه که بهمن بسوی من آمد و از من پرسید: کی هستی (و) از کدام کس هستی؟ با کدام نشان در روزهای پرسشش زندگی خویش و خودت را خواهی شناسانیدن. (پورداود)

ای خدای دانا، هنگامی ترا افزاینده شناختم که منش نیک مرا فرا گرفت و از من پرسید: "کیستی و از کیستی و چگونه در این روز شک و تردید خود را دربارهٔ جهان و شخص خود دور خواهی کرد؟"(جعفری)

ای مزدا اهورا ـ هنگامی تو را مقدس شناختم که منش پاک به من روی نمود و واداشت تا بیندیشم که من کیستم و از کجا آمده‌ام و دریابم که وظیفهٔ من در این جهان چیست و به طرفداری از کدام گروه (نیکان یا بدان) برخیزم؟ (شهزادی)

ای مزدا، من چون برگزیده‌ای از سویت، ستایش‌گر پُر شور تو هستم. هنگامی وهومنه بر من فرود آمد و پرسش کرد تو کیستی، وابستهٔ کدام گروهی و نام و نشانت در این روزگار وابسته کیست؟ (رضی)

ای مزدا اهورا، آنگاه ترا پاک شناختم که اندیشهٔ نیک بر من فراز آمد و پرسید: که هستی و کیستی؟ و در برابر پرسش‌ها و دودلی‌های روزانه دربارهٔ جهان و خودت، چه راهی را می‌شناسانی و می‌نمایانی؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۸

اَت هُویی اَئوجی زَرَتوشترو پَئواورویم

هئیتی یُو دوَ اِشاو هَیت ایسُویا درِگواییتِ

اَت اَشائونِ رَفِنُو خی یم اَ اُجُنگهوَت

هیَت آبوش تیش وَسَسِ خَشترهیا دیا

یَوَت آ توا مَزدا ستائومی اوفیاچا

سپس به او گفتم، نخست آنکه زرتشت هستم تا جائی که توان دارم از دشمنان راستین دروغکار و پشتیبان نیرومند مرد درستکار خواهم بود اگر در آنچه پیش آید از آن نیروی فراگیر بهره‌مند شوم تا آنجا که توان دارم ای مَزدا تو را ستایش می‌کنم و برایت سرود می‌گویم. (ساسانفر)

نخست به او گفتم «من زرتشتم»، یاور نیرومند راستان، و دشمن سرسخت دروغکارانم، و تا زمانی که مردمان به فروغ تو راه نیابند می‌خواهم، ای مزدا، با تمام توان خود ستایشگر و درودگوی تو باشم. (پردیس)

آنگاه چنین پاسخ دادم: من زرتشت دشمن سرسخت دروغ و دروغ‌گویان هستم و تا آنجا که مرا نیرو و توان است با آنها پیکار خواهم کرد ولی با تمام قدرت یاور و پشتیبان نیکان و درست‌کرداران خواهم بود. پروردگارا بشود که از نیروی معنوی و بیکرانت برخوردار گردم و همیشه سرسپرده و ستایش‌گر تو باشم ای مزدا. (آذرگشسب)

پس به آن زرتشت پاسخ داد: من زرتشت هستم و از ازل (سوگند یاد کرده‌ام) که نیکی را دوست بدارم و تا آنجا که بتوانم با مردمیکه از ناراستی پیروی می‌کنند مخالف باشم ولی به نیکان خورسندی اندرونی آنان گردم تا همه وقت از نیروی بی‌نهایت تو بهره‌مند شوم، من خود را به خدمت تو وقف کرده‌ام و تنها برای تو سرود ستایش می‌سرایم. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنگاه نخست بدو [پاسخ] گفتم: ـ «منم زرتشت که با همهٔ توش و توان خویش، دشمن سرسخت دُروندان و پناه نیرومند اَشَوَنانم.» ای مزدا! خواستارم تا بدان هنگام که ستایش‌گر و سرود خوان توام، همواره از «شهریاریِ مینُویِ» بی‌کران [تو] برخوردار باشم. (دوستخواه)

آنگاه بدو گفتم نخست (منم) زرتشت هر چند که بتوانم بدرستی دشمن دروغ‌پرست و پناه نیرومند پیرو راستی خواهم بود تا اینکه در آینده کشور دلخواه (جاودانی) را دارا گردم تا هنگامی که، ای مزدا، می‌ستایم و می‌سرایم(پورداود)

به او نخست گفتم: من زرتشتم و تا آنجایی که می‌توانم، دشمن واقعی دروغ‌کارم و یاور نیرومندی برای راست‌کار می‌باشم ای دانا، می‌خواهم تا روزی که ثناخوان تو هستم از آزادگی و خود مختاری برخوردار باشم. (جعفری)

آنگاه به خود پاسخ داده گفتم من زرتشتم و تا آن جا که نیرو دارم دشمن سرسخت دروغ و پشتیبان استوار راستی خواهم بود تا زمانی که همهٔ جهانیان به کشور جاویدان راستی راه یابند ـ از این روی همیشه ای مزدا تو را ستایش‌گر و با سرودهای نیایش، تو را خواهم ستود. (شهزادی)

من به او گفتم، من زرتشتم، دشمن سرسخت و بی‌امان دروغ و دروغ پرستم، تا آن جایی که توان و نیرو دارم، با دروغ و دروغ‌پرست پیکار می‌کنم، با همهٔ نیرویِ سرشارم پشتیبانی استوارِ برای راستی و راست رَوانم، تا جایی که سرانجام به آن جهان مینوی و سَرمَدی رَسَم و در آنجا نیز ای مزدا، باسرودهایِ زیبایِ خوش‌آوا، ستایش‌گرانه تو را خواهم ستود. (رضی)

نخست به او گفتم: منم زرتشت، و تا آنجا که در توان دارم، دشمن سرسخت دُروَندان و پناه نیرومند راستانم. ای مزدا، می‌خواهم، تا آن زمان که ستایش‌گر و درودگوی تو هستم، پیوسته از نیروی بیکران تو برخوردار گردم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۹

سِپنتم اَت تُوا مَزدا مِنگهی اهورا

هَیت ما وُهو پَئیری جَستَ مَنَنگها

اَهیا فرَسم کَهمایی وی وید ویِ وَشی

اَت آ توهمایی آتِر راتانم نِمَنگهو

اَشَهیا ما یوَت ایسایی مَن یایی

ای اهورا مَزدا به راستی تو را سزاوار ستایش شناختم آنگاه که اندیشه نیک «وُهومن» به سویم فرا آمد «پرسید خدمتگزاری که را آرزو داری؟ پاسخ دادم، آتش تو را که نمازم را به او نثار کنم، و اشا را، تا آن زمان که توان دارم، تیمارش کنم.» (ساسانفر)

ای اهورامزدا، آنگاه تو را پیشبرنده شناختم که اندیشه نیک به من روی آورد و پرسید: «به که نیایش میکنی»؟ گفتم به راستی نیایش میکنم، و تا تاب و توان دارم، در جستجوی او خواهم بود. (پردیس)

ای خداوند جان و خِرد آنگاه تُرا پاک و مقدس شناختم که منشِ پاک بمن روی آورد و نور حقیقت و معرفت بقلبم راه یافت. پرسیدم چه کسی را خواستاری پیش از همه مورد نماز و ستایش قرار گیرد «خود چنین پاسخ گفتم» تا زمانی که مرا نیرو و توان است فروغ تابناک و معنوی تو را ای مزدا می‌ستایم و بآئین راستی دل خواهم بست. (آذرگشسب)

یقیناً تو را ایزد می‌شناسم ای مزدا اهورا چون بوسیله وهومن نیکی به من در آمد از او پرسیدم به که میخواهی که من نماز برم (و نیایش کنم) از آنگاه به آتش پاک تو من نماز می‌برم و از همه برتر من تا می‌توانم اشا (راستی و درستی) را گرامی خواهم داشت. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا اهوره! براستی ترا پاک شناختم: آنگاه که «منش نیک» نزد من آمد و پرسید: ـ «چگونه خود را باز می‌شناسانی؟» [و من بدو پاسخ دادم:] ـ «با دهش آن نماز که نزدِ آذرِ تو می‌گزارم. تا بدان هنگام که مرا توش و توان هست، به «اشه» خواهم اندیشید. (دوستخواه)

و ترا پاک شناختم، ای مزدا اهورا، آنگاه که به من بسوی من آمد در پرستش: از چه چیز خواهی که خود را باز شناسانی؟ (در پاسخ گفتم): با آن دهش نماز نزد آذر تو تا هنگامی که بتوانم براستی خواهم اندیشیدن. (پورداود)

ای خدای دانا، هنگامی ترا افزاینده شناختم که منش نیک مرا فرا گرفت و پرسید: «کرا می‌خواهی خدمت کنی؟» گفتم: «ارمغان نماز خود را به فروغ تو پیشکش می‌کنم و تا تاب و توانایی دارم، دل به راستی خواهم بست.» (جعفری)

ای خدای دانا، آنگاه تو را مقدس شناختم که وهومن (منش پاک) به من روی آورد و پرسید: چه راهی را با صمیم قلب، پیروی خواهی کرد؟ و من پاسخ دادم، من راستی را که بهترین و والاترین راه است پیروی می‌کنم و تا آن زمان که نیرو دارم دل به این فروغ مینوی خواهم بست. (شهزادی)

و تو را ای نیروی پاک و مقدس ستایشگرم، هنگامی وهومنه بر من فرود آمد و پرسش کرد که آهنگِ کدامین کار داری؟ بِدو گفتم ستایش و بزرگداشت این آتشِ اهورامزدا آهنگ من است و ناتوان و نیرو دارم در راه راستی نبرد می‌کنم تا راه راستی را به همگان بنمایانم. و تو ای وهومنه، راهم ده تا آن راستی مطلق را بنگرم، باشد تا وجودم از آن سرشار شود. (رضی)

ای مزدا اهورا، آنگاه ترا پاک شناختم که اندیشهٔ نیک بر من فراز آمد و پرسید: به که نماز می‌آوری؟ گفتم: به فروغ مزدا نماز می‌آورم، و تا مرا تاب و توان هست دل به راستی می‌بندم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۱۰

اَت تو مُویی داییش اَشِم هَیت ما زَئوزَئومی

آرمَئیتی هیچِیم نو ایت آرِم

پِرساچا ناو یا تُویی اِهما پَرشتا

پَرشتِم زی توا یتَنا تت اِمَوَتام

هَیت توا خشَیانس اَ اِ شِم دیات اِمَوَنتِم

پس اشا را که پیوسته فرا می‌خوانم آشکار کن به همراه آرمئیتی که به راستی سزاوار آنم از ما بخواه (چه کرده‌ایم) و چه پرسش‌هایی با تو در میان بگذاریم زیرا پرسش تو، همانند پرسش کسی توانمند است فرمانروایی با توست. آنکس که می‌تواند توانایی را ارزانی دارد. (ساسانفر)

پس ای مزدا، مرا به سوی راستی، که در جستجویش هستم، راهنمائی کن، و با آرامش همراه و همگامم نما. از خواسته های خود مرا بپرس و مرا بیازمای، چون پرسش و آزمون توست که میتواند به من دانائی و نیرو بخشد. (پردیس)

پروردگارا مرا بسوی راستی و پاکی که نهایت آرزوی من است رهبری کن تا با پیروی از آرمئیتی، مظهر ایمان و محبت، برسائی نایل آیم. پروردگارا اکنون ما را بیازمای تا ایمان خود را بثبوت رسانیم. آزمایش‌های تو چنان است که به انسان نیروی معنوی خواهد بخشید، بویژه رهبرانی که از سوی تو ای مزدا الهام گرفته‌اند با نیرو و شهامت مردم را راهنمایی کرده و مشیت تو را انجام خواهند داد. (آذرگشسب)

بنابر این رهنمائی کن ما را به اشا که همواره او را می‌خوانیم (و می‌جوئیم) و با ارمایتی کاملاً همساز بوده آمده‌ایم اکنون بپرس تا از تو آزموده شویم و آزمایش تو نشان توانائی ما هست و او که خداوند (مردم) است برتر و توانا خواهد کرد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پس تو مرا به سوی «اشه» که همواره آن را فراخوانده‌ام ـ رهنمونی کن تا با پیروی از «آرمیتی» بدان دست یابم. اینک بپرس از ما و بدان سان که می‌خواهی، ما را بیازمای؛ چرا که پرسش و آزمون تو، رهبران را نیرومندی و برتری می‌بخشد.» (دوستخواه)

(مزدا گوید:) ایدون دین راستین مرا بنگر، چه من با پارسائی بهم پیوسته آن را همی‌خوانم که بنزد من در آید. اینک بپرس از ما، آنچه را که تو از ما خواهی پرسیدن آری پرسش تو مانند (پرسش) نیرومندی است، همچنین آن کسی که توانائی دارد تو نیرومند را کامروا کند. (پورداود)

پس ای منش نیک، راستی را بنما زیرا همواره خواهان آنم و با آرامش همراه و همگام می‌باشم. از ما بپرس که از تو چه می‌خواهیم بپرسیم زیرا هر چه از تو پرسیده شود، به آن می‌ماند که از خدای دانا پرسیده شده و از تست که رهبر، کوشا و توانا می‌گردد. (جعفری)

پس ای منش پاک راه راست را به من بنما چه همواره خواهان آنم تا با نیروی آرمیتی (آرامش وجدان) آن را بپیمایم. ای وهومن پیوسته به پرسش‌های ما پاسخ ده چه راهنمایی‌های تو چنان است که از جانب خدای بزرگ رسیده باشد و تنها این رهنمایی‌هاست که همه را توانایی و کوشایی می‌بخشد. (شهزادی)

بنگر ای زرتشت، بر تو فرود آمدم، بنگر که مزدا جز راستی و پاکی و فروغ جاودانه چیزی نیست. اینک آن چه را که خواهانی پرسش کن، چون پرسش‌هایِ خردمندی چون تو، شایستهٔ پاسخ است و نیروی سرمدی، راستی و پاکی، تو را راه خواهد آموخت. (رضی)

ای مزدا، پس مرا به سوی راستی دلخواه من راه بنمای، تا با پیروی از پارسایی آن را دریابم. و از ما بپرس و ما را بیازمای، که پرسش و آزمون توست، که راهبران را نیرومندی و برتری بخشد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۱۱

سپِنتِم اَت توا مَزدا مِنگهی اَهورا
هیت ما وُهو پَئیری جَسَت مَنَنگها
هیت خُشُما اوخزاییش دیدَاینگهِ پَئُواورویم
سادرا مویی سانس مَشی یئستو زَرَزدیاایتیش
تَت وِرزَ اِ ایدیایی هیت مویی مِرَ اُتا وَهیشتِم

ای اهورامَزدا تو را سزاوار ستایش شناختم آنگاه که وُهومن به سویم فرا آمد چون با گفتارت راستی (حقیقت) آفرینش آغازین را دریافتم با آنکه برایم دشوار می‌آید آن باور را در میان مردم بپراکنم ولی آنچه را به من گفتید بکار خواهم بست زیرا بهترین است. (ساسانفر)

ای مزدا هنگامی تو را پیش بر و افزاینده شناختم که اندیشه نیک به من روی آورد، و من، از سخنان تو آموختم و دریافتم که گسترش آئین تو در میان مردمان دشوار است. ولی من، آنچه را که نزد تو بهترین است به انجام خواهم رساند. (پردیس)

ای خداوند جان و خرد، آنگاه تو را پاک و مقدس شناختم که منشِ نیک بمن روی آورد و در پرتو سخنان الهام‌بخش تو بصیرت و بینش یافتم. هر چند دریافته‌ام که ایجاد ایمان در دل مردم کاری است بس دشوار، ولی پروردگارا من آنچه را که از دیدگاه تو بهترین کار شناخته شده است با کوشش و فداکاری انجام خواهم داد. (آذرگشسب)

ای مزدا تو را به پاکی می‌شناسم ـ ای اهورا. چون وهومن مرا فرا گرفت و از آغاز سخن شما را آموختم و به آنچه آموختید ایمان و عمل دادم میان مردم (ناراست عمل نمودن آن) سبب دشواریها خواهد شد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا اهوره! ترا پاک شناختم؛ آنگاه که «منش نیک» نزد من آمد و من نخستین بار از گفتار تو آموختم و دریافتم که بردن پیام تو به میان مردمان دشوار است؛ اما من آنچه را که به من گفتی بهترین است، به سرانجام خواهم رساند. (دوستخواه)

او تُرا پاک شناختم، ای مزدا اهورا، آنگاه که بهمن بسوی من آمد در آن هنگامی که من نخست از سخنان شما آموزش یافتم. (پورداود)

ای خدای دانا، هنگامی ترا افزاینده شناختم که منش نیک مرا فرا گرفت و من نخست از سخنان شما آموختم و دانستم آنچه را که تو بهترین گفتی، اگر چه به کار بستن آن در میان مردم دشوار است من آنرا با دل و جان انجام خواهم داد. (جعفری)

و آنگاه تو را مقدس دانستم ای مزدا اهورا که وهومن (خرد پاک) بر من ظاهر شد و راه راست را به من نشان داد و چون آن را دریافتم بر آن شدم تا به مردمان بیاموزم هرچند در این راه رنج و سختی کشم، راستی را که بهترین آیین است به آنان نشان دهم. (شهزادی)

تو را می‌ستایم ای مزاد اهورا که منش پاکت چون پیکی بر من فرود آمد و از آن نیرویِ والا، یعنی وهومنه راه آیین آموختم. دریافتم که این آیین شادکامانهٔ راستی و پاک منشی است و هر چند در راه گسترش و آموزش آن چونان رنج بردم و خواهم برد، اما دمی از تلاش باز نخواهم ماند، چون بهترین آیین است. (رضی)

ای مزدا، هنگامی ترا پاک شناختم که اندیشهٔ نیک به من فراز آمد، و من، از سخنان تو آموختم و دریافتم که، گسترش آیین تو در میان مردمان دشوار است. اما من، آنچه را که به نزد تو بهترین است، به انجام می‌رسانم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۱۲

هَیت‌چا مویی مرَئُوش اَشم جَس ُ فراخش نِنِه
اَت تو مویی نوئیت اَسروشتا پَئیری اوغژا
اوزی رِایدیایی پَرا هیت مُویی آجیمَت
سِرَ اُش ُ اَشی مانزا رَیا هَچیم نُو
یا وی اَشیش رانُو ای بیُو سَوَئیی ویدایات

و هنگامی که به من گفتی برای آموزش یافتن بیا به سوی اَشا سپس دستور دادی از اشا «نظام هستی و دادگری» نافرمانی نشاید همچنان که برای شتاب در این فرمانبرداری برایم پاداش خواهد رسید همراه آن پاداش، توانگری و نیرومندی بسیار خواهد بود و پاداش‌های هر دو گروه (نیکوکاران و بدکاران) را به همان اندازه می‌دهی که سزاوارند. (ساسانفر)

آنگاه به من گفتی، تا آئین راستی را آموزش دهم، و از نافرمانان ناامید نگردم، و بکوشم تا آوای ره گشای سروش را در درون خود بشنوم، و در پرتو روشنائی آن دریابم که به هر دو گروه، نیکان و بدان، پاداش و کیفر بایسته داده خواهد شد. (پردیس)

آنگاه که بمن فرمودی: «با دانش کامل از راستی پیروی کُن» سخنی گفتی که خواستهٔ قلبی من بود، من کوشش خواهم کرد تا فرشتهٔ سروش «یا ندای وجدان» را در درونم بیدار کرده، قلبم را از پرتو ایزدی روشن سازم و به این حقیقت اگاهی حاصل کنم که هر کس از کرده نیکان و بدان آنچه را سزاوار است بدو پاداش بخشیده خواهد شد. (آذرگشسب)

چون فرمودی که برای دانش از اشا پیروی کنم نفرمودی که چه نشنوم و نکنم و چگونه رفتار کنم تا سروش همراه روشنائی با برکت ایزدی در من درآید و پاداش یا کیفر به دو گروه بدهد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بدان هنگام که مرا فرمان دادی: «به سوی اشه روی آور و آن را فراشناس!»، سخنی هرگز ناشنیده به من گفتی: ـ «بکوش تا سروش در اندرون تو راه یابد و پرتوِ دهشِ ایزدی را دریابی که به هر دو گروه پاداش [و پادافره] می‌بخشد. (دوستخواه)

و آنگاه که بمن گفتی: از برای آموخته شدن بسوی راستی آی، چون فرمان دادی ـ بی‌فرمانی از من ـ برخیز، پیش از اینکه سروش من بدر آید، بهمراه اَشی بسیار توانگر پاداش بهر دو هماورد در سود (و زیان) پخش کند. (پورداود)

و چون تو گفتی: تو از راه راستی به جست و جو پرداخته‌ای و به آنچه که نباید گوش داد، تن ندادی، من خود را بر می‌انگیزم تا سروش، آن الهام الهی، در دلم آید و اصول نیکویی را روش سازد و به هر دو گروه نیک و بد پاداش‌های رهایی بخش بدهد. (جعفری)

هنگامی که فرمان سروش و اشا را از درون خود شنودم بر آن شدم تا راه راست و آیین درست را به مردم بیاموزم و دمی از آن سرنپیچم و چون دانستم که این آیین راست و درست است با کوشش و اراده و جرأتِ تمام تعلیم خواهم داد. باشد که من و پذیرندگان این دین کامروا گردیم. (شهزادی)

ای مزدا چون برانگیخته شدم، فرمان سروش را در جان شنودم و چون این آیین اَشی است که در پی جز سود و بهرهٔ سرشار ندارد، با شور پذیرفتم، باشد که خود و پذیرندگان کامروا گردیم. (رضی)

آنگاه، به من سخنی گفتی که چونان نشنوده بودم، گفتی: به سوی راستی روم، تا دانا گردم، بکوشم تا سروش در دلم آوا دهد، و در پرتو روشنایی آن دریابم که هر دو گروه نیکان و بدان، پاداش و کیفر بایسته داده خواهد شد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۱۳

سپِن تم اَت توا مَزدا مِنگهی اهورا
هیت ما وُهو پئیری جَست مَنَنگها
اَرِتا واُیزدیایی کامَهیا تِم مُویی داتا
دَرِگَهیا یَئوش یم واو نَه اِچیش دارِشت ایتِ
وَایریاو ستُوایش یا توهمی خشترویی واچی

ای اهورامزدا! به راستی تو را پاک و سزاوار ستایش شناختم آنگاه که وُهومن «اندیشه نیک» به سویم فرا آمد برای آگاه شدن به آرزوهای من، کامم را برآرید و آنها را ارزانی دارید: «یک زندگی دراز که هیچکس تو را از آن باز نمی‌دارد و خواسته‌ای پسندیده و گزیدنی که گفته شد در پرتو فرمانروایی تو یافت می‌شود. (ساسانفر)

ای مزدا، هنگامی تو را پیش بر و افزاینده شناختم که اندیشه نیک به من روی آورد و پرسید: «آرزوی تو چیست»؟ و من به او گفتم: مرا زندگی درازی آرزوست، تا بتوانم در برابر دروغکاران بایستم و بر آنان پیروز شوم. (پردیس)

ای خداوند جان و خرد، آنگاه تُرا پاک و مقدس شناختم که منشِ نیک بمن روی آورد و نور حقیقت بقلبم راه یافت. پروردگارا برای رسیدن بغایت آمال و آرزوهای خویش زندگانی دراز بمن ارزانی دار، آن چیزی که جَز تو کسی دیگر را یارای بخشیدن نیست آن زندگانی مطلوب و آرزو شده که سرشار از خدمت بهم نوع و فعالیت برای پیشرفت جهانیان بوده و به خَشَترای تو بستگی دارد. (آذرگشسب)

ای مزدا اهورا تو را به پاکی می‌شناسم ـ چون وهومن مرا فرا گرفت (آمد) (من گفتم) از ارمان من (این ارمان) به بخش زیست دراز (زیستی) که هر کسی جرأت ندارد آرزو کند یعنی زیست برگزیده وجودیکه در آن خشتر تو گفته شده. (شوشتری)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا اهوره! ترا پاک شناختم، آنگاه که «منش نیک» نزد من آمد تا آماج و آرزوی مرا دریابد: ـ «مرا زندگانی دیرپای ارزانی دار که هیچ کس جز تو نتواند بخشید؛ آن زندگانی آرمانی که در شهریاریِ مینُویِ تو، نوید آن داده شده است.» (دوستخواه)

و ترا پاک شناختم، ای مزدا اهورا، آنگاه که بهمن بسوی من آمد از برای شناختن دادخواهی کام من ـ آن را بمن ارزانی دارید، آن زندگی جاودان که هیچکس شما را بر آن شدن ناگزیر نتواند کرد، آن هستیِ آرزو شده که در کشور تو گفته شده. (پورداود)

ای خدای دانا، هنگامی ترا افزاینده شناختم که منش نیک مرا فرا گرفت تا آرمان و کام خود را دریابم. مرا چنین زندگانی درازی بده که کمتر کسی برای داشتن آن درخواست کرده، و آن همان زندگانی برگزیدنی است که همه می‌گویند در شهریاری تو هست. (جعفری)

آنگاه تو را مقدس شناختم ای مزدا اهورا که خرد پاک به من روی کرد و پرسید: ای زرتشت آرزوی تو چیست؟ و من گفتم آرزومند یک زندگی دراز و سالم هستم تا بتوانم در برابر دروغ پرستان هر چه بیشتر ایستادگی کنم و بر آنان پیروز شوم. (شهزادی)

و تو را با همهٔ جان ستایشگرم ای مزدا، هنگامی وهومنه، آن نیک منشیِ ایزدیت چونان پیکی بر من فرود آمد که ای زرتشت کامت چیست تا رامش یابد، و من ـ زرتشت، ـ گفتم اوست مزدایی که خیر مطلق است و پرتوهایِ خیرش ما را در بردارد، پس کام به راهی از او نتوانستم خواست، لیک چون کامم پرسیده شد. (رضی)

ای مزدا، آنگاه ترا پاک شناختم که اندیشهٔ نیک به من فراز آمد، و بدو گفتم: برای رسیدن به آماجم، مرا زندگانی درازی آرزوست، آن زندگی دلخواه، که تنها تو می‌بخشی، و در توان و شهریاری توست. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۱۴

هیت نا فریایی وَ اِدَمنُو ایسوا دَئیدیت
مَئییو مَزدا تَوا رَفِنُو فراخش نِنِم
هَیت توا خشتَرا اَشات هچا فرانش تا
اوزی رِایدیایی اَزِ سَرِدَناو سِنگهَ هَیا
مَت تاییش ویسپاییش یویی تویی مانترا مَرنْتی

همچون مرد توانگری، که کسی را به دوستی پذیرفته و او را یاری می‌دهد تو نیز پشتیبانی خودت را که همراه با بینش و دانایی است به من ارزانی دار آن (پشتیبانی) که در پرتو توانایی از روی راستی به دست می‌آید تا برپاخاستن خود دشمنان و هماوردان آموزش تو را دور کنم به همراه همه کسانی که پیام تو را به یاد می‌آورند و پیروی می‌کنند. (ساسانفر)

ای مزدا، همانگونه که دوستی به دوست خود شادمانی می‌بخشد، تو نیز با خرد پر توانت و در پرتو راستی، به پیروان من شادمانی ارزانی دار. با چنین مهر نیروزائی است، که من به پا خواهم خواست تا از کسانی که سخنان اندیشه برانگیز تو را گسترش میدهند، پشتیبانی کنم. (پردیس)

ای مزدا آن سان که مرد دلیر و توانائی بدوست خود مهربانی کرده و او را آرامش می‌بخشد، به پیروانم شادی فزون از اندازه بخش. آن شادی و سَروری که در پرتو راستی بدست آید و در قُدرت شهریاری تُست. پروردگارا من از آئین راستی و همه کسانی که پیام‌آور آسمانی ترا می‌سرایند پشتیبانی خواهم کرد. (آذرگشسب)

آنچه جوانمرد و خداوند به دوستش می‌دهد ای مزدا برکت دانش تو هست که از خشتر و تو بوسیله اشا فراهم می‌گردد و همت می‌بخشد به صف‌بندی و دفاع دلیرانه به پشتیبانی از آموزش تو به یاری آنانکه به ما ترا یعنی فرمان تو توجه می‌دهند. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا! آنچنان که فرزانه مردِ توانایی، دوستی را به مهربانی پناه می‌بخشد، تو نیز با «شهریاریِ مینُوی» خویش و در پرتو «اشه»، پیروان مرا پناه بخش تا من و همهٔ آنان که «مَنْثَره»یِ ترا می‌سرایند، بپاخیزیم و از آموزش‌ها[ی تو] پشتیبانی کنیم. (دوستخواه)

اگر پناه مهربان تو، آنچنان که مرد دانائی بآن تواناست بدوستی ارزانی دارد، ای مزدا، با شهریاری تو بمیانجی اردیبهشت بمن رسد، پس اینچنین برخیزم از برای برابر شدن بخوار دارندگان آیین تو با همهٔ کسانی که آموزش تو بیاد دارند. (پورداود)

ای مزدا، یاری و راهنمایی خود را که از شهریاری تو و از راستی برمی‌آید، بطوری به یارانم ارزانی دار که دانا و توانایی به دوستش می‌دهد. تا برجستگان و همهٔ آنانی را که پیام ترا به دل دارند، برانگیزم. (جعفری)

همان‌گونه که دوست مهربانی پیوسته پشت و پناه دوست خود است، ای مزدا مرا دستگیر و پشتیبان باش و نیرویی به من ده تا بتوانم آیین تو را به خوبی بگسترانم و به آنان که به فرمان تو و دستورهای تو گوش می‌دهند بیاموزم تا از دروغ‌پرستان روی بگردانند و با آنان بستیزند. (شهزادی)

خواهانم تا از راستی کامل و نیرومندیِ زیاده برخوردار باشم، تا با گروه پیروان بتوانیم در برابر دروغ پرستان ایستادگی کنیم و بر آنان پیروز شویم و آن که در این جهان کامروا باشیم و در آن جهان مینوی از شمارِ جاودانان آن کشور بهشتی گردیم. (رضی)

ای مزدا، همان‌گونه که مرد دلیر و توانا، به دوست خود شادمانی بخشد، تو نیز با شهریاری خود، و در پرتو راستی، به پیروان من شادمانی ارزانی دارد. من بپا خواهم خاست، و همراه با همهٔ آنهایی که سراینده سخن اندیشه‌انگیز تو هستند، پشتیبان آموزش‌های تو خواهم بود. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۱۵

سپِنتم اَت توا مَزدا مِنگهی اهورا
هیت ما وُهو پَئیری جَسَت مَنَنگهُو
دَخشَت اوشیایی توشنا مَئی تیش وهیشتا
نُوئیت نا پُئوروش درِگوَتُو خیات چیخش نوشُو
اَت تویی وپسنگ اَنگرِنگ اَشَئونُ آدرِ

ای اهورامَزدا تو را پاک و سزاوار ستایش شناختم آنگاه که وُهومن (منش نیک) به سویم فرا آمد. سفارش کرد بهترین چیز برای هوشمند اندیشیدن در آرامش است «مباد مردی بخواهد پیرو دروغ را خشنود (و از خود راضی) کند. چه آنها، همه درستکاران (و پیروان اشا) را بدخواه (و دشمن) می‌انگارند». (ساسانفر)

ای اهورامزدا، هنگامی تو را پیش بر و افزاینده شناختم که اندیشه نیک به من روی آورد، و مرا آموخت که بهترین راه پیشرفت، اندیشیدن در آرامش است. و از او در یافتم که هیچگاه، خوش آمدگوئی دروغکاران را نباید کرد. چون آنان همه راستکاران را دشمن می‌شمارند. (پردیس)

ای خداوندِ جان و خرد آنگاه تُرا پاک و مقدس شناختم که منشِ پاک بمن روی آورد و نُور حقیقت و معرفت بقلبم راه یافت. آنگاه دریافتم که اندیشهٔ آرام و ژرف بهترین وسیلهٔ کسب دانش و بینش معنوی است و هیچ رهبری شایسته نیست با هواخواهان دروغ از درِ آشتی درآید، زیرا آنان پرهیزکاران و درست‌کرداران را دشمن همیشگی خود پندارند. (آذرگشسب)

ای مزدا اهورا! تو را به پاکی می‌شناسم چون وهومن مرا فرا گرفت (در آمد). من آموزد که برای بالیدگی (روانی) بهترین (وسیله) مراقبه و سکوت می‌باشد و هرگز نباید رهنمای (دین) ناراستان را خوشنود سازد زیرا که آنان نیکان (مزدیسنان) را دشمن خود می‌پندارند. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا! ترا پاک شناختم؛ آنگاه که «منش نیک» نزد من آمد و مرا آموخت که اندیشیدن در آرامش، بهترین راه دانش اندوزی است و [هشدار داد که] رهبر هرگز نباید مایه خشنودی دُروندان شود، چه، آنان همواره با اَشَونان دشمنی می‌ورزند. (دوستخواه)

و تُرا پاک شناختم، ای مزدا، آنگاه که بهمن بسوی من آمد (و) از برای آگاه ساختن بیاموخت (مرا) توشنامئیتی بهتر: نباید همیشه مایهٔ خوشنودی پیروان دروغ شدن چه این راستی پرستان را برآشفته کند. (پورداود)

ای خدای دانا، هنگامی ترا افزاینده شناختم که منش نیک مرا فرا گرفت و نشان داد که برای پیشرفت در آرامش و سکوت اندیشیدن بهترین راه می‌باشد. هیچ آدم پر تجربه‌یی خوشامدگویی دروغ‌کاران را نمی‌کند، زیرا آنان همه راستکاران را دشمن می‌شمارند. (جعفری)

هنگامی تو را مقدس شناختم ای مزدا اهورا که وهومن به سوی من آمد و مرا واداشت تا دریابم که برای نیرومندی روان بهترین چیز اندیشه و یاد تو در گوشهٔ خاموشی است و مرا آگاه فرمود که نباید هرگز به جلب رضایت و خشنودی دروغ پرستان برآمد، زیرا آنان راستی را بدترین دشمن خود می‌دانند. (شهزادی)

ای مزدا، تو را ستایشگرم، چون وهومن برمن فرود آمد و گفت که بایستی پیکار با دروغ بی‌امان باشد، مبادا که سستی در مبارزه انگیزهٔ نگرانی راستی‌گرایان را فراهم آورد. (رضی)

ای مزدا اهورا، آنگاه ترا پاک شناختم که، اندیشهٔ نیک به من فراز آمد و مرا آموخت که، بهترین راه بالندگی مینویی، اندیشیدن در آرامش است، و راهبر هرگز نباید در پی خشنودی دُروندان باشد، زیرا آنان پیوسته با راستان راه دشمنی می‌پویند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۳ ، بند ۱۶

اَت اَهورا هُو مَئین یوم زَرَتوشترو
وِرِنتِ مَزدا یستِ چیش چا سپِنیش تو
استوَت اَشِم خیات اوشتانا اَئوجُنگهوَت
خوِنگ دَرِسوُیی خشترویی خیات آرمَئی تیش
اَشیم شیئُوتَنااِیش وُهو دَئیدیت مَنَنگها

پس ای اهورا زرتشت گوهر مینوی تو را (سپنتامَئینو) که به راستی از همه پاکترین است برای خود برمی‌گزیند تا باشد که اشا تَن و پیکرم را با زندگی سرشار از نیرو و شور زندگی بیاراید بشود که آرمَئیتی در قلمرو فرمانروایی تو که چون خورشید درخشان است در پرتو منش نیک کردار مرا پاداش دهد. (ساسانفر)

پس ای اهورا، زرتشت، راه اندیشه تو را دنبال میکند که افزاینده ترین و پیشبرنده ترین است. باشد که در پرتو راستی و کرداری که بر اندیشه نیک استوار است، زندگی مینوی و مادی ما نیرو گیرد، و آرامش در سرزمین درونی ما تابان شود، و ما را سرانجامی نیکو بخشد. (پردیس)

ای خداوندِ جان و خرد زرتشت برای خویش پاکترین خرد را بمنظور راهنما برگزید. بشود که راستی و درستی زندگانی مادی ما را نیرومند سازد. بشود که نیروی معنوی با نور ایمان و محبت چون پرتو درخشان خورشید قلوب ما را روشن سازد. پروردگارا بکسانیکه در پرتو منش پاک و عقل و خرد کاری انجام می‌دهند پاداش بخش. (آذرگشسب)

پس ای اهورا! زرتشت روحی را برگزیده که از تو هست و آن پاکترین است. آیا اشای مجسم پر از زندگی تو و پر از توانائی برای ما بشود و ارمایتی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و خشتر چون خورشید تابنده (در باطن ما جای می‌گیرند) و ارمایتی از وهومن ملهم شده به اعمال ما برکت دهد. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! پس زرتشت، «سپندترین مینو»یِ ترا برای خویشتن برگزید. [بشود که] «اشه» زندگی استومند ما را نیرو بخشد. [بشود که] «آرمیتی» و «شهریاریِ مینُوِی» [تو] زندگی ما را درخشان کنند. [بشود که] «منش نیک» کردارهای ما را پاداش دهد. (دوستخواه)

ایدون، ای اهورا او، زرتشت، از برای خود برگزید آن پاکتر روانت را ای مزدا ـ بپیکر آراسته باد راستی از زندگی و نیرو برخوردار باد در کشور خورشیدسان سپندارمذ ـ بشود که او بکردارهائی که از منش نیک است پاداش دهد. (پورداود)

پس ای مزدا، زرتشت برای خود آن طرز اندیشهٔ ترا برمی‌گزینند که افزاینده‌ترین است. بشود که راستی در زندگانی مادی روح بدمد و آرامش در شهریاری تابان گسترش یابد و برای کارهایی که با منش نیک انجام می‌گیرند، پاداش داده شود. (جعفری)

بنابر این من که زرتشت هستم آرمئی‌تی (نیروی ایمان و وجدان) را برای خود برگزیدم. باشد که به یاری آن، نیروی راستی و پاکی چون خورشید تابان بر همه نور پاشی کند و آرمئینی و وهومن ما را به حسب کردار نیک‌مان پاداش و مزد بخشد. (شهزادی)

ای مزدا همهٔ آن انوار تابان و نیروهای توان بخشت، زرتشت را در بر گیرد تا بتواند این آیین بهی را بِگُستَراند و آنانی را که از دروغ پرستان روی گردانده و خواهان پذیرش آیین بهی هستند در شمار رستگاران بپذیرد. (رضی)

ای اهورا، پس زرتشت برای خویشتن پاکترین اندیشه‌ها را برمی‌گزیند. باشد که در پرتو راستی، زندگی مادی ما نیرو گیرد، پارسایی و توانایی مینویی زندگی ما را تابان گرداند، و اندیشهٔ نیک کارهای ما را به پاداش نیکو برساند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات چهل و چهارم

هات ۴۴ ، بند ۱

تَت توا پرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا
نِمنگهُو آ یَتا نِمِ خشماوَتو
مَزدا فریائی تواوانس سَخیات مَوایِت
اَت نِ اَشا فریا دَزدیائی هاکورِنا
یتا نِ آ وُهو جیمَت مَنَنگهُو

این را از تو می‌پرسم، ای اهورا! به راستی برای من آشکار کن. برای کسی چون تو چگونه باید نیایش شود. ای مَزدا مرا آگاه کن کسی مانند من، دوست تو برای کسی چون تو چگونه نیایش کند. تا آنکه همکاری دوستانه اشا به ما ارزانی شود. همچنین وُهومن (منش نیک) به سوی ما روی آورد. (ساسانفر)

به من بگو، ای اهورامزدا آنگونه که بدرستی دریابم چگونه رهروان راهت تو را خواهند شناخت؟ و تو کی دوستی چون من را خواهی آموخت؟ و باز از تو می‌پرسم، کی در پرتو راستی مرا یاری خواهی نمود، تا با اندیشه نیک همیشه هم دم و هم زیست شوم؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، بافروتنی از تو پرسشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. آیا پرستش تو را چگونه باید بجای آورد؟ ای مزدا قلب من از مِهر تو لبریز است، بگذار کسی که ترا خوب می‌شناسد راه درست را بمن نشان دهد. پروردگارا بشود که در پرتو راستی و درستی از یاری تو برخوردار گشته و دیدهٔ دلمان از نور پاک منشی و ژرف بینی روشن گردد. (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم بگو بمن راست ای اهورا ـ می‌پرسم با فروتنی و نیاز چگونه بپرستد شما را (ارداتمند شما) یکی که از شماست ای مزدا! رهنمائی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

که به عاشق شما (چون من) و بوسیله محبوب ما) اشا بما یاری برسد تا وهومن میان ما برسد. (شوشتری)

ای اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: چگونه [باید باشد] نیایش فروتنانهٔ دلدادگان تو؟ ای مزدا؛ (بگذار] کسی همچون تو، [آن را] به دوستی چون من بیاموزد. پس در پرتو «اشه»یِ گرامی، ما را یاری بخش تا «منش نیک» به سوی ما آید. (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: دربارهٔ نماز، آنچنان نمازی که از برای مانند شما کسانی است ای مزدا، کسی مانند تو بدوستی مانند من باید آن را بیاموزاند و بمیانجی اردیبهشت ارجمند باید که او یاری دهد تا اینکه منش نیک نزد ما فرود آید. (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز سرم خم است اما چگونه ترا نماز ببرم؟ کی دوستی چون من را خواهی آموخت؟ کی ما را به دستیاری راستی مهر آگین خواهی کرد تامنش نیک روی به ما بیاورد و نزد ما بیاید؟ (جعفری)

از تو می‌پرسم ای اهورا، مرا آگاه فرما، چگونه تو را به درستی باید ستود؟ ای مزدا آن را به من، که چون جان تو را دوست دارم، بیاموز تا همه بتوانیم از این راه به حقیقت پی بریم و منش پاک به سوی همهٔ ما روی آورد. (شهزادی)

از تو پرسش می‌کنم ای اهورا، که ستایش چگونه است، آن ستایشی که بایستهٔ چون تو خدایی است؟ آن را به من که از جان، با شور هواخواه لطفِ توام و چونان دوستی در پناهت هستم بیاموز، تا بدان وسیله ارجمند شوم و راستی و پاکی بر من فرود آید. (رضی)

ای مزدا اهورا، این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، چگونه دلدادگان تو با فروتنی، ترا بشناسند؟ کی راه را، به دوستی چون من می‌آموزی؟ و کی در پرتو راستی دلخواه، مرا یاری می‌کنی، تا اندیشهٔ نیک به سوی ما آید؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۲

تَت توا پِرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا
کَتا اَنگِهِئوش وَهیشتَهیا پَئُواورویم
کات ِسوئیدیائی یِ ای پَئی تیشات
هوُ زی اَشا سپِنتُو ایریختِم ویسپو ایبی یُو
هارو مَئی نیو اَهوم بیش اوروَتو مَزدا

این را از تو می‌پرسم ای اهورا به راستی برای من آشکار کنی. بنیاد بهترین زندگی در این جهان چگونه است؟ آیا کسی که آنها را بخواهد و برای به دست آوردن آنها تلاش کند می‌تواند دور از گزند بماند؟ «او با پیروی از اشا به راستی مردی پاک و پاسدار مرده ریگی است که برای همگان است». ای مَزدا او درمان بخش زندگی و همبسته با گوهر مینوی تو خواهد بود. (ساسانفر)

به من بگو، ای اهورامزدا آنگونه که بدرستی دریابم، سرچشمه یک زندگی خوشبخت در کجاست؟ و چیست پاداش آنکه در جستجوی این چنین زندگیست؟ و آنکس که از سوی همگان برگزیده شده، چگونه در پرتو راستی چاره ساز دشواریها، و نگهبان اندیشه های پیشبرنده خواهد بود؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، پُرسشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. آیا سرچشمهٔ بهترین و والاترین زندگی معنوی کدام است؟ آیا کسی که برای دست یافتن بآن تلاش می‌کند چه پاداشی خواهد یافت؟ ای مزدا اوست رهبر ما که در پرتو راستی و درستی مقدس است، او برگزیدهٔ نژاد بشر، پاسدار مردم، درمان‌بخش زندگی، یک دوست واقعی و روحانی به تمام معنی است. (آذرگشسب)

آن پرسم از تو راست به من بفرما، ای اهورا چگونه برای برترین انجام زندگی پاک یکی بکوشد، او که یقیناً یک روان پر تمنای دیگر را رهنماست که کامیاب گردد زیرا او یقیناً بواسطه اَشا کُل همه (بشریت) پاک است و نگهبان به نفس و روان شفا دهنده و دوست است ای مزدا. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای اهوره! این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی [پاسخ] گوی: چگونه است سرآغاز «بهترین زندگی» و آن کس که براستی [در پی آن] کوشاست، چه پاداشی [می‌یابد]؟ ای مزدا! براستی او ـ [آن] پاک، [آن] مرده ریگ و برگزیدهٔ همگان ـ در پرتو «اشه»، نگاهبانِ مینُویِ [مردمان] و دوست [و] درمان‌بخش زندگی است. (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه در آغازِ بهتر جهان پاداش سود دهد بکسی که آن را دریافت خواهد کرد؟ او آری، ای راستی، آن پاک، سراسر انجام را نگران (است)، آن دوست درمان‌بخش زندگی، ای مزدا. (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز چگونه دوستاری که از آغاز در جستجوی بهترین زندگانی است، به آن خواهد رسید زیرا چنین کسی در پرتو راستی دارایی همهٔ مردمان را می‌افزاید و آنان را غنی می‌سازد. او پاسدار معنوی، چاره‌ساز جهان و دوست همه است. (جعفری)

از تو می‌پرسم ای اهورا، چه به راستی می‌خواهم بدانم، آیا سرانجام زندگی پارسایی خوشبختی در دو جهان است و کسی که برای رستگاری روان دیگران می‌کوشد، بهرهٔ نیک خواهد برد؟ این را ای مزدا می‌دانم هر که به مردم مهر ورزد و برای رستگاری دیگران بکوشد، چنین کسی دوست تو و درمان‌بخش زندگی مردم خواهد بود. (شهزادی)

از تو پرسش می‌کنم، من ـ زرتشتِ پاک، آن دوست دوستار تو، آن درمان‌گرِ دردهایِ زندگیِ مردمان، که چشم به راه فراسوی این زندگی دارم تا در آن جهانِ پسین چه خواهد گذشت، آیا نیکان چه سان به پاداش آن نیکی‌های‌شان خواهند رسید، تا این نوید شادکامانه را بر مردمان باز گویم. (رضی)

ای مزدا اهورا، این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، چیست سرآغاز و سرچشمهٔ بهترین زندگیها؟ و کسی که در پی آن کوشاست، چه پاداشی می‌یابد؟ و آنکه برگزیدهٔ همگان است، چگونه در پرتو راستی، پاک، دوست و چاره ساز زندگی، و نگهبان همهٔ کارهای مینویی است؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۳

تَت توا پِرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا
کَسنا زانتا پتا اشهیا پُئورویُو
کَسنا خِونگ سترِم چا دات اَدوانِم
کِه یا ماو اوخشی یِئیتی نِرف سَئیتی توات
تاچیت مَزدا وَسِمی اَنیاچا ویدویه

این را از تو می‌پرسم، ای اهورا براستی برای من آشکار کنی. کیست سرچشمه (پدر) سامان و نظام هستی (اشا) در آغاز آفرینش. کیست که مسیر خورشید و ستارگان را بنیاد نهاده. با کیست که ماه گهگاه می‌افزاید و می‌کاهد. ای مَزدا دانستن اینها و چیزهای دیگر را آرزو دارم. (ساسانفر)

به من بگو، ای اهورامزدا آنگونه که بدرستی دریابم کیست آنکه در آغاز راستی را آفرید؟ و به خورشید و ستارگان، راه پیمودن آموخت؟ و ماه را گاه در افزایش و گاه در کاهش نهاد؟ ای مزدا من خواهان دانستن همه چیزم. (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، پُرسشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. آیا در روز ازل چه کسی آفریدگار و سرچشمه راستی بوده است؟ چه کسی راه سیر خورشید و ستارگان را تعیین فرمود؟ کیست آنکه ماه را گاهی بدر و گاهی هِلال ساخت؟ ای مزدا من می‌خواهم از همهٔ این حقایق و بسا چیزهای دیگر آگاهی یابم. (آذرگشسب)

کدام کس آفریننده و نخستین پدر معنوی اشا است و کدام کس راه (فلک) خور و ستارگان را ساخت و که به نوبه هلال (و بدر را هلال) می‌سازد اینها و نیز دیگر چیزها رازهای طبیعت را ای مزدا! می‌خواهم بدانم از تو. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: چه کسی در آغاز، آفریدگار و پدرِ «اشه» بوده است؟ کیست که راهِ [گردش] خورشید و ستارگان را بر نهاده است؟ از کیست که ماه می‌فَزاید و دیگر باره می‌کاهد؟ ای مزدا! خواستارم که این همه و دیگر [چیزها] را بدانم. (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: کیست از آفرینش پدر راستی، نخستین؟ کیست که بخورشید و ستارگان راه (گردش) داد؟ از کیست که ماه می‌فزاید (و) دگرباره می‌کاهد؟ این، ای مزدا، و دیگر (چیزها) دانستن خواستارم. (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز چه کسی نخستین آفریننده و پدر راستی است؟ چه کسی برای خورشید و ستارگان راه را استوار کرده؟ از کیست که ماه می‌افزاید و می‌کاهد؟ ای مزدا، همه اینها و دیگر چیزها را می‌خواهم بدانم. (جعفری)

از تو می‌پرسم ای اهورا به راستی می‌خواهم بدانم ـ جز تو چه کسی در روز نخست آفرینش را بیافرید؟ چه کسی به خورشید و ستارگان راه سیر بنمود؟ کاهش و افزایش ماه از کیست؟ اینها و بسا چیزهای دیگر را می‌خواهم به درستی بدانم. (شهزادی)

و از تو پرسش می‌کنم ای اهورا: این آفرینش چه سان هستی یافت و چه کسی بر آن سروری دارد. ای مزدا مرا بیاگاهان از این نظام شِگرف، که چه سان این خورشید و ستارگان گردانند، که چه گونه این قرص ماه گاه بدر است و گاه هلال؛ و چگونه بسیاری از این گونه سازمان‌ها در این گیتی به جاست؟ خواستم آن است که دربارهٔ این همه دانش بیاموزم. (رضی)

ای مزدا اهورا، این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، کیست در آغاز، آفریدگار و پدر راستی؟ چه کسی به خورشید و ستارگان، راه پیمودن نموده است؟ کیست که از او ماه گاه در افزایش و گاه در کاهش؟ ای مزدا، من خواهان دانستن اینها و دیگر چیزهایم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۴

تَت توا پِرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا

کَسنا دِرِتا زانم چا اَدِ نَباوس چا

اَوَپَستوئیش که اَپو اوروَراوس چا

که واتائی دوان مَئیبی یَسچا یَئوُکِت آسو

کَسنا وَنگهِئوش مَزدا دان میش مَنَنگهُو

این را از تو می‌پرسم، ای اهورا به راستی برای من آشکار کن. کیست که زمین را در پائین و آسمان‌ها را در بالا نگاه می‌دارد. و نیز آبها و گیاهان را که فرو نیفتند. کیست که ابرها و باد تند رو را به لگام می‌کشد. ای مَزدا کیست آفریننده منش نیک. (ساسانفر)

به من بگو، ای اهورامزدا آنگونه که بدرستی دریابم کیست آنکه، زمین را در پائین و آسمان بیکران را در بالا نگاه داشته؟ و کیست آنکه، آب و گیاه را آفریده؟ و به باد و ابر تیره، تندروی داده؟ و کیست آنکه، اندیشه نیک را پدیدار ساخته؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، پُرسشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برمن آشکار سازی. چه نیروئی زمین را در پائین و سپهر را در بالا نگهداشته است و از فرو افتادنش جلوگیری می‌کند؟ کیست آفرینندهٔ آب و گیاه؟ کیست آنکه به باد وزش و به تیره ابر باران‌زا تندروی بخشید؟ ای مزدا کیست آفریننده و اِلهام‌بخش منش پاک؟ (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم که زمین را از آسمان جدا نگه داشته و که آب‌ها را و گیاه‌ها را به باد و به ابر پر از بخار (تیره) تندروی بخشید و که ای مزدا! آفریننده وهومن است. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: کدامین کس زمین را در زیر نگاهداشت و سپهر را [برفراز) جای داد که فرو نیفتد؟ کیست که آب و گیاه را [بیافرید]؟ کیست که باد و ابر تیره را شتاب بخشید؟ ای مزدا! کیست آفریدگارِ «منش نیک»؟ (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: کی نگهداشت زمین در زیر و آسمانها (در بالا) که نمی‌افتند؟ کی آب و گیاه‌ها (آفرید)؟ کی به باد و ابرها تندی پیوست؟ ای مزدا، دادارِ منش نیک؟ (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز چه کسی زمین و آسمان را بر جای‌های خود نگاه داشته؟ که آب را آفریده و که درختان را؟ که باد را تندی می‌بخشد و که ابرها را؟ چه کسی، ای دانا، منش نیک را پدید آورده؟ (جعفری)

از تو می‌پرسم ای اهورا ـ به راستی می‌خواهم بدانم ـ جز تو چه کسی نگهدار زمین در پایین و سپهر در بالا است؟ جز تو چه کسی آفرینندهٔ آب و گیاهان است؟ جز تو کیست آن که به باد و ابر تند روی فرمود؟ جز تو چه کسی برانگیزندهٔ منش پاک در مغزهای مردم است؟ (شهزادی)

چه سان این زمین در زیر و آسمان بر آن واژگون است، که چه سان آب‌هایِ پهناور روان‌اند و ساکن و این گیاهان از پیکر زمین رسته‌اند و باد در فضا به تندی وزان است و ابرها بر دل سپهر در جنبش؟ (رضی)

ای مزدا اهورا، این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، کیست آنکه، زمین را در پایین و آسمان بی‌نشیب را در بالا نگاه داشته است؟ کیست آنکه، آب و گیاه را آفریده است؟ کیست آنکه، به باد و ابر تیره تندروی داده است؟ و کیست آنکه، اندیشهٔ نیک را پدیدار ساخته است؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۵

تَت توا پِرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا

کِ هواپاو رئوچاوس چا تِماوسچا

کِ هِواپاو خَوَفِنِم چا دات زَئِماچا

کِ یا اوشا اَرِم پیتوا خشاپاچا

یاو مَنئُوتریش چَزدونگهوَنتِم اَرِتَهیا

این را از تو می‌پرسم، ای اهورا، به راستی برای من آشکار کن. کدام استاد کار روشنائی و تاریکی را بنیان نهاد. کدام استاد کار خواب و بیداری را پدید آورد. کیست که به وسیله او بامداد، نیمروز و شب وجود دارند. همه آنها ستاینده را یادآور می‌شوند به وظیفه خود «ستایش» عمل کند. (ساسانفر)

به من بگو، ای اهورامزدا آنگونه که بدرستی دریابم کدام هنرمندی، روشنائی و تاریکی را آفرید؟ و خواب و بیداری را پدید آورد؟ و کیست آنکه بامداد و نیمروز و شب را از نیستی به هستی آورد، تا مردم را در پرتو خرد به کوشش فرا خواند؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، پُرسشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. آیا آفرینندهٔ روشنائی و تاریکی کیست؟ آیا خواب و بیداری و حالت آرامش و فعالیت را چه کسی پدید آورد؟ کیست پدید آورندهٔ بامداد و نیمروز و شب که مرد دانا را بانجام وظایف روزانهٔ خود هشدار می‌دهد؟ (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! کدام سازنده بزرگ جهان روشن و نیز تاریک را آفرید و کدام سازنده خواب و بیداری را آفرید و کیست که پدید کننده بامداد و نیمه روز و شب است و که دانشمند را از مقصود زندگی آگاه می‌سازد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای اهوره ! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی کدامین استاد کاری، روشنایی و تاریکی را بیافرید؟ کدامین استاد کاری، خواب و بیداری را بیافرید؟ کیست [که] بامداد و نیمروز و شب را [بیافرید] تا فرزانگان را پیمانِ [ایزدی] فرا یاد آورد؟ (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: کی روشنائی خوب کنش و تاریکی آفرید؟ کی خوابِ خوب کنش و بیداری آفرید؟ کی بامداد (و) نیمروز و شب (آفرید) که یاد آوراند برگزیدگان را به پیمان؟ (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز کدام هنرمندی روشنی‌ها و تاریکی‌ها را آفرید؟ کدام هنرمندی خواب و بیداری را آفرید؟ چه کسی بامداد و نیمروز و شب را آفرید، تا اندیشمندان همواره به یاد وظایف خود باشند. (جعفری)

و جز تو کیست آن هنرمند بزرگی که روشنایی سودمند و شب آرام بخش را بیافرید؟ جز تو کیست ایجاد کنندۀ خواب و بیداری؟ و جز تو چه کسی پدید آورنده بامداد و نیمروز و شب است که مردم را برای ادای نماز تو فرا می‌خواند؟ (شهزادی)

چگونه این روشنی سودبخش پیدایی یافت و آن تیره‌گونی و تاریکی؛ چه سان خوابِ آسایش‌بخش پدید آمد و بیداری سودبخش، و چگونه شب پیدا شد و از پس آن روز که مردمان را به کار و کوشش فرا می‌خواند؟ آری ای اهورا مرا از این همه بیاگاهان. (رضی)

ای مزدا اهورا، این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، کدام مهسازی، روشنایی و تاریکی را می‌آفریند؟ کدام مهسازی، خواب و بیداری را پدید می‌آورد؟ کیست آنکه، بامداد و نیمروز و شب را می‌نمایاند؟ که دانا را به انجام بایسته‌های خود فرا می‌خواند؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۶

تَت توا پِرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا

یا فرَوَخشیا یِزی تا اَتا هَئی تیا

اَشِم شیَئوتَنائیش دِبانزَیتی آرمَئی تیش

تَئی بیوُ خشَترِم وَهو چیناس مَنَنگها

کَ اِ ایبیوُ اَزیم رانیوُ سِکِرایتیم گانم تَشوُ

این را از تو می‌پرسم ای اهورا! به راستی برای من آشکار کن. آیا اینها بدین‌سان که در زیر خواهم گفت درست است. آیا کارهائی که همراه با پارسائی (آرمیئتی) باشد دسترسی به اشا را افزایش می‌دهد. آیا نوید (وعده) دادی با پیروی وُهومن (نیک اندیشی) میتوان به قلمرو فرمانروائی تو رسید. برای چه کسانی زمین بارور و شادیبخش را آفریدی. (ساسانفر)

به من بگو، ای اهورامزدا آنگونه که بدرستی دریابم آیا آنچه‌را که میگویم و می‌آموزم و می‌آموزانم، براستی درست است؟ آیا آرامش در پرتو اندیشه نیک، راستی را در جهان گسترده خواهد نمود و نیروی خودچیرگی را در مردمان افزایش خواهد داد؟ ای مزدا ، بمن بگو برای چه کسی این جهان بارور و شادی بخش را آفریده ای؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، پُرسشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. آیا آنچه را که بیان خواهم کرد حقیقت دارد؟ آیا عشق و ایمان بخدا، در پرتو کار نیک رستی و درستی افزایش خواهد یافت؟ آیا در پرتو منشِ پاک، نیروی ایزدی پدید خواهد آمد؟ آیا این جهان بارور و شادی‌بخش را برای که آفریدی؟ (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! آیا آنچه می‌آموزم همه راست هستند (یعنی) در نتیجه اعمال ما در ارمایتی اشا (نیکی و راستی)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

افزایش می‌یابد و اینکه (او ارمایتی) پیمان نموده که توسط وهومن خشتر شما را (برای نیکان) برای که ای اهورا این بارور شادی آورنده مادر گیتی را ساختی. (شوشتری)

ای اهوره! این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی [پاسخ] گوی: آیا براستی همهٔ آنچه من نوید می‌دهم، درست است؟ [آیا] «آرمیتی» با کُنشِ خویش، «اشه» را خواهد افزود و اینان را مژدهٔ [پدیدار شدن] «شهریاریِ مینُوی» در پرتو «منش نیک» [خواهد داد]؟ این جهانِ بارور و خرمی‌بخش را برای که آفریدی؟ (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: پس آیا بدرستی آنچنان است که من نوید خواهم داد اردیبهشت با کردارش یاوری خواهد کرد؟ (و) سپندارمذ؟ بهمن از سوی تو کشور (مینوی) را (از آنِ ما) خواهد شناخت؟ از برای کی چارپای بارورِ خرمی‌بخش آفریدی؟ (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز آیا آنچه را که می‌خواهم فرا بگویم، درست است؟ آیا آرامش با کارهایش راستی را می‌افزاید و در پرتو منش نیک شهریاری را برای جهانیان آماده می‌سازد؟ بگو، برای چه کسانی این جهان بارور شادی‌بخش را آفریدی؟ (جعفری)

از تو می‌پرسم ای اهورا ـ به راستی می‌خواهم بدانم ـ آیا روزی دانش واقعی و خرد مینوی (آرمئیتی) را به یاری ما خواهی فرستاد؟ چه می‌دانم ملکوت تو بر نیک منشی و راستی استوار است و برای چه کسانی این جهان بارور و شادی‌بخش را بیافریدی. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، آیا آنچه را که می‌گویم و می‌آموزم، همه براستی درست است؟ آیا پارسایی، با کنش خود راستی را می‌افزاید؟ و در پرتو اندیشهٔ نیک، ای مزدا، برای چه کسی این جهان بارور و شادی‌بخش را آفریده‌ای؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۷

تَت توا پِرِسا ارِش مُوئی وَئوچا اهورا

کِه بِرِخزانم تاشت خشَترا مَت آرمَئیتیم

که اوزِمِم چُورت ویانَیا پوترِم پیتر

اَزِم تائیش توا فراخش‌نی اَوامی مَزدا

سپِنتا مَئینیو ویسپَنانم داتارِم

این را از تو می‌پرسم ای اهورا! به راستی برای من آشکار کن. چه کسی خشترای گرانمایه (نیروی نیستی‌ناپذیر) را با آرمئیتی بیافرید. چه کسی شور و عشق پرارج پسر را برای پدر پدید آورد. من با اینها (پرسش‌ها) ای مَزدا در شناختن (و دریافتن) تو کوشش می‌کنم. به راستی که تو با گوهر مینوی خود آفریننده همه آنها هستی. (ساسانفر)

به من بگو، ای اهورامزدا آنگونه که بدرستی دریابم. چه کسی نیروی خود چیرگی را همراه با آرامش پدید آورد؟ و چه کسی از روی خرد، رشته مهر را میان پدر و مادر و فرزند بست؟ با این پرسشها، من میکوشم، ای مزدا، تا در پرتو خرد روشن تو را که آفریدگار هستی میباشی بشناسم. (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، پُرسشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. چه کسی ایمان بخدا و نیروی خدمت به برادران نوعی را در ما پدید آورد؟ چه کسی از روی خِرد و فرزانگی احترام و محبت پدر را در دل فرزند نهاد؟ ای مزدا، من می‌کوشم تا در پرتو خِرد پاک تو را آفرینندهٔ همه چیز بدانم. (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! که گرامی ارمایتی را با خشتر آفرید ـ و که با دم زندگی پسر را به پدر فرمانبر می‌کند ـ به این

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پرسش‌ها ای مزدا می‌کوشم که بوسیله سپنتا مائینیو تو را که دادار همه هستی بشناسم. (شوشتری)

ای اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: چه کسی «شهریاریِ مینُوی» و «آرمیتی» ارجمند را بیافرید؟ چه کس به فرزانگی، پسر را دوستدار پدر کرد؟ ای مزدا! همانا می‌کوشم تا تو و «سپند مینو» را آفریدگار همه چیز بشناسم. (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: کی با شهریور، سپندارمذ ارجمند (هم) بیافرید؟ کی با فرزانگی پسر را دوستار پدر کرد؟ همانا من می‌کوشم، ای مزدا، تا ترا با خرد پاکت دادار همه چیز فرا شناختن. (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز چه کسی آرامش ارجمند را با شهریاری ساخت؟ چه کسی فرزند را برای هر پدر و مادر از روی غریزه عزیز می‌سازد؟ با این پرسش‌ها است، ای دانا، که به خود کمک می‌کنم تا ترا به دستیاری خرد افزاینده آفریدگار همه بشناسم. (جعفری)

این را می‌دانم ای اهورا که تو از روز ازل نیروی معنوی و مهر و دوستی جهانی و همگانی را بیافریدی، تویی آن کسی که از روی خرد مهر فرزند را در دل پدر و مادر برانگیخته‌ای. ای مزدا آرزومندم که به وسیلهٔ خرد مقدس به تو نزدیک شوم و تو را چنان چه باید بشناسم. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، چه کسی، توانایی مینویی را همراه با پارسایی بیافرید؟ چه کسی با فرزانگی، پسر را دوستدار پدر کرد؟ من می‌کوشم با این پرسش‌ها و با اندیشهٔ پاک، ترا که آفریدگار همه هستی، بشناسم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۸

تَت توا پِرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا

مِن دائیدیایی یا توئی مَزدا آدیش تیش

یاچا وُهو اوخذا فرَشی مَنَنگها

یاچا اشا انگهِئوش اَرِم وِئَدیائی

کا مِ اوروا وُهو اورواخشَت آگِمَت تا

این را از تو می‌پرسم ای اهورا! برایم به راستی آشکارکن. که آیا به یاد سپردن آموزش تو ای مزدا! آیا رایزنی با وُهومن و اشا در کاربرد سخنان و آموزش‌های تو برای دست یافتن به یک زندگی شایسته (کافی است) روانم در چه راهی باید پیش رود که خوبی‌ها را دریابد. (ساسانفر)

ای اهورامزدا به من بگو، مانند دوستی به دوستش من که به آموزشهای تو می‌اندیشم، و با اندیشه نیک از تو پرسش میکنم، چگونه در پرتو راستی، به رسائی زندگی دست می‌یابم و از روانی شاد برخوردار میگردم؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، پُرسشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. تا بتوانم ای مزدا در مورد آنچه که از سوی تو الهام شده است بیاندیشم. پروردگارا، خواستارم در پرتو منشِ نیک، آموزش‌های ترا درک نمایم و در پرتو راستی و پاکی از رسائی در زندگی برخوردار گردم. پروردگارا، چگونه و با انجام چه نیکوئی‌هائی روانم از شادی و آرامش بهره‌مند خواهد شد. (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! برای خورسندی روانم اراده خود پدید کن و آموزشی که توسط وهومن و آَشا می‌جویم که هدف زندگی را بدانم ـ کدام بلندی‌های روانی هستند که روان من برای یافتن آنها پیش برود. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: [من که به آموزش‌های تو می‌اندیشم وگفتار ترا در پرتو «منش نیک» می‌جویم تا بدرستی بیاموزم، چگونه به یاری «اشه» از هنجارِ زندگی آگاهی خواهم یافت و روانم به شادیِ روزافزون خواهد رسید؟ (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: آموزش ترا خواهم بیاد سپردن، ای مزدا، و دستور زندگی که از اردیبهشت و بهمن همی‌پرسم بدرستی دریافتن: چگونه روان من به بخشایش شادی انگیز خواهد رسید. (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز من که برای شناختن و دریافتن آیین تو، ای دانا، از منش نیک سخنانی می‌پرسم، و از راه راستی رازهای زندگانی را بدرستی می‌فهمم، کی روانم به نیکی و خرسندی خواهد رسید؟ (جعفری)

ولی ای مزدا ـ چگونه می‌توان به ارادهٔ تو پی برد و راه و روش زندگی نیک منشی و پارسایی را یافت و چگونه می‌توان روان خود را به سوی رستگاری دو جهانی پیش برد؟ (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، من که به آموزش‌های تو می‌اندیشم، و با اندیشهٔ نیک سخنانی می‌پرسم، چگونه در پرتو راستی، به رسایی زندگی دست می‌یابم، و از آرامش و شادمانی روان برخوردار می‌گردم؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۹

تَت توا پِرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا

کَتا موئی یانم یَئوش دَئِناتم یَئُوژ دانِ

یانم هودانَئوش پَئی تیشِ سَخیات خَشتَرم هیا

اِرِشوا خَشترا تواوانس اسیش تیش مَزدا

هَدِمُوئی اشا وُهوچا شیانس مَنَنگها

این را از تو می‌پرسم ای اهورا! برایم به راستی آشکار کن. چگونه برایم (ممکن می‌شود) که به بینش معنوی (دئنا) خود، زندگی بخشم و به رسایی برسانم. تا که سرور خردمند و توانائی، مرا آگاه کند. او فرمانروائی همانند توست ای مَزدا که با توانائی بدون مرز خود در پایگاهش با اشا و وُهومن زیست می‌کند. (ساسانفر)

ای اهورامزدا به من بگو، آنگونه که بدرستی دریابم. چگونه درون خود را به فروغ آرامش روشن کنم؟ و با دانشی که از تو می‌آموزم، چگونه همراه با نیروی خودچیرگی، و همگام با راستی و اندیشه نیک به سرای تو راه جویم؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، پُرسشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. چگونه وجود خود را دربست در انجام خدمت مقدس با تمام نیرو و توان بتو نثار کنم؟ این حقیقت را دانش دین بمن می‌آموزد. ای مزدا، فدائی تو در پرتو راستی و منش پاک، و خدمت بمردم با تمام نیرو سرانجام در جایگاه تو یعنی بهشت مأوا خواهد گُزید. (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! چگونه همه وجدان خود را به پاکی وقف کنم ـ وجدانی که خداوند برترین دانائی خشتر تو را می‌نماید. (بنابر این) ارادتمند تو تمنا دارد ای مزدا که با خشتر بلند و با اَشا و با وهومن در مکان تو که بهشت برین است جایابد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: چگونه «دین» خود را بپالایم و از سرِ شیفتگی، یکباره نیاز [تو] کنم تا با آنچه از تو خداوند نیک آگاه و در پرتو شهریاریِ تو می‌آموزم، با «شهریاریِ مینُویِ» ارجمند و «اشه» و «منش نیک» به سرای یگانهٔ تو ـ که [به من] نوید داده شده است ـ راه یابم؟ (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه مرا که دین رسا سازم، از برای نیک اندیش، خداوندگار کشور (مینوی) از نویدهای بکشور راستین بیاموزاند، کسی مانند تو ای مزدا که با راستی و منش نیک در یک سرای آرام دارد؟ (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز چگونه وجدانم را پاک و پاکیزه سازم تا به آن خداوند دانش رازهای شهریاری بیاموزد و مانند تو، ای دانا، با شهریاری والا و راستی و منش نیک در درگاه خدایی بمانم؟ (جعفری)

این را به راستی می‌دانم که روان پیروان آیین تو ای مزدا در هر دو جهان در بهشت (بهترین جای) قرار خواهند گرفت و مردم تنها از راه پیروی راستی و پاک منشی به کشور جاودانی تو راه خواهند یافت. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، چگونه یابش خود را پاک گردانم و آن را نیاز تو کنم؟ تا به سرسپردگی به تو، و با دانشی که در پرتو شهریاری تو می‌آموزم، و با توانایی مینویی، و با راستی و اندیشهٔ نیک، به بارگاه تو راه جویم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۱۰

تَت توا پِرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا

تانم دِئنانم یا هاتانم وَهیشا

یا مُوئی گَئِتاو اَشا فرادوئیت هَچِم نا

آرمَه توئیش اوخزائیش شی یَئوُتَنا اِرِش دَئیدیَت

مَخیاو چیس تیش توا ایش تیش اوسِن مَزدا

این را از تو می‌پرسم ای اهورا! به راستی برای من آشکار کن. گفتی «این آئین را از میان آنها که وجود دارند بهترین است» که آفریدگان مرا، آنها که همبسته با اشا هستند، و به گفتار و کرداری که هماهنگ با آرمئیتی است توجه دارند، خوشبخت می‌کند» من با شناخت تو در آرزوی نیروی تو هستم. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، به من بگو آنگونه که بدرستی دریابم چیست آن آئینی، که برای جهانیان بهترین است؟ و کدام است آئینی که همگام با راستی، جهان را به پیش می‌برد، و در پرتو راستی، زندگی ما را به سوی آرامش گرایش میدهد؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، پُرسشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برمن آشکار سازی. پروردگارا، از آئین الهام‌بخش خود که برای مردم جهان بهترین موهبت است مرا آگاه ساز، آئینی که با راستی همگام بوده و به پیشرفت جهان هستی کمک می‌کند. پروردگارا، آرمئی‌تی یا نور ایمان را در قلبمان روشن ساز تا در پرتو آن کارهای ما بسوی راستی و درستی گرایش پیدا کند. ای مزدا ما را هدایت فرما تا خواست و آرزوی نهائی ما رسیدن بتو باشد. (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! آن چه دینی است که همه دین‌ها برای همه موجودات بهترین است و آنکه به الهام ارمایتی اعمال ما

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

را رهنما خواهد شد به حقیقت (راست) این است تمنای عقلم ای مزدا (نشان دهی آنرا) که بسوی تو باز می‌گردد. (شوشتری)

ای اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: کدام است دین تو که جهانیان را بهترین [دین] است و همگام با «اشه»، جهان هستی را افزونی می‌بخشد و در پرتو «آرمیتی»، گفتار و کردار [ما] را به سوی راستی رهنمون خواهد شد؟ ای مزدا! من با دانش و گرایش خویش، به [دین] تو روی می‌آورم. (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: دین که بهتر چیزهاست، آن (دین) با راستی پیوستهٔ من که بجهانیان فزونی دهد، آیا آنان با گفتار و کردار پارسائی درست خواهند نگریست بکیش من، بآرزوی بخشایش‌های تو، ای مزدا؟ (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز دینی برای جهانیان بهترین است که از روی آیین راستی جهان ما را به پیش می‌برد و گفتار و کردار ما را در پرتو آرامش درست می‌نماید. پس من تاب و توانایی و هوش خود را، ای مزدا، متوجه تو می‌سازم. (جعفری)

به راستی ای مزدا چنین خواهد بود. چون راه و آیین تو بهترین ارمغان برای آدمیان است و از آن جایی که این آیین با راستی یکسان است، پیروان آن را فراخی و آسایش و رستگاری دو جهانی خواهی بخشید. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، چیست آن آیین تو که برای جهانیان بهترین است، و همگام با راستی، جهان را پیش می‌برد، و در پرتو پارسایی، کارهای ما را به سوی راستی راه می‌نماید؟ من با خواست و دانش خود، به سوی تو و آیین تو روی می‌آورم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۱۱

تَت توا پرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا

کَتا تِنگ آ وی جِمیات آرمَئی تیش

ی یَئِئی بیوُ مَزدا توُئی وَشی یِتِ دَئِنا

اَزِم توئی آئیش پُئورویو فَروُایویدِ

ویسپِنگ اَنی یِنگ مئین یِئوش سپَس یا دواِشَنگها

این را از تو می‌پرسم ای اهورا برای من به درستی آشکار کن. چگونه می‌شود آرمئیتی و پارسائی به سوی آنان فرا آید. آنان که آئین تو به آنها آموخته شده. من نخستین کسی هستم که با آنها آئین تو را دریافتم. و دیگران همگی را با نفرت می‌نگرم. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، به من بگو آنگونه که بدرستی دریابم چگونه آرامش به کسانی که آئین تو را آموخته‌اند فرا خواهد رسید؟ برای رسیدن به این آرمان است که من تو را بالاترین شناخته و خدایان دروغین را دور انداخته ام. (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، پرسشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. چگونه ایمان بخدا و نرم‌خوئی و مِهرورزی در قلب کسانی که آئین الهام‌بخش تو بر ایشان اظهار شُده است جای خواهد گرفت، پروردگارا می‌دانم که تو مرا برای انجام این کار بُزرگ بعنوان نخستین آموزگار برگزیده‌ای. بنابر این تنها کسانی که تُرا فرمانبردارند از دوستان و دیگران را دشمن خواهم شمرد. (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! چگونه ای مزدا به آنانکه دین تو به دلشان الهام شده ارمایتی در می‌آید ـ و برای این وظیفه از آغاز آشکارا از تو من شناخته شده‌ام ولی دیگران هستند که به نظرم از روح مخالفت بمن (ملهم شده اند). (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: چگونه «آرمیتی» به [نهادِ] دین آموختگان تو راه خواهد یافت؟ منم نخستین [کسی] که بدین کار برگزیده شده‌ام. همهٔ دیگران را دشمنِ مینُوی می‌شناسم. (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه بأنان پارسائی خواهد گرایید، بکسانی که دین تو گفته خواهد شد، ای مزدا؟ منم آنکه از تو، برای این در آغاز برگزیده شدم. همهٔ دیگران را با خرد بدخواهی بنگرم. (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز چگونه به کسانی که دین تو آموخته می‌شود، آرامش درونی دست می‌دهد برای همین حقیقت، من ترا والاترین شناخته‌ام و همه خدایان پنداری را دور انداخته‌ام. (جعفری)

ـ ای مزدا ـ اینک که من به ارشاد مردم و آموزش راه تو پرداخته و با همهٔ دروغ پرستان به ستیزه برخاسته‌ام، مرا نگهدار و پشتیبان باش و خرد پاک را به یاری مردم فرست تا به گفتار و آموزش‌هایم پی برند. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، چگونه پارسایی، به کسانی که آیین ترا آموخته‌اند فرا خواهد رسید؟ من برای این کار نخستین کسی هستم که از سوی تو برگزیده شده‌ام، و من پیروان آیین ترا دوست و دیگران را دشمن می‌دارم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۱۲

تَت توا پِرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا

کِه اَشَوا یائیش پِرِسائی درِگواو وا

کَتارِم آ اَنگروُ وا هوُ وا اَنگروُ

یِ ما درگواو توا سَوا پَئیتی اِرِتِ

چِیَنگهَت هوُ نُوئیت اَیِم اَنگرو مَئین یِتِ

این را از تو می‌پرسم، به راستی برایم آشکار کن ای اهورا. چه کسی درستکار است یا چه کسی دروند است، با (کدام یک از) آنها رایزنی کنم. کدام یک از آن دو پلید است این یکی یا آن دیگر. دروَند به راستی کسی است که راه رستگاری تو را ببندد (با آموزش تو پیکار کند) او دروند و پلید است نه آن دیگر. (ساسانفر)

ای اهورا، به من بگو آنگونه که بدرستی دریابم با کسانی که هم سخن هستم، یا در آینده هم سخن خواهم شد، کدام یک راست کردار و کدام دروغکار است؟ و من به چه کسی روی کنم؟ به آنکه بدی دیده، یا آنکه به بدی گرائیده؟ و چگونه دروغکاری که در برابر بخشایش های تو با من در ستیز است، بد نشمرم؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، پُرسشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. آیا بکدام یک از طرفین راستی یا دروغ روی آورم؟ آیا با هواخواهان دروغ که سیه کارند گفتگو کنم یا با کسانی که از بدکران رنج می‌برند؟ آیا دُروغ پرستانی که بخشایش گرانباهی تُرا خوار می‌شمارند اندیشه و قلب آنها را سیاهی دروغ و زشتی فرا نگرفته است؟ (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! می‌خواهم بدانم که پیرو راستی است و که پیرو ناراست است که با او هم سخن شوم (دلبازم) کدام

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

جانب را بگیرم آیا او که قربانی بدی است یا او که خود بدکار است ـ پیرو ناراستی که خود را بر ضد بخشش سعادت قرار داده است؟ آیا چنان کس (چنانکه) این می‌پندارد (مانند) بدکار است. (شوشتری)

ای اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: کدام یک از اینان که با ایشان سخن می‌گویم، اَشَوَن و کدام یک دُروند است؟ به کدام یک [روی آورم]؟ [آن که] بدی دیده یا [آن که] خود بدکار است؟ آن دُروَندی که در برابر دهش‌های تو [با من] می‌ستیزد، کیست؟ [آیا] نباید او را از بدکاران شمرد؟ (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: ـ کیست پیرو راستی، (میان) آنانی که من سخن می‌دارم، یا پیرو دروغ؟ کدام یک دشمن است، این یا آن دیگری دشمن است، آن دروغ‌پرستی که از برای بخشایش تو بمن ستیزه کند؟ چیست او؟ نباید او دشمن پنداشته شود؟ (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز درمیان کسانی که من با آنان هم‌سخن خواهم شد. کدام کس راست‌کار است و کدام کس دروغ‌کار؟ به کدام روی کنم، به آنکه به بدی گراییده و یا آنکه خودش سراپا بدی است؟ چگونه دروغ‌کاری را که در برابر بخشایش‌های تو با من ستیزه می‌کند، بد نشمارم. (جعفری)

از تو می‌پرسم ای اهورا ـ به راستی می‌خواهم بدانم که برای آموزش راهت نخست به کدام سوی روی آورم، آنان که پیرو دروغ هستند یا آنان که طرفدار راستی‌اند؟ و با دروغ پرستان چگونه رفتار کنم، مگر آنان دشمن تو نیستند؟ (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، از میان کسانی که من با آنها سخن می‌دارم، چه کسی راست‌کردار است و چه کسی دُروند؟ و من به چه کسی رو کنم؟ آن که بدی دیده، یا آن که به بدی گراییده است؟ و چگونه آن دُروندی را، که در برابر بخشایش‌های تو با من می‌ستیزد، بد نشمارم؟ (وحیدی)

PDF.tarikhema.org
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۱۳

تَت توا پِرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا

کَتا دروجِم نیش اَهَمت آ نیش ناشاما

تِنگ آ اَوا که اَسروشتُوئیش پِرِناوِنگهُو

نوئیت اَشَهیا آدیوی یین تی هَچِنا

نوئیت فرَسَیا وَنگهِئوش چاخ نَرِ مَنَنگهُو

ای اهورامزدا! این را از تو می‌پرسم. به راستی برایم آشکار کن چگونه می‌توانیم دیو دروغ را از خود دور کینم. و نیز از کسانی که در نافرمانی و سرپیچی پافشاری می‌کنند، آنها که به راستی گرایش ندارند و با آن هماهنگی نمی‌کنند از رایزنی با اندیشه نیک «وُهومن» بهره نمی‌گیرند. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، به من بگو آنگونه که بدرستی دریابم چگونه خود را از دروغ دور کنم؟ و چگونه از آنهائی که راه دروغ را برگزیده، و از راستی دوری گرفته‌اند، و از رایزنی با اندیشه نیک روی بر گردانده‌اند کناره بگیریم؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا از تو پُرسشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. چگونه باید دیو دُروغ را از خود برانیم؟ پروردگارا از اشخاص بی‌دین و ایمان دوری خواهیم گُزید. و از کسانیکه پیوند خود را با راستی و خرد گُسسته و نسبت بمنش نیک دلبستگی نشان نمی‌دهند و کوششی در راه گرایش به این فروزگان ویژه نمی‌نمایند پرهیز خواهیم کرد. (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! چگونه از ناراستان دوری کنیم آنانکه ایمان ندارند و نه همرنگی اَشا را می‌جویند و نه به نزدیکی از وهومن خوشنود گردند. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: چگونه «دروج» را از خود دور برانیم؟ [چگونه] از آنان که سراپا نافرمانی‌اند؛ [آنان که] نه به پیوند با «اشه» می‌کوشند و نه همپرسگی با «منش نیک» را آرزو می‌کنند، دوری گزینیم؟ (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه دروغ را از خود دور توانیم راند بسوی آنانی که پُر از نافرمانی نمی‌کوشند که براستی پیوندند (و) نه پرسشِ منش نیک آرزو دارند؟ (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز چگونه دروغ و آزار را از خود دور بداریم؟ همچنین کسانی را که پر از نافرمانی هستند و هیچ نمی‌کوشند از آیین راستی پیروی کنند و هم خوش ندارند که از اندیشهٔ نیک مشوره کنند؟ (جعفری)

ـ ای اهورا ـ آیا باید از پیروان دروغ و مردمان بی‌دین و ایمان دوری کنم و آنان را از خود برانم؟ چگونه باید با کسی که برای شنیدن راستی و گفتار خردمندانه دل بستگی نشان نمی‌دهد، رفتار کنم؟ (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، چگونه خود را از دروغ دور بداریم؟ و چگونه از آنها که نافرمانند، و برای پیوند با راستی و پیروی از آن نمی‌کوشند، و به همپرسی با اندیشه نیک نمی‌گرایند، کناره بگیریم؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۱۴

تَت توا پِرسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا

کَتا اَشایی دروجِم دیانم زَستَیوُ

نی هیم مِرِنژدیایی توَهیا مانترائیش سِنگهَ هَیا

اِمَوَئی تیم سینانم داوُیی دِرِگوَسو

آ ایش دوَفِشنگ مَزدا اَناشِ آنس تانس چا

این را از تو می‌پرسم، ای اهورا به راستی برایم آشکارکن. چگونه می‌توان دیو دروغ را به دست اشا داد. تا زدودن آن با آموزش پیام‌های مینوی تو، و وارد آوردن دو دستگی و شکاف بزرگ میان پیروان دروغ فراهم شود. و بلا و دشمنی را ای مَزدا با خود ببرند. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، به من بگو، آنگونه که بدرستی دریابم آیا میتوان راستی را با دروغ آشنا نمود تا او را با آموزش پیام اندیشه برانگیز تو ،پاک گرداند؟ و آیا با این کار میتوان فریب فریبکاران را شکست داده و از میان برداشت؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا از تو پُرسشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. چگونه باید دروغگو را بدست راستی سپرد تا با آموزش کلام آسمانی روحش از آلودگی پاک گردد. ای مزدا با وارد ساختن شکست کامل به هواخواهان دُروغ و تباهکاران، فریب و نفرت آنها را از بین برده و بی‌اثر خواهیم ساخت. (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! ای مزدا! چگونه ناراستان را بدست اشا سپارم تا بوسیله واژه مقدس (ماترا) پاک شوند و (آمال باطل آنها) کاملاً خنثی گردد و آزار و دشمنی دور شود. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا اهوره! این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی [پاسخ] گوی: چگونه «دروج» را به دست «اشه» بسپارم تا با گفتار و آموزش ایزدیِ تو، پاک شود و از این راه، دُروَندان شکستی سترگ خورند و فریب و ستیزهٔ آنان از میان برود؟ (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه دروغ را بدست‌های راستی توانم سپرد تا اینکه او آن را برافکند از روی دستور آیین تو، تا اینکه او بدروغ‌پرستان شکست سترگ دهد، تا اینکه بآنان رنج‌ها و ستیزها آورد، ای مزدا؟ (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز چگونه دروغ را به دست راستی بسپارم تا راستی، آنرا با زبان آیین تو پاک نماید و از این راه، شکست سختی به دروغ‌کاران بدهم و آزارها و ستیزگری‌های آنان را ای دانا، نابود سازم. (جعفری)

ـ ای اهورا ـ آیا باید رهبری دروغ پرستان را به راستی خواهان واگذارم تا با آموزش کلام آسمانی روان آنان را از آلودگی پاگ گردانند، یا باید با وارد ساختن شکست کامل به هواخواهان دروغ و تبهکاران، فریب و بدکاری آنان را از بین ببرم و بی‌اثر گردانم؟ (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، چگونه دروغ را به دست راستی بسپاریم؟ تا با آموزش سخن و پیام اندیشه‌انگیز تو، پاک گردد، و از این راه، به دُروَندان شکست سخت آید، و فریب و آزار آنان از میان برخیزد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۱۵

تَت توا پِرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا

یزی اَهیا اَشا پُوئی مَت خش‌َ یِهی

هیَت هِم سپادا اَنَ ئوچَنگها جَمَ اِتِ

اَوائیش اوروااتائیش یاتو مَزدا دی وِرِژوُ

کوترا اَیاو کَهمائی وَنَنام دَداو

این را از تو می‌پرسم، ای اهورا به راستی برایم آشکارکن. چون تو در پرتو اشا توانایی داری به سوی آنها. هنگامی که دو سپاه خوب و بد به هم رسند و به تو متوسل شوند بر طبق قانون که تو ای مَزدا نهاده‌ای کی و کدام یک از آن دو را تو پیروزی می‌دهی. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، به من بگو آنگونه که بدرستی دریابم تو که میتوانی در پرتو راستی پناه راستان باشی، هنگامی که دو سپاه دروغ و راستی به هم می‌تازند، تو بر پایه آئینی که بر نهاده ای به کدام یک از این دو گروه و در کجا، پیروزی می‌بخشی؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا از تو پُرسشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. پروردگارا براستی تو توانا هستی که در پرتو اَشا مرا از گزند فریب‌کاران و نفرت دروغگویان نگهداری فرمائی، هنگامی که دو سپاه دشمن در برابر یکدیگر صف‌آرائی کرده و بهم می‌تازند، آنگاه ای مزدا برابر قانون ایزدی، کدام یک از دو گُروه «مزدا پرستان و هواخواهان دروغ» و در کجا از فیروزی برخوردار خواهند شد. (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! از آنجایکه بوسیله اشا تو توانا هستی که اینها (ناراستان) را از من دور سازی چون سپاه نیک و بد بهم

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

می‌رسند و هر دو تو را به یاری می‌خواهند بنابر این آئین‌ها که از تو هستند ای مزدا کجا و به کدام یک از این دو گروه پیروزی خواهی داد. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: چون تو آن توانایی را داری که مرا در پرتو «اشه» از [گزند] اینان پناه بخشی، آنگاه که دو سپاه ناسازگار به هم رسند، برابر پیمانی که تو خود برنهاده‌ای، به کدام یک از آن دو و در کجا پیروزی خواهی بخشید؟ (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: پس آیا تو بر آن توانا هستی که بمیانجی راستی مرا پناه دهی، آنگاه که دو سپاه ناسازگار بهم‌رسند، از روی آن پیمانی که تو بر آن استوار خواهی بود، ای مزدا ـ بکدام یک از دو، بکی تو پیروزی خواهی داد؟ (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز چون تو می‌توانی، جهان را با راستی نگاه داری، هنگامیکه دو دسته مخالف به هم می‌رسند، با در نظر گرفتن آیین تو، ای دانا، که تو مقرر داشته‌ای کجا و به کدام یک از این دو، پیروزی را ارزانی می‌داری. (جعفری)

ـ ای اهورا ـ هنگامی که سپاه دروغ‌پرست در برابر سپاه راستی صف‌آرایی کرده و به هم می‌تازند، آیا راستی را توانایی آن هست که دروغ را شکست دهد و طرفداران خود را نگهداری کند؟ چه وقت ای مزدا برابر قانون تو راستان را بر دروغ پرستان پیروزی خواهی بخشید؟ (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، چون تو توانایی که در پرتو راستی، پناه راستان باشی، هنگامی که دو گروه ناساز بهم می‌رسند، برابر آیینی که برنهاده‌ای، به کدامیک از این دو گروه و در کجا، پیروزی می‌بخشی؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۱۶

تَت توا پِرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا

ک وِرِترِم جا توا پُوئی سِنگها یُوئی هِنتی

چیترا مُوئی دانم اَهوم بیش رَتوم چیژدی

اَت هویی وُهو سَرَاُشُو جَن تو مَنَنگها

مَزدا اهمائی یهمائی وَشی کَهمائی چیت

این را از تو می‌پرسم، ای اهورا به راستی برایم آشکارکن. کیست آن زورمندی که با پیروی از آموزش تو. از کسان هوشمند (و روشن بین) که در خانمان و پیرامون من هستند پاسداری کند. چون جهان پرور و درمان‌بخش هستی، رهبر و داوری را نوید بده که در پناه وُهومن از او فرمان برند (فرمانبرداری به سوی او آید) برای او ای مزدا! که می‌خواهی. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، به من بگو آنگونه که بدرستی دریابم. کیست آنکس که در پرتو آموزشهای تو، به پیروزی رسد، و پناه مردمان گردد؟ آن رهبر چاره ساز را به من بنمای و سروش و اندیشه نیک را به او یا به هر کس که دلخواه تست ارزانی دار. (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا از تو پُرسشی دارم و خواستارم حقیقت را برمن آشکار سازی. کیست آن شخص دلیر و فیروزمندی که در پرتو آموزش‌های ایزدی ما را پناه بخشد؟ پروردگارا از راه الهام رهبر دانا و درمان‌بخش زندگی را بمن نشان ده و او را با «سروش» رُوح فرمانبرداری از دستور ایزدی و روشن ضمیری برخوردار ساز. پروردگارا این دو بخشش بزرگ را بهر کس که دوست داری ارزانی فرما. (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! که پیروز خواهد شد در نگهداشتن آئین تو ای استاد دانا و شفا دهنده روان آنچه از آن وجود دارد

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آشکارا بمن برگو، بگذار سروش و وهومن سوی او که تو دوست می‌داری بیایند. (شوشتری)

ای اهوره! این را از تو می‌پرسم، مرا بدرستی [پاسخ] گوی: کیست آن پیروزمندی که در پرتو آموزش‌های تو، هستان را پناه می‌بخشد؟ ای مزدا! مرا آشکارا از برگماشتن آن رَدِ درمان‌بخش زندگی بیاگاهان و [بگذار] «سروش» و «منش نیک» بدو و به هر کس که تو خود او را خواستاری، روی آورند. (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: کیست آن پیروزگری که از آیین تو کسانی را که هستند پناه بخشد؟ آشکارا آگهی ده مرا به برگماشتن آن رد درمان بخش زندگی و بآن کسی که فرمانبری با منش نیک روی کند، ای مزدا، بآن کسی که تو خواستاری. (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز از کسانی که هستند، کدام کس پیروز است؟ آیا او که از راه آیین تو جهان را می‌پاید؟ مرا آن رهبر چاره ساز جهان، آشکارا بنما تا سروش که دریافت پیام تست، با اندیشهٔ نیک به آن کس و هر کسی را که، ای دانا، تو می‌خواهی، برسد. (جعفری)

ـ ای اهورا ـ آن شخص دلیر و پیروزمندی که باید از روی دستور تو دین‌داران و راستی خواهان را در پناه خود گیرد و پیروز گرداند کیست؟ آن را با الهام به من بازگوی که کیست آن داور نجات دهندهٔ دانایی که بدین کار گماشته‌ای؟ بشود که سروش (ندای وجدان) و وهومن (منش نیک) او را و همه آنانی را که دوستدار تو هستند یار و یاور باشند. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، آن کس که در پرتو آموزش‌های تو، به پیروزی می‌رسد، و پناه مردمان می‌گردد کیست؟ آن رهبر دانای چاره‌ساز زندگی را به من بنمای، و سروش و اندیشهٔ نیک را، به او و به هر کس که خواستاری، ارزانی دار. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۱۷

تَت توا پِرسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا
کَتا مَزدا زَرِم چَرانی هَچا خشمَت
آسکِ ای تیم خشماکام هَیت چا مُوئی خیات واخش اَاِشُو
سَرُوئی بوژدیائی هَئوروَتا اَمرِتاتا
اَوا مانترا یِ راتِمو اَشات هَچا

این را از تو می‌پرسم، ای اهورا به راستی برایم آشکارکن. چگونه ای مَزدا هماهنگ با شما به سوی هدفَم پیش روم که با دلبستگی به شما سخنانم گیرا (و نافذ) شود برای (به منظور) پیوسته شدن با رسایی و جاودانگی برابر آن مانترا (پیام معنوی) که وابسته به شماست. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، به من بگو آنگونه که بدرستی دریابم. چگونه با رهنمود تو، به آماج خود که همان به تو پیوستن است دست یابم؟ و چگونه، گفتارم را با پیامی که از راستی بر می‌خیزد، به دلهای مردمان بنشانم و آنها را به سوی رسائی و جاودانگی راهنمائی کنم؟ (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا از تو پُرسشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. ای مزدا چگونه با راهنمائی تو بهدف و آماج خویش که پیوستن بتو و یکی شدن با معشوق است دست خواهم یافت؟ پروردگارا، کی با گفتار شیوا و مؤثر و در پرتو اشا و پیام آسمانی تو که بهترین راهنماست مردم را بسوی رسائی و جاودانی رهبری خواهم کرد. (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! ای مزدا به رهنمائی از شما چگونه به مقام و جد و خرسندی برسم و چگونه با شما کاملاً پیوسته گردم تا سخنم پر اثر بشود در آینده برای رهنمائی بسوی خرداد و امرداد بوسیله اشا و واژه مقدس ماترا. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: چگونه [با رهنمودِ تو] کامهٔ من برخواهد آمد؟ [چگونه] به تو خواهم پیوست و کی سخنانم کارگر خواهد شد، تا با «مَنْثَره» ـ که در پرتو «اشه» بهترین راهنماست ـ [مردمان را] به «رسایی» و «جاودانگی» رهنمونی کنم؟ (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه، ای مزدا، کام دلم از شما ساخته گردد، از پیوستن بشما، و گفتارم کارساز شود؟ آیا از روی آن دستور (و پیمان)، رسائی و جاودانی در آمیزند با آن کسی که از راستی بهره‌ور است؟ (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز چگونه بر راه تو گام زنان، ای دانا، به خواست خود خواهم رسید و به تو پیوسته با تو یکی خواهم گردید و به گفتار خود نیرو خواهم بخشید تا با پیام تو که از راستی برمی‌خیزد، مردم را به سوی رسایی و جاودانی راه بنمایم؟ (جعفری)

ـ ای مزدا ـ هنگامی که به دستور تو با جدیت تمام در راهی که نمودی رهسپار شوم، آیا سخنانم در مردم اثر خواهد کرد؟ و چنان چه نوید داده‌ای رسایی و کامروایی نهایی بهره نیکان و راستان خواهد بود؟ (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، چگونه با رهنمود تو، شور مهر ترا دریابم و به تو بپیوندم؟ تا سخنانم بر دلها نشیند، و با پیامی که از راستی برمی‌خیزد، مردمان را به سوی رسایی و جاودانگی رهنما گردم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۱۸

تَت توا پِرسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا

کَتا اشا تَت میژدِم هَنانی

دَسا اسپاو اَرشنَ وَئی تیش اوشتِرم

هیَت مُوئی مَزدا اَپی وَئیتی هَئوروَتات

اَمِرتات یَتا هی تَئی بیوُ داوُنگها

این را از تو می‌پرسم، ای اهورا به راستی برایم آشکارکن. چگونه می‌توانم در پرتو اشا این پاداشِ را به دست آورم. ده مادیان، ده نریان (اسب نر) و یک شتر. پاداشی که ای مَزدا به من رسائی و جاودانگی را الهام می‌دهد. همانطور که آن دو را تو برای خودت به دست آوردی. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، به من بگو آنگونه که بدرستی دریابم. چگونه در پرتو راستی نیرو های ده گانه برونی و درونی من، زایا و نیرومند و فروزان میگردند؟ میخواهم با آنها رسائی و جاودانگی را دریابم، و هر دو را به مردم جهان ارمغان کنم (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا از تو پُرسشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. چگونه در پرتو اَشا «راستی و پاکی» پاداش دلخواه را که عبارت از تسلّط بر ده مادیان حواس با نیروی اسب اندیشه است بدست خواهم آورد و بروشنائی حقیقی و سرمدی خواهم رسید. ای مزدا از رسائی و جاودانی کِی برخوردار خواهم شد تا هر دو بخشش بزرگ را برای رستگاری بمردم جهان ارمغان دهم. (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! چگونه آن مزد را از اَشا بیابم، ده مادیان و یک اسپ و یک شتر که به من پیمان نهاده‌اند بدهند بلکه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دوست دارم که بوسیله تو ای مزدا بخشش خرداد و امرداد را بسوی هم نوع بیاورم. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: چگونه در پرتو «اشه» آن پاداش را بدست آورم؟ [چگونه] نیرویی، نیروهای دهگانهٔ مرا راهبر و روشنگر خواهد شد تا با آنها «رسایی» و «جاودانگی» را دریابم و آنگاه هر دو را بدانان بخشم؟ (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه ای اردیبهشت، بآن مزد ارزانی خواهم شد، ده مادیان با (جفت) نر و یک شتر که بمن پیمان داده شده، ای مزدا، آنچنان که برسائی و جاودانی، در بخشایش تو؟ (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز چگونه از راه راستی پاداش ده مادیان و ده اسب و یک شتر را به دست بیاورم تا ای دانا، راز رسایی و جاودانی را دانسته، این دو را به آنان بدهم. (جعفری)

ـ ای اهورا ـ چگونه در پرتو اشا (راستی و پاکی) به درک راه تو و حقایق زندگی پی خواهم برد؟ و ای مزدا ـ چه وقت از کمال و رسایی (خرداد) و جاودانگی (امرداد) برخوردار خواهم شد؟ و چگونه خواهم توانست این دو نعمت را به مردم جهان ارمغان کنم؟ (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، چگونه در پرتو راستی، نیروهای دهگانهٔ برونی و درونی من، زایا و نیرومند و فروزان می‌گردد؟ تا با آنها، رسایی و جاودانگی را دریابم، و آن دو را نیاز مردمان گردانم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۱۹

تَت توا پرِسا اِرِش مُوئی وَئوچا اهورا

یَس تَت میژدِم هَنِنتِ نوئیت دائیتی

یِ ایت اهمائی اِرِژوخزا نا دائیتِ

کا تم اَهیا مَئِنیش اَنگهَت پَئُواوروی

ویداوُ اَوانم یائیم اَنگهَت اَپِما

این را از تو می‌پرسم، ای اهورا به راستی برایم آشکار کن. آنکه پاداش کسی را که برای دریافت آن سزاوار است نمی‌دهد. آن چیزی را که برابر با سخن (وپیمان) درست باید بدهد. نخستین کیفر او چه خواهد بود. من آگاهم آنچه را که سرانجام سزاوار او خواهد بود [نفرین ولعنت]. (ساسانفر)

ای اهورامزدا به من بگو و آگاهم کن زمانی که نیازمندی، راست گفتار نزد توانگری میرود و به جای کمک از او پاسخی سرد میشنود، سزای این کردار چیست؟ من ازآنچه سر انجام به او خواهد رسید، آگاه هستم. (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، از تو پُرسشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی. پروردگارا هنگامیکه شخص نیازمند و راستگو بجای کمک و پاداش از توانگران، پاسخ سرد می‌شنود چه سزائی برای اینگونه اِهمال کاران مقرر فرموده‌ای؟ من از کیفری که برابر آئین ایزدی پس از مرگ و در روز واپسین در انتظار آنهاست بخوبی آگاهم. (آذرگشسب)

آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا! (او که خدمت کرده) و سزاوار گرفتن مزد هست و نزد دهنده می‌رود و اورمزد را نمی‌دهد به چنین کس اکنون چه سزائی می‌رسد! و می‌دانم که انجام او چه خواهد شد. (شوشتری)

ای اهوره! این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی: هنگامی که نیازمندی راست گفتار، نزد کسی می‌رود و آن کس، مزد بایسته بدو نمی‌دهد،

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سزای کنونی او چیست؟ من از آنچه در پایان بدو خواهد رسید، آگاهم؟ (دوستخواه)

این از تو می‌پرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: کسی که مزد بآن کسی که بآن ارزانی است ندهد، بآن کسی که باو بدرستی پیمان داده شده: چه سزائی از برای او نخست خواهد بود؟ از آن (سزائی) که در پایان از برای او خواهد بود آگاهم. (پورداود)

اینک از تو می‌پرسم، خدایا، مرا بدرستی آگاه ساز من از سرانجام کار کسی که پاداش مرد سزاواری را که برای او سخن راستین را ارمغان آورده نمی‌دهد، نیک آگاه می‌باشم، اما سزای چنین کسی در آغاز کار چیست؟ (جعفری)

ـ ای اهورا ـ آیا کسی که پیمان شکند و نیکان و پارسایان را در هنگام حاجت یاری نکند، چه جزایی برایش مقرر داشته‌ای؟ به راستی که چنین کسی برابر آیین تو در سرای دیگر به پادافره کوتاهی در انجام وظیفه‌اش نسبت به همنوعان گرفتار رنج و سختی نخواهد شد؟ (شهزادی)

ای مزدا اهورا، این از تو می‌پرسم، مرا بدرستی بازگوی، زمانی که نیازمندی با سخنانی راستین نزد کسی می‌رود، و آن کس پاداش بایسته به او نمی‌دهد، سزای کنونی این کس چیست؟ من از آنچه در انجام به او خواهد رسید، آگاهم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۴ ، بند ۲۰

چی تِنا مَزدا هوخشَترا دِئوا آونگ هَرِ
اَت ایت پِرِسا یُوئی پیش یِ اینتی اَ اِ ئی بیوُ کانم
یائیش گانم کَرَپا اوسیخش چا اَ اِ شِمائی داتا
یاچا کَوا آن مِنِ او رودُ یَتا
نوئیت هیم میزن اَشا واستِرم فرادَاینگهِ

ای مزدا! چگونه دیوان دروغ فرمانروایان خوبی بوده‌اند؟ آنها که بهره‌مندی از زندگی را با آن (دروغ پردازی‌ها) مانع می‌شوند و با دستیاری کَرپَن و اوسیج جهان را به دست خَشم می‌سپارند و نیز فرمانروائی که روان او را (جهان را) از بالندگی باز می‌دارد آنها هرگز در آرزوی آن نیستند که با پشتیبانی اَشا (جهان) پیشرفت کند. (ساسانفر)

ای مزدا، این را نیز به من بگو، چگونه دروغکاران میتوانند رهبرانی خوب باشند؟ چه آنهائی که با یاری پیشوایان دینی و پیروان خدایان دروغین، جهان را به ستم و آزار و دردمندی میکشانند، و چه آنهائی که هیچگاه کوشش نکرده‌اند تا جهان را در پرتو راستی، آباد کرده و به پیش ببرند. (پردیس)

ای مزدا از تو می‌پرسم چطور امکان دارد دیوان از شهریاران نیک باشند. کسانی که برای ارضای هوس‌های خویش و انجام مقاصد خودخواهانه می‌جنگند و با کُمک کَرَپان و کاویان و اوسیخش جهان را بدست خشم و نفرت سپرده و جهانیان را بناله و فغان در می‌آورند. آیا اینها، هیچگاه کوششی خواهند کرد تا در پرتو راستی و درستی موجب پیشرفت و آبادانی جهان گردند و آشتی و آرامش را برقرار سازند و گسترش دهند. (آذرگشسب)

ای مزدا! چگونه دیوان نیرومند شده‌اند و نیز می‌پرسم اینانکه صف کشیده‌اند تنها به سود خودشان است، بنابر این (تیره) کرپن و اوسگ در گیتی نفرت پدید

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کرده‌اند و تیره کوا آنرا به بند و ناله سپرده‌اند. چرا اینان هدف اشا را نمی‌خواهند که فزونی امنیت است. (شوشتری)

ای مزدا! این را نیز می‌پرسم: آیا دیوان هرگز خداوندگاران خوبی بوده‌اند؟ [آنانند] که می‌بینند چگونه «کَرَپان»، «کَوی»ها و «اوسیخش» جهان را برای ایشان، گرفتار خشم و آزار کرده و جهانیان را همواره به ناله و زاری در آورده و هیچ گاه در پرتو «اشه» برای پیشرفت و آبادانی جهان نکوشیده‌اند. (دوستخواه)

آیا هرگز دیوها خداوندگاران خوب بودند؟ و این را می‌پرسم، (آنانند) که می‌بینند چگونه از برای‌شان کرپن و اوسیج گاو را (بدست) خشم می‌دهند، همچنان کوی همیشه آن را بناله در میآورد نمی‌پرورند آن را از روی دین راستین از برای گشایش بخشیدن بکشت و ورز. (پورداود)

این نیز می‌پرسم، ای خداوند خرد چگونه دیوان، که تنها برای کامرانی خود آزار می‌رسانند فرمانروایان خوب گردیده‌اند؟ از این کامرانی است که پیشوایان مذهبی، بویژه فرزاندان اوسیج جهان را به خشم و خون کشیده‌اند. و شاهزادگان آنرا به ناله و فغان در آورده‌اند. و هیچ در آبادانی آن طبق آیین راستی نمی‌کوشند. (جعفری)

ـ ای مزدا ـ چگونه ممکن است این دیوان بدکار که با جور و ستم وکشتار به فرمانروایی رسیده‌اند، از شهریاران خوب به شمار آیند و چگونه هواخواهان آنان که چون کرپان‌ها (کوران با چشم) و اوسیج‌ها (کران با گوش) هستند و برای خشنودی اربابان خود (کاوی‌ها) جهان را پر از بی‌دادگری و خونریزی کرده‌اند، از گمراهان به شمار نیایند؟ آری این بدکاران برای به دست آوردن نیرو و دارایی حاضرند جهانیان را از راه درست و راست دور نگهدارند. (شهزادی)

ای مزدا، این را نیز می‌پرسم، چگونه دیویسنیان می‌توانند شهریارانی نیک باشند؟ آنهایی که با یاری کرپن‌ها و کاوی‌ها و اُسیخش، جهان را به خشم و آزار کشانده‌اند، و مردمان را به ناله و فغان در آورده‌اند، و هیچگاه بر پایهٔ راستی نبوده‌اند، و برای پیشرفت و آبادانی جهان نکوشیده‌اند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات چهل و پنجم

هات ۴۵ ، بند ۱

اَت فرَوَخشیا نو گوشُودوم نو سرَئوتا
ی اِچا اَسنات ی اِچا دورات ایشَتا
نو ایم ویسپا چیترِ زی مزداونگهُو دوم
نُوئیت دَئیبی تیم دوش سَس تیش اهوم مِرانش یات
اَکا وَرَنا درِگواو هیزوا آورِتوُ

اکنون برایتان سخن می‌گویم. گوش فرا دهید و بشنوید ای کسانی که از راه دور و نزدیک برای جستجو آمده‌اید همه شما این سخنان را که به راستی آشکار و روشن است به یاد بسپارید و به کار برید تا آموزگار دروغ پرست دوباره جهان را ویران نکند همان دُرَوندی که با گزینش پلید خود سُخنش گمراه‌کننده است. (ساسانفر)

اکنون سخن می‌دارم، به شما که خواهان شنیدنید، به شما که از دور و نزدیک آماده‌اید، پس خوب گوش کنید و بشنوید، و این گفته‌ها را خوب به یاد بسپرید، تا آموزگار بد زندگی شما را تباه نسازد، و دروغکار با گفته‌های فریبنده خود، شما را به گمراهی نکشاند. (پردیس)

ای کسانی که از دور و نزدیک برای آگاه شدن آمده‌اید، من اکنون برایتان سُخن خواهم گفت، گوش فرا دهید و بشنوید حقایق روشنی را که برای شما می‌آموزم، با دقّت بخاطر بَسپرید، مبادا بار دیگر آموزگار بدخواه زندگانی مردم را تباه سازد و دروغ‌پرست با کج آموزیِ خویش آناترا گُمراه نماید. (آذرگشسب)

فرا می‌گویم، اکنون به سخنانم گوش دهید بشنوید. چه آنانکه نزدیک هستند و چه آنانکه دور می‌باشند اگر خواستند ـ اکنون یقیناً همه (نکات شنیدنی) آشکار می‌شوند شما بسنجید، مبادا بار دیگر آموزنده بد جان شما را

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

تباه سازد و گمراه کند او را که برگزیننده راه کج است پیرو دروغ و در سخن پریشان است. (شوشتری)

اینک سخن می‌گویم؛ ای کسانی که از دور و نزدیک آمده و خواستار [آموزشید]. اکنون همه شما گوش فرا دهید و سخنِ روشنِ مرا بشنوید و خوب به یاد بسپارید: «مباد که آموزگار بد، دیگرباره زندگی [شما] را تباه کند [و] دُروند با زبان خود و با دُژ باوری‌اش، شما را به گمراهی بکشاند. (دوستخواه)

ایدون سخن می‌دارم: اکنون گوش دهید، اکنون بشنوید، ای کسانی که از نزدیک و ای کسانی که از دور (آمده آموزش) خواستارید. اکنون آن را همهٔ شما بیاد بسپارید چه او هویداست مباد آموزگار بد دیگرباره زندگی تباه کند، آن دروغپرست که با زبان خویش بکیش بد گرواند. (پورداود)

اینک سخن می‌دارم، گوش کنید، بشنوید ای کسانی که خواهان شنیدن هستید و از دور و نزدیک آمده‌اید، همه این گفته‌ها را نیک در مغز خود جای دهید تا آموزگار بد زندگی شما را باز تباه نسازد و دروغ‌کار با زبان خود باورهای شما را به گمراهی باز نگرداند. (جعفری)

ای کسانی که از دور و نزدیک برای آگاه شدن آمده‌اید. من برایتان سخن می‌گویم ـ همه گوش هوش فرا دهید و بشنوید حقایقی را که برایتان روشن می‌سازم و بایسته است که آن را به خاطر بسپارید تا مبادا آموزگاران دروغ شما را گمراه کنند و با گفتار نادرست و فریبنده زندگانی شما را در دو جهان تباه سازند. (شهزادی)

اینک سخن می‌دارم، گوش بدارید و بشنوید، ای کسانی که خواهان شنودنید، و ای کسانی که از دور و نزدیک فرا آمده‌اید، همهٔ این گفته‌ها را نیک به یاد بسپرید، مباد آنکه، آموزگار بد، دگر باره زندگی شما را تباه کند، و دُروند با گفته‌های خود و با باورهای نادرستش، شما را به گمراهی بکشاند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۵ ، بند ۲

اَت فرَوَخشیا انگهِئوش مَئینیو پَئُواورویهِ
یَیاو سپَن یاو او ایتی مروَت یم اَنگرِم
نُوئیت نا مَناو نوئیت سِنگها نوئیت خرَتَ وُ
نَئِدا ورَنا نوئیت اوخذا نَئِدا شَیئُوتنا
نوئیت دَئِناو نوئیت اوروانُو هَچَ اینتِ

اکنون سخن می‌گویم درباره دو گوهر غیرمادی نخستین که بنیاد هستی می‌باشد یکی از آن دو که پاکترین است، به آنکه پلید (و تبهکار) است، چنین می‌گوید: نه اندیشه‌های ما، نه آموزش‌های ما، نه خرد ما، نه گزینش‌های ما، نه گفته‌های ما، نه کردار ما، نه آیین ما و نه روان‌های ما با یکدیگر سازگاری ندارند. (ساسانفر)

اکنون سخن میدارم از دو شیوه اندیشیدن. از آنکه، پیش برنده و از آنکه بازدارنده می‌باشد. از آن دو، در آغاز اندیشه روشن به اندیشه تاریک گفت: ما را نه آئین و نه خرد و نه باور،و نه گفتار و نه کردار و نه وجدان و نه روان باهم در سازش است. (پردیس)

اکنون دربارۀ دو مینویا دو گوهری که در آغاز زندگانی وجود داشته‌اند سخن خواهم گفت، از این دو گوهر آن یکی که پاک و مقدس بود به همزاد خویش، گوهر پلید چنین گفت: هیچگاه اندیشه و آموزش و اراده و ایمان و گفتار و کردار و وجدان ما با یکدیگر سازش نداشته و از هم جدا هستند. (آذرگشسب)

و فراگویم از گوهران توام و جاوید (ازلی) از آنها او که پاک است به او که ناپاک است چنین گفت: مانه در نفس و نه در آموزش و نه در خرد، نه در اندیشه و نه در سخن و نه در کار، نه در وجدان و نه در روان یکسان نیستیم. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اینک سخن می‌گویم از دو «مینو». در آغاز آفرینش، «سپند [مینو]» آن دیگری ـ«[مینویِ] ناپاک» ـ را چنین گفت: «نه منش، نه آموزش، نه خِرد، نه باور، نه گفتار، نه کردار، نه «دین» و نه روان ما دو [«مینو»] با هم سازگارند.» (دوستخواه)

ایدون سخن می‌دارم: از آن دو گوهر در آغاز زندگی، از آن دو، آن (گوهر) پاک چنین گفت به (گوهر) پلید: از ما دو نه منش نه آموزش نه خرد و نه کیش نه گفتار و نه کردار نه دین نه روان با هم در سازش‌اند. (پورداود)

اینک در آغاز، از دو طرز اندیشهٔ زندگی سخن می‌گویم از آن دو، آنکه افزاینده‌تر بود به آنکه کاهنده بود، چنین گفت: نه اندیشه، نه آیین و نه خرد، نه باور، نه گفتار و نه کردار نه وجدان و نه روان ما دو کس با هم سازش دارند. (جعفری)

من می‌خواهم از دو مینویا دو گونه روش اندیشیدن در آدمی سخن گویم که یکی پاک و سپنتامینویی است و دیگری ناپاک و انگره مینویی است. این دو، همیستار و مخالف یکدیگرند و هیچ کدام در اندیشه و گفتار و کردار و آموزش و آرزو و عقیده و روح یکسان و همانند نیستند. (شهزادی)

اینک سخن می‌دارم از دومینو، که در آغاز آفرینش، از آن دو، مینوی پاک به دیگری گفت: ما دو را، نه اندیشه و نه آموزش، و نه خرد و نه باور، و نه گفتار و نه کردار و نه یابش و نه روان، با هم سازگار و همراهند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۵ ، بند ۳

اَت فرَوَخشیا اَنگهِئوش اَهیا پَئُواورویم
یا نم مُویی ویدواو مَزدا وَئوچَت اَهورو
یُویی ایم وِ نوئیت ایتا مانترِم وَرِشِنتی
یتا ایم مَنا ایچا وَئوچَ چا
اَ اِ ایبیُو اَنگهه اوش اَوُیی اَنگهَت اَپِ مَم

اکنون سخن می‌گویم از آنچه که بنیاد هستی (و وجود) است که اهورامزدا، خدای دانا به من گوشزد کرده است. کسانی از شما که پایه‌های بنیادین (اصول) این آیین را درست انجام ندهند به آن سان که من می‌اندیشم (درک کرده‌ام) و گوشزد می‌کنم برای آنها در سرانجام هستی آه و افسوس خواهد بود. (ساسانفر)

اکنون سخن میدارم، درباره بهترین آئین زندگی، آنگونه که آنرا از مزدااهورای خرد بخش از راه اندیشه دریافتم از شما، کسانی که این پیام اندیشه برانگیز را که اکنون بازگو میکنم، به کار نبندند، سرانجام، زندگی آنان، با دریغ و افسوس خواهد گزشت. (پردیس)

اکنون از حقایق و اصول آئین زندگی، آن چنانکه هستی‌بخش دانا بمن آموخت آشکار خواهم ساخت. کسانیکه کلام مقدس مزدا را بکار نبندند و چنانکه من آموخته‌ام پیروی نکنند، پایان زندگی آنها پشیمانی و آه و افسوس خواهد بود. (آذرگشسب)

اکنون فراگویم از چگونگی برترین زندگی آنکه به من داناترین اهور مزدا برگفت و او که میان شما سخن مرا نه ورزید و عملی نکرد چنانکه من دانسته‌ام و چنانکه فراگویم برای چنین کس در پایان زندگیش وای خواهد بود. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اینک سخن می‌گویم از آنچه «مزدا اهورا»یِ دانا [دربارهٔ] بنیادِ هستی به من گفت: ـ [کسانی] از میان شما که «مَنْثَره» را بدان‌سان که من بدان می‌اندیشم و از آن سخن می‌گویم ـ بکار نبندند، [در] پایانِ زندگی، [بهره]شان دریغ و درد خواهد بود.» (دوستخواه)

ایدون سخن می‌دارم: از آنچه مزدا اهورای دانا در آغاز زندگی، بمن گفت: آنانی که در میان شما آیین نورزند، آنچنان که من بآن اندیشم و گویم، از برای آنان در پایان زندگی افسوس خواهد بود. (پورداود)

اینک سخن می‌دارم از والاترین جنبه این زندگی که آن را خدای دانای همه آگاه بمن گفت. برای کسانی از شما که این پیام اندیش‌انگیز را آن چنان که من دریافته‌ام و می‌گویم، بکار نورزند، پایان زندگی افسوسناک خواهد بود. (جعفری)

من می‌خواهم سخن بگویم درباره آن چه که پایه و بنیاد زندگانی نیک است و آن را از اهورامزدای دانا فرا گرفته‌ام. کسانی که این سخنان را بشنوند و برابر آن رفتار نکنند در پایان پشیمان می‌شوند و افسوس خواهند خورد. (شهزادی)

اینک سخن می‌دارم، از آنچه مزدا اهورای دانا، دربارهٔ بنیاد آیین زندگی به من باز گفت، کسانی که این پیام و گفتهٔ اندیش‌انگیز را، آنچنان که من دریافته‌ام و می‌گویم، به کار نبندند، زندگی آنان در پایان، همراه با دریغ و افسوس خواهد بود. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۵ ، بند ۴

اَت فرَوَخشیا اَنگهِئوش اَهیا وَهیشتِم

اَشات هَچا مَزدا وَ اِدا ی ایم دات

پَتَرِم وَنگهِئوش وَرِزَینتُو مَنَنگها

اَت هویی دوگِدا هوش یئُوتَنا آرمَئی تیش

نوئیت دیوژَ ئیدیایی ویسپا هیشس اَهورُ

اکنون سخن خواهم گفت از آنچه که در هستی بهترین و هماهنگ با اشا (نظام کاینات) است. ای مَزدا کسی که آنرا (اشا را) آفریده می‌شناسم او پدر (بوجود آورنده) وُهومن کاروزر و سودمند است و نیز دخترش آرمئیتی (که سرچشمه) نیکوکاری و پارسایی است اهورای بر همه چیز بینا نمی‌شود فریب داد. (ساسانفر)

اکنون سخن میدارم، از بهترین شیوه زندگی، شیوه ای که درپرتو راستی دریافته‌ام آنگونه که مزدا به مردمان ارمغان کرده، مزدائی که سرچشمه اندیشه نیک است و اندیشه نیک را برای کار و کوشش آفریده، مزدائی که سرچشمه آرامش است، و آرامش را برای نیک کرداری آفریده. مزدائی که از همه چیز آگاهست و او را نمیتوان فریفت. (پردیس)

اکنون از بهترین هدف و آمال زندگی سخن خواهم گُفت و حقیقتی را که در پرتو اَشا دریافته‌ام بیان خواهم داشت، و آن اینکه آئین زندگی در پرتو راستی را مزدا، خدای یکتا و دانا مقرر فرمود، پروردگاری که سرچشمهٔ منشِ نیک و فعال است و ایمان و محبت دختر نیکوکار او بشمار می‌رود، هستی‌بخش یکتاو از همه چیز آگاه را نتوان فریفتن. (آذرگشسب)

و برترین هدف این زندگی (تنی) را توضیح می‌دهم: اول ـ بوسیله اَشا من اهور مزدا را که بمن این آموزش الهام کرد دانستم. دوم ـ و او پدر (علت)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

همه ورزنده وهومن است. سوم ـ و دخت او ارمایتی نیکوکار است. چهارم ـ اهورا بر همه محیط است و هیچ کس هرگز نتواند او را بفریبد. (شوشتری)

اینک سخن می‌گویم از آنچه در زندگی از همه چیز بهتر است. از «اشه» دریافتم که «مزدا» آفریدگار او و پدر «منشِ نیک» کوشاست و «آرمیتی» دختر نیک کُنشِ هموست. «اهوره»یِ از همه چیز آگاه را نتوان فریفت. (دوستخواه)

ایدون سخن می‌دارم: از آنچه برای جهان بهتر است از دین راستین آموختم، ای مزدا، کسی که آن را (جهان را) بیافرید پدر برزیگر نیک منش و زمین دختر نیک کنش اوست نتوان فریفتن اهورای بهمه نگران را. (پورداود)

اینک سخن می‌دارم از بهترین جنبهٔ زندگی زیرا از روی آیین راستی می‌دانم که خداوند خرد آنرا چنان مقرر داشته. او منش نیک را برای کوشش و تلاش آفریده و آرامش را برای خوبی و نیکوکاری. او خدایی است همه بینا، او را نمی‌توان فریفت. (جعفری)

اینک سخن می‌گویم از راهی که برای زندگی بهترین راهها است. راهی که از مزدا فرا گرفته‌ام و آن راه پیروی از اشا (راستی و درستی) است. راهی که پروردگار دانا، که چون پدری مهربان و نیک اندیش است، برقرار داشته تا با پیروی آن این زمین بکر به وسیلهٔ کشاورزان کوشا بارور شود. آری مزدا از همه چیز آگاه است و نمی‌توان او را فریفت. (شهزادی)

اینک سخن می‌دارم، از آنچه در زندگی بهترین است، و آن را در پرتو راستی دریافته‌ام: مزدا آفریدگار راستی است، مزدا سرچشمهٔ اندیشهٔ نیک، و اندیشهٔ نیک برای کوشش است. مزدا پروردگار پارسایی، و پارسایی مایهٔ نیکوکاری است. و مزدای از همه چیز آگاه را، نمی‌توان فریفت. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۵ ، بند ۵

اَت فرَوَخشیا هیت مُویی مرَاُت سپِنتُوتِمُو

وَچِ سروایدیایی هیَت مَرِتَ اِ ایبیو وَهیشتِم

یُویی مُویی اَهمایی سِرَ اُشِم دانم چَئیس چا

اوپاجیمِن هَئورواتا اَمرِتاتا

وَنگهِئوش مَئین یئوش شیی اوتَناییش مزداو اهورُ

اکنون سخن خواهم گفت از آنچه که پاک‌ترین (اهورامزدا) به من گوشزد کرد. گفته‌ای که گوش دادن به آن برای مردم بهترین است. آن (سخنانی که) در من برای او (اهورامزدا) احساس فرمانبرداری و گرامی‌داشت پدید می‌آورند و (مردم را) به رسایی و جاودانی نزدیک می‌کند. (ساسانفر)

اکنون سخن میدارم، از آنچه اهورامزدای افزاینده ترین مرا گفت، سخنی که شنودن آن برای مردم بهترین است، کسانی که آموزشهای مرا بشنوند و به آنها ارج نهند، به رسائی و جاودانی خواهند رسید، و با کارهائی که از اندیشه نیک بر می‌آید، به مزدااهورا ره خواهند برد. (پردیس)

ایدون از سخنانی که از سوی پروردگار بمن الهام شده گفتگو خواهم کرد. سخنانی که شنیدن و بکار بستن آن در زندگی برای مردم بهترین است. کسانیکه این آموزش‌ها را با جان و دل، پذیرا شده و فرمان برند، از بخشش رسائی و جاودانی برخورد خواهند شد، اندیشهٔ نیک، آنها را بانجام کار نیک و شایسته رهنمون خواهد گردید و سرانجام بزیارت اهورامزدا و روشنائی حقیقی نائل خواهند شد. (آذرگشسب)

و به آنچه سپنتامانیو به من آشکار نمود توضیح می‌دهم که واژه مقدس او برای ما میرندگان بهترین واژه برای شنیدن است و بعقیده من به آنانکه

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنرا به بندگی و احترام می‌پذیرند آشکار می‌کنم. آیا امرتات و خرداد بما نزدیک شوند و به کارهای وهومنی اهورمزدا نیز نزدیک گردد. (شوشتری)

اینک سخن می‌گویم از آنچه [آن] «سپندترین» مرا گفت: سخنی که شنیدنش مردمان را بهترین [کار] است. «آنان که آموزش‌های مرا ارج بگزارند و پیروی کنند، به رسایی و جاودانگی خواهند رسید و با کردارهایِ «منش نیک»، به «مزدا اهوره» [خواهند پیوست]. (دوستخواه)

ایدون سخن می‌دارم: از آنچه (مزدا اهورای) پاکتر بمن گفت، سخنی که شنیدن آن از برای مردمان بهتر است: "کسانی که از برای من از او فرمانبری کنند، برسائی و جاودانی رسند از کردار منش نیک" (چنین گفت) مزدا اهورا(پورداود)

اینک سخن می‌دارم از آنچه افزاینده‌ترین مرا گفت، سخنی که برای مردم بهترین است. کسانی که سخن مرا گوش می‌کنند و به آن ارج می‌گذارند به رسایی و جاودانی می‌رسند و با کارهایی که از اندیشهٔ نیک برمی‌آید، خدای دانا را در می‌یابند. (جعفری)

من سخن می‌گویم از آن چه که مزدای پاک به من آموخت. سخنی که شنیدنش برای مردم بهترین آموزش‌هاست و آن این که، کسی به پایهٔ رسایی و جاودانی خواهد رسید که به ندای وجدان خود گوش دهد و بدان ارج گذارد، چه خشنودی اهورامزدا از راه اندیشهٔ نیک و کردار درست (آن چه که وجدان گوید) به دست می‌آید. (شهزادی)

اینک سخن می‌دارم، از آنچه اهورامزدای پاکترین به من گفت؛ سخنی که شنودن آن برای مردم بهترین است. آنها که آموزش‌های مرا بشنوند، و بدانها ارج نهند و فرمان برند، به رسایی و جاودانگی رسند، و با کردارهایی که از اندیشهٔ نیک برخیزد، مزدا اهورا را دریابند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۵ ، بند ۶

اَت فرَوَخشیا ویسپَنانم مَزیشتِم

ستَوَس اَشا ی هوداو یُویی هِنتی

سپِنتا مَئی نیو سَراُتو مزداو اهورُ

یهیا وَهمِ وُهو فرَشی مَنَنگها

اَهیا خرَتو فرُ ما ساستُو وَهیشتا

اکنون سخن می‌گویم از بزرگترین نیرو در همه هستی (اهورامزدا) او را در پرتو اشا ستایش می‌کنم که نیک‌خواه هستی یافتگان (آدمیان) است باشد که اهورامَزدا با گوهر پاکش بشنود (آرزوی مرا) او که در پرتو بزرگی و شکوهش با وُهومن (اندیشه نیک) رایزنی کردم تا بهترین‌ها را با خرد خویش به من بیاموزد. (ساسانفر)

اکنون سخن میدارم، از آنکه بزرگترین و برترین است. آنکه من او را در پرتو راستی می‌ستایم، آنکه به مردمان مهر می‌ورزد. باشد که مزدااهورا، با خرد پیشبرنده و افزاینده خود بشنود، که ما از راه اندیشه نیک نیایشهای خود را به او ارمغان میکنیم، باشد که او با خرد خود، آنچه را که بهترین است به ما بیاموزد. (پردیس)

من اکنون از کسی که برتر و بُزرگتر از همه است سخن خواهم گُفت. با راستی و پاکی سرور دانا و پرتوهایش را ستایش می‌کنیم و آرزو داریم، هستی‌بخش یکتا در پرتو خرد مقدس خویش، نیایش ما را بشنود، بشود که در پرتو منشِ پاک و محبت و ایمان به او دست یابیم، پروردگارا در پرتوِ خرد مرا بسوی روشنائی حقیقی «یا آنچه که بهترین است» رهبری فرما. (آذرگشسب)

و اکنون فراگویم از او که بر همه برتر است و توسط اشا (و دیگر خداوندان دانش) او را خواهم ستود ـ آیا او (اهور مزدا) توسط سپنتامainیو ستایش مرا

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خواهد شنید؟ و توسط وهومن اخلاص و ایمان خود را نسبت به او ثابت خواهم کرد و او اهورمزدا به دانش ایزدی خود مرا بسوی نور راهنمایی خواهد کرد. (شوشتری)

اینک سخن می‌گویم [از آن که] بزرگترین است. در پرتو «اشه» می‌ستایم او را که نیکُ آگاه است [و] آنان را که [با او] هستند. [بشود که] «مزدا اهورا» با «سپندمینو»یِ خویش (ستایش مرا] بشنود. در پرتو «منش نیک» خواهم کوشید که مهرورزانه بدو برسم. [بشود که او] با خِردِ خویش، مرا از آنچه بهترین [چیز] است، بیاگاهاند. (دوستخواه)

ایدون سخن می‌دارم از آنکه از همه بزرگتر است، او را ستاینده‌ام، ای راستی، آن کسی را که نیکخواه آفریدگان است از روان پاک خود بشنود مزدا اهورا آن نیایشی که من از منش نیک بپرسیدم بشود که او از خرد خویش بیاگاهاند مرا از آنچه بهتر است. (پورداود)

اینک سخن می‌دارم از کسی که از همه بزرگتر است، او را از راه راستی می‌ستایم، او را که با مردم مهربان است. بشود که خدای دانا از خرد افزاینده خود بشنود که من در نیایش وی، متوسل به اندیشهٔ نیک شده‌ام. بشود که او از راه خرد مرا بهترین راهنمایی کند. (جعفری)

من می‌خواهم سخن گویم از کسی که بزرگ‌تر و خیرخواه‌تر از همه است و او اهورامزداست. او به وسیلهٔ خرد و روان پاک خودش ستایش کسانی که او را می‌ستایند می‌شنود، آرزومندیم که با خرد پاک و ایمان درست به او دست یابیم و ما را از آن چه بهتر از همه است بیاگاهاند. (شهزادی)

اینک سخن می‌دارم، از آنکه از همه بزرگ‌تر و برتر است، و با راستی می‌ستایم او را، آن سرور دانا و جاودان‌های پاک او را. باشد که مزدا اهورا، با خرد پاک خود ستایش ما را بشنود. باشد که با مهر و در پرتو اندیشهٔ نیک بدو برسیم. و باشد که او با خرد خود، آنچه را که بهترین است به ما بیاموزد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۵ ، بند ۷

یِهیا سَوا ایشانتی رادَنگهوُ

یُویی زی جوا آونگ هَرچا بوَ اینتی چا

اَمرِ تا ایتی اَشائونُو اوروا اَ اِشُو

اوتَ یوتا یا نِرانش سادرا درِگوَ تُو

تاچا خَشترا مزداو دانمیش اهورُو

او کسانی را که در جستجوی رستگاری هستند پناه می‌دهد چه آنها که زنده‌اند، بوده‌اند، یا خواهند بود چنانکه روان مرد درستکار در جاودانگی توانا (و پیروز) خواهد بود و رنج دیرپای از آن مردانی است که پیرو دروغ هستند. این را (قانونی که هر کسی بد کند بد بیند) اهورامَزدا با توانایی خود آفریده است. (ساسانفر)

اهورامزدا آفریننده ایست که مردمان، چه آنانی که بودند، هستند و خواهند بود، رستگاری خود را در او جویند، و شما بدانید، که روان راستکار پیوسته پیروز و توانا خواهد بود، و روان دروغکار همیشه با رنج به سر خواهد برد و این آئینی است که، مزدااهورا آنرا در بنیاد هستی بر نهاده است. (پردیس)

همه رستگاری را از او خواهانند. چه آنانکه زنده‌اند و چه کسانیکه از جهان رفته و یا در آینده پا بعرصهٔ وجود خواهند گذاشت، روان شخص پارسا و درست کردار کامروا گشته و از بخشش جاودانی برخوردار خواهد شد، ولی هواخواه دروغ و تبه کار از درد و عذابی که همیشه تجدید می‌گردد رنج خواهد بَرد. این قانون را هستی‌بخش دانا و یکتا از توانائی خویش مقرر فرموده است. (آذرگشسب)

از او (مزدا) رادان نجات را می‌جویند. همه جویندگان چه آنانکه هستند و چه آنانکه بودند و چه آنانکه خواهند بود. در انجام روان نیکان پیروز خواهد شد و جاوید خواهد ماند ولی درد و رنج برای آنان است که از ناراستی پیروی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

می‌کنند و همه اینها را البته مزدا اهورا به خشتر، نیروی خود می‌آفریند. (شوشتری)

اوست که همهٔ رادان ـ همهٔ آنان که بودند و خواهند بود ـ رستگاری خویش را از وی خواستار می‌شوند. روان اَشَوَن به جاودانگی و کامروایی خواهد پیوست و روان دُروند، براستی هماره در رنج خواهد بود. این [فرمان] را «مزدا اهوره» با «شهریاریِ مینویِ» [خویش] برنهاده است. (دوستخواه)

از سود (و زیانی) که در دست اوست خواهند دریافت (همهٔ) زندگان و آنانی که بودند و خواهند بود: در جاودانی روان پیرو راستی همیشه کامروا (و) آنکس که دروغ پرست است در رنج (خواهد بود) و این را مزدا اهورا از کشور (مینوی) خویش بیافریند. (پورداود)

او خدایی است که مردم، چه آنانی که بودند چه هستند و چه خواهند بود، رستگاری خود را در او می‌جویند. بدانید که روان راست‌کار همواره توانا خواهد بود و مرد دروغ‌کار همیشه در رنج بسر خواهد برد. همه این اصول را خدای دانا در شهریاری خود مقرر داشته. (جعفری)

اوست کسی که پاداش نیکوکاری و پادافره بدکاری را تا ابد برقرار داشته، خواه آن کردار در گذشته انجام یافته باشد یا در حال و آینده انجام پذیرد و آن این که روان پاکان و پرهیزکاران پیوسته شاد و خرم و روان بدکاران همیشه گرفتار رنج و شکنجه خواهد بود. این است فرمان ابدی که اهورامزدا با دانش خویش برای همیشه برقرار داشته است. (شهزادی)

او کسی است که همهٔ رادان، چه آنها که بوده‌اند و چه آنها که هستند، و چه آنها که خواهند بود، رستگاری خود را از او جویند. و این بدانید که روان نیکان پیوسته توانا و پیروز خواهد بود، و دُروند همیشه با رنج به سر خواهد برد. و این آیینی است که، مزدا اهورا با شهریاری خویش برنهاده است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۵ ، بند ۸

تِم نِ ستَئوتاییش نِمَنگهُو آ. وی وَ دِشُو
نو زیت چَشمَ اینی ویا دَرِسِم
وَنگهِئوش مَئین یئوش شیئُو تَنَهیا اوخ زَخیاچا
ویدوش اَشا یم مَزدانم اهورِم
اَت هُویی وَهمِنگ دِمانِ گَرو نیداما

او را با سرود و ستایش فرا می‌خوانم زیرا هم اکنون او را در چشم (دل و اندرون) می‌بینم اهورامَزدا را که به همراه اشا آگاه است. آگاه است به کردار و گفتاری که از گوهر پاک (سپنتامَئینو) سرچشمه می‌گیرد آری آن ستایش‌ها را برای او در خانه سرود پیشکش می‌کنم. (ساسانفر)

با ستایشها و نیایشهایم، به مزدااهورا روی میکنم، و با دیده دل او را می‌نگرم و با اندیشه و گفتار و کردار نیک، در پرتو راستی، او را هستی بخش و سرچشمه خرد می‌شناسم، و نیایشهایم را به او و به سرای سرود او ارمغان میکنم. (پردیس)

چون اهورا مزدا با دیدهٔ دل دیده‌ام، کوشش خواهم کرد با سرودهای ستایش توجهش را بسوی خود جلب کنم و از آنجا که با اندیشه و گفتار و کردار نیک و در پرتو راستی و درستی دریافته‌ام که اهورا مزدا، هستی‌بخش دانا و پروردگار یکتا است. بنابر این نیایش‌های قلبی و ستایش خود را به بارگاه مقدسش نیاز می‌کنم. (آذرگشسب)

با چامه ستایش و نیایش خواهم کوشید که اهور مزدا بما متوجه شود و اکنون او را به هستی با چشم (روانی) می‌بینم و با اندیشه نیک و کار نیک و سخن نیک بوسیله اشابه او پی بردم؛ پس بیائید تا نیازمان را بحضور او در بهشت برین تقدیم کنیم. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

با ستایش‌ها و نیایش‌های خویش بدو روی می‌آورم و با چشم دل او را می‌بینم. «مزدا اهوره» را در پرتو «اشه» و با اندیشه و گفتار و کردار نیک می‌شناسم و نیایش‌های خود را در «گَرزْمانِ» او فرو می‌نهم. (دوستخواه)

او را تو از برای ما با ستایش‌های نماز دریاب، آری اکنون آن راه با چشم خواستار نگریستنم، (آن راه کشور مینوی) پندار نیک (و) کردار (و) گفتار را، پس از اینکه مزدا اهورا را بمیانجی راستی شناختم، ایدون نیایش‌های خود را در بارگاه ستایشش فرو نهیم. (پورداود)

او را با ستایش‌ها و نیایش‌های خود به سوی خود متوجه می‌سازم زیرا او را با چشمان دل دیده‌ام و با اندیشه و گفتار و کردار نیک و به دستیاری راستی، او را خدای دانا دانسته‌ام، پس بیاییم، او را در خانهٔ سرود بپرستیم. (جعفری)

از آن جایی که پروردگار یکتا را با دیدهٔ دل و از راه پارسایی شناخته‌ام، خواهم کوشید همه را به سوی او رهبری کنم و به مردم بیاموزم که اهورا مزدا را تنها می‌توان از راه راستی با اندیشه و گفتار و کردار نیک شناخت و درود و ستایش خود را تنها به پیشگاه او تقدیم کرد. (شهزادی)

با ستایش‌ها و نیایش‌هایم، روی به مزدا اهورا می‌آورم، و با دیدهٔ دل او را می‌بینم، و با اندیشه و گفتار و کردار نیک، و در پرتو راستی، او را هستی‌بخش دانای بزرگ می‌شناسم، و نیایش‌هایم را به او و به سرای سرود او، نیاز می‌کنم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۵ ، بند ۹

تِم نِ وُهو مَت مَنَنگها چیخش نوشُو
ی نِ اوسِن چِرِت سپِن چا اَسپِن چا
مزداو خشتَرا وَرِزی ناو دیات اهورُ
پَسوش ویرِنگ اَهماکنگ فرادَتایی. آ
وَنگهِئوش اشا هَئُوزانت وَت آ مَنَنگهُو

ما می‌کوشیم او را برای خودمان با اندیشه نیک خوشنود کنیم او که خوشبختی و بدبختی را (خوبی و بدی را) در گزینش ما نهاده و به ما واگذار کرده است باشد که اهورامَزدا با توانایی خود به ما نیروی این کار را ارزانی دارد تا با پیوند با اشا و وُهومن گروه ما انسان‌ها به سوی (گزینش خوب و خوشبختی) پیش رود. (ساسانفر)

ای مزدا اهورا، تو را با اندیشه نیک ستایش میکنم، توئی که با خواست خود، توانائی شاد بودن و رنج کشیدن را به همگی واگزار کرده ای. باشد که تو ای مزدااهورا، با مهر بیکران خود، به ما نیروئی بخشی تادر پرتو اندیشه نیک و راستی مردمان و جانوران و گیاهان را خوشبخت و شکوفا کنیم. (پردیس)

لطف و بخشایش پروردگار وُهومن «منش پاک» را خواستارم، چونکه بخواست و ارادهٔ پروردگار شادی و رنج هر دو برای ما آفریده شده است، بشود که هستی‌بخش دانا در پرتو توانائی خویش نیروی کار کردن و خدمت بما ارزانی فرماید تا با منش پاک و دانش مردم را بسوی راستی و حقیقت پیشرفت دهیم. (آذرگشسب)

خواهم کوشید که او (اهورا) و وهومن را از خود خوشنود سازم. او که به مشیت خود برای ما شادی و رنج آفرید و به نیروی ایزدی (خشتر) فرمود که

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

او را خدمت کنیم و نیز توسط دانش عمیق وهومن، کار اشائی (راستی و درستی) را میان رمه (بشر) فزونی دهیم. (شوشتری)

او را با «منش نیک» خشنود می‌کنم؛ او را که به خواست خویش، بهروزی و تیره‌روزی ـ هر دو ـ را برای ما آفریده است. [بشود که] «مزدا اهوره» با «شهریاریِ مینوی» خویش، ما را [نیروی] کار کردن بخشد تا در پرتو «منش نیک» و «اشه» و با نیک آگاهی به پیشرفت [کار] مردمان بکوشیم. (دوستخواه)

او را تو از برای ما، با منش نیک، خوشنود ساز، آنکسی که بما بخواست خویش بهروزی و تیره روزی دهد. بکند مزدا اهورا از توانائی خویش بما کشت و کار دهد تا اینکه ما بچارپایان و بکسان‌مان گشایش دهیم، از شناسائی خوبمان بمنش نیک بمیانجی دین راستین. (پورداود)

او را با اندیشهٔ نیک خود خوشنود می‌سازیم زیرا او پیشروی و عقب‌ماندگی را در اختیار ما گذاشته. بشود که خدای دانا، از شهریاری خود این توانایی را به ما ارزانی دارد که جانوران و مردمان را از راه راستی و با دانش درست منش نیک پیش ببریم. (جعفری)

خردمند نیک اندیش کسی است که به دیگران می‌آموزد که اهورا مزدا از همه بیشتر و بهتر سزاوار ستایش و پرستش است. اوست که داوری همهٔ کارهای مردم را در دست دارد و به راستی تنها او سرور و آفریدگار همهٔ آفرینش‌ها است. باشد که همه با منش پاک و کار نیک به او نزدیک شویم. (شهزادی)

مزدا اهورا را، با اندیشهٔ نیک خشنود می‌سازیم، او که با خواست خود، برای ما شادی و رنج آفریده است. باشد که مزدا اهورا، با توانایی خود، به ما نیروی کار کردن بخشد، تا در پرتو اندیشهٔ نیک و راستی و دانش درست، در راه پیشرفت مردمان بکوشیم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۵ ، بند ۱۰

تِم نِ یسنایی‌ش آرمَ توییش می مَغژوُ

ی آن مِنی مَزدا سراوی اَهورُ

هیَت هویی اشا وُهوچا چُوئیشت مَنَنگها

خشَتروُئی هویی هَئوروَتا اَمرِتاتا

اَهمایی ستُویی دانم تِویشی اوتَ یوییتی

او را با ستایش به آرمئیتی (پارسایی) ارج می‌گذاریم او، خداوندی که در ذات مینوی خود به دانایی نامبردار است هر کسی که با راستی (اشا) و نیک‌اندیشی (وُهومن) به او پیمان بسپارد به آنکس در گستره فرمانروایی خود (خشترا) رَسایی و دیر زیوی نیرومندی و شادابی ارزانی می‌دارد. (ساسانفر)

اهورامزدا، تو را در آرامش درونی خود می‌ستائیم و بزرگ میداریم. توئی که در پرتو راستی و اندیشه نیک در شهریاری خود به مردم نوید رسائی و جاودانگی میدهی و به آنها تندرستی و توانائی می‌بخشی. (پردیس)

با دُرود و ستایش قلبی و ایمانی پاک او را بزرگ خواهیم داشت، کسی که در پرتو نیروی خویش هستی‌بخش دانا و یکتا و آفریدگار هر دو جهان نامیده شده است. پروردگاری که در پرتو قانون ازلی و اندیشهٔ رسا و شهریاری خویش بمردم جهان رسائی و جاودانی نوید داده است و آنها را به برخورداری از نیروی تن و پایداری روان امیدوار ساخته است. (آذرگشسب)

از اهورا مزدا بوسیله نیاز به ارمایتی می‌جویم که ما را سرافراز سازد. او که در عظمت مزدا اهورا دانسته شده ـ زیرا بوسیله اشا و وهومن خود پیمان نهاده که در فرمان خشترا، امرتات و خرتات به مردمیکه به فرمان ایزدی اطاعت می‌کنند همواره توانائی روانی و زیست نو به نو خواهند بخشید. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

او را با [یاریِ] «آرمیتی» می‌ستاییم و گرامی می‌داریم؛ او را که هماره «مزدا اهوره» خوانده می‌شود؛ [او را] که در پرتو «اشه» و «منش نیکِ» خود، ما را نوید داد که در «شهریاریِ مینُویِ» وی به «رسایی» و «جاودانگی» خواهیم پیوست و به ما تندرستی و توانایی خواهد بخشید. (دوستخواه)

او را تو از برای ما با درود پارسائی بزرگ دار، آنکسی را که همیشه مزدا اهورا خوانده شود. چه او از اردیبهشت و بهمنِ خود نوید داد که بما در کشور (مینوی) وی رسائی و جاودانی بُوَد (و) در بارگاهش نیرو و پایداری. (پورداود)

آنرا با ستایش‌های آرامش درونی خود بزرگ می‌دانم که همواره اهورا مزدا، خدای دانا، نام دارد. او است که از راستی و منش نیک خود و در شهریاری خویش به مردم رسایی و جاودانی می‌بخشد. بشود که او بر ما تندرستی و توانایی ارزانی دارد. (جعفری)

اهورا مزدا را باید با ایمانی کامل و از روی راستی ستود، چه او به ما نوید داده است که در پرتو راستی و نیک منشی و خویشتن‌شناسی (شهریور) می‌توان به رسایی و جاودانگی دست یافت و آنگاه است که ما را برای همیشه در کشور مینویی در فروغ بی‌پایان خویش جای خواهد داد. (شهزادی)

و او را با پارسایی می‌ستاییم و بزرگ می‌داریم. او که همواره، هستی‌بخش دانای بزرگ نام دارد در پرتو راستی و اندیشهٔ نیک، و با شهریاری خود به مردمان نوید رسایی و جاودانگی می‌دهد، و به آنها تندرستی و توانایی می‌بخشد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۵ ، بند ۱۱

یستا دَئِونگ اَیژُ مَشیانس چا

تَرِمانستا یویی ایم ترمَئین ینتا

اَن ینگ اهمات ی هویی اَرِم مَئین یاتا

سَئُو شین تُو دِنگ پَتُوایش سپن تا دَئِنا

اوروَتُو براتا پَتُو وا مَزدا اهورا

کسی که خدایان دروغین و پیروان بزهکار او را نفی می‌کند و نیز آنها که او را (زرتشت) هم باور ندارند جدا هستند از آنکس که برای او (زرتشت) درست می‌اندیشد (و او را می‌شناسد) چنین کسی با باور به آیین پاک تو، رهایی‌بخش (سوشیانت) مردم است. ای اهورامزدا! او چون دوست، برادر و بلکه پدر (برای مردم) در خانه تو جای دارد. (ساسانفر)

مزدااهورا، راه کسی که تبهکاران را دشمن می‌شمارد، از راه آنکس که با آئین او در ستیزد جدا نموده، و برای کسی که با اندیشه نیک، از مزدااهورا یاد کند، و سوشیا نهای آزادی بخش و یاوران آئین را گرامی دارد، همچون دوست و نزدیکترین کسان خواهد بود. (پردیس)

کسانی که بُت‌پرستان و هواخواهان آنها دشمن ورزند و همچنین کسانی که نام پروردگارا را به نیکی یاد کرده و سوشیانت‌های دانا و یاور دین راستین را گرامی دارند، مزدا اهورا با آنها چون دوستی صمیمی و برادر و پدری مهربان خواهد بود و راهشان با کسانی که یکتا اهورا را خوار شمارند و از او بزشتی یاد کُنند کاملاً جُداست. (آذرگشسب)

بنابر این او که با دیوان و پیروان آنان مبارزه می‌کند، انکار می‌کند، از او که اندیشه‌اش برخلاف (فرمان ایزدی است) زیرا (دیوان) از او که اهورا مزدا را به احترام می‌اندیشد جدا هستند (و چنین مردم ستوده) ای اهورا توسط

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دین پاک سوشی‌ینت خداوند دانش چون پدر و برادر و دوست ما می‌شوند. (شوشتری)

پس کسی که با دیوان و مردمان [پیرو] آنان دشمنی می‌ورزد، [راهش] از [راه] آن کس که «مزدا اهوره» را خوار می‌شمارد و زشت می‌انگارد، جداست. [چنین کسی] دربارهٔ او و رهانندگان دانا و یاوران دین پاک، نیک می‌اندیشد و [مزدا] او را دوست و بردار و بلکه پدر خواهد بود. (دوستخواه)

پس اینچنین کسی که در آینده دیوها و مردمان را خوار بدارد، آنانی که او را خوار دارند (و همه) دیگران را، جز آنکسی را که باو نیک اندیشد، دین پاک رهاننده آن کدخدا، او را دوست، برادر یا پدر (خواهد بود) ای مزدا اهورا. (پورداود)

کسی که دیوان و پیروان آنان را همانطور قبول ندارد که آنان خدای را، کسی که از آنان جدا است و خدا را درست می‌شناسد، سودرسان همگانی است. او از راه دین افزاینده، خداوند خرد است. و ای خدای دانا، دوست و برادر و پدر همه است. (جعفری)

کسی که از پرستش دیوان و فرمان‌برداری از آنان روی بگرداند و به پروردگار یکتا و آیین پاکش روی آورد، اهورا مزدا به چنین کسانی برابر وعده‌ای که فرموده چون دوست و برادر و پدر است، و راه اینان با دشمنان اهورا مزدا کاملاً جداست. (شهزادی)

مزدا اهورا، برای کسی که، دیویسنیان و پیروان آنان را دشمن می‌دارد، و راهش از آنکه، مزدا اهورا را خوار می‌شمارد و زشت می‌انگارد، جداست، و دربارهٔ مزدا اهورا نیک می‌اندیشد، و سوشیانسهای دانا و یاوران آیین را، بدرستی می‌شناسد، چونان دوست و برادر و پدر خواهد بود. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات چهل و ششم

هات ۴۶ ، بند ۱

کانم نِمُوئی زانم کوترا نِمُوئی اَینی
پئیری خواَتِئوش اَئیریئی مَنَس چا دَدَئیتی
نوئیت ما خشنائوش یا وِرزِنا هچا
نَئِدا دَخی یُئوش یوئی ساستارو ُ درِگوَنتُو
کَتا توا مَزدا خشنَ اُشائی اهورا

به کدام سرزمین روی آورم، به کجا روم. مرا از خانواده و دودمانم دور می‌دارد. از مردم کوی و برزن که با آنها سر و کار دارم. و از فرمانروایان دروغ پرور کشور خرسند نیستم. ای اهورا مَزدا چگونه می‌توانم تو را خشنود کنم. (ساسانفر)

به کدام سرزمین روی آورم و به کجا پناه جویم؟ خویشانم مرا ترک گفته و دوستانم از من روی گردانند. از همکاران نیز مرا خشنودی نیست. و نه از رهبران کشور که پیرو دروغند. پس ای اهورامزدا، در برابر اینهمه دشواری، چگونه میتوانم تو را خشنود سازم؟ (پردیس)

بکُدام سرزمین روی آورم؟ بکجا رفته پناه جویم؟ خویشانم مرا ترک گفته، و دوستانم از من روی گردانند. از همکاران کسی مرا خُرسند نمی‌سازد و فرمانروایان کشور نیز همگی بدروغ گرایش یافته‌اند. ای هستی‌بخش بزرگ، چگونه خواهم توانست با مأموریت ترا خشنود سازم. (آذرگشسب)

به کدام زمین گام بردارم ـ به که رو آورم ـ آنها مرا از خویتوش و آریمنه دور کرده‌اند و از آنچه از ورزن به من می‌رسد نیز خورسند نیستم و نه هم (از) فرماندهان کشوریکه پیروان ناراستان هستند پس چگونه ای مزدا اهورا تو را خوشنود سازم. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

به کدام مرز و بوم روی آورم؟ به کجا روم [و از که] پناه جویم؟ مرا از خویشاوندان و یاورانم دور می‌دارند. همکاران و فرمانروایانِ دُروندِ سرزمین نیز، خشنودم نمی‌کنند. ای مزدا اهوره! چگونه ترا خشنود توانم کرد؟ (دوستخواه)

بکدام زمین روی آورم، بکجا روی نموده بروم از آزادگان و پیشوایان دورم دارند؛ برزیگران مرا خوشنود نمی‌کنند...... و نه آن فرمانروایان دروغ‌پرستِ کشور چگونه تُرا، ای مزدا اهورا خوشنود توانم ساخت. (پورداود)

به کدام زمین روی ببرم، به کجا بروم؟ مرا از خویشاوندان و دوستان دور می‌دارند. نه از اهل محل خوشی می‌بینم و نه از شهریاران دروغ‌کار کشور. پس چگونه می‌توانم ترا، ای خدای دانا، خوشنود سازم. (جعفری)

پروردگارا ـ به کدام خاک روی آورم؟ به کجا رفته پناه جویم؟ دشمنانم مرا از دوستان و بستگان جدا کرده‌اند و آنان از من کناره می‌جویند. از بزرگان و فرمانروایان نادرست نیز خشنود نیستم و با این وضع چگونه می‌توانم در راه خدمت به توای اهورا مزدا کامیاب شوم و آیین پاکت را گسترش دهم؟ (شهزادی)

به کدامین سرزمین روی آورم؟ از این جا دل کنده و در کجا پناه گیرم. رزم‌آوران و پیشوایانِ دین پیام را نمی‌پذیرند، هم‌چنین برزیگران نیز مایهٔ خشنودیم نیستند، و امیران شهر نیز از شمار پیروان دروغ می‌باشند. (رضی)

به کدام زمین روی آورم؟ و به کجا روم؟ مرا از خویشاوندان و یارانم دور می‌دارند، از همکاران نیز مرا خشنودی نیست، و نه از شهریاران کشور که هواخواه دروغند. ای مزدا اهورا، چگونه می‌توانم ترا خشنود گردانم؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۲

وَئِدا تَت یا اَهمی مَزدا اَن َاِشُو

ما کَم نَقش وا هیَت چا کَم نانا اَهمی

گِرزُئی توئی آ ایت اَوَئِنا اهورا

رَفِزرِم چَگواو هیَت فریُو فریائی دئیدیت

آخسُو وَنگهِئوش اشا ایش تیم مَنَنگهوُ

ای مَزدا این را می‌دانم که چرا ناتوان هستم. چون رَمه (و خواسته‌ام) ناچیز و شمار یارانم اندک است. ای اهورا به تو دادخواهی می‌کنم، درباره آن رسیدگی کن. مرا پشتیبان باش همچنان که دوستی به دوستش کمک می‌دهد. با نیروی وُهومن (نیک اندیش) که با اشا هماهنگ است مرا یاری کن. (ساسانفر)

ای مزدا من از ناتوانی خود آگاهم، زیرا دارائیم اندک و یارانم کم اند. پس من به تو روی میکنم، مرا نیک بنگر، و به من مهری را که، دلداری به دلداده‌اش میبخشد در پرتو راستی ارزانی کن و مرا از اندیشه نیک برخوردار گردان. (پردیس)

ای مزدا من از ناتوانی و تنگدستی خود آگاهم، زیرا خواسته‌ام کم، و یاران و هواخواهانم اندکند. ای هستی‌بخش یکتا، روی بدرگاه تو می‌آورم مانند دلداده که از دلبر خویش خواستار نظر لُطف و محبت و خوشبختی سرمدی باشد، پروردگارا در پرتو قانون ازلی اَشا «راستی و پاکی» مرا از نیروی نیک اندیشی و محبت برخوردار ساز. (آذرگشسب)

ای مزدا؛ می‌دانم (علتی که) چرا من بیچاره هستم (بسبب) کم نوائی و (بسبب) کم بودن پیروان (من هست) پس در این باره به تو فریاد می‌کنم نیک توجه فرما ای اهورا! آرزومند سعادتی هستم که از دوستی به دوستی می‌رسد بوسیله اشا مرا نیروی وهومن بیاموز. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا! من می‌دانم که چرا ناتوانم. از آن روی که خواسته‌ام ناچیز است و کسانم اندک شمارند. ای اهوره! از این [ناکامی] نزد تو گله می‌گزارم. تو خود، نیک [در کارِ من] بنگر. من [از تو] خواهان آن یاری و رامشم که دلداری به دلداده‌ای می‌بخشد. در پرتو «اشه» مرا از نیروی «منش نیک» بیاگاهان. (دوستخواه)

من می‌دانم، ای مزدا، که چرا ناتوانم: زیرا کم خواسته هستم و مرا کسان کم هستند. بتو گله می‌برم، تو خود بنگر، ای اهورا، یاری بخشای، آنچنان که یک دوست بدوستی ارزانی دارد. از دین راستین بیاگاهان از آنچه دارائی منش نیک است. (پورداود)

می‌دانم، ای خدای دانا، که ناتوانم دارایی‌ام اندک است و یارانم کم. به تو روی می‌کنم، خدایا نگاهی، من آن لطفی را می‌خواهم که معشوق به عاشق خود ارزانی می‌دارد. مرا به دستیاری راستی به سرمایهٔ منش نیک راه بنما. (جعفری)

ـ ای مزدا ـ می‌دانم چرا کاری از پیش نمی‌برم، چون داراییم اندک و یارنم کم‌اند ـ ای اهورا نظری به من افکن و چنان که دوستی به دوست خود یاری و دلداری دهد، مرا نیروی درونی و آرامش خاطر بخش و از پاداش نیک منشی‌ات مرا خاطر جمع ساز. (شهزادی)

آگاهم که این ناکامیابی‌ها را سبب چیست. خواسته و گَله و رَمه‌ام اندک است، ای مزدا گروه پیروان آن چنان که بایستی در شمار نیستند، چون پیشوایان و امیران دروغ‌زن با خواسته و دارایی‌شان مردم را می‌فریبند و با نیرو و توانشان آنان را می‌ترسانند. ای مزدا از تو پناه می‌جویم، خواستم آن است تا چونان دوستی که دوستی را پشتیبانی و یاری کند، مرا پشتیبانی و یاری کنی، تا که همه دریابند راه راستین کدام است و به پاکی و نیک منشی بِگروند. (رضی)

ای مزدا اهورا، من می‌دانم چرا ناتوانم، نوای من اندک و کسان من کم‌اند، من به تو می‌زُبایم، مرا نیک بنگر، من از تو خواهان آن مهری هستم که، دلدار به دلداده می‌بخشد. در پرتو راستی، مرا از نیروی اندیشهٔ نیک بیاگاهان. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۳

کَدا مَزدا یُوئی اوخشانُو اسنانم

اَنگِئوش دَرِترائی فروُ اَشَهیا فرارِنت

ورِزدائیش سِنگهائیش سَئُوشیَن تانم خرَتَوُ

ک اِ ای بیُو اوتائی وُهو جیمَت مَنَنگها

مَ ای بیوُ توا سانسترائی وِرِنِ اهورا

ای مَزدا چه زمانی سپیده‌دم درخشان روزها. برای پشتیبانی اشا به جهان هستی خواهند تابید. تا با آموزش‌های پرارج و خردمندانه سوشیانت‌ها. مردم به پا خیزند و وُهومن به یاری آنها آید. ای اهورا برای رسیدن به آن من آموزش‌های تو را بر می‌گزینیم. (ساسانفر)

ای مزدا، کی سپیده دم نیک بختی فرا خواهد رسید؟ آن روز که راستی در جهان بدرخشد. و کی سود رسانان آزادیبخش، سوشیان‌ها با رهنمودهای پر از خرد و پیش‌برنده خواهند آمد؟ و اندیشه نیک به چه کسی گرایش خواهد کرد؟ ای اهورا، من تنها آموزش و آئین تو را بر می‌گزینم. (پردیس)

ای مزدا کِی سپیده‌دم نیک بختی بدر خواهد آمد و مردم جهان بسوی راستی و پاکی روی خواهند آورد؟ کِی نجات دهندگان بشر با دانش و خِرد و آموزش‌هایِ مؤثر خویش مردم را رهبری خواهند کرد؟ و وُهومن، مظهر اندیشهٔ پاک بِچه کسی گرایش پیدا خواهد کرد؟ ای هستی‌بخش من تنها، ترا بعنوان آموزگار و سرور خود برگزیده‌ام. (آذرگشسب)

کی ای مزدا آن روزها روشن گردند و کسی برای نگه داشت آفریدگان اشا دانش نجات دهندگان (سوشیانت) بتابد و با آموزش پرتأثیر (آن دانش) با وهومن به یاری هر (کدام) که بیاید برای آموزش من ای اهورا تو را برمی‌گزینم. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا! کی سپیده‌دم آن روز فرا خواهد رسید که با آموزش‌هایِ افزایش‌بخشِ خردمندانهٔ رهانندگان، «اشه» به نگاهداری جهان بدرخشد؟ کیانند آنان که «منش نیک» به یاریشان خواهد آمد؟ ای اهوره! من [تنها] آموزش ترا برمی‌گزینم. (دوستخواه)

کی، ای مزدا، بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فرا گیرد با آموزش‌های فزایش‌بخش پُرخرد رهانندگان؟ کیانند آنانی که بهمن بیاری‌شان خواهد آمد؟ از برای آگاه ساختن من، تُرا برگزیدم، ای اهورا. (پورداود)

کی، ای دانا، آن روز خواهد دمید که خرد سود رسان بزرگ با آموزش رسای خود و با آیین استوار زندگانی، راستی را والا خواهد داشت؟ او با منش نیک به یاری کدام کس خواهد شتافت؟ خدایا، من آیین و آموزش ترا برمی‌گزینم. (جعفری)

ـ ای مزدا ـ سپیده‌دم امید، کی به در آید و مردم چه وقت به سوی راستی روی آورند و دستور نجات دهندهٔ خود را پیروی خواهند کرد؟ کی پیامبر تو با گفتار سود بخش خود در رستگاری روان مردم کامیاب می‌شود؟ ای اهورا فرشتهٔ نیک منشی را به یاری آنان فرست و مرا در انجام این وظیفه بزرگ کامروا گردان. (شهزادی)

کی مزدا سپیدهٔ رخشان پیروزی جهان را در بر خواهد گرفت؟ کی رخشندگی آفتابِ دین همه جا را تابان خواهد ساخت؟ کی سوشیانت‌ها فراوانی و زیادگی خواهند یافت تا از پرتوِ کار و کردارشان، دین گسترده شود. اینک سوشیانتی برای آموزش مردم برپاست و منم، زرتشت که پیروِ تو هستم ای اهورا. (رضی)

ای مزدا اهورا، کی سپیده دم آن روز فرا خواهد رسید که راستی برای نگاهداری جهان بدرخشد؟ کی سوشیانسها، با آموزش‌های فزاینده و بخردانه می‌آیند؟ و اندیشهٔ نیک چه کسی را یاری می‌کند؟ ای اهورا، من تنها آموزش و آیین تو را برمی‌گزینم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۴

اَت تِنگ درِگواو یِنگ اَشَهیا وَژدرِنگ پات
گاو فَرُرِتوئیش شوئیترَهیا وا دَخ یِئوش وا
دوژ زُباو هانس خوائیش شیئوتَنائیش اَهِموستو
یَستِم خشَترات مَزدا موئی تَت جیاتِئوش وا
هوُ تِنگ فرُ گاو پَت مِنگ هوچیس تُوئیش چَرَت

و اما دُروَند آنها را که پشتیبان اشا هستند (و بار راستی را به دوش می‌کشند) از پیشرفت و شکوفائی جهان در شهر و کشور باز می‌دارد. هم اوست که با کردار دشمن‌وار خویش به زشتکاری و ستیزه‌جوئی نامور شده. کسی که او را از نیروی فرمانروائی و دستیابی به ابزار زندگی باز دارد. چنین کسی، آنها را (که پشتیبان اشا هستند) رهائی می‌بخشد تا به سوی شناخت و آموزش درست راه جویند. (ساسانفر)

در برابر پیروان دروغ که هر دم در کوششند تا از پیشرفت راستکاران در زندگی و آبادانی کشور جلوگیری نمایند، ما با تمام نیرو و جان با آنها ستیز خواهیم نمود، چون میدانم ای مزدا، که با این کار، ما در راه آئین تو گام بر میداریم. (پردیس)

هواخواهان دروغ کوشش دارند پارسایان و پرهیزکاران را از پیشرفت بسوی هدفهای مقدس خویش یعنی راستی و درستی و آبادانی شهر و کشور بازدارند، آنها با کردار خصمانهٔ خود بزشتی و تباهکاری مشهورند. ای مزدا کسی که با تمام نیرو و وجودش بر علیه هواخواهان دروغ پیکار کند او جهان آفرینش را براه خرد و دانش حقیقی رهبری خواهد کرد. (آذرگشسب)

دیویسنی باز می‌دارند هواخواهان اشا را از یاری به آفریدگان چه در استانها و چه در کشور (بنابر این) از او که کارهایش بر نادرستی است خواندن (و یاری خواستن) خطرناک است ـ باید با همه نیرو و روان با او مبارزه کرد ای مزدا! و چنین پیشوا (که با گمراهان مبارزه می‌کند) رهنمائی خواهد کرد به راه پاک و اراده (ایزدی) تو. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دُروندِ بدنامِ بدکردارِ تباهکار، یاوران «اشه» را از پیشبرد زندگانی [مردمان] در روستا یا سرزمین باز می‌دارد. ای مزدا! آن کس که از دل و جان و با [همهٔ] تواناییِ [خویش] با او می‌ستیزد، جهانیان را به راه نیکْ آگاهی رهنمون می‌شود. (دوستخواه)

و دروغ‌پرست باز می‌دارد که این راهبران دین راستین چارپایان را در روستا یا کشور بپرورانند آنکه بدنام است (و) از رفتار خویش تباهکار. کسی که او را، ای مزدا، از شهریاری بی‌بهره کند یا از زندگی پیشروی است که راه آیین نیک بیاراید. (پورداود)

دروغ‌کار از کسانی که راستی را می‌پایند و مردم را، چه درشهر و چه در کشور، پیش می‌برند، جلوگیری می‌کند. او را به مبارزه خواستن دشوار است زیرا به کارهای خطرناک می‌پردازد. هر کس که با نیروی خود و یا حتی جان خود، در برابر او بایستد، مردم را به سوی دانش نیک راه می‌نماید. (جعفری)

پیروان دروغ نمی‌خواهند مردم به سوی راستی روند و می‌کوشند تا آنان را از پیشرفت در زندگی و آبادانی شهر و روستای خود باز دارند. چنین کسانی کردارشان زشت و ویران‌گر است. بی‌گمان کسانی که با تمام نیروی مادی و معنوی به دشمنی با آنان برخیزند، به راه راست و درست و آیین نیک اهورایی گام می‌نهند. (شهزادی)

آن پیشوایِ بدکار، آن دروغ‌زن بزرگ، پیروان آیین را، راستکاران را از پروراندنِ زمین و چارپایان باز می‌دارد. این کسی است که کردارش تباهش خواهد کرد. کسی که او را از امیری و زندگی باز دارد، هم اوست که راه پیشرفت آیین را فراهم ساخته است. (رضی)

دُروندی که با کردار دشمنانه و زیانبار خود بزشتی زبانزد است، پشتیبانان راستی را از پیشبرد زندگی مردمان در شهر و در کشور باز می‌دارد. ای مزدا، کسی که به جان با دُروند بستیزد، مردم و جهان آفرینش را به راه خرد و یابش نیک پیش می‌برد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۵

یِ وا خَشیانس اَدانس دریتا اَیَن تِم
اوروَتوئیش وا هوزِن توش میتروئی بیوُ وا
رَشنا جوانس یِ اَشَوا درِگوَنتِم
وی چیروُ هانس تَت فروُ خوَاِتَوِ مرویات
اوز او ای تُیوئی ایم مَزدا خرونیات اهورا

کسی که توانگر، بزرگ خانه و از تیره خوب است باید آن کس را که به او روی می‌آورد با آبرومندی و گشاده‌دستی بپذیرد. خواه براساس دستور کار و پیشهٔ او باشد یا بنا بر پیمان و رسوم جاری. اگر مرد درستکاری که بر اساس درستی زندگی می‌کند دریابد کسی که نزد او آمده فریبکار و دروَند است باید آن را به خانواده خود بگوید و در میان نهد. برای آنکه ای اهورا! آنها را از آسیب نابودی برهاند و نگهداری کند. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، اگر راستکاری، که بر پایه آئین راستی و یا از روی مهر، دروغکاری را که از او یاری می‌جوید بگرمی بپزیرد، و او را از گمراهی برهاند و به خودشناسی رساند، بر اوست که سایر یاران را آگاه نموده تا آنان چنین کسی را از آزار بداندیشان نگهداری کرده و یار و یاور او باشند. (پردیس)

مرد دانا و توانائی که بنا بدستور ایزدی و یا از راه مهر و عواطف انسانی خواستاران کمک را خواه از هواخواهان راستی و یا دروغ بگرمی پذیرا شود او پیرو راه اَشا بوده و زندگیش سرشار از راستی و درستی می‌باشد. ای هستی‌بخش دانا، او بِخردی است که با نیروی دانش گمراه را از تباهی و نیستی رهانیده و او را بخودشناسی و اِتّکایِ بنفس رهبری خواهد کرد. (آذرگشسب)

هر که نیرومند است به ملاحظه (مهر و محبت) می‌پذیرد التماس کننده را، خواه بنابر فرمان ایزدی باشد یا به احساس بشر دوستی ـ و چنین دانشمند پیرو راه راست (در صورتیکه خود) به درستی و راستی زندگی می‌کند ناراست را (از خود دور نمی‌سازد بلکه به مهربانی می‌پذیرد) و با سنجش به او آشکار می‌کند دانشی را که به اعتماد بر خود رهنماست و از تباهی نجات می‌دهد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا اهوره! هر گاه اَشَوَنِ نیک آگاهِ توانایی که خود بدرستی زندگی می‌کند، دُروندی خواستار یاری را ـ خواه به فرمانِ ایزدی، خواه از سرِ خویشکاریِ دینی ـ به گرمی بپذیرد، می‌تواند با خردمندیِ خویش، او را بیاگاهاند و از گزند و تباهی برهاند. (دوستخواه)

اگر دانائی بتواند نگاهداری کند کسی را که او بر آن داشته از روش خود و پیمانهای خود برگردد آن (دانائی) که خود از روی دستور زندگی می‌کند، آن پیرو راستی، آن دروغ‌پرست را اینچنین باید آنکه بخرد است آزاده را بیاگاهاند تا که او را از گزند پناه دهد، ای مزدا اهورا. (پورداود)

اگر شخص توانایی که خود راست‌کار است و زندگانی درستی دارد، شخص دروغ‌کار، اما دانایی را که برای یاری خواستن آمده باشد، از روی آیین یا پیمان دوستی با احترام بپذیرد، می‌تواند با خود او سخن از گزینش دین در میان بگذارد تا، ای خدا، چه بسا که از این راه او را از تباهی رهایی بخشد. (جعفری)

هر گاه یکی از پیروان راستی، دروغ‌پرست بدکاری را به راه راست رهبری کند و به آیین اهورایی در آورد، بر اوست که به دیگر هم کیشان آگهی دهد تا آنان چنین کسی را از آزار بداندیشان نگهداری کنند و یار و یاور او باشند. این است خواست و دستور اهورا مزدا. (شهزادی)

هر گاه یکی از بهدینان و بِخردان که گزینش راه راستی کرده است، دروغ‌زنی را از آن راه بد بازداشت و به آیین بهی در آورد، هر گاه به پذیرش آن مرد یقین کرد، بر اوست تا با خویشان این امر را در میان نهد تا از او حمایت و نگاهداری شود. هر گاه از شما یاری خواسته شود از سوی راست کرداران و یا آنانی که از دروغ‌زنان به راستی پیوسته‌اند، بر شماست که پناهشان دهید و یاریِ‌شان کنید. (رضی)

ای مزدا اهورا، اگر دانا و توانایی که پیرو راستی است و بدرستی زندگی می‌کند، بنا به آیین ایزدی و یا از راه مهر، دُروندی را که از او یاری می‌جوید بگرمی بپذیرد، با خرد خود می‌تواند او را از گمراهی و تباهی و گزند برهاند و به خود شناسی برساند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۶

اَت یَستِم نوئیت نا ایسِم نو آیات

دروجُ هوُ دامان هَئِتَهیا گات

هوُ زی درِگواو یِ درِگوا ایتِ وَهیشتو

هوُ اَشوَا یَهمائی اَشوَا فری یُو

هیَت دَئِناو پَئُواور ویاو داو اهورا

چنانچه آن کس (نیازمند) نزد مرد توانگر نیاید. او اسیر دام دروغ می‌شود و به سوی آن خواهد رفت. زیرا پیرو دروغ برای پیرو دروغ. و پارسا برای پارسا بهترین دوست است. که ای اهورا از آغاز، وجدان و بینش ما را چنین آفریدی. (ساسانفر)

ولی اگر این راستکار، به کسی که دست یاری به او دراز کرده پاسخ نگوید، اوست که این بار به دام فریبکار می‌افتد و فریبکار را پیروز میگرداند. از این روی، بر پایه آئینی که رهنمای ماست، کسی که تبهکار را به پیروزی رساند خود تبهکار است، و آنکه کسی را به راستی رهنما شود از راستان می‌باشد. (پردیس)

هر گاه مرد توانا شخص تبهکار را براه راست هدایت نکند بدام فریب هواخواهان دُروغ خواهد اُفتاد. کسی که برای خواهان دروغ آرزوی فیروزی کند و بدانها یاری بخشد از هواخواهان دروغ بشمار خواهد رفت و کسی که درست کرداران را دوست داشته بِدان‌ها ارج نهد در زُمرهٔ پارسایان بحساب خواهد آمد. ای هستی‌بخش یکتا، این قانون ازلی را از روز هستی یافتن بشر مقرر فرمودی. (آذرگشسب)

ولی مرد توانا که نرسد (به یاری) او که (یاری) می‌خواهد خود او بدام فریبندگان گرفتار خواهد شد. زیرا که خود او بد است (اگر) در نظر ناراستان

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

نیک شمرده شود و یقیناً او که در نظر راستان گرامی است از نیکان است چنین است ای اهورا! از زمان ازلی که وجدان را آفریدی. (شوشتری)

اما اگر آن مرد توانا او را نپذیرد، خود آشکارا به دُروَندان خواهد پیوست؛ زیرا از همان آغاز که «اهوره»، «دین» را آفرید، نیک‌خواهِ دَروند، خود دُروند است و اَشَوَن کسی است که دوستِ اَشَوَنان باشد. (دوستخواه)

و اگر آن کسی که از او درخواست شده (بیاری) نیامد، او بدرستی به آفریدگان دروغ خواهد پیوست چه او (خود) دروغ‌پرست (و) نیک‌خواه دروغ پرست است. راستی‌پرست آن کسی است که دوست یک راستی پرست است، از همان هنگام که نخستین دین دادی، ای اهورا. (پورداود)

اما اگر آن شخص توانا به راهنمایی او نپردازد خودش در دام دروغ خواهد افتاد زیرا طبق آیین دین که، ای خدا، تو در آغاز مقرر داشتی هر کسی که با دروغ‌کار همدستی می‌کند، خود دروغ‌کار است. و هر کسی که دوست راست‌کار است، خود راست‌کار است. (جعفری)

ولی هرگاه شخص دانا و توانایی به یاری او برنخاست، خود از گروه بدکاران به شمار است، چه بدکار کسی است که بدکاری را یاری دهد و نیکوکار آن که نیکان را یار و یاور باشد. چنین است آیین و خواست اهورا از آغاز هستی. (شهزادی)

چون در غیر این صورت آنان مجبورند با همان دروغ‌زنان هم نشین باشند، و این است خواست تو ای مزدا، که از راست‌کرداران حمایت و پشتیبانی شود. (رضی)

اما اگر آن توانا، به کسی که برای یاری به سوی او آمده است، یاری نکند، او خود به دام دُروند فریبکار خواهد افتاد، زیرا، بنا به آیین دین که اهورا مزدا از آغاز بر نهاده است، کسی که برای دُروند بهترین را بخواهد، خود دُروند است، و آنکه راستان را ارجمند بدارد، از راستان است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۷

کِم نا مَزدا مَوَایتِ پایوم دَداو

هیَت ما درِگواو دی دَرِشَتا اَ اِ نَنگهِ

اَنیِم توَهمات آترَسچا مَنَنگهَس چا

یَیاو شیَ اُتَنائیش اَشِم ترَاُشتا اهورا

تانم مُوئی دانس توام دَئِنیائی فراوَئوچا

ای مزدا، چه کسی را پناه‌دهنده او که همانند من است می‌گماری. آن گاه که پیرو دروغ برای آزار من آماده شود. کس دیگری جز فروغ تو و اندیشه تو (پشت و پناه من) نیست. این دو ای اهورا با کارآیی خود آئین راستی را پیشرفت می‌دهند. آن آموزش را برای (پیشرفت) سرشت و وجدان من آشکار کن. (ساسانفر)

ای مزدا، هنگامی که دروغکار کوشش به فریب من میکند ،جز آتش درونیم که بسوی تو زبانه میکشد و اندیشه‌ام که بسوی تو پرواز میکند، چه کسی یار و یاور من خواهد بود؟ ای اهورا، با شناخت آئین راستی است که ما از روشنائی خرد تو بهره مند خواهیم شد و نیرو خواهیم گرفت. (پردیس)

هنگامی که هواخواه دُروغ با کینه و نفرت ارادهٔ آزار من کند، ای مزدا، جَز فروغ مینوی و اندیشه بتو چه کسی از من پشتیبانی خواهد کرد؟ زمانی که این دو فُروزه در نهاد ما بیدار شده و با هم کار کنند، ای هستی‌بخش، آئین راستی بحد کمال خواهد رسید، پروردگارا حقیقت را برمن آشکار و وجدانم را به این آموزش بیدار ساز. (آذرگشسب)

کدام جوانمرد را ای مزدا برای چون من (ناتوان) یاور می‌نمائی. پیروان دروغ از دشمنی (از هر سو) بر من تاخته‌اند به جز آذر و وهومن تو که عمل

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنان (آئین) اَشا را کامل می‌سازد. آئین مقدسی به من فراگو که وجدانی (روانی) باشد. (شوشتری)

ای مزدا! بدان هنگام که دُروند آزردنِ مرا کمر می‌بندد، جز «آذر» و «منش [نیک]» تو ـ که «اشه» از کردارشان کارآمد می‌شود ـ چه کس مرا پناه خواهد بخشید؟ ای اهوره! «دینِ» مرا از این آموزش بیاگاهان. (دوستخواه)

کی را، ای مزدا، پُشتیبان مانند من کسی خواهند داد، آنگاه که دروغ‌پرست از برای آزردن من آماده شود، جَز از آذر و منش تو که از کردارهایشان دین راستین رسا خواهد گردید؟ ای اهورا، از این دستور نهادم را آگاه ساز. (پورداود)

هنگامیکه دروغ‌کار به آزار من کمر می‌بندد کرا، ای خدای دانا، جز آتش و منش خود برای نگهداری من گماردهای؟ از پرتو این دو فروزۀ روشنایی و دانایی است، ای خدا، که آیین راستی بکار بسته می‌شود. نهاد مرا از این آیین آگاه ساز. (جعفری)

ـ ای مردم ـ هنگامی که دروغ‌پرست و گمراهی در پی آزار و گزند ما برخیزد، به جز فروغ ایمان و اندیشۀ پاک چه چیز دیگر می‌تواند برابر قانون جاودانی مزدا ما را پشت و پناه باشد. ای اهورا مزدا همۀ ما را از فرمان و دستور مقدس خود آگاه فرما. (شهزادی)

مرا ای مزدا دیده به آن مهرِ تو است تا با پشتیبانی از آذر و منشِ نیک پیروز شوم و دین در جهان گسترده شود. (رضی)

ای مزدا، هنگامی که دُروند آمادۀ آزار من است، جز فروغ تو و اندیشۀ به تو، چه کسی پناه من خواهد بود؟ ای اهورا، از این دو فروزۀ روشنایی و دانایی است که آیین راستی به کار بسته می‌شود، پس نهاد و پایش مرا از این آیین آگاه ساز. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۸

یِ وا مُوئی یاو گَئِتاو دَزدِ اَ اِنَنگهِ
نوئیت اَهیا ما آتریش شییَ اُتَنائیش فرسُیات
پَئیت یَ اُگِت تا اَهمائی جَسُوایت دوَ اِشنگها
تَنومِ آ یا ایم هوجیاتوئیش پایات
نوئیت دوژجیاتوئیش کاچیت مَزدا دواِشَنگها

هر آینه کسی آنها را که از آنِ و هستیِ من می‌باشند در سر بپروراند. باشد که آن آزار و کارهای زیان‌بخش به خود او برگردد. و آن آزارها در پاسخ کردارش با دشمنی به سوی او برود. زندگی خوب از تن و وجود او دور شود نه زندگی بد. با هر گونه دشمنی و نفرت ای مزدا. (ساسانفر)

ای مزدا از کردارهای کسی که در پی آزار مردمان است، گزندی به آنها نخواهد رسید، چون کردارهای دشمنانه او به خود او باز خواهد گشت، و او را از زندگی خوب باز خواهد داشت، و او را به خواری خواهد کشانید. (پردیس)

کسی که اندیشهٔ آسیب رساندن به هستی جهان را در سر پروراند، بدرستی از کردارهای زشت او آسیبی بمن نخواهد رسید، بلکه نتیجهٔ کردار زشت و نفرت او بخودش برخواهد گشت. کردارهای زشت و تبهکارانهٔ او را از انجام کار نیک و شناخت زندگانی کامل بازخواهد داشت و خشم و نفرت بهیچوجه او را ای مزدا از زندگی نکبت باری که نصیبش خواهد گردید حفظ نخواهد نمود. (آذرگشسب)

به راستی می‌گویم او که می‌خواهد به (مردم) گیتی آزار رساند آتش دشمنی او به من نخواهد رسید (بلکه) به نفرت پیچیده به خود او باز خواهد گشت (و این شعله نفرت) که خود او را از زندگی (خوش) و کامل باز می‌دارد. ای مزدا! به هیچ وجه او را از زندگی بد باز نخواهد داشت. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا؛ از کردار آن کس که سرِ آزارِ جهانیان را دارد، مرا رنجی نخواهد رسید. [گزندِ] آن [کردارهایِ] دشمنانه، به خود او باز خواهد گشت؛ آنچنان که او خود را از نیک زیستی بی‌بهره خواهد کرد و بدان دشمنانگی، هیچ راهی [به رهایی] از دُژزیستی [نخواهد] یافت. (دوستخواه)

کسی که در سر دارد به هستی من آسیب آورد، مکند که از کردارهایش بمن رنجی رسد آن (کردارها) برگشته باو رسد بآزارها بخود او همهٔ آن آزارها، آنچنان که از زندگی خوش بی‌بهره ماند نه از زندگی بد، ای مزدا. (پورداود)

اما کسی که جهان مرا آزار می‌رساند، آسیب کردارش بمن نخواهد رسید بلکه به خود او باز خواهد گشت و خود او را از زندگانی خوب باز خواهد داشت و دشمنی‌اش، ای دانا، او را به خواری خواهد کشاند. (جعفری)

کسی که در پی تباهی دیگران بر می‌آید، مبادا از کردار بدش آسیبی به دیگران رسد و بشود که بدی و آزار او به خودش برگردد، چه برابر قانون تو ای مزدا خوشی و خوش بختی از بدکاران و آزار رسانندگان دور خواهد ماند. (شهزادی)

ای مزدا، چه کسی به پشتیبانی و حمایت من برخواهد خاست، آن هنگامی که دروغ‌پرست می‌کوشد مرا آماج گزند خود سازد. مبادا گزندی که آن دروغ‌زن در سر دارد تا به زرتشت رساند، متوجه من گردد، باشد تا آسیب‌هایش به خود او برگردد، باشد تا این چنین کسان از زندگی رام بی‌بهره شوند. (رضی)

ای مزدا، از کردارهای کسی که در پی آزار جهانیان است، گزندی به من نخواهد رسید، و آن کردارهای دشمنانه، به خود او باز خواهد گشت، و او را از زندگی نیک باز خواهد داشت، و زندگی‌اش را به بدی خواهد کشانید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۹

کِ هوُ یِ ما اَرِد روُ چوئی تَت پَئُو اورویو
یَتا توا زِویشتیم اوزِموُهی
شییَ ئوتَنوئی سپِن تِم اَهورِم اَشَونِم
یا توئی اَشا یا اَشائی گِئوش تَشا مَراُت
ایشِن تی ما تا توئی وهو مَنَنگها

کیست آن مرد باورمندی که مرا در نخستین گام آگاه کند، که چگونه تو را، تواناترین را ارج گزاردم. اهورا را که نماد راستی و کردار پاک است. آنها آن چه را که آفریننده جهان هماهنگ با اشا اعلام کرده. و آن چه از آن تو با وُهومن همراه است جستجو می‌کند. (ساسانفر)

کیست آن خردمندی که در پرتو اندیشه نیک، به من بیاموزد چگونه بهترین ستایشها و نیایشها را که سزاوار تست بتو ارمغان کنم؟ و توای سرور و داور کردارهای مردمان به من بگو چگونه میتوانم از آئین راستی و از آنچه تو در باره آن گفته ای آگاه گردم؟ (پردیس)

کیست آن رادمرد بزرگ و نخستین آموزگاری که بما آموخت تنها ترا ای پروردگار شایسته‌ترین ذات مورد ستایش بشناسیم و تُرا داور پاک کردارها و سرور راستی بدانیم؟ پروردگارا ما کوشش خواهیم کرد که در پرتو اندیشهٔ پاک از قانون اَزلی اَشا و اسرار هستی پرده برداریم و آنچه که آفریننده جهان از آئین راستی آشکار ساخته است آگاهی یابیم. (آذرگشسب)

که هست بزرگ و رادترین که بیاموزد ترا ـ چگونه بشناسم (و ستایش کنم) که تو (معبود) داور پاک بر اعمال ما خداوند راستی از تو هست اشا و از آنچه سازنده گیتی به اشا الهام کرد. برای آنچه از تو هست خواهم کوشید که بوسیله وهومن بدانم. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کیست آن رادی که نخستین بار مرا بیاموزد که چگونه تو سرورِ پاکِ اَشَوَن کردارها را بیش از همه شایستهٔ ستایش بشناسیم! ما همواره خواستاریم که با «منش نیک» و در پرتو «اشه» آنچه را که تو آفریدگارِ جهانِ هستی دربارهٔ «اشه» گفته‌ای، [دریابیم]. (دوستخواه)

کیست آن راد (مردی) که نخست بیاموزانید مرا از اینکه ما، تو کار سازتر را بزرگ بداریم (و) داور پاکِ درست‌کردار؟ آنچه اردیبهشت تو (و) آنچه آفرینندهٔ جانداران به اردیبهشت گفت، این را خواستار شنیدن‌اند آنان از بهمن تو. (پورداود)

کیست آن رادمردی که پیش از هر چیز مرا بیاموزد که تو بیش از همه سزاوار نیایشی که تو آفریننده و پایندهٔ درست کارها هستی؟ مردم از من می‌خواهند بدانند که آیین راستی و آنچه آفرینندهٔ جهان از راه منش نیک در این باره گفته، چیست؟ (جعفری)

منم نخستین برانگیزنده‌ای که به مردم بیاموخت که تویی ای اهورا مزدا به پرستش سزاوارترین و بهترین داور کردار مردمان و سرور راستی و آفرینندهٔ پاکی. باشد که همه با اندیشهٔ درست آن را دریابند و به کار بندند. (شهزادی)

و منم زرتشت، آن برانگیزانده‌ای، ای مزدا که برای نخستین بار آموختم که تویی خداوند جان و خرد، که تویی مزدای بی‌همتا، که تویی آن داورِ بی‌همال که مردم را به توسط من به میانجیِ منش نیک و بهترین راستی به کار و کوشش به روی زمین فرا خواندی، که ستوران را بی‌داد نکنند و پیرو راه نیکی و راستی باشند. (رضی)

کیست، آن رادی که نخست مرا بیاموزد که تو بیش از همه سزاوار ستایشی، و تو سرور راستی و داور پاک کردارهایی. ما پیوسته خواستاریم که با اندیشهٔ نیک، از آیین راستی و از آنچه تو در آن باره گفته‌ای، آگاه گردیم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۱۰

یا وا مُوئی نا گِنا وا مَزدا اهورا
دایات انگهِئوش یا تو وُ ایستا وَهیشتا
اَشِم اشائی وَهو خشَترِم مَنَنگها
یانس چا هخشائی خشماوَتانم وَهمائی آ
فروُ تائیش ویسپائیش چینوَتُ فرَفرا پِرِتوم

ای اهورا مزدا، هر کس، خواه زن یا مرد. آنچه را که تو برای زندگی، بهترین می‌دانی انجام دهد: «راستی را برای راستی، نیرومندی را همراه اندیشه نیک». من آنها را برای ستایش همچون شمایی همراهی می‌کنم. و با آنها، همگی را از گذرگاه چینوت (مرز خوبی‌ها از بدی‌ها) گذر خواهیم کرد. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، هرکس، چه زن و چه مرد، در زندگی خود آنچه را تو بهتر می‌شناسی، بهتر شمارد، او را از نیروی اندیشه نیک، و از پاداش راستی برخوردار گردان من این کس را، به سوی تو راهنمائی میکنم و از پل داوری می‌گزرانم. (پردیس)

ای هستی‌بخش دانا، از مرد و زن هر کس در این جهان آنچه را که تو بعنوان بهترین کار مقرر داشته‌ای بجای آرد. چنین شخصی از پاداش اَشا و خَشَترا که همانا نیروی معنوی و خدمت مردم است و در پرتو اندیشهٔ پاک بدست توان آورد برخوردار خواهد گردید. پروردگارا من به آنان خواهم آموخت که تنها تُرا پرستش کنند و هنگام گذر کردن از پُل چینْوَتْ آنان را راهنمایی خواهم کرد. (آذرگشسب)

به راستی می‌گویم ای مزدا اهورا هر که از زن یا مرد در زندگی بما آنچه را که تو بهتر میدانی می‌دهد (یعنی) سعادت از اشا و خشترای پاک بوسیله

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وهومن (می‌شود) و او را من رهبری خواهم کرد در پرستش [خداوندی) چون شما و با آنها از روی پل چنود خواهم گذشت. (شوشتری)

ای مزدا اهورها بدرستی می‌گویم: هر کس ـ چه مرد، چه زن ـ که آنچه را تو در زندگی بهترین [کار] شناخته‌ای بورزد، در پرتو «منش نیک» از پاداش «اشه [و] «شهریاریِ مینُوی» [برخوردار خواهد شد]. من چنین کسانی را به نیایش تو رهنمون خواهم شد و همهٔ آنان را از «گذرگاهِ داوری» خواهم گذراند. (دوستخواه)

آن مرد یا زن که از برای من، ای مزدا اهورا، بجای آورد آنچه را که تو از برای جهان بهتر دانستی: از برای پاداش درست‌کرداری وی بهشت [بدو ارزانی باد). و کسانی را که من به نیایش شما برگمارم، با همهٔ آنان از پل چینْوَتْ خواهم گذشت. (پورداود)

ای خدای دانا، همهٔ آن مردان و زنانی که از زندگانی آنچه را که تو بهترین می‌شماری یعنی نیکویی برای راستی و توانایی برای راه منش نیک به من ارمغان می‌دارند، من با آنان به نیایش تو خواهم آمد و از پل چینوت، آن مرز رستگاری، خواهم گذشت. (جعفری)

می‌دانم ای مزدا اهورا که هر مرد و زنی که برابر آموزش و آیین تو در سراسر زندگی کاری را که بهتر از همه است به جای آورد، به پاداش آن، بخشش پاک منشی به او ارزانی خواهی داشت و او را به آسانی از پل چینود خواهی گذراند. (شهزادی)

این چنین کسان، مردان و زنانی که دستورهای دین را به کار برند، رستگار خواهند بود و به پاداشِ بِه گُزینیِ‌شان، در آن سرزمینِ جاودانیِ اهورایی وارد شوند و همهٔ آنانی که آیین پذیرند نیز رستگاری یابند و من با همهٔ آنان، سرود گویان از پل چینْوَتْ خواهیم گذشت. (رضی)

ای مزدا اهورا، من بدرستی گویم، هر کس، چه مرد و چه زن، آنچه را که تو در زندگی بهتر می‌شماری، بجای آورد، در پرتو اندیشهٔ نیک، از پاداش راستی و توانایی مینویی برخوردار گردد. من این کسان را، به ستایش تو راه می‌نمایم، و از گذرگاه داوری می‌گذرانم. (وحیدی)

PDF.tarikhema.org
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۱۱

خشَترائی یوجِن کَرَپَنو کاوَیَس چا
اَکائیش شیَئُو تَنائیش اَهوم مِرِن گِئیدیانی مَشیم
یِنگ خواِ اوروا خواَ اِچا خرَ اُدَت دَئِنا
هیَت اَئیبی گِمِن یَترا چینوَثُ پِرِتوش
یَوُئی ویسپائی دروجُ دِمانائی اَستیَوُ

کَرپَن‌ها (رهروان دین دروغ) و کَوی‌ها (فرمانروایان دشمن زرتشت) مردم را با فرمانروائی خود به یوغ بندگی می‌کشند. با کردار پلیدشان جهان را به سوی نابودی می‌برند. هنگامی که به مرز سنجش خوبی‌ها از بدی‌ها برسند. وجدان و روانشان آنها را سرزنش می‌کند و آزار می‌دهد. در همه عمر و زمان زندگی در جایگاه دروغ (جهنم) ماندگار خواهند بود. (ساسانفر)

پیشوایان دینی و فرمانروایانی که با یکدگر هم پیمان شده و کوشش میکنند با فریب و زور مردم را زیر فرمان خود در آورند و زندگی آنها را تباه کنند، هنگام رسیدن به پل داوری، روان و وجدان آنها بر آنها خواهد خروشید، و آنها را شرمسار در خانه دروغ جای گزین خواهدکرد. (پردیس)

کاویان و کَرپان «و یا پیشوایان و شاهزادگان بت‌پرست» متحد گشته و سعی می‌کنند با کردار زشت و سیاه خود زندگانی معنوی مردم را تباه سازند ولی هنگامی که به نزدیک پُل چینْوَتْ رسند از روان و وجدان خود شرمسار گشته و سختی و آزار بینند و برای همیشه مجبور به زندگی در سرای دُروغ خواهند شد. (آذرگشسب)

به نیروی (خود) جفت خواهند کرد کرپن و نیز کوا مردم را به کار بد تا جان‌شان را نیمرانند (اما) آنها را روان و وجدان آنان سرزنش خواهد کرد هر گاه به پل چنود برسند (و در آن سرنگون کردند) و برای همه زمان (جاوید) در مکان ناراستی خواهند ماند. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

«کَرپان» و «کَوی»ها با توانایی خویش و با وادار کردن مردمان به کردارهای بد، زندگانی [آنان] را به تباهی می‌کشانند؛ [اما] روان و «دین»شان هنگام نزدیک شدن به «گذرگاهِ داوری» در هراس خواهد افتاد و آنان همواره باشندگان «کُنامِ دُروج» [خواهند بود]. (دوستخواه)

از توانائی خود کرپن‌ها و کوی‌ها وادار می‌کنند مردم را بکردارهای بد از برای تباه کردن زندگی، آنانی که روانشان و نهادشان بهراس خواهند بود، آنگاه که آنان بآنجائی که پل چینْوَتْ است، رسند، همیشه پاینده یاران خان و مان دروغ (خواهند بود). (پورداود)

پیشوایان مذهبی و شهزادگانی که مردم را با زور زیر یوغ خود می‌آورند. و با کارهای بد خود زندگانی را تباه می‌سازند، به وسیلهٔ روان و وجدان خود در برابر پل رستگاری سختی خواهند دید، زیرا آنان همیشه در خانه دروغ بسر می‌برند. (جعفری)

کوی‌های و کرپان‌ها و گروه دیگر مردم فریبان، همه را به سوی کردار زشت فرا می‌خوانند تا زندگی دو جهانی آنان را تباه سازند، ولی روان و وجدان آنان هنگامی که به سر پل چینود رسد در بیم و هراس افتد و تا زمانی دراز گرفتار دوزخ خواهد شد. (شهزادی)

اما این مژده‌ها برای آن کوی‌ها و کرپن‌ها که مردمان را به پیرویِ کردارِ بد و تباهی زندگی واداشته‌اند نیست. آنان روانِشان و زندگیِشان دچار شکنجه و بیم خواهد شد و از پُل چینْوَتْ به بدترین سرزمین‌ها، به سرایِ جاودانیِ دروغ خواهند رفت. (رضی)

کاوی‌ها و کرپن‌ها، با نیروهای بهم پیوستهٔ خود، و باکردارهای زشت، زندگی مردم را تباه می‌کنند. اما روان و یابش اینان، هنگام رسیدن به گذرگاه داوری، بر آنان خواهد خروشید، و برای همیشه به سرای دروغ خواهند شد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۱۲

هیَت اوس اَشا نَپ تیَی اِشو نَفشوچا

تورَهیا اوزجِن فریانهیا اَ اُجی یَئِشو

اَرمَ توئیش گَئِتاو فراوو توخ شَنگها

اَت ایش وُهو هِم اَئیبی موئیست مَنَنگها

اَ اِ ایبیوُ رَفِذرائی مزداو سَستِ اهورُ

هنگامی که از میان فرزندان و نوادگان تورانیان آنکه نامدار است. پسر فریان، در پرتو اشا به پا خیزد. و در پیشرفت مردم در سایه آرمَئیتی بکوشد. می‌تواند آنها را به پیروی از منش نیک (وُهومنی) گرد آورد. و پشتیبانی خود را از آنها آگهی کند. (ساسانفر)

هنگامی که فرزندان و نوادگان توانمند فریان تورانی، به راستی روی کردند، و با آرامش درونی و کوشش برونی خود، در پیشرفت و آبادی جهان کوشیدند، آنگاه اهورامزدا، در پرتو اندیشه نیک، آنان را به هم پیوست، و خوشبختی و راستکاری رابر آنها آشکار نمود. (پردیس)

هنگامی که خویشان و نوادگان نیرومند فَریانَه تورانی بآئین راستی گردند و با عشق و ایمان در پیشرفت زندگی بشر و آبادانی جهان بکوشند، آنگاه در پرتو منشِ پاک فَریانَه بین آنها همبستگی بوجود آورده و آئین مزدائی که نویدبخش رستگاری و خوشبختی است بر آنها آشکار خواهد گردانید. (آذرگشسب)

هر گاه بوسیله اشا از میان فرزند زادگان و هم ناقان فریان تورانی (مردمی) توانا پدید گردند (زندگی) گیتی از ذوق و سرگرمی آنها به ارمایتی پیش رفت خواهد کرد ـ پس او (فریان) پیوست می‌کند آنها را به وهومن و برای برآوردن آرمان‌های آنان اهور مزدا پدید شده یاور خواهد گشت. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هنگامی که «اشه» به نوادگان و خویشانِ نامورِ «فریانِ» تورانی روی آورد، جهان با تُخشاییِ «آرمیتی» پیشرفت خواهد کرد. پس آنگاه «منش نیک»، آنان را بهم خواهد پیوست و «مزدا اهوره» سرانجام بدیشان رامش و رستگاری خواهد بخشید. (دوستخواه)

هنگامی که اردیبهشت بنوادگان و خویشان نامور فریان تورانی روی کند از کوشش سپندارمذ، گشایش‌بخش هستی: پس آنگاه بهمن آنان را بپذیرد (و) مزدا اهورا بآنان رامش بخشد در سرانجام. (پورداود) ـ

هنگامی که به یاری راستی، از میان فرزندان و نوادگان توانای فریان تورانی کسانی برمی‌خیزند تا با آرامش دورنی و کوشش بیرونی خود، جهان را آباد سازند، خدای دانا آنان را با منش نیک می‌پیوندد، و به آنان یاری می‌نماید. (جعفری)

هنگامی که فرزندان و نبیرگان فریان تورانی راستی را دریافتند و به یاری ایمان پاک و شجاعت درونی خود دین نیک را پذیرفتند و منش نیک آنان را وادار ساخت تا به کشور جاودانی و دین مزدا پرستی روی آورند، بی‌گمان در روز واپسین رستگار خواهند شد. (شهزادی)

چون شایسته‌ترین راهها که راه راستی است به فْرُیانَ و خاندانش که از تورانیان هستند بپیوندد و آنان دوستار آرمئی‌تی گردند و پارسایی بگزینند، آنگاه است که بهمن راه کامیابی را برایشان جهت ورود به بهترین سرزمین مزدا آفریده هموار می‌کند. (رضی)

هنگامی که فرزندان و نوادگان فریان تورانی، به راستی رو کنند، و با پارسایی، در پیشرفت و آبادانی جهان بکوشند، آنگاه مزدا اهورا، در پرتو اندیشهٔ نیک، آنان را بهم می‌پیوندد، و خوشی و رستگاری را، بر آنها آشکار می‌کند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۱۳

یِ سپیتامِم زَرَتوشتِرم رِادَنگها

مَرتَ اِشو خشنائوش هوُ نا فرَس روئی دیائی اِرِت وُ

اَت هوئی مَزدا اَهوم دِدات اَهورو

اَهمائی گَئِتاو وُهو فرادَت مَنَنگها

تِم وِ اَشا مِهمَ ایدی هوش هَخائیم

کسی که زرتشت اسپنتمان را یاری دهد و خشنود سازد. آن مرد در میان مردم سزاوار ناموری است. برای او اهورامَزدا زندگی خوب ارزانی می‌دارد. و جهانیان (و بستگانش) را در پرتو وُهومن کامروا می‌کند. ای اشا ما چنین کسی را همچون دوست خوب تو ارج می‌نهیم. (ساسانفر)

کسی که زرتشت اسپنتمان را، در انجام آرمانش یاری کند، او را همگان، زن یا مردی نیکومنش خواهند شناخت و اهورامزدا، به چنین کسی بهترین زندگی خواهد بخشید، و در پرتو اندیشه نیک و راستی که آئین بنیادین اهوراست، او را از مهر خود برخوردار خواهد نمود. (پردیس)

کسی که اشو زرتشت اسپتمان را خشنود ساخته و او را در انجام مأموریت یاری کند، مردی راست کردار و نیکو سیرت شناخته خواهد شد. هستی‌بخش دانا و یکتا بچنین شخص بهترین زندگانی خواهد بخشید و پیرامون او از محبت و منشِ پاک سرشار خواهد شد. پروردگارا، او را همگام با اَشا و هواخواه قانون راستی خواهیم شناخت. (آذرگشسب)

هر که زرتشت اسپیتاما را در انجام رساندن (وظیفه‌اش یاری می‌کند) و هر که از میان مردم (جامعه) او را خوشنود می‌سازد آن مرد به درستی فرا شنیده خواهد شد و اهورا مزدا او را بوسیله وهومن زندگی (جاوید) خواهد داد، و ماحول

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

او را خواهد افزود و یقیناً او دوست (صمیمی) و نزدیک اشا سنجیده خواهد شد. (شوشتری)

کیست در میان مردمان که «سِپیتمان زرتشت» را در به سرانجام رساندن کارِ [خویش] خشنود کند؟ براستی چنین کسی برازندهٔ بلند آوازگی است. «مزدا اهوره» او را زندگی [جاوید] می‌بخشد و «منش نیک»، هستیِ او را می‌افزاید و ما بدرستی او را دوستِ خوبِ «اشه» می‌شناسیم. (دوستخواه)

کیست در میان مردمان آنکه سپیتمان زرتشت را از آمادگی (خود) خوشنود کند، کسی که برازنده است شنوده شود: باو مزدا اهورا زندگی (جاودانی) خواهد داد، بهمن هستی او را برافزاید، او را ما دوست خوب دین راستین شما شناسیم. (پورداود)

هر کس از مردم زرتشت را با مهر و محبت خوشنود می‌سازد، خود در راستی دارای نام و نشانی می‌شود خدای دانا به او زندگانی نیک می‌بخشد و جهانش را با منش نیک می‌افزاید و ما همه او را دوست خوب آیین راستی می‌دانیم. (جعفری)

از میان مردمان کسی که با فرمان برداری خویش سپنتمان زرتشت را خشنود سازد، سزاوار هر گونه احترام است، به چنین کسی مزدا اهورا بهترین زندگی بخشد و منش نیک او را سزاوار فردوس برین گرداند. اما چنین کسانی را یار و یاور راستی خواهیم شناخت. (شهزادی)

آن چنان کسانی از بهرهٔ جاودانی زندگی سرشار خواهند شد که از زرتشت سپیتَمه فرمان برند و با پذیرش آیین، راستی و استواری دین را پر بنیان سازند و این چنین کسانند که با نیک منشی، از مهر وهومنه سرشار می‌شوند. (رضی)

و هر کس که زرتشت اسپنتمان را، در انجام کارهایش یاری می‌کند و خشنود می‌سازد، به درست‌کرداری زبانزد می‌گردد. مزدا اهورا به چنین کسی زندگی نیک می‌بخشد، و در پرتو اندیشهٔ نیک، گیتی او را می‌افزاید، و هر کسی او را، دوست نیک راستی می‌شناسد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۱۴

زَرَتوشتِرا کَستِ اَشَوا اوروَتُو

مَزُئی مَگائی کِ وا فرَس روئی دیانی وَشتی

اَت هوُ کَوا ویشتاسپوُ یاهی

یِنگستو مَزدا هَدِمُوئی مینَش اَهورا

تِنگ زبَیا ونگهوش اخوذائیش مَنَنگهُو

ای زرتشت دوست راستگوی تو کیست؟ که به راستی خواستار سرافرازی انجمن بزرگ مغان باشد. او کَوی ویشتاسپ دوست‌دار تو است. از کسانی که ای اهورامَزدا آن‌ها را در بارگاه خودت جای خواهی داد. من آنها را با سخنانی که از وُهومن (اندیشه نیک) سرچشمه می‌گیرند فرا می‌خوانیم. (ساسانفر)

ای زرتشت، کیست دوست راست‌کردار تو؟ و کیست آنکه خواهان نیکنامی و پیشرفت «انجمن مغان» می‌باشد؟ این کس براستی کی گشتاسب دلاور است. من با سخنان برخاسته از اندیشه نیک مردمان را فرا میخوانم، تا به پردیس تو ای مزدا، راه یابند. (پردیس)

ای زرتُشت کیست دوست درست‌کردار تو که هواخواه راستی است؟ چه کسی برای گُسترش و نیک‌نامی انجمن برادری «مُغ» کوشش خواهد کرد؟ این شخص همانا گُشتاسب کیانی شاهنشاه دلیر است. ای هستی‌بخش دانا، من پیام آسمانیِ تُرا بمردم خواهم آموخت تا شایستهٔ بارگاه تو گردیده و در سرای تو یعنی فردوس جای گُزینند. (آذرگشسب)

پرسش ای زرتشت! کیست دوست تو و پیرو نیکوئی (که گروه) بزرگ مگا را پر آوازه کند. (پاسخ) او کوی وستاسپ پذیرنده (کیش نو) دانسته شده. آنرا که اهورا مزدا در جای خود جا داده‌ای به آنان پیام وهومن خواهم گفت. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای زرتشت! کیست دوستِ اَشَوَن تو؟ کیست آن که بدرستی خواستار بلند آوازگیِ «مَگَه»ی بزرگ است؟ براستی چنین کسی «کی‌گشتاسپ» دلیر است. ای مزدا اهوره! من کسانی را که تو در سرای یگانهٔ خویش جای خواهی داد، با گفتارِ «منش نیک» فرا می‌خوانم. (دوستخواه)

ای زرتشت، کیست آن پاکدینی که دوست تست در مه آیین مغ؟ یا کیست آن کسی که خواستار است چنین شناخته شود؟ این کی‌گشتاسپ است در پایان کار. کسانی را که تو، ای مزدا اهورا، در یک سرای گِردهم آوری، آنان را من با گفتار منش نیک همی‌خوانم. (پورداود)

ای زرتشت، دوست راست‌کارت کیست که انجمن بزرگواران را می‌خواهد نام و نشانی دهد؟ او در چنین روز بزرگی، کی‌گشتاسب است. از این پس، کسانی را که خدای دانا، تو در بارگاه خود پذیرفته‌ای، با سخنان منش نیک یاد خواهم کرد. (جعفری)

به راستی یکی از این یاوران، شاه دلیر گشتاسب کیانی است، کسی که دوست و هواخواه راستی بوده و در گسترش دین بهی و بزرگداشت انجمن برادری (مغان) کوشش کرده است. بشود که اهورا مزدا چنین کسانی را شایستهٔ رسیدن به بارگاه خود گرداند و در سرای فردوس جای دهد. (شهزادی)

ای زرتشت کیست آن که در میان پاکروان دوست‌ترین است برای تو، کیست آن که میان انجمنِ برادران ایمانی استوارتر دارد، او «کَوَ ویشتاسپ» (= شاه گشتاسپ) است که سرانجام ایمانش برای راه راستی و پاک منشی بسی غنیمت است و زرتشت سرودهای نیک خود را برایش می‌سراید. (رضی)

ای زرتشت، کیست دوست راست‌کردار تو؟ و کیست، آنکه براستی، خواهان نیکنامی و بلند آوازیِ انجمن مغان است؟ این کس براستی کی‌گشتاسب دلیر است. ای مزدا اهورا، من مردمان را با سخنان برخاسته از اندیشهٔ نیک فرا می‌خوانم، تا به بارگاه تو راه یابند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۱۵

هَئِچَت اَسپا وَخشیا وِ سپیِ‌تمانگهوُ

هیَت داتِنگ ویچَ یَتا اَداتانس چا

تائیش یوش شیَئوتنائیش اَشِم خُشُمَ ای بیا دَدوی

یائیش داتائیش پَئُو اوروپائیش اهورَهیا

به شما ای خاندان هیچَت اَسپا و نوادگان سپیتاما گوشزد می‌کنم. آنچه که درست است از نادرست بازشناسید. سپس با کارهای درست خودتان اشا (راستی) را به دست آورید (و از آن خود سازید). آنکه با قانون آغازین اهورائی (خردمندی) هماهنگ باشد. (ساسانفر)

ای فرزندان هیچدسپ اسپنتمان، اکنون به شما چیزی خواهم آموخت، که برای شما بهترین است. برای شناخت نیک از بد تنها یک راه می‌باشد و آنهم هم آهنگی با آئین راستی است. چون این آئین جاودانی است که همگان را به اهورا خواهد رساند. (پردیس)

ای فرزندان هیچدسپ و اسفنتمان اکنون بشما چیزی را خواهم آموخت که شنیدن آن برای شما بهترین اندرز خواهد بود و شما در پرتو آن دانا را از نادان باز خواهید شناخت. بعلاوه شما در پرتو کردار نیک به اَشا، مظهر حق و راستی آنچنانکه در قانون ازلی اهورا مقرر گردیده است دست خواهید یافت. (آذرگشسب)

ای پیوستگان هیچَت‌اَسپا! و ای پیوستگان اسپیتاما به شما می‌گویم (آنچه بهترین است که بشنوید) و میان دانا و نادان امتیاز دهید و بوسیله آن برای خود اشا را بیابید و نیز آئین که ازلی اهورائی است. (شوشتری)

ای هچتسپیان! ای سپیتمانیان! به شما خواهم گفت [همهٔ آنچه را که شنیدنش برای شما بهترین است] تا دانا و نادان را از هم بازشناسید. از این

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کردارهاست که شما «اشه» را ـ آنچنان که در نخستین دادِ «اهوره» آمده است ـ به خویشتن ارزانی می‌دارید. (دوستخواه)

بشما، ای، هچتسپیان می‌گویم، بشما، ای سپیتمانیان، تا اینکه شما دانا را از نادان باز شناسید... از این کردارهاست که شما بخودتان راستی ارزانی دارید. آنچنان که در نخستین آیین اهوراست. (پورداود)

هیجدسبان اسپنتمان، روی سخن با شما است. آنچه را که بهترین سخنان است، گوش کنید تا داد را از بیداد باز شناسید و با کردار خود راستی را از آن خود سازید، کرداری که با قانون ازلی خدا درست می‌آید. (جعفری)

ای هچدسب و اسپنتمان و ای مردمان جهان اگاهتان سازم، هرگاه بخواهید نیک را از بد و دوست را از دشمن تمیز دهید، باید بکوشید تا برابر آیین اهورا مزدا و قانون جاودانی او رفتار کنید، زیرا تنها در پرتو اشا می‌توان به حق و راستی زندگی پی برد. (شهزادی)

اینک شما ای کسانِ خاندان هیچَت‌َسپان و سپی‌تَمَ این راه را باز شناسید، به نیکان دل بسپارید، چون این است آن راه رستگاری که در آیین اهورایی آمده است. (رضی)

ای فرزندان هیچدسپ اسپنتمان، به شما می‌گویم، بشنوید آنچه را که برای شما بهترین است، تا با آن دانا را از نادان بازشناسید، و با کردار خود، راستی را که آیین بنیادین اهوراست، از آن خود سازید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۱۶

فرَشَ اوشترا اَترا تو اَردرائیش ایدی

هوَگوا تائیش ینگ اوسوَهی اوشتا ستوئی

یَترا اشا هَچَ ایتِ آرمَ ئتیش

یَترا وَنگهِئوش مَنَنگهُو ایشتا خشَترِم

یَترا مَزدا وَرِدِمانم ش اِ ایتی اهورا

ای فرشوشتر جائی برو که با دینداران بی‌ریا باشی. ای هُوگوا با آن‌ها که هر دو همانندی با آن‌ها را آرزو داریم. آنجا که آرمئیتی (پارسائی) و اشا (راستی) با آن‌ها همراهند. آنجا که در حوزه فرمانروائی و نیروی وُهومن (اندیشه نیک) است. همان جا که جایگاه پرشکوه اهورامَزدا است. (ساسانفر)

ای فرشوشتر هوَگوا، با یاران خود بدانجا برو که، ما هر دو می‌خواهیم، و آن جائی است که فروغ خوشبختی بدرخشد، جائی که آرامش همراه با راستی باشد جائی که اندیشه نیک فرمانرواست و جائی که شکوه اهورامزدا نمایان است. (پردیس)

ای فرشوشتر از خاندان هُووگوا، دینداران باوفا را بسوی کمال و فروغ جاودانی که ما هر دو خواستار آنیم رهبری کُن بدانجا که راستی و درستی و محبت و ایمان پیوستگی داشته و منش پاک و نیروی معنوی شهریاری دارند، بدان جا که هستی‌بخش دانای بی‌همتا، با شکوه و جلال آرام گزیده است. (آذرگشسب)

ای فرشاوشتره! آنجا با گرویدگان برو، و ای هوگه وا ـ برو با اینها که ما هر دو برای آنان روشنایی جاوید می‌خواهیم ـ و آنجائیکه ارمایتی خود را به اَشا پیوند می‌کند، و آنجائیکه خشتر با وهومن شاهی می‌کند، و آنجائیکه اهور مزدا به فره بزرگی می‌ماند. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای فرشوشَترِ هُوَگو! با این رادان ـ که ما هر دو خواستار بهروزی آنانیم ـ بدان جا روی آور؛ بدان جا که «اشه» با «آرمیتی» پیوسته است؛ بدان جا که «منش نیک» و «شهریاریِ مینُوی» فرمانروایند؛ بدان جا که سرای شکوهمند «مزدا اهوره» است. (دوستخواه)

ای فرشتوشتر هوگو با این راد (مردان) بأنجا رو، ما دو خواستاریم که بآنان خوش بُوَد، آنجایی که راستی با پارسائی پیوسته است، آنجائی که کشور (جاودانی) بکام منش نیک است، آنجائی که مزدا اهورا از برای افزایش آرام دارد. (پورداود)

ای فرشوشتر هوگو، با یاران خود بدانجا برو که ما هر دو می‌خواهیم خرسندی باشد، جایی که آرامش همراه راستی است، جایی که شهریاری منش نیک حکم فرما است. جایی که خدای دانا در شکوه خود نمایان است. (جعفری)

ـ ای فرشوشتر هوگوه ـ اینک که تو و یاران پارسا برای گستردن دین راستین به سرزمین‌های دیگر روی می‌آورید؛ امیدواریم کامیاب شوید. باشد تا مردم جهان را به کشور جاودانیِ راستی و نیک منشی راهنمایی کنید و بر فر و شکوه دین مزدا اهورا بیفزایید. (شهزادی)

ای فْرَش‌اَُشْتْرَ هُوگْوَ تو با این یاران و پارسایان برای گسترش راستی و نیک منشی به آن سرزمین روید، تو و دیگران باشد تا بری این دین گستری، به میانجی وهومنه در آن سرزمین جاودانی در فر و شکوه مزدا اهورا جاوید شوید. (رضی)

ای فرشوستر هِوُگْوَ، با یاران گرویدهٔ خود، که ما هر دو برای آنها، خواهان فروغ و خوشبختی پایدار هستیم، به آنجا رو، جایی که راستی با پارسایی پیوسته است، و در آنجا، اندیشهٔ نیک و توانایی، فرمان می‌رانند، و شکوه مزدا اهورا نمایان است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۱۷

یَترا وِ اَفشمانی سِنگهانی
نُوئیت اَنَفش مانم دِجاماسپا هوُگوا
هَدا وِستا وَهمِنگ سِراُشا رادَنگهوُ
یِ ویچی نَئوت داتِم چا اَداتِم چا
دَنگرا مَنتو اشا مزداو اهورُ

اینچنین به شما سفارش می‌کنم: در کار کردن بکوشید. نه در بیکاری و تنبلی، ای جاماسب دانا از خاندان هوُگوُ. با درونِ آگاه و شنیدن پیام اهورائی آماده نیایش او باشید. همان کسی که درست را از نادرست بازمی‌شناسد. او اهورامَزدا با اشا، رایزنی دوراندیش است. (ساسانفر)

ای جاماسب هوگَوای خردمند، من اینک با زبان سروده و نه با سخنان بی موزون به تو می‌آموزم، تا آن را به دل فراگیری و ستاینده آن باشی هر که نیک را از بد باز شناسد، اهورامزدا، در پرتو راستی، نگهبان پرتوان او گردد. (پردیس)

ای جاماسب دانا از خانوادهٔ هُوَو گوا، این نکته را بیاموز که جُنبش و فعالیت بر بیکاری و تنبلی برتری دارد، پس با وجدان بیدار و با کار و کوشش او را پرستش نما. آن هستی‌بخش دانا و بی‌همتائی که در پرتو قانون آزلی خویش دانا را از نادان تمیز می‌دهد و بر پا دارنده این جهان است. (آذرگشسب)

ای جاماسپ هوگه و ای دانا من به شما (زندگی) با عمل آموختم نه بی‌عملی بنابر این سروش را در باطن خود جا داده پرستش (اهورا مزدا را) بجوئید. او که میان دانا و نادان امتیاز می‌دهد اهور مزدا به اَشا حامی و کننده (عجائب و غرائب) ماست. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای جاماسپ هُوَگْوَی فرزانه! اینک سخنانی «پیوسته» به تو می‌آموزم، نه «ناپیوسته » تا تو آنها را به دل نیوشا و پریستار باشی. «مزدا اهوره» در پرتو «اشه» نگاهبانِ نیرومندِ کسی شود که دانا را از نادان بازشناسد. (دوستخواه)

در آنجائی که من از شما سنجیده سخن خواهم داشت نه ناسنجیده، ای جاماسب هُوگو همچنین از فرمانبری شما با نیایش آمادگی شما، نزد آن مزدا اهورا که بدستیاری راستی ـ اندرزگرِ کار آگاه، دانا از نادان باز شناسد. (پورداود)

ای جاماسب دانا، اینک پیام خود را برایت به شعر می‌سرایم، نه به نثر تا با دانش الهامی آنها چون نیایش‌هایی برای جویندگان حقیقت باشند هر کس که داد را از بی‌داد باز می‌شناسد، خدای دانا او را براستی نگهبان شگفت‌انگیز پیام خود می‌داند. (جعفری)

ـ ای جاماسب دانا از خانواده هوگوه ـ اینک که تو از کارهای روا و ناروا آگاه شدی و به ندایی که از درونت برخاسته است گوش فرا دادی و به پیروی و ستایش دین پرداختی، همیشه راستی (اشا یا ندای وجدان) را مشاور خود قرار ده و بی‌گمان بدان که اهورا مزدا از همه چیز آگاه است و درست را از نادرست به خوبی باز شناسد. (شهزادی)

و ای جاماسپ در آن جهان پسین، من شاهد باز گویندۀ نیک منشی و پارسایی و فرمانبریِ‌تان خواهم بود. زبانم جز از سپاس و بزرگداشتِ‌تان گویا نخواهد بود، چه اهورا خود آگاه است و رستگار را از نارستگار تمیز خواهد داد و همۀ دینداران سرانجامی خوش خواهند یافت. (رضی)

ای جاماسب هِوَگوَ، ای خردمند، من اینک، با سخنانی وافته به تو می‌آموزم، نه با سخنانی ناوافته، تا آن را به دل فراگیری و پرستندۀ آن باشی. هر که دانا را از نادان باز شناسد، مزدا اهورا، در پرتو راستی، نگاهبان پرتوان او گردد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۱۸

یِ مَئی بیا یَئوش اَهمائی اَس چیت وَهیشتا
مخیاو ایش تُوایش وُهو چوایشِم مَنَنگها
آنس تِنگ اَهمائی یِ ناو آنستائی دَ ای دیتا
مَزدا اَشا خشماکِم وارِم خشن اشِم نو
تَت مُوئی خرَتِ اوش مَنَنگ هَسچا وی چی تِم

کسی که به من یاری دهد، برای او بهترین چیزها را که. در توان من باشد در پرتو وُهومن (اندیشه نیک) به او نوید می‌دهم. و آنکس که دشمنی کند و ما را آزار رساند به او آزار می‌رسانم. ای مَزدا با پیروی از اشا اراده شما را برآورده می‌کنم. این چنین است اندیشه و داروی من بر پایه خرد. (ساسانفر)

کسی که به من پیوندد من بهترین دوستی خود را به او ارمغان میکنم و در پرتو اندیشه نیک، بهترینها را به او نوید میدهم، ولی، آنکه با من در ستیز است، من نیز با او در ستیز خواهم بود ای مزدا، من درپرتوراستی، هر آنچه تو خواهی انجام خواهم داد، چون این راهی است که خرد و اندیشه من برگزیده است. (پردیس)

بهترین چیز را بکسی نوید می‌دهم که با جان و دل مرا در انجام مأموریتم یاری کند، در پرتو وُهومن برای چنین شخصی بخشایش و محبت‌های خود را نثار می‌کنم، اما کسی که با من دشمنی ورزد با او دشمن خواهم بود. ای هستی‌بخش دانا، در پرتو راستی و درستی مشیّت تُرا برآورده خواهم ساخت زیرا خرد و اندیشه مرا باین ره راهنمایند. (آذرگشسب)

او که کاملاً (مخلصانه) با من است یقیناً من برای او بهترین هستم و پیمان می‌کنم به او برگزیده‌ترین خوشبختی بوسیله وهومن و او که دشمن است (با من) من نیز دشمن او هستم. ای مزدا؟ بوسیله اَشا مشیت شما را به انجام می‌رسانم و این است (آرمان من) که و نفس خود من برگزیده‌اند. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آن کس که به [دین] من بپیوندد، من خود، او را بهترین [یاور]م و در پرتو «منش نیک»، بهترین چیزها را بدو نوید می‌دهد. اما آن کس که با [آموزش] ما سرِ ستیز دارد، ستیز با او را رواست. ای مزدا! در پرتو «اشه» خواست ترا [برمی‌آورم و ترا] خشنود می‌کنم. چنین است گزینشِ خِرد و منش من. (دوستخواه)

کسی که بمن پایدار است من خود نیز بهتر دارائی خویش بدستیاری منش نیک بدو نوید دهم، ستیزه بآن کسی که ستیزه کردن بما در سر دارد، ای مزدا (و) ای اردیبهشت (اینچنین) خواستِ شما را خوشنود سازم. این است دستور خرد و منش من. (پورداود)

کسی که از دل و جان با من است، من هم با منش نیک خود، با او بهتر از همه می‌جوشم. ولی کسی که با من ستیزه دارد، من نیز با او می‌ستیزم. ای خدای دانا، از روی دانش و هوش خود، ترجیح می‌دهم که ترا از راه راستی خوشنود سازم. (جعفری)

کسی که به راستی با من دوست باشد، من نیز او را بهترین چیزی که دارم بشارت می‌دهم. ولی کسی که با من دشمن باشد، من نیز دشمن او خواهم بود. این است خواست مزدا و اشا و این است تصمیم من از روی خرد و هوش. (شهزادی)

آنانی که آیین از من پذیرند و پیروی کنند، بشارت‌شان باد که به موجب این نیکی و رادی، از بهترین زندگی در بهترین سرزمین‌ها برخوردار شوند و آنانی که راه دشمنی برگزینند، بی‌گمان در خور ستیزه‌جویی و پیکار می‌باشند. ای مزدا من و همهٔ مزدیسنان برآنیم که با سرودهای ستایش تو را خشنود سازیم. (رضی)

کسی که به من بپیوندد، من برای او بهترین هستم، و در پرتو اندیشهٔ نیک، بهترین‌ها را به او نوید می‌دهم. و اما آنکه با من در ستیز است، من نیز با او در ستیزم. ای مزدا، من با راستی، خواست ترا برآورده می‌سازم، راهی که خرد و اندیشهٔ من، آن را برمی‌گزیند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۶ ، بند ۱۹

یِ موئی اَشات هَئی تیم هَچا وَرِش ایتی
زَرَتوشترائی هیَت وَسنا فرَشُ تِمِم
اَهمائی میژدِم هَنِنتِ پَراهوم
مَنِ ویستائیش مَت ویسپائیش گاوا اَزی
تاچیت موئی سانس توم مَزدا وَادِیشتوُ

کسی که از اشا پیروی می‌کند اگر از ته دل آن آموزش‌ها را به جای آورد. آنچه را که برای زرتشت درمان‌بخش‌ترین آرزوست. پاداش شایسته او یک زندگی آرام و بی‌رنج است. و نیز همه خواستنی‌هائی که در اندیشه گذرد در دو جهان بارورِ بهره او خواهد بود. ای مَزدا تو همه این‌ها را که برایم آشکار شد از همه بهتر می‌دانی. (ساسانفر)

خواست زرتشت، ساختن جهانی نوین و تازه است. کسی که در این راه بکوشد و آنرا به انجام رساند، از پاداش زندگی جاودانه برخوردار خواهد گشت، و در جهان مادی ومینوی، به آرزوهای خود دست خواهدیافت. ای مزدا، اینها را، تو همه به من آموخته و آشکار ساخته ای. (پردیس)

کسی که از روی راستی و درستی بهترین آرزوی مرا که زرتشت هستم برآورده سازد، چنین شخصی از زندگانی جاودان برخوردار گشته و در این جهان بخواست‌ها و آرزوهای دلش دست خواهد یافت و از بخشش‌های جهان بهره‌مند خواهد گردید. ای هستی‌بخش یکتا و دانا همهٔ این نکته‌ها تو بمن آموختی. (آذرگشسب)

من اعلام می‌کنم هر که به ورزد بوسیله اشا این زندگی تو را برای زرتشت چنانکه اراده اوست در پاداش به زندگی (جاوید) سزاوار خواهد بود و نیز همه آرزوهای دل از مادر بارور گیتی (اینها حقایقی می‌باشند) که ای مزدا داناترین برمن آشکار کرد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آن کس که در پرتو «اشه»، بهترین خواستِ «زرتشت» ـ ساختن جهانی نو ـ را براستی برآورد، پاداش زندگی جاودانه سزاوار اوست و در این جهانِ زایایِ بارآور نیز هر آنچه را دلخواه اوست، بدست خواهد آورد. ای مزدا! ای آگاه‌ترین! این همه را تو بر من آشکار کرده‌ای. (دوستخواه)

کسی که از برای من زرتشت، از روی دین دُرست، بجای آورد آنچه را که بکام من سازگارتر است، بآن کس (سرد) مزد، بآن کسی که جهان آینده ارزانی شده یک جفت چارپای بارور با هر آنچه آرزومند است: و این را از برای من خواهی ساخت، ای مزدا، تو ای کسی که چاره‌سازتری. (پورداود)

کسی که حقیقتاً از راه راستی آرزوی زرتشت را برمی‌آورد و آن همکاری در ساختن جهانی نوین می‌باشد، «هستی آینده» باهمه خواسته‌های دلش که جهان برومند می‌تواند ارزانی دارد، پاداشش خواهد بود. ای دانا، ای کسی که آگاه‌تر از همه هستی، این حقیقت را نیز تو بمن آموخته‌ای. (جعفری)

کسی که آموزش‌های مرا به بهترین وجه برابر آیین مقدس به جای آورد، در این جهان بهترین زندگی پاداش اوست و در سرای دیگر در کشور جاودانی از خوشبختی واقعی برخوردار خواهد شد. این نکته را مزدا به من آموخته است. (شهزادی)

کسی که براستی، خواست زرتشت را، که ساختن جهان تازه است، برآورده می‌سازد، از پاداش زندگی جاودانه برخوردار می‌گردد، و در این جهانِ زایندهٔ بارور، به همهٔ آرزوهای دلش، دست می‌یابد. ای مزدا، همهٔ اینها را تو به من آموخته و آشکار ساخته‌ای. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

سپنتمدگاتا (۵۰ – ۴۷)

هات چهل و هفتم

هات ۴۷ ، بند ۱

سپِنتا مَئینیو وَهیش تاچا مَنَنگها

هچا اَشات شیِیَ اُ تَناچا وَچَنگ هاچا

اَهمایی دان هَئوروا‌تا اَمرِتاتا

مزداو خشَترا آرمئیتی اَهورو

آنکه پاک‌ترین سرشت و بهترین اندیشه را داشته باشد با کردار و گفتاری که از اشا سرچشمه می‌گیرد برای چنین کسی رسایی و پایندگی را اهورامَزدا با توانایی و مهر خود ارزانی می‌دارد. (ساسانفر)

مزدااهورا، با نیروی آفرینندگی و پیشبرنده خود کسی را به رسائی و سپس به جاودانگی میرساند که کردار و گفتارش هماهنگ با اندیشه نیک و استوار به راستی باشد. (پردیس)

کسی که در پرتو خرد مقدس و قلبی پاک اندیشه و گفتار و کردارش نیک و با راستی و درستی هماهنگ باشد مزدا اهورا با توانائی و مهر خویش به او رسائی و جاودانی خواهد بخشید. (آذرگشسب)

از روح پاک [رهنمائی شده (هر که) بوسیله اشا (یعنی راستی و درستی) به بهترین اندیشه و بهترین عمل و بهترین سخن ملهم شود] مزدا اهورا بوسیله خشتر و ارمایتی او را تندرستی و زندگی جاوید خواهد داد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

«مزدا اهوره» با «شهریاریِ مینُوی» و «آرمیتیِ» خویش، کسی را که با «بهترین منش» و گفتار و کردار به «سپند مینو» و «اشه» بپیوندد، «رسایی» و «جاودانگی» خواهد بخشید. (دوستخواه)

به سپند مینو و به دین راستین بهتر پندار (و) کردار (و) گفتار (در پاداش) رسائی و جاودانی بما خواهد بخشید مزدا اهورا با توانائی و پارسائی. (پورداود)

کسی که از راه خرد افزاینده و از روی آیین راستی اندیشه و گفتار و کردار خود را به بهترین نحوی انجام می‌دهد، خدای دانا او را در پرتو شهریاری و آرامش رسایی و جاودانی ارزانی می‌دارد. (جعفری)

کسی که اندیشه و گفتار و کردارش از روی خرد پاک و برابر آیین اهورایی باشد، پروردگار دانا به او نیروی معنوی و شجاعت ذاتی و رسایی تن و روان خواهد بخشید. (شهزادی)

راهسپاری در شاهراه نیکِ سپنْتمَئین‌یو، آن منش نیکِ زندگی، موجب می‌شود که با یاری مزدا اهورا، سرشت‌مان به توسط خْشَتْرا و آرمئی‌تی‌سپنتا به جاودانگی و کمال رسد. (رضی)

مزدا اهورا، با شهریاری و مهر خود، به کسی که رفتار و گفتارش، در پرتو اندیشه نیک و بهترین منش‌ها، بر پایۀ راستی باشد، رسایی و جاودانگی بخشد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۷ ، بند ۲

اَهیا مَئین یِئوش سپِنیش تَهیا وَهیشتِم

هیزوا اوخزاییش وَنگهِئوش اِ اِ آنو مَنَنگهُو

آرمَ تُوییش زَستُوای بیا شیَئوتَنا وِرِزیَت

اُیا چیستی هوُ پَتا اَشَهیا مزداو

آن پاک‌ترین و بهترین سرشت گفتاری است که با پیروی از اندیشهٔ نیک از زبان جاری شود. کرداری است که با پیروی از آرمئیتی با دست‌ها انجام پذیرد. با این بینش که اهورامَزدا پدر و تنها پدیدآورنده اشاست. (ساسانفر)

این چنین کسی، ای مزدااهورا از نیروی آفرینندگی تو که پیشبرنده هستند، بهترین زندگی را بهره خواهد گرفت، زیرا او در پرتو خرد، راستی و آرامش گفتار و کردارش را با اندیشه نیک همگام کرده است. (پردیس)

کسی که در پرتو خِرد مقدس به بهترین راه زندگی کند و گفتارش مهرآمیز و از روی خرد باشد، با دو دستش کارهای نیک را از روی ایمان انجام دهد، اندیشه‌اش تنها متوجه یکتا پروردگار خواهد بود و او سرچشمهٔ حق و راستی خواهد شناخت. (آذرگشسب)

(چنین رهنمائی شده) به بهترین این پاکترین نفس (او گوید) سخنانی به زبانش که مطابق هستند به وهومن و با هر دو دست وظیفه ارمایتی را به انجام می‌رساند (و ملهم شده) به یک اندیشه که تنها مزد پدر (آفریننده) اشاست. (شوشتری)

کسی که در پرتو «سپندترین مینو» بهترین [روش را دارد] و زبانش گویایِ «منش نیک» [او]ست و دستهایش کردارهای «آرمیتی» را می‌ورزد، تنها یک اندیشه [دارد]: «مزدا» پدر «اشه» است. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از برای این پاکتر روان (آنچه) بهتر است باید بجای آورند با زبان گفتار از روی منش نیک، با دست‌های کردار از پارسائی، این است شناسائی: اوست پدر راستی: او مزدا. (پورداود)

آن کس بهترین بهره را از افزاینده‌ترین خرد می‌برد که از زبان خود سخنانی می‌گوید که از منش نیک برمی‌آیند و با دست‌های خودکارهایی انجام می‌دهد که در آرامش انجام می‌گیرند زیرا او در اندیشهٔ خود تنها خدای دانا را آفریننده و پرورندهٔ راستی می‌داند. (جعفری)

از آن جایی که اهورا مزدا آفریدگار کل و پدر راستی است، بهترین زندگی را بهرهٔ کسی خواهد ساخت که گفتارش همراه بانیک اندیشی و خرد پاک و کردارش بر ایمان و مهر خدایی استوار باشد. (شهزادی)

این است آن سپنْتَمَئین‌یو، آن صفت والای مزدا اهورا، آن پاک‌منشیِ مطلق، از برای خشنودی وی که نزدیکی بیشتر به مزداست؛ بایستی اندیشه و گفتار و کردارمان از روی نیکی و پاکی باشد. (رضی)

کسی که در پرتو پاکترین اندیشه‌ها، راه بهترین را می‌پوید، و زبانش گویای اندیشهٔ نیک است، و دست‌هایش به کارهای پارسایی گشوده است، تنها یک اندیشه دارد: مزدا اهورا، آفریننده و پروردگار و سرچشمهٔ راستی است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۷ ، بند ۳

اَهیا مَئینی یئوش تومِ اَهی (پ) تا سپِنتُو

ی اَهمایی گانم رانیوُ سکرِ ای تیم هِم تشتَ

اَت هُویی واسترایی راماداو آرمَ ای تیم

هیت هِم وُهو مَزدا هِمِ فرَشتا مَنَنگهُو

آن گوهر پاک (سپنتامئینیو) که تو پدر و پدیدآورنده آن هستی همانست که برای این جهان خوشبختی و شادی می‌آفریند و برای آنکس که پشتیبان آنست به کمک آرمَئیتی آرامش می‌بخشی هنگامی که ای مَزدا با کمک وُهومن با آن (سپنتامئینیو) رایزنی کند. (ساسانفر)

پس ،ای مزدا، این نیروی آفریننده و پیشبرنده تو هست که این جهان شادی بخش را از نیست به هست آورده و میتوانند به آن آرامش و آسایش دهد. (پردیس)

پروردگارا، براستی تو سرچشمهٔ خرد «مقدس» هستی. این زمین شادی آفرین را تو آفریدی، هنگامی که مردم بمنش پاک روی آورده با او مشورت کنند، ای مزدا تو بدانها آرامش بخشی و آرمئی‌تی «ایمان» را پشتیبان آنها قرار خواهی داد. (آذرگشسب)

یقیناً تو پدر (آفریننده) این سپنتا ماینیو (نفس پاک) هستی و تو این مادر گیتی شادی آورنده را برای او ساختی و به شبانی او تو ارمایتی رامش دهنده را فرستادی چون او ای مزدا مصاحبه کرد با وهومن (و به او پیوست شد). (شوشتری)

ای مزدا! تویی پدر «سپند مینو». تویی که این جهانِ خرمی‌بخش را برای او بیافریدی و بدان رامش بخشیدی و آنگاه که او با «منش نیک» همپرسگی کرد، «آرمیتی» را به راهبری و آبادانی آن برگماشتی. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و توئی پدر پاک این (سپند) مینو، کسی که از برای ما چارپای خُرمی بخش بیافرید و آنگاه از برایِ کشتزارش سپندارمذ باو رامش دهند. پس از آنکه او، ای مزدا، با منش نیک پرسش و پاسخ نمود. (پورداود)

تو افزاینده و آفرینندهٔ این خرد هستی که برای چنین کسی این جهان شادی‌بخش را پدید آورده و برای آبادانی او رامش و آرامش مقرر داشته‌ای زیرا، ای دانا، او برای آبادانی خود با منش نیک مشورت کرده است. (جعفری)

ای مزدا تویی آفرینندهٔ سپنتامینو یا خرد پاک، ای کسی که جهان شادی‌بخش آفریدی تا از پرتو خرد و مهر جان آفرینت به مردمان آسایش و آرامش رسد و از نیروی آرمئی‌تی یا ایمان به تو در صلح و دوستی به سر برند. (شهزادی)

ای مزدا تویی آن سرورِ ارجمند که بنا بر خواست تو، این پاک منشیِ والایت، این سپنتامینو از برای رامش و کام ما، دامان را بیافرید و زمین بِبالید و نمو کرد تا چارپایان را فراخی دهد. (رضی)

ای مزدا، براستی، تو آفریدگار اندیشهٔ نیک هستی، و هنگامی که مردمان با اندیشهٔ نیک، همپرسی کردند، تو برای آنان، این زمین و جهان شادی‌بخش را بیافریدی، و برای آبادانی و رهبری آن، پارسایی را برنهادی. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۷ ، بند ۴

اَهمات مَئین یئوش رارش یِه این‌تی درِگوَنتُ

مَزدا سپِنتات نوئیت ایتا اشَ اُنُ

کسِ اوش چیت نا اَشائونِ کاتِ انگهت

ایسواچیت هانس پَرَ اُش اَکو درِگواییتِ

پیروان دروغ از این گوهر دوری می‌جویند. که پاک و ستودنی است. ولی ای مَزدا برای پیروان راستی اینچنین نیست دو مرد گو اینکه به راستی تنگدست باشد می‌تواند به گوهر پاکی گرایش جوید و دوست درستکاران باشد و نیز مرد توانگر پر درآمد می‌تواند پلید باشد با پیروان دروغ درستی کند. (ساسانفر)

ای مزدا، نیروی آفریننده و پیشبرنده تو از دروغکارانی که از اندیشه نیک روی برتابیده‌اند، دوری خواهد نمود و آنها را در رنج و افسوس خواهد گزاشت، ولی راستکاران را در پرتو خود خواهد گرفت. چون، راست‌کردار اگر هم تهی دست باشد، نزد راستان گرامی است، و دروغکار اگر هم دارا باشد، بی ارج خواهد بود. (پردیس)

ای مزدا بدکارانی که از خرد مقدس روی برتابند رنج بینند، ولی درست‌کرداران هرگز چینن نکنند. پروردگارا، مردم درستکار را اگر هم کم درآمد و نادار باشند باید گرامی داشت، ولی هواخواهان دروغ را چنانچه توانا و پر درآمد باشند باید خوار شمرد و از بدان بحساب آورد. (آذرگشسب)

از این سپنتامایِن‌یو دیویسنیها خود را در آزار (احساس کرده جدا شده‌اند) ولی ای مزدا از (مینوی) پاک تو نیکان چنین (جدا نمی‌شوند) تنها مرد کم مایه به نیکان می‌گراید ولی او که خداوند پرمایه هست سوی بدان (مایل می‌شود). (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا! دُرُوَندان که از «سپند مینو» روی برتافتند، آزار بینند؛ اما اَشَونان چنین نشوند. اَشَون را هر چند هم کم نوا باشد، باید دوست شمرد و دُروند را هر اندازه هم که توانگر باشد، باید بدخواه دانست. (دوستخواه)

از این سپند مینو دروغ‌پرستان سر پیچیدند، ای مزدا، نه اینچنین (کردند) راستی پرستان کسی که به کم تواناست یا به بیش، باید به راستی‌پرست مهربان باشد (و) بدخواه دروغ پرست. (پورداود)

از این خرد افزاینده، ای مزدا، آن دروغ‌کار است که به خود زیان می‌رساند، نه راست‌کار زیرا در جایی که رادمردی، هر چند هم درمانده، می‌تواند برای راست‌کار درستی ارجمند باشد اما زور آوری، هر چند هم توانگر، نمی‌تواند برای دروغ‌کار جز کژی کاری انجام دهد. (جعفری)

ای مزدا با نیروی خرد پاکت، پیروان دووغ و بدی در پایان گرفتار شکست و نابودی خواهند شد، نه پیروان راستی و نیکی، چه در برابر فرمانت پیوسته مرد درست‌کارِ کم‌دار به رستگاری و خوشبختی رسد و دروغ‌پرست مالدار گرفتار بدبختی و بیچارگی شود. (شهزادی)

لیکن ای مزدا، از این راه شایان زندگی، از این سپنتامینو، دروغ‌زنان پشتیبانی و پیروی نکردند و زیان کردند و آنانی که پذیرفتند کام یافتند. ای مزدا از میان مردمانِ دارندهٔ خواستهٔ فراوان و آن که تهی کاسه از خواسته است، همگان بایستی رهرو راستی باشند و دشمن دروغ و دروغ‌منشی. (رضی)

ای مزدا، دُرُوَندانی که از اندیشهٔ نیک روی برتابند، رنج کشند و آزار بینند. و راستان که چنین نکنند، چنین نبینند. راست‌کردار، اگر هم کم‌نوا باشد، نزد راستان گرامی است، و دروند، اگر هم توانگر و توانا باشد، بی‌ارج است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۷ ، بند ۵

تاچا سپِنتا مَئینیو مَزدا اهورا

اَشائونِ چوایش یا زی چی‌چا وَهیشتا

هَنَرِ توَهمات زَ اُشات درِگواو بخشَ ایتی

اَهیا شیئوُ تَناایش اَکات آ شیانس مَنَنگهُو

ای اهورامزدا، آنچه را که با پیروی از گوهر پاک برای مرد درستکار (پیرو اشا) نوید دادی که همه آن‌ها به راستی بهترین هستند مردی که پیرو دروغ است از آن نویدها بی‌بهره می‌ماند و با کرداری که از اندیشه پلیدش مایه می‌گیرد به سر خواهد برد. (ساسانفر)

پس ای مزدا، دروغکاران از نیرو ی آفریننده و پیشبرنده تو بهره ای نخواهند گرفت. ولی پیروزی و خوشبختی در پایان از آن راستکاران خواهد گردید. (پردیس)

ای هستی‌بخش دانا، نیکوکاران در پرتو خِرد مقدس تو از بهترین بخشش‌هائی که نوید داده شده است برخوردار خواهند شد، ولی مِهر تو شامل حال بدکاران نخواهد گردید، زیرا کردار آنها از اندیشهٔ زشت سرچشمه گرفته و آسمان روشن روحشان را ابر سیاه تبهکاری پوشانده است. (آذرگشسب)

ای مزدا اهورا! هر چه بهترین است به نیکان پیمان کرده‌ای که دیویسنی دور از مهر تو ـ او که کارش (به اشاره) اهریمن سر زده می‌شود نیز بهره‌مند می‌گردد. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! [تو] در پرتو «سپند مینو» همهٔ آنچه را که براستی بهترین دهش‌هاست، به اَشَون نوید داده‌ای، اما دُروند که با منش و کردار زشت خویش بسر می‌برد، از مهر تو بهره‌مند نتواند شد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و تو از این سپند مینو، ای مزدا اهورا، براستی‌پرست هر آنچه بهتر است پیمان دادی. آیا بی‌خواست تو، دروغ‌پرست از آن بهره‌ور خواهد شد، آنکه با کردارش با منش زشت بسر می‌برد؟ (پورداود)

ای خدای دانا، از راه این خرد آفریننده تو آنچه که بهترین است، به راست‌کار وعده دادی اما دروغ‌کار از مهر تو بهره‌یی برنمی‌دارد زیرا او با کرداری زندگانی می‌کند که از منش کج او بیرون می‌تراود. (جعفری)

ـ ای مزدا ـ بی‌گمان دروغ پرستی که در کردار خویش پیرو بدمنشی است، هرگز بدون مهر و بخشایش تو از نعمت خرد پاک که به پیروان راستی وعده داده شده بهره‌مند نخواهد شد. (شهزادی)

این سپنتامینوست که به میانجی او، بهترین خواست‌های نیکان از سوی مزدا اهورا بخشش می‌شود، بهترین و شایسته‌ترین بهره‌هایی که دروغ‌زنان و زشت‌منشان از آنها بی‌نصیب‌اند. (رضی)

ای مزدا اهورا، تو در پرتو اندیشهٔ پاک، راست‌کرداران را به بهترین بخشش‌ها نوید داده‌ای. اما دُروند، از مهر تو بهره‌ای برنمی‌دارد. زیرا دُروند را، اندیشهٔ و کردار زشت و نادرست است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۷ ، بند ۶

تا داو سپِنتا مَئینیو مَزدا اهورا

آترا وَنگهاو ویدا ای تیم رانُ ای بیا

آرمَ توییش دِبان زَنگها اَشَخ یا چا

ها زی پُ َ اوروش ایشِنتُو وا اورایِیتِ

با این گوهر پاک و در پرتو آتش خود ای اهورامَزدا سهمی را برای هر دو گروه به خوبی و درستی ارزانی داشته‌ای آن سهم برابر همبستگی آن‌ها به راستی و پرهیزگاری است. بدین هنجار همانا بسیاری از جویندگان و خواستاران به اشا می‌گروند. (ساسانفر)

ای مزدااهورا، در پرتو روشنائی فروزان و نیروی آفریننده و پیشبرنده تو سرنوشت دو گروه، نیکان و بدان، روشن خواهد گردید، و با افزایش راستی و گسترش آرامش بسیاری از جویندگان سرانجام راه تو را برخواهند گزید. (پردیس)

ای هستی‌بخش دانا، در پرتو خِرد مقدس و آذر فروزان خویش سرنوشت دو گروه نیکان و بدان را تعیین و پاداش و کیفر آنها را ارزانی خواهی داشت، پروردگارا با افزایش فروغ ایمان و راستی و پاکی جویندگان حقیقت بسوی تو گرایش پیدا خواهند کرد. (آذرگشسب)

و این بخشش‌ها که ای مزدا اهورا توسط سپنتا ماین‌یو دانش (پاک) بهرهٔ دو گروه مخالف معین می‌شود و به یاری ارمایتی و اشا بسیاری که خواهشمند هستند به کیش مزدیسنی خواهند در آمد. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! [تو] در پرتو «سپند مینو» و «آذرِ» خود و با یاوری «آرمیتی» و «اشه»، پاداش [و پادافرهٔ] هر دو گروه را می‌بخشی- بدرستی بسی از جویندگان به [دینِ] تو خواهند گروید. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از این سپند مینو (و) آذر، ای مزدا اهورا، پخش مُزد هر دو گروه بجای خواهی آورد با یاوری سپندارمذ و اردیبهشت. چه با کسان این را خواستار شنیدن‌اند از برای گرویدن. (پورداود)

اما ای خدای دانا، از راه همین خرد افزاینده و در پرتو فروغ تو، نیکی به هر دو گروه می‌رسد زیرا با افزایش و گسترش آرامش و راستی بسیاری از جویندگان، این راه راست را برمی‌گزینند. (جعفری)

ـ ای اهورا مزدا ـ کسانی که برای پیشبرد نیکی پیکار می‌کنند، بر آنان فروغ راستی و دانش ایزدی بتابان. باشد که برابر فرمان تو چنین کسان بسیار چیزهای نیک دریابند و کارهای بسیار نیکی انجام دهند. (شهزادی)

ای مزدا تویی که به وسیلهٔ این سپنتامینو و آن آذر پاک و دیگر نیروهای والای سرمدی، پاداش و سزای آن نیک منشان و زشت منشان را مقرر خواهی کرد و چه بسیارند مردم که گوش فرا راه این بشارت دارند تا راهشان آشکار شود. (رضی)

در پرتو اندیشهٔ پاک، و با فروغ تو، سرنوشت دو گروه نیکان و بدان، روشن خواهد شد، و با افزایش و گسترش راستی و پارسایی، بسیاری از جویندگان، راه ترا برخواهند گزید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات چهل و هشتم

هات ۴۸ ، بند۱

یزی اَداییش اَشا دروجِم وِنگ هَ ایتی

هیَت آنسَ شوتا یا دَئی بیتانا فرَاُختا

اًمره تا ای تی دَ اِ وا ایش چا مَش یا ایش چا

ات تویی سَوا ایش وهمِم وخشات اهورا

هنگامی که با اینها (کردار درست) و با پیروی اشا کسی دروغ را شکست دهد وی که پاداش آنرا دریافت می‌کند درمی‌یابد آنچه از سوی دیوان و مردم پیرو آن‌ها بارها در باره جاودانی خود گفته‌اند نادرست است. آنگاه ای اهورا او (مرد درستکار) با ستایش‌های خود بزرگداشت تو را افزایش می‌دهد. (ساسانفر)

راستی در آن زمان بر دروغ چیره خواهد گردید که پرده از روی ریا و فریب تبهکاران برداشته شود. آنگاه، ای اهورامزدا ستایش و مهر به تو فزونی خواهد گرفت و جویندگان راستی به تو روی خواهند آورد. (پردیس)

سرانجام در روز شمار و پاداش، هنگامی که راستی بر دروغ چیره گردد و هنگامی که پرده از روی ریا و فریب دیوان و همدستان آنها برای همیشه برداشته شود، آنگاه ستایش و ایمان بتو ای هستی‌بخش گُسترش خواهد یافت و بار و بَر خوشبختی ببار خواهد آورد. (آذرگشسب)

در روز پاداش مرد اشائی (راستی) بر ناراستی پیروز می‌گردد و هر گاه او می‌یابد آنچه گفته شد که وهم (و فریب است) برای همه زمان از دیویسنی و مردم آنها پس به سعادتی که ای اهورا از تو می‌یابد پرسش (و ارادت) او افزون خواهد شد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای اهوره! به هنگام پاداش و آن زمان که «اشه» بر «دروج» پیروز شود، آنچه از فریب دیوان و مردمان [دُروند] که از آن آگاهی داده شده است، برای همیشه آشکار خواهد شد. آنگاه در پرتو دهش تو، ستایش تو [و مهرورزی به تو] افزونی گیرد. (دوستخواه)

چون در سزای روز شمار دروغ از راستی شکست یابد آنچنان که بدیوها و مردمان در (جهان) جاودانی برسد، آنچه دیرباز آگهی داده شده: آنگاه از بخشایش تو، ای اهورا، بر افرازد کسی را که نیایندهٔ تست. (پورداود)

اگر پس از این، کسی آنچه را که فریب همیشگی دیوان و مردمان گفته‌اند، دریابد بی‌گمان به دستیاری راستی بر دروغ چیره خواهد شد. خدایا، آنگاه با نیکوییهای تو، مهرش افزوده خواهد شد. (جعفری)

هنگامی که راستی بر دروغ چیره شد، برابر آن چه خواست توست بدکاران و نیکوکاران هر یک به سزا و پاداش خود رسند، تا آنگاه که مهر تو ای اهورا برانگیخته شود و بخشایش تو به دوزخیان روی آورد. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، به هنگام پاداش، و آن زمان که راستی بر دروغ چیره گردد، و فریب دیوان و یاران آنها برای همیشه آشکار شود، آنگاه، در پرتو بخشایش تو، ستایش تو و مهر به تو فزونی گیرد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۸ ، بند ۲

وَ اَچا تُویی یا تومِ ویدوا اهورا
پَرا هیَت ما یامِنگ پِرتا جیمَئیتی
کَت اَشَه وا مَزدا وِنگ هَت درگوَنتم
ها زی اَنگِهوش ونگوهی ویستا آکِرِتیش

ای اهورا آنچه را که تو آگاهی برایم آشکار کن پیش از آنکه دوران زندگیم به پایان آید. چه زمانی مرد درستکار بر پیرو دروغ پیروز می‌شود؟ به راستی این فرجامی است که برای جهان هستی نیک شناخته شده. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، پیش از آنکه دودلی به من روی آورد مرا ازدانستنی‌ها آگاه ساز. آیا راستکردار بر دروغکار پیروز خواهد شد؟ و آیا سرانجام این چنین پیروزی، یک زندگی خوشبخت است؟ (پردیس)

پیش از اینکه کشمکش در اندیشه‌ام آغاز گردد، ای هستی‌بخش یکتا، مرا از دانستنی‌ها آگاه ساز، پروردگارا مرا اطمینان بخش که آیا شخص پارسا و پرهیزکار بر هواخواه دروغ و فساد فیروز خواهد گردید؟ مسلماً مشیت تو چنانست و این بزرگترین فیروزی در زندگی بشمار خواهد آمد. (آذرگشسب)

بفرما بمن ای اهورا! زیرا (تنها) تو می‌دانی آنچه (شدنی هست) پیش از آنکه کشمکش در ذهن من پذیر گردد آیا مزدیسنیان بر ناراستان پیروز خواهند شد ـ یقیناً آن مقصد بزرگ این زندگی را نشان خواهد داد. (شوشتری)

ای اهوره! مرا از آنچه تو خود می‌دانی، بیاگاهان. براستی آیا تواند بود که پیش از آغاز کشمکش در اندیشه‌ام، اَشَون بر دُروند پیروز شود؟ ای مزدا؛ آشکار است که این [پیروزی] سرانجامِ نیکِ زندگی دانسته شده است. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بیاگاهان مرا، از آنچه تو دانائی، ای اهورا. آیا پیش از این، آن سزائی که تو اندیشیدی خواهد رسید، که پیرو راستی، ای مزدا شکست دهد به دروغ پرست، آری پیداست که این از برای جهان پیام نیکی است. (پورداود)

ای خدایی که دانا هستی، بگو تلاش من، برای من و یارانم چه خواهد آورد؟ کی، ای دانا، راست‌کار بر دروغ پیروز خواهد شد؟ زیرا این پیروزی شاهکار زندگانی به شمار خواهد آمد. (جعفری)

ـ ای اهورا مزدا ـ مرا از زمان فرا رسیدن رستاخیز و روز واپسین و یا هنگام چیرگی راستی بر دروغ آگاه ساز. بی‌گمان چنین واقعهٔ بزرگی نشانهٔ رسایی زندگانی معنوی آدمیان است و چنین آگهی برای مردم جهان مژده‌ای بزرگ خواهد بود. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، پیش از آنکه کشاکش در اندیشه‌ام در گیرد، مرا از آنچه می‌دانی بیاگاهان. آیا راست‌کردار بر دُروند پیروز خواهد شد؟ آن پیروزی که سرانجامِ نیکِ زندگی خواهد بود. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۸ ، بند ۳

اَت وَ اِ دِم نایی وَهیشتا سانَنانم

یانم هوداو ساستی اَشا اَهورا

سپِنتُو ویدواو ی اِچیت گوزرا سِنگهاوِنگهُو

تواوانس مَزدا وَنگهِئوش خرَتو مَنَنگهُو

آری این آموزش‌ها برای آنکس که بپذیرد بهترین است آنچه را که اهورای بخشنده در پرتو اشا آموزش می‌دهد آن مرد دانای پاک سرشت با آموزش‌های ژرف و در پرتو خرد و اندیشه نیک ای مَزدا کسی همانند تو خواهند شد. (ساسانفر)

توئی ای اهورامزدا، سرچشمه بهترین آموزشها، آموزشهائی که در پرتو راستی، تو به مردمان ارمغان میکنی. آنکس که این آموزشها را بدرستی در یابد، فرزانه ای پیش رونده و پیش برنده خواهد بود که در پرتو خرد و اندیشه نیک به سوی روشنائی و در راه تو گام بر خواهد داشت. (پردیس)

هستی‌بخش دانا و سرچشمهٔ نیکی بهترین آموزش را بمردم دانا و پارسا خواهد آموخت، آموزشی که همه پاکان و روشندلان و آموزگاران فلسفه عرفان از آن آگاهند، یعنی تنها در پرتو خِرد و اندیشهٔ پاک میتوان ای مزدا از دلباختگان درگاه تو گردید. (آذرگشسب)

و به دانشمندان بهترین آموزش آن است که اهورای دانا توسط اشا بیاموزد. پاک و دانا همه آنانکه آموزگاران آموزش باطنی (روانی) هستند ای مزدا! توسط دانش وهومن گرویده تو می‌باشند. (شوشتری)

پس [مردم] دانا را بهترین آموزش آن است که «اهوره»یِ نیکی آفرین در پرتو «اشه» می‌آموزد. ای مزدا؛ ورجاوندان [و] دانایان و آموزگارانِ رازْ-

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آیینِ تو، در پرتو خِرد و «منش نیک» از شیفتگان و دلدادگان تو خواهند شد. (دوستخواه)

ایدون از برای دانا بهتر آموزش این است که اهورای نیکخواه بمیانجی دین راستین آموزاند، آن پاک، مانند تو کسی، ای مزدا، که نیز آیین نهانی داند، بمیانجی خردِ منش نیک. (پورداود)

آموزش‌هایی که خدای مهربان، از راه راستی میآموزاند. برای کسی که درک می‌کند بهترین آیین است. او فرزانهٔ پیشرونده‌ای است که مانند تو، ای دانا، از خردی که منش نیک ارزانی می‌دارد، آموزش‌های باطنی را درمی‌یابد. (جعفری)

بشود که همه از بهترین دانش و خرد آگاه شویم، چه دانشی که اهورا مزدا، خداوند خرد، به ما آموزد بی‌گمان مقدس، خردمندانه و همیشه سودمند است. ای مزدا می‌دانم، تنها با کرداری که برانگیختهٔ اندیشهٔ نیک است، می‌توان به خوشبختی رسید. (شهزادی)

آموزش‌هایی که مزدا اهورای نیکی آفرین، در پرتو راستی، به مردم دانا می‌آموزد، بهترین آموزش‌هاست. با این آموزش‌هاست که، پاکان و دانایان و آموزگاران راهِ ویدایی، در پرتو خرد و اندیشهٔ پاک، دلباختهٔ تو و سر سپردهٔ تو می‌گردند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۸ ، بند ۴

ی دات مَنُو وَهیو مَزدا اَش یس چا

هُوُ دَئِنام شیی اُتَناچا وَچَنگ‌هاچا

اهیا زَئُوشِنگ اوش تیش وَرِننگ هَچَ ایتِ

توَهمی خرَتاو اِپمِم نَنا اَنگهَت

ای مَزدا آنکس که اندیشه‌اش را در راه بهتر یا بدتر به کار می‌برد منش درونی، کردار و گفتارش، گرایش‌ها، آرزوها و گزینش‌هایش نیز همان را دنبال می‌کند نزد خرد و داوری تو سرانجام آن‌ها جداگانه خواهد بود. (ساسانفر)

ای مزدا، کسی که از اندیشه نیک برخوردار است، کردار و گفتار او به نیکی و وجدان او به روشنی خواهد گرائید، و با خردی که تو به او ارزانی کرده ای، سرانجام، نیک را از بد جدا خواهد نمود. (پردیس)

پروردگارا کسی که اندیشه‌اش نیک یا بد باشد، کردار و گفتار و وجدان او نیز به نیکی یا بدی خواهد گرائید. راهی را که اندیشه به آزادی اختیار کند اراده و ایمان نیز از آن پیروی خواهد کرد و با آن هماهنگی خواهد داشت، بنا بحکمت تو ای مزدا سرنوشت آنها از هم جدا و متمایز خواهد بود. (آذرگشسب)

ای مزدا! او که نفس‌ش را بهتر یا بدتر می‌نماید یقیناً به عمل و سخن وجدان خود را نیک یا بد می‌کند (زیرا) که اراده پیرو آن است که برگیرنده (و دوست داشته) و در دانش تو (ای مزدا) انجام آنها واضح است. (شوشتری)

ای مزدا؛ آن کس که نیک می‌اندیشد یا بد، بی‌گمان «دین» و گفتار و کردار خود را نیز [چنان خواهد کرد] و خواهش او پیرو گزینش آزادانهٔ وی خواهد بود. سرانجام خِردِ تُست که [نیک و بد را از یکدیگر] جدا خواهد کرد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کسی که اندیشهٔ خود (گاهی) بهتر و (گاهی) بدتر کند، ای مزدا، و (همچنین) دین خود را با کردار و گفتار خود، (کسی که) بکام (و) خواهش وکیش خویش پیروی کند، او در پایان بخواست تو جدا خواهد گردید. (پورداود)

ای خدای دانا، او که با اندیشهٔ خود به بهتری، یا او که به بدتری می‌پردازد، هر کدام، گفتار و کردار خود و وجدان خود را همچنین می‌سازند. و از آنچه که خود با میل و رغبت خود برگزیده، پیروی می‌کنند. اما در نزد تو، انجام هر کدام جدا خواهد بود. (جعفری)

کسی که اندیشهٔ خود را متوجه راه نیک یا بد کند، با گفتار و کردار ویژه خود شخصیت خود را در آن آشکار خواهد ساخت و ارادهٔ او پیرو همان راه خواهد شد، چه برابر آیین مزدا و خرد پاک او، هر کسی در دو جهان جای ویژه‌ای برابر خرد و وجدان خود خواهد داشت. (شهزادی)

ای مزدا، کسی که اندیشه‌اش نیک یا بد باشد، و هر چه را که به دلخواه برگزیند، یابش و گفتار و کردار و گِرَوِش او نیز چنان گردد، و سرانجام، خرد توست که، نیک و بد را از هم جدا گرداند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۸ ، بند ۵

هوخشَترا خشِن تانم ما نِ دوشِ خشَترا خشِن تا
وَنگهویاو چیستُوایش شیی اُتَناایش آرمَئیتِ
یئُوژداو مَشیایی اییپی زانتِم وَهیشتا
گَوُیی وِرِزیاتانم تانم نِ خوَرِتایی فشویُو

بشود که فرمانروایان شایسته بر ما فرمان رانند نه فرمانروایان نادرست با کرداری که از بینش خوب و دانایی سرچشمه می‌گیرد. ای آرمئیتی! پاکی و دوری از پلیدی‌ها در سراسر زندگی از هنگام زایش برای مردم بهترین است برای جهان نیز باید آنرا بکار برد تا بالنده و شکوفا شود. (ساسانفر)

ای آرامش، مگزار که فرمانروایان بد خو و ستمگر بر ما چیره شوند، چون نیاز ما به فرمانروایانی است، که با خرد و دانش و کردار نیک رهنمای مردم گردند. پاکیزگی برای مردم و آبادی برای جهان بهترین است، چون، جهان را باید بدرستی پرورش داد، و آن را به سوی روشنائی برد. (پردیس)

ای آرمئی‌تی مگذار شهریاران ستمگر و بدرفتار بر ما حکومت کُنند، بلکه بشود شهریاران دادگر و با ایمان که دارای رفتاری نیکو و دانش و خرد راهنمای آنهاست بر ما فرمانروائی کنند. ای آرمئیتی، پاکیزگی برای مردم از هنگام زایش بخشش خداوندی بشمار می‌رود. ما باید برای آبادانی جهان و پیشرفت آفرینش کار کرده و هم‌نوعان خود را بسوی روشنائی و حقیقت رهبری کنیم. (آذرگشسب)

ای ارمایتی باید شاه نیک شاهی کند نه شاه بد. به اعمال و افکار نیک و زندگی بشر به پاکی وقف گردد و برای مادر گیتی (در آبادی او) زحمت کشد تا او به بالد و به روشنائی رسد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

[بشود که] فرمانروایان خوب و نیک کردار و دانشور [در پرتو] «آرمیتی» بر ما فرمان برانند. مبادا که فرمانروایان بد [بر ما] فرمان برانند. پاکی از هنگام زادن، مردمان را بهترین [کار در زندگی] است. باید برای [آبادانی] جهان کوشید و آن را بدرستی نگاهبانی کرد و به سوی روشنایی برد. (دوستخواه)

شهریاران خوب باید پادشاهی کنند، با کردارهای آیین نیک، شهریاران بد مباد که بما پادشاهی کنند، ای سپندارمذ ـ از برای مردم در زندگی آینده، پاکی بهتر (و) از برای چارپا کشت و ورز، آن را از برای خورش ما بپروران. (پورداود)

بشود که فرمانروایان نیک با کارهایی که از دانش و آرامش نیک سر می‌زند، بر ما فرمانروایی کنند، نه که فرمانروایان بد. پاکیزگی در کار جهان برای تأمین زندگانی بهترین عملی است که انسان پس از زادن می‌کند. (جعفری)

بشود که فرمانروایان نیک و پاک بر ما فرمانروایی کنند، نه فرمانروایان بد و نادرست. چه پاکی و راستی از گاه تولد تا مرگ برای آدمی بهترین بخشش است. بشود که چنین فرمانروایان نیک و پاک برای خوشبختی ما در جهان فرمانروایی کنند. (شهزادی)

باشد که شهریاران نیک، باکردار نیک و دانش و پارسایی، بر ما فرمان برانند، نه شهریاران بد. پاکیزگی برای مردم، از گاهِ زادن بهترین است. برای آبادی جهان باید کوشید، جهان را باید بدرستی پرورانید، و آن را به سوی روشنایی برد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۸ ، بند ۶

ها زی نِ هوشُوایتِما ها نِ اوتَ یویی تیم
دات تِویشیم وَنگهِئوش مَنَنگهُو بِرِخز
اَت اَخیایی اَشا مَزداو اوروَ راو وَخشَت
اهورُ انگهِئوش زانتُویی پَئُواورویهیا

او (آرمئیتی) همانا برای ما جایگاه آرام فراهم می‌کند و به ما پایداری می‌بخشد. نیرویی ارزشمند که از اندیشه نیک سرچشمه می‌گیرد ارزانی می‌دارد و مَزدا در پرتو اشا برای او (جهانیان) وسایل و روزی را افزایش می‌دهد. اهورا در آفرینش زندگی از آغاز چنین بوده است. (ساسانفر)

براستی، بهترین پناهگاه، زمینی است که آرامش در آن فرمانرواست، زمینی که اهورامزدا، در آغاز آفرینش و در پرتو راستی، روی آن گیاه و سبزه رویانده، و به مردمانش دو دهش اندیشه نیک و نیروی خودچیرگی ارمغان کرده است. (پردیس)

براستی که او «آرمئیتی» پناهگاه خوبی برای ماست و بما پایداری تن و نیروی روان که از فروزگان با ارج منش پاک است خواهد بخشید. هستی‌بخش دانا و یکتا او «زمین» را با گیاه و سبزه بیاراست و از آغاز آفرینش برای مردم خوراک تهیه کرد. چنین است حکمت مزدا و قانون اَزلی اَشا. (آذرگشسب)

او پناهگاه پر امن ماست، از او زندگی ما نو گردد و بما نیروی روانی رسد و این دو بخشش گران بهای وهومن است و نیز مزدا توسط اشا از ازل گیتی را به جامه سبز گیاه پوشانده(شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

براستی او پناهگاه نیک ماست و پایداری و توش و توان ـ [دو دهشِ] ارجمندِ «منش نیک» را ـ به ما ارزانی می‌دارد. «مزدا اهوره» در پرتو «اشه» از آغاز زندگی، گیاهان را بر آن برویانید. (دوستخواه)

آری او بما خان و مان خوب، او بما پایداری و نیرو داد، آن ارجمند بهمن ایدون از برای او مزدا اهورا بمیانجی اردیبهشت گیاهها برویانید در آفرینش جهان نخستین. (پورداود)

بی‌گمان جهان با آبادی نیک خود تندرستی و توانایی، دو دهش گرانبهای منش نیک، را می‌دهد. و خدای دانا برای آن، زندگانی را به دستیاری راستی، از آغاز سرسبز می‌گرداند. (جعفری)

سپنتامینو (خرد پاک) پناهگاه امن ماست، او به ما رسایی و جاودانگی، دو بخشش بزرگی خواهد بخشید که تنها از راه نیک منشی و ایمان پاک به دست خواهد آمد. آری ای مزدا می‌دانم که از همان آغاز این درست‌ترین راه زندگی است. (شهزادی)

براستی زمین پناهگاه نیکی برای ماست. زمین به ما، دو دهش اندیشهٔ نیک و توانایی می‌بخشد. و مزدا اهورا، از آغاز آفرینش و در پرتو راستی، روی آن گیاه و سبزه رویانیده است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۸ ، بند ۷

نی اَ اِ شِمُو نی دیاتانم پَئیتی رِمِم پَئیتی سیودوم
یویی آ وَنگهِئوش مَنَنگهُو دیدرَغ ژوُ. دویِ
اَشا ویانم یِهیا هیتائوش نا سپنتُو
اَت هُویی دامانم توهمی آ دانم اهورا

خشم را به زیر افکنید، تندخوئی را دور کنید شما که می‌کوشید به وُهومن (اندیشه نیک) بپیوندید و به اشا گرایش دارید هم اندیش مرد پرهیزگار هستید که جایگاه او ای اهورا در سرای تو خواهد بود. (ساسانفر)

شما که به اندیشه نیک دل بسته‌اید، خشم را از خود دورکنید و در برابر ستم بایستید. و در این راه، برای گسترش آئین راستی، به نیروی هم رزمان پاک سرشت بپیوندید تا به سرای اهورامزدا راه یابید. (پردیس)

خشم و نفرت را از خود دور کُنید و اجازه ندهید اندیشه‌هایتان بخشونت و ستم گرایش پیدا کند. بمنش پاک و مهر و محبت دلبستگی نشان دهید، رادمردان پاک‌سرشت برای گسترش راستی و درستی پیوند استوار خواهند ساخت و هواخواهان حقیقت را بسوی بهشت، جایگاه تو ای اَهورا که منزلگه «راستان و پاکان» است رهبری خواهند کرد. (آذرگشسب)

خشم را از خود دور دارید و در مبارزه بر ستم پولادین باشید و به وهومن سخت وابسته گردید و برای افزونی اشا یعنی (راستی و نظم) آموزگار پاک چون پلی هست ـ به این ترتیب جای مردم او اندرون مکان تو هست ای اهورا. (شوشتری)

ای کسانی که دل به «منش نیک» بسته‌اید، خشم را فرو افکنید و خود را در برابر تندخویی نیرومند کنید و برای گسترش «اشه»، به مردان پاک بپیوندید. ای اهوره! پیروان آنان به سرای تو [راه خواهند یافت]. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خشم باید برانداخته شود ستم از خود دور کنید، ای کسانی که خواهید پاداش منش نیک بشما راست آید بمیانجی دین راستین که یارش مرد پاک است آفریدگانش در سرای تو خواهند بود، ای اهورا. (پورداود)

ای کسانی که زیبا به اندیشهٔ نیک پیوسته‌اید و با رادمرد افزاینده همکار شده راستی می‌گسترید، جلو خشم را بگیرید و در برابر ستم بایستید. خدایا، چنین کسانی در بند تو می‌باشند. (جعفری)

خشم باید بازداشته شود. در برابر ستم و زور باید ایستادگی کرد. ای کسانی که در پاک منشی استوارید، برای پیشرفت و پیروزی راستی و درستی طرفدار و دوست‌دار باشید، چه جای چنین کسانی در پایان، سرای اهورایی خواهد بود. (شهزادی)

ای کسانی که به اندیشهٔ نیک دلبسته‌اید، خشم از خود دور بدارید و در برابر ستم بایستید. و برای گسترش راستی به رادان پاک بپیوندید، تا به بارگاه اهورا مزدا راه یابید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۸ ، بند ۸

کا تُویی وَنگهِئوش مَزدا خشَترَهیا ایش تیش

کا تویی اَشوئُیش توَخیاو مَئیبیو اهورا

کا تویی اشا آکاو اَرِدرِنگ ایشیا

وَنگهِئوش مَئین یئوش شی یئُوتَنَ نانم جَوَرُو

ای مزدا! خواست تو که هماهنگ با فرمانروایی خوب و سودمند تو باشد کدامست؟ ای اهورا! پاداش تو برای من (که خواست و فرمان تو را بکار می‌بندد) چیست؟ توانایی تو که با اشا (راستی و دادگری) همراه است، پاداش باورمندان را چگونه در برابر آن‌ها می‌نهد و آشکار می‌کند؟ تا انگیزه آن‌ها در کارهایی باشد که از روان پاک (سپنتامئینیو) سرچشمه بگیرد. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، چه اندازه آرزو دارم که در پرتو راستی از نیروی درونی خود چیرگی بهره مند گردم، و برتر از آن چه اندازه خواهانم که تو خود را به یاران من آشکار کنی و پاداش اندیشه نیک را به آنها ارمغان نمائی تا در زندگی پیشرو و شکوفا گردند. (پردیس)

آرزوی من ای مزدا برخورداری از نیروی معنوی خَشَترای توست، ولی خواستِ من برای برخورداری کسان و پیروانم از بخشش‌های تو ای هستی‌بخش یکتا بسیار زیادتر است. پروردگارا، چقدر آرزو دارم در پرتو راستی و پاکی خود راه جانبازان وفادار و هواخواهان راهِ حق آشکار سازی تا با یاری اندیشهٔ پاک در پیشبرد کارهای نیک کوشا باشند. (آذرگشسب)

(چه بزرگ است) اشتیاق من به اراده نیک تو ای مزدا (و چه بزرگتر است) بخشش تو به من ای اهورا و چه خوش خواهد بود به گرویدنت شناسائی تو ـ اَشا وهومن را در کار او یاری کن. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا! کدام است دهش نیک تو که از «شهریاریِ مینُویِ» تو [خواهد رسید]؟ کدام است پاداش تو برای من و یارانم؟ ای اهوره! چه اندازه آرزومندم که در پرتو «اشه» و «منش نیک»، برای پیشبرد کارها بر رادان آشکار شوی!(دوستخواه)

کدام است بخشایش کشور نیک تو، ای مزدا، کدام پاداش تو (آری) از تو، برای من، ای اهورا؟ کدام است (آن داوری) آشکارای تو بمیانجی راستی، که آرزو شدهٔ پارسایان است (و) بدستیای منش نیک سنجیدن کردارها. (پورداود)

ای خدای دانا، نیروی شهریاری نیک تو چیست؟ پاداش تو برای من و یارانم چیست؟ مهر و محبت تو برای رادمردانی که می‌خواهند خرد نیک را با کردارهای خود برانگیزند، چیست؟ (جعفری)

ـ ای مزدا ـ چیست پاداش شهریاری تو برای چون منی و یارانم. به چه میزان است بخشایش تو در هنگام رسیدگی به نامهٔ کِردارمان در روز واپسین از روی سنجش میزان ایمان و منش‌مان ای اهورا؟ (شهزادی)

ای مزدا اهورا، چیست خواست شهریاری نیکِ تو؟ و چیست بخشش و پاداش تو به من و یارانم؟ چه اندازه آرزو دارم، که از راه راستی، تو بر گرویدگانت آشکار گردی، تا با اندیشهٔ نیک، در پیشبرد کارهای خود کوشا باشند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۸ ، بند ۹

کدا وَ اِدا یزی چهیا خشَ‌یتا

مَزدا اَشا یهیا ما آیی‌تیش دوَ اِتا

اِ رِش موییِ اِ رِژ ـ اوچانم وَنگهِئوش وَفوش مَنَنگهُو

ویدیات سَئوشیانس یتا هویی اَشیش اَنگهَت

ای مَزدا می‌خواهم بدانم خطری (که از سوی پیروان دروغ) مرا تهدید می‌کند چه زمان با همراهی اشا بر آن چیره می‌شوید. آموزش‌های درست و شایسته را که از اندیشه نیک سرچشمه می‌گیرد برایم آشکار کن. رهایی‌بخش (زرتشت) می‌داند برای کسی که آن‌ها را بکار برد چه پاداشی مقرر خواهد بود. (ساسانفر)

ای مزدا، چگونه بدانم که در پرتو راستی، تو بر همگان، حتی بر کسانی که در پی آزارمند فرمان میرانی؟ پس چگونگی کارکرد اندیشه نیک را به من بیاموز، تا رها کنندگان آزادیبخش ، سوشیان‌ها هم بدانند که آنها هم از پاداش بهره مند خواهند گردید. (پردیس)

چگونه بدانم که تو ای مزدا بر همه، حتی بر آنان که قصد آزار مرا دارند شهریاری می‌کنی، ای اَشا روش نیک‌اندیشی و بهروزی را بر من آشکار ساز، پروردگارا، مرا از نحوهٔ برخورداری از بخشایش خویش آگاه فرما، زیرا یک سوشیانت یا پیمبر آسمانی باید از پاداشی که در انتظار اوست نیک آگاه گردد. (آذرگشسب)

کی خواهم دانست که شما بر همه شاهی می‌کنید ای مزدا و ای اشا (چه بر ما و چه بر آنانکه) نقشه (اندیشه آنان) به من تهدیدی هستند و آیا طرح‌ریزی وهومن بر من درست آشکار می‌شود و چگونه برکت سوشینت (نجات دهنده) روان (عملی) خواهد شد (یا اینکه سوشینت باید بداند که چگونه سعادتی که می‌خواهد به بعد عملی خواهد شد). (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا! چگونه دریابم که تو در پرتو «اشه» بر همگان و بر آنان که سرِ آزارِ مرا دارند، فرمان می‌رانی؟ مرا بدرستی از هنجارِ «منش نیک» بیاگاهان. رهاننده باید بداند که پاداش وی چه سان خواهد بود. (دوستخواه)

کی خواهم دانست که شما بهر کسی توانا هستید ای مزدا، ای اردیبهشت، بآنکه مرا بآسیب بیم دهد؟ درست بمن باید گفته شود دستور منش نیک، رهاننده باید بداند که پاداش وی چِسان خواهد بود. (پورداود)

ای دانا، کی خواهم دریافت که تو بر همه، حتی بر کسانی که مرا می‌ترسانند، با آیین راستی فرمان می‌رانی؟ طرح منش نیک را بدرستی بمن نشان بده تا سودرسان بداند که نیکی‌های او چگونه خواهد بود. (جعفری)

ـ ای مزدا ـ آیا با نیروی اشا (ایمان به تو) خواهم توانست در برابر ستم و آزار دشمنانم پایدار و استوار بمانم؟ از تو می‌خواهم مرا از یاری و پشتیبانی خویش آگاه فرمایی، چون که یک سئوشیانت و خیرخواهی چون من باید از میزان پشتیبانی تو باخبر باشد. (شهزادی)

ای مزدا، چگونه بدانم که تو بر پایهٔ راستی، بر همه ما و بر آنان هم که در پی آزار منند، فرمان میرانی؟ چگونگی روش اندیشهٔ نیک را نیز، بدرستی به من بنمای. و سوشیانس را نیز، از پاداش کارش آگاه فرما. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۸ ، بند ۱۰

کدا مَزدا مانم نَرئُیش نَرُ ویسِنتِ

کدا اَجِن موتِرم اَهیا مَدَهیا

یا اَنگرَیا کرپَنُ اوروپَ یئین تی

یاچا خرَتو دوشِ خشتَرا دَخیونانم

ای مزدا! چه زمان مردان باورمند فرا می‌رسند چه زمان آن نوشابه زرد رنگ زهرآگین را نابود می‌کنند که با آن کرپن‌های بدآموز و فرمانروایان بدکردار کشورها با کژاندیشی مردم را فریب می‌دهند. (ساسانفر)

ای مزدا، آیا روزی خواهد آمد که مردم آئین تو را در یابند؟ و پلیدی و دروغ و آز از پهنه گیتی بر انداخته شود؟ چون با چنین ابزارهایست که رهبران فریبکار دینی، مردم را گمراه کرده و فرمانروایان ستمکار و بداندیش به کمک آنها فرمان می‌رانند. (پردیس)

ای مزدا یارانم برای گُسترش دین اَهورائی کِی خواهد آمد؟ پروردگارا، پلیدی دروغ و آز کی از پهنهٔ گیتی برانداخته خواهد شد؟ وسیله‌ای که موجب می‌گردد کرپان‌های سیه‌کار مردم را بفریبند و شهریاران ستمگر با اندیشه‌های شوم بر کشورها حکومت کُنند. (آذرگشسب)

ای مزدا کی قهرمانان (یاوران) من به انتشار دین خواهند آمد و کی کثافت و حماقت را از میان خواهند برد (تباه خواهند ساخت) اینان که توسط آنها کرپن (مردم را) به خود به دروغ جلب می‌کنند و نیز شاهان بد کشورها به خرد (نیت بد) می‌فریبند. (شوشتری)

ای مزدا! کی مردمان آموزش ترا در خواهند یافت؟ کی پلیدیِ این می را برخواهی انداخت که «کَرَپان» بدکار، [مردمان را] بدان می‌فریبند و فرمانروایان بد با آن به [دژُ] خِرد[ی] بر سرزمین‌ها فرمان می‌رانند؟ (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کی، ای مزدا، مردان پیام را خواهند شناخت؟ کی پلیدی این می را خواهی برانداخت، که از آن کَرَپَن‌ها از روی کین و از خرد (خویش) می‌فریبند شهریاران بدِ کشورها را؟ (پورداود)

ای مزدا، کی مردم به هوش خواهند آمد؟ کی بد مستی این زهراب برخواهد افتاد؟ از این است که پیشوایان دروغین مذهب و فرمانروایان بد کشورها، با کجاندیشی خود آزار می‌رسانند. (جعفری)

ای مزدا چه وقت مردم به حقیقت پی خواهند برد؟ کی این آشام پلید مستی‌آور برخواهد افتاد، چیزی که مردم فریبان زشت کردار به وسیلهٔ آن دیگران را می‌فریبند و هوش و خرد آنان را می‌زدایند؟ (شهزادی)

ای مزدا، کی مردم آیین ترا در خواهند یافت؟ کی این زهرابهٔ دیوانگی‌آور بر خواهد افتاد؟ چیزی که کرپن‌های تبهکار، با آن مردم را می‌فریبند. و شهریاران ستمکارِ بداندیش، با آن بر کشورها فرمان می‌رانند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۸ ، بند ۱۱

کدا مَزدا اَشا مات آرمَئیتی تیش

جیمَت خشتَرا هوشِ ایتیش واسترَ وَئیتی

کوَیی درِگوُدِبیش خروراییش رامانم داون تِ

کنگ آ وَنگهِئوش جیمت مَنَنگهُو چیس تیش

ای مزدا! چه زمان راستی و پارسایی به همراه یکدیگر با نیرومندی فرا می‌رسند تا زیستگاه امن و آرام آبادانی و سازندگی را فراهم کنند. کیستند آنان که آرامش را با وجود دشمنی دُروَندان خون‌آشام برپا می‌کنند آن دریافت درست که از اندیشهٔ نیک سرچشمه بگیرد به سوی چه کسان خواهد آمد. (ساسانفر)

ای مزدا، کی کشور پر از کشتزارهای سبز و خرم و خانمان‌ها خوب و آباد خواهند گردید؟ و کی در پرتو راستی آرامش به سراسر کشور سایه خواهد افکند؟ و در برابر یورش دروغکاران ستمگر چه کسی ایستادگی خواهد نمود، و به چه کسی دانش و بینش و اندیشه نیک خواهد رسید؟ (پردیس)

ای مزدا، راستی و پاکی همراه با عشق و ایمان بخدا کِی بسراغمان خواهند آمد و در پرتو چیرگی بر نفس آشتی و ایمنی به ارمغان خواهند آورد؟ هنگام حمله سیه‌کار ستمگر و خونخوار چه کسی در برابر آنها ایستادگی خواهد کرد و چه کسی از دانش و بینش وهومن برخوردار خواهد شد؟ (آذرگشسب)

چه زمان ای مزدا ارمایتی و اشا با خشتر خواهند آمد در جای خوش و چراگاه (پرامن) و آنان کیستند که پیروان خونخوار ناراستی را به رامش بگیرند و به که دانش وهومن خواهد رسید.. (شوشتری)

ای مزدا؛ کی «اشه» و «آرمیتی» در پرتو «شهریاریِ مینُوی» [تو] خواهند آمد و خانمان خوب و [سرزمین] کشت‌مند پدیدار خواهد شد؟ کیانند

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آنان که ما را در برابر دُروَندان خونخوار، رامش خواهند بخشید؟ کیانند آنان که از بینشِ «منش نیک» برخوردار خواهند شد؟ (دوستخواه)

کی، ای مزدا، راستی با پارسائی وکشور کشت‌مند خوب خان و مان روی خواهند نمود؟ کیانند که در برابر دروغ‌پرستانِ خونخوار رامش خواهند داد؟ کیانند کسانی که بنزدشان شناسائی منش نیک راه خواهد یافت؟ (پورداود)

کی، ای خدای دانا، آرامش با راستی به شهریاری آشتی و آبادی خواهد آورد؟ چه کسی به خونریزی دروغ‌کاران پایان خواهد داد؟ به چه کسی دانش و بینش منش نیک خواهد رسید؟ (جعفری)

ـ کی ای مزدا، راستی و خرد ایزدی و شجاعت معنوی به زندگی افراد خانواده داخل خواهد شد؟ چه کسی آرامش زندگی را جای گزین ستم و بیدادگری خواهد کرد؟ به سوی چه کسانی بخشش نیک منشی فرا خواهد رسید و از سودهای آن برخودار خواهند شد؟ (شهزادی)

ای مزدا، کی راستی و پاکی و پارسایی، و کشورِ پر از کشتزارهای گسترده، و خانمان خوب و آباد، پدیدار خواهد شد؟ چه کسانی، ما را در برابر دُروندان تیره دل رامش خواهند داد؟ و چه کسانی، دانش و بینش اندیشهٔ نیک را، در خواهند یافت؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۸ ، بند ۱۲

اَت تویی اَنگهِن سَئوُشینتُو دَخیونانم

یویی خشنِم وُهو مَنَنگها هچان تِه

شی اُتَناییش اَشا توَهیا مَزدا سِنگهَه هیا

تویی زی داتا هَمَ اِستارُو اَاِشِم مَهیا

آری، آن‌ها رهایی‌بخش کشورها هستند، آنها، ای مَزدا با دانشی که هماهنگ با آموزش توست و با کرداری که از اشا و وُهومن سرچشمه می‌گیرد همراهند. آن‌ها به درستی گزیدگانی هستند که خشم را نابود خواهند کرد. (ساسانفر)

ای مزدا، سودرسانان آزادی بخش کشورها، سوشیانها کسانی خواهند بود که در پرتو راستی، وبا پیروی از اندیشه نیک و آموزشهای تو آرمانی را که به آنها داده شده به انجام رسانند، و خشم و ستم را از میان بردارند. (پردیس)

براستی سوشیانت‌ها و رهانندگان گیتی از دانش و بینش برخوردار بوده، وظیفهٔ خود را با الهام از منش پاک انجام خواهند داد. آنها کردارشان از راستی و پاکی سرچشمه گرفته با آموزش‌هایِ تو ای مزدا هم آهنگی دارد. آنان بدرستی از بین برندگان خشم و نفرت و پدیدآورندگان مِهر و آشتی می‌باشند. (آذرگشسب)

چنین خواهند بود سوشینت‌های کشورها که به وظیفه‌شان خواهند رسید و (به راهنمائی) وهومن چونکه ای مزدا اعمال اشائی (بجا می‌آورند) بر طبق آموزش تو یقیناً نامزد شده‌اند برای چیرگی بر خشم (و ستم). (شوشتری)

ای مزدا! چنین خواهند بود رهانندگان سرزمین‌ها که با «منش نیک» خویشکاری می‌ورزند و کردارشان بر پایهٔ «اشه» و آموزش‌های تُست. براستی آنان به در هم شکستن خشم برگماشته شده‌اند. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ایدون اینان هستند رهانندگان کشورها که از منش نیک (و) کردار (و) راستی برای خوشنودی آیین تو، پیروی کنند، ای مزدا چه اینان برافکنندگان خشم برگماشته شده‌اند. (پورداود)

آنان سود رسانان کشورها خواهند بود که در پی خوشنودی منش نیک هستند و کردار خود را بر روی راستی و آیین تو استوار می‌سازند. بیگمان آنان برای نبرد با خشم ساخته شده‌اند. (جعفری)

به راستی کسانی از زمرۀ سوشیانت‌ها و رهانندگان مردم جهان به شمار خواهند رفت که فرمان‌های مزدا و وظایف خود را با نیک منشی به جای آورند و بر ضد خشم و ستم به پا خیزند و آن را در هم شکنند. (شهزادی)

ای مزدا، سوشیانسهای کشورها، کسانی خواهند بود که با پیروی از اندیشۀ نیک، بایسته خود را به انجام می‌رسانند. کردارشان بر پایۀ راستی و آموزش‌های توست، و بدرستی برای چیرگی و برافکندن خشم، گمارده شده‌اند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات چهل و نهم

هات ۴۹ ، بند ۱

اَت ما یوا بندوُ پَفرِ مَزیشتُو

ی دوشِ رِتریش چیخش نوشا اَشا مَزدا

وَنگهوهی آدا گئیدی مویی آمویی اَرَپا

اَهیا وُهو اَ اُشُو ویدا مَنَنگها

و زمان درازیست که «بِندوَ» سر دسته دُروَندان از دانه و بذر من سرشار شده در حالیکه ای مَزدا من با پیروی از اشا می‌کوشم مردم رنجدیده را خوشبخت کنم. اگر من سزاوار پاداش خوبی هستم، بیا به سویم و مرا پشتیبانی کن و راهی در پرتو اندیشه نیک برای شکست و نابودی او بنمای. (ساسانفر)

دیرگاهی است که دشمن من بَندو، در برابر من ایستادگی میکند، و نمی‌گزارد فریب خوردگان را آگاه نمایم پس تو ای مزدا، بسوی من آی و مرا توانائی بخش، تا با اندیشه نیک، او و همانند او را از گمراهی برهانم. (پردیس)

ای مزدای پاک بی‌همتا، بندو بزرگترین سد راه من است و همیشه با گُمراه کردن مردم احساس خرسندی می‌کند. ای بخشندۀ مهربان بسوی من آی و مرا توانائی بخش تا در پرتو منش پاک بر او دست یافته و او را از گمراهی رهائی بخشم و از پاداش نیک برخوردار گردم. (آذرگشسب)

ای مزدا! اما بندوه با من بزرگترین مخالفت می‌کرد (به من) که می‌خواهم توسط اشا او را از راه بد باز دارم. ای مهربان با بخشش خوب (بسوی من) بیا آیا توسط وهومن شکست (بندوه) را خواهم دید. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دیرگاهی است که «بِندُوَ» بزرگترین ستیهندهٔ با من است؛ [منی] که خواستار [رهنمونی و] خشنودی گمراهان در پرتو «اشه»ام. ای مزدا! با پاداش نیک به سوی من آی و مرا پناه‌بخش تا در پرتو «منش نیک» او را شکست دهم. (دوستخواه)

ایدون دیرگاهی است که بندو بزرگتر ستیزه‌جوی من است، منی که گمراهان را از راستی خوشنود ساختن خواهم، ای مزدا. با پاداش نیک بسوی من آی، مرا پناه بخش. او را، ای بهمن بامرک دریاب. (پورداود)

مزدا، من که می‌خواهم مردم بد را از راه راستی به خرسندی برسانم، "بندو" همواره بیش از همه در برابر من ایستادگی می‌کند. با پاداش نیک و خوب به سوی من بیا تا به یاری منش نیک برای او روشنایی بجویم. (جعفری)

ای مزدا و ای اشا، بندوه تباه کار در برابر من ایستاده است و نمی‌گذارد غفلت‌زدگان را بیدار و به راه راست رهبری کنم ـ ای مزدا روی به من کن و با بخشش نیک منشی مرا نیرویی ده تا بر او و همانند او چیره شوم. (شهزادی)

ای مزدا، دیرگاهی است که بندوَ، که از کردار نادرست خود شادمان است، در برابر من ایستادگی می‌کند. ای بخشندهٔ مهربان، با پاداش نیک به سوی من آی، تا با اندیشهٔ پاک، او را از گمراهی برهانم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۹ ، بند ۲

اَت اهیا ما بِندوَهیا مانَ یئیتی

تک اِشَو درِگ واو دَئی بیتا اَشات اِرِشُو

نُوئیت سپِنتانم دُرِشت اهمایی ستُویی آرمَ ئیتیم

نه اِدا وُهو مَزدا فرَشتا مَنَنگها

اینک بندوا (سردسته پیروان دروغ) مرا نگران می‌کند. آن آموزگار دُروَند با آموزش دو پهلوی خود از اشا دوری می‌جوید نه، بودن با سپنتامئینیو (پارسایی) را پشتیبانی می‌کند نه، ای مَزدا با اندیشه نیک رایزنی می‌کند. (ساسانفر)

ای مزدا زشتکاریهای بَندَو مرا نگران کرده است، زیرا کیش او دروغ و فریب و دوری جستن از راستی است، نه در درون او آرامش پیشبرنده است و نه اندیشه نیک در او راهی است. (پردیس)

بدرستی زشت‌کاریهای بندو مرا نگران ساخته است، زیرا آموزش‌های او جز دروغ و فریب و گمراه ساختن مردم و دور نگهداشتن آنان از راستی و پاکی چیز دیگری نیست. او هیچگاه نسبت به پروردگار دلبستگی و ایمانی پاک و استوار نشان نمی‌دهد و لحظه‌ای، ای مزدا با اندیشهٔ پاک و ضمیر روشن بتو نمی‌اندیشد. (آذرگشسب)

یقیناً این بندوه مرا نگران کرده آموزش او که پیروی از دروغ است به ریا (مردم را) از اشا دور می‌سازد (او) هیچ گاه برای خاطر اشا ارمایتی (تسلیم و بندگی) را بر نگرفت و نه هم ای مزدا با وهومن پرسش کرد و پاسخ شنید (یا پیوست). (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

دیرگاهی است که «بندو» ـ این آموزگار دروغین که سر از «اشه» پیچیده و از «سپندارمذ» پیوند گسسته است و هرگز با «منش نیک» همپرسگی نمی‌کند ـ مرا اندیشناک کرده است. (دوستخواه)

ایدون این آموزگار دروغین بندو دیر باز است که در سر راه من مانده است کسی که از راستی سرپیچیده است. در اندیشه ندارد که سپندارمذ از وی شود و نی با بهمن پرسش و پاسخ کند. (پورداود)

این کار "بندو" مرا نگران ساخته زیرا آن کیش دروغ است که از راه فریب، راستی را آسیب می‌رساند. او، ای مزدا، نه آرامش افزاینده را برای خود نگاه می‌دارد و نه با منش نیک مشورت می‌کند. (جعفری)

این بندوه گمراه کننده یکی از دروغ‌پرستانی است که با آموزش‌های دروغین خود مدتی است مرا نگران کرده. این گونه مردم فریبان از راستی و خرد ایزدی گریزانند و هرگز در پی آن بر نمی‌آیند که با پاک‌منشان به پیوندند و با آنان از روی خرد و درستی به بحث پردازند. (شهزادی)

ای مزدا، این بندو مرا نگران کرده است، زیرا کیش او دروغ و فریب، و دوری جستن از راستی است. او نه به پارسایی پابند است، و نه با اندیشهٔ نیک در پرسش و پاسخ است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۹ ، بند ۳

اَت چا اَهمایی وَرِنایی مَزدا نیداتِم

اَشِم سوئیدیایی تک اِشایی راشَ ینگهِه دروخش

تا وَنگهِئوش سَرِ ایزیا مَنَنگهُو

اَنتَرِ ویسپِنگ درگوَتُو هَخ مِنگ اَنتَرِ مروی

با وجود اینکه ای مَزدا گزینش برای هر یک نهاده شده اشا برای رهایی و آموزگار دروغ برای آسیب رسانی می‌کوشند. من آرزومندم با همبستگی اشا و وُهومن همه پیروان دروغ را از میان گروه خود دور کنیم. (ساسانفر)

ای مزدا، تو این آئین و این آموزش را، برای زنان و مردان آنگونه استوار نموده ای که، راستی سودبخش است و دروغ زیان آور. از این روست که، من خواهان پیوند با اندیشه نیک هستم، و وابستگی هایم را با دروغکار پاره میکنم. (پردیس)

پروردگارا تو برای مردم باور داشتن این آموزش را مقرر فرموده‌ای که راستی رستگاری بخش و سودمند است و دروغ نکبت بار و زیان‌آور. بنابر این آرزو دارم که مردم پیوند خود را با اندیشهٔ پاک استوار سازند و آمیزش خود را با دروغ و هواخواهان دروغ کاملاً بگسلند. (آذرگشسب)

یقیناً برای همه از مزدا (اختیار) برگزیدن داده شده است که کیش اشائی بر سود و (خوبی) و پیروی ناراستی بر تباهی و آزار است از اینرو پیوستگی وهومن را خواهم خواست و از همه (نوع) دوستی با پیروان ناراستی احتراز خواهم کرد. (شوشتری)

ای مزدا! تو بدرستی این باور و آموزش را برای همگان برنهادهای که «اشه» سود می‌بخشد و «دروج» زیان می‌آورد. پس من آرزومندم که به «منش نیک» بپیوندم [و] همگان را از در آمیختن با دُروندان باز دارم. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و در آیین ما، ای مزدا، راستی نهاده شده، از برای سود بخشیدن، در کیش (دروغین) دروغ، از برای زیان رسانیدن. از اینرو آرزو دارم که بمنش نیک پیوندند. همهٔ آمیزش با دروغپرستان را باز می‌دارم. (پورداود)

اما ای دانا، این امر برای گزینش گذاشته شده که راستی به آیین سود می‌رساند و دروغ آزار. برای همین است که من با منش نیک همبستگی می‌خواهم و همه وابستگی‌ها را با دروغ‌کار می‌گسلم. (جعفری)

چون پایهٔ دین مزدیسنی بر راستی استوار است، همیشه سودبخش است و از آن جایی که پایهٔ دین دیوپرستی بر دروغ نهاده شده همیشه زیان‌بخش می‌باشد، از این روی من می‌خواهم مردم به پاک‌منشان بپیوندند و همبستگی خود را با دروغ‌پرستان بگسلانند. (شهزادی)

ای مزدا، تو بدرستی این باور و آموزش را، برای همه برنهادهای که راستی سود بخشد و دروغ زیان آورد. از همین روست که، من خواهان اندیشهٔ نیک هستم، و همگان را از پیوند با دُروند باز می‌دارم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۹ ، بند ۴

یویی دوش خرَتوا اَ اِشِمِم وَرِدِن رامِم چا
خواییش هیزوبیش فشوَیسو اَفشوینتُو
ی اِشانم نوئیت هوَرش تاییش وانس دوژوَرشتا
تویی دَئِونگ دان یا درِگوَتُو دَئِنا

آن‌ها که با کج اندیشی خشم و ستمگری را گسترش می‌دهند، با زبان و گفتار خویش از کار تولید جلوگیری می‌کنند و دامی پرورش نمی‌دهند کار بدشان برتری دارد. چون هرگز تولید و کار خوب انجام نمی‌دهند آن‌ها دیوان و خدایان پنداری را پرورش می‌دهند این شیوه از پیروان دروغ است. (ساسانفر)

کسانی که با کردار و گفتار بد، خشم و ستم را می‌افزایند، و مردم سازنده و آبادگر را، از کار خود باز میدارند، و همیشه در پی آزارند، تبهکارانی هستند که سرشت و وجدان مردم را به دروغ و گمراهی می‌کشانند. (پردیس)

کج خِردان و بداندیشان با زخم زبان خشم افزایند و رشک و حسد برانگیزند و کارگران درستکار را از کار باز دارند. این زشت کرداران گرایش به نیکوکاری نداشته و چنان بدروغ و ناراستی خو گرفته‌اند که دیوان و ددانی انسان‌نما را مانند. (آذرگشسب)

آنانکه از بد خردی خشم و رشک را می‌افزایند تا شبان هستند که به زبان خود شبان می‌شوند و کار نیک نمی‌خواهند (بلکه) کار بد می‌خواهند و باطن چنین کسان ناراستی را پیروی کرده اهریمنان را بر می‌گیرند (می‌آفرینند). (شوشتری)

آن دُژخِرَدانی که با زبان خویش، خشم و ستم را می‌افزایند و مردمِ کارآمد و پرورشگر را از کار خویش باز می‌دارند، زشت کردارند و خواهان نیکوکاری نیستند. آنان به کُنامِ دیو ـ که از آنِ «دینِ» «دُروَندان» است ـ در خواهند آمد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آن بد خردانی که خشم و ستم با زبانهای خویش ببالانند، آن نه شبانان، در میان شبانان، نزد آنان نه کردارهای نیک، کردارهای بد فزونی کند، آنان راست خان و مان دوی که از برای دین دروغپرستان است. (پورداود)

کسانی که از راه خرد بد و با زبان خود خشم و ستم را می‌افزایند در میان مردمی که سازنده و تولید کننده می‌باشند بیهودگانی هستند که با کارهای بد خود هرگز کار نیکی را نمی‌خواهند. همینان هستند که دیوان را در دین دروغ‌کاران ساخته و پرداخته‌اند. (جعفری)

این دروغ‌پرستان بدکردار با زبان خویش درمیان مردم رشک و خشم برمی‌انگیزند و مخالف آبادانی و پیشرفت جهان‌اند ـ به راستی بدکارانی که در پی گسترش کارهای زشت هستند، نظر به سرشت بد خویش همیشه راه دیوان را بر می‌گزینند. (شهزادی)

کسانی که با خرد بد و با زبان خود، خشم و رشک را می‌افزایند، و مردم سازنده و پرورشگر را، از کار خود باز می‌دارند، و با کردار زشتی که دارند، در پی نیکوکاری نیستند، دیوانی هستند که، نهاد و یابش مردم را به دروغ و گمراهی می‌کشانند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۹ ، بند ۵

اَت هوُ مَزدا ایژاچا آزوایتیش چا

ی دَئنانم وُهو سارشتا مَنَگها

آرمَتوییش کس چیت اَشا هوزِن توش

تَ ایش چا ویسپَ ایش توَهمی خشتَروُیی اهورا

ای مَزدا اما آنکس که نیرومند و توانگر است باید باور دینی خود را با اندیشه نیک پیوند دهد هر یک از آنان، آگاه، با پرهیزگاری و راستی همراهند. همه اینها ای اهورا زیر فرمان توست. (ساسانفر)

ولی آنکس که دل و جان و وجدان خود را با اندیشه نیک پیوند داده، و در راه راستی و آرامش گام برمیدارد، سرانجام، ای مزدا، در سرای جاودانی تو جای خواهد گرفت. (پردیس)

ای مزدا کسی که با خواست درون و جانبازی بین وجدان خود و منش پاک پیوستگی پدید آورد چنین کسی از عشق و ایمان بخداوند برخوردار و در پرتو راستی و درستی بزیورِ خرد آراسته خواهد گردید و سرانجام با داشتن همه فروزگان معنوی ای اهورا در کشور جاودانی تو بسر خواهد بَرد. (آذرگشسب)

اما ای مزدا! ذوق و بالیدگی برای او هست که وجدانش را به وهومن می‌پیوندد و هر یک از آن از ارمایتی است و از اَشا داناست و با همه آنها ای اهورا! او با تو (در سایه) خشتر تو خواهد بود. (شوشتری)

ای مزدا! کسی که با دل و جان، «دین» خویش را به «منش نیک» بپیوندد، به «آرمیتی» [بستگی دارد] و در پرتو «اشه» به نیک آگاهی خواهد رسید. ای اهوره! چنین کسی با همهٔ اینها در پناه «شهریاریِ مینُویِ» تو جای خواهد گرفت. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و ایدون کامیابی و گشایش بآن کس، ای مزدا، که دین خود بمنش نیک پیوندد هر آنکه بمیانجی راستی به پارسائی خوب شناساست و با همهٔ اینان بکشور تو (در آئیم)، ای اهورا. (پورداود)

اما کسانی که از راه خواهش و نیایش وجدان خود را با منش نیک سرشته‌اند، هر کدام از آنِ آرامش هستند و براستی دانا می‌باشند و همه، ای خدا، در شهریاری تو بسر می‌برند. (جعفری)

خوشی و فراوانی نعمت از آن کسی است که از خود گذشته و پاک‌منش باشد. چنین کسی به واسطهٔ داشتن فروتنی و پارسایی سزاوار آن خواهد بود که دارای خرد ایزدی گشته و در کشور جاودانی اهورایی پیوسته به سر برد. (شهزادی)

ای مزدا، اما کسی که با دل و جان یابش خود را، به اندیشهٔ نیک بپیوندد، و در راه پارسایی و راستی و دانایی گام بردارد، سرانجام، در کشور جاودانی تو جای می‌گیرد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۹ ، بند۶

فروُ واو فرَاِش یا مَزدا اشِم چا مروئیتهِ

یا وِ خرَتِئوش خشماکهیا آ مَنَنگها

اِرِش ویچی دیایی یتا ای سراوَیاِما

تانم دِئِنانم یا خشما وَتو اهورا

از شما درخواست می‌کنم ای مَزدا و ای اشا برنامه‌ای که در اندیشه دارید آشکار کنید تا با شناختن درست آن، به همان گونه آنرا به گوش برسانیم و این دینی را که از آن کسی چون شماست ای اهورا آموزش دهیم. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، مرا از آنچه در خرد و اندیشه توست، آگاه کن، تا در پرتو راستی آئین تو را درست دریابم و به دیگران بیاموزم. (پردیس)

ای مزدا و ای اَشا، خواستارم که مرا از اندیشهٔ پاک و حکمت خویش آگاه سازید تا حقیقت را باز شناسم و دینی را به جهان‌یان آشکار سازم که از سوی تو ای هستی‌بخش الهام گردیده است. (آذرگشسب)

ای مزدا! و ای اَشا صمیمانه التماس می‌کنم آشکار کنید اندیشه شما را که از خرد خود برای ما چه طرح نموده‌اید تا آنرا درست برگزیده دینی اعلام کنم که ای اهورا برای گرویده شما باشد (یا از گرویده شما باشد). (شوشتری)

ای مزدا اهوره! ای اشه! هر آینه شما را به گفتن آنچه براستی در اندیشه و خِردِ شماست، برمی‌انگیزم تا بدرستی دریابم که چگونه [پیام] دین‌تان را به گوش [مردمان] برسانم. (دوستخواه)

شما را برانگیزانم، ای مزدا و ای اردیبهشت بگفتن آنچه اندیشهٔ خرد شماست، تا اینکه ما درست باز شناسیم که چگونه باید بشنوانیم آن دین مانند شما کسان را، ای اهورا. (پورداود)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

من از تو، ای دانا، و راستی می‌خواهم، بگویید شما در اندیشهٔ خود چه طرحی دارید تا آنرا درست برگزیده، این دین را که از آن شخصی است که مانند تو گردیده، به همه اعلام کنیم. (جعفری)

ای مزدا از تو درخواست می‌کنم، وظیفهٔ مرا که باید از روی خرد و راستی انجام یابد به من روشن سازی تا ضمن این که آیین تو را به درستی دریابم، بتوانم چنان چه باید به دیگران بیاموزم. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، و ای راستی، مرا از آنچه در خرد و اندیشهٔ شماست، آگاه کنید، تا دینی را که از آن شماست، باز شناسم، و به دیگران بشنوانم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۹ ، بند ۷

تَت چا وُهو مَزدا سرَاُتو مَنَنگها

سرَ اُتو اَشا گوشهَوا تو اهورا

ک اَ ایریما ک خوَ اِتوش داتاییش انگهَت

ی وِرِزِنایی ونگوهیم فرَسَستیم

ای مَزدا باشد که هر کس با اندیشهٔ نیک این را بشنود با پیروی از راستی بشنود. تو خود نیز به آن گوشدار (و توجه کن) کدام تیره ،کدام خانواده با قانون و دستورهای تو همراه خواهد بود که برای مردم و جامعه ما نیک نامی آورد. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، باشد که مردمان، با اندیشه نیک و از روی راستی، پیام مرا بشنوند. و در آن زمان، تو خود گواه خواهی بود که، ازیاران و خویشان، کدام یک برابر آئین تو زندگی میکنند، تا برای همکاران راهنمائی ارزنده باشند. (پردیس)

پروردگارا بشود همه با منش پاک و دلی روشن بسخنانم توجه کنند و از روی پاکی و راستی آنرا بگوش هوش بشنوند. ای هستی‌بخش هنگامی که پیام مقدس ترا بمردم می‌آموزم گواه باش تا یاران و خودمانی‌ها برابر قانون ایزدی زندگی کرده و برای همکاران راهنمای نیکی باشند. (آذرگشسب)

ای مزدا هریک بشنود با وهومن و بشنود با اشا و نیز شما ای اهورا گوش دهید (و گواه باشید) که از ایریما و که از خویتوش بنابر آئین شما زندگی می‌کنند و برای (طبقه) ورزن نمونه خوب می‌گردند. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! [بگذار مردمان] با «منش نیک» و در پرتو «اشه»، آن را بشنوند [و] تو خود نیز گواه باش که کدام یک از یاوران و خویشاوندان به دادورزی زندگی خواهد کرد تا همکاران مرا راهنمایی نیک باشد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و این را بهمن بشنود، ای مزدا، بشنود (نیز) اردیبهشت، تو خود گوش فرا ده، ای اهورا: کدام پیشوا، کدام آزاده دادآور است که بکشاورز آوازهٔ نیک دهد؟ (پورداود)

باری، ای خدای دانا، باید انسان این پیام را با منش نیک و از راه راستی گوش کند. و تو نیز بشنو تا گواه باشی که کدام یک از دوستان و کدام یک از خویشاوندان طبق آیین زندگانی می‌کند تا برای اهل محل راهنمای نیکی بشود. (جعفری)

بشود که هر کسی با اندیشهٔ نیک توأم با راستی این دین را فرا گیرد، چون تنها اهورا مزدا به درستی آگاه است که کدام یک از پیشوایان و سپاهیان و کشاورزان به این دین گرویده و در گسترش آن به من یاری می‌کنند. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، باشد که مردمان، با اندیشهٔ نیک و از روی راستی، پیام مرا بشنوند، و تو نیز گواه باش که از یاوران و خویشاوندان، کدامیک برابر آیین زندگی می‌کنند، تا برای همکاران، راهنمای نیک باشند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۹ ، بند ۸

فِرَش اُشترایی اوروازیشتانم اَشَهیا داو

سَرِم تَت توا مَزدا یاسا اهورا

مَئی بیاچا یانم ونگهااو توَهمی آ خشَتروُئی یا

وُیی ویسپایی فرَ اِشتاونگهُو آونگ‌هاما

ای مَزدا اینرا از تو درخواست می‌کنم، به فرشوشتر که به اشا پیوسته است و همچنین برای من بالاترین پیروزی و نیک‌بختی را ارزانی دار آن نیک‌بختی در پناه فرمانروایی نیرومند توست ما برای همیشه پیام‌رسانان تو خواهیم بود. (ساسانفر)

ای مزدااهورا، از تو خواستارم که، که بهترین شادمانی را درپرتو راستی به فراشوستر، ارمغان کنی، و چنین پاداشی را هم به دیگر یارانم ببخشی. باشد که همیشه ما رهرو راه تو باشیم. (پردیس)

ای هستی‌بخش دانا، به فرشوشتر بهترین بخشش اَشا را که همانا پیوستگی و رسیدن به پروردگار است ارزانی‌دار و همین بخشایش را در مورد سایر مردم و پیروانم دریغ مدار. بشود که در پرتو خشترا، نیروی معنوی و مقدس، بمردم خدمت کنیم و از دوستداران تو باشیم. (آذرگشسب)

ای اهور مزدا؛ التماس می‌کنم از تو که برازنده‌ترین شادی (یعنی) پیوستگی به اشا به فروشستره بدهی و نیز به اراده پاک تو کاملاً به (دیگر مردم من) تا برای همه زمان ما پیام دهنده (و الهام پذیر) شما باشیم. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! این را از تو خواستارم که بزرگترین دهش رسایی و رامش و پیوستگی با «اشه» را به «فرشوشْتَر» ارزانی داری و همین [پاداش] را در پرتو «شهریاریِ» نیکِ خویش، به دیگر پیروانم [نیز] ببخشی. (بشود که] ما همواره فرستادگان [تو] باشیم. (دوستخواه)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

به فرشوشتر آمیزش رامش دهنده‌تر با اردیبهشت بخشای ـ برای این از تو خواهش دارم، ای مزدا اهورا ـ و بخود من (بخشایش) کشور نیک تو هماره جاودان خواهانیم که فرستادگان (تو) باشیم. (پورداود)

این از تو می‌خواهم، ای خدای دانا، به فرشوشتر و دیگر یاران من بهترین شادی و پیوستگی با راستی بده. ما همواره شیفتگان تو هستیم. (جعفری)

ـ ای مزدا اهورا ـ از تو درخواست می‌کنم، به فرشوشتر و دیگر یارانم بهترین بخشش ارزانی داری تا با راستی و نیروی مینوی بتوانیم با هم پیک پیام تو باشیم. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، از تو خواستارم که، رسایی و شادمانی و پیوستگی با راستی را، به فرشوشتر ارزانی داری، و همین پاداش را نیز، با شهریاری خودت به دیگر یارانم ببخشی، باشد که ما برای همیشه دلدادهٔ تو باشیم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۹ ، بند ۹

سَر اُتو ساسناو فشِنگ هیُو سوی تَشتَو
نوئیت اِ رِش وَچاو سَرِم دیدانس درِگواتا
هیت دَئناو وهیشتِ یوجن میژدِ
اَشا یوختا یاهی دِجاماسپا

باشد، کشاورز و دامپرور (تولیدکننده) که برای آبادگری آفریده شده آموزش‌ها را بشنود. مرد درست گفتار هرگز همبستگی با پیرو دروغ (اهریمن) را نمی‌پذیرد. هرگاه آن‌ها به اشا بپیوندند، ای جاماسب باور دینی‌شان با بهترین ارزش‌ها و پاداش‌ها پیوسته شده. (ساسانفر)

ای جاماسب خرد مند، باشد که، آن یاور کوشائی که برای رهائی مردم آفریده شده، به این آموزشها گوش فرا دهد، که راست گفتار هرگز اندیشه پیوند با دروغ را در خود نپروراند و کسانی که دارای وجدان روشنند، از بهترین پاداشها برخوردار گردنند، و سرانجام به راستی بپیوندند. (پردیس)

خدمت‌گزاری که برای رهائی مردم از تنگناها آفریده شده است باید این دستور ایزدی را بگوش هوش بشنود که شخص راستگو هیچگاه اندیشه آمیزش با دروغگویان و تبهکاران را بخود راه نخواهد داد، ای جاماسب حکیم کسانی که با دین و ایمان و دارای وجدانند با راستی و پارسائی پیوستگی داشته و سرانجام از بهترین پاداش «یعنی بهشت» برخوردار خواهند شد. (آذرگشسب)

گوش دهد به (این) آموزش یاور (سوشینت) که برای نجات (بشر) آفریده شده ـ که هرگز گوینده راستی اندیشه پیوستگی به پیروان ناراست نکند تا وجدان آنها بهترین پاداش یعنی پیوستگی به اشا بیابد. (شوشتری)

ای جاماسپ فرزانه! [بشود که] نگاهبان [دین] ـ [آن را] برای رهاییِ [مردمان] آفریده شده است ـ این آموزش‌ها را بشنود: راست گفتار هرگز به

PDF.tarikhema.org
tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پیوند با دُروند نخواهد اندیشید. «دین» آنان [که راست گفتارند] از بهترین پاداش‌ها بهره‌مند خواهد شد و سرانجام به «اشه» خواهد پیوست. (دوستخواه)

بشود فرمان‌ها را پاسبان (آنکه] از برای سود رسانیدن آفریده شده است راست‌گفتار آمیزش با دروغ‌پرست ننگرد، اگر براستی پیوستگان روانهای‌شان را در سرانجام به بهتر مزد بهره‌ور کنند ای جاماسب(پورداود)

ای جاماسب دانا، پیش‌برنده‌یی که برای سودرسانی آماده شده است، به این آموزش‌ها گوش کند. مرد راست گفتار هرگز اندیشۀ پیوستگی با دروغ‌کار را در خود نپرورده زیرا او از کسانی است که وجدانهای خود را در "روز بزرگ" روزی که راه خود را برگزیدند، با بهترین پاداش وابسته‌اند و آن وابستگی به آیین راستی است. (جعفری)

آن یاور کوشایی که برای خدمت به مردم برگزیده شده باید فرمان‌های مزدا را نیک به خاطر بسپارد و بداند که پیرو راستی نباید با دروغ‌پرستان آمیزش کند. تو هم ای جاماسب بدان که هر کس به گروه راستان پیوست در روز بازپسین (در پایان) از بهترین پاداش برخوردار خواهد شد. (شهزادی)

ای جاماسب دانا، باشد که پیش‌برنده‌ای که برای رهایی مردم، آفریده شده است، به این آموزش گوش فرا دارد که راست گفتار، هرگز اندیشۀ پیوستگی با دُروند را ندارد، و کسانی که دارای یابش روشن‌اند، از بهترین پاداش‌ها برخوردار می‌گردند، و سرانجام به راستی می‌پیوندند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۹ ، بند ۱۰

تَت چا مَزدا توَهمی آدانم نیپاوِنگهِ

مَنُو وُهو اورنَس چا اَشائونانم

نِمَس چا یا آرمَ ایتیش ایژاچا

مانترا خشترا وَزدَنگها اَوِمیرا

ای مَزدا روان درستکاران نیک‌اندیش را در سرای خود پاسداری کن. پارسایی و توان گرانمایه آنرا با نیروی بزرگ خود پیوسته پایدار بدار. (ساسانفر)

ای مزدا، من در پرتو اندیشه نیک، تن و جان و روان راستکاران را به تو می‌سپارم، تا نگه دار آنها باشی. و می‌ستایم، آرامش افزاینده، و می‌ستایم تو را که توانای بزرگ و نیروی پایدار و جاودانی هستی. (پردیس)

ای مزدا با درود به آرمئیتی، مظهر ایمان و فروتنی و خواست‌های درون، این گوهرهای گرانبها، یعنی روان نیک اندیشان و درست کرداران را برای نگهداری بتو می‌سپارم، چونکه توئی شهریار بزرگ و نیروی پایدار و جاودانی. (آذرگشسب)

و این (احساس) را به علاقه در مکان تو (به دلم خواهم داشت) ای مزدا (که دوست دارم) وهومن را و روان نیکان را و نماز آنها را (که) به ارمایتی هست و ذوق اندرونی که به یاری (نوع بشر) پر از نیروی ایزدی با خنده‌روئی می‌رسد. (شوشتری)

ای مزدا! ای شهریار بزرگ! «منش نیک» و روانِ اَشَونان و نیایش «آرمیتی» و شورِ دل، همه را به سرای تو می‌آورم تا تو به نیروی پایدار (خویش، آنها را] جاودانه نگاهدار باشی. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و این را، ای مزدا، در بارگاه تو نگهداری کنم: منش نیک و روانِ پیرو راستی و نماز (و) آن پارسائی و کوشش را، تا تو، ای توانای بزرگ با نیروی پایدار بر آن پاسبانی کنی. (پورداود)

ای خدای دانا، من در خانهٔ تو منش نیک و روان‌های راستکاران را، و نماز و نیازی را که از آرامش برمی‌خیزد، نگاه می‌دارم تا شهریاری بزرگ پایدار بگردد. (جعفری)

ـ ای مزدا ـ من تن و جان و روان پیروان با ایمان راه راستی و پاک منشی و گروندگان به این آیین مقدس را در پناه و حمایت تو می‌سپارم، زیرا تویی توانای بزرگ و نیرومند و زوال ناپذیر. (شهزادی)

ای مزدا، من اندیشهٔ نیک و روان راستان را، در بارگاه تو، به تو می‌سپارم، تا نگاه‌دار آنها باشی. و می‌ستایم، پارسایی و خواست‌های دل را و می‌ستایم ترا، که شهریار بزرگ و پایدار و جاودانه هستی. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۹ ، بند ۱۱

اَت دوشِ خشَترِنگ دوش شیی اُتَنِنگ دوژوَچَنگهُو

دوژ دَ اِنِنگ مَنَنگهُو درِگوَتُو

اَکاییش خوَرِتاییش پَ ایتی اوروانُو پَئی تی ای ینتی

دروجُو دِمانِ هَئی تیا اَنگهن اَستَ یُو

روان پلید دُروندان، آن‌ها را، با قانون، کردار و گفتار بدشان با باور دینی و اندیشه نادرستشان به آلودگی و بدخوراکی دچار می‌کند. آن‌ها همنشینان راستین خانه دروغ خواهند بود. (ساسانفر)

و این را نیز میدانم، که روان فرمانروایان ستمگر، و بدکرداران سیه دل و بداندیش، در سرای دروغ جای خواهد گرفت. براستی اینان، سرنشینان سرای دروغ خواهند بود. (پردیس)

روان شهریاران ستمگر و بدکرداران و زشت‌گفتاران و سیه‌دلان و کج‌اندیشان و هواخواهان دروغ بدوزخ یا سرای دروغ باز خواهند گردید، زیرا ضمیر روشن آنها رو به تیرگی نهاده است و از روشنائی و حق دور گشته‌اند. (آذرگشسب)

اما میان بد فرمانروایان و بدکاران و بدسخنان و بددینان و بد اندیشه کنندگان و پیروان دروغ بسبب کم بینشی روان‌ها باز می‌گردند و یقیناً در جای ناراست می‌مانند. (شوشتری)

اینک روان شهریارانِ بد ـ آنان که دُروند و بدمنش و بد «دین» و بد گفتار و بد کردارند ـ از روشنایی به تیرگی باز می‌گردد. براستی آنان باشندگانِ «کُنامِ دروج»اند. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ایدون، کسانی را که (در فرمان) شهریاران بد هستند، که بد کردار، بد گفتار ، بد دین، بد منش‌اند، آن پیروان دروغ را روانها با خورش زشت پذیره شوند، آنان در خان و مان دروغ از یاران آشکار هستند. (پورداود)

روان‌های دروغ‌کاران بدفرمان، بدکردار، بدگفتار، بد وجدان و بداندیش از روی تیره درونی خود برخواهند گشت. همانا که مقیمان خانه دروغ می‌باشند. (جعفری)

ولی روان زشت‌کاران و بدگفتاران و همهٔ پیروان دروغ از خوی بد خویش پیوسته در شکنجه‌اند و در پایان به سرای دروغ جایی که منزل اصلی آنان است، راه خواهند یافت. (شهزادی)

روان شهریاران ستمگر، و بدکردار و بدگفتار و بدنهاد و بداندیشِ دُروند، از روشنایی به تیرگی باز می‌گردد. براستی اینان، ماندگاران سرای دروغ‌اند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۴۹ ، بند ۱۲

کت تویی اَشا زبَه یَنتِه اَوَنگهُو

زرَتوشترایی کت تویی وُهو مَنَنگها

ی وِ ستَ اُتاییش مَزدا فرینایی اهورا

اَوَت یاسانس هیت وِ ایشتا وَهیشتِم

چه کمکی با اشا به من می‌رسانی هرگاه تو را فرا خوانم چگونه در پرتو وُهومن به زرتشت کمک می‌کنی که با ستایش‌هایش ای اهورا مَزدا برای شما از خود می‌گذرد او آنچه را که بهترین است و در توان شماست خواستار است. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، ستایش کنندگان تو که خود را با راستی هماهنگ کرده‌اند از چه پاداشی برخوردار خواهند گردید؟ آیا زرتشت هم که در پرتو اندیشه نیک با سروده های خود تو را می‌ستاید از آن بهرهمند خواهد شد؟ (پردیس)

پروردگارا، آیا پرستندگان تو در پرتو اَشا از کُدام یاری برخوردار خواهند شد؟ آیا زرتشت نیز در پرتو وهومن از کمکهای تو بهره‌مند خواهند گردید؟ ای هستی‌بخش دانا، با سرودهای شایسته ترا ستایش کرده آرزو دارم آنچه را که در نزد تو گرامی‌ترین است بمن ارزانی داری. (آذرگشسب)

چه یاری (خواهد رسید) به خواننده تو توسط اشا ـ و چه یاری از وهومن تو. به سرود ستایش ترا خوشنود خواهم کرد «گرامی خواهم داشت» و خواستار خواهم شد آنچه را مزدا اهورا بهترین خواست تو هست. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! کدام است آن یاوری تو که در پرتو «اشه» و «منش نیک» به من که «زرتشت»ام و ترا به یاری همی خوانم، خواهی رساند؟ من براستی ترا می‌ستایم و آفرین می‌خوانم و بهترین دهش ترا خواهانم. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کدام است، ای اردیبهشت یاوری تو، کدام است، ای بهمن (یاوری) تو، از برای من زرتشت که بیاری همی‌خوانم؟ منی که با ستایش‌ها بشما آفرین همی‌خوانم، ای مزدا اهورا، این را خواهشمندم، چیزی که در بخشایش شما بهتر است. (پورداود)

برای منکه زرتشت هستم و از راه راستی و منش نیک یاری می‌طلبم و ترا، ای خدای دانا، دوست‌وار می‌ستایم و آنرا می‌خواهم که در نظر تو بهترین است، چه داری؟ (جعفری)

ـ ای مزدا اهورا ـ من که زرتشت هستم تو را با سرودهای ستایش خود آفرین می‌گویم و از تو درخواست می‌کنم ما را از بخشش بهترین راستی و خرد مقدس بهره‌مند سازی، زیرا این نعمت‌ها از بزرگترین بخشش‌های توست. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، در پرتو راستی و اندیشهٔ نیک، به زرتشت، که ستایش‌گر توست چه یاری می‌رسانی؟ من بدرستی و با سرودهای ستایشم ترا می‌ستایم، و آن را که نزد تو بهترین است می‌خواهم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات پنجاهم

هات ۵۰ ، بند ۱

کت مُویی اوروا ایسِه چهیا اَونگهُو
که موِیی پَسِئوش که مِنا تراتا ویستُو
اَنیو اَشات توَت‌چا مَزدا اهورا
اَزدا زوتا وَهیشتا اَت چا مَنَنگهُو

چگونه می‌توانم (روانم می‌تواند) آنکس که برای کمک می‌آید شناسایی کنم (به آن پشت گرم باشم) برای پشتیبانی من و گروه پیروانم چه کسی یافت می‌شود. ای اهورا مَزدا بی‌گمان زمانی که درخواست یاری کنم کس دیگری جز تو، اشا و وُهومن نخواهد بود. (ساسانفر)

ای مزدااهورا، روانم را چه کسی یاری خواهد داد؟ و چه کسی، جز راستی و اندیشه نیک دشواری های زندگی را برای من و یارانم را خواهد گشود؟ (پردیس)

آیا روانم پس از مرگ از یاوری چه کسی برخوردار خواهد شد؟ آیا هنگام گرفتاری چه کسی از من و یاران و پیروانم نگهداری خواهد کرد، ای هستی‌بخش دانا، جز اَشا، مظهر راستی و پاکی و وُهومن، مظهر منش پاک و روشندلی هیچکس دیگر گره‌ای از گرفتاریم نخواهد گشود، البته اگر با نیت پاک به کمک خواسته شوند. (آذرگشسب)

آیا روان من بر یکی نفودی دارد که به یاری بخواهد و از مردم که (رمه) مرا یاری خواهد کرد و نیز می‌خواهم بدانم که یاور من خواهد شد. جز اشای شما ای اهورا مزدا و وهومن (بهترین منش) هر گاه از صدق دل خوانده شود. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا اهوره! هنگامی که براستی ترا به یاری می‌خوانم، جز «اشه» و «منش نیک» چه کسی روان مرا یاری خواهد کرد؟ کیست که پناه‌بخش و نگاهدار من و یاران و پیروانم خواهد بود؟ (دوستخواه)

آیا روان من از یاوری کسی برخوردار تواند بود؟ کیست که چارپایانم را، کیست آنکه مرا نگاهدار است، آنکه بدرستی شناخته شده، آنگاه که من بیاری همی‌خوانم، جُز از راستی و تو، ای مزدا اهورا و بهتر منش. (پورداود)

ای خدای دانا، هر گاه که نیاز به یاری می‌افتد روان من، جز راستی و منش نیک تو از چه یاری می‌طلبد و چه کسی نگهبان من و یاران و دارایی‌مان می‌باشد؟ (جعفری)

ای اهورا مزدا ـ در هنگام سختی و بدبختی تنها پرتو مهر تو هست که می‌تواند به روان ما آرامش و آسایش بخشد ـ آیا جز راستی و پاک منشی، که پرتوی از هستی توست، چه چیز دیگری به یاری و کمک من و پیروانم خواهد شتافت؟ (شهزادی)

ای مزدا اهورا، هنگامی که براستی ترا فرا می‌خوانم، جز راستی و اندیشهٔ نیک تو، روان مرا چه کسی یاری خواهد داد؟ و چه کسی، نگاهدار من و یاران من خواهد بود؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۰ ، بند ۲

کتا مَزدا رانیوُ سکرِای تیم گانم ایشَ سُوئیت

ی هیم اَهمایی واستَر وَ ای تیم ستویی اوسیات

اِرِژِجیش اَشا پُئوروشو هوَرِ پیش یَسو

آکاس تِنگ ما نی شانس یا داتِم داهوا

چگونه ای مَزدا کسی می‌تواند برای جهانیان زندگی با خوشبختی بخواهد آنکس باید برای او (جهانیان) محیط و پیرامونی با آزادی و آسودگی آرزو کند آنکس که به اشا پیوسته و زندگی پاکی دارد در میان بسیار کسانی زیست می‌کند که راه خورشید و روشنایی را می‌بندند (و خوشبختی را ناپدید می‌کنند). می‌خواهم در برابر آن‌ها بایستم (بر آن‌ها بستیزم). مرا چون مردی درستکار بپذیر و برگزین. (ساسانفر)

ای مزدا، کسی که همیشه در اندیشه سود خویش است، چگونه میتواند به جهان خرمی و شادمانی بخشد و آنرا آباد گرداند؟ و چگونه کسانی که هماهنگ با راستی زندگی میکنند، در منزلگه خردگرایان که از فروغ تابناک تو روشن است به سر خواهند برد؟ (پردیس)

ای مزدا کسی که همیشه به اندیشهٔ ایمنی و سود خویش است چگونه بجان خرمی‌بخش مِهر خواهد ورزید؟ پارسایانی که برابر هنجار هستی و راستی و پاکی زندگی می‌کنند در مکانی که از پرتو خورشید تو درخشان و منزلگه دانایانست بسر خواهند برد. (آذرگشسب)

ای مزدا! چگونه یکی مادر گیتی شادی آورنده را بجوید او که آرزومند است که «گیتی» را برای خود (جای) پر امن یابد در زمینی که از تابش خورشید روشن است (و روان) مردم اشائی و راستی (هستند) تو آنانرا میان دانشمندان جا خواهی داد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا؛ آن کس که جهان را خرمی‌بخش آرزو می‌کند و آن را همواره آبادان می‌خواهد، چگونه در پرتو «اشه» و فروغ تابناک [تو] و در میان پارسایان زندگی خواهد کرد؟ بدرستی تو او را آشکارا در سرای فرزانگان جای خواهی داد. (دوستخواه)

چگونه، ای مزدا، کسی که چارپای خرمی‌بخش خواستار است، کسی که آرزو دارد که با آن با کشتزار از آن او شود، آن کسی که از روی دین راستین، درست زندگی کننده، در میان بسیاری که بخورشید نگرند؟ تو آنان را در روز شمار در سرای هوشیاران جای دهی. (پورداود)

مزدا، چگونه کسی جهان شادی‌بخش را بجوید و برای آن آبادانی و جاودانی بخواهد تا در پرتو راستی و در آفتاب درخشان با مردمان راست‌کار زندگانی بسر کند؟ آنان را برای من با مهر و دادگری برانگیز. (جعفری)

کسانی که در این جهان بخواهند زندگانی را با خوشی و آرامش به سر برند، چگونه باید رفتار کنند! بی‌گمان چنین کسانی باید در پرتو درخشان خورشید راستی و در برابر آیین پاکت زندگی کنند. چنین کسانی چه در این جهان و چه پس از آن نیز به خوشی و جاودانی خواهند رسید. (شهزادی)

ای مزدا، کسی که برای جهان خرمی و شادمانی می‌جوید، و آن را پیوسته آبادان می‌خواهد، چگونه در پرتو راستی و فروغ تابناک به سر خواهد برد؟ و در میان راستان و در سرای دانایان جای خواهد گرفت؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۰ ، بند ۳

اَت چیت اهمایی مَزدا اشا اَنگهَئیتی
یانم هویی خشتَرا وُهوچا چوایشت مَنَنگها
ی نا اَشوئیش اَ اُجَنگها وَرِدَی اِتا
یانم نَزدیش تانم گَئِتانم درِگوا بَخشَ ایتی

ای مزدا، جهان از آن کس خواهد بود که با اشا و خشترا و اندیشه نیک درباره او پیمان بندد که با پشتکار برای آبادانی و گسترش آن بکوشد. پاداش او آنست که آنچه دُروَند در کنار خود دارد و رها می‌کند از آن او خواهد شد. (ساسانفر)

ای مزدا، راستی به کسی روی خواهد کرد، که در زندگی اندیشه نیک و نیروی خودچیرگی راهنمای او باشند. در پرتواین نیروهاست، که او جهان ستم دیده را باز ساخته و آباد خواهد گرداند. (پردیس)

ای مزدا کسی که نیروی معنوی خشترا و وُهومَن راهنمای او در زندگی است به اَشا، سرچشمهٔ حقیقت خواهد رسید و همچنین کسیکه در پرتو بخشایش ایزدی به پیشرفت و آبادانی این جهان دوست داشتنی که دروغ و ریا آنرا فرا گرفته است کمک کُند از یاری اَشا برخوردار خواهد شد. (آذرگشسب)

ای مزدا! او (ارمایتی) خواهد آمد (سوی او) با اشا و با خشتر و وهومن چنانکه تو پیمان کرده‌ای (با او) یقیناً به نیروی اشوئیش پیش خواهد برد نزدیکترین (خویشان) را بدان گیتی که دروغ گویان بر آن تسلط دارند. (شوشتری)

ای مزدا! پس بدرستی «اشه» به کسی روی خواهد آورد که «شهریارِ مینُوی» و «منش نیک»، رهنمون او باشد؛ کسی که به نیروی [این] دهش‌ها، جهان پیرامون خویش را ـ که دُروَندان فراگرفته‌اند ـ آبادان کند. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و از برای او خواهد بود، ای مزدا، بدستیاری اردیبهشت آنچه را که او (مزدا) بمیانجی شهریور و بهمن پیمان داد، آن مردی که از نیروی اَشی ببالاند هستی را که همسایهٔ دروغ‌پرست بهره‌ور است. (پورداود)

همچنین، ای مزدا، این جهان به دستیاری راستی از آن کسی خواهد شد که به او وعدهٔ شهریاری و منش نیک داده شده او با کمک این بخشایش‌ها، پیرامون نزدیک خود را که دروغ‌کار تباه کرده، باز ساخته، آباد می‌گرداند. (جعفری)

ای مزدا می‌دانم که تو نیک منشی و از خود گذشتگی و راستی را بهرهٔ کسانی می‌کنی که با کوشش تمام مردمان پیرامون خود را که هنوز پیرو دروغ‌اند به دین راستی در آورند. (شهزادی)

ای مزدا، پس بدرستی راستی به کسی روی خواهد کرد که، توانایی مینویی و اندیشهٔ نیک راهنمای او باشد، و در پرتو این بخشش‌ها، پیرامون خود را که دُروند فرا گرفته است، آباد گرداند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۰ ، بند ۴

اَت واو یزایی ستَوَس مَزدا اهورا

هَدا اَشا وهیشتاچا مَنَنگها

خشتَراچا یا ایشو ستاونگهَت آپَ ئیتی

آکاو اَرِدرِنگ دِمانِ گَروُ سِرَ اُشانِ

ای اهورامَزدا می‌خواهم شما را نیایش کنم و بستایم. اشا و بهترین اندیشه را نیایش کنم و نیز خشترا را که بتوان با آن در راه نیرومندی پای نهاد می‌خواهم با دیگر باورمندان در خانه سرود فرمانبر شما باشم. (ساسانفر)

ای مزدااهورا، می‌ستایم تو را، و می‌ستایم راستی و اندیشه نیک را و نیروی خودچیرگی را ،و در پی آنم که رهرو راه تو باشم، تا در سرای سرود، به سخنان دوستداران تو گوش فرا دهم. (پردیس)

ای هستی‌بخش یکتا، باسرودهای ستایش تو و همچنین اَشا، وُهومن و حشَترا را می‌پرستم و خواستارم که در فرازین راه آسمانی حقیقت گام نهاده و به آوای حق که از دوستداران تو در گروتمان برخواهد خاست گوش فرا دهم. (آذرگشسب)

ای مزدا اهورا ترا می‌ستایم و می‌پرستم با اشا و با مهربانترین وهومن و خشتر تا که جوینده (تو) بر راه راست به ایستد و به آنچه به ارادتمند تو از (بهشت) گرودمان پدید شده گوش دهد. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! اینک ترا و «اشه» و «بهترین منش» و «شهریاریِ مینُوی» را می‌ستایم و نیایش می‌گذارم. من خواهانم که رهروِ راهِ [راست] باشم [و] در «گَرزُمان» به گفتار رادمردان [تو] گوش فرا دهم. (دوستخواه)

ایدون شما را ستایش‌کنان پرستش همی‌کنم، ای مزدا اهورا همچنان راستی و بهتر منش و شهریاری (مینوی) را، تا اینکه نمایندهٔ (کردارها) که

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آرزو شدهٔ رادمردان است فرمانبران را در راه بسوی گَرُزمان (بهشت) همی‌ایستد. (پورداود)

ای خدای دانا، من ترا با راستی و بهترین منش و شهریاری خواهم ستود و پرستید تا این خواستار تو بر راه توانایی گام بزند و مهر و محبت را برای رادمردان خود در خانه سرود ببیند. (جعفری)

ای مزدا اهورا ـ تو را می‌ستاییم و آرزومندیم به یاری بهترین راستی و نیک‌اندیشی و نیروی معنوی همهٔ ما پویندگان راهت بتوانیم پیوسته گوش به فرمان تو داشته باشیم و با استواری تمام پایداری کنیم و به آن چه تو در بهشت گروتمان به ما نوید داده‌ای برسیم. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، اینک ترا و راستی را و بهترین اندیشه‌ها، و توانایی مینویی را می‌ستایم، و می‌خواهم که در راه راست باشم، و در سرای سرود، به سخنان دلباختگان تو، گوش فرا دارم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۰ ، بند ۵

آرُیی زی خشما مَزدا اَشا اهورا

هیت یوشماکایی مانترانِ و اُرازَتا

اییبی دِرِشتا آوی شیا اَوَنگها

زستا ایشتا یا ناو خواتِر دایات

باشد که شیوه خردمندی همراه اشا در سراسر زمین فراگیر شود چنانکه از سراینده سرودها (زرتشت) شادمان هستی با دست‌های خود کمکی چشمگیر آشکار کن که ما را آسایش بخشد. (ساسانفر)

ای مزدااهورا، و تو ای راستی، به سوی سراینده گاتها روی آورید، و به او مهر ورزید، تا او، با یاری و پشتیبانی شما بتواند مردمان را به سوی روشنائی راهنمائی کند. (پردیس)

ای هستی‌بخش دانا و ای جلوه گاه راستی و پاکی، با مهر و محبت بسوی سرایندهٔ سرودهای آسمانی یا پیمبر خویش روی آرید و یاری و پشتیبانی خود را از او دریغ ندارید تا بتواند ما را بروشنائی ابدی و خوشبختی جاودانی رهنمون گردد. (آذرگشسب)

از جهان بلند بنابر (آئین) اشا شما ای مزدا اهورا! هرگاه شادی می‌آورید برای خواننده ماترای شما ـ یاری (شما) آشکار و درست دیده می‌شود به ـ اشاره‌های نزدیک (که پاسخ هستند) از شما و ما را سوی (مکان) روشنائی رهنما می‌شوند. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! ای اشه! شما که به پیامبرتان مهربانید، از فراسوی [بدو روی آورید و] او را با یاوری هر چه نمایان‌تر[تان] پشتیبان باشید تا بتواند مردمان را در چشم بر هم زدنی، به سوی روشنایی رهنمون شود. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آری از شما برخوردار شوم، ای مزدا اهورا و ای اردیبهشت، چه شما به پیغمبرتان مهربانید، با یاری پدیدار (و) آشکار که به یک جنبش دست بما فردوس ارزانی دارد. (پورداود)

ای خدای دانا، من با تو در راه راستی همگامم چون از این اندیش‌انگیز خود که دیگران را بیدار می‌کند خوشنود هستی، او را آشکارا یاری می‌نمایی و بی‌درنگ به همهٔ ما آسایش می‌بخشی. (جعفری)

از آن فرازین گاه ای مزدا اهورا یاری و پشتیبانیت را برابر قانون اَشا به کسانی بخش که پیوسته گوش به فرمان تو دارند و پیام مقدست را به جهانیان می‌رسانند، چه تنها کمک و یاری توست که می‌تواند ما را کامیاب گرداند. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، و ای راستی، به سرایندهٔ سرودِ اندیشه‌انگیز خود، مهر آورید، و بدو روی کنید، و او را یار و پشتیبان باشید. تا او بتواند راهنمای مردمان، به سوی روشنایی باشد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۰ ، بند۶

ی مانترا واچِم مَزدا بَرَئیتی

اوروَتُو اَشا نِمنگها زَرَتوشترو

داتا خرَتِئوش هیزوُ رَایتیم ستویی

مَهیا رازِنگ وُهو ساهیت مَنَنگها

ای مزدا، سراینده (گاتاها)، زرتشت که با اشا یار و همکار است با بزرگداشت او (اشا) آواز سر می‌دهد. «باشد که آفریننده خرد زبانم را که ارابه‌ران (و ابزار کار) من است برای راهنمایی مردم آموزش دهد.» (ساسانفر)

ای مزدا، من،زرتشت، دوستدار راستی، با آوای بلند، با گاتهای اندیشه برانگیز تو را می‌ستایم، باشد که همیشه سخنانم را با خرد بیارائی، و در پرتو اندیشه نیک، آئین خود را به من نمایان کنی. (پردیس)

ای هستی‌بخش بزرگ، زرتشت دوستدار اَشا با آوای بلند ترا ستایش کرده و چنین آرزوئی دارد. پروردگارا، همیشه زبانم را با گُفتار شیرین و اندیشمند همراه ساز و خِرد را راهنمایم کُن. آفریدگارا در پرتو منش پاک مرا از دستورهای اخلاقی برخوردار ساز و الهام بخش. (آذرگشسب)

یقیناً من خواننده ماترای (ستایش) تو ای مزدا! آوازم را به نماز بر می‌آورم و من زرتشت با اشا دوست شده (امیدوار است) که دهنده خرد همواره به آنچه از زبان من برمی‌آید (رهنما گردد) و اصول رهنمائی (دین) را بوسیله وهومن (به من) بیاموزد. (شوشتری)

ای مزدا! براستی من ـ «زرتشت» پیامبرِ دوستدارِ «اشه» ـ [ترا] به بانگ بلند نماز می‌گزارم: [بشود که] آفریدگار در پرتو «منش نیک»، مرا از فرمان‌ها[یِ خویش] بیاگاهاند تا زبانم هماره [مردمان را] به راهِ خِرد [رهنمون گردد]. (دوستخواه)

PDF.tarikhema.org

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پیغمبر نمازگزار آواز برداشته، ای مزدا، آن دوست راستی زرتشت بکند دادارِ خِرد به میانجی منش نیک، آیین خویش بیاموزاند تا اینکه زبانم را راه (راست) بود. (پورداود)

مزدا، زرتشت دوست کسی است که با راستی و فروتنی پیامش را به دیگران می‌رساند بشود که آفریدگار خرد زبانش را در راه راست بگمارد تا با منش نیک، رهنمودهای مرا بیاموزاند. (جعفری)

ای مزدا- من که زرتشت و دوستدار تو هستم آواز خود را با گفتار مقدس مانتره بلند می‌کنم. آرزومندم، پیوسته زبانم را با گفتار راستین بیارایی و با خرد پاکت مرا از نکته‌های باریک وظیفه‌های دینی‌ام آگاه سازی. (شهزادی)

ای مزدا، من، زرتشتِ دوستدار راستی، با آوای بلند ترا می‌ستایم، باشد که پیوسته زبانم را به راه خرد گویا باشی، و در پرتو اندیشهٔ نیک، آیین خود را به من بنمایانی و بیاموزانی. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۰ ، بند ۷

اَت وِ یئُوجا زِویشت ینگ اَئوروَتُو

جَیاییش پِرِتوش وَهمَهیا یوشماکهیا

مَزدا اشا اوگرِنگ وهو مَنَنگها

یاییش اَزاتا مَهمایی خیاتا اَوَنگ هِه

می‌خواهم شتابان‌ترین تکاوران را برای شما آماده کنم که سرزمین‌های پهناور را به پیروزی برای ستایش شما در نَوَردند. ای مَزدا که با آن‌ها و نیرومندی اَشا و وُهومن به پیش میروی، برای من کمک و پشتیبان باش. (ساسانفر)

ای مزدا، من، با گاتهای اندیشه زای تو را با بهترین سخنان می‌ستایم و راه تو را می‌پویم، تا در پرتو راستی و اندیشه نیک، مرا رهنما شده و به پیروزی رسانی. (پردیس)

ای پاسدار آزادی و ستایش سزا، ای هستی‌بخش دانا، با نماز و نیایش بدرگاه تو راه خواهم یافت، و در پرتو راستی و منشِ پاک بتو خواهم پیوست. پروردگارا مرا رهبری فرما و در کارها یاور و پشتیبانم باش. (آذرگشسب)

و یقیناً جفت خواهم کرد شما (ای) حافظ آزادی و سزاوارترین که خوانده شوید و به ستایش شما ای مزدای توانا و اشا و وهومن تا که پیشوای ما شده یاوران ما گردید. (شوشتری)

ای مزدا! اینک برای دست‌یابی به پیروزی، ترا با برانگیزنده‌ترین نیایش‌ها می‌ستایم و به تو می‌پیوندم. [بشود که] در پرتو «اشه» و «منش نیک»، رهنمون و یاور من باشی. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ایدون از برای شما با انگیزش نیایش‌تان، چُست‌تر تکاوران پهنانورد و چیر بر انگیزم، ای مزدا، ای اردیبهشت، ای بهمن، با آنها فراز آیید، بکنند که از برای یاری من باشید. (پورداود)

ای خدای دانا، من بهترین نیایش‌ها را در راه‌های پیروزی به سوی تو می‌فرستم پیروزی‌هایی که از راستی و منش نیک نیرو می‌یابند. تا در پاسخ تو به یاری من بشتابی. (جعفری)

از شما ای فروزگان مزدای توانا و ای پاسداران آزادی ـ ای اشا و ای وهومن که سزاوار بهترین نیایشید، با سرودهای خود خواهانم که به سوی من بشتابید و مرا در انجام رسالت خود به درستی یاری فرمایید. (شهزادی)

ای مزدا، من، با برانگیزترین سرودها، و برای دستیابی به پیروزی، ترا می‌ستایم و به تو می‌پیوندم. تا در پرتو راستی و اندیشهٔ نیک، ما را راه بنمایی و یاور ما باشی. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۰ ، بند ۸

مَت واو پَدائیش یا فرَس روتا ایژیاو
پَئیری جَسایی مَزدا اوستانَ زستُو
اَت واو اشا اَرِدرَه خیاچا نِمنگها
اَت واو وَنگهِئوش مَنَنگهُو هونرِتاتا

ای مَزدا با گامهای استواری که به توانمندی نام آورند و با دستهای برافراشته می‌خواهم به شما نزدیک شوم شما را و اشا را و آنکس که باورمند است ستایش می‌کنم. شما را که با کاردانی و ورزندگی همبسته وُهومن هستید. (ساسانفر)

ای مزدا، من، با گاتهای اندیشه برانگیز و با دستهای برافراشته به تو روی می‌آورم و همچون آزاده ای، در پرتو راستی به تو نیایش میکنم تا همگام با اندیشه نیک به تو نزدیک شوم. (پردیس)

ای هستی‌بخش دانا، با سرائیدن سرودهای موزون «گاتاها» که از شور و شوق دلم برمی‌خیزد و با دست‌های برافراشته بتو روی آورده خواستارم ای مزدا چون دوستداری با وفا و فروتن در پرتو راستی و پاکی و خِرد شگفتی آفرین وُهومن بتو نزدیک گردم. (آذرگشسب)

ای مزدا! باسرائیدن سرود پر ذوق (وجدانی) شایسته شنیدن، هر دو دست را بلند کرده با نماز ارادتمندانه بوسیله اشا و دانش شگفت‌آور وهومن به شما نزدیک می‌شوم. (شوشتری)

ای مزدا! با سرودهای بلند آوازهٔ برخاسته از شورِ دل و با دست‌های برآورده به تو روی می‌آورم و در پرتو «اشه»، همچون پارسایی ترا نماز می‌گزارم و به دستیاریِ هنر «منش نیک» به تو [نزدیک می‌شوم]. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

با سرودهای شناخته شده که از کوشش (من است) بشما روی کنم، ای مزدا، با دست‌های بلند شده، و بشما، ای اردیبهشت، با نماز پارسایان، و بشما با آنچه از هنر منش نیک است. (پورداود)

ای خدای دانا، من با نیایش‌های موزون خوشنوا و با دست‌های افراشته نزد تو می‌آیم و چون آزاده‌یی ترا از راه راستی نماز می‌برم و با هنر منش نیک بتو میرسم. (جعفری)

ای مزدا با دست‌های برافراشته و سرودهای ستایش خود که پر از راز و نیاز به درگاه توست خواستارم، مرا چون دوستی با وفا و فروتن بپذیری، تا بتوانم در پرتو اشا (ایمان) و وهومن (خرد پاک) به تو نزدیک شوم. (شهزادی)

من، باسرودهای وافتهٔ برخاسته از شور دل، و با دست‌های برافراشته، به تو روی می‌آورم. و با راستی و فروتنی یک پارسا، به تو نماز می‌برم، و در پرتوِ هنر اندیشهٔ نیک، به تو نزدیک می‌شوم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۰ ، بند ۹

تاییش واو یسنایی‌ش پَئیتی ستَوَس اَینی
مَزدا اشا وَنگهِئوش شیَه اُتَناییش مَنَنگهُو
یدا اَشُوئیش مَخیاو وَسِ خشَیا
اَت هوداَنئوش ایشَ یانس گِرِزدا خی یم

با چنین ستایش‌ها برای شما، پیوسته به سویتان می‌آیم و نیایش می‌کنم ای مَزدا با یاری اشا و کرداری که از اندیشه نیک سرچشمه می‌گیرد چه هنگام می‌توانم بدلخواه خود به هر پاداشی دست یابم و از نیرویی بهره‌مند شوم، که در پناه مهر آن بزرگوار (مزدا) جای گیرم. (ساسانفر)

ای مزدا، با گاتهای اندیشه زای و در پرتو راستی، با کرداری برخاسته از اندیشه نیک به سوی تو میایم، و تا روزی که از ژرفناترین راز هستی آگاه نگردم، همچنان خواهان دریافت دانش بزرگ تو خواهم بود. (پردیس)

ای خداوندِ خرد و جلوه‌گاه راستی و درستی در پرتو کارهائی که از خرد و نیک منشی سرچشمه گرفته است و با سرودهای مقدس ستایش‌کنان بسوی تو باز خواهم گشت، پروردگارا، با آگاهی از سرنوشت خویش و با شوق بسیار آرزومندم تا از دانش و حکمت الهی برخوردار گردم. (آذرگشسب)

ای مزدا! تو را به این سرودها ستوده بسوی تو باز می‌گردم با (آئین) اشا و کارهای وهومن و هرگاه کاملاً به مرام خود رسیدم آرزومندم که دارنده دانش خوب (عالی) بشوم. (شوشتری)

ای مزدا! ای اشه! با این سرودها و با کردارهایِ «منش نیک»، ستایش‌کنان به سوی شما خواهم آمد. تا بدان هنگام که بتوانم به خواست خویش بر سرنوشت فرمان برانم، خواستار نیک آگاهی خواهم بود. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

با این پرستش ستایش‌کنان بسوی شما آیم، ای مزدا، ای اردیبهشت، با کردارهای منش نیک، آنگاه که بدلخواه بپاداش خود دست یافتم، پس از آن کوشا تا نیک اندیش (نیز) از آن برگیرد. (پورداود)

ای خدای دانا، با این ستایش‌ها و از راه راستی و با کارهای منش نیک به پرستش تو می‌آیم و تا روزی که به مرام آزادگی خود برسم همچنان خواستار دریافت دانش نیک خواهم بود. (جعفری)

اینک با سرودهای ستایش خود که از روی راستی و پاک منشی و نیروی روانی‌ام برخاسته آرزومندم پس از انجام رسالت خود و آشنا کردن مردمان از بهره و سودهای آیین مقدست با سرافرازی تمام به سویت بازگردم. (شهزادی)

ای مزدا، با این سرودهای ستایش، و در راه راستی، و با کارهای برخاسته از اندیشهٔ نیک، به سوی تو می‌آیم، و تا زمانی که به آماج دلخواه خود دست یابم، همچنان خواستار دریافت دانش نیک خواهم بود. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۰ ، بند ۱۰

اَت یا وَرِشا یاچا پَئیری اییش شی یئُوتَنا

یاچا وُهو چَشمانم اَرِجَت مَننگها

رَئُوچا خونِگ اَسنانم اوخشا اَ اِئوروش

خشماکایی اشا وَهمایی مَزدا اهورا

کارهایی که در پرتو وُهومن انجام داده‌ام و کارهایی که در این پیرامون انجام خواهد شد و آن چیزها که در چشم ارزش دیدن دارد: روشنایی خورشید، بامدادان درخشان روزها همه آن‌ها برای شما ای اهورامَزدا و ای اشا نشان شکوهمندی است. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، کارهائی که در گزشته انجام داده‌ام، و در آینده انجام خواهم داد، همه از اندیشه نیک برخاسته و بر خواهند خواست. چه این کارها چون روشنائی خورشید، و سپیده بامدادی، همگی در راه راستی و گرامی داشت آئین تو بوده و خواهند بود. (پردیس)

پروردگارا بشود کارهائی که در گذشته انجام شده و آنچه در آینده از روی خرد و اندیشهٔ پاک انجام خواهد داد از دیدگاه تو شایسته بوده و مورد پسند درگاهت باشد، ای خداوند جان و خِرد، تابش خورشید و روشنائی سپیده دم بامداد برابر هنجار هستی نمایانگر فرو شُکوه توست. (آذرگشسب)

آنچه در گذشته ورزیده‌ام و آنچه در آینده خواهم ورزید (و به الهام وهومن می‌باشند (امیدوارم) به چشم شما ارزش دارند در بر آمدن روز و اشعه لطیف خورشید (آئین) اشا ای مزدا اهورا همه به (فر) و ستایش شما هستند. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! آن کردارهایی که از این پیش [ورزیده‌ام] و آنها که از این پس در پرتو «منش نیک» خواهم ورزید، به چشم [تو] ارجمند است.

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فروغ خورشید [و] سپیدهٔ بامدادی [نمودِ] «اشه» و برای نیایش تست. (دوستخواه)

و آن کردارهائی ک من خواهم ورزید، و آن (کردارهای) پیش، و آنچه، ای منش نیک، بچشم ارزش دارد (چون) روشنائی خورشید (و) سپیدهٔ بامداد روز (همه) از برای نیایش شماست، ای راستی، ای مزدا اهورا. (پورداود)

آنچه ورزیده‌ام و آنچه خواهم ورزید و آنچه چون روشنایی خورشید و سپیده‌دم در روزها از دیدگاه منش نیک می‌ارزد، همه، ای خدای دانا، در راه راستی برای گرامی داشت تو می‌باشند. (جعفری)

پروردگارا همه کارهایی که در گذشته و حال انجام داده و می‌دهم از روی پاک منشی و راستی است و سرودهای ستایشم از دیدن آفرینش‌های نغز و زیبای تو چون خورشید تابان و سپیده‌دمِ روشن الهام می‌گیرد و می‌دانم که همهٔ آفرینش‌ها ستایش‌گر تواند ای مزدا. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، کارهایی که در گذشته انجام داده‌ام، و کارهایی که در آینده انجام خواهم داد، و آنچه از اندیشهٔ نیک، چونان روشنایی خورشید، و سپیدهٔ بامدادی، به دیدهٔ تو گرامی است، همگی در راه راستی و برای نیایش و گرامی داشت تو بوده و خواهد بود. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۰ ، بند ۱۱

اَت وِ ستَئُوتا اَئُوجایی مَزدا اَنگهاچا

یوَت اَشا تَواچا ایساییچا

داتا اَنگهِئوش اَرِدَت وُهو مَنَنگها

هَئی تیا وَ رِشتانم هیت وَسنا فِرَش ُتمِم

ای مَزدا نیایش‌کننده شما هستم و آنرا آگهی می‌کنم (بگوش همگان میرسانم) ای اشا تا آنجا که نیرو داشته باشم و بتوانم چنین خواهد بود آفریننده هستی با نیک‌اندیشی آنرا (هستی را) درمان می‌بخشد که انجام آن درخشان‌ترین آرزوی من است. (ساسانفر)

ای مزدا، تا زمانی که مرا تاب و توان است، در پرتو راستی، تو را خواهم ستود. باشد که تو ای هستی آفرین، در پرتو اندیشه نیک بالاترین آرزوی رهروانت را که نو کردن و تازه نمودن جهان است، برآورده سازی. (پردیس)

ای مزدا، خداوند خرد، من ستایش‌گر تو بوده و تا زمانی که مرا تاب و توان است براه راستی خواهم رفت و ستایش‌گر تو خواهم ماند. بشود که آفرینندهٔ جهان در پرتو منش پاک بهترین آرزو و خواست درست‌کرداران را که پیشرفت و آبادانی جهان است برآورده سازد. (آذرگشسب)

ای مزدا! خودم را ستایش کننده شما می‌دانم و آشکار می‌کنم و (چنین خواهد بود) تا زمانیکه از اشا نیرو دارم و دارای اراده هستم آئین این زندگی نو که از وهومن پدید گشته تکمیل آن بنابر اراده اهوراست. (شوشتری)

ای مزدا! خود را ستایندهٔ تو می‌دانم و تا بدان هنگام که در پرتو «اشه» توش و توان دارم، ستایش‌گر شما خواهم بود. (بشود که] آفریدگار جهان در پرتو «منش نیک»، بهترین خواستِ درست کرداران ـ ساختن جهان نو ـ را برآورد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و ستایش‌گر شما، ای مزدا، خواهم خوانده شوم و (چنین) باشم تا چند که تُوش و توان دارم، ای راستی دادار جهان از منش نیک (چنان) سازد که او درست بجای آورد آنچه را که بخواست وی سازگارتر است. (پورداود)

تا از راه راستی تاب و توانایی دارم من، ای خدای دانا، خود را ستایندهٔ تو می‌دانم و همچنان ستایندهٔ تو خواهم بود. و کارهای خود را بر آیین زندگانی و از راه منش نیک انجام خواهم داد. و این کارهای راستین است که این جهان را، ای خدا، طبق خواهش تو، تازه به تازه می‌گرداند. (جعفری)

ای مزدا تا مرا تاب و توانست می‌خواهم ستایش‌گر تو باشم ـ ای فزایندهٔ هستی. آری آدمی تنها از روی راستی (اشا) و پاک منشی (وهومن) می‌تواند کارهایی را که مورد پسند توست انجام دهد. (شهزادی)

ای مزدا، تا آنجا که در پرتو راستی، توش و توان دارم، ترا ستوده‌ام و خواهم ستود. باشد که تو ای آفرینندهٔ جهان، در پرتو اندیشهٔ نیک، نخستین و بهترین خواست درست‌کرداران را، که تازه‌گردانیِ جهان است، برآورده سازی. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وهوخشتر گاتا (۵۱)

هات پنجاه و یکم

هات ۵۱ ، بند ۱

وُهو خشتَرِم وَایریم باگمِ اییبی بَئی ریشتِم

ویدی شِمنایی ایژاچیت اشا اَنتَرِ چَرَئیتی

شی یئُوتَناییس مَزدا وَهیشتِم تَت نِ نوچیت وَرِشانِ

آن نیرویی که شایسته برگزیدن است (خشترا) بهترین بارآور و مایه توانگری است برای آنکس که به یاری اشا آنچه (به دست آمده) در میان گیرد و توان خدمتگزاری یابد ای مَزدا آن بهترین نیرو را برای کارهایمان از هم اکنون بکار می‌برم. (ساسانفر)

نیروی خودچیرگی برخاسته از راستی، ارمغان گرانبهائی است که در دل رهروان راه مزدا، می‌فروزد، و آنها را بسوی بهترین کردار رهنما میشود. ای مزدا، مرا از این نیرو بهرهمند نما. (پردیس)

خشترا، نیروی الهی و بخششی است بسیار ارجمند که چون بارانی ملایم از عرش به زمین می‌بارد، و خواسته‌های درون جان باختگان راه حق را در پرتو اَشا بخدمت‌گذاری مردم برخواهد انگیخت. ای مزدا، بهشت با نیکوکاری بدست آید. پس برای همیشه در انجام کار نیک کوشا خواهم بود. (آذرگشسب)

نیروی ایزدی گران‌بهاست. و بخششی است آسمانی فرو آورده شده ای مزدا ـ او که در کارها ذوق کامل دارد و باطن او اشاست بوسیله عمل (به بلندترین مقام می‌رسد) (و برای) چنین زندگی اکنون و همیشه خواهم کوشید. (یا خواهم ورزید). (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا! «شهریاریِ مینُویِ» نیکِ تو ـ شایان‌ترین بخششِ آرمانی در پرتو «اشه» ـ از آنِ کسی خواهد شد که با شورِ دل، بهترین کردارها را بجای آورد. اکنون و از این پس، تنها به [برآمدن] این [آرزو] خواهم کوشید. (دوستخواه)

کشور نیک برگزیده شده، بهرهٔ شایان‌تر راستی، از برای کسی فراهم گردد، ای مزدا، که با کوشش در کردارهایش بهتری بجای آورد این را اکنون خواهم که از برای‌مان بسازم. (پورداود)

شهریاری نیک باید برگزیده شود زیرا آن گرانبهاترین بهره است. کسی که خود را تنها از راه نیایش باز بشناسد، با بهترین کردار خود، ای دانا با راستی اندر کار است. هم اکنون همین کار را برای همه کسان خود خواهم ورزید. (جعفری)

نیروی نیک خویشتن‌داری نعمت بزرگی است که مزدا به کسی بخشد تا از روی خرد و راستی وظایف خود را به جای آورد. ای مزدا از تو خواستارم که آن را بهرهٔ ما بگردانی. (شهزادی)

توانایی نیک مینویی، بخشش گران‌بهایی است آسمانی، که در پرتو راستی، در دل جانبازانِ راه مزدا می‌فروزد، و آنها را به انجام بهترین کردارها برمی‌انگیزد، و من، اکنون و همیشه و تنها در این راه می‌کوشم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۲

اَت وِ مَزدا پَئُواورویم اهورا اشا یِ‌چا

تَئی بیاچا آرمَئیته دوئیشا مُویی ایشتوییش خشتَرِم

خشماکم وُهو مَنَنگها وَهمایی داییدی سَوَنگهو

ای اهورامَزدا و ای اشا، این نیروها و فروزه‌ها از آغاز برای شما بوده برای توست ای آرمئیتی، می‌خواهم آن‌ها را به اندازه توانم آشکار کنم، ای آرمئیتی به من نیروی نیک‌اندیشی ارزانی دار که توان بزرگداشت شما را داشته باشم. (ساسانفر)

ای اهورامزدا، من کردارهای خود را، نخست به تو، آنگاه به راستی و سپس به آرامش ارمغان میکنم. و تو، فرمان دلخواه خود را به من بگو، و نیایش کننده ات را به پیروزی رسان. (پردیس)

نخست کردارهای نیک خود را بتو ای خداوند جان و خِرد و اَشا، جلوه‌گاه راستی و پاکی نیاز می‌کنم. و سپس به تو ای آرمینی، جلوه‌گاه ایمان و عشق پاک، پروردگارا، مرا از نیروی معنوی خود اگاه فرما و پرستندگانِ با وفایِ خود را در پرتو منش پاک رستگاری بخش. (آذرگشسب)

این اعمال ای مزدا اولاً بشما (تقدیم می‌شوند) (و بعد) به اشا و ای ارمایتی به شما ـ به من نیروی اراده بنمائید و بوسیله وهومن توفیق پرستش به بخشید. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! این کردارها را نخست به تو و «اشه» و «آرمیتی» نیاز می‌کنم. تو [نیز] توانگری و «شهریاریِ مینُویِ» خویش را به من بنمای و نیایشگر خود را در پرتو «منش نیک»، رستگاری بخش. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پس اینچنین، ای مزدا اهورا، نخست بنمای بمن کشور (مینوی) که دارائی شماست و آن اردیبهشت و آن تُست، ای سپندارمذ ببخشای بمیانجی بهمن سود (کشور)تان را بآن کسی که نیایش‌گر است. (پورداود)

این کارها را، ای خدای دانا، نخست بتو، سپس به راستی و پس از آن به آرامش تقدیم می‌کنم. مرا شهریاری دلخواه خود را بنما و از منش نیک خود توانایی پرستش و خدمت بده. (جعفری)

ای مزدا اهورا- پیش از همهٔ آفرینش‌های نیک تو را می‌ستایم و از روی راستی خواستارم که فروتنی و شجاعت معنوی و پاک منشی را که موجب رستگاری است، به کسانی ارزانی داری که تو را به درستی و بدون روی و ریا ستایش می‌کنند. (شهزادی)

ای مزاد اهورا، این کردارها را، نخست به تو و به راستی و به پارسایی نیاز می‌کنم، و تو، شهریاری دلخواه خود را به من بنما، و در پرتو اندیشهٔ نیک، پرستنده‌ات را رستگاری بخش. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۳

آ وِ گِئوش آ هِم ینتو

یویی وِ شیٔیئُوتناییش سارِنتِ

اهورا اَشا هیزوا اوخزاییش وَنگهِئوش مَنَنگهُو

ی اِشانم تو پُواورویو مَزدا فرَدَخشتا اَهی

آن‌ها که با کردارشان به شما پیوسته‌اند، باید با گوش هوش نیز بپیوندند ای اهورامَزدا تو با زبانت که هماهنگ با اشا و گفتارت که از اندیشه نیک سرچشمه می‌گیرد. نخستین و برجسته‌ترین آموزش دهنده آن‌ها هستی. (ساسانفر)

کسانی که با اندیشه و گفتار و کردار نیک به هم پیوسته‌اند، و بسوی تو، ای مزدا برای آموختن می‌آیند، رهروان آئین تو اند. چون تو نخستین و بالاترین آموزگار آنانی. (پردیس)

به سخنان کسانی گوش فرا دهید که با کردار نیک وگفتار راست و منش پاک ای هستی‌بخش یکتا خواستار پیوستن بتو هستند، کسانی که تو خود نخستین آموزگار و الهام‌بخش آنانی ای مزدا. (آذرگشسب)

برای (آبادی) گیتی (باید) بهم أئید آنانکه در آن کار با شما همراه هستند، اَشا زبان اهوراست که سخنان وهومن را (برمی‌گوید) و به اینها ای اهورا شما از ازل آموزنده هستی. (شوشتری)

ای مزدا اهوره! آنان که [همه] با هم در کردار به تو پیوسته‌اند، به سخن تو گوش فرا می‌دهند. تو با گفتار «اشه» و آموزش «منش نیک»، آنان را نخستین آموزگاری. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

گوشهایتان باید با کسانی شوند که در کردارهایشان و در زبانشان، ای اهورا و ای اردیبهشت، بگفتارهای شما پیوستند (و) بمنش نیک آنان را تو، ای مزدا، نخستین آموزگار هستی. (پورداود)

کسانی که با کارهایشان بتو پیوسته‌اند، برای گوش دادن گرد هم آیند. زیرا، ای خدای دانا، تو از راه راستی و با گفته‌های منش نیک خداوند سخن هستی و از آغاز آموزگار اینها هستی. (جعفری)

اهورا مزدا ستایش کسانی را می‌شنود که در کردار و گفتار به درستی برابر فرمان او رفتار کنند و خود او را در هر کاری الهام‌بخش خود بدانند. (شهزادی)

ای مزدا اهورا، کسانی که با کردارشان و با هم به تو پیوسته‌اند، گوش به سخنان تو دارند، که تو، با گفتار راست و با آموزش اندیشهٔ نیک، نخستین آموزگار آنهایی. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۴

کوترا آرئُیش آ فسِرَتوش کوترا مِرِژدیکا اَخش تَت

کوترا یسُو خیِ‌ین اَشِم کو سپِنتا آرمَئی تیش

کوترا مَنُو وَهیشتِم کوترا توا خَشتَرا مَزدا

چه زمانی شادمانی جای دردمندی را می‌گیرد. کجا بخشش و گذشت برپا می‌شود؟ کجا راستی را گرامی می‌دارند؟ چه هنگام آرمئیتی پاک، بهترین اندیشه و فرمانروایی تو ای مَزدا استوار می‌شود؟ (ساسانفر)

ای مزدا، کی نیایش کنندگانت از مهر تو سرشار خواهندگردید؟ و چه زمانی پاداش تو آنها را در برخواهد گرفت؟ با راستی چگونه میتوان همراه گردید؟ و کی میشود به آرامش رسید؟ کجا اندیشه نیک را میتوان یافت؟ و چگونه میتوان نیروی خودچیرگی را در درون خود فرمانروا نمود؟ (پردیس)

پروردگارا، مهر فزون از اندازه تو کجاست و کِی رحمت و بخشایش تو پرستندۀ با وفا را در بر خواهد گرفت؟ راستی و درستی کُجا می‌توان بدست آورد؟ و ایمان و عشق پاک بخدا را کجا می‌توان یافت؟ برترین منش را در کجا می‌توان جستجو کرد و نیروی شهریاری و سروری تو ای مزدا از کُجا سرچشمه می‌گیرد؟ (آذرگشسب)

کجاست محبت صمیمی به پرستنده تو و کجا مهربانی روان است و کجا اَشا را خواهند یافت و کجا ارمایتی پاک را و (بهترین منش) وهومن را و ای مزدا! (خشتر) ارادۀ توانای تو را. (شوشتری)

ای مزدا! کجاست مهر بی‌کران تو به پرستش‌گرانت؟ کجا آمرزش تو روان است؟ کجا از [یاریِ] «اشه» برخوردار توان شد؟ کجاست «سپندارمذ»؟ کجاست «بهترین منش»؟ کجاست «شهریاریِ مینُویِ» تو؟ (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کجا از برای رنج مزد بر پا ایستد (و) کجا آمرزش؟ کجا از راستی برخوردار خواهند شد؟ کجا پارسائی پاک؟ کجا بهتر منش؟ کجا کشور (مینوی) تو، ای مزدا؟ (پورداود)

کجاست خرسندی در برابر رنج و اندوه؟ کجا بخشایش جاری است؟ کجا راستی بدست می‌آید؟ کو آرامش که می‌افزاید؟ کجاست بهترین منش؟ کجاست، ای مزدا، شهریاری تو؟ (جعفری)

پروردگارا (از تو پُرسشی دارم، چه می‌خواهم به راستی بدانم) چگونه مهر سرشار خود را به پیروان با وفایت نشان می‌دهی؟ از چه راهی به توبهٔ درست یا نادرست گناهکاری پی می‌بری؟ راستی و درستی مردمانی را، که خود را پارسا و پرهیزکار می‌دانند، از چه راهی در می‌یابی؟ نیروی سرشار تو را در کار آفرینش و شهریاری جاودانی تو را در جهان چگونه می‌توان دریافت؟ (شهزادی)

ای مزدا، کجاست مهر سرشار تو به پرستندگانت؟ کجا بخشایش تو روان است؟ کجا راستی را به دست توان آورد؟ کجاست پارسایی پاک؟ و کجاست بهترین اندیشه‌ها؟ و کجاست شهریاری تو؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۵

ویسپا تا پِرِسانس یتا اَشات هچا گانم ویدَت

واستریو شیٔچَوُ تَناییش اِرِژوُ هانس هوخرَتوش نِمَنگها

یا داتَ اِ ای بیُو اِ رِش رَتوم خشَیانس اَشیواوُ چیستی

دربارۀ همه اینها، می‌پرسم. راهنما چگونه می‌تواند به جهان خدمت کند راهنمایی که خردمند است. با کارهای پرارج خود جایگاهی والا دارد او که برای داوری در باره خود چون داور پاداش دهنده می‌تواند آموزش بیند. (ساسانفر)

ای مزدا، این همه پرسش را من از اینرو از تو کردم، که بدانم، آبادگری که با کردار درست و با فروتنی به خرد سازنده راه یافته و برای مردمان رهبری دادگر شناخته شده چگونه میتواند، در پرتو راستی، این جهان را پیشرفت دهد و آنرا آباد گرداند. (پردیس)

این پرسش‌ها از رهبر درست‌کرداری است که با فروتنی در پی اندوختن دانشی ژرف و نیکو بوده و راه پیشرفت آفرینش را برابر با هنجار هستی به مردم نشان دهد، رهبری که چون داوری دادگر و توانا از روی دانش و خِرد، راستی آموزد و بخشایش آورد. (آذرگشسب)

همه اینها را پرسیده (می‌خواهم بدانم) چگونه زندگی اشائی را به پَرورد شبانی که کارهایش بر راستی باشند به فروتنی دانش نیک را یافته. (شوشتری)

همهٔ اینها را [از تو] می‌پرسم: چگونه رهبر درست کردار و نیک خِردی که (ترا) نماز می‌گزارد و دادوَرز و رَدِ راستی و توانا و بخشنده است، می‌تواند در پرتو «اشه» جهان را به پیش بَرَد و آبادان کند؟ (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

همه اینها را می‌پرسم: چگونه براستی از چارپا برخوردار گردد، برزیگر درست‌کردار (و) خوب خرد، اگر او نماز برد (همان) کسی را که بدانا، داور درست‌کردار پیمان داد، (داوری) که بهر دو پاداش تواناست. (پورداود)

این همه پرسش برای این است که آبادگری که با کارهای درست خود و با فروتنی به دانش نیک راه یافته و برای مردمان دادگر رهبر و برای راستکاران سرور دانسته شده، می‌تواند به جهان در پرتو آیین راستی خدمت کند. (جعفری)

همهٔ این پرسش‌ها از سوی کسی است که او را به رهبری مردمان برگزیده‌ای ـ کسی که نسبت به تو فروتن و فرمانبردار است. کسی که می‌خواهد راستی و درستی را به مردم بیاموزد و کسی که خواهان است جهانیان را به رازهای آفرینش و هنجار هستی آگاه سازد. (شهزادی)

همهٔ اینها را می‌پرسم: چگونه رهبری که، درست‌کردار و فروتن است، و دارای خرد نیک است، و دادگر و آموزگار راستی است، و توانا و بخشایش‌گر است، می‌تواند جهان را به پیشرفت و آبادانی برساند؟ (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۶

ی وَهیو وَنگهِئوش دَزدِ

یَسچا هویی وارایی رادَت

اَهورُ خشتَرا مزداو اَت اَهمایی اَکات اَشیُو

ی هویی نُوئیت ویداییتی اَپِمِ اَنگهِئوش اوروَ اِسِ

آنکس که چیزی بهتر از خوب را می‌پذیرد و می‌خواهد آن آرزو را برآورد اهورامَزدا با توانایی خویش او را کمک می‌کند. اما از بد بدتر در واپسین هنگام زندگی برای کسی خواهد بود که برای او (اهورامزدا) خدمتی نکرده باشد. (ساسانفر)

اهورا مزدا، با فرمانروائی خود، به کسی که در راه سازندگی گام بردارد، پاداشی بهتر از خوب خواهد بخشید، و به کسی که ویرانگر باشد، و در راه آبادانی جهان نکوشد، در پایان، انجامی بدتر از بد خواهد رسانید. (پردیس)

خداوند جان و خِرد در پرتو شهریاری خویش بکسی که خواستِ او را بجای آورد و به پیشرفت آفرینش کمک کند پاداشی بهتر از نیک بخشد، ولی کسی که خواست او را انجام ندهد و برای پیشرفت و آبادانی جهان کوشش ننماید در روز واپسین بکیفر زشتی کردار خویش گرفتار گردد. (آذرگشسب)

او که خود را بهتر از به می‌کند و او که هدف و نیت (تنی) را ایفا می‌نماید او از اهورمزدا توانائی (خواهد یافت) ولی او نمی‌پروراند زیست (گیتی تنی) را آخر در پایان زندگی بدتر از بد خواهد شد. (شوشتری)

«مزدا اهوره» با «شهریاریِ مینُویِ» [خویش] آنچه را از بِه، بهتر است بدان کس بخشد که خواست وی را برآورد و در پایان گردش گیتی، آنچه را از بد، بدتر است به کسی دهد که به آبادانی جهان نکوشیده باشد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

او اهورا مزدا، از کشور (مینوی) خویش آنچه از به بهتر است بدهد بآن کسی که خواست وی بجای آورد و آنچه از بد بتر است بآن کسی که وی را خوشنود نسازد در پایان گردش گیتی(پورداود)

خدای دانا از پرتو شهریاری خود به کسی که وظیفهٔ خود را نسبت به جهان از روی باور و ایمان انجام می‌دهد، بهتر از به می‌دهد، اما کسی که این وظیفه را نادیده می‌گیرد، در تحول زندگانی بدتر از بد می‌بیند. (جعفری)

در پایان اهورا مزدا ـ به کسی که راه نیک را پیروی کرده باشد و زندگانی خود را برای خشنود ساختن او به سر برده باشد پاداش جاودانی خواهد بخشید؟ همچنین زشت کردارانی که فرمان او را به جا نیاورند به جزای بد گرفتار خواهد ساخت؟ (شهزادی)

مزدا اهورا، با شهریاری خویش، به کسی که خواست او را برآورده سازد، بهتر از به می‌دهد، و به کسی که او را خشنود نسازد، و برای آبادانی و پیشرفت جهان نکوشد، در انجام و پایان زندگی، بدتر از بد می‌رساند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۷

دایبیدی مُویی ی گانم تَشُو اَپَس چا اوروَ راوس چا

اَمرِتاتا هَئوروآتا سپِنیش‌تا مَئی‌نیو مَزدا

تِوشیی اوتَ یوییتی مَننگها وُهو سَنگهِ

تو که جهان را، آن‌ها را و گیاهان را آفریده‌ای با گوهرت که پاک‌ترین است با جاودانی و رسایی در پرتو وُهومن پایداری و نیرومندی را به من آموزش بده. (ساسانفر)

ای مزدا، تو که با خرد پیش برنده خود زمین بارور و زندگی و آب و گیاه را آفریدی، پس رسائی و جاودانگی را هم به من ببخش، و در پرتو اندیشه نیک، تندرستی تنی و نیروی روانی و استواری، و زندگی تازه را به من ارمغان کن. (پردیس)

ای آفرینندهٔ زمین و آب و گیاه، ای مزدا، در پرتو خردمقدس خویش رسائی جاودانه را بمن بخش. پروردگارا به من توانائی و پایداری بخش و در پرتو منش پاک آموزش‌های ایزدی را بر من آشکار ساز. (آذرگشسب)

ای مزدا! تو که سازنده گیتی و آب و گیاه هستی هروتات و امرتات را بمن وسیله سپنتامانیو عطا کن و نیز بوسیله وهومن جاوید نیروی روانی و زندگی نو چنانچه در آموزش تو آشکار شد. (شوشتری)

ای مزدا! ای آن که زمین و آب و گیاه را آفریدی! مرا با «سپندترین مینو» [یِ خویش] «رسایی» و «جاودانگی» بخش و در پرتو «منش نیک»، توش و توان [و] پایداری [ارزانی دار و] از آموزش‌های خود بهره‌مند کن. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ببخشای بمن تو ای کسی که جانور و آبها و گیاهها آفریدی بدستیاری پاکتر خردت جاودانی و رسائی، ای مزدا توش و پایداری به میانجی منش نیک در داوری (پسین). (پورداود)

ای کسی که جهان زنده و آب وگیاه را با افزاینده‌ترین خرد خود آفریدی، طبق آیین منش نیک، مرا رسایی و جاودانی بخش و تندرستی و توانایی ارزانی دار. (جعفری)

ای مزدا ای کسی که (سپنتا) زمین (و خرداد) آب و (امرداد) گیاهان را آفریدی. ای کسی که تنها برآورندهٔ نیازهای بندگانی ـ به من رسایی و نیروی تن و جاودانی روان و خرد پاک ارزانی دار تا پیوسته آیین تو را با استواری و پایداری به دیگران بیاموزم. (شهزادی)

ای مزدا، ای که این زمین و آب و گیاه را آفریدی، با پاکترین خرد خود، رسایی و جاودانگی را به من ببخشای، و در پرتو اندیشهٔ نیک، توش و توان تنی و روانی و پایداری و زندگی تازه را به من ارزانی دار، و از آموزش‌های خود برخوردار کن. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۸

اَت زی تویی وَخشیا مَزدا

ویدوشِ زی نا مرویات

هیت اَکویا درِگواییتِ اوشتا ی اَشِم دادرِ

هوُ زی مانترا شیاتُو ی ویدوشِ مرَوَایتی

ای مَزدا می‌خواهم چیزی را بتو بگویم، چون در این باره مرد باید برای آنکس که آگاه است سخنی گوید «می‌خواهم به دروند (پیرو دروغ) بدی کنم» و آن هماهنگ خواسته کسی است (اهورا) که اشا را نگهداری می‌کند این سرودگو (زرتشت) خشنود خواهد شد، آن را برای کسی که داننده و آگاه است بگوید. (ساسانفر)

ای مزدا، پیام تو را به جویندگان دانش آشکار خواهم نمود، و به آنها خواهم گفت که سرانجام دروغکار رنج است، و سرنوشت راستکار، خوشبختی است. بیگمان شادمانی بکسی روی می‌آورد که این پیام اندیشه برانگیز را به جویندگان برساند. (پردیس)

ای مزدا، پیام آسمانی تو را من بمردم دانا آشکار خواهم ساخت تا بدانند چه سرنوشت شومی در انتظار دروغ‌گویان و تبهکاران است و چگونه هواخواهان راستی و نیکوکاران از خوشبختی برخوردار خواهند گردید، بیگمان خرسندی و خوشبختی از آن کسی است که پیام آسمانی تو را بدانها آشکار سازد. (آذرگشسب)

اکنون از جانب تو ای مزدا! برمی‌گویم (آنچه) یکی به دانشمند باید بگوید که ناراست را بخت بد تهدید می‌کند و به او که با اشاست و راست است خورسندی (روشنائی) می‌آورد و تنها او از واژه (ماترای) پاک شاد خواهد بود که به دانشمند برگوید. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای مزدا! اینک بدرستی از سوی تو سخن می‌گویم؛ [بدان سان] که باید به مردم دانا گفت: تیره روزی از آنِ دُروند است و بهروزی بهرهٔ کسی شود که پای‌بند «اشه» است. بی‌گمان کسی که این «مَنْثَره» را به دانایان باز گوید، شادمان خواهد بود. (دوستخواه)

پس ایدون از این دو چیز سخن می‌دارم، ای مزداـ؛ چه باید آن را به دانائی گفت ـ آن بدی که از برای پیرو دروغ (و) آن خوشی، از برای کسی که راستی فرا گرفت آری او، پیغمبر شاد است که آن را به دانائی بگوید. (پورداود)

اینک، ای خدای دانا، از سوی تو می‌گویم باید کسی به جویندهٔ دانش بگوید که سرانجام دروغ‌کار اندوه است و سرنوشت راست‌کار خرسندی است. بیگمان شادی از آن او است که این پیام اندیش‌انگیز را به جوینده دانش می‌رساند. (جعفری)

هر دانا و خردمندی باید دیگران را از پیامد کردار نیک و بد آگاه سازد و بیاموزد که پایان کارهای زشت بدبختی و سرانجام کارهای نیک خوشبختی است. (شهزادی)

ای مزدا، اینک، پیام ترا به مردم دانا باز می‌گویم: سرنوشت بد از آن دُروندان است، و خوشبختی برای کسی است که پابند راستی است. و بی‌گمان، شادمانی از آن اوست که این پیام اندیشه انگیز را برای دانایان بگستراند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۹

یانم خشنوتِم رانُویی بیا

داو توا آترا سوخرا مَزدا

اَینگها خشوستا اییبی اَهواهو دَخشتِم داوُئی رَشَ

ینگهِ درِگوَنتم سَوَیو اَشَوَنِم

پاداشی که به هر دو گروه (بزهکاران و درستکاران) می‌دهی چیست؟ ای مَزدا آتش درخشان تو و فلز گداخته نشان دهنده (آن پاداش) در زندگی است و آن نابودی دُروَند و رهانیدن درستکار است. (ساسانفر)

ای مزدا، تو هردو گروه را: رهروان راستی و هواخواهان دروغ را از راه آتش فروزان می‌آزمونی، و به هر دو گروه، بر پایه کردارشان پاداش میدهی. و این آئین زندگی را که رنج برای دروغکار و خرسندی برای راستکردار است، به درستی می‌نمایانی. (پردیس)

ای مزدا هر دو گروه یعنی هواخواهان راستی و دروغ از راه آتش فروزان معنوی آزمایش خواهند شد و این آزمایش آتشین سرنوشت هر یک از دو گُروه را آشکار و نشانی بر پاداش تو خواهد بود. پیروان دروغ و تبهکاران را رنج و اندوه نصیب بوده، هواخواهان راستی از شادی و سود بهره‌مند خواهند گردید. (آذرگشسب)

پاداشی که ای مزدا بوسیله آتش سرخ (برافروخته) به دو گروه (مخالف) بوسیله آزمایش (سخت) فلز گداخته می‌دهی رهنماست به زندگی وجدانی (ما) که ناراست را تباه می‌کند و به راست سعادت می‌بخشد. (شوشتری)

ای مزدا! تو با «آذرِ» فروزان و آهنِ گدازان، هر دو گروه را [خواهی آزمود و] پاداش [و پادافره] خواهی داد و نشانی [از این فرمان] در زندگی خواهی گذاشت که: رنج و زیان دُروند را و شادمانی و سود، اَشَون راست. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آن سزائی که تو به دو گروه خواهی داد، از (آزمایش) آذر سرخ خود و آهن گداخته، ای مزدا، (از آن) نشانی در جان‌ها بگذار: زیان از برای پیرو دروغ، سود از برای پیرو راستی. (پورداود)

به هر دو گروه راست‌کار و دروغ‌کار تو از آتش فروزان و با آزمایش فلز گداخته پاداش می‌دهی، زیرا این آیین زندگانی است، که رنج از برای دروغ‌کار است و سود و خوشی از برای راستکار. (جعفری)

پاداش و سزایی که اهورا مزدا در روز بازپسین به نیکان و بدان می‌دهد، برای همهٔ ما نشانهٔ آن است که سرانجام بدی چیزی جز بدبختی و پایان راستی چیزی جز خوشبختی نخواهد بود. (شهزادی)

ای مزدا، تو از راه آتش فروزان و آزمون گدازان، هر دو گروه راست‌کردار و دُروند را می‌آزمایی و پاداش می‌دهی، و این آیین زندگی را می‌نمایانی که رنج برای دُروند، و سود و شادمانی از آنِ راست‌کردار است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۱۰

اَت ی ما تا مَرِخ شَئیتِ اَنیاتا اَهمات مَزدا

هوُ داموُییش دروجوُ هونوش تا دوژداو یویی هِنتی

مَئیبیوُ زبَیا اَشِم وَنگهُویا اَشی گَتتِ

ای مَزدا آن مردی که بخواهد مرا نابود کند چیزی غیر از ماست. او فرزند آفریننده دروغ است، از اینرو همه آن‌ها بدسرشت و فرومایه هستند من اشا را فرا می‌خوانم که با آمدن به سویم پاداشی نیک بدهد. (ساسانفر)

ای مزدا، کسی که در راه ویرانی جهان میکوشد، آفریده و پیرو دروغ می‌باشد. پس من برای خود و یارانم، راستی را فرا میخوانم که به سوی ما آید، و ما را به پیروزی رساند. (پردیس)

ای هستی‌بخش دانا، کسی که کوشش می‌کند جهان را به گمراهی کشاند و از اصل راستی و حقیقت دُور سازد، چنین شخصی از تبار زشت کرداران و کوته فکران بشمار می‌رود. من برای خود و کسان خویش اَشا را بیاری می‌خوانم و آرزو دارم بسوی‌مان آید و ما را از پاداش نیک برخوردار سازد. (آذرگشسب)

مردی که می‌کوشد (جامعه را) بمیراند (فاسد کند) بر ضد این (آئین) ای مزدا! خود او فرزند دروغ هست و چنین (مرد) نادان (ضعیف‌العقل) می‌باشد من برای کسان خودم اشا (راستی و درستی) را خواهم خواند که با مهر و سعادت (بسوی ما) بیاید. (شوشتری)

ای مزدا! کسی که جز این [فرمان را پیروی کند]، زادهٔ جهانِ «دُروج» و دُژآگاه است و به تباهی جهان می‌کوشد. من «اشه» را به سوی خود و پیروانم همی خوانم تا با پاداش نیک در رسد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

و جُز از او کیست آن کسی که تباه ساختن من خواهد، ای مزدا، آن کسی که زاده آفرینش دروغ است، از اینرو بدخواه مردمان بسوی خویش راستی را همی‌خوانم تا اینکه با پاداش نیک از پی در رسد. (پورداود)

ای خدای دانا، کسی که برعکس این آیین می‌خواهد ما را تباه سازد، خود او زادهٔ جهان دروغ است. او از کسانی است که دانش بد دارند. من راستی را برای خود و یارانم می‌خوانم تا آن با پاداش نیک تو به سوی ما بشتابد. (جعفری)

کسی که در پی آزار و تباهی دیگران است، دشمن نیکی و فرزند دروغ و گمراهی به شمار است. چنین کسی دارای اندیشه‌ای نارسا و فهمی ناتوان و منشی زشت است. همه باید بکوشیم تا راستی و درستی را در میان مردم رواج دهیم و اندیشه و خرد آنان را کامل بسازیم. (شهزادی)

ای مزدا، کسی که جز این آیین، در راه تباهی جهان می‌کوشد، زاده و آفریدهٔ دروغ است، و از کسانی است که کژ می‌اندیشند و نادانند. من راستی را برای خود و یارانم فرا می‌خوانم، تا به سوی ما آید و ما را به پاداش نیک برساند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۱۱

ک اوروتُو سپیِتَمایی

زَرَتوشترایی نا مَزدا

ک وا اشا آفرَشتا کا سپِنتَا آرمَئیتیش

ک وا وَنگهِئوش مَنَنگهُو اَچیستا مَگایی اِرِشوُ

ای مَزدا کیست آن مردی که هم‌پیمان زرتشت شود. کیست آنکه به راستی با اشا و آرمَئیتی ستودنی هم‌پرسی کند: کیست آن مرد ارزشمندی که با پیروی از وُهومن خود را برای انجمن مغان شایسته بشناسد. (ساسانفر)

ای مزدا، آن دوست یکرنگی که به زرتشت اسپنتمان یاری دهد چه کسی میتوان باشد، جز انکس که با راستی خود را هماهنگ کرده و با آرامش همگام شده است؟ چنین کسی که رهرو راستی و پیرو اندیشه نیک است، بدرستی شایسته هموندی انجمن مغان می‌باشد. (پردیس)

ای مزدا، کیست آن دوست با وفائی که به زرتشت اسپنتمان یاری کند؟ او آن کسی است که دلباختۀ راستی و در جستجوی اَشا است، کسیکه با عشق و ایمان است و با منش پاک، هواخواهِ انجمن برادری است و زندگانی خود را در راه پیشرفت انجمن مغان وقف خواهد کرد. (آذرگشسب)

کدام (جوان) مرد است دوست زرتشت اسپیتاما و البته او به اشا ارتباط دارد و با ارمایتی هم سخن است و یقیناً به وهومن و نیکان (ارادتمند است) و خود را از برادری مگا می‌شمارد. (شوشتری)

ای مزدا! کیست مردی که دوست «سِپیتمان زرتشت» است؟ ـ کسی [است] که با «اشه» همپرسگی کند و به «سپندارمذ» روی آورد. ـ کسی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

[است] که براستی و با پارسایی و «منش نیک»، به هواداری از «مگَه» بیندیشد. (دوستخواه)

کیست آن مردی که دوست سپیتمان زرتشت است، ای مزدا؟ یا کیست آنکه از دین راستین اندرز پرسد؟ یا کیست پارسائی پاک (سپندارمذ)؟ یا کیست آن درست‌کرداری که از منش نیک بآیین مَغ اندیشد؟ (پورداود)

ای خدای دانا، چه کسی دوست زرتشت است؟ چه کسی با راستی اندر مشورت است؟ چه کسی با آرامش افزاینده همگام است؟ کدام راست‌کار خود را از راه منش نیک از آن انجمن مغان، سازمان دوستی جهانی، میداند؟ (جعفری)

به راستی، دوست زرتشت کسی است که طرفدار راستی و پیرو خرد خدادادی باشد، کسی که خواهان پارسایی و نیک اندیشی است. چنین کسی شایستهٔ هموندی انجمن برادری مغان (موبدان) خواهد بود. (شهزادی)

ای مزدا، دوست زرتشت اسپنتمان کیست؟ آن کس که با راستی در پرسش و در گفتگوست و روی به پارسایی دارد، و با راستی و اندیشهٔ نیک و پارسایی، هواخواه انجمن برادری مغان است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۱۲

نوئیت ما ایم خشنااوش

وَ اِ پیُو کِوی نُو پِرِتاو زِمُو

زَرَتوشترم سپی تامم هیَت اهمی اوروراُست اَشتُو

هیَت هُویی چَرَه تس چا اَ اُدرش چا زویی شِنو وازا

آن کوی (فرمانروای دشمن زرتشت) بدسرشت به هیچ روی زرتشت اسپنتمان را خشنود نکرد، زیرا هنگامی که در زمستان سرد به گذرگاه زیر فرمان او رسید راه را بر او بست در حالیکه او و دو اسب او از سرما و باد تندی لرزان بودند. (ساسانفر)

پیروان رهبر دروغین که با فریب گمراه گشته‌اند، نمیتوانند به آن خوشبختی که زرتشت اسپنتمان نوید آنرا داده برسند. زیرا آنان کامیابی را تنها در سود خود می‌جویند، و نه در خوشبختی مردمان. (پردیس)

فریب‌خوردگان مکتب کاوی هیچگاه در دوران زندگی خویش زرتشت اسپنتمان را خُرسند و خشنود نمی‌سازند، گر چه هستند افرادی که با کوشش و پشت‌کار و روحیه‌ای قوی می‌توانند به رسائی دست یابند و رستگار گردند. (آذرگشسب)

خوشنود نباشد زرتشت اسپتاما از (روش) فریبانه کوی در مرور از این جهان زیرا که او (به اندیشه‌اش) نجات را (تنها در اعمال) دنیوی می‌داند (در صورتیکه) آن به فعالیت ذوق روانی پرجوش میسر می‌شود. (شوشتری)

فریفتگان راهِ «کَوی» در گذرگاه جهان، مرا ـ که «زرتشت سپیتمان» ام ـ خشنود نمی‌کنند؛ زیرا آنان کامروایی خویش را در [کُنش‌هایِ] این [جهان استومند] می‌جویند و نه در شور و جوشهای مینُوی. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

او را خشنود نساخت، چاکرِ فرومایۀ کوی در گذر زمستان، آن زرتشت سپیتمان را، آنچنان که او را بفرود آمدن، بازداشت، آن هنگامی که چارپایانش بسوی وی رفتند و از سرما لرزان (بودند). (پورداود)

اما پیشوای دروغین که ادعای الهام و سخنوری دارد زرتشت اسپنتمان را بر زمین پهناور خوشنود نمی‌سازد. زیرا او به فریاد و فغان افتاده و با آوارگی و شکم‌پروری خویش، خود را به سوی ناپاکی می‌راند. (جعفری)

پیروان کاوی هرگز زرتشت اسپنتمان را خشنود نساخته‌اند، گر چه افرادی از این گروه کوشیده‌اند با اندیشه‌ای رسا راه نجات خود را در زندگی دریابند و به رستگاری برسند. (شهزادی)

فریب خوردگان راه کاوی، در دوران زندگی خویش، زرتشت اسپنتمان را خشنود نمی‌سازند، زیرا آنان، کامیابی را تنها در کنش مادی می‌جویند، و نه در شور و جوش‌های مینویی:(وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۱۳

تا دِرِگوَتُ مَرِدَایِتی دَئِنا اِرِزَ اُش هَئی تیم
یِهیا اوروا خرَ اُدَئیتی چینوَتُ پِرِتاو آکاو
خواییش شیىاُتَنابیش هیزوَس چا اَشَهیا نانس واو پَتُو

و نیز باور دینی پیرو دروغ آنچه واقعیت راستین است نادیده می‌گیرد بی‌گمان روانش در گذرگاهی که مرز داوری میان خوب و بد است او را سرزنش می‌کند چون با کارهایش و گفتار با زبانش از راه راست به دور افتاده. (ساسانفر)

بدین سان، با سرپیچی از آئین راستی و ناهمگونی با هنجار و قانون هستی، دروغکار وجدان خود را تیره کرده، و در گزرگاه داوری، دچار سرزنش روان خود خواهد گردید و تشویش هراس به او روی خواهند آورد. این پیامد کردار و گفتار اوست. (پردیس)

براستی هواخواهان دروغ اندیشهٔ پویندگان راه راست را پریشان کرده و ایمان آنها را متزلزل می‌سازند، ولی در روز واپسین روان آنها بر سر پل چینْوَتْ بعلت کردار و گفتار زشت و انحراف از راه راستی آنها را آشکارا سرزنش خواهند کرد. (آذرگشسب)

به این ترتیب ناراست تباه می‌کند وجدان خود را به (نیافتن) حقیقت راه راست که چون بر او پل چنوَد پدید گردد روان او سرزنش خواهد کرد (و او) به عمل و به زبان (سخن) خویش از راه اشا منحرف شود (و گمراه گردد). (شوشتری)

بدین‌سان، دُروند که با گفتار و کردارش، از راه «اشه» روی برتافته و «دین» راست راهان را دچار پریشانی کرده است، روانش در «گذرگاهِ داوری»، آشکارا او را سرزنش خواهد کرد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اینچنین نهاد دروغ‌پرست تباه کرد از برای خود (پاداش) آشکار (راه) درست را روانش هنگام هویدا شدن (کردارها) در سر پل چینْوَتْ بهراس افتد، چه از کردار و زبان خویش از راه راستی برگشت. (پورداود)

بدینسان دروغ‌کار وجدان خود را از راه راست منحرف می‌سازد روان او پیش "پل چینوت" آشکارا به لرزیدن می‌افتد زیرا کردار و گفتار خود او است که راه راستی را برای او تباه می‌سازد. (جعفری)

گمراهان و دروغ پرستان که به فرمان خدا و راه درست زندگی ارجی نمی‌نهند و با فریب دیگران آرامش زندگی مردم را برهم می‌زنند، بی‌گمان روز واپسین روان‌شان بر سر پل چینوَد به بیم و هراس می‌افتد و از کردار و گفتار بد خویش پشیمان خواهند شد. (شهزادی)

بدینسان، دُروند، که با سر پیچی از راه راستی یابش خود را به تباهی کشانده است، در گذرگاه داوری، و در برابر آشکار شدن کردارش، گرفتار سرزنش روان می‌گردد. زیرا او با کردار و گفتار خود، از راه راست دوری جسته است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۱۴

نوئیت اوروااتا داتُویی بیس چا کَرَپَنُو واسترات اَرِم

گاوُیی آروئیش آ.سِنگ دا خوآیش

شیَه اُتَ نائیش چا سِنگ هائیش چا

ی و سِنگ هُو اَیِه مم دروجُو دِمانِه آدات

کرپَن‌ها با ما سازگاری ندارند هم روش آیینی هم شیوهٔ کار تولیدی آن‌ها از ما بسیار دور است با آموزش‌ها و کردارشان به جهان آسیب می‌رسانند و زیان آورند آن آموزش، آن‌ها را در آخرین خانه دروغ جای می‌دهد. (ساسانفر)

و همچنین ، پیشوایان فریبکار دینی، که از داد و آئین زندگی و آبادسازی روی گردانده، و با آموزشهای فریبکارانه خود، مردم را به گمراهی، و جهان را به ویرانگی می‌کشند، در پایان در سرای دروغ جای خواهند گرفت. (پردیس)

کَرپان‌ها هیچوقت نسبت بدستورات و قوانین الهی توجه ننموده و احترامی نمی‌گذارند آنان، خدمت‌گذاران جهان را با کردارهای زشت و آموزش‌های نادرست خویش به تباهی می‌کشانند و سرانجام در نتیجهٔ آموزش‌های گمراه کنندهٔ خود نیز بسرای دروغ یا دوزخ اندر خواهند شد. (آذرگشسب)

به احکام و به آئین کرپن‌ها احترام نمی‌گذارند و مادر گیتی را شبانی نمی‌کنند و پرستنده او را به اعمال و آموزش (ناراست) خویش می‌فریبند، آموزشی که در انجام آنان را به مکان دروج خواهد گذاشت. (شوشتری)

«کرپان» پیرو فرمان و دادِ آباد کردن [جهان] نیستند. آنان با آموزش‌ها و کردارهای خویش، آبادکنندگان جهان را به تباهی می‌کشانند. چنین آموزش‌هایی است که سرانجام، آنان را به نام «کُنامِ دُروج» رهنمون خواهد شد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بدستور و دادِ برزیگری، کرپن‌ها فرمانبردار نیستند. برای آزاری که آنان از کردارها و گفتارهای خودشان بچارپایان (می‌رسانند)، بجای آر آن داوری که در پایان در خان و مان دروغ خواهی داد. (پورداود)

پیشوایان دروغین دوست مردم نیستند و از قوانین آبادی دور می‌باشند و از رنج بردن جهان شاد می‌شوند و سرانجام زبون کردار و آیین خود می‌گردند و به خانهٔ دروغ کشیده می‌شوند. (جعفری)

کشاورزی و آبادانی زمین و پرورش چارپایان سودمند از آموزش‌های زرتشت است. کرپان‌ها این پیشوایان دروغین نمی‌گذارند مردم به کشاورزی و آبادانی زمین بپردازند و به جای پرورش دام‌ها قربانی آنان را به مردم می‌آموزند. بی‌گمان در پایان نتیجهٔ کردار زشت و بدآموزی‌های خود را خواهند دید و گرفتار دوزخ خواهند شد. (شهزادی)

کرپان‌ها، هیچگاه از داد و آیین و آباد سازی پیروی نمی‌کنند، آنان با آموزش‌ها و کردارهای خود، به آبادسازان جهان تباهی می‌آورند. اما، همین آموزش‌ها و کردارهاست، که سرانجام آنان را به سرای دروغ خواهد کشانید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۱۵

هیت میژدم زَرَتوشترُ مَگَوَبیُو چُوئیشت پَرا
گَروُ دِمانِ اهوروُ مزداو جَسَت پَئواُورویُو
تا وِ وُهو مَنَگها اشاچا سَواییش چی‌ویشی

آنچه که زرتشت به مغان (پیروان درستکار) از پیش نوید داده آنست که اهورامَزدا نخستین است که در خانه سرود (بهشت) می‌آید با پیروی از اشا و اندیشه نیک، این پاداش‌های سودمند برای شما نوید داده شده. (ساسانفر)

پاداشی که زرتشت، به انجمن مغان نوید داده است، سرای سرود است، که از آغاز، جایگاه رسیدن به اهورامزداست. من این پاداش را، که در پرتو اندیشه نیک و راستی به دست می‌آید، به شما مژده میدهم. (پردیس)

پاداشی را که زرتشت به مُغان و برادران دینی از پیش نوید داده است گروتمان یا خانهٔ سرود و ستایش و بهشت است، جائی که از روز ازل منزل‌گاه هستی‌بخش دانا بوده است. این پاداش را که چون بخشش الهی است و تنها در پرتو اندیشهٔ پاک و راستی بدست توان آورد بشما نوید می‌دهم. (آذرگشسب)

پاداشیکه زرتشت به (اخوت) مگا وعده کرد آنسو در (بهشت) گرودمان است که از ازل (جای) رسیدن به اهورا مزداست ـ چنین پاداش بوسیله وهومن و سعادت اشا طرح شده من به آنان وعده کرده‌ام. (شوشتری)

مزدی که «زرتشت» به «مگونان» نوید داده، [در آمدن به] «گَرزمان» است؛ آنجا که از آغاز، سرای «مزدا اهوره» بوده است. این است [آن رستگاری] که در پرتو «منش نیک» و بخشش «اشه» به شما نوید می‌دهم. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

آن مزدی که زرتشت از برای مغان از پیش نوید داد در گرزمان، اهورا مزدا نخستین (بدانجا) در آمد این است از برای شما، از پرتو منش نیک و راستی آن رستگاری که من نوید می‌دهم. (پورداود)

پاداشی که زرتشت به انجمن مغان، سازمان دوستی، وعده کرده خانهٔ سرود است که خدای دانا از ازل در آنجاست. این پاداش به شما از راه منش نیک و با نیکی‌های راستی می‌رسد. (جعفری)

همان مزد و پاداشی که زرتشت در انجمن برادری مغان از آن سخن رانده است، بهشت گروثمانی است که اهورا مزدا از آغاز مقرر داشته و آن پاداش، تنها بهرهٔ کسی خواهد بود که پارسا و نیک منش باشد. (شهزادی)

پاداشی که زرتشت به انجمن مغان نوید داده است، سرای سرود است، که از آغاز، جای رسیدن به اهورا مزدا بوده است. من این پاداش را، که در پرتو اندیشهٔ نیک و راستی به دست می‌آید، به شما مژده می‌دهم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۱۶

تانم کوا ویشتاسپُو مَگَهیا خشتَرا نانسَت

وَنگهِئوش پَدِبیش مَنَنگهُو یانم چیس‌تیم اَشا مَنتا

سپِنتُو مزداو اهورُ اَتا نِ سَزدیایی اوشتا

کوی ویشتاسب با شهریاری خود به گروه برادری مغان پیوسته است اینرا با شناخت راه درست‌اندیشی و ارج نهادن به اشا دریافته است. باشد که اهورامزدای پاک به همان سان آرزوی ما را هم برآورد. (ساسانفر)

کی گشتاسب، در پرتو انجمن مغان و سروده های برخاسته از اندیشه نیک، به پاداش دانش درونی رسید، دانشی که با آن، اهورا مزدا، ما را بسوی خوشبختی میبرد. (پردیس)

در پرتو نیروی معنوی انجمن برادری و سُرودهای محبت که از منش پاک الهام گرفته است کی‌گُشتاسب بآن «پاداش» دست یافت و در پرتو اَشا از دانشی برخوردار شد که هستی‌بخش دانا و پاک مقرر فرمود دانشی که ما را بسوی خوشبختی و رستگاری رهنمون گردد. (آذرگشسب)

این (پاداش) را کی‌وشتاسپ از نیروی (برادری) مگا (و از ستودن) و نغمه‌سرائی به وهومن یافت و این دانش را بوسیله اَشا اندیشید. اهورمزد پاک ما را به روشنائی رهنما شود. (شوشتری)

«کی گشتاسپ» با نیروی «مَگَه» و سرودهایِ «منش نیک» به دانشی دست یافت که «مزدا اهوره»یِ پاک، در پرتو «اشه» برنهاده است و [با آن] ما را به بهروزی رهنمون خواهد شد. (دوستخواه)

کی گشتاسپ با شهریاری این آیین مُغی بپذیرفت (و) با راه‌های منش نیک، آن (آموزشی) که مزدا اهورای پاک با راستی بیندیشید اینچنین (کار) بکام ما انجام گیرد. (پورداود)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کی‌گشتاسب از نیروی انجمن مغان و سرودهای منش نیک به دانش درونی رسید دانشی که خدای دانای آفریدگار از راه راستی مقرر داشته تا ما را به خرسندی راه نماید. (جعفری)

کی‌گشتاسپ به یاری انجمن برادری آیین بهی را با پاک منشی برگزید و به راه پارسایی با اندیشه و خرد نیک گام نهاد. باشد که مزدا اهورای پاک برابر قانون ابدی خود همه را به سوی راستی رهنمایی فرماید. (شهزادی)

کی‌گشتاسب، در پرتو نیروی انجمن مغان و سرودهای برخاسته از اندیشهٔ پاک، و با پیروی از راستی، به پاداش دانش درونی رسید. دانشی که با آن، مزدا اهورا، ما را به خوشبختی راه می‌نماید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۱۷

بِرِخزانم مویی فِرَشَ اَشترُ هوُگوُ دَئِداُیشت کهرپم

دِئِنَیایی وَنگهویایی یانم هویی ایشیانم داتو

خشَیانس مَزداو اهورُ اشَهیا آژدیایی گِرِزدیم

برای من کوشش و روِشی را که فرشوشتر برای باور دینی با وجود خود نشان می‌دهد ارزشمند است باشد که اهورامزدای فرمانروا به او نیرومندی ارزانی دارد تا در راه رسیدن به اشا گامهای بلند بردارد. (ساسانفر)

فرشوستر هوگو زندگی خود را با دلباختگی برای پیشرفت این آئین پاک ارمغان کرده است. باشد که اهورامزدا، آرزوی او را برای دست یافتن به راستی یاری دهد. (پردیس)

فرشوشتَر هُووَگوو وجود خویش را که عزیزترین چیز است در راه خدمت به پیشرفت دین بهی «مزدیسنا» نثار کرد. بشود که هستی‌بخش دانا و توانا آرزوهای او را برآورده سازد تا به اَشا دسترسی پیدا کرده و به درک حقیقت نایل آید. (آذرگشسب)

فرشاوشتره هوگه‌وا ـ نفس گران‌بهای خود را به اشتیاق به من تقدیم کرد (که به دین پاک خدمت کند). اهورا مزدای توانا! این پیوستگی که آرزو دارد (یعنی) رسیدن به اشا به او به بخشد. (شوشتری)

«فرشْتَرِ هُوَگْوَ» گوهرِ والایِ هستی خود را برای «دینِ» نیکِ [خویش] باشیفتگی به من سپرده است. «مزدا اهوره»یِ توانا، آرزوی او را برای دست‌یابی بر دارایی «اشه» بر آوراد!(دوستخواه)

فرشوشترهَوگو پیکر بزرگواری بمن بنمود، از برای دین نیکش مزدا اهورای توانا آنچه آرزو شده بدو بخشاید، تا اینکه بدارائی راستی برخوردار گردد. (پورداود)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

فرشوشتر هوگو طرح گرانبهای خود را برای خدمت به دین بهی بمن سپرده. خدای دانا و توانا آرزوی وی را برای دست یافتن به راستی برآورد. (جعفری)

فرشوشتر هوگوه با خشنودی، زندگی خود را در راه خدمت به آیین مقدس پیشکش نمود. بشود که مزدا اهورا او را برای ایمان پاکش، بهرۀ راستی و رستگاری ارزانی دارد. (شهزادی)

و فرشوستر هوگو، گوهر هستی والای خویش را، با دلباختگی و برای دین بهی به من سپرده است، باشد که مزدا اهورا، آرزوی او را برای دست یافتن به راستی، برآورده سازد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۱۸

تانم چیس‌تیم دجاماسپو هوُگوُ ایش‌تیش خورِناو

اَشا وِرِنتِ تَت خشتَرِم مَنَنگهُو وَنگهِئوش ویدو

تَت مُویی داییدی اهورا هیت مَزدا رَپِن تَوا

آن بینش و باور را جاماسب برای رسیدن به فَر ایزدی آرزو کرد برای آن نیروئی را برگزید که همراه اشا و اندیشه نیک بود این را من پذیرا هستم تا اهورامَزدا پشتیبان من باشد و آن نیرو که از آن توست به من ارزانی شود. (ساسانفر)

جاماسب هوگو، برای دست یافتن به روشنائی درونی، آئین راستی را برگزید، و با اندیشه نیک به آن دانش دست یافت. ای اهورامزدا، این دانش را به تمام رهروان راهت ارزانی دار. (پردیس)

جاماسب دانا از خانوادهٔ هُووَگووَ که خواستار روشنائی حقیقت است در پرتو راستی دانش الهی را برای خویش برگزید و در پرتو منش پاک به نیروی معنوی دست یافت. ای هستی‌بخش یکتا و ای خداوند دانا، بخشش‌های نامبرده را بما ارزانی دار تا نسبت بتو دلبستگی پیدا کنیم. (آذرگشسب)

این دانش دین را که جاماسپ دانا به آرزوی (رسیدن به) روشنائی از اشا برگزید و این نیرو که از دانش وهومن درآمده است ای اهور مزدا به همه آنانکه به تو پناهنده شده‌اند به بخش. (شوشتری)

«جاماسپِ هُوَگْوَ»یِ فرزانه که خواهان فَرّه[مندی] است، در پرتو «اشه»، آن دانش را برگزید و با «منش نیک» به «شهریاریِ مینُویِ» دست یافت. ای مزدا اهوره! آن [دانش] را به من نیز ـ که به تو دل بسته و پناهیده‌ام ـ ارزانی دارد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این آیین را جاماسب هوَگوَ از روی راستی چون دارائی فر، از برای خود برگزید (آری) این کشور منش نیک را جویا. این را بمن ببخشای، ای اهورا که آنان در پناه تو باشند، ای مزدا. (پورداود)

در جست‌وجوی روشنایی، جاماسب هوگو دانا، آن دانش درونی را از راه راستی برمی‌گزیند این آن توانایی است که از منش نیک به دست می‌آید. خدایا، این خواهش مرا، برآور که اینان یار توانای من باشند. (جعفری)

جاماسب هوگوه آن دانای خردمند نیز به آیین راستی درآمد. بشود که اهورا مزدا از برای ایمان پاکش او را از دانش رساو منش پاک برخوردار سازد و هم‌چنین به همهٔ کسانی که به دین بهی ایمان می‌آورند، بهرهٔ نیک منشی و دانایی ارزانی دارد. (شهزادی)

جاماسب هوگوی دانا، که خواستار روشنایی است، در پرتو راستی آن دانش را برگزید، و با اندیشهٔ نیک، به توانایی مینویی دست یافت. ای اهورا مزدا، این دانش را به همهٔ آنهایی که به تو دلبسته و پناهنده‌اند ببخشای. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۱۹

هو تات نا مَئیدیویی

ماونگها سپی‌تَما اَهمایی دَزدِ

دِئنَیاو وَاِ دِمنُو ی اهوم ایش‌َسانس ایبیی

مزداو داتا مرئوت گَیهیا شی‌اوتَناییش وَهیو

او، مَدیوماه اسپنتمان مردی که خشترا را برای خود برگزید آنرا با باور دینی (دَئنای) خود به دست آورد، آن کوشنده‌ای که هستی را به سوی پیروزی می‌برد او می‌گوید دستورهای مَزدا کارهای زندگی را بهتر سامان می‌دهد. (ساسانفر)

مدیوماه اسپنتمان، که زندگی خود را در راه شناخت آئین تو، ای مزدا و گسترش آن گزاشت، دریافت که تنها از راه کار و کوشش است که میتوان نیروی درونی این آئین را آموخت و آن را برای یک زندگی بهتر به کار گرفت. (پردیس)

میدیوماه از دودمان اسپنتمان مردی است که با آگاهی کامل از دین مزدیسنا زندگانی خود را وقف آئین من کرد. او کسی است که کوشش دارد زندگی معنوی را به مفهوم واقعی درک کند و آئین مزدا را با کردار و خدمت به مردم بهتر بجهانیان بیاموزد. (آذرگشسب)

بنابر این ای میدیه‌ای ماه شخص خود را اسپتاما به او تسلیم خواهد کرد که وجداناً احساس کند هر که بسوی زندگی (راست) می‌کوشد آئین مزدا را به زندگان بهتر به عمل خود (تا به سخن) می‌آموزد. (شوشتری)

در این مرد ـ «مدیوماهِ سِپیتْمان» ـ که با دینُ آگاهی در راه زندگیِ مینُوی می‌کوشد و خود را به من سپرده است، با کردار خویش، جهانیان را از دادِ «مزدا» خواهد آگاهانید و جهان را بهتر خواهد کرد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این مرد، مدیر ماه سپیتمان خود بر آن داده، پس از آنکه در دلش شناخت کسی را که در جهان می‌کوشد، آن کس را بیاگاهاند از آیین مزدا، چیزی که در کردارهای زندگی بهتر است. (پورداود)

ای مدیوماه اسپنتمان، آن کس خود را برای دانستن دین می‌گمارد و زندگانی را برای آن می‌خواهد که بگوید آیین خدای دانا برای زندگانی بهتر تنها از راه کار و کوشش است. (جعفری)

میدیوماه اسپنتمان نیز پس از آن که از روی نیک منشی و دانش راستین، این دین را پذیرفت، دریافت که برای خوشبختی دیگران باید در راه آموزش دین بهی کوشا باشد، چه پیروی از آیین مزدا برای مردم جهان بهترین چیز است. (شهزادی)

مدیوماهِ اسپنتمان، که با دانش دین، در راه زندگی مینویی کوشاست، خود را به من سپرده است. او با آموختن آیین مزدا و با کردارش، در راه بهسازی جهان کوشاست. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۲۰

تَت وِ نِ هَرَئوشاوِنگهُو ویسپاوِنگهُو وَئیدیایی سَوُ

اَشِم وُهو مَنَنگها اوخزا یاییش آرمَئیتیش

یزِم ناوِنگهُو نِمَنگها مزداو رَفِزرِم چگِدو

شما که همگی با یکدیگر هماهنگ هستید آن رستگاری را به ما ارزانی دارید، راستی که همبسته اندیشه نیک است با گفتاری که از آرمَئیتی سرچشمه می‌گیرد و ستایش آن‌ها با نماز، باشد که پشتیبانی مَزدا ما را در برگیرد. (ساسانفر)

پس، ای امشاسپندان همه همگام، ما که همیشه شما را ستایش کرده‌ایم، آئین راستی و اندیشه نیک را بما بیاموزید تا به آرامش دست یابیم. و در این راه اهورامزدا را نیایش کرده و از او یاری می‌جوئیم. (پردیس)

ای اَمشاسپندان شما همه همفکر و همگام بخشایش نیک را بما مردم ارزانی دارید. آئین راستی و پاکی و منش نیک را بما بیاموزید که عشق و ایمان بخدا در نهادمان افزایش یابد. پروردگارا ما با قلبی آکنده از مهر ترا می‌پرستیم و خواستاریم به شادی و خوشبختی جاودانی مزدا دست یابیم. (آذرگشسب)

(شما) هم اراده باشید به ما همه به دادن خوشبختی (و به دادن) اشا (راستی و درستی) و آموزش وهومنی که از آن ارمایتی (تسلیم و) اطاعت می‌بالد (ما) پرستش کنندگان با نیاز آروزمندیم که چنین سعادت از مزدا (بیابیم). (شوشتری)

ای کسانی که همه همکامِ [یکدیگر]ید! «اشه» و «منش نیک» را که از آموزش [آن]، «آرمیتی» فزونی خواهد گرفت، به ما ارزانی دارید. شما را در نماز می‌ستاییم و از «مزدا» خواستاریم که به ما رامش بخشد. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

این بخشایش را بما ارزنی دارید شما ای کسانی که همه (با یکدیگر) همکام هستید با راستی، با منش نیک با آن پارسائی که چون در نماز ستوده شوید مزدا از روی دستور (خویش) یاری بخشد. (پورداود)

اینک شما همه با ما برای رساندن سود هماهنگ هستید، می‌دانید که آیین راستی و پیام منش نیک آرامش را می‌افزایند. همه مزدا را نماز می‌گزاریم و از او یاری می‌طلبیم. (جعفری)

ای کسانی که با اندیشهٔ پاک به ما پیوسته‌اید و با منش پاک و راستی و فروتنی در پیشبرد آیین راست و درست کوشا هستید، بشود که مزدا بنا به وعدهٔ خود پناه و پشتیبان همهٔ شما باشد و به خوشی جاودانی برسید. (شهزادی)

اینک، ای امشاسپندان، همه همگام، راستی و اندیشهٔ نیک را، که از آموزش پارسایی به دست آید، به ما ببخشایید. شما را می‌ستاییم و از مزدا خواهان خوشبختی هستیم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۲۱

آرمَئی تیش نا سپِنتوُ هویی چیستی اوخزاییش شیی اُتَنا
دَئِنا اَشِم سپِن‌وَت وُهو خشتَرِم مَنَنگها
مزداو دَدات اهورُ تِم وَنگوهیم یاسا اَشیم

مردی که ستایشگر آرمئیتی باشد پاک و پارسا است او با بینش، گفتار، کردار و باور دینی خود راستی را که ستودنی است، و اندیشه نیک را با نیرومندی پرورش می‌دهد، آن‌ها را که اهورامَزدا آفریده است من می‌خواهم چنان باشم و پاداش نیک آنرا درخواست می کنم. (ساسانفر)

کسی که در پرتو اندیشه نیک به نیروی خودچیرگی دست یافته، و به آرامش رسیده و با اندیشه و گفتار و کردار خود، آئین راستی را گسترش میدهد. اهورامزدا به چنین کسی، وجدان روشن ارمغان خواهد نمود. من هم نیز، برای او خواهان نیک بختی هستم. (پردیس)

مرد با ایمان و خداشناس پارسا و پرهیزکار است و اندیشه و گفتار و کردار و وجدانش به افزایش و گُسترش راستی کمک خواهد کرد. در پرتو منش پاک و چیرگی بر نفس هستی‌بخش دانای بی‌همتا بخشایش خویش را بما ارزانی خواهد داشت. پروردگارا برای برخورداری از این بخشش نیک بتو روی می‌آورم و آنرا خواستارم. (آذرگشسب)

ارادتمند ارمایتی پاک است ـ او به دانش (اندیشه) و سخن و عمل و وجدان اَشا (راستی) را می‌افزاید و (او را) اهورا به وسیله وهومن خشتر (نیرو) می‌بخشد و برای چنین سعادت دعا می کنم (خواستارم). (شوشتری)

«آرمیتی» آدمی را پاکی می‌بخشد [و] او با دانش [و] گفتار [و] کردار [و] «دین» [خویش]، «اشه» را می‌افزاید. «مزدا اهوره» [او را] در پرتو «منش نیک»، «شهریاریِ مینُویِ» خواهد بخشید. من [نیز] این پاداش نیک را خواستارم. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

از پارسائی مرد پاک گردد. این کس از پندار، گفتار، کردار (و) دینش راستی برفزاید، بمیانجی منش نیک، مزدا اهورا (باو) کشور (مینوی) دهد. این پاداش نیک را آرزومندم. (پورداود)

کسی که آرامش درونی دارد، با دانش و گفتار و کردار و وجدان خود راستی را می‌افزاید. خدای دانا به چنین کسی به دستیاری منش نیک شهریاری را ارزانی می‌دارد. من نیز برای او خواستار پاداش نیک می‌باشم. (جعفری)

در پرتو خرد پاک و ایمان درست می‌توان به حقیقت رسید. چنین کسی راه راست را در می‌یابد و با اندیشه و گفتار و کردار نیک خود همه را به راه راست رهبری می‌کند. ای اهورا مزدا از تو درخواست می‌کنم، بخشش و خرد پاک را به همه ارزانی داری. (شهزادی)

مرد پارسا، با دانش و گفتار و کردار و یابش خود راستی را می‌افزاید، مزدا اهورا را به چنین کسی، در پرتو اندیشهٔ نیک، توانایی مینویی می‌بخشد. من نیز برای او پاداش نیک می‌خواهم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۱ ، بند ۲۲

یِهیا مُویی اَشات هَچا وَهیشتِم یِسنِ پَئی‌تی

وَ اِدا مزداو اهورُ یویی آونگ هَرِچا هنتی‌چا

تان یزایی خواییش نامِنیش پَئی‌ریچا جَسایی وَنتا

من می‌دانم در نیایش کیست که از روی راستی بهترین پاداش برای من نهفته است او اهورامزداست (با فروزه‌های جاویدانش) که همیشه بوده‌اند و خواهند بود آن‌ها را با نامشان نیایش می‌کنم و با دلدادگی به سویشان می‌روم. (ساسانفر)

اهورامزدا، کسانی که در پرتو راستی، به او روی آورند، چه در گزشته و چه اکنون باشد، می‌شناسد. من هم آنها را می‌ستایم، آنها را با نام نیک یاد میکنم، و درودهای خود را به آنها ارمغان می‌نمایم. (پردیس)

کسیکه در پرتو راستی و پاکی هر کاری را چون پرستش پروردگار انجام دهد، از دیدگاه هستی‌بخش دانای بزرگ بهترین هستی‌ها است. کسانیکه در گذشته و حال چنین بوده و هستند آنان را با احترام و بنام یاد کرده و کوشش خواهم کرد باکردار نیک به مقام والای آنها برسم. (آذرگشسب)

من او را که بوسیله اَشا و هشت همه ستایش مزدا اهورا را می‌داند در هر نماز چه آنها که بودند و چه آنان که وجود دارند به نام‌های خودشان ستوده گرامی خواهم داشت و به ارادت به آنان خواهم رسید. (شوشتری)

«مزدا اهوره» کسانی را که در پرتو «اشه» بهترین پرسش‌ها را بجای می‌آورند، می‌شناسد. من نیز چنین کسانی را که بوده‌اند و هستند، به نام می‌ستایم و با درود [بدانان] نزدیک می‌شوم. (دوستخواه)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کسی که از برای من از روی راستی ستایشش بهتر است، می‌شناسد مزدا اهورا اینان را که بوده و هستند بنام خودشان می‌ستایم و با درود (بآنان) نزدیک می‌شوم. (پورداود)

نزد من هر کس که از روی راستی رفتار کند خدای دانا او را در برابر پرستش و خدمت بهتر می‌شناسد. از چنین کسانی، چه آنانی که بودند و چه هستند من با نام یاد می‌کنم و با مهر و محبت گرد آنان می‌گردم. (جعفری)

از میان مردمان، کسی که به درستی و راستی و بدون تظاهر و ریا ستایش خود را به اهورا مزدا پیشکش کند، پروردگار دانا آن را به خوبی در می‌یابد ـ خواه آن ستایش در گذشته یا حال باشد. من چنین کسانی را گرامی می‌دارم و با ذکر نام از آنان سپاس‌گذاری می‌کنم. (شهزادی)

مزدا اهورا، کسانی را که از روی راستی، بهترین پرسش‌ها را بجا می‌آورند، چه در گذشته بوده باشند و چه اینک باشند، می‌شناسد. من این کسان را می‌ستایم، و به نام یاد می‌کنم، و با درود به سوی آنها می‌روم. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

وهیشتوایش‌گاتا (۵۳)

هات پنجاه و سوم

هات ۵۳ ، بند ۱

هَیشتا ایشتیش سراوی زَرَتوشترَهِه
اسپیتامَهیا یزی هویی دات آیپتا
اَشات هچا اهورو مزداو یویی ویسپایی آ هوَنگ هِویم
یئِچا هویی دَبِن سَش کن چا
دَئِنَیاو ونگ‌هویاو اوخزا شیئُوتناچا

بهترین آرزوی زرتشت اسپنتمان برآورده شده، زیرا اهورا مَزدا برای او پاداش‌ها و زندگی شایسته‌ای در سراسر زندگانی ارزانی داشته است. و همچنین برای آنانکه گفتار و کرداری را که از آیین نیک او سرچشمه گرفته آموخته و به کار بسته‌اند. (ساسانفر)

اکنون، بهترین آرزوهای من ،زرتشت اسپنتمان برآورده شده، زیرا اهورامزدا، بر پایه هم آهنگی اندیشه و گفتار و کردار من با راستی، جاودانه به من زندگی خرم و نیک بخشیده، و مردمان ، حتی آنان که با من دشمنی میورزیدند، آئین ورجاوند او را پزیرفته و آنرا در زندگی خود وارد کرده‌اند. (پردیس)

همهٔ خواسته‌های اشو زرتشت اسپنتمان بهترین وجهی بر آورده شده و اهورا مزدا «هستی‌بخش دانا» او را از بهترین بخشایش برخوردار ساخته است، بدین معنی که یک زندگانی خرم ونیک و سراپا پارسائی برای همیشه باو عنایت فرموده و حتی کسانی که با او دشمنی می‌ورزیدند آموخته‌اند که باو احترام گذارند و در گفتار و کردار از آئین بهی پیروی کنند. (آذرگشسب)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بهترین آرزوی زرتشت اسپتاما شنیده شده (یا به پایان رسید) و به او سعادت‌ها داده شد از اهورمزدا بوسیله اشا جاوید برای زندگی پاک. (شوشتری)

بهترین خواست «زرتشت سپیتمان» برآورده شده است؛ چه، «مزدا اهوره» در پرتو «اشه» او را زندگیِ خوشِ دیرپای بخشیده است و آنان که با وی سرِ ستیز داشتند نیز [اکنون] در گفتار و در کردار، دینِ نیکش را آموخته‌اند. (دوستخواه)

بهتر دارائی که شناخته شده، آنِ زرتشت سپیتمان است که از پرتو راستی مزدا اهورا باو خواهد داد: آری آن خُرمی زندگی خوش جاودان همچنین بآنانی که بکار برند و بیاموزند سخنان و کردارهای دین نیکش را(پورداود)

بهترین آرزوی زرتشت اسپنتمان برآورده شد زیرا خدای دانا از پرتو راستی به وی فراوانی جهان مینوی و مادی و زندگانی نیک برای همیشه ارزانی داشته است و حتی کسانی که با وی دشمنی می‌ورزیدند اکنون گفتار و کردار دین بهی را آموخته‌اند. (جعفری)

برترین آرزوی زرتشت اسپنتمان براورده شد، چه اهورا مزدا از راه اَشا به آیین او زندگانی جاوید بخشید و حتی آنان که دشمن دینش بودند آن را پذیرفتند و پیروی کنند. (شهزادی)

بهترین خواست‌های زرتشت اسپنتمان براورده شده است، براورده شده است، زیرا مزدا اهورا، در پرتو راستی برای همیشه، به وی زندگی نیک بخشیده است. و آنان که با او دشمنی می‌ورزیدند، اکنون گفتار و کردار دین بهی را آموخته‌اند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۳ ، بند ۲

اَت‌چا هوُ سچَنتو مَنَنگها اوخزاییش شیئُوتَن نابیش چا

خِش‌نِم مزداو وَهماییِ‌آ فراُرِت یسنانس‌چا

کوَچا ویشتاسپُو زَرَتوشتریش سپیتامُو فرَش َ اُشترَس چا

داونگهُو اِرِزوش پَتُو یانم

وَئِنانم اَهورُ سَئُوشینتُو دَدات

و چنین باشد که کی‌گشتاسب، پسر زرتشت و فرشوشتر اندیشه گفتار و کردار خود را برای بزرگداشت مَزدا همواره با دانش و نیایش‌هایشان پی‌گیری کنند. و خدمتگزار راههای درست آن آیین باشند که اهورا به سوشیانت (رهایی‌بخش) خود ارزانی داشته است. (ساسانفر)

پس شما هم، با اندیشه و گفتار و کردار نیک بسوی مزدا روید، و دل و اندیشه خود را بر او باز کنید. کی گشتاسب، پشتیبان زرتشت و فَرشوستر خردمند، آئینی را برگزیده‌اند، که اهورا آنرا به سود رسانان آزادی بخش، سوشیانها، نمایان کرده است. (پردیس)

ایدون همه با اندیشه و گفتار و کردار بکوشید تا مزدا را خشنود سازید و هر یک انجام کار نیک را برای ستایش او برگزینید. کی‌گشتاسب هواخواه زرتشت و میدیوماه و فرشوشتر راه راست و دینی را اختیار کردند که از سوی آهورا به سوشیانت «نجات دهندهٔ بشر» الهام و آشکار گردیده بود. (آذرگشسب)

بنابر این (همه) بکوشند در اندیشهٔ و سخن و کار (نیک) برای خوشنودی (اهورا) مزدا و برای پرستش و ستایش (او) برگزیند کوی گشتاسب (ارادتمند به زرتشت و سپنتام) و فروشاشترا که داده‌اند خود را به راه راست (یعنی) دین اهورا (چنانچه) به سوشیانت داده شد. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

اینان راست که با اندیشه و گفتار و کردار، به خشنودی «مزدا» بکوشند و به آزادکامی و با کارِنیک و ستایش‌گرانه، [او را] نیایش بگزارند. «کی‌گشتاسپ» هوادار «زرتشت سپیتمان» و «فرشوشتر»، راهِ راستِ دینی را برگزیده‌اند که «اهوره» به رهاننده فرو فرستاد. (دوستخواه)

و اینان راست که از پندار، گفتار و کردار بخوشنودی وی پیوندند، شادمانه به نیایش مزدا و ستایش‌ش: همانا کی‌گشتاسب؛ پسر زرتشت سپیتمان و فرشوشتر بیارایند راه راستِ آن دین رهاننده را که اهورا فرو فرستاد. (پورداود)

کی‌گشتاسب، زرتشتی اسپنتمان و فرشوشتر همواره با اندیشه و گفتار و کردار خود و با گزینش آیین دوست و گرامی داشتن، برای خوشنودی خدای دانا بکوشند تا راه‌های راست دینی را که خدای به سودرسان داده، به پیمایند. (جعفری)

برای خشنودی مزدا باید همه از روی میل با اندیشه و گفتار و کردار نیک برای گسترش بهترین دین و انجام کارهای نیک به آموزش مردم بپردازند. پیامد این کوشش هاست که کی گشتاسب و فرشوشتر هواخواه زرتشت شدند و از سوی اهورا مزدا چون سئوشیانت‌ها در آموزش راه درست دین به مردم کامیاب گردیدند. (شهزادی)

و این چنین با اندیشه و گفتار و کردار، مزدا را نیایش کنید، و برای خشنودی او بکوشید، و کار نیک را برگزینید. کی‌گشتاسب هواخواه زرتشت و فرشوستر با اندیشه، راه راست و دینی را برگزیده‌اند که اهورا به سوشیانس آشکار کرده است. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۳ ، بند ۳

تِم‌چا تو پُئوروچیستا هَئِیچَت اَسپانا
سپیتامی یزی‌وی دوگِدرانم زَرَتوشترَهِ
وَنگهِئوش پَئیت‌یاس تیم مَنَنگهُو سَرِم
اَشَهیا مزداوس‌چا تَئی‌بیوُ دات
اَتا هِم فَرِشوا توا خرَت‌وا
سپنیش‌تا آرم‌َتوییس هوِدانو وَرِش‌وا

تو پورچیستا اسپنتمان از تبار هَئِیچَت اَسپان ای جوانترین دختر زرتشت درباره او که پای‌بند اندیشه نیک است و همبستگی با راستی و خردمندی را بتو ارزانی می‌دارد با خرد خود رایزنی کنی و سودمندترین کاری که بر پایهٔ پارسایی استوار است در پیش گیر. (ساسانفر)

و تو ای پورچیستای اسپنتمان هیچدسپ، جوان ترین دخترم، آنکس را برای همسری خود گزینش کن که به اندیشه نیک و آئین راستی پای بند باشد. پس در این راه، بنام مزدا، نخست با خرد خود رایزنی نما و از او پرسش کن، و سپس با آگاهی و آرامش گزینش نما. (پردیس)

ای پوروچیست از دودمان هیچدَسپ از خاندان اسپنتمان. ای جوان‌ترین دختر زرتشت مزدا اهورا، او را که با منش پاک و راستی و پاکی دلبستگی و ایمان دارد بعنوان سرور و همسر بتو بخشید، پس برو با خِردت نیک مشورت کُن و با عشقی پاک و آگاهی کامل رفتار نما. (آذرگشسب)

و این دین یقیناً (خواهد آمد) پوروچستا از (خانواده)های چت‌اسپتاما واپسین دخت زرتشت اعتماد کامل به وهومن و پیوستگی به اشا و مزدا پس هم‌سخن شو با نیروی باطن خود تو و به برترین الهام ارمایتی عمل کن. (شوشتری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

ای پوروچیستایِ هچتسپیِ سِپیتمانی! ای جوان‌ترین دختر زرتشت! «مزدا» آن کس را که به «منش نیک» و «اشه» سخت باور است، به انبازیِ [زندگی] به تو می‌بخشد. پس با خِردِ خویش همپرسگی کن و با [یاری] «سپندارمذ»، نیکْ آگاهی [خود را] بورز. (دوستخواه)

او این کس را، ای پوروچیست، از پشت، هچتسب (و) از خاندان سپیتمان، ای جوانترین دختر زرتشت او (زرتشت) بتو داد، آن آزموده را در پیوند با منش نیک (و) راستی و مزدا اینچنین با خرد خویش پند پرس، پاکتر پارسائی و نیک اندیشی ورز. (پورداود)

او را، ای پورچستای اسپنتمان هیجدسبان، ای کوچکترین دختر زرتشت به تو بدهد که همواره با منش نیک و راستی و خدای دانا است. با او خردمندانه مشورت بکن و با دانش نیک و افزاینده‌ترین آرامش رفتار بکن. (جعفری)

وتو ای پوروچیست، ای جوان‌ترین دختر زرتشت از خاندان هچت‌اسپ، من که پدر تو هستم (جاماسب) را که یاور دین مزداست از روی راستی و منش پاک به همسری تو برگزیده‌ام، اینک برو با خردت مشورت کن و در صورت پسندیدن او، با عشق پاک در انجام وظیفهٔ مقدس زناشویی بکوش. (شهزادی)

ای پوروچیستایِ اسپنتمانِ هیچدسپان، ای جوانترین دختر زرتشت، مزدا اهورا، آن کس را که به اندیشهٔ نیک و به پاکی و راستی پابند است، به همسری به تو می‌دهد. پس با خرد خود همپرسی کن، و با پارسایی و با دانش نیک رفتار کن. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۳ ، بند ۴

تِم زی وِ سپِردا نی‌وَرانی یا فِرزئی ویدات
پَئیت یئِچا واستریَه اِ یبی یُو اَت‌چا خوَاِتَ اَوِ
اَشائونی اَش وَبیو مَنَنگهُو وَنگهِئوش خوِنْوَت هِنگ‌هوش مِمِ بِئِدوش
خوِنْوَت هِنگ‌هوش مِمِ بِئِدوش
مزداو دَدات اهورُ دَئِنَ یایی ونگهویایی یویی ویسپایی آ
ونگهویایی یویی ویسپایی آ

بدین ترتیب او را با حضور و در میان شما به همسری و زناشویی پیوند می‌دهم او که خدمتگزار پدر، همسر، مردم کشاورز و خویشاوندان خواهد بود. زن درستکار در اندیشه آسایش درستکاران و بستگان است باشد که اهورامَزدا به او بهره شکوهمند اندیشه نیک را برای پیروی از آیین بهی در سراسر زندگی ارزانی دارد. (ساسانفر)

من، «پورچیستا»، چنین کسی را برخواهم گزید و دوست خواهم داشت. باشد که با سرفرازی در برابر شهروندان و همکاران و خانواده و پدر و شوهر و در پرتو اندیشه نیک همیشه رهرو راه مزدااهورا باشم. (پردیس)

من کسی را که بعنوان پدر و سرور تخشاگران و خودمانی‌ها گُمارده شده است دوست خواهم داشت و به همسری میپذیرم، بشود که در بین پارسایان زنی پاکدامن و شایسته باشم و از شکوه یک زندگانی سراسر نیک منشی برخوردار گردم، بشود که مزدا اهورا مرا همیشه از آموزش‌های حکیمانه دین بهی برخوردار سازد. (آذرگشسب)

این (کیش را با) سنجش کامل برگزیده‌ام و برای شما (هریک) پدر و خداوند خانه وظیفه آنان معین شده و نیز به شبانان و خواجگان. (این کیش)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

پاک برای پیروان راستی است. (این) رخشنده میراث وهومن است. مزدا اهورا جاوید به بخشد نیکان کیش را. (شوشتری)

بی گمان من او را که برای همکاران و خویشاوندان به پدری و سروری گمارده شده است، برخواهم گزید و بدو مهر خواهم ورزید. [باشد که] در زندگانی، فروغ «منش نیک» بر من بتابد و اَشَون زنی باشم در میان اَشَونان و «مزدا اهوره» همواره [آموزش‌هایِ] دینِ نیک را به من ارزانی دارد. (دوستخواه)

آری این را (پوروچیست را) بدل‌گرمی بدین رهبری کنم تا که او پدر را خوشنود تواند ساخت و شوهر (و) برزیگران و آزادگان را، (آن) پاکدین پاکدینان، بهرهٔ باشکوه منش نیک ... بدو دهد مزدا اهورا از برای دین نیکش، هماره جاودان. (پورداود)

بی‌گمان من او را که پدر و سرور خانواده و آبادگران گمارده شده به همسری خود برمی‌گزینم بشود که روشنایی منش نیک به من برسد زیرا زنی راست‌کار در میان مردم راست‌کار می‌باشم. بشود که خدای دانا بمن دین بهی را برای همیشه ارزانی دارد. (جعفری)

ای پدر، پس از ژرف‌اندیشی، من (جاماسب) را پسندیدم و دوست دارم و با ته دل به او مهر خواهم ورزید و او را به عنوان شوهر آیندهٔ خود مانند پدر و بزرگ‌تر و راهنمای خود خواهم پذیرفت. بشود که مزدا اهورا بخشش نیک اندیشی را همیشه بهرهٔ ما سازد. (شهزادی)

بی‌گمان، من کسی را که برای همکاران و خانواده، پدر و سرور گمارده شده است، برخواهم گزید و دوست خواهم داشت. باشد که روشنایی اندیشهٔ نیک به من برسد، و زنی پارسا و پاکدامن در میان پاکان باشم. و مزدا اهورا، برای همیشه دین بهی را به من ارزانی دارد. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۳ ، بند ۵

ساخُونی وَز یم نابیو کئی نی بیُو مرَ اُمی
خشمَ ای بیاچا وَدِم نُو مِن‌چا مانزدَزدوم
وادوُ دوم دَئنابیش اَبی‌یس‌چا
اَهوم ی وَنگهِئوش مَنَنگهُو
اَشا وِ اَنیو اَای نیم وی‌وِنگ‌هَتو
تَت زی هُویی هوش‌ِنم اَنگهَت

این سخنان را برای دخترانی که پیمان همسری بندند و برای شما مردان (دامادها) بازگو می‌کنم، به آن‌ها توجه کنید و آن‌ها را بیاد آورید با کاربرد باورهای دینی و هماهنگ با آن‌ها یک هستی شایسته که همراه با اندیشهٔ نیک است به دست آورید بکوشید برای پیوند با اشا و راستی هر یک بر دیگری پیشی گیرد زیرا اینست که سودمند خواهد بود. (ساسانفر)

پس اکنون، من ، «زرتشت» این سخنان را به شما می‌گویم، ای نو عروسان و ای تازه داماداان، پندم را با خرد بشنوید و به یاد سپرید، و با وجدان خود دریابید و به کار بندید: پیوسته زندگی با اندیشه نیک کنید، و هر یک از شما در راستی از دیگری پیشی گیرید، تا زندگی را با خوشی و خرمی سر کنید. (پردیس)

این سخنان را بنو عروسان و تازه داماداان می‌گویم، امیدوارم اندرزم را بگوش هوش بشنوید و با ضمیری روشن آنرا نیک دریابید و بخاطر بسپرید. همیشه با نیک منشی و مهر و محبت زندگی کنید و در راستی و پاکی کوشش کنید از یکدیگر پیشی جوئید، چه بی‌گمان از زندگانی سرشار از خوشی و خوشبختی برخوردار خواهید شد. (آذرگشسب)

این سخن می‌گویم به دوشیزگانیکه عروس می‌شوند و به شما (نوجوانان) که داماد می‌گردید و خواستارم به ذهن‌تان بسنجید، و به نفس خود درک

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

کنید که همواره عشق‌تان را به وهومن عملی سازید و هر یک از شما بکوشید که در راستی برتری جوید و برای آن به هر یک از شما پاداش نیکو هست. (شوشتری)

سخنانی می‌گویم دوشیزگانِ شوی گُزین را و شما [دو تن] را [نیز] اندرز می‌دهم. [پندم را] با اندیشه [بشنوید] و بدرستی به یاد بسپارید و با «دین» خویش دریابید و بکار بندید: بر هریک از شماست که در پرتو «منش نیک»، در [راهِ] «اشه» از دیگری پیشی گیرد. بی‌گمان این برای وی، پاداش نیکی است. (دوستخواه)

سخنانی بکنیزکان بشوی رونده گویم و بشما (نیز) پند دهنده. آن را بیاد بسپارید و دریابید در نهادهای (خود) در کوشش زندگی منش نیک در راستی یکی از شما باید بر دیگری برتری جوید چه این از برای وی مزد خوب خواهد بود. (پورداود)

سخنم با شما است، ای نو عروسان و ای تازه دامادان! آنرا در مغز خود جای دهید و دین را درست دریافته، زندگانی را با منش نیک بسر کنید. بشود که هر یک از شما بر دیگری در راستی سبقت بجوید. بیگمان چنین تلاشی زندگانی هر کدام را کامیاب خواهد ساخت. (جعفری)

ای نو عروسان و دامادان، روی سخنم با شماست. به اندرزم گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت در پی زندگانی پاک منشی برآیید. هر یک از شما باید در کردار نیک و مهرورزی بر دیگری پیش‌دستی جوید تا این زندگانی مقدس زناشویی را با شادی و خرمی به پایان رسانید. (شهزادی)

این سخنان را به شما می‌گویم ای نو عروسان و ای تازه دامادان، پندم را با اندیشه بشنوید و به یاد بسپرید، و با یابش خود دریابید و به کار بندید: پیوسته زندگی با اندیشهٔ نیک کنید، و هر یک از شما در راستی از دیگری پیشی گیرید، تا از زندگی و خانمان خوب برخوردار گردید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۳ ، بند ۶

ایتا ای هئی تیا نَرُ اَتا جِنَیو
دروجُ هَچا راتمِوُ یم سپَشوتا فراییدیم
دروجُ آیسِ هوییش پیتا تَنوُ پرا
وَیو بِردوبیوُ دوش‌خُوارِتِم نانسَت خُواتِرم
دروگوُ دِبیو دِجیت اَرِتُ اِ ایبیُو اَناییش
آ مَنَهیم اَهوم مرِن گِدوی

ای مردان و ای زنان، شاید چنین رویدادی پیش آید و به ببینید یک پیرو وابسته به دین دروغ کامروا شود من چنین کسی را از آن کامروایی برحذر و دور می‌دارم چون او آرامش را نابود می‌کند چنین کسی دچار روزی تنگی و پریشانی می‌شود و سرانجامِ او همراه با آه و افسوس خواهد بود. پیروان دروغ تباه‌کنندگان راستی هستند، اگر با آن‌ها همکار شوید زندگی و هستی مینوی را نابود می‌کنید. (ساسانفر)

ای مردان و ای زنان، بدانید که در این جهان، دروغ تباه کننده زندگی است، پس از آن دوری کنید و آنرا نگسترانید. و این بدانید که آن خوشی که با فریفتن دیگران بدست آید، مایه رنج و اندوه است، چون تبهکارانی که با راستی در نبردند، خوشبختی را در زندگی خود نابود می‌کنند. (پردیس)

ای مردان و زنان کوشش کنید باین حقایق توجه داشته باشید، از دروغ که همان زندگانی مادی و وسوسه‌انگیز است پرهیز کُنید و از پیشرفت ریا و فریب جلوگیری نمائید، پیوند خویش را با دروغ بگُسلید و بدانید آن خوشی و سروری که از راه نادرست و بدبختی و بیچارگی دیگران بدست آید جز رنج و افسوس چیزی ببار نخواهد آورد و تبهکاران و دروغ پرستانی که در پی تباهی درست کردارانند، براستی زندگانی معنوی و آرامش روحی خود را از بین خواهند برد. (آذرگشسب)

ای جوانان و ای دوشیزگان: در این زمین این حقیقت دارد که در کشش‌های حیاتی ناراستی سود می‌بینید و به علاقه (به چیزهائیکه) دور از شخص شما

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

می‌باشند به روشنائی ضعیف حامل بار رنج می‌شوید می‌پوشاند (تیره می‌سازد) روشنائی باطن به این نفرت کنندگان از راستی. به این ترتیب آیا شما تباه خواهید کرد زندگی روانی خود. (شوشتری)

ای مردان و زنان! این را بدرستی دریابید که «دُروج» در این جا فریبنده است. «دُروج» را از پیشرفت و گسترش باز دارید و پیوند خویشتن را از آن بگسلید. شادی بدست آمده در کورسو[یِ تباهکاری]، اندوه مایه‌ای است. بدین سان، دُروندانِ تباه کنندهٔ راستی، زندگیِ مینُویِ خویش را نابود می‌کنند. (دوستخواه)

بدرستی آن چنین است، ای مردان و زنان. هر آن گشایشی که نزد پیرو دروغ می‌نگرید از خود او ... گرفته خواهد شد. افسوس برندگان راست خورش بد، رامش برگردد از دروغ‌پرستان که آیین آزاراند اینگونه (نیز) شما زندگی مینوی خود تباه می‌کنید. (پورداود)

ای مردان و ای زنان، در این جهان این حقیقتی است که جلوهٔ دروغ دلربا است اما این هم حقیقتی است که آن شما را از خویش دور می‌گرداند. انجام شما دروغ‌کارانی که راستی را تباه می‌سازید بدنامی و ناآرامی است. با چنین کارهاست که شما زندگانی مینوی را بر باد می‌دهید. (جعفری)

ای مردان و زنان، راه راست را دریابید و بامنش پاک آن را پیروی کنید و هیچگاه گرد دروغ و خوشی‌های زودگذر زندگی که تباه کنندهٔ خوشبختی شما در آینده است نگردید، زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد چون زهرِ کُشنده‌ای است که به شیرینی درآمیخته و همانند خورش دوزخی است. با این جور کارها زندگانی گیتی و مینوی خود را تباه مسازید. (شهزادی)

ای مردان و ای زنان، این بدرستی بدانید که در این جهان، دروغ فریبنده است. از آن بگسلید و آن را مگسترانید. و این بدانید که آن خوشی که از تباهی و تیرگی راستی به دست آید، مایهٔ اندوه است. و دُروندانی که راستی را تباه می‌سازند، زندگی مینویی خویشتن را نابود می‌کنند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۳ ، بند ۷

اَ تـ‌چا وِ میژدِم اَنگهَت اَهیا مَگَهیا
یوَت آژوش زَرَزدیش‌تو بونُوئی هَخت‌یَاو
پَرَچا مرئوچانس اَ اُ را چا یترا
مَئی‌نیوش درِگوَتُ اَنانسَت پَرا
ایوی زَیتا مَگِم‌تِم اَت وِ
وَیویی انگهَ ایتی اَپِـمِم وَچُو

و همچنینی برای شما در پیوستن به این انجمن برادری مغان (و برگزاری آیین) پاداش خوبی خواهد بود. و نیز برای همسران همبسته (زوج پیوسته با پیمان همسری) تا زمانی که شور و گرایش باورمندی در نهادشان وجود داشه باشد اما روان آنکس که پیرو دین دروغین است (دُروَند) دیر یا زود به سوی پستی می‌گراید تا سرانجام نابود شود. اگر شما این انجمن برادری مغان را رها کنید و دوری جویید سرانجامِ شما پشیمانی و آخرین سخنان شما دریغا و افسوس خواهد بود. (ساسانفر)

و پاداش انجمن مغان تا روزی برای شما خواهد بود که در پیمان خود، چه در بلندی و چه در پستی، استوار باشید. ولی اگر اندیشه دروغ به شما چیره گشت، و با شکستن پیمان ، به آئین انجمن مغان پشت نمودید، جز افسوس و اندوه در زندگی چیز دیگری نخواهید یافت. (پردیس)

و هنگامی که بآئین آزادگی و برادری پای‌بند باشید و مادام که عشق و وفاداری ریشه‌دار در دلهای شما جفت جوان «عروس و داماد» وجود داشته باشد، چه در این جهان و چه در زندگانی دیگر از بهترین پاداش بهره‌مند خواهید شد، ولی هرگاه گرفتار روح پلید اهریمنی و وسوسه‌های شیطانی شده و از این آزادگی و برادری دست بردارید، پی آمد آن جُز رنج و اندوه و بانگ دریغ و افسوس چیز دیگری نخواهد بود. (آذرگشسب)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

بصورت دیگر پاداش شما از اخوت مگای (زرتشتی) هست، تا زمانیکه (شما) جفت (زن و شوهر) با هم نهایت علاقه و جوشش دارید، خواه آن علاقه مادی باشد خواه روانی (اعلی یا ادنی) آیا این اخوت را رها می‌کنید؟ پس (اعلام می‌کنم) که آخرین سخن پر درد شما وای خواهد بود. (شوشتری)

تا بدان هنگام که دل و جان شما سرشار از شور و مهر است و با یکدیگر می‌جوشید ـ خواه در فراخی، خواه در تنگی ـ از پاداش «مَگَه» برخوردار خواهید بود. اما اگر «مینوی»یِ دُروند بر شما دست یابد و آنگاه از «مَگَه» روی برتابید، سرانجام بانگِ وای و دریغ بر خواهید آورد. (دوستخواه)

و شما را مزد این آیین مغ خواهد بود، تا چند که کوششی دلداده‌تر در بُن و ریشهٔ شماست، در آنجائی که روان دروغ‌پرست بر کنار و نگون دوتا گشته نابود خواهد شد. اگر این آیین مَغ فرو هلید، بانگ دریغ در انجام گفتار شما خواهد بود. (پورداود)

اما بهرهٔ انجمن مغان تا روزی از آن شماست که در زندگانی زناشویی، چه در فراخی و چه در تنگی دارای والاترین مهر و محبت هستید. بدین طریق مکتب فکری دروغ‌کار نابود می‌گردد اما اگر شما این انجمن را رها کردید، آخرین سخن شما «وای» خواهد بود. (جعفری)

ای جوانان و همسران، پاداش پیروی از راه درست و راست زندگی را پروردگار به کسی بخشد که هوا و هوس و خودخواهی و آرزوی باطل را از خود دور سازد و بر نفس خویش چیره شود، زیرا کوتاهی و غفلت در این راه پایانش جز ناله و افسوس نخواهد بود. (شهزادی)

و پاداش انجمن مغان تا روزی برای شما خواهد بود که در زندگی زناشویی خود، چه در تنگی و چه در فراخی، باهم بجوشید و به هم مهربان باشید. اما اگر اندیشهٔ دروغ بر شما چیره گردد و آیین انجمن مغان را رها کنید، با پیامد آه و افسوس روبرو می‌گردید. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۳ ، بند ۸

اَناییش آ دوژوَرِش نَنگهو دَفش نَیا هِنتو
زَخیاچا ویسپاونگهُو خرَئُوسِنتانم اوپا
هوخشتَراییش جِنِرانم خرونِرانم‌چا ویژی بیُو
رامانم‌چا آییش دَداتو شی‌یئی‌تی‌بیوُ
ایرَتو ایش دوَفِشُو هوُ دِرِزا
مِرِی یتیا اوش مَزیشتُو مُوشوچا اَشی

با اینها (که گفته شد) کسانی که کردارشان نادرست است فریب‌خورده همگی دچار خواری و ریشخند خواهندشد. آن‌ها ناگزیر می‌خروشند و خود را سرزنش می‌کنند باشد که با فرمانروایی خوب که از خرد پیروی کند خونریزی و دست‌درازی تبهکاران به اشا پایان پذیرد و سازش و آرامش را به روستاییان و شهرنشینان ارزانی دارد و او، اینها را (دُروَندان را) هر چه زودتر با زنجیر شکنجه و مرگ دربند کند. (ساسانفر)

پس، افسوس و اندوه سرانجام کسانی است که فریب خورده و به گروه بدکرداران پیوسته‌اند. بشود که، در پرتو فرمانروائی درست، فریبهای تباه کننده، از میان برود، و زنان و مردان، در خانه‌ها و شهرها با آرامش و خرمی زندگی کنند، و روشنائی مزدا به آنها روی آورد. (پردیس)

براستی بد کرداران و تبهکاران سرانجام فریب خورده و مورد ریشخند مردم قرار گرفته خود را سرزنش خواهند کرد. بشود که در پرتو رهبری درست کردار و شهریاری دادگر زنان و مردان در دودمان خویش و در روستاها از آرمش و آسایش و صُلح و آشتی برخوردار گردند، بشود که ریا و فریب‌کاری که چون زنجیر انسان را به تباهی می‌کشاند از پهنهٔ گیتی براندخته شود. بشود که خداوند یکتا و بزرگ‌تر از همه بزودی بسوی ما آید. (آذرگشسب)

پس یقیناً بدکاران فریب خورده (در تحیر) بمانند و به مسخره شدن یکدیگر را سرزنش کنند. دوشیزگان و جوانان ما از پیشوایان نیک (یاری)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

خواهند یافت (خداوند) به این راستی‌ها امن بدهد و رنج از مردم شاد ناپدید گردد و او خداوند مرگ و بزرگترین زود بسوی ما باز گردد. (شوشتری)

اینچنین همهٔ دُژ کرداران فریب می‌خورند و با ریشخندِ همگان، خروش برمی‌آورند و دچار گزند و شکست می‌شوند. [اما] در پرتوِ [کنشِ] فرمانروایِ نیک، رامش به زنان و مردان در خانمانها و روستاها باز می‌گردد. [بشود که] فریفتاری ـ این زنجیرِ براستی مرگبار ـ برافتد. [بشود که] آن از همه بزرگتر، شتابان به سوی ما آید. (دوستخواه)

اینچنین بد کرداران فریفته باشند و بآسیب رها گشته همگان خروش بر آرند بکند از شهریاران خوب او (مزدا) شکست و گزند (بآنان رساند) و رامش از آنان بدههای شاد دهد و زود باشد آنان را آن کسی که بزرگتر است با بند مرگ برنج اندر کشد. (پورداود)

با این کارهاست که بدکاران فریب می‌خورند و با مسخره شدن، بر یکدیگر فریاد می‌کشند. اما با اصول شهریاری به زنان و مردان در خانه‌ها و شهرها آشتی و آرامش می‌رسد و این بهترین جلوگیری از نابودی است. بشود که شهریاری زود بدست آید. (جعفری)

فریب خوردگانی که دست به کردار زشت زنند گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد که سرانجامش خروش و فریاد و ناله است. ولی زنان و مردانی که به اندرز و راهنمایی من گوش دهند آرامش و خوشی زندگی بهره‌شان خواهد بود و سختی و رنج از آنان دور می‌شود و به نیکنامی جاودانی می‌رسند. (شهزادی)

سرانجام و به روشنی، بدکاران، فریب می‌خورند و ریشخند می‌شوند و سرزنش می‌بینند. اما، در پرتو شهریاری و رهبری نیک، زنان و مردان در خانه‌ها و شهرها به آشتی و رامش می‌رسند. و تبهکاریها و فریب‌های بهم بستهٔ مرگبار برمی‌افتد. و مزدا اهورا، که بزرگتر از همه است، به ما روی می‌کند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

هات ۵۳ ، بند ۹

دوژوَ رِناییش وَ اِشُو راستی تُویی نَرِپیش رَجیش
اَ اِشَسا دِجیت اَ رِتا پِشُو تَنُو
کو اَشَوا اَهورُ ی ایش
جیاتِئوش هِمیت‌یات وَسِ ایتوییش‌چا
مَزدا خشتَرِم یا اِرژِجی‌یویی
داهی دریگَ اُوِ وُهیو

بدباوران با گزینش زهرآلود خود سمپاشی می‌کنند. آن‌ها نماد پستی و وابسته به تاریک‌اندیشی هستند. با ددمنشی به اَشا (نماد راستی و حقیقت) آسیب می‌زنند، آن مرگ ارزان و سزاوار کیفرند کجاست آن فرمانروای درستکاری که آن‌ها را از آزادی و زندگی باز دارد آن، ای مزدا! نیروی فرمانروایی تست که آنچه بهتر است، به آن نیازمندی ارزانی می‌داری که با درستی زندگی می‌کند. (ساسانفر)

کژاندیشان تبهکار که در نبرد با راستی هستند، و خردگرایان را کوچک می‌شمارند، حتی با خویشتن خود در ستیزند. کجاست آن رهبر راستکرداری که در برابر آنها بر خیزد و بدکاری را در آنها نابود کند؟ ای مزدا، تنها با فرمانروائی مینوی توست که، راستکرداران از بهترین زندگی برخوردار خواهند شد. (پردیس)

کج‌باوران و بد اندیشان نسبت به نیکوکاران نفرت دارند و اشخاص محترم و با ارج را خوار می‌شمارند، آنان بندهٔ هوی و هوس‌اند، و درست کرداران را بدیدهٔ حقارت می‌نگرند، هر چند با نفس خویش، مدام در کشمکش و پیکارند. کیست آن سرور پرهیزکاری که در کمال آزادی با تمام وجودش با بدکاران مبارزه کند، ای مزدا تنها نیروی معنوی تُست که می‌تواند درویشان درست کار را یار و یاور باشد و به آنان نیکوترین پاداش بخشد. (آذرگشسب)

پیروان ناراست را نفرت رهنمائی می‌کند که ارجمندگان را محکوم نمایند. آنان بنده خواهشهای نفسانی هستند و تحقیر کننده راستی و در کشمکش خودی

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

(ولی)، او که خداوند نیکی است با آنان مبارزه خواهد کرد و با همه نیروی زیست و با کمال آزادی. ای مزدا! به خشتر (نیروی ایزدی) تو چنین نیک کاران فروتن را برترین پاداش می‌دهی. (شوشتری)

دُژباوران که بندهٔ کامِ [خویش]اند و از راستی روی برمی‌تابند، [از پارسایان] بیزارند و ارجمندان را خوار می‌شمارند. [آنان] با خویشتن نیز در کشمکش‌اند. کیست آن سرورِ اَشَون که به آزادکامی و از دل و جان با ایشان بستیزد، ای مزدا! تو با «شهریاریِ مینُویِ» خویش، درویشانی را که درست زندگی می‌کنند، بهروزی خواهی بخشید. (دوستخواه)

به بد کیش تباهی سزد. اینان که آرزومندند ارجمند را خوار کنند، آن پست شمرندگان آیین که بکیفر ارزانی‌اند. کجاست آن داور درست‌کردار که زندگی و آزادی از آنان برباید؟ ایدون‌تر است، ای مزدا توانائی که بدرویشان راست زندگی کننده بهتری بخشائی. (پورداود)

کار با بد باوران از ارج شخص می‌کاهد اینان ضد راستی و خشمگینانی هستند که خود محکوم می‌باشند. کجاست سرور راست‌کار که با اینان با جان و دل و آزادانه مبارزه کند؟ آن، ای خدای دانا، شهریاری تست که در آن به ستمدیده‌یی که راست‌کار است، بهتری می‌بخشی. (جعفری)

پیروان راه بد مردم نیک را خوار شمارند و دیگران را بر ضد آنان وا می‌دارند. اینان چون فرمانبر نفس خویش‌اند، دین داران را پست می‌شمارند و می‌کوشند تا آنان را آلوده سازند. کیست آن سرورِ دادگری که با تمام وجود بر ضد آنان برخیزد. ای مزدا تنها تو می‌توانی با نیروی خود دین داران درست‌کردار و نیک اندیش را یار و یاور باشی و آنان را نیکوترین پاداش و مزد بخشی. (شهزادی)

کژ اندیشان بدکار، که بنده هوسند و از راستی روگردانند، از پاکان بیزارند و ارجمندان را خوار می‌دارند. هر چند که با خود نیز در کشمکش و ستیزند. کیست آن سرور پارسایی که با دل و جان و آنچنان که خود می‌خواهد، با چنین بدکارانی بستیزد؟ ای مزدا، با شهریاریِ مینُویی توست که وارستگانی که بدرستی زندگی می‌کنند، از بهترین پاداش‌ها برخوردار می‌گردند. (وحیدی)

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

PDF.tarikhema.org

لیست آثار مهندس جلال‌الدین آشتیانی

دفتر (جزوه) ماتریالیسم		۱۳۲۷
مدیریت نه حکومت	اسفند	۱۳۵۸
زرتشت	شهریور	۱۳۶۰
تحقیقی در دین یهود	مهر	۱۳۶۲
تحقیقی در دین مسیح		۱۳۶۴
عرفان بخش اول ـ شامانیسم		۱۳۶۷
عرفان بخش دوم ـ مذاهب اسراری	پائیز	۱۳۶۸
عرفان بخش سوم ـ وداها (مذاهب هندی)		۱۳۷۰
عرفان بخش چهارم ـ ودانتا (مذاهب هندی)	زمستان	۱۳۷۰
پیشگفتار چاپ نهم زرتشت مزیستا و حکومت	تیر	۱۳۷۳
عرفان بخش پنجم ـ بودیسم و جینیسم		۱۳۷۶
خلاصه خبر آسوشیتدپرس ۱۹۸۹ (دین مسیح)	اردیبهشت	۱۳۷۹
پیشگفتار تحقیقی در دین یهود (اشپیگل)	بهمن	۱۳۸۱

tarikhema.org

PDF.tarikhema.org